

بسم الله الرحمن الرحيم

کمین جولای ۸۲

روزشمار ربع قرن گروگان‌گیری چهاردیپلمات ایرانی
۱۳۸۴ - ۱۳۶۱

به کوشش :
حمید داودآبادی

فرهنگ‌سرای پایداری

نشر غنچه فرهنگ سرای پائیداری

کمین چهارم جولای

روزشمار گروگان‌گیری چهاردیلمات ایرانی در لبنان

به کوشش: حمید داودآبادی

چاپ اول: تابستان ۱۳۸۴

حروفچین: صدیقه حسینی

مدیرهنری: میثم بروجردی

شمارگان: ۳۳۰۰ نسخه

قیمت: ریال

شاپک:

حق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

تقدیم به:

همه مادرانی که

سال‌هاست چشم‌انتظار

دیدار جگرگوشه‌های خویشند

بویژه خانواده چهار دلیرمردگمنام

که در غمگین‌ترین روز تابستان ۱۳۶۱

چهاردهم تیرماه (۵ جولای ۱۹۸۲ میلادی)

غریبانه رفتند و از گردراه‌شان خبری برما نیامد ...

فهرست

سخن ناشر	۹
یادداشت نویسنده	۱۱
روزشمار گروگان‌گیری	۱۳
ضمیمه‌ها	۳۰۳
تصاویر	۴۶۹

سخن ناشر

معمای تابه امروز حل‌نشده‌ای در این کتاب مورد کنکاوش و بررسی قرار گرفته‌است. معمایی به قدمت نزدیک به ربع قرن.

داستان سراسر ابهام سفرنا تمام چهار شهروند جمهوری اسلامی ایران، در یک ظهر داغ تابستانی از جاده ساحلی طرابلس- بیروت به سوی پایتخت کشور اشغال شده لبنان. حکایت چشمان بردرمانده مادران و پدران، خواهران، همسر و فرزند آن مسافران از یادرفته. داستان سیاست با همه دعاوی تلخ و شیرین آن، قصه رسانه با تمام تغافل‌ها و دروغ‌بافی‌های آن، حدیث بغض‌های داغ گلوگیر شده در حلقوم یارانی چشم به راه. و سرانجام، ماجرای کمین شبه‌نظامیان مسیحی متحد ارتش رژیم اشغالگر قدس بر سر راه خودروی حامل «سید محسن موسوی»، «احمد متوسلیان»، «کاظم اخوان» و «تقی رستگار مقدم» در ظهر روز پنجم جولای ۱۹۸۲. اینها همه را، پژوهشگر و نویسنده توانای حوزه ادبیات پایداری، جناب آقای حمید داودآبادی در یک روند پژوهشی چندین‌ساله، گردآوری و در قالب کتابی که در دست دارید، ارائه کرده‌است.

فرهنگ‌سرای پایداری، تذکر این نکته را بر خود لازم می‌داند که این کتاب به هیچ روی دعوی حل قطعی آن معما را ندارد. چه اینکه، اگر این معمای سراسر ابهام و شگفتی، امکان رمزگشایی داشت، چه بسا دست‌ان‌توان‌تر و کارآزموده‌تر از مولف کتاب و این فرهنگ‌سرا، بودند که می‌توانستند از آن گره‌گشایی نمایند.

از آن‌جا که سه تن از آن چهارگروگان از یاد رفته، در شکل‌گیری عظیم‌ترین حماسه‌های پایداری ایمانی ملت ایران در دوران دفاع مقدس نقشی انکارناپذیر ایفا کردند، فرهنگ‌سرای پایداری انتشار

۱۰ □ کمین جولای ۸۲

این اثر را در حکم عرض ادب و ادای دینی به آن جوانمردان خفته در کهف فراموشی تلقی کرده و خود را در این امر محق می‌دانند.

سلام بر خاطره تابناک پرچمدار سلحشور فتح خرمشهر، حاج احمد متوسلیان، عکاس بسیجی کاظم اخوان، رزمنده بسیجی محمدتقی رستگارمقدم و سرانجام، سیاست‌مرد بسیجی سیدمحسن موسوی.

اللهم فک کل اسیر

واحدادیات وانتشارات

فرهنگ سرای پایداری

یادداشت نویسنده

قصده آن ندارم تا بر این کتاب مقدمه‌ای بنویسم، چرا که گفتن و نوشتن از تلخی آن حادثه عظیم، از حد و اندازه من خارج است. فقط می‌خواهم از همه عزیزانی که طی ۱۰ سال گذشته، به هر طریق ممکن ولو در حد ارائه یک برگ سند یا خبری کوتاه، در طی این مسیر طولانی، خالصانه و بدون هیچ چشمداشتی، همراه و کمک حالم بودند تا این نوشتار به سر منزل مقصود برسد، کمال تشکر و سپاس را بجا آورم. همه عزیزان و دوستان که اینانند:

«علیرضا کمری» استاد و راهنمای همیشگی‌ام از زمانی که دستم با قلم، دوست و آشنا شد.
«حسین بهزاد» که بسیاری از تلاش‌ها و همت‌هایم را از اولین روزها و ماه‌های آغازین این تحقیق، مدیون اویم.

«محمدعلی صمدی» که سال‌های آغازین کار، مساعدت و همراهی‌های او بسیار کمکم کرد.
«مسعود ده‌نمکی» که همواره صفحات نشریاتش از شلمچه و جبهه گرفته تا صبح‌دوکوهه، برای انتشار مطالب مربوط به چهارگروگان مظلوم، میزبانم بود.

«شاهرخ سلطان‌احمدی» که در راه کسب اطلاع از دایمی مفقودش کاظم اخوان، بسیار می‌کوشد و مرا چون دوستی امین، برای خانواده چشم‌انتظار اخوان پذیرفت.

«خانواده کاظم اخوان» که توفیق همراهی و پی‌گیری سرنوشت این عزیز را به من عطا کردند.
«موسی احمد قصیر» که پی‌گیری بیشتر کارها در لبنان، بدون وجود او ممکن نبود و بسیار مدیون زحماتش هستم.

«سیدسعید لواسانی» که به‌عنوان سردبیر هفته‌نامه فرهنگ‌آفرینش، موقعیت بسیاری برای فعالیتیم فراهم آورد تا بتوانم پی‌گیر این مسئله باشم.

«یوسف زمانی» که او نیز به‌عنوان سردبیر بعدی فرهنگ‌آفرینش، با همراهی‌هایش، به این کار کمک‌های بسیاری کرد، اگرچه خودداند.

«احسان محمدحسینی» که اگر نبود عشق و علاقه و همت والای او در پی‌گیری مسئله چهارعزیز، چه در «موسسه‌عاشورا» و چه در «فرهنگ‌سرای‌پایداری»، این کتاب به عرصه چاپ قدم نمی‌گذاشت.

«سارا زیباکلام» که زحمت ترجمه بسیاری از مطالب، از انگلیسی به فارسی و بالعکس، با او بود.

«فریدون گنجور» دوست قدیمی کاظم اخوان، که او نیز به نوبه خود کمک‌حالم بود.

«دفتر حزب‌الله‌لبنان» در تهران، که آرشیو نشریات و همکاری‌های‌شان، بسیار کمک‌م‌کرد.

«روزنامه جمهوری‌اسلامی» که آرشیو مطالبش خیلی کمک‌م‌کرد.

«روزنامه کیهان» که آرشیو عظیمش، در بسیاری مراحل، مشکلات را از سر راهم برداشت.

«خبرگزاری‌مهر» که مدت کوتاه همکاری‌ام با آنان، فرصت بسیار ارزشمندی بود برای پی‌گیری مسئله چهارعزیز.

«سایت‌اینترنتی مهدیس» که دل‌سوزانه، اکثر مطالب قابل انتشار را، به عرصه شبکه ارتباط گسترده جهانی رهنمون ساخت.

«فرهنگ‌سرای‌پایداری» با همه کارمندانش، که زحمات بسیار مرا تحمل کردند و در انتشار کتاب همراه شدند.

«بهمن بهساز» که با تهیه برخی مطالب عربی، در این مسیر سخت، همراهم بود.

«حامد طالبی» که با شور و جسارت بسیارش، در یک‌سال گذشته، گام‌های ارزشمندی در پی‌گیری سرنوشت چهارگروگان برداشته است، که اکثر گفت‌وگوها و گزارش‌های خبرگزاری‌مهر، از اوست.

... و «همسرم» که ضمن تحمل سختی‌های زندگی با یک نویسنده، زحمت حروفچینی مطالب را نیز بر دوش کشید و بسیار کمک‌حالم شد.

حمید داودآبادی

تیرماه ۱۳۸۴

روز شمار
گروگان گیری

سال ۱۳۶۱ هـ ش
۱۹۸۳ = ۱۹۸۲ م

۱۳۶۱/۴/۱۵ = ۶ جولای ۱۹۸۲

مزدوران اسرائیل دیپلمات‌های ایران را در بیروت ربودند

حزب راست‌گرا و مسیحی‌کتاب که از حمایت رژیم اشغالگر قدس برخوردار است، بعد از ظهر یکشنبه گذشته، محسن موسوی مشاور اول سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت را به اتفاق سه تن دیگر از کارمندان این سفارتخانه در مدخل بیروت غربی ربودند.

به گزارش نماینده خبرگزاری جمهوری اسلامی در بیروت، هیئت دیپلماتیک ایران که توسط چند پلیس لبنان محافظت می‌شد، در مسیر بقاع - طرابلس به بیروت توسط شبه‌نظامیان حزب‌کتاب اسیر و به یکی از مقرهای جنگی این حزب انتقال داده شدند و این درحالی است که پلیس‌های لبنانی همراه این عده آزاد شدند. بنا به همین گزارش، مطبوعات دیروز لبنان نوشتند: تماس‌های رسمی و حزبی جهت نجات جان دیپلمات‌های ایرانی در جریان است و در این تماس‌ها تعدادی از وزرای لبنان نیز شرکت دارند.

اطلاعات

۱۳۶۱/۴/۱۶ = ۷ جولای ۱۹۸۲

تلاش برای آزادی چهار دیپلمات ایرانی توسط مقامات لبنانی همچنان ادامه دارد

... در رابطه با این حادثه، یک مقام وزارت امور خارجه [جمهوری اسلامی] گفت: «موسوی که قبل از اعزام سفیر به لبنان، مقام کارداری سفارت را داشت، همراه سه نفر دیگر دستگیر شده‌اند.» وی همچنین گفت که کوشش‌هایی برای رهایی این افراد در جریان است، اما تاکنون نتیجه به دست نیامده است.

کیهان

۱۶ □ کمین جولای ۸۲

۱۳۶۱/۴/۱۷ = ۸ جولای ۱۹۸۲

ایران مسئولیت ربوده شدن دیپلمات‌هایش در بیروت را متوجه دولت لبنان دانست

متعاقب این که نیروهای شبه نظامی حزب فاشیست کتائب، برای سومین روز متوالی مشاور اول سفارت ایران در بیروت را به اتفاق سه تن از کارمندان سفارت پس از ربودن آنها در روزیکشنبه در منطقه «برباره» در یکی از مقرهای خود بازداشت کرده اند، سفارت جمهوری اسلامی در بیروت روز گذشته با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد که مشاور اول سفارت ایران در بیروت و سه تن از کارمندان ربوده شده توسط نیروهای حزب کتائب، همچنان در بازداشت به سر می‌برند و تاکنون تماس‌هایی که برای آزاد ساختن آنها صورت گرفته بی نتیجه مانده است. سفارت ایران در بیروت در بیانیه خود عواقب این امر را به عهده مقامات مسئول لبنان گذاشته، چراکه این اقدام در انظار مقامات لبنان صورت گرفته است. زیرا در موقع ربودن این هیئت، نیروی ویژه حفاظت از جان دیپلمات‌ها این هیئت را همراهی می‌کرده‌اند. سفارت ایران همچنین یادآور شد که برقراری تماس با کلیه مقامات مسئول جهت آزاد ساختن ربوده شدگان همچنان جریان دارد. کما این که سفارت طی اقدامات دیگری که بعداً آن را اعلام خواهد کرد، جزئیات این حادثه را تشریح می‌نماید.

اطلاعات

۱۳۶۱/۴/۲۰ = ۱۱ جولای ۱۹۸۲

دستور نخست وزیر لبنان به ماموران امنیتی برای یافتن دیپلمات‌های ایرانی

«نبیه بری» رئیس شورای رهبری جنبش امل به اتفاق «حسن هاشم» رئیس این جنبش، روز گذشته با «شفیق وزان» نخست وزیر لبنان ملاقات کرد. وزان که در عین حال وزیر کشور لبنان نیز هست، به تمامی دستگاه‌های امنیتی لبنان دستور داد نهایت کوشش خود را برای روشن شدن مسئله ناپیدایی دیپلمات‌های ایرانی به عمل آورند. وزان شب گذشته در یک اظهار نظر مطبوعاتی گفت: «ما این حادثه اسفبار را که هیچ مجوز قانونی و انسانی ندارد، محکوم می‌کنیم و از همه می‌خواهیم که برای بازگرداندن کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران و همراهانش، با ما همکاری کنند. بویژه که ما در شرایط حساسی هستیم که باید از بروز چنین مشکلاتی جلوگیری کنیم.»

اطلاعات

۱۳۶۱/۴/۲۷ = ۱۸ جولای ۱۹۸۲

ما منتظر اقدام جدی و پی‌گیر دولت لبنان برای نجات دیپلمات‌های ایرانی هستیم

دکتر علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، دیروز با ارسال نامه‌ای برای شفیق وزان نخست وزیر جمهوری لبنان، مسئولیت ربوده شدن و اسارت هیئت دیپلماتیک ایران توسط فالانژیست‌ها را متوجه دولت لبنان دانست و خواستار انجام اقدامات جدی و پی‌گیر در این رابطه شد. متن نامه وزیر امور خارجه کشورمان به این شرح منتشر شد:

بسم الله الرحمن الرحيم

روز شمار گروگان‌گیری □ ۱۷

جناب آقای شفیق وزان نخست‌وزیر جمهوری لبنان
اینک که کشور لبنان یکی از حساس‌ترین و سرنوشت‌سازترین مراحل تاریخی خود را می‌گذراند، مردم مسلمان و ستم‌دیده لبنان و فلسطین هم‌اکنون به پاس مقاومت در مقابل توسعه‌طلبی‌های رژیم صهیونیستی و آمریکا، بمباران‌های وحشیانه و ددمشانه صهیونیسم را تحمل می‌کنند، جمهوری اسلامی ایران همان‌گونه که از پیش نشان داده است، نسبت به این جنایات بی‌تفاوت نبوده و تمام تلاش خویش را برای رفع این تجاوز به کار گرفته خواهد گرفت. دستگیری و اسارت سیدمحسن موسوی نفردوم سفارت جمهوری اسلامی ایران و همراهان وی توسط نیروهای فالانژیست لبنان، حکایت از عمق هراس صهیونیست‌ها و عمال آنها از فعالیت گسترده ما در صحنه لبنان می‌باشد. این توطئه در حالی شکل می‌گیرد که لبنان در اوج محاصره و درگیری‌های خونین شاهد رفت و آمدهای دیپلماتیک وسیعی از جانب کشورها و گروه‌های مختلف چپ و راست می‌باشد و در این میان تنها دیپلمات‌های ایرانی‌اند که مورد تعرض واقع می‌شوند. دولت جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدای این ماجرا، ضمن تماس‌های مکرر و پی‌گیر، چه در اینجا و چه در بیروت، اهمیت آزادی و نجات جان آنان را برای خود، به اطلاع دولت شما رسانده است، ولی متأسفانه پس از گذشت قریب دوهفته تاکنون هیچ اقدام جدی برای حل این ماجرا به عمل نیامده است. حفاظت دیپلمات‌ها و شخصیت‌های گوناگون خارجی در اوج محاصره بیروت توسط نیروهای فالانژیست و رژیم اشغالگر قدس، به خوبی توانایی دولت شما را در انجام این مسئولیت و نیز انتظار ما را در تلاش هرچه بیشتر برای آزادی هر چه سریع‌تر آنان آشکار می‌سازد.

از آنجا که سفر دیپلمات‌های ایرانی به بیروت با اطلاع وزارت امور خارجه و پلیس کشور شما و نیز در معیت نیروهای ویژه حفاظت از دیپلمات‌های خارجی پلیس لبنان بوده و اساساً این دستگیری نیز در انتظار آنان صورت گرفته است، به‌طوری که پس از دستگیری، افراد پلیس همراه آنان آزاد شده‌اند، جمهوری اسلامی ایران مسئولیت این عمل را متوجه دولت لبنان دانسته و منتظر اقدامات جدی و پی‌گیر شما در این رابطه می‌باشد. طبیعی است که دولت ما نیز در این مورد بی‌تفاوت نبوده و تمام امکانات خویش را برای آزادی این فرزندان اسلام به کار خواهد گرفت.

والسلام علیکم ورحمت‌الله وبرکاته

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران - علی‌اکبر ولایتی

اطلاعات

سال ۱۳۶۴ هـ ش
۱۹۸۶ = ۱۹۸۵ م

۱۳۶۴/۳/۱۶ = ۶ ژوئن ۱۹۸۵

سخنان حجت‌الاسلام کروب‌ی درباره ربه‌ده‌شدگان ایرانی

حجت‌الاسلام مهدی کروب‌ی که در راس هیئتی عازم لبنان شده بود، به سوالات خبرنگار خیرگزاری بین‌المللی لبنان در موارد مختلف از جمله گروگان‌های ایرانی، پاسخ گفت. خبرنگار لبنانی از سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی که در سال ۱۹۸۲ در لبنان ربه‌ده شده‌اند سوال کرد و آقای کروب‌ی در جواب گفت: «ما هیچ اطلاعی از سرنوشت آنها نداریم. این سوال را باید از رژیم لبنان کرد، چراکه آنها در لبنان دیپلمات بوده و از سوی نیروهای لبنانی یعنی حزب‌کثائب ربه‌ده شده‌اند که این مسئله در دید نیروهای انتظامی هم بوده است و ما از نیروهای اسلامی و ملی می‌خواهیم که برای آزادی آنها به دولت لبنان فشار بیاورند.»

اطلاعات

۱۳۶۴/۸/۶ = ۲۸ اکتبر ۱۹۸۵

سخنان کاردار ایران در لبنان درباره گروگان‌های ایرانی

«محمد نورانی» در صحبت‌های خود درباره گروگان‌گیری‌های لبنان گفت: «ربه‌دهن افراد نفعی برای روند اسلامی یا میهنی لبنان ندارد. ما ایرانی‌ها از سه سال پیش، از ربه‌ده شدن محسن موسوی یکی از اعضای سفارت ایران در لبنان و همچنین سه تن از همراهانش در رنج و عذاب هستیم.»

اطلاعات

سال ۱۳۶۵ هـ ش
۱۹۸۶-۱۹۸۷ م

۱۳۶۵/۱۲/۲۶ = ۱۶ مارس ۱۹۸۷

اسقف اعظم کاتربری برای یافتن ۴ نفر ایرانی که در لبنان ربوده شده‌اند، اعلام آمادگی کرد به دنبال اظهارات آقای هاشمی رفسنجانی در مصاحبه مطبوعاتی اخیر در مورد «تری ویت» فرستاده ویژه کلیسای کاتربری به لبنان و ربوده شدن چهار ایرانی در لبنان، اسقف اعظم این کلیسای طی نامه‌ای به رئیس مجلس شورای اسلامی، ضمن درخواست تلاش ایران برای یافتن تری ویت، اعلام آمادگی کرده است که برای یافتن چهار ایرانی ربوده شده در لبنان تلاش کند.

اطلاعات

سال ۱۳۶۶ هـ ش
۱۹۸۷ = ۱۹۸۸ م

۱۳۶۶

اظهارات حجت‌الاسلام محتشمی پور

حجت‌الاسلام سیدعلی‌اکبر محتشمی پور سفیر اسبق ایران در سوریه، در گفت‌وگو با سالنامه «کیهان‌سال» ضمن تشریح چگونگی اعزام نیروهای ایرانی به سوریه و لبنان، درباره اسارت چهار دیپلمات ایرانی سخن گفته است.

(ضمیمه ۱)

سالنامه کیهان‌سال

سال ۱۳۶۸ هـ ش
۱۹۹۰ = ۱۹۸۹ م

۱۹ مارس ۱۹۹۰ = ۱۳۶۸/۱۲/۲۹

بیانیه نمایندگان مجلس در مورد گروگان‌های ایرانی در لبنان

بیش از ۱۷۰ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی بیانیه‌ای با اشاره به گزارش‌های برخی از دستگاه‌های خبری استخبار مبنی بر کشته‌شدن احتمالی چهاردیپلمات گروگان‌ایرانی در لبنان، اعلام کردند: «مسئولیت هرگونه اتفاقی برای گروگان‌های مذکور برعهده آمریکا و عوامل آن می‌باشد.» در این بیانیه که در جلسه دوشنبه شب (۲۸ اسفند) مجلس شورای اسلامی قرائت شد، آمده است: «سرنوشت گروگان‌های غربی در لبنان بستگی به‌خواست مردم مسلمان لبنان مبنی بر خاتمه توطئه‌های آمریکا در لبنان و روشن‌شدن سرنوشت گروگان‌های لبنانی و فلسطینی در زندان‌های غرب دارد و تبلیغات رسانه‌های استخباری برای جدا کردن سرنوشت گروگان‌های غربی از مسائل لبنان، به‌شدت محکوم است.»

در این بیانیه از مسئولین وزارت امور خارجه خواسته شده است که در پاسخ به تبلیغات اخیر و شایعه مذاکره پنهانی ایران بر سر گروگان‌های غربی، صراحتاً اعلام موضع کند و تأیید نماید که ایران برخلاف این تبلیغات، در ماجرای گروگان‌های غربی دخالتی نداشته است. همچنین از وزارت امور خارجه خواسته شده است که سرنوشت گروگان‌های ایرانی در لبنان را قاطعانه پی‌گیری کند و برای نجات آنان اقدامی جدی به عمل آورد.

اطلاعات

سال ۱۳۶۹ هـ ش
۱۹۹۱ = ۱۹۹۰ م

۱۳۶۹/۲/۸ = ۲۸ آوریل ۱۹۹۰

یک مقام نیروهای لبنانی از وضع چهارگروگان ایرانی اظهار بی‌اطلاعی کرد

«فواد مالک» رئیس ستاد مشترک چریک‌های مسیحی موسوم به نیروهای لبنانی، دیروز ادعا کرد که سازمان وی چهار ایرانی ربوده شده در سال ۱۹۸۲ در یکی از محل‌های بازرسی نیروهای لبنانی را در اختیار ندارد. مالک طی یک مصاحبه مطبوعاتی ادعا کرد: «وقتی که ما در سال ۱۹۸۶ (۲۵ دی ۱۳۶۴) رهبری نیروهای لبنانی را در دست گرفتیم، هیچ زندانی ایرانی یا لبنانی در زندان‌ها وجود نداشت. ما نمی‌دانیم که قبلاً چه اتفاقی روی داده و ما مسئول آن نیستیم.»
مقام‌ها و رسانه‌های غربی که مکرر خواستار آزادی گروگان‌های خود در لبنان شده‌اند، چندان ذکری از لزوم آزادی چهارگروگان ایرانی به میان نمی‌آورند.

خبرگزاری فرانسه می‌افزاید: «در پی رهایی یک گروگان آمریکایی در لبنان، وزیر خارجه ایران خواستار آزادی سه دیپلمات و یک روزنامه‌نگار ایرانی شد که هنگام تهاجم اسرائیل به لبنان، در یک محل بازرسی نیروهای لبنانی در شمال لبنان ربوده شده‌اند. دکتر ولایتی تاکید کرده بود که بر اساس آخرین اطلاعات موجود، آنان زنده‌اند.»

اطلاعات

۱۳۶۹/۲/۱۰ = ۳۰ آوریل ۱۹۹۰

اظهارات منابع وابسته به میشل عون در مورد گروگان‌های ایرانی

تلویزیون وابسته به «میشل عون» دیشب اعلام کرد: «سه تن از ۴ نفر ایرانی که در سال ۱۹۸۲ توسط نیروهای لبنانی به گروگان گرفته شده‌اند، زنده‌اند.»

روز شمار گروگان‌گیری □ ۲۳

اعلام این مطلب توسط تلویزیون میشل عون، درحالی صورت می‌گیرد که فالانژیست‌های طرفدار «سمیر جعجع» این مسئله را انکار کرده‌اند. به گزارش خبرگزاری فرانسه از بیروت، منابع مطلع نیروهای لبنانی اظهار داشته‌اند: «۳ ایرانی مذکور درحال حاضر توسط نیروهای جعجع در کوه «لاکلوک» واقع در شمال شرقی بخش مسیحی‌نشین بیروت، زندانی هستند.»
خاطرنشان می‌شود، نیروهای لبنانی که اخیراً از سرنوشت چهار ایرانی ربوده‌شده اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند، مدت ۳ ماه است با نیروهای میشل عون درگیر جنگی خونین هستند.
اطلاعات

دیپلماسی تغافل!

قضیه گروگان‌ها، همواره جزو یکی از نخستین میادین مبارزه سیاسی بین تهران و غرب و همین‌طور از کانال‌های مهم در امکان بازگشایی روابط با غرب بود. بسیاری معتقد بودند که آزادی یک جانبه گروگان‌های غربی یک اثر بزرگ سیاسی در فتح قلوب غربی‌ها و به نوعی یک پیام حسن‌نیت برای پایتخت‌های اروپایی و آمریکا به‌شمار می‌رود. این تئوری سیاسی زمانی که با اولین علائم شکست مواجه گردید، قربانیانی نیز به جای گذاشت که از آن جمله می‌توان به بسته شدن پرونده ایرانیان به گروگان رفته در لبنان اشاره نمود. گروگان‌هایی که جزو نخستین قربانیان تروریسم بین‌المللی غرب بوده و در بازی گروگان‌گیری نیز جزو بازنده‌ترین آنها درآمدند. هم‌اکنون پرونده گروگان‌های ایرانی جزو یکی از پرونده‌های بسته وزارت امور خارجه درآمده است و گروگان‌ها در دیپلماسی تهران، نه تنها جایگاهی ندارند بلکه به صورت یک خاطره فراموش شده درآمده‌اند. غربی‌ها در طی روند آزادسازی گروگان‌ها، با رندی و به صورت یک‌طرفه، دست تمامی گروگان‌های خود را پیروزمندانه گرفته و رفتند، و در این میان مسئله گروگان‌های ایرانی به تاریخ پیوست. سکوت نهادهای پی‌گیری‌کننده در این خصوص، و عدم تعیین سرنوشت گروگان‌های ایرانی، لبنانی و فلسطینی که قرار بود جزو آزادشدگان باشند، به یک‌باره در بوته ابهام و فراموشی فرورفت. این درحالی بود که غربی‌ها همواره به دیپلماسی کارآمد و کار تبلیغی که درخصوص آزادی گروگان‌هایشان انجام دادند می‌بالیدند. بزرگ‌ترین و مهم‌ترین نکته سیاسی در پرونده گروگان‌ها، موفقیت غربی‌ها در ارائه یک چهره مظلوم جهانی از خود در عین حالی که خودشان مسببان اصلی گروگان‌گیری توسط رژیم صهیونیستی و گروه‌های تروریست هوادار خود در لبنان بوده‌اند، می‌باشند. هم‌اکنون صدها نفر از گروه‌های فلسطینی و لبنانی گروگان‌های بی‌نام و نشان مسلمان در دست رژیم صهیونیستی هستند که کوچک‌ترین خبر از آنها در رسانه‌های جهانی دیده نمی‌شود. متقابلاً پوشش خبری تبلیغی و عاطفی حساب شده، دقیق و جهانی غربی‌ها جهت آزادی گروگان‌هایشان همواره جزو یکی از مؤثرترین ابزارهای فشار روانی جهت آزادسازی آنها و ارائه به اصطلاح مظلومیت آنها به‌شمار می‌رفت. این در حالی بود که ما فاقد هرگونه سیاست جدی و مداوم در این زمینه بودیم. در یک نمونه، غربی‌ها

برای آزادی گروگان‌های‌شان هر سال در روز تولد آنها، در یک کارنمایشی توسط دانش‌آموزان سراسر اروپا، سیل کارت‌های درخواست آزادی آنها را پس از درج در مطبوعات جهانی به سمت گروه‌های لبنانی سرازیر می‌نمودند. این کار بدانجا رسید که حتی در بین گروه‌های مسلمان لبنانی بر سر آزادی یک‌طرفه آنان نیز اختلافات جدی پیش آمد. قطع نظر از موارد فوق‌الذکر، نکته مهم در آن است که غربی‌ها برای کوچک‌ترین مسئله سیاسی خود، پیشرفته‌ترین شیوه‌های دیپلماسی را به کار می‌گیرند. درحالی‌که ما درخصوص ارائه مظلومیت و احقاق حق خود در حد زنده نگه داشتن آن در شکل جهانی، فاقد هرگونه سیاست برنامه‌ریزی شده هستیم. به‌عنوان نمونه زمانی که آمریکا دو لیبایی متهم به سرنگونی هواپیمای آمریکایی را با یک فشار جهانی مجرم شناخته و خواستار تحویل آنها به خود است، چرا ما درخصوص پی‌گیری سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران که منجر به شهادت ده‌ها زن و کودک بی‌گناه گردید، مسئله را به یک غرامت ساده ختم کردیم. چرا ما عاملان این جنایت هولناک را که توسط بوش مدال افتخار نیز گرفت و عملاً به ملت بزرگ توهین رسمی نمود، به عنوان تروریست‌های مجرم درخواست نکنیم. فاجعه هواپیمای ایرانی یک نمای بزرگ از درنده‌خویی آمریکاست که به یک اهرم مسکوت و مرده تبدیل شده است. چرا بعد از به شهادت رساندن دو مهندس برجسته ایرانی در آمریکا و سپس خارج ساختن مغز آنها از اجساد این دو نفر، هیچ‌گونه واکنش جدی نسبت به آن نشان نمی‌دهیم. سیاست‌های تبلیغی و یا استراتژی‌های تبلیغی در کجا قرار گرفته است؟ چرا سعی می‌شود این برگ‌های زنده از خیانت‌های جهانی آمریکا به برگ‌های سوخته و خنثی تبدیل شود. هم‌اکنون مسئله گروگان‌های ایرانی و لبنانی را باید از یک مسئله حاشیه‌ای و فراموش شده به یک مسئله اصلی بدل کرد. چرا ما از مظلومیت و حقانیت خود در قضیه گروگان‌ها دفاع نکنیم؟ در زمانی که جهان اسلام با اوج فشارهای تبلیغی و سیاسی خباثت آمیز غرب مواجه است، ما می‌بایست از حقانیت خود به‌نحو صحیح بهره‌برداری کنیم. آیا ما فاقد هرگونه اهرم جهت حل و فصل نهایی گروگان‌های ایرانی در لبنان هستیم؟ آزادی بی‌قید و شرط و یک‌طرفه گروگان‌های غربی و تعافل از عدم آزادی گروگان‌های مظلوم ایرانی، همواره یک برگ منفی در پرونده دیپلماسی تهران به شمار می‌رود.

حسین ضیائی

کیهان

۱۳۶۹/۲/۱۲ = ۲ مه ۱۹۹۰

آخرین گزارش‌ها از روند آزادسازی گروگان‌های غربی در لبنان

درحالی‌که گروگان‌های غربی یکی پس از دیگری آزاد می‌شوند و یا خبرهایی دایر بر احتمال آزادی سریع آنان منتشر می‌شود، هنوز از سرنوشت چهار گروگان ایرانی در لبنان هیچ‌اطلاعی در دست نیست.

روز شمار گروگان‌گیری □ ۲۵

اظهارنظرهای مقام‌های فالانژ و مارونی لبنان برابهم درباره سرنوشت این گروگان‌ها افزوده است. علاوه بر این، هنوز هیچ‌یک از خواست‌های گروگان‌های مسلمان در مورد آزادی مسلمانان اسیر در جنگال ارتش رژیم صهیونیستی نیز اجابت نشده است.

اطلاعات

۱۳۶۹/۲/۱۳ = ۳ مه ۱۹۹۰

نماینده دائمی ایران در سازمان ملل خواستار فشار کشورهای عربی بر فالانژیست‌ها جهت آزادی گروگان‌های ایرانی، لبنانی و فلسطینی شد

دکتر «کمال خرازی» سفیر و نماینده دائمی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد اعلام کرد: «کشورهای عربی باید فشار کافی برای آزادی چهار گروگان ایرانی که در دست فالانژیست‌های لبنانی اسیرند، و همچنین آزادی گروگان‌های مسلمان لبنانی و فلسطینی که در دست صهیونیست‌ها و عوامل مسلح آنها در جنوب لبنان در اسارت به سر می‌برند، وارد آورند.»

دکتر خرازی که در یک مصاحبه تلویزیونی سخن می‌گفت، افزود: «بر اساس شواهد به دست آمده از اظهارات اخیر سمیر جعجع و میشل عون و دیگر عوامل فالانژیست، چهار گروگان ایرانی هنوز زنده‌اند. جمهوری اسلامی ایران به دلایل انسانی، همه تلاش‌های خود را برای آزادی همه گروگان‌ها، صرف‌نظر از ملیت آنها، به‌کار برده است.»

جمهوری اسلامی

۱۳۶۹/۲/۲۲ = ۱۲ مه ۱۹۹۰

دیدار کاردار ایران با شخصیت‌های سیاسی و مذهبی شهر صیدا

«محمدجواد زمانیان» کاردار جمهوری اسلامی ایران در لبنان، در بازدید از شهر صیدا در جنوب لبنان، ضمن دیدار با شخصیت‌های سیاسی و مذهبی، مسائل اسلامی و اوضاع لبنان را با آنان مورد بحث و تبادل نظر قرار داد. وی در این دیدار با چند تن از مقامات و مسئولین اهل تسنن و تشیع جنوب لبنان دیدار و گفت‌وگو کرد. کاردار جمهوری اسلامی ایران لزوم تلاش برای آزادی دیپلمات‌های ایرانی را که توسط فالانژها به گروگان گرفته شده‌اند، مورد تاکید قرار داد.

اطلاعات

۱۳۶۹/۳/۶ = ۲۷ مه ۱۹۹۰

ایران با تمام توان از مواضع مردم مسلمان لبنان دفاع می‌کند

گروهی از خانواده‌های شهدا و اسرای لبنانی شرکت‌کننده در مراسم سالگرد ارتحال رهبر فقید انقلاب اسلامی امام خمینی (س)، با حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی رئیس‌جمهوری، دیدار کردند. رئیس‌جمهوری کشورمان ضمن قدردانی از مجاهدت‌ها و مبارزات مردم مسلمان لبنان، با اشاره به تبلیغات گمراه‌کننده غرب علیه حوادث لبنان، اظهار داشت: «حوادث امروز لبنان همه این تبلیغات سوء را باطل کرده است. غربی‌ها دم از محکومیت تروریسم می‌زنند، اما خود مرتکب بدترین نوع

تروریسم شده اند ... اگر از گروگان‌گیری انتقاد می‌کنند، اسرائیل را به خاطر گروگان‌گیری‌هایش محکوم نمی‌کنند. فرزندان لبنان در یک ابتکار عمل، دو گروگان غربی را آزاد کردند و آمریکا و استخبار جهانی را رسوا کردند. امروز استخبار باید از خود دفاع کند. به افکار عمومی دنیا بگوید چرا گروگان‌های لبنانی را آزاد نمی‌کند؟ چرا برای آزادی گروگان‌های ایرانی، لبنانی و فلسطینی نباید تلاش کنند؟»

اطلاعات

۱۳۶۹/۳/۱۰ = ۳۱ مه ۱۹۹۰

براساس اطلاعات به دست آمده از منابع معتبر، گروگان‌های ایرانی در لبنان زنده‌اند

به دنبال پی‌گیری‌های جمهوری اسلامی ایران در مورد سرنوشت گروگان‌های ایرانی در لبنان، طی روزهای اخیر از سوی منابع معتبر کسب اطلاع شد که گروگان‌های ایرانی زنده‌اند. «مرتضی سرمدی»، سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان، ضمن اظهار این مطلب، در پاسخ به سوال خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی در مورد آخرین اخبار درباره سرنوشت گروگان‌های ایرانی در لبنان، گفت: «این خبر مایه خوشحالی ماست و جمهوری اسلامی ایران به تلاش‌های خود برای دستیابی به اطلاعات دقیق‌تر در مورد وضعیت گروگان‌ها ادامه خواهد داد.» وی اظهار امیدواری کرد: «کشورهای غربی حامی گروگان‌گیرها، از نفوذ و قدرت خود جهت آزادی افراد بی‌گناهی که مدت هفت سال در اسارت به سر می‌برند، استفاده نمایند.»

اطلاعات

۱۳۶۹/۶/۶ = ۲۸ اوت ۱۹۹۰

مساعی ایران در آزادی گروگان‌ها یک اقدام انسان دوستانه است

وابسته مطبوعاتی سفارت جمهوری اسلامی ایران در لبنان، با تاکید بر زنده بودن گروگان‌های ایرانی در بند نیروهای فالانژ، مساعی ایران برای آزادی گروگان‌های خارجی در لبنان را رعایت موازین انسانی اعلام کرد. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از بیروت، آقای «اصفهانیان» وابسته مطبوعاتی سفارت جمهوری اسلامی در بیروت، که دیروز در گفت‌وگو با رادیو «صوت الشعب» در بیروت سخن می‌گفت، افزود: «ربودن انسان‌ها و بازداشت مردم لبنان و فلسطین توسط رژیم صهیونیستی همواره مورد نکوهش جمهوری اسلامی ایران بوده و ایران اولین کشوری است که قربانی این اعمال از طریق ربوده شدن ۴ تن از دیپلمات‌های خود در لبنان شده است.» وی اضافه کرد: «اطلاعات دقیقی در مورد زنده بودن ۴ دیپلمات ایرانی که در سال ۱۹۸۲ در شرق بیروت ربوده شده‌اند، در دست است.»

اصفهانیان با متهم نمودن غرب به انتشار اتهامات واهی علیه ایران و مخدوش کردن حقیقت، گفت: «کشورهای غربی که خود احیاناً پشت قضیه آدم‌ربایی قرار دارند، با بزرگ جلوه دادن مسائل کوچک و کوچک نمودار کردن مسائل بزرگ، سعی دارند افکار عمومی جهان را از حقایق منحرف کنند، در

روز شمار گروگان‌گیری □ ۲۷

حالی که خود آنها می‌دانند آزادی لبنانی‌ها و فلسطینی‌های دربند از سیاه‌چال‌های رژیم صهیونیستی، کمک مهمی به حل مسئله گروگان‌ها خواهد کرد.»

اطلاعات

۱۳۶۹/۸/۲ = ۲۴ اکتبر ۱۹۹۰

اظهار امیدواری ایرلند برای آزادی گروگان‌های ایرانی در لبنان

«فرانسیس کوگن» اولین سفیر جمهوری ایرلند در ایران، دیروز در دیدار با دکتر ولایتی وزیر امور خارجه، اظهار امیدواری کرد که گروگان‌های ایرانی در لبنان به آزادی دست یابند و از خانواده‌های گروگان‌های ایرانی برای سفر به ایرلند و دیدار با مقامات و خانواده گروگان آزاد شده ایرلندی «برایان کینان» دعوت کرد.

جمهوری اسلامی

۱۳۶۹/۸/۱۰ = ۱ نوامبر ۱۹۹۰

گزارشی از سفر خانواده گروگان‌های ایرانی به ایرلند

یک هیئت متشکل از خانواده‌های گروگان‌های ایرانی و لبنانی که به منظور تماس با محافل انسانی و بین‌المللی در جهت پی‌گیری حل مسئله گروگان‌ها عازم اروپا شده است، روز گذشته وارد «دوبلین» پایتخت ایرلند شد و مورد استقبال خانواده «برایان کینان» گروگان آزاد شده ایرلندی قرار گرفت. اعضای خانواده دو طرف در دیداری که در دوبلین داشتند، ضمن محکوم کردن گروگان‌گیری، لزوم تشریک مساعی همه محافل بین‌المللی را برای حل این مسئله مورد تاکید قراردادند.

بر اساس اطلاعات کسب شده از سفارت ایران در دوبلین، به هنگام ورود این هیئت، دو خواهر برایان کینان گروگان ایرلندی که دو ماه قبل در لبنان آزاد شد، در فرودگاه دوبلین از آنان استقبال کردند. اعضای خانواده سه گروگان انگلیسی دیروز به دیدار خانواده گروگان‌های ایرانی شتافتند و با آنان گفت‌وگو کردند. به گفته سفارت ایران در دوبلین، قرار است امروز خانواده گروگان‌های ایرانی با وزیر امور خارجه ایرلند دیدار و گفت‌وگو کنند.

رسانه‌های غربی که برای آزادی گروگان‌های غیرمسلمان در لبنان سروصدای زیادی به راه می‌اندازند، در مورد سرنوشت این چهار گروگان و تداوم اسارت‌شان که طولانی‌ترین مدت گروگان‌گیری در لبنان به‌شمار می‌آید، سکوت اختیار کرده‌اند. تاکنون سخنان ضدونقیضی در مورد سرنوشت گروگان‌های ایرانی گفته شده است. بر اساس گزارشاتی که در بهار و تابستان امسال در بیروت منتشر شد، محافل مسیحی لبنانی گفتند گروگان‌های ایرانی زنده هستند و گزارشات قبلی دایر بر قتل آنها صحت ندارد.

کیهان

۱۳۶۹/۸/۱۳ = ۴ نوامبر ۱۹۹۰

خانواده‌های گروگان‌های ایرانی، ایرلندی و انگلیس ، خواستار آزادی فوری گروگان‌های خود شدند

خانواده‌های گروگان‌های ایرانی، ایرلندی و انگلیسی، در یک گردهمایی روز پنجشنبه ۱۳۶۹/۸/۱۰ در دوبلین پایتخت ایرلند، ضمن محکوم کردن گروگان‌گیری، خواستار آزادی فوری گروگان‌های فراموش شده ایرانی در لبنان و دیگر گروگان‌ها شدند.

سراسقف کلیسای ایرلند با ابراز تأثر از ادامه اسارت گروگان‌های ایرانی در لبنان، اظهار امیدواری کرد که خانواده‌های ایرانی هرچه زودتر عزیزان در بند خود را باز یابند. همچنین نماینده کلیسای کاتربری پیامی را از سوی اسقف «رانسی» قرائت کرد که در آن ضمن ابراز همبستگی با خانواده‌های گروگان‌های ایرانی، آزادی آنها درخواست شده بود. در این گردهمایی خانواده‌های سیدمحسن موسوی، احمد متوسلیان، کاظم اخوان، تقی رستگارمقدم از ایران، خانواده برایان کینان گروگان آزاد شده ایرلندی و خانواده‌های «تری ویت»، «جان مک‌کارتی»، «جکمن» از انگلستان حضور داشتند.

جمهوری اسلامی

۱۳۶۹/۸/۱۹ = ۱۰ نوامبر ۱۹۹۰

مسئولین سازمان‌های بین‌المللی بر آزادی گروگان‌های ایرانی در لبنان تأکید کردند

دکتر «مارکوف» رئیس بخش پی‌گیری‌های ویژه سازمان مرکزی حقوق بشر، در مذاکره با اعضای خانواده‌های گروگان‌های ایرانی در لبنان، ضمن ابراز تأسف از ادامه اسارت این گروگان‌ها، قول داد که برای آزادی آنها از هیچ اقدامی دریغ نکند. اعضای خانواده‌های گروگان‌های ایرانی در لبنان، که پس از سفر به ایرلند، هم‌اکنون در ژنو هستند، با مسئولان تعدادی از سازمان‌های بین‌المللی و انسانی دیدار و گفت‌وگو کردند. این هیئت همچنین در مذاکره با کمیته صلیب سرخ جهانی خواستار اقدام این کمیته برای آزادی گروگان‌ها شد.

آقای «گلادینگر» مدیرکل صلیب سرخ جهانی، با اشاره به این‌که تاکنون اطلاعات زیادی در رابطه با گروگان‌های ایرانی جمع آوری شده است، ادامه تلاش این کمیته برای روشن شدن سرنوشت و آزادی این گروگان‌ها را یادآور شد.

همچنین آقای «ستودیک» رئیس اتحادیه بین‌المللی انجمن‌های صلیب سرخ و هلال احمر، در ملاقات با خانواده‌های گروگان‌های ایرانی، ضمن تأکید بر آزادی این گروگان‌ها، اظهار امیدواری کرد که در سایه آرامش نسبی اخیر در لبنان، انجمن صلیب سرخ بتواند فعالیت گسترده‌ای را در همه زمینه‌های انسانی بویژه آزادی گروگان‌ها آغاز کند.

آقای «اریک سوت» رئیس سازمان بین‌المللی علیه شکنجه، که با کمیته حقوق بشر همکاری دارد، در ملاقات با این خانواده‌ها مسئله شکنجه‌های جسمی و روحی گروگان‌های ایرانی را که بیش از هشت سال از اسارت آنها به دست نیروهای فالانژ لبنانی می‌گذرد، مورد بحث و بررسی قرارداد.

جمهوری اسلامی

۱۳۶۹/۸/۲۳ = ۱۴ نوامبر ۱۹۹۰

سرنوشت گروگان‌های ایرانی در اولویت قرارداد

محمدجواد زمانیان کاردار جمهوری اسلامی ایران در لبنان، دیروز با مهندس «مصطفی سعد» دبیرکل سازمان خلق‌ناصری، در صیدا دیدار و گفت‌وگو کرد. آقای زمانیان در پایان این دیدار به مسئله گروگان‌ها در لبنان اشاره کرده گفت: «از نظر ما سرنوشت گروگان‌های ایرانی در اولویت قرارداد.»
جمهوری اسلامی

۱۳۶۹/۸/۲۴ = ۱۵ نوامبر ۱۹۹۰

دیدار خانواده‌های گروگان‌های ایرانی با مقامات لبنانی

خانواده‌های چهارگروگان‌ایرانی که در لبنان به سر می‌برند، با «حسین حسینی» رئیس پارلمان لبنان دیدار کردند و از اقداماتی که دولت لبنان در جهت اطلاع از سرنوشت ایرانیان ربوده شده انجام داده است، جویا شدند. حسین حسینی رئیس پارلمان لبنان، ضمن تشریح تلاش‌هایی که ظرف ۸ سال گذشته از طرق مختلف جهت کسب اطلاع از سرنوشت ایرانیان ربوده شده انجام داده است گفت: «باید خانواده‌های گروگان‌های ایرانی مطمئن باشند که ما از هیچ تلاشی برای نجات این برادران دریغ ننموده‌ایم و امیدواریم آنان سالم به دامن خانواده‌های خود بازگردند.» خانواده‌های گروگان‌های ایرانی همچنین با خانم «رباب صدر» خواهرامام موسی صدر، دیدار کردند و خواستار مساعدت در جهت کشف سرنوشت و آزادی بستگان خود شدند.

اطلاعات

دیدار خانواده‌های گروگان‌های ایرانی با علامه فضل‌الله

خانواده‌های گروگان‌های ایرانی که در لبنان به سر می‌برند، بعد از ظهر دیروز با علامه «سید محمدحسین فضل‌الله» دیدار کردند. در این دیدار خانواده‌های گروگان‌های ایرانی ضمن تشریح نگرانی خود نسبت به سرنوشت ابهام‌انگیز بستگان خویش، از علامه فضل‌الله خواستند تا مساعی خود را جهت کسب اطلاع و آزادی گروگان‌ها به کار گیرد. علامه فضل‌الله نیز نسبت به نگرانی خانواده‌های چشم‌انتظار ابراز همدردی کرد و گفت: «ما سلب آزادی همه مسلمین را محکوم می‌کنیم و امیدواریم هر چه زودتر این برادران در بند و همچنین دیگر مسلمانان در بند رژیم صهیونیستی آزاد شوند.»

اطلاعات

دیدار خانواده‌های گروگان‌های ایرانی با نایب‌رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان

خانواده‌های گروگان‌های ایرانی دیروز با «شیخ محمد مهدی شمس‌الدین» نایب رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان دیدار کردند و از وی خواستار پی‌گیری سرنوشت بستگان خویش شدند. شیخ

شمس‌الدین در این دیدار گفت که گروگان‌های ایرانی را فرزندان خود می‌داند و از هیچ کوششی در جهت آزادی آنان فروگذار نخواهد کرد. نایب‌رئیس مجلس‌اعلای اسلامی شیعه فاش کرد که برای کسب اطلاع از سرنوشت تمام مفقودین مسلمان لبنانی و غیرلبنانی در مناطق تحت کنترل نیروهای فالانژ، فعالیت‌های جدیدی آغاز شده و امیدوار است نتایج مثبتی در آینده نزدیک حاصل شود. خانواده گروگان‌های ایرانی که دیروز وارد بیروت شدند، قرار بود امروز در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی در بیروت شرکت کنند.

اطلاعات

۱۳۶۹/۸/۲۶ = ۱۷ نوامبر ۱۹۹۰

علامه فضل‌الله تحرک خانواده گروگان‌های ایرانی را موفق توصیف کرد

علامه سیدمحمدحسین فضل‌الله، با خانواده‌های ایرانی که هم‌اکنون از لبنان دیدن می‌کنند، ابراز همدردی کرد و خواستار پایان دادن به مسئله همه گروگان‌ها شد.

علامه فضل‌الله که در خطبه قبل از نماز روز جمعه مسجد امام‌رضا(ع) در حومه جنوبی بیروت سخن می‌گفت، افزود: «سفر خانواده‌های گروگان‌های ایرانی به کشورهای غربی و لبنان، توانسته است افکار عمومی جهان را به این نکته مهم جلب کند که مسئله گروگان‌ها اختصاص به غربی‌ها ندارد و در لبنان ایرانی‌ها هستند که توسط هواداران غرب ربوده شده‌اند. جهان استکبار سعی دارد گروگان‌های ایرانی را نادیده بگیرد زیرا غرب، حقوق بشر را تنها مختص اتباع خود می‌داند و برای مردم جهان سوم و مسلمین هیچ حقوقی قائل نیست. ما خواستار آزادی همه گروگان‌ها و اسرای دربند اعم از غربی، ایرانی و لبنانی هستیم و اصرار داریم پرونده آدم‌ربایی برای همیشه بسته شود.»

اطلاعات

دیدار خانواده گروگان‌های ایرانی با نخست‌وزیر لبنان

خانواده گروگان‌های ایرانی در لبنان، شامگاه روز جمعه با دکتر «سلیم الحص» نخست‌وزیر لبنان دیدار کردند و خواستار اقدام همه جانبه دولت لبنان برای تعیین سرنوشت عزیزان خود شدند. نخست‌وزیر لبنان در این دیدار گفت: «گروگان‌های شما عزیزان ما هستند و ما شدیداً از این جنایت متأثریم. پرونده تحقیق در مورد گروگان‌های ایرانی همچنان در دست اقدام است و امیدواریم گسترش سلطه دولت لبنان بر محدوده بیروت بزرگ بتواند در کشف سرنوشت این عزیزان ما را یاری کند.»

نخست‌وزیر لبنان در مورد برخی اطلاعات منتشره در مورد قتل گروگان‌های ایرانی گفت: «ما به اظهارات غیر مسئولانه توجهی نکرده و پی‌گیری این امر مهم و انسانی را از وظایف خود می‌دانیم.»

اطلاعات

روز شمار گروگان‌گیری □ ۳۱

خانواده‌های دیپلمات‌های گروگان‌ایرانی خواستار اقدام مسئولین لبنان برای تعیین سرنوشت بستگان‌شان شدند

خانواده‌های دیپلمات‌های گروگان‌ایرانی در یک کنفرانس مطبوعاتی و رادیوتلوویزیونی در بیروت، خواستار تلاش همه‌جانبه برای تعیین سرنوشت بستگان خود شدند. خانم موسوی، همسر کاردار سابق ایران در بیروت، به نمایندگی از سوی خانواده گروگان‌ها، ضمن نکوهش ربودن دیپلمات‌های ایران، از همه مسئولین و افکار عمومی لبنان و جهان خواست وظایف خود را در قبال این اسیران بی‌گناه انجام دهند. وی همچنین از دولت لبنان که مسئولیت حفاظت از جان دیپلمات‌ها را به عهده دارد، خواست تا اقدامات لازم را برای تعیین سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی انجام دهد. خانم موسوی در پاسخ به سوالی در مورد احتمال زنده بودن گروگان‌های ایرانی گفت نامه کوتاهی از همسرش محسن موسوی با دست خط خودش دریافت کرده است. وی اضافه کرد: «همچنین برخی از زندانیان رهاسده از بند نیروهای فالانژ به سفارت ایران در کشور قبرس مراجعه کرده و حضور دیپلمات‌های ایرانی را در سلول مجاور زندان خود اعلام کرده‌اند.»

خانم موسوی در پاسخ به این سوال که سمیر جعجع قتل گروگان‌های ایرانی را به دست «ایلی» [الیاس] حقیقه» فرمانده سابق نیروهای فالانژ اعلام کرده، گفت: «شخص ایلی حقیقه مدعی است که گروگان‌های ایرانی در زندان جعجع باقی مانده‌اند، اگر چنانچه سمیر جعجع بر ادعای خود اصرار دارد، باید اجساد عزیزان ما را تحویل دهد.»

بر اساس همین گزارش، خانواده‌های گروگان‌های ایرانی عصر روز پنجشنبه گذشته با «شیخ عبدالامیر قبلان» مفتی جعفری لبنان دیدار کرده و خواهان تلاش او در کمک به آزادی بستگان خود شدند. شیخ قبلان در این دیدار گفت که دولت لبنان مسئولیت کامل در قبال پی‌گیری و تعیین سرنوشت این برادران را دارد و خود نیز با همه امکانات در این جهت اقدام خواهد کرد.

اطلاعات

۱۳۶۹/۸/۲۷ = ۱۸ نوامبر ۱۹۹۰

اظهارات رئیس‌جمهوری لبنان در دیدار با خانواده‌های گروگان‌های ایرانی

خانواده گروگان‌های ایرانی که در لبنان به سر می‌برند، در دیدار با «الیاس هرآوی» رئیس‌جمهوری این کشور، خواستار اقدام جدی دولت لبنان در کشف سرنوشت عزیزان خود شدند. الیاس هرآوی ضمن ابراز همدردی با خانواده گروگان‌های ایرانی، و محکومیت گروگان‌گیری آنها، گفت: «ما با شما احساس همدردی کرده و از تمامی امکانات خود برای یافتن عزیزانتان استفاده خواهیم کرد.» وی با اشاره به این که دولت فعلی لبنان در صدد است با بسط قدرت خویش، امنیت و آرامش را به این کشور باز گرداند، افزود: «امیدواریم بتوانیم در این زمینه نیز گام‌های موثری برداشته و گروگان‌های شما را سالم به کانون خانواده‌هایتان بازگردانیم.»

اطلاعات

ازمدت‌ها پیش در جریان این حادثه دردناک قرار داشتیم و علیرغم پی‌گیری، تاکنون نتوانسته‌ام به نتایج مثبتی دست یابم

«نصراالله سفیر» سراسقف‌مارونی لبنان، ضمن ابراز همدردی با خانواده گروگان‌ها گفت: «ازمدت‌ها پیش در جریان این حادثه دردناک قرار داشتیم و علیرغم پی‌گیری، تاکنون نتوانسته‌ام به نتایج مثبتی دست یابم. ازچندی پیش، نظر به علاقه و اهتمام انسانی خویش به مسئله گروگان‌های ایرانی، دریک دیدار خصوصی با سمیرجعجع، او را به معتقدات خود قسم دادم که هرچه در مورد دیپلمات‌های ایرانی می‌داند، به صراحت بگوید، سمیرجعجع در پاسخ گفت که گروگان‌های ایرانی در زمان فرماندهی ایلی حبیقه بر نیروهای فالانژ به قتل رسیده‌اند و در زمانی که وی فرماندهی نیروهای فالانژ را در دست گرفته هیچ آثاری از گروگان‌ها پیدا نکرده‌است.»

به عقیده اسقف‌مارونی بیروت که روابط و تماس‌های نزدیکی با شخص سمیر جعجع دارد، بعید است سمیرجعجع به وی دروغ گفته باشد، ولی علیرغم این، مجدداً ظرف ساعات آینده با سمیر جعجع دیدار وسیعی خواهد کرد اگر هم برعدم زنده بودن این برادران تاکید داشت، دلایل روشن که اثبات کننده این ادعا باشد از او بخواهد و نتیجه را سریعاً اطلاع دهد.

سراسقف‌مارونی همچنین اضافه کرد: «باتوجه به اثرات این دیدار، از این پس با تمام‌توان سعی خواهم کرد این مهم را پی‌گیری کنم.»

خانواده‌های گروگان‌های ایرانی همچنین عصر دیروز با نبیه بری رئیس جنبش‌امل، دیدار و در زمینه لزوم به‌کارگیری کلیه امکانات جهت کشف سرنوشت این عزیزان، گفت‌وگو کردند. همچنین خانواده گروگان‌های ایرانی با «شیخ‌محمدرشید قبانی» قائم‌مقام اهل تسنن لبنان نیز دیدار کردند و وی را در جریان رنج هشت‌ساله خویش قرار داده خواستار تحرک درکمک به مساعی خیرخواهانه جهت آزادی گروگان‌های ایرانی شدند.

جمهوری اسلامی

۱۳۶۹/۹/۴ = ۲۵ نوامبر ۱۹۹۰

سمیرجعجع متهم به قتل گروگان‌های ایرانی شد

ایلی حبیقه فرمانده سابق نیروهای فالانژ، در واکنشی علیه سمیرجعجع، فرمانده فعلی نیروهای فالانژ مبنی بر رد اتهام خود در قتل چهار دیپلمات گروگان ایرانی، جعجع را مسئول کشتار آنان خواند.

در بیانیه‌ای که روز شنبه ۶۹/۹/۳ توسط «حزب و عد» جناح‌انشعابی فالانژ به سرکردگی ایلی حبیقه، در بیروت منتشر شد، آمده است: «به‌منظور کشف حقایق و جلوگیری از هرگونه گمراهی، اعلام می‌شود که چهار ایرانی در پست‌بازرسی بر باره وابسته به نیروهای سمیر جعجع که در آن زمان با

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۳

سرکشی از فرماندهی فالانژ، درکوهستان‌های منطقه متمرکز بود، بازداشت شده، به دستور جعجع به پادگان «راشا» درکوهستان‌های «بترون» منتقل گردیدند. وی سپس به «جورج خوری» ملقب به «فرانکو» دست‌ور داد آنان را اعدام کند.

جعجع قبلا اعلام کرده بود که چهار گروگان ایرانی به دستور ایلی حبیقه کشته شده‌اند.

جمهوری اسلامی

۱۳۶۹/۹/۵ = ۲۶ نوامبر ۱۹۹۰

درخواست آزادی گروگان‌های ایرانی در لبنان

خانواده‌های گروگان‌های ایرانی اعلامیه‌ای تحت عنوان «چه زمانی اولین گروگان‌های خارجی در لبنان آزاد خواهند شد؟» در بیروت منتشر کردند. در این اعلامیه، عکس‌های چهار گروگان ایرانی که اولین گروگان‌های خارجی در لبنان هستند نیز به چاپ رسیده است. در اعلامیه خانواده‌های گروگان‌های ایرانی آمده است: «هشت سال از ربودن این چهارتن بدون مرتکب شدن هیچ‌گناهی می‌گذرد. هشت سالی که خانواده‌ها و کودکان آنان برای دریافت خبر آزادی آنان، انتظار کشیده‌اند.» در پایان این اعلامیه آمده است: «شادی ما تنها با آزادی و بازگشت فرزندانمان به میهن کامل خواهد شد.»

اطلاعات

سال ۱۳۷۰ هـ ش
۱۹۹۲ - ۱۹۹۱ م

۱۳۷۰/۳/۲۶ = ۱۶ ژوئن ۱۹۹۱

تلاش برای آزادی گروگان‌ها چرا؟

«سیدعلی اکبر محتشمی پور» سفیر ایران در سوریه، در سه شماره مقاله خود (که در روزهای ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ خرداد منتشر شد) به علل گروگان‌گیری عوامل آمریکایی در لبنان پرداخته و در آن میان اشاراتی نیز به گروگان‌های ایرانی نموده است:

- آیا واقعا آمریکا برای انسان‌ها ارزش قائل است و دل می‌سوزاند؟ اگر چنین است چرا جورج بوش [رئیس جمهوری اسبق آمریکا] فقط و فقط راجع به آزادی آمریکایی‌ها فشار می‌آورد؟ و حتی متحدان غربی خود را در این زمینه فراموش کرده است و غربی‌ها که بالاجبار حرمت ارباب خود آمریکا را پاس می‌دارند، چرا هیچ سخنی از نخستین قربانیان پدیده گروگان‌گیری که همان جمهوری اسلامی ایران است (و درست ۹ سال پیش پنج نفر از دیپلمات‌ها و افراد بی‌گناه ایران از جمله کاردار جمهوری اسلامی ایران در لبنان، به وسیله نظامیان فالانژ در کنار پایگاه تفنگداران آمریکایی و نیروهای چند ملیتی به گروگان گرفته شدند) سکوت کرده‌اند. تاسف‌بارتر این‌که رسانه‌های ارتباط جمعی و سیاست‌گذاران خارجی جمهوری اسلامی در وزارت خارجه نیز هیچ‌گونه اقدام جدی در محافل بین‌المللی و در داخل کشور، برای آزادی مسلمانان اسیر در غرب و فلسطین اشغالی و همچنین برای آزادی دیپلمات‌های ایرانی در لبنان نمی‌کنند. نیروهای اسلامی شرایط و خواسته‌های مشروع و به‌حق خود را بارها و بارها اعلام کرده‌اند. کلیه این خواسته‌ها مرتبط با مسائل داخلی لبنان است و از جمله آن: آزادی کلیه گروگان‌های مسلمان از جمله دیپلمات‌های جمهوری اسلامی ایران از دست فالانژیست‌ها.

جهان اسلام

۱۳۷۰/۴/۲ = ۲۳ ژوئن ۱۹۹۱

اظهارات دکتر خرازی درباره تلاش‌های ایران و سازمان ملل برای آزادی همه گروگان‌ها

یکی از دلایل مشارکت ایران در تلاش‌های انسانی برای آزادی تمامی گروگان‌ها، ضرورت روشن ساختن سرنوشت چهار گروگان ایرانی در لبنان است که اولین قربانیان گروگان‌گیری در جهان به‌شمار می‌روند.

دکتر کمال خرازی نماینده دائمی ایران در سازمان ملل، در گفت‌وگو با خبرنگاری جمهوری اسلامی، ضمن اعلام این مطلب، در تشریح آزادی گروگان‌ها گفت: «تلاش‌های دکوئیار همچنان ادامه دارد. وی برنامه جامعی را برای پی‌گیری این مسئله تدوین کرده و تعیین سرنوشت چهار گروگان ایرانی در لبنان نیز در آن گنجانده شده است. برخلاف آنچه که مطبوعات غرب در صدد القاء آن هستند، ایران رهبری ماجرای آزادسازی گروگان‌ها را برعهده ندارد، بلکه گروه‌های لبنانی هستند که تصمیم گیرنده اصلی به‌شمار می‌روند و آنها با ارسال نامه‌ای برای خاویر پرزدکوئیار، خواستار هماهنگی‌های لازم از سوی دبیرکل برای آزادی همه گروگان‌ها شده‌اند و ایران نیز با توجه به میزان نفوذی که در لبنان دارد، در این مقوله انسانی به دبیرکل کمک می‌کند.»

وی با اشاره به این‌که ملاقات‌های متعددی با دبیرکل در این زمینه به عمل آورده است، گفت: «در جریان این ملاقات‌ها، در زمینه راه‌هایی که می‌تواند به آزادی همه گروگان‌ها منجر شود، مذاکراتی به عمل آمده است و تلاش‌ها از سوی دکوئیار همچنان ادامه دارد.»

وی با تذکر حسن‌نیت گروه‌های مقاومت لبنان که بدون قید و شرط دو گروگان غربی را آزاد کردند، عامل وقفه فعلی در روند آزادسازی تمامی گروگان‌ها را رژیم اشغال‌گر قدس معرفی کرد و گفت: «آزادی مسلمانان دربند لبنانی و فلسطینی در بازداشتگاه‌های صهیونیستی، می‌توانست به تداوم جریان آزادی گروگان‌ها بیانجامد، اما صهیونیست‌ها در حال حاضر این مسئله را با سرنوشت اسرای جنگی خود در لبنان که مقوله‌ای جدا از گروگان‌هاست، پیوند زده‌اند.»

وی درباره نتایج مذاکرات خود با دکوئیار در هفته گذشته در ژنو گفت: «روز دوشنبه گذشته بر سر راه عزیمت به تهران، با دبیرکل سازمان ملل به مدت دو ساعت در ژنو ملاقات کرده و طی این دیدار تاکید شد که تنها راه تداوم آزادی گروگان‌ها، اقدام رژیم صهیونیستی در این زمینه است.» خرازی این گزارش‌ها را که چهار دیپلمات و خبرنگار ایرانی در لبنان به شهادت رسیده‌اند، رد کرد و گفت: «ما هیچ شهادی برای این مدعا نداریم و در روند حرکت آزادسازی گروگان‌ها، سرنوشت چهار گروگان ایرانی نیز باید حتما روشن شود.»

اطلاعات

۱۳۷۰/۴/۲۵ = ۱۶ جولای ۱۹۹۱

اظهارات نماینده سفارت ایران در پاریس، در محل پارلمان اروپا پیرامون مسئله گروگان‌گیری

نماینده سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس، در ملاقات با گروهی از نمایندگان پارلمان اروپا و اعضای خانواده‌های گروگان‌های غربی، موضع ایران دایر بر مخالفت با هر نوع گروگان‌گیری را تشریح کرد.

به گفته یک منبع سفارت ایران در پاریس، بنابه دعوت «باتل» نماینده «حزب محافظه‌کار انگلیس» در پارلمان اروپا، موضوع گروگان‌های غربی طی نشست با شرکت نماینده سفارت جمهوری اسلامی و اعضای خانواده‌های گروگان‌های غربی در لبنان و نمایندگانی چند از پارلمان اروپا، هفته گذشته در محل پارلمان اروپا در شهر «استراسبورگ» مورد بررسی قرار گرفت. در این نشست، نماینده ایران به تشریح نظرات جمهوری اسلامی در خصوص گروگان‌های غربی پرداخت و با اشاره به اسارت چهارتن از اعضای سفارت ایران در لبنان، خاطرنشان ساخت که جمهوری اسلامی ایران خود یکی از قربانیان گروگان‌گیری به‌شمار می‌رود و همواره ضمن محکوم کردن این امر، بنابه ملاحظات انسان‌دوستانه و اسلامی خواستار آزادی کلیه گروگان‌ها از هرملیتی شده و تلاش‌های این کشور تاکنون منجر به آزادی چندین گروگان غربی شده است.

در این نشست «نیال اندریوس» نماینده جمهوری ایرلند در پارلمان اروپا، ضمن تقدیر از تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت که به اعتقاد وی ایران به تنهایی مسئول حل این مشکل نیست و ایران به وعده‌های خود در این زمینه عمل کرده است. در خاتمه، نماینده سفارت ایران در پاریس از نمایندگان پارلمان اروپا جهت انجام دیدارهای رسمی از ایران به منظور تبادل نظر پیرامون مسائل دوجانبه و سایر موضوعات مورد علاقه دعوت به عمل آورده و از آنان درخواست نمود تا فرصت‌های مشابهی نیز در اختیار سایر خانواده‌ها از جمله خانواده‌های گروگان‌های ایرانی قرار گیرد تا آنان نیز به نوبه خود بتوانند خواسته‌های به‌حق خود را از این تریبون به سمع جهانیان برسانند.

کیهان

۱۳۷۰/۵/۲۱ = ۱۲ اوت ۱۹۹۱

غرب باید برای آزادی مسلمانان دربند به اسرائیل فشار آورد

کمال خرازی نماینده دائمی ایران در سازمان ملل، ابراز خوش‌بینی کرد که روند آزادی گروگان‌ها در لبنان ادامه یابد، اما گفت: «این امر مستلزم آزادی مسلمانان دربند رژیم صهیونیستی است و کشورهای غربی ذی‌نفوذ، باید به اسرائیل فشار آورند تا زندانیان خود را آزاد کند.» وی که با شبکه تلویزیونی «پی. بی. اس» آمریکا مصاحبه می‌کرد، در عین حال تأکید کرد: «سرنوشت چهارگروگان ایرانی در لبنان نیز باید مشخص شود.»

اطلاعات

۱۳۷۰/۵/۲۶ = ۱۷ اوت ۱۹۹۱

روز شمار گروگان‌گیری □ ۳۷

ابراز امیدواری کاردار ایران در لبنان نسبت به آزادی چهارگروگان‌ایرانی

آقای «محمد زمانیان» کاردار ایران در لبنان، ابراز امیدواری کرد که چهار ایرانی ناپدید شده در سال ۱۹۸۲ در شمال بیروت نیز به‌زودی آزاد شوند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از بیروت، وی در پی ملاقات با فارس بوئز وزیر امور خارجه لبنان، به خبرنگاران گفت: «ما امیدواریم که چهار ایرانی ناپدید شده که همگی دیپلمات هستند آزاد شوند. ما در انتظار خبرهای خوبی در این باره هستیم.»

چریک‌های مسیحی موسوم به نیروهای لبنانی، گفته‌اند که این چهار ایرانی کشته شده‌اند، ولی تهران همچنان خواستار ارائه دلایلی در این باره است.

اطلاعات

۱۳۷۰/۶/۲ = ۲۴ اوت ۱۹۹۱

اظهارات دکتر خرازی درباره تلاش‌های ایران و سازمان ملل برای آزادی همه گروگان‌ها

دکتر کمال خرازی نماینده دائمی ایران در سازمان ملل، در گفت‌وگویی با خبرگزاری جمهوری اسلامی، در تشریح روند رابطه مستقیم آزادسازی گروگان‌های غربی با تعیین سرنوشت گروگان‌های ایرانی، گفت: «تلاش‌های دکوئیر دبیرکل سازمان ملل، همچنان ادامه دارد. وی برنامه جامعی را برای پی‌گیری این مسئله تدوین کرده و تعیین سرنوشت چهار گروگان‌ایرانی در لبنان نیز در آن گنجانده شده است.»

خرازی این گزارش‌ها را که چهار دیپلمات و خبرنگار ایرانی در لبنان به شهادت رسیده‌اند، رد کرد و گفت: «ما هیچ شهادتی برای این مدعا نداریم و در روند حرکت آزادسازی گروگان‌ها، سرنوشت چهار گروگان‌ایرانی نیز باید حتما روشن شود.»

اطلاعات

۱۳۷۰/۶/۱۰ = ۱ سپتامبر ۱۹۹۱

گروگان‌های ایرانی احتمالا در اسرائیل به سر می‌برند

هفته‌نامه لبنانی «الشراع» در شماره روز شنبه خود (۱۳۷۰/۶/۹)، با اشاره به احتمال تسلیم گروگان‌های ایرانی از سوی نیروهای فالانژ به مقامات رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۸۲، نوشت: «برخی از محافل عربی بر این عقیده‌اند که گروگان‌های ایرانی هم‌اکنون در اسرائیل به سر می‌برند.»

هفته‌نامه مزبور در این رابطه افزود: «محافل عربی دلیل این اعتقاد خود را انتقال برخی از زندانیان لبنانی در بند در بازداشتگاه‌های نیروهای فالانژ از بخش شرقی بیروت به اسرائیل عنوان می‌کنند.»

جمهوری اسلامی

۱۳۷۰/۶/۲۳ = ۱۴ سپتامبر ۱۹۹۱

چهار ایرانی ناپدید شده در لبنان زنده هستند

یک مسئول ایرانی که سرگرم دیدار از لبنان است، تاکید کرد چهار ایرانی ناپدید شده در لبنان، مطمئناً زنده هستند.

خبرگزاری فرانسه از بیروت گزارش داد «محمد کاظم خوانساری» رئیس بخش خاورمیانه و آفریقای شمالی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، در پایان ملاقات و گفت‌وگوهایش با «عمر کرامی» نخست وزیر لبنان، ضمن اعلام این مطلب افزود: «اطلاعات در مورد این چهار ایرانی که در لبنان به گروگان گرفته شدند، ضدونقیض است، لیکن ما تقریباً مطمئن شده‌ایم که آنها زنده‌اند.»

خبرگزاری فرانسه یادآور شده است جمهوری اسلامی ایران همیشه در مورد مرگ این دیپلمات‌ها ابراز تردید کرده است و همسر محسن موسوی - یکی از دیپلمات‌ها - تاکید کرده بود در سال ۱۹۸۴ نامه‌ای از شوهرش که دو سال پیش از آن تاریخ ربوده شده بود، دریافت کرده است.

جمهوری اسلامی

۱۳۷۰/۶/۲۴ = ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۱

دکتر ولایتی خواستار همکاری بین‌المللی برای حل و فصل مسئله گروگان‌ها شد

آقای فارس بوئر وزیر امور خارجه لبنان، که برای یک دیدار سه روزه وارد تهران شده است، صبح دیروز با دکتر ولایتی وزیر امور خارجه کشورمان دیدار و گفت‌وگو کرد. دکتر ولایتی در این دیدار، در خصوص قضیه گروگان‌ها اظهار داشت: «ما نخستین قربانیان ماجرای گروگان‌گیری در لبنان هستیم و در سال ۱۹۸۲ کاردار ایران به اتفاق ۴ تن دیگر به گروگان گرفته شده‌اند و ما امیدواریم هم‌اکنون با توجه به فعالیت دبیرکل سازمان ملل در این زمینه، مسئله به صورت جامع حل شود و به نظر ما هم، طرف‌ها باید در این مورد با دبیرکل سازمان ملل همکاری سازنده‌ای داشته باشند.»

اطلاعات

به‌عنوان گام بعدی در جهت آزادی گروگان‌های غربی، رهبر امل اسلامی خواستار آزادی همه زندانیان لبنانی، ایرانی و فلسطین در بند رژیم صهیونیستی شد

«سید حسین موسوی» گفت: «همه زندانیان لبنانی فلسطینی و ایرانی در بند رژیم صهیونیستی باید آزاد شوند.»

اطلاعات

۱۳۷۰/۷/۱۰ = ۲ اکتبر ۱۹۹۱

گروگان‌ها، پرونده گشوده بحران

روزنامه کیهان در گزارشی از بیروت، روز شمار تحولات بزرگ پیرامون گروگان‌گیری در لبنان از اواسط دهه ۱۹۸۰ تاکنون را منتشر ساخت که در آن به هیچ‌وجه اشاره‌ای به گروگان‌گیری چهار ایرانی در سال ۱۹۸۲ نشده است.

کیهان

۱۳۷۰/۹/۱۲ = ۳ دسامبر ۱۹۹۱

اظهارات حجت‌الاسلام محتشمی‌پور

حجت‌الاسلام محتشمی‌پور رئیس کمیسیون امور دفاعی مجلس شورای اسلامی، در مصاحبه با «گیت‌لوت» خبرنگار بی.بی.سی در تهران، گفت: «اولین قربانیان گروگان‌گیری، دیپلمات‌های ایرانی هستند که در سال ۱۹۸۲ زیر نظر نیروهای سازمان ملل شامل آمریکا، انگلیس، فرانسه و ایتالیا، در بیروت غربی به گروگان فالانژیست‌ها درآمدند و هنوز هم از سرنوشت‌شان خبری در دست نیست.»
اطلاعات

سال ۱۳۷۱ هـ ش
۱۹۹۳ = ۱۹۹۲ م

۱۳۷۱/۲/۲۱ = ۱۱ مه ۱۹۹۲

تاکید جنبش امل اسلامی بر لزوم آزادی گروگان‌های ایرانی

سیدحسین موسوی درسرخانی که روز پنجشنبه در منطقه بعلبک در شرق لبنان ایراد کرد، گفت: «با بسته شدن پرونده گروگان‌های غربی، اینک زمان آن رسیده است که چهارگروگان ایرانی در لبنان و همچنین تمام بازداشت شدگان از زندان‌های رژیم صهیونیستی آزاد شوند.»

اطلاعات

۱۳۷۱/۴/۳ = ۲۴ ژوئن ۱۹۹۲

حزب سوسیالیست ترقی خواه لبنان خواستار آزادی گروگان‌های ایرانی در این کشور شد

«حزب سوسیالیست ترقی خواه دروزی» به رهبری «ولید جنبلاط»، خواستار آزادی گروگان‌های ایرانی شد. این حزب، در بیانیه دیروز خود در این رابطه گفت: «تازمانی که سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی که از سال ۱۹۸۲ ر بوده شده اند، روشن نشود، پرونده گروگان‌ها در لبنان بسته نخواهد شد.»

اطلاعات

۱۳۷۱/۴/۲۷ = ۱۸ جولای ۱۹۹۲

بستگان گروگان‌های ایرانی در لبنان، خواستار آزادی عزیزان خود شدند

خانواده‌ها و بستگان گروگان‌های ایرانی ر بوده شده در لبنان، خواهان اعلام زمان آزادی عزیزان ر بوده شده خود شدند. خانواده‌های ر بوده شدگان ایرانی در لبنان، با انتشار بیانیه‌ای که همراه با عکس چهارگروگان در برخی از روزنامه‌های دیروز بیروت درج شد، پرسیده‌اند دیپلمات‌های ایرانی که نخستین قربانیان عملیات آدم‌ربایی در لبنان در سال ۱۹۸۲ هستند، چه زمانی آزاد خواهند شد؟ در این بیانیه اضافه شده است: «ما خانواده‌های ایرانیان ر بوده شده، از مجمع بین‌المللی و وجدان‌های بیدار

روزشمار گروگان‌گیری □ ۴۱

انسانی می‌خواهیم که روشی یکسان با مسئله گروگان‌ها در پیش‌گرفته و برای آزادی عزیزان ما تلاش نمایند، تا همان‌گونه که گروگان‌های غربی آزاد شدند، این چهار ایرانی اسیر نیز به آغوش فرزندان و خانواده‌های خود بازگردند.»

اطلاعات

سال ۱۳۷۲ هـ ش
۱۹۹۳ = ۱۹۹۴ م

۱۳۷۲/۲/۲ = ۲۲ آوریل ۱۹۹۳

از «رویا» تا «واقعیات تلخ»

رنج‌نامه پدریکی از چهارگروگان ایرانی در لبنان
«رضا اخوان» پدرکاظم اخوان، در مقاله‌ای بلند، ضمن انتقاد از کوتاهی‌هایی که در پی‌گیری پرونده
چهارگروگان شده است، به شرح کارهای انجام شده پرداخته است.
جمهوری اسلامی

۱۳۷۲/۳/۱۷ = ۷ ژوئن ۱۹۹۳

ضعف سیاست خارجی و سکوت وزارت خارجه

یکی از دانشجویان ایرانی که به کشور قبرس سفر کرده است، از برخورد اهانت آمیز پلیس آن
کشور با ایرانیان گله کرده و همچنین از عدم توجه وزارت امور خارجه ایران به مسئله حمایت از
حقوق سیاسی ایرانیان در خارج از کشور، بخصوص چهارگروگان ایرانی در لبنان، انتقاد کرده است.
سلام

۱۳۷۲/۴/۱۴ = ۵ جولای ۱۹۹۳

سرنوشت گروگان‌های ایرانی را روشن کنید

خانواده‌های چهارگروگان ایرانی، در یازدهمین سالروز اسارت آنان در لبنان، با انتشار بیانیه‌ای خواستار
پی‌گیری جدی این مسئله توسط مسئولین داخلی و مجامع بین‌المللی شدند.

(ضمیمه ۲)

اطلاعات

روز شمار گروگان‌گیری □ ۴۳

۱۳۷۲/۴/۱۶ = ۷ جولای ۱۹۹۳

به مناسبت سالروز اسارت ۴ گروگان‌ایرانی به دست فالانژهای لبنان

«رضا اخوان» پدرکاظم اخوان، در نامه گلایه‌آمیز خود، خواستار جدیت در پی‌گیری پرونده گروگان‌های ایرانی شده است.

(ضمیمه ۳)

هفته‌نامه کیهان‌هوایی

۱۳۷۲/۴/۱۷ = ۸ جولای ۱۹۹۳

ایران خواستار روشن‌شدن سرنوشت کاردار و سه تن از دیپلمات‌های ایرانی در بیروت شد

به مناسبت دوازدهمین سالگرد به گروگان گرفته شدن کاردار و سه تن از دیپلمات‌های سفارت ایران در بیروت توسط مزدوران رژیم صهیونیستی، نمایندگی دائم کشورمان در سازمان ملل با انتشار بیانیه‌ای خواستار بررسی سرنوشت این گروگان‌ها از سوی سازمان‌های بین‌المللی شد. به گزارش واحد مرکزی خبر از پاریس، در این بیانیه که در مقر سازمان ملل در نیویورک توزیع شد، آمده است: «با گذشت دوازده سال از دستگیری محسن موسوی کاردار و سه تن دیگر از پرسنل سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت به دست نیروهای سمیر جعجع، هنوز هیچ اقدامی برای آزادی آنها صورت نگرفته است. همچنین به نظر می‌رسد رسانه‌های گروهی نیز هیچ تمایلی به منعکس کردن واقعه اسارت این افراد و درد و رنجی که خانواده‌ها و بستگان آنان متحمل می‌شوند، ندارند.»

در این بیانیه از سازمان‌های بین‌المللی و تمام کسانی که از سرنوشت این گروگان‌ها اطلاعی در دست دارند درخواست شده است برای بازگرداندن این افراد به آغوش وطن و خانواده‌هایشان از هیچ تلاشی فروگذار نکنند.

اطلاعات

۱۳۷۲/۸/۸ = ۳۰ اکتبر ۱۹۹۳

سفیر ایران خواستار تحقیق در مورد گروگان‌های ایرانی در لبنان شد

سفیر جمهوری اسلامی ایران در لبنان، از رئیس جمهوری این کشور خواست کمیته تحقیق در مورد سرنوشت دیپلمات‌های گروگان‌ایرانی در لبنان تشکیل شود.

«همایون علیزاده» سفیر جمهوری اسلامی ایران در لبنان، پریروز پس از تسلیم استوارنامه خود به رئیس جمهوری لبنان، در گفت‌وگو با خبرنگاری جمهوری اسلامی گفت: «در این دیدار علاوه بر موضوعات مورد علاقه دو جانبه و تاکید براهتمام جمهوری اسلامی ایران برای حل مشکلات لبنان، بویژه اشغالگری رژیم صهیونیستی در جنوب این کشور، مسئله گروگان‌های ایرانی در بند در لبنان مطرح شد.»

سفیر ایران افزود: «من از رئیس جمهوری لبنان خواستم تا موضوع گروگان‌های ایرانی را که سیدمحسن موسوی کاردار سابق جمهوری اسلامی ایران در بیروت نیز در میان آنهاست، مورد اهتمام خاص خود و دولت لبنان قرار دهد و ترتیبات اجرایی مناسبی از جمله تشکیل کمیته تحقیق جهت پی‌گیری این قضیه در نظر بگیرد. رئیس جمهوری لبنان نیز با ابراز همدردی نسبت به این مسئله، آمادگی خود و حکومت لبنان را جهت پی‌گیری هرگونه کمک در این رابطه اعلام داشت.»

اطلاعات

۱۳۷۲/۸/۱۱ = ۲ نوامبر ۱۹۹۳

گفت‌وگوی کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران با وزیر خارجه لبنان

همایون علیزاده کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت، بعد از ظهر دیروز با فارس بوئز وزیر خارجه لبنان ملاقات و گفت‌وگو کرد. علیزاده پس از این ملاقات در گفت‌وگو با خبرنگاران در رابطه با مسئله گروگان‌گیری گفت: «ما امیدواریم که اهتمام مشابهی نسبت به گروگان‌های ایرانی در لبنان انجام گیرد. مخصوصاً که در میان گروگان‌ها، کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران وجود دارد.»

اطلاعات

سال ۱۳۷۳ هـ ش
۱۹۹۵ = ۱۹۹۴ م

۱۳۷۳/۲/۷ = ۲۷ آوریل ۱۹۹۴

ایران خواستار رسیدگی مجدد دولت لبنان به سرنوشت گروگان‌های ایرانی شد
سفیر جمهوری اسلامی ایران در لبنان، رسماً خواستار به جریان انداختن پرونده چهارتبعه ایرانی از جمله دو دیپلمات شد که در سال ۱۹۸۲ در حومه بیروت ربوده شده‌اند. همایون علیزاده این درخواست را در پایان گفت‌وگو با فارس بوئز وزیر امور خارجه لبنان عنوان کرد.
۱۲ سال پیش در جریان جنگ‌های داخلی لبنان، شبه نظامیان مسیحی به نام نیروهای لبنانی، محسن موسوی کاردار به همراه احمد متوسلیان دیپلمات و تقی رستگارمقدم کارمند سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت و نیز کاظم اخوان عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی را در جاده بیروت - طرابلس ربودند. جعجع رئیس این گروه که به سبب سازمان‌دهی عملیات خشونت بار سال‌های ۱۹۷۹ تا اوایل دهه ۹۰ میلادی به عنوان یک شخصیت خشن و بی رحم مشهور شده است، اکنون در بازداشت به سر می‌برد. منابع وابسته به رژیم صهیونیستی اصرار دارند که اتباع ایرانی در مقرر فرماندهی جعجع به قتل رسیده‌اند. سمیر جعجع خود را در ماجرای ربودن دیپلمات‌های ایرانی غیرمستول می‌داند. جعجع می‌گوید که دیپلمات‌های ایرانی در زمان ایلی حبیقه رئیس وقت سرویس‌های اطلاعاتی نیروهای لبنانی که در حال حاضر در دولت لبنان وزیر است، ربوده شدند.

همشهری

۱۳۷۳/۲/۲۰ = ۱۰ مه ۱۹۹۴

چهار گروگان ایرانی در اسارت رژیم صهیونیستی به سر می‌برند
منابع نزدیک به دولت لبنان روز شنبه فاش کردند چهارگروگان ایرانی که در سال ۱۹۸۲ در بیروت ربوده شدند، تحویل مقامات رژیم صهیونیستی در فلسطین اشغالی شده‌اند. خبرنگار خبرگزاری

جمهوری اسلامی از منابع نزدیک به ایلی حبیقه وزیر آب و برق لبنان کسب اطلاع کرد که عناصر وابسته به سمیر جعجع رئیس حزب مارونی لبنان، گروگان‌های ایرانی را تحویل مقامات اسرائیلی داده‌اند. منابع مذکور گفته‌اند سمیر جعجع یک سال قبل از آن که مجبوره ترک مقر فرماندهی خود در محله کرنتینا در مرکز بازرگانی بیروت شود، دیپلمات‌های ایرانی را از راه دریا به فلسطین اشغالی انتقال داد.

مقامات جمهوری اسلامی ایران از زمان ربوده شدن دیپلمات‌های ایرانی در بیروت، بارها خواستار رهایی گروگان‌ها شده بودند، اما از سوی دیگر، شبه‌نظامیان لبنان منکر در اختیار داشتن چهارگروگان ایرانی هستند. خانواده‌های چهارگروگان ایرانی تاکنون بارها با ارائه دلایل و مدارک مستند در مجامع بین‌المللی در مورد زنده بودن گروگان‌های ایرانی، خواستار آزادسازی آنان شده‌اند. دکتر ولایتی وزیر امور خارجه ماه گذشته با ارسال نامه‌ای به فارس بوئر همتای لبنانی خود، خواستار پی‌گیری این مسئله شد.

سلام

۱۳۷۳/۲/۲۱ = ۱۱ مه ۱۹۹۴

دولت لبنان و گروگان‌های ایرانی در بند اسرائیل

روز گذشته خبری در روزنامه‌های کشور درج شد مبنی بر این که منابع نزدیک به دولت لبنان اعلام کرده‌اند چهارگروگان ایرانی تحویل مقامات رژیم صهیونیستی شده‌اند. طرح این خبر به صورت غیر رسمی مانع از آن نمی‌شود که مسئولین وزارت خارجه پاسخ دولت لبنان را در این زمینه به‌طور رسمی جویا شوند. در پی دستگیری سمیر جعجع، سلام در یادداشتی بر مسئولیت دولت لبنان در شرایطی که کنترل نسبی بر اداره امور آن کشور پیدا کرده است، برای روشن کردن وضعیت گروگان‌های ایرانی تاکید کرد. سفیر ایران در بیروت نیز در دیدار با مسئولان لبنانی این مسئله را مطرح کرده است و انتظار افکار عمومی و خانواده‌های نگران گروگان‌های ایرانی نیز دریافت پاسخ از دولتی است که امروز عهده دار امور در لبنان شده است.

اساسا با افزایش کنترل دولت لبنان بر مناطق مختلف آن کشور و خصوصا بیروت، طبیعی است که نگه‌داری گروگان‌هایی در قدر و اندازه کاردار و دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی، از نظر امنیتی اقدام مخاطره‌آمیزی محسوب می‌شود. اگر چه دور از ذهن نیست که انتقال گروگان‌های ایرانی در بادی امر به فلسطین اشغالی انجام شده باشد و هدایت عملیات بازجویی نیز مستقیما توسط صهیونیست‌ها انجام شده باشد. اسرائیلی‌ها از این که در گیرودار درگیری‌های مرزی و حضور در جنوب لبنان اسیرانی خواهند داشت، مطمئن بودند و مبادله گروگان‌های با ارزش ایرانی با این اسراء به عنوان یک راه حل، مدنظر صهیونیست‌ها بوده است.

روز شمار گروگان‌گیری □ ۴۷

به‌هر حال اکنون این وظیفه دولت لبنان است که صراحتاً اسارت گروگان‌های ایرانی به‌دست صهیونیست‌ها را اعلام نماید. مطمئناً متعاقب این اقدام دولت لبنان، راه‌هایی برای استخلاص گروگان‌های ایرانی از چنگال صهیونیست‌ها وجود خواهد داشت.

سلام

۱۳۷۳/۲/۲۵ = ۱۵ مه ۱۹۹۴

برای نگه‌داری دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی، ایران از رژیم لبنان به شورای امنیت سازمان ملل شکایت می‌کند

هفته‌نامه لبنانی الشراع، به نقل از منابعی که آن را اسلامی عنوان کرد، می‌نویسد: «ایران در آینده نزدیک تماس‌های بین‌المللی برای تسلیم شکایت به شورای امنیت سازمان ملل و جمعیت حقوق بشر علیه رژیم لبنان به خاطر نگه‌داری دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی توسط نیروهای لبنانی، به‌عمل خواهد آورد.»

به نوشته الشراع، ایران اطلاعات و اسنادی دال بر تحویل دیپلمات‌های ایرانی از سوی نیروهای لبنانی فالانژ به رژیم صهیونیستی به‌دست آورده است.

سفارت کشورمان در «ورشو» نیز در اطلاعیه‌ای، از وجدان‌های عمومی جهان خواست تا برای آزادی چهار دیپلمات ایرانی از دست فالانژهای لبنان، با جمهوری اسلامی ایران همکاری کنند. بنابراین گزارش، در این اطلاعیه همچنین آمده است: «ایران علیرغم این‌که از جمله کشورهای است که بیشترین زیان‌ها را بر اثر اقدام‌های تروریستی متحمل شده است، ولی تلاش‌های زیادی برای آزادی گروگان‌های غربی در بیروت به‌عمل آورده است.»

اطلاعات

۱۳۷۳/۳/۶ = ۲۷ مه ۱۹۹۴

ایران خواستار پی‌گیری سرنوشت دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی از دولت لبنان شد

در دیدار همایون علیزاده سفیر جمهوری اسلامی ایران در بیروت، با فارس بوئز وزیر امور خارجه لبنان، آخرین تحولات منطقه، بویژه تحولات اخیر در صحنه لبنان، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این دیدار، علیزاده پیام شفاهی دکتر ولایتی را در خصوص دیپلمات‌های ایرانی که در سال ۱۹۸۲ در پست بازرسی حزب نیروهای لبنانی ربوده شدند، به وی رساند. سفیر ایران در گفت‌وگو با خبرنگاران اعلام کرد: «تحولات اخیر در لبنان، این امکان را فراهم کرد که مسئله دیپلمات‌های ایرانی به‌شکل جدی‌تری مورد پی‌گیری قرار گیرد و از دولت لبنان درخواست شد که این مسئله را از لحاظ سیاسی قضائی پی‌گیری کند و بوئز در این زمینه قول مساعد داد. علیزاده در پاسخ سوال یکی از خبرنگاران گفت: «ایران رسماً از دولت لبنان خواستار پی‌گیری قضائی این موضوع شده است.»

اطلاعات

۱۳۷۳/۳/۱۸ = ۸ ژوئن ۱۹۹۴

آیا خلبان اسرائیلی در ایران است؟

هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری، در مصاحبه با خبرنگاران رسانه‌های داخلی و خارجی، در روز سه شنبه ۱۷ خردادماه، به سوال یک خبرنگار انگلیسی این‌گونه پاسخ گفت:

خبرنگار انگلیسی: «آیا خلبان اسرائیلی در ایران است؟»

هاشمی رفسنجانی: «قطعا خلبان اسرائیلی در ایران نیست و رژیم صهیونیستی تلاش دارد با طرح این ادعاها مسئله ربوده شدن چهار ایرانی در لبنان را سرپوش بگذارد. غربی‌ها نباید یک‌طرفه فکر کنند و باید درباره سرنوشت چهار ایرانی ربوده شده در لبنان نیز حساسیت نشان دهند.»

جمهوری اسلامی

۱۳۷۳/۴/۱۶ = ۷ جولای ۱۹۹۴

درخواست ایران از لبنان برای روشن ساختن سرنوشت چهار دیپلمات ربوده شده

به مناسبت دوازدهمین سالگرد ربوده شدن چهار دیپلمات ایرانی در لبنان، سفارت کشورمان در بیروت، طی اطلاعیه‌ای محافل بین‌المللی و دولت لبنان را به تلاش برای روشن شدن سرنوشت این دیپلمات‌ها فراخواند. در قسمتی از این اطلاعیه ضمن بزرگداشت خاطره دیپلمات‌های ایرانی و ابراز همدردی با خانواده‌های آنان، از همه محافل سیاسی و بین‌المللی، کلیه سازمان‌ها و نهادهای حقوق بشر و همه کشورهای جهان و بویژه دولت و دستگاه قضائی لبنان خواسته شده است که به پی‌گیری مسئله دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی ادامه دهند. چندماه پیش دکتر ولایتی وزیر امور خارجه کشورمان نیز با ارسال پیامی برای فارس بوئز همتای لبنانی خود، خواستار پی‌گیری قضائی و سیاسی مسئله دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی در لبنان شد. این در حالی است که دوماه پیش نیز از منابع نزدیک به ایلی حبیقه فرمانده نیروهای مارونی فالانژ در سال ۱۹۸۲، کسب اطلاع شده که سمیر جعجع که پس از حبیقه فرماندهی نیروهای مارونی فالانژ را به عهده گرفت، این چهار ایرانی را به رژیم صهیونیستی تحویل داده است.

کیهان

۱۳۷۳/۴/۱۸ = ۹ جولای ۱۹۹۴

درخواست خانواده های چهار دیپلمات ایرانی

خانواده های چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی در لبنان، خواستار تلاش همه جانبه برای روشن شدن سرنوشت آنان شدند. در این اطلاعیه که به صورت آگهی در برخی روزنامه های بیروت چاپ شده، آمده است: «پس از گذشت دوازده سال از بازداشت چهار دیپلمات ایرانی، ما از دولت و دستگاه نظامی لبنان می‌خواهیم که بنابر مسئولیت های قانونی، شرعی و انسانی خود برای روشن شدن سرنوشت دیپلمات های ایرانی اقدام کنند.»

اطلاعات

ایران خواستار روشن شدن وضع چهاردیپلمات ربه‌ده‌شده خود در لبنان شد

سفارت کشورمان در بیروت، در اطلاعیه‌ای محافل بین‌المللی و دولت لبنان را به تلاش برای روشن شدن سرنوشت چهار دیپلمات ربه‌ده‌شده ایرانی فراخواند. در این اطلاعیه که متن آن در روزنامه‌های بیروت درج شده، آمده است: «روز چهاردهم تیرماه یادآور ربه‌ده شدن چهارتن از دیپلمات‌های ایرانی است که در سال ۱۹۸۲ به عنوان نخستین قربانیان گروگان‌گیری در پست بازرسی بر باره متعلق به گروه شبه‌نظامی مارونی موسوم به نیروهای لبنانی و در حالی که گارد حفاظت سفارتخانه‌ها آنها را همراهی می‌کرد، ربه‌ده شدند و اکنون پس از گذشت ۱۲ سال از سرنوشت آنان خبری نیست. ما ضمن بزرگداشت خاطره دیپلمات‌های ایرانی و ابراز همدردی با خانواده آنان، از همه وجدان‌های آگاه و روشن و همه محافل سیاسی و بین‌المللی و تمامی سازمان‌ها و نهادهای حقوق بشر و همه کشورهای جهان و بویژه دولت و دستگاه قضائی لبنان می‌خواهیم که به پی‌گیری مسئله دیپلمات‌های ربه‌ده‌شده ایرانی ادامه دهند.»

اطلاعات

۱۳۷۳/۴/۲۲ = ۱۳ جولای ۱۹۹۴

وزیر خارجه لبنان مسئله ایرانیان ربه‌ده‌شده را پی‌گیری می‌کند

خانواده‌های چهار دیپلمات ربه‌ده‌شده ایرانی با فارس بوئز وزیر امور خارجه لبنان ملاقات و گفت‌وگو کردند. خانم مریم موسوی همسر آقای محسن موسوی کاردار ربه‌ده‌شده سفارت ایران در بیروت، در پایان این ملاقات به خبرنگاران گفت فارس بوئز به آنها قول داده با تمام امکانات خود مسئله گروگان‌های ایرانی را پی‌گیری کند.

همایون علیزاده سفیر ایران در بیروت نیز در پاسخ به پرسشی در این مورد، توضیح داد که جمهوری اسلامی ایران به پی‌گیری سیاسی و قضائی مسئله دیپلمات‌های ربه‌ده‌شده ایرانی ادامه خواهد داد. گفتنی است این هیئت خانواده‌های ایرانیان ربه‌ده‌شده از روز یکشنبه در بیروت به سر می‌برد و قرار است با الیاس هرآوی رئیس جمهوری و نبیه بری رئیس پارلمان لبنان نیز ملاقات کند. خانواده‌های دیپلمات‌های ربه‌ده‌شده همچنین به‌طور جداگانه با علامه سید محمد حسین فضل‌الله و شیخ محمد مهدی شمس‌الدین رئیس مجلس اعلای اسلامی شیعیان لبنان ملاقات کردند. در پایان این ملاقات، شیخ شمس‌الدین در سخنانی از دولت و دستگاه قضائی لبنان خواست که اقدام جدی برای روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌های ربه‌ده‌شده ایرانی به عمل آورد، به این دلیل که مسئله دیپلمات‌های ایرانی نه تنها جنبه انسانی داشته، بلکه این مسئله به پیوند دو ملت ایران و لبنان و همچنین مناسبات جمهوری اسلامی ایران با دولت لبنان ارتباط دارد.

کیهان

سرنوشت ۴گروگان ایرانی را روشن کنید

خانواده‌های چهاراسیر ایرانی در لبنان، در دوازدهمین سال اسارت آنان، با انتشار بیانی‌ای، به انتقاد از سکوت مجامع بین‌المللی درباره اسارت این عده درحالی‌که کلیه گروگان‌های غربی در لبنان آزاد شده‌اند پرداخته‌اند.

کیهان

۱۳۷۳/۴/۲۵ = ۱۶ جولای ۱۹۹۴

خانواده‌های گروگان‌های ایرانی خواستار روشن شدن سرنوشت عزیزان خود شدند

خانواده‌های گروگان‌های ایرانی در لبنان، در ادامه دیدارهای خود با مسئولین این کشور، عصر روز چهارشنبه گذشته با «رفیق حریری» نخست‌وزیر و نبیه بری رئیس مجلس لبنان، به‌طور جداگانه دیدار کردند. در این دیدارها، با تأکید بر اهمیت تلاش برای روشن شدن سرنوشت گروگان‌های ایرانی، از مسئولان دولت لبنان خواسته شد در این باره تلاش بیشتری کنند.

خانم مریم مجتهدزاده همسر کاردار ربوده‌شده ایران، در پایان این دیدارها به خبرنگاران گفت: «عزیزان ما اولین قربانیان گروگان‌گیری در لبنان بودند، اکنون ما در دوازدهمین سالگرد ربوده شدن آنان به لبنان سفر کرده‌ایم تا مقامات این کشور را به تلاش در روشن شدن سرنوشت آنان واداریم.» خانواده‌های چهار تبعه ربوده‌شده ایرانی همچنین با «بهیج طباره» وزیر دادگستری و قاضی «منیف عویدات» دادستان لبنان، دیدار کردند. در این دیدارها مسئله تبعه‌های ربوده‌شده ایرانی مورد بررسی قرار گرفت و طباره قول داد برای روشن شدن سرنوشت آنان از هیچ کوششی فروگذار نکند.

پس از بازداشت سمیر جعجع رهبر نیروهای فالانژ و برخی از اعضای بلند پایه نیروهای لبنانی توسط دولت در چند ماه گذشته، انتظار می‌رفت اطلاعات موثقی از گروگان‌های ایرانی به دست آید، اما جعجع اعلام کرده است مسئولیت چنین امری با ایلی حبیقه فرماندهی سابق نیروهای لبنانی است و وی هیچ‌گونه اطلاعی از این امر نداشته است. از سوی دیگر برخی منابع نیمه رسمی اعلام کرده‌اند گروگان‌های ایرانی در چنگال رژیم صهیونیستی اسیر هستند، اما دولت لبنان هنوز هیچ موضع روشنی در این رابطه اعلام نکرده است. انتظار می‌رود سفر خانواده‌های گروگان‌های ایرانی به لبنان پس از ۱۲ سال که از اسارت عزیزان آنان در لبنان می‌گذرد، موجب آن شود که دولت این کشور به وظیفه قانونی و انسانی خود عمل کند و برای روشن شدن سرنوشت گروگان‌های ایرانی تلاش نماید.

سلام

۱۳۷۳/۴/۲۷ = ۱۸ جولای ۱۹۹۴

چهار دیپلمات ربوده‌شده ایران در لبنان، زنده هستند و در زندان‌های رژیم صهیونیستی به سر می‌برند. مقام‌های ارشد دولت لبنان تأیید کردند که چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی زنده هستند و هم‌اکنون در زندان‌های رژیم صهیونیستی به سر می‌برند. خانواده‌های چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی که برای پی‌گیری سرنوشت آنان به لبنان سفر کرده بودند، دیشب به تهران بازگشتند. آنها از مجامع بین‌المللی

روز شمار گروگان‌گیری □ ۵۱

از جمله سازمان ملل متحد، صلیب سرخ جهانی، سازمان دفاع از حقوق بشر خواستند اقدام‌های جدی برای آزادی این دیپلمات‌ها انجام دهند.

خانم موسوی همسر محسن موسوی کاردار رپوده شده ایرانی در لبنان، در این زمینه گفت: «درگفت‌وگو با مقام‌های لبنان، آنها اطمینان دادند که براساس اعترافات سمیر جعجع رهبر فالانژیست‌های لبنان، چهار دیپلمات رپوده شده ایرانی در سال ۱۹۸۷ از طریق دریا به اسرائیل منتقل شدند و در چنگال رژیم صهیونیستی زندانی هستند.»

خانم موسوی اضافه کرد: «در این سفر خانواده‌های دیپلمات‌های رپوده شده، با نخست‌وزیر، وزرای خارجه، کشور و دادگستری لبنان دیدار و مذاکره کردند. در این مذاکرات قرار شد کمیته‌ای متشکل از وزرای خارجه، کشور و دادگستری لبنان تشکیل شده و وضع دیپلمات‌های رپوده شده ایرانی را پی‌گیری کند.»

اطلاعات

۱۳۷۳/۴/۲۸ = ۱۹ جولای ۱۹۹۴

چهار دیپلمات ایرانی رپوده شده به اسرائیل تحویل داده شده‌اند

خانواده چهارتن ایرانی رپوده شده در لبنان فاش ساختند که ربایندگان، دیپلمات‌های ایرانی را به رژیم صهیونیستی تحویل داده‌اند. خانواده این دیپلمات‌ها یکشنبه شب پس از بازگشت از بیروت، گفتند که رهبر فالانژیست‌های لبنان اعتراف کرده است که دیپلمات‌های ایرانی را زنده تحویل رژیم صهیونیستی داده است. سمیر جعجع رهبر فالانژیست‌های لبنان و از عوامل موثر جنگ‌های داخلی آن کشور که افراش دیپلمات‌های ایرانی را ۱۲ سال پیش رپودند، در حال حاضر به جرم هدایت عملیات بمب‌گذاری کلیسایی در شمال لبنان، در بازداشت به سر می‌برد. به گفته خانواده دیپلمات‌های رپوده شده ایرانی، جعجع در بازجویی اعتراف کرده است که دیپلمات‌های ایرانی زندانی رژیم اشغال‌گر قدس هستند. خانم موسوی همسر کاردار رپوده شده ایران، در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت که فارس بوئر وزیر امور خارجه لبنان، شخصا اطمینان داده است که موضوع را پی‌گیری می‌کند. خانم موسوی افزود: «به گفته بوئر، قرار است کمیته‌ای متشکل از وزرای امور خارجه، دادگستری و نیز دبیرکل وزارت امور خارجه لبنان برای پی‌گیری موضوع تشکیل شود.»

وی گفت: «در ملاقات با نخست‌وزیر لبنان و دیگر شخصیت‌های سیاسی و مذهبی لبنان نیز قول‌های مساعدی برای پی‌گیری جدی مسئله سرنوشت عزیزانمان داده شده است.» همسر کاردار رپوده شده ایران در لبنان گفت: «در سفر به بیروت مقرر شد تمامی اطلاعاتی که درباره سرنوشت آنها به دست می‌آید از طریق سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت و وزارت امور خارجه در اختیار ما قرار گیرد.»

جهان اسلام

۱۳۷۳/۴/۲۹ = ۲۰ جولای ۱۹۹۴

بستگان دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی با مقامات لبنانی دیدار کردند

هیئتی از خانواده‌های چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی که برای پی‌گیری وضعیت آنان به بیروت سفر کرده است، به‌طور جداگانه با علامه سیدمحمدحسین فضل‌الله و محمدمهدی شمس‌الدین رئیس‌مجلس‌اعلای اسلامی‌شیعیان لبنان ملاقات کرد. در پایان این ملاقات شیخ‌شمس‌الدین طی سخنانی از دولت لبنان و دستگاه قضائی این کشور خواست که اقدام جدی برای روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی به‌عمل‌آورد، به این دلیل که مسئله دیپلمات‌های ایرانی نه‌تنها جنبه انسانی داشته، بلکه این مسئله با پیوند دولت ایران و لبنان و همچنین مناسبات جمهوری اسلامی ایران با دولت لبنان ارتباط دارد. شیخ شمس‌الدین افزود: «مبهم ماندن سرنوشت این ربوده‌شدگان با مناسبات حسنه دو دولت منافات دارد و شاید اظهارآمدگی جدی برای حل و فصل این مسئله به تحکیم مناسبات کمک کند.»

هیئت ایرانی همچنین با فارس بوئر وزیر امور خارجه لبنان ملاقات کرد. تحرک جدید خانواده‌های دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی در آغاز سیزدهمین سال ناپدید شدن آنها انجام می‌گیرد. تحرک مجدد این هیئت درحالی صورت می‌گیرد که دستگاه امنیتی لبنان درماه‌های اخیر توانسته است چندین شبکه خرابکار وابسته به رژیم صهیونیستی را شناسایی و عاملان آن را به دستگاه قضائی تحویل دهد. نکته مهم آن است که عوامل بازداشتی رژیم صهیونیستی بیشتر از اعضای حزب منحل نیروهای لبنانی‌اند که سمیرجعجع رئیس این حزب نیز در میان آنها دیده می‌شود و از آنجا که دیپلمات‌های ایرانی به وسیله عناصر وابسته به گروه‌های لبنانی ربوده شده‌اند امید نسبت به روشن شدن سرنوشت این دیپلمات‌ها بیشتر شده است.

هفته‌نامه کیهان‌هوایی

۱۳۷۳/۵/۱ = ۲۳ جولای ۱۹۹۴

چه کسی قربانی تروریسم است؟

«صبح زنگنه» با انتشار مقاله‌ای در روزنامه عرب‌زبان الشرق‌الاوسط چاپ لندن، به مقاله موهن یکی از ضدانقلابیون فراری که در این روزنامه چاپ شده بود، پاسخ داده است. دربخشی از این مقاله آمده است:

– در اینجا نگاهی بیفکنیم به اولین آدم‌ربایی که در لبنان اتفاق افتاد. آیا نویسنده فراموش کرده است اولین کسانی که در لبنان به دست نیروهای فالانژ ربوده شدند، چهار ایرانی بودند که یکی از آنها روزنامه‌نگار و دیگری نویسنده بود و دوتن دیگر دیپلمات‌های ایرانی بودند که در اختیار نیروهای اسرائیلی گذاشته شدند؟ اما روزنامه‌های امانت‌دار، هیچ خبر یا تحلیل یا انتقادی درمورد حادثه مزبور منتشر نساختند؟

اطلاعات

۱۳۷۳/۶/۱۳ = ۴ سپتامبر ۱۹۹۴

روز شمار گروگان‌گیری □ ۵۳

سفارت ایران در بیروت خواستار روشن شدن سرنوشت ۳ ایرانی ناپدید شده مقیم لبنان شد
منابع وزارت خارجه لبنان اعلام کردند: «سفارت ایران در بیروت با ارسال یادداشتی کتبی به این وزارتخانه، خواستار روشن شدن سرنوشت سه تن از ایرانی‌هایی شد که در سال ۱۹۸۲ همزمان با ربوده شدن چهار دیپلمات ایرانی، ناپدید شدند.»

روزنامه لبنانی «اللو» به نقل از این منابع نوشت: «سفارت ایران در یادداشت خود همچنین خواستار آگاهی از تحولات کامل در این باره و تحقیقات در ارتباط با انفجار کلیسای مارونی‌ها در شمال بیروت شده است.»

به گفته منابع وزارت خارجه لبنان، دولت این کشور در صدد انجام تحقیقات لازم برای روشن شدن وضع اقامت ایرانیان مفقود شده است، زیرا به گفته این منابع، در صورت عدم ورود قانونی این عده به لبنان، دولت این کشور هیچ مسئولیتی در قبال سرنوشت آنان نخواهد داشت. منابع سفارت کشورمان در لبنان با تاکید بر این خبر، اعلام کردند که ایرانیان ناپدید شده مقیم لبنان بوده و در سال ۱۹۸۲ در زمان اشغال بیروت ناپدید شده‌اند که از وزارت خارجه لبنان خواسته شده است اقدام‌های لازم را برای کشف سرنوشت این اتباع ایرانی به عمل آورد. در همان سال، چهار دیپلمات ایرانی به هنگام ورود به بیروت، توسط نیروهای فالانژ ربوده شدند که با این تعداد، آمار رسمی ایرانیان ربوده شده در لبنان به ۷ نفر می‌رسد.

اطلاعات

۱۳۷۳/۷/۲۸ = ۲۰ اکتبر ۱۹۹۴

لبنان به تلاش‌های خود برای اطلاع از سرنوشت چهار ایرانی ربوده شده در این کشور ادامه می‌دهد

سفیر جدید لبنان در تهران، تاکید کرد که دولت مطبوعش تلاش بی‌وقفه‌ای را برای اطلاع یافتن از سرنوشت چهار ایرانی ربوده شده در لبنان به کار می‌گیرد. «منیر تلحوق» در گفت‌وگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی افزود: «باتوجه به اطلاعات و امکانات موجود، تلاش برای اطلاع از مکان و یا سرنوشت چهار ایرانی ربوده شده ادامه دارد و امیدواریم این کوشش‌ها ما را به نتیجه مورد نظر برساند.»

اطلاعات

۱۳۷۳/۸/۲۸ = ۱۹ نوامبر ۱۹۹۴

محاکمه سمیر جعجع عامل گروگان‌گیری چهار ایرانی در بیروت امروز آغاز می‌شود
به نوشته یک روزنامه انگلیسی، محاکمه سمیر جعجع فرمانده سابق نیروهای مسلح فالانژ است لبنان و عامل گروگان‌گیری ۴ ایرانی، در دادگاه عالی این کشور از اهمیت سیاسی زیادی برخوردار است. در این دادگاه که از امروز شنبه در بیروت تشکیل می‌شود، جعجع به اتهام دست داشتن در کشتار و قتل عام مردم و مخالفان خود محاکمه می‌شود. از جمله اتهامات گوناگون وی طراحی قتل «دانی

شمعون» و خانواده وی در سال ۱۹۹۱ و بمب‌گذاری در کلیسای مسیحیان مارونی لبنان در شمال بیروت است. انفجار این کلیسا در سال جاری منجر به قتل ۱۱ نفر شد. به گفته دادستان این دادگاه، طرح انفجار کلیسای شمال بیروت با همفکری سرویس جاسوسی رژیم اشغالگر قدس و نیروهای مزدور «لحد» انجام پذیرفته است. این افراد قصد داشتند با استفاده از مسئله این انفجار، کودتایی در شرق بیروت انجام دهند و به بهانه محافظت مسیحیان در مقابل حملات مسلمانان، از نیروهای غربی تقاضای دخالت کنند. به نوشته «رابرت فیسک» در شماره دیروز نشریه «ایندپندنت»، از تعداد بیش از ۳۱۰ خبرنگاری که قرار است در جلسات دادگاه شرکت کنند، می‌توان به اهمیت این دادگاه پی‌برد. به نوشته فیسک گروهی از وکلای فرانسوی نیز برای دفاع از سمیر جعجع وارد لبنان شدند.

سلام

سال ۱۳۷۴ هـ ش
۱۹۹۵ - ۱۹۹۶ م

۱۳۷۴/۴/۱۴ - ۵ جولای ۱۹۹۵

گفت‌وگوی کیهان با همسر کاردار ربوده‌شده ایران در بیروت

خانم مریم مجتهدزاده همسر سید محسن موسوی کاردار سابق سفارت جمهوری اسلامی ایران در لبنان، در مورد حادثه ربوده شدن دیپلمات‌های ایرانی گفت: «در چهاردهم تیرماه سال ۶۱ یعنی پنجم جولای ۱۹۸۲، همسر محسن موسوی، به همراه آقای احمد متوسلیان و یکی از عکاسان خبرگزاری جمهوری اسلامی به نام آقای کاظم اخوان و نیز راننده سفارت آقای تقی رستگار مقدم، درست چند روز پس از حمله سراسری ارتش اشغالگر قدس به جنوب لبنان، هنگامی که با اتومبیل سفارت مشغول تردد بودند، در چهل کیلومتری شمال بیروت توسط شبه‌نظامیان مارونی موسوم به فالانژ ربوده شدند و به اسارت درآمدند.»

خانم موسوی در ادامه این چهارتن را در حقیقت اولین گروگان‌های لبنان معرفی کرد که علی‌رغم این که بر اساس قوانین دیپلماتیک آنها از مصونیت برخوردار بودند و علی‌رغم این که جمهوری اسلامی ایران به طور یک‌طرفه حسن‌نیت خود را نشان داد، و در تلاش انسان‌دوستانه برای آزادی تمام گروگان‌های غربی در لبنان میانجی‌گری کرد، متأسفانه علی‌رغم وعده‌های غربی‌ها هنوز هیچ‌کس از سرنوشت این چهارتن اطلاع دقیقی ندارد. خانم موسوی در مورد آخرین اطلاعات به دست آمده در مورد وضعیت این اسیران گفت: «من و خانواده‌های اسیران دیگر ایرانی در لبنان، دو بار، یکی چهار سال پیش و یک‌بار سال گذشته به لبنان و سفری هم به سوئیس داشتیم.»

وی افزود: «چهار سال پیش سمیر جعجع فرمانده فالانژ ایست‌های لبنان گفت که این گروگان‌ها توسط ایلی حبیقه فرمانده سابق آنها، به شهادت رسیده‌اند اما حبیقه سخنان جعجع را تکذیب کرد و اظهار داشت که در هنگام تحویل فرماندهی، تمام آن چهارتن در زندان بوده‌اند. در سفر سال پیش

خوشبختانه درگفت‌وگو با مسئولان بلندپایه لبنانی متوجه شدیم که این چهارتن در سال ۱۹۸۷ توسط سمیر جعجع در اوج درگیری با میشل عون، از طریق دریا به اسرائیل منتقل شده‌اند و همگی زنده‌اند.»

وی در مورد تلاش‌های به عمل آمده در راه آزادی این گروگان‌ها، به پی‌گیری مکرر خانواده‌های این اسیران و نیز تلاش‌های وزارت خارجه اشاره کرد و افزود: «در دیداری که با الیاس هراوی رئیس‌جمهوری لبنان داشتیم، وی کمیته‌ای مرکب از نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه، وزیر دادگستری لبنان و سفیر ایران در بیروت را مامور پی‌گیری این مسئله کرد که هنوز از نتایج احتمالی این کمیته بی‌خبریم. تمام این افراد برای پی‌گیری این مسئله و آزادی این گروگان‌ها قول مساعد دادند اما در عمل هیچ کاری صورت نگرفته است.»

خانم مجتهدزاده همچنین خاطر نشان کرد: «ما در دوران جنگ به احترام خانواده‌هایی که در عراق اسیر داشتند از پی‌گیری جدی مسئله خودداری می‌کردیم اما در حال حاضر که جنگ تحمیلی تمام شده است، از وزارت امور خارجه کشورمان تقاضا می‌کنیم با توجه به این که این چهارتن مصونیت سیاسی و دیپلماتیک داشته‌اند، مسئله را از طریق وزارت خارجه‌های دو کشور جدی‌تر پی‌گیری کنند. البته ما این مسائل را در ملاقاتی که امروز با آقای دکتر ولایتی داریم مطرح خواهیم کرد که امیدواریم ترتیب اثر بدهند.»

کیهان

نامه سیدراند موسوی فرزند کاردار ربوده شده ایرانی در بیروت

سیدراند موسوی در این نامه، از غم دوری چهارده ساله از پدرش نوشته و از مجامع بین‌المللی و حقوق بشر و همچنین مسئولین جمهوری اسلامی ایران درخواست کرده است تا نسبت به پی‌گیری و آزادی چهارگروگان ایرانی در لبنان اقدام نمایند.

کیهان

۱۳۷۴/۴/۱۸ = ۹ جولای ۱۹۹۵

از کاظم اخوان تا کریستین امان پور!

حسین بهزاد در مقاله خود، غیرتمندی کاظم اخوان را با خبائثت‌ها و رذالت‌های خبرنگار ایرانی الاصل آمریکایی «کریستین امان پور» مقایسه کرده است.

(ضمیمه ۴)

کیهان

۱۳۷۴/۴/۲۰ = ۱۱ جولای ۱۹۹۵

روز شمار گروگان‌گیری □ ۵۷

بسیجی! من و تو باید پرچم‌مان را آنجا بزنیم ... در انتهای افق

عکسی زیبا از حاج‌احمد متوسلیان هنگام سخنرانی در شهر مریوان، در حالی که با انگشت خود به دوردست اشاره می‌کند، به چاپ رسیده است که در زیر آن این عبارت دیده می‌شود: «به مناسبت سالگرد اسارت سردار رشید اسلام حاج‌احمد متوسلیان به دست مزدوران رژیم صهیونیستی در لبنان». هفته‌نامه فرهنگ‌آفرینش

۱۳۷۴/۴/۲۴ = ۱۵ جولای ۱۹۹۵

نامه خانواده‌های گروگان‌های ایرانی در لبنان تسلیم دبیرکل سازمان ملل شد

دکتر خرازی در چهاردهمین سالگرد به گروگان گرفته شدن چهارتن از اتباع ایران در لبنان، در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل جزئیات مطرح شده از سوی سخن‌گوی خانواده این افراد را به اطلاع «پطروس غالی» رساند.

بر اساس متن ضمیمه شده به نامه نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران به پطروس غالی، خانم مریم مجتهدزاده همسر کاردار سابق ایران و سخن‌گوی خانواده اسرای ایرانی در لبنان، در گفت‌وگویی با یک روزنامه ایران، تاکید کرده است که بر اساس آخرین اطلاعات دریافت شده تمامی آنان زنده هستند. وی گفته است که در سفر خانواده این افراد به بیروت برای پی‌گیری وضعیت اسرای ایرانی، در گفت‌وگو با مسئولان بلندپایه لبنانی متوجه شدیم که این چهارتن در سال ۱۹۸۷ توسط سمیر جعجع در اوج درگیری‌های با میشل عون، از طریق دریا به اسرائیل منتقل شده و همگی زنده هستند. چهار سال پیش سمیر جعجع فرمانده فالانژیست‌های لبنان گفت که این گروه توسط ایلی حبیقه فرمانده سابق آنها، به شهادت رسیده‌اند اما حبیقه سخنان جعجع را تکذیب کرده و تاکید کرد که در زمان تحویل فرماندهی فالانژها، تمامی آنها در زندان بوده‌اند. خانم مجتهدزاده با تاکید بر ضرورت آزادی این گروگان‌ها عنوان کرده است که در دیدار با «الیاس هراوی» رئیس جمهوری لبنان، وی کمیته‌ای مرکب از نخست‌وزیر، وزیر امور خارجه، وزیر دادگستری لبنان را مامور پی‌گیری این مسئله کرده است. در این کمیته سفیر ایران در بیروت نیز عضویت دارد اما از نتایج احتمالی اقدامات این کمیته هنوز خبری در دست نیست.

سلام

۱۳۷۴/۱۰/۱۲ = ۲ ژانویه ۱۹۹۶

طلایه‌داران نسل آفتاب

حسین بهزاد، در این مقاله، به بهانه سالروز «عملیات محمد رسول‌الله (ص)» به وضعیت حاج‌احمد متوسلیان پرداخته است.

کیهان

سال ۱۳۷۵ هـ ش
۱۹۹۷-۱۹۹۶ م

۱۳۷۵/۴/۱۴ = ۵ جولای ۱۹۹۶

چقدر در حمایت از حقوق اتباع ایرانی موفق بوده‌ایم؟

در این مقاله که با عنوان فرعی «به بهانه گذشت بیش از ۵۴۰۰ روز از اسارت چهار ایرانی در لبنان» منتشر شده است، به موضع‌گیری‌های ضعیف مسئولین و ارگان‌های دولتی بخصوص وزارت امور خارجه در قبال سرنوشت چهار ایرانی مفقود شده در لبنان، پرداخته شده است.

(ضمیمه ۵)

جمهوری اسلامی

گروگان‌های ایرانی در بندند، آنها را فراموش نکنیم

۱۴ سال پیش در چنین روزی، چهار ایرانی در بیروت به گروگان گرفته شدند که هنوز از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست. رهبری فالانژها در آن زمان، با ایلی حبیقه وزیر کنونی کابینه لبنان بود و نیروهای وی تحت فرماندهی سمیر جعجع دیگر رهبر این گروه، اقدام به این گروگان‌گیری نمودند. سمیر جعجع اکنون به خاطر ارتکاب جنایات متعدد به حبس ابد محکوم شده است، اما از طرف دیگر ایلی حبیقه فرمانده وقت نیروهای لبنانی، اکنون در کابینه رفیق حریری به عنوان وزیر، مشغول به کار است. اما با این وجود علیرغم انجام پی‌گیری‌های متعدد و از جمله سفر خانواده‌های این عزیزان به لبنان و ملاقات آنها با مقامات لبنانی، هنوز نه مقامات لبنان و نه سمیر جعجع توضیح روشنی درباره سرنوشت گروگان‌ها ارائه داده و حتی مقامات وزارت امور خارجه ایران نیز نتوانسته‌اند گره این کار را بگشایند و به ۱۴ سال انتظار خانواده‌های چهار گروگان مزبور پایان دهند.

روز شمار گروگان‌گیری □ ۵۹

چهار ایرانی به گروگان‌گرفته‌شده، اولین قربانیان بحران موسوم به گروگان‌گیری در جنگ داخلی لبنان هستند و ده‌ها تن دیگر نیز بعد از آنها در لبنان به گروگان گرفته شدند. اما با وجود آن‌که گروگان‌های غربی با کمک و مساعدت جمهوری اسلامی ایران آزاد شده و به نزد خانواده‌هایشان بازگشتند، اما نه کسی تاکنون حاضر شده که به‌طور جدی برای تعیین سرنوشت گروگان‌های ایرانی به جمهوری اسلامی ایران کمک کند، و نه مسئولان دستگاه دیپلماسی کشورمان حاضرند بپذیرند که هنگام مساعدت به آزادی گروگان‌های غربی در لبنان، تضمین کافی برای آزادی گروگان‌های ایرانی دریافت نکرده‌اند.

بدون شک جمهوری اسلامی ایران هرگز بحران گروگان‌گیری را در لبنان تایید نکرده و تنها با استفاده از نفوذ و محبوبیت خود در نزد گروه‌های لبنانی، به آزادی گروگان‌های غربی کمک کرده است، اما آیا مسئولان دستگاه دیپلماسی ما نمی‌توانستند در هنگام آزادی گروگان‌های غربی، خواهان اعمال نفوذ کشورهای غربی مزبور بر گروه جعجع و حتی رژیم صهیونیستی برای تعیین تکلیف گروگان‌های ایرانی شوند. حتی اگر کشورهای غربی توان چنین اعمال نفوذی بر فالانژها و یا رژیم صهیونیستی را نداشته‌اند و یا نخواسته‌اند در این راه کمکی به ما بکنند، مگر ایلی حبیقه و سمیر جعجع روسای گروه فالانژ نیروهای لبنانی اکنون در قیدحیات نیستند؟ جعجع که یک مسیحی مارونی است، همراه با آغاز جنگ داخلی لبنان در سال ۱۹۷۵ در صحنه سیاسی این کشور ظهور کرد و با طراحی و سازمان‌دهی یک سری اقدامات خشونت بار و حرکات تروریستی علیه مخالفان خود، به‌زودی به‌عنوان یک چهره سیاسی مشهور اما افراطی در نزد افکار عمومی منطقه شناخته شد. حمله به مناطق مسکونی مسلمان‌نشین در سراسر لبنان، طراحی قتل‌های متعددی نظیر ترور تونی فرنجه فرزند سلیمان فرنجه رئیس‌جمهوری لبنان در سال ۱۹۷۶، ترور دنی شمعون رهبر حزب لیبرال لبنان، ترور رنه معوض رئیس‌جمهوری اسبق، ترور رشید کرامی نخست‌وزیر و خلیل کنعان فرمانده لشکر ارتش و... تنها نمونه‌هایی از اعمال جنایتکارانه جعجع و باند تروریست وی می‌باشد. جعجع مدعی است که ۴ گروگان ایرانی در زمان ریاست فرمانده پیشین نیروهای لبنانی یعنی ایلی حبیقه، به قتل رسیده‌اند و وی از کم‌وکیف و جزئیات کشته شدن آنها اطلاعی در دست ندارد. قطعاً این ادعای جعجع قابل پذیرفتن نیست، زیرا در این موضوع که جعجع در زمان ربوده شدن گروگان‌های ایرانی در سال ۱۹۸۲ از رهبران اصلی، تصمیم‌گیرنده و با نفوذ شبه‌نظامیان فالانژ بوده، تردیدی نیست و از سوی دیگر ایرانی‌های مذکور زمانی به اسارت گرفته شدند که جعجع و حبیقه در قالب یک گروه واحد عمل می‌کردند. به‌همین دلیل داشتن چنین موقعیت و سمتی، پذیرفتن ادعای وی در مورد بی‌اطلاع بودن از سرنوشت ایرانیان به گروگان گرفته شده را مشکل می‌نماید. از طرف دیگر، دولت لبنان نیز که امروزه به یمن پایداری و مقاومت رزمندگان مسلمان در برابر حملات و توطئه‌های رژیم صهیونیستی و مزدوران داخلی‌اش، استقلال خود را بازیافته، طرف‌سختن و ندای مظلومانه خانواده‌های گروگان‌های ایرانی است که بیش از ۱۴ سال است از

۶۰ □ کمین جولای ۸۲

سرنوشت عزیزان خود بی اطلاع هستند. اگر در گذشته دولت لبنان نمی توانست مخاطب خواسته به حق آنان باشد، امروزه هم به قدر کافی برای اعمال حاکمیت خود توان دارد و هم عاملان گروگان گیری حی و حاضر هستند.

بی شک حضور ایلی حبیقه در صحنه سیاسی کنونی لبنان به عنوان وزیر دولت حریری و بازداشت و محاکمه جعجع، شرایط لازم برای تعیین سرنوشت گروگان های ایرانی را فراهم آورده و این دولت لبنان است که باید حسن نیت لازم را برای حل این مسئله از خود نشان دهد. وزارت امور خارجه نیز باید به تکمیل اقدامات گذشته خود در این باره بر مطرح شدن مسئله تعیین سرنوشت گروگان های ایرانی و حتی احضار ایلی حبیقه به دادگاه اصرار ورزد و ضمن افزایش تماس با مقامات اجرایی و قضائی لبنان، این مسئله را تا تعیین تکلیف نهایی آن دنبال کند. بی شک اگر رسانه های ما فاقد قدرت تبلیغاتی در دنبال کردن مسئله گروگان های ایرانی در لبنان نظیر آنچه که رسانه های گروهی غرب عمل کردند، می باشند، این بدان معنی نیست که رسانه ها و مردم ایران نسبت به سرنوشت گروگان های ایرانی بی تفاوت هستند. امید است که در آینده اخبار روشنی درباره سرنوشت ۴ گروگان ایرانی در اختیار افکار عمومی قرار گیرد.

م . ویسی

سلام

۱۳۷۵/۵/۲ = ۲۴ جولای ۱۹۹۶

آن چهار گروگان غریب

«حمید داودآبادی»، در این مقاله ضمن اشاره به بیانیه ۳۷۰ روزنامه نگار ایرانی در اعتراض به «ترور و سانسور خبر قتل گزارشگر منتقد آمریکایی» که در مطبوعات ایرانی منتشر شده است، نسبت به کم توجهی جامعه مطبوعاتی درباره خبرنگار ایرانی کاظم اخوان که سالهاست در لبنان مفقود شده، پرداخته است.

(ضمیمه ۶)

هفته نامه فرهنگ آفرینش

پنج هزار و یکصدمین روز

در این گزارش، شرحی از مراسم پانزدهمین سالگرد اسارت چهار گروگان ایرانی که در مسجد امام حسن مجتبی (ع) شهرک دولت آباد تهران برگزار شده، آمده است.

(ضمیمه ۷)

هفته نامه فرهنگ آفرینش

۱۳۷۵/۵/۴ = ۲۶ جولای ۱۹۹۶

درخواست خانواده دیپلمات های اسیر ایرانی از مجامع بین المللی

روز شمار گروگان‌گیری □ ۶۱

در پی آزادی اسرای رژیم صهیونیستی با وساطت آلمان در لبنان، یکی از اعضای خانواده دیپلمات‌های ایرانی دربند این رژیم، خواستار اقدام کشورهای غربی و مجامع بین‌المللی جهت آزادی آنان شد. مریم مجتهدزاده همسر سیدمحسن موسوی کاردار وقت سفارت ایران در بیروت، گفت: «این افراد زمانی وارد لبنان شدند که تمامی دیپلمات‌های خارجی لبنان را ترک می‌کردند و این کشور در محاصره کامل رژیم صهیونیستی قرار داشت.»

وی اضافه کرد: «آنان با این کار خود می‌خواستند نشان دهند که برای مردم لبنان و به نشانه همبستگی با آنان به این کشور رفته‌اند. اکنون این وظیفه دولت لبنان است که رسیدگی به وضعیت آنان را در دستور کار خود قرار دهد.»

مجتهدزاده که سخن‌گوی خانواده‌های دیپلمات‌های ایرانی دربند رژیم صهیونیستی است، گفت: «حرف ما این است که سمیر جعجع و ایلی حبیقه، ربایندگان دیپلمات‌های ایرانی، تشکیلاتی وسیع را اداره می‌کردند، لذا بعید به نظر می‌رسد چنین تشکیلاتی در صورت احتمال ضعیف به شهادت رساندن این اسیران، محل دفن آنان را نداند. در شرایطی که تمامی اسیران و گروگان‌های کشورهای خارجی در لبنان مبادله می‌شوند و به سرزمین خود بازمی‌گردند، دیپلمات‌های ایرانی که جان خود را در راه نظام مقدس جمهوری اسلامی گذاشتند، همچنان در وضعیت نامشخصی هستند. با مسئولان سازمان ملل، سازمان عفو بین‌الملل، دفاع از حقوق بشر و دیگر مجامع بین‌المللی در این مورد صحبت کرده‌ایم و حتی دبیرکل سابق سازمان ملل (دکوئیار) قول پی‌گیری این قضیه را داد، اما کوچک‌ترین اقدامی صورت نگرفت. به آنان گفتیم هنگامی که یکی از غربیان به گروگان گرفته می‌شود، جارجنجال زیادی به راه می‌اندازید، حال چگونه است که در مقابل اسارت دیپلمات‌های ایرانی سکوت پیشه کرده‌اید؟»

وی از مسئولان مربوطه خواست پی‌گیری‌های لازم در این زمینه را انجام دهند و با همکاری دولت لبنان، اسیران ایرانی را آزاد کنند. وی خاطرنشان کرد: «والدین متوسلیان و رستگارمقدم سال‌هاست چشم‌انتظار فرزندانشان هستند، پدر و مادر آقای اخوان، خبرنگاری که همراه آنان به اسارت درآمد، آن‌قدر عمرشان کفاف نداد تا از سرنوشت پسر خود مطلع شوند. پسر من هم بجز عکس‌هایی که از پدر خود می‌بیند، هیچ تصویری از او در ذهن ندارد. درخواست ما این است: «غربیان به یاد اسیران فراموش شده ما هم باشند.»

جمهوری اسلامی

دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی در چنگال رژیم صهیونیستی اسیر هستند

طی چند روز گذشته، در خبرها آمده بود که با میانجی‌گری اشمیت‌باور، مسئول دفتر هماهنگی سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی هلموت کهل صدراعظم آلمان میان حزب الله و رژیم صهیونیستی، در ازای آزادی ۴۵ اسیر دربند رژیم اشغالگر قدس و تحویل پیکرهای مطهر ۱۴۰ تن از شهدای مقاومت،

جسد ۲ سرباز اسرائیلی تحویل آن رژیم داده و ۱۷ تن از مزدوران ارتش آنتوان لحد نیز آزاد شدند. در همین رابطه، مقامات آلمانی از کلیه جناح‌های منطقه‌ای که در روند این مبادله نقش داشتند، بویژه جمهوری اسلامی ایران، تشکر کردند و اشمیت‌باورگفته است اکنون به همکاری ایران دست یافته‌ایم و امیدواریم هر چه زودتر کلیه اسرا مبادله شوند. سیدحسین نصرالله دبیرکل حزب‌الله، در پی آزادی تعدادی از اسرا، در یک کنفرانس خبری در بیروت، با اشاره به اصول ثابت حزب‌الله که به موجب آن به مبادله اسرا مبادرت ورزیده است، گفت: «آزادی هر بازداشتی از بازداشتگاه‌های رژیم صهیونیستی، بدون توجه به تابعیت او برای حزب‌الله مهم است و حزب‌الله آمادگی دارد برای آزادی همه زندانیان با هر گروهی همکاری کند.»

از سوی دیگر، سخن‌گوی وزارت خارجه کشورمان با اشاره به اظهارات برخی از مقامات آلمانی درخصوص نقش مثبت و موثر جمهوری اسلامی تاکید کرد: «ایران همچون گذشته درجهت بازگرداندن پیکر پاک شهدا و آزادی اسرای لبنانی و فلسطینی دربند رژیم اشغالگر قدس، از هیچ‌گونه حمایتی دریغ نمی‌ورزد.»

همچنین وی ابراز امیدواری کرد که تلاش‌های اشمیت‌باور به روشن شدن وضعیت دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی در لبنان که بنا به اطلاعات موثق به اسرائیل منتقل شده‌اند، منجر گردد. با توجه به اظهارات مقامات آلمانی و دبیرکل حزب‌الله، شرایط مناسبی برای رهایی دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی، فراهم شده است.

با شرایط به‌وجودآمده در تبادل اسرا، وزارت امور خارجه باید به طور جدی قضیه گروگان‌های ایرانی را مطرح کند و فرصت به‌دست آمده را مغتنم بشمارد و همچون ماجرای آزادی گروگان‌های غربی در لبنان، فرصت را از دست ندهد و مشخص شدن سرنوشت ۴ گروگان ایرانی، جایگاهی مهم در دیپلماسی فعال تهران بیابد و با یک دیپلماسی فعال، از تمام توان دیپلماتیک خود در جهت رهایی این عزیزان استفاده کند و به ۱۴ سال اسارت آنان خاتمه دهد.

جمهوری اسلامی

۱۳۷۵/۵/۲۲ = ۱۳ اوت ۱۹۹۶

چهار دیپلمات ایرانی باید از زندان‌های رژیم صهیونیستی آزاد شوند

«محمدحسن ضیایی‌فر» دبیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی گفت: «اعضای هیئت حقوق بشر اسلامی درگفت‌وگو با شخصیت‌ها و مقامات لبنانی بر ضرورت آزادی اسیران محبوس در زندان‌های رژیم صهیونیستی از جمله چهار دیپلمات ایرانی تاکید کردند. درگفت‌وگو با شخصیت‌ها و مقامات لبنانی مقدر شد که مسئله اسارت چهار دیپلمات ایرانی در زندان‌های رژیم صهیونیستی، درمجامع بین‌المللی مطرح شود و با فعال کردن سازمان‌های غیردولتی و فشار بر دولت‌های حامی رژیم صهیونیستی، حکام این رژیم وادار به آزاد سازی چهار دیپلمات ایرانی و امام موسی صدر شوند.»

جمهوری اسلامی

مرداد ۱۳۷۵ = اوت ۱۹۹۶

چند خطی به یاد چهارگروگان مظلوم ایرانی

فراموشی؟...هرگز!

این مقاله به مناسبت پانزدهمین سالگرد ربوده شدن چهاردیپلمات ایرانی توسط «حسین رستگار» نگاشته شده و به تحلیل مسائل پیش آمده در این باره پرداخته است.

(ضمیمه ۸)

ماهنامه صبح

شهریور ۱۳۷۵ = سپتامبر ۱۹۹۶

غربت در ناسوت، عزت در ملکوت

«رضا گلپور» به بررسی اوضاع و احوال کنونی جامعه ایران بخصوص اوضاع فرهنگی سیاسی و مناسبت آن با پوشش خبری گروگان‌های ایرانی پرداخته است.

ماهنامه صبح

شهریور ۱۳۷۵ = سپتامبر ۱۹۹۶

چهارگروگان ایرانی برخلاف ادعای اشمیت‌باور زنده‌اند

یک مقام آگاه در وزارت امور خارجه کشورمان ادعای اشمیت‌باور رئیس سازمان اطلاعات آلمان، در مورد کشته شدن چهارگروگان ایرانی در اسرائیل را تکذیب کرد. این مقام در مورد خبر رادیو فرانسه که در آن از قول رئیس سازمان اطلاعات آلمان نقل شده بود: «چهار گروگان ایرانی ناپدید شده در سال ۱۹۸۲ در لبنان، توسط مسیحان فالانژیست این کشور ربوده شده و به قتل رسیده‌اند»، اظهار داشت: «وزارت امور خارجه ایران بر اساس منابع موثق، مطمئن است که هر چهارگروگان ایرانی زنده‌اند و در زندان‌های رژیم اشغالگر قدس به سر می‌برند.»

رادیو فرانسه به نقل از هفته‌نامه آلمانی فوکوس گفته بود که جمهوری اسلامی ایران معتقد است که اجساد این چهار ایرانی در اختیار اسرائیل است. این رادیو همچنین به نقل از اشمیت‌باور افزود که سازمان اطلاعات آلمان از صحنه قتل نقشه‌هایی در اختیار دارد و از محل دفن اجساد نیز مطلع است. گفتنی است چند روز پیش سفیر ایران در بن طی مصاحبه‌ای از مقامات آلمانی خواست راجع به سرنوشت چهارگروگان ایرانی اطلاعات دقیقی به دست آورند. از سوی دیگر، رادیو رژیم اشغالگر قدس به نقل از روزنامه صهیونیستی «یدیعوت آحارونوت» اعلام کرد: «هرگونه اطلاعات در مورد دیپلمات‌های ایرانی ربوده شده در لبنان، می‌تواند اطلاعات متقابلی در مورد «ران آراد» - خلبان مفقود شده اسرائیلی در لبنان - را به همراه داشته باشد.»

این اولین بار است که رسانه‌های رژیم صهیونیستی به موضوع انتقال دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی به اسرائیل، اعتراف کرده‌اند.

ماهنامه صبح

۶۴ □ کمین جولای ۸۲

مهر ۱۳۷۵ = اکتبر ۱۹۹۶

ای کاش تو را دیده بودم

«محمدعلی صمدی»، در مقاله خود، به آرزویش برای دیدن حاج احمد متوسلیان پرداخته است.

ماهنامه صبح

مهر ۱۳۷۵ = اکتبر ۱۹۹۶

کاظم اخوان یکی از چهارگروگان ایرانی اسیر شده در لبنان است

این نشریه در دو صفحه ۷ قطعه از عکس های دفاع مقدس را که از کارهای برجسته کاظم اخوان بوده، به چاپ رسانده است.

ماهنامه صبح

مهر ۱۳۷۵ = اکتبر ۱۹۹۶

مصاحبه با خانواده سید محسن موسوی

خانم مریم مجتهدزاده همسر و سیدراند فرزند سید محسن موسوی کاردار سفارت ایران در بیروت، به سوالات خبرنگار پیرامون اوضاع و احوال و اخبار مختلف از وضعیت گروگانها پاسخ داده است.

(ضمیمه ۹)

ماهنامه صبح

۱۳۷۵/۷/۲۳ - ۱۵ اکتبر ۱۹۹۶

گفت و شنود نشریه آلمانی اشپیگل با رئیس جمهوری حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی

خبرنگار: در مورد رون آراد بفرمایید:

رئیس جمهوری: آراد مسئله اش در لبنان و اسرائیل است. از آنها بپرسید، ما چه اطلاعی داریم؟ از شگردهای اسرائیلی هاست که همه جا این قضیه را مطرح کنند. قبل از رون آراد شما در مورد ۵ نفر خبرنگار و دیپلمات ما بپرسید که در لبنان مفقود شدند و شایعاتی است که آنها را به اسرائیل برده اند.

همشهری

۱۳۷۵/۹/۱۵ = ۶ دسامبر ۱۹۹۶

قربانیان تغافل رسانه های ما

این مقاله با عنوان فرعی «گروگان های از یادرفته ایرانی و تکالیف از یادرفته ما» توسط «حسین بهزاد» به نگارش درآمده است. در این مقاله انتقادی، به عملکرد رسانه های گروهی و مطبوعات ایران در قبال چهارده سال اسارت این چهارگروگان، پرداخته شده است.

(ضمیمه ۱۰)

کیهان

آذر ۱۳۷۵ = دسامبر ۱۹۹۶

زندگی‌نامه حاج‌احمد متوسلیان

مرکز فرهنگی سپاه پاسداران، شرحی از زندگی حاج‌احمد متوسلیان و نقش او در پیشبرد عملیات رزمندگان اسلام و همین‌طور نحوه اسارت او و هم‌زمانش در لبنان، ارائه داده است.

هفته‌نامه یادیاران

۱۳۷۵/۱۰/۹ = ۳۰ دسامبر ۱۹۹۶

سرنوشت رون آراد چقدر مهم است؟

در این مقاله به معرفی کمک‌خلبان اسرائیلی رون آراد که ده سال قبل هلی‌کوپتر حامل وی (نویسنده دچار اشتباه شده است، چرا که رون آراد خلبان هواپیمای جنگی بوده است) در جنوب لبنان سرنگون شد و خود وی به اسارت سازمان امل لبنان درآمد، پرداخته است و از مسئولین سازمان‌های بین‌المللی خارجی بخصوص براند اشمیت‌باور رئیس سازمان اطلاعات آلمان، که پی‌گیر آزادی اسرای لبنانی و واسطه تبادل حزب‌الله لبنان با دولت اسرائیل بود، پرسیده است که چرا نسبت به سرنوشت چهارگروگان ایرانی هیچ‌کار خاصی انجام نشده است.

(ضمیمه ۱۱)

هفته‌نامه امیدجوان

۱۳۷۵/۱۲/۱۳ = ۳ مارس ۱۹۹۷

کمیسیون سیاست خارجی مجلس تحولات روابط ایران و ترکیه را بررسی کرد

آخرین تحولات در روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکیه و مسئله چهارگروگان ایرانی که چندین سال پیش توسط فالانترها در لبنان به اسارت درآمده‌اند، در جلسه کمیسیون سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی بررسی شد.

اطلاعات

سال ۱۳۷۶ هـ ش
۱۹۹۸ = ۱۹۹۷ م

۱۳۷۶/۱/۹ = ۲۹ مارس ۱۹۹۷

حاجی‌رو می‌خوایم، یالا!

نویسنده به وداع حاج‌احمد متوسلیان از مردم کردستان برای رفتن به جبهه‌های نبرد با ارتش عراق در جنوب‌ایران پرداخته است.

کیهان

۱۳۷۶/۱/۱۳ = ۲ آوریل ۱۹۹۷

چهار ایرانی ربوده‌شده توسط صهیونیست‌ها در لبنان، زنده هستند

چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی در لبنان، زنده‌اند و شایعات مرگ آنها صحت ندارد. ایلی حبیقه، یکی از وزرای لبنان، خبرهای مربوط به کشته شدن چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی را در بیروت تکذیب کرد. وی پانزده سال پیش در زمان ربوده شدن این چهار نفر، مسئول بخش امنیت سازمان نیروهای لبنانی بود. هفته‌نامه عربی الاوسط در شماره اخیر خود به نقل از وی و یکی از رهبران پیشین شبه نظامیان راست‌گرای مسیحی نیروهای لبنانی، نوشت: «این عده هیچ‌گاه به افراد تحت امر وی تحویل نشده‌اند.»

ایلی حبیقه تاکید کرد که خبرهای مربوط به قتل این چهارتن، شایعاتی است که سمیر جعجع رواج داده است. سمیر جعجع سرکرده زندانی نیروهای فالانتر، قبلاً مدعی شده بود که نیروهای ایلی حبیقه چهار دیپلمات ایرانی را کشته‌اند.

جمهوری اسلامی

۱۳۷۶/۱/۱۶ = ۵ آوریل ۱۹۹۷

گروگان‌های ایرانی و یک سرنخ جدید!

حسین بهزاد، به بررسی اخبار منتشر شده درباره سرنوشت گروگان‌های ایرانی پرداخته است.

(ضمیمه ۱۲)

کیهان

۱۳۷۶/۱/۲۱ = ۱۰ آوریل ۱۹۹۷

تحلیل سیاسی هفته

نویسنده مقاله، در تحلیل سیاسی هفتگی خود، با توجه به سفر وزیر امور خارجه ایران به ترکیه، و روابط ترکیه و اسرائیل، به ماجرای چهارگروگان ایرانی در چنگال اسرائیل پرداخته است.

جمهوری اسلامی

۱۳۷۶/۱/۲۶ = ۱۵ آوریل ۱۹۹۷

سرلشکر پاسدار جاوید الاثر حاج احمد متوسلیان

«کنگره سرداران شهید استان تهران» با انتشار مقاله‌ای، به شرح زندگی حاج احمد متوسلیان و همچنین شرح اسارت او و سه نفر همراهش پرداخته است.

کیهان

۱۳۷۶/۱/۳۰ = ۱۹ آوریل ۱۹۹۷

پرونده چهار ایرانی ربوده شده را پی‌گیری می‌کنیم

انجمن دفاع از زندانیان که یک سازمان حقوقی انسان‌دوستانه است که در فلسطین اشغالی فعالیت می‌کند و اوضاع زندانیان را در زندان‌های رژیم صهیونیستی پی‌گیری می‌کند، اعلام کرد که چهار ایرانی که در جولای ۱۹۸۲ ربوده شدند، در یکی از زندان‌های رژیم صهیونیستی به سر می‌برند. احمد حبیب‌الله رئیس این انجمن گفت که اطلاعات موثقی در دست دارد که نشان می‌دهد چهار ایرانی ربوده شده در زندان‌های دشمن صهیونیستی زندانی هستند. این چهار ایرانی شامل دو دیپلمات، راننده و یک عکاس خبرگزاری ایران است. احمد حبیب‌الله افزود سازمانش در حال انجام اقدامات لازم برای دستیابی به اطلاعات اضافی در زمینه سرنوشت این چهار فرد ربوده شده می‌باشد که به دست عناصر وابسته به نیروهای لبنانی که یک سازمان غیرقانونی می‌باشد و با دشمن صهیونیستی همکاری می‌کند، ربوده شده بودند، است. این چهار نفر ربوده شده مدتی بعد تحویل مقامات اشغالگر شدند. این در حالی است که سمیر جعجع قبلاً به خویشاوندان افراد ربوده شده گفته بود که آنها به شهادت رسیده‌اند. یک دیپلمات ایرانی در سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت، در مورد این مسئله به هفته‌نامه «العهد» گفت: «از نظر جمهوری اسلامی ایران و همان‌طوری که قبلاً تاکید شده است، چهارگروگان ایرانی همچنان زنده هستند و با توجه به دلایل موجود، آنها در فلسطین اشغالی در زندان‌های رژیم صهیونیستی می‌باشند.»

این دیپلمات افزود: «تهران همانند گذشته این پرونده را از راه‌های مناسب پی‌گیری می‌کند.»

ماهنامه داخلی ندای مقاومت

۱۳۷۶/۲/۱۷ = ۷ مه ۱۹۹۷

سفارت ایران در بیروت زنده بودن چهاردیپلمات ایرانی را مورد تأکید قرار داد

سخن‌گوی سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت، زنده بودن چهاردیپلمات ایرانی در بند رژیم صهیونیستی را مورد تأکید قرار داد. این سخن‌گو، ظهر روز پنجشنبه در واکنش به گزارش خبرگزاری فرانسه درباره زندانی بودن چهاردیپلمات ایرانی در فلسطین‌اشغالی گفت: «دلایل و شواهد نشان می‌دهد این چهارتن در قید حیات هستند و این سفارتخانه از راه مقتضی این پرونده را همچون گذشته پی‌گیری می‌کند.»

خبرگزاری فرانسه به نقل از احمد حبیب‌الله رئیس انجمن دفاع از زندانیان خارجی در فلسطین‌اشغالی، اعلام کرد: «این سازمان حقوقی با پی‌گیری مسئله ایرانی‌های ربوده‌شده، به این نتیجه رسیده که این افراد در اسارت رژیم صهیونیستی به سر می‌برند.»

کیهان

نیمه دوم اردیبهشت ۱۳۷۶

پنج‌هزار و چهارصدویست روز گذشت!

پنج‌هزار و چهارصدویست روز پیش، خودروی سفارت جمهوری اسلامی ایران، در حالی که توسط گاردلبنانی سفارتخانه‌ها اسکورت می‌شد، در جاده طرابلس و به فاصله ۴۰ کیلومتری بیروت، متوقف و چهار سرنشین آن برغم مصونیت دیپلماتیک، توسط دست‌نشانگان اسرائیل دستگیر و به زندان‌های مخوف رژیم‌اشغال‌گرفلسطین انتقال داده شدند. اکنون با وجود گذشت نزدیک به پانزده‌سال، سیدمحسن موسوی کاردارسفارت جمهوری اسلامی ایران درلبنان، حاج‌احمد متوسلیان وابسته‌نظامی‌هیئت‌دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران، تقی رستگارمقدم مشاورفنی‌هیئت و کاظم اخوان‌عکاس و خبرنگارخبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، هنوز در چنگال دژخیمان صهیونیست گرفتارمی‌باشند. در بند بودن این چهار سفیر راستین ولایت، برگ دیگری از اسناد پر افتخار حقانیت نظام مظلوم‌مان در برابر همه مدعیان دروغین حمایت از حقوق‌بشر می‌باشد که پرده تزویر از چهره پلید ماهیت سازمان‌های پر طمطراق تحت سیطره امیرپالیسم که داعیه مقابله با تروریسم دارند، برمی‌دارد.

هفته‌نامه شلمچه

۱۳۷۶/۳/۳ = ۲۴ مه ۱۹۹۷

روز پیروزی

حسین بهزاد، متن سخنرانی حاج‌احمد متوسلیان بعد از عملیات «الی بیت‌المقدس» را در این مطلب آورده است.

کیهان

۱۳۷۶/۳/۲۰ = ۱۰ ژوئن ۱۹۹۷

پرستوهای برباره

حمید داودآبادی و محمدعلی صمدی، با نگارش داستان فیلم پرستوهای برباره، به شرح زندگی حاج‌احمد متوسلیان پرداخته‌اند.

(ضمیمه ۱۳)

جمهوری اسلامی

۱۳۷۶/۳/۲۹ = ۱۹ ژوئن ۱۹۹۷

گفت‌وگو با اعضای خانواده یکی از اسرای ایرانی دربند رژیم صهیونیستی

در این گفت‌وگو، خانواده کاظم اخوان به تشریح آخرین اخبار از فرزندشان پرداخته‌اند.

(ضمیمه ۱۴)

جمهوری اسلامی

۱۳۷۶/۴/۲ = ۲۳ ژوئن ۱۹۹۷

چهارگروگان ایرانی در زندان سری عتلیت اسرائیل ننگه‌داری می‌شوند

در پی انتشار اخبار موثق از منابع مختلف منطقه‌ای طی چند ماه اخیر مبنی بر زندانی بودن ۴ عضو هیئت دیپلماتیک سیاسی - نظامی ایران در چنگال صهیونیست‌ها، و به دنبال درخواست انجمن بین‌المللی روزنامه‌نگاران و سازمان دفاع از زندانیان خارجی در فلسطین‌اشغالی، برای آزادی این چهار تبعه ربوده‌شده ایرانی، حکام تل‌آویو با صدور بیانیه‌ای رسمی، وجود این افراد در زندان‌های خود را تکذیب کردند. اخیراً گزارش‌های موثقی حاکی از انتقال آنان به فلسطین اشغالی در سال ۱۹۸۷ - ۱۳۶۶ و ننگه‌داری آنان در زندان‌های نظامی اسرائیل، در منطقه انتشار یافته است. یکی از سخن‌گویان زندان‌های رژیم تل‌آویو نیز مدعی شد که این چهار تبعه ایران در اختیار اسرائیل نیستند. ادعای مذکور در پاسخ به درخواست احمد حبیب‌الله معروف به ابوهاشم - رئیس جمعیت دفاع از زندانیان خارجی در فلسطین‌اشغالی - که خواستار اطلاع از سرنوشت چهارگروگان ایرانی شد، صورت گرفت. احمد حبیب‌الله اخیراً در مصاحبه‌ای با شبکه برون‌مرزی صدای جمهوری اسلامی، تأکید کرد: «تردید وجود ندارد که چهار ایرانی عضو هیئت دیپلماتیک سیاسی - نظامی که در کوران تجاوز نظامی اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ ربوده شده‌اند، هم‌اینک در زندان‌های شین‌بث - سرویس اطلاعاتی ارتش اسرائیل - ننگه‌داری می‌شوند. یک زندانی در بازداشتگاه نظامی عتلیت، اسامی چهار گروگان ایرانی را در فهرست اسامی زندانیان این زندان مخفی مشاهده کرده است.»

حبیب‌الله تصریح می‌کند که عتلیت یک زندان نظامی فوق‌سری بوده و هیچ‌کس حتی مقامات صلیب‌سرخ بین‌المللی نیز حق بازدید از آنجا را ندارند.

وی می‌افزاید: «اگر مقامات تل‌آویو مدعی قتل این چهارتن از سوی نیروهای فالانژ لبنان هستند، چرا حاضر به تحویل اجساد آنها به مقامات ذیصلاح نیستند؟»

حبیب‌الله هدف اسرائیل از مخفی نگه‌داشتن اطلاعات مربوط به چهارگروگان‌ایرانی را وارد آوردن فشاری مضاعف به رهبران ایران و نیز مقاومت اسلامی لبنان برای بهره‌برداری تبلیغاتی و همچنین کسب اطلاع پیرامون سرنوشت رون آزاد ذکر کرد. رئیس‌جمعیت دفاع از زندانیان خارجی در سرزمین‌های اشغالی، تاکید می‌کند که به تلاش‌ها و رایزنی‌های خود برای آزادی این چهار تبعه ایرانی ادامه خواهد داد. وی از تمامی سازمان‌های جهانی و مدافعان حقوق بشر خواست تا بر تلاش در این راستا بیفزایند.

کیهان

۱۳۷۶/۴/۱۵ = ۶ جولای ۱۹۹۷

هنرمندان و نویسندگان خواستار آزادی چهاردیپلمات ایرانی دربنداسرائیل شدند

تعدادی از نویسندگان و هنرمندان در اعتراض به اقدام گستاخانه اشغالگران قدس در اهانت به ساحت مقدس نبی اکرم اسلام (ص) و نیز در پانزدهمین سالروز اسارت چهاردیپلمات ایرانی به دست رژیم غاصب صهیونیستی، روز گذشته با اجتماع در برابر ساختمان نمایندگی سازمان ملل، نفرت و انزجار خود را از جنایات این رژیم در جهان اعلام کردند. در این مراسم که به دعوت «مرکز فرهنگی میثاق» برگزار شد، تجمع‌کنندگان اعمال ضدبشری رژیم اشغالگر صهیونیستی در به اسارت کشاندن چهار دیپلمات ایرانی را به شدت محکوم کردند. شرکت‌کنندگان با سردادن شعارهای «گروگان ایرانی آزاد باید گردد رژیم صهیونیستی نابود باید گردد»، «ای صهیونیست ننگ‌باد از مسلمین شرم‌ت‌باد» از سازمان ملل خواستند که نسبت به وضعیت برادران کاظم اخوان، سیدمحسن موسوی، حاج‌احمد متوسلیان و تقی رستگارمقدم که ظهر روز چهاردهم تیرماه ۱۳۶۱ حین ورود به بیروت و برغم مصونیت دیپلماتیک، توسط عوامل اسرائیلی ربوده شده و اکنون در زندان سری سرویس اطلاعاتی ارتش رژیم صهیونیستی - شین‌بث - موسوم به بازداشتگاه «عتلیت» زندانی هستند، رسیدگی و برای آزادی این عزیزان اقدام کند.

در تجمع هنرمندان و نویسندگان، یکی از اهل قلم با اشاره به ریشه تاریخ جنایات صهیونیست‌ها گفت: «با این که بیش از ۵۴۷۵ روز از اسارت چهار هموطن ما در زندان‌های دژخیم صهیونیستی سپری شده، سکوت ننگین بر جامعه ملل و حتی برخی محافل داخلی حکم فرماست.»

سخنران دیگر این مراسم، درخصوص اسارت چهارگروگان مظلوم ایرانی در زندان‌های رژیم صهیونیستی گفت: «آنها بنا به درخواست مسئولان و مردم ستم‌دیده لبنان و برای کمک به محرومان جنوب این کشور به منطقه اعزام شدند ولی به دست فالانژیست‌های لبنانی ربوده شده و به رژیم صهیونیستی تحویل داده شدند.»

روز شمار گروگان‌گیری □ ۷۱

وی خطاب به مسئولان سازمان ملل گفت: «آیا این عزیزان که برای حمایت از حقوق بشر به منطقه اعزام شده بودند نباید مورد حمایت آن سازمان قرار بگیرند؟»
در پایان مراسم تجمع کنندگان با آتش زدن پرچم رژیم اشغالگر قدس خشم و انزجار خود را از این رژیم پلید اعلام داشتند.

کیهان

۱۳۷۶/۴/۱۶ = ۷ جولای ۱۹۹۷

نامه‌ای به پدر دربندم

پدرم، سال‌هاست که در اسارت به سر می‌بری، و من، با همان یک قطعه عکسی که از تو دارم، خود را با تو، و در کنار تو احساس می‌کنم. آن عکسی که مرا در طفولیت به آغوش گرفته‌ای و برگونه‌ام بوسه می‌زنی.

تو را به جرم ایرانی بودن گرفته‌اند. هم‌زمان تو را هم. و امروزه، من این را خوب دریافته‌ام که نام ایران، و جوانان ایرانی، تا کجاها که نفوذ نکرده است. چه دل‌ها را که به شوق، و چه تن‌ها را که به لرزه درنیاورده است. و این، برایم افتخار آفرین است. یعنی از این‌که ایرانی‌ام، به خود می‌بالم. خواننده‌ام و شنیده‌ام که در سابق، مردم ما وقتی با یک اجنبی روبه‌رو می‌شدند، در خود احساس حقارت می‌کردند، اما حالا ورق برگشته است، نه این‌که ما احساس برتری کنیم، نه، بلکه وقتی تو را و یارانت را، به جرم ایرانی بودن دستگیر می‌کنند و سال‌های سال، بی‌خبر در زندان‌های اسرائیل نگاه‌داری می‌کنند، به خود می‌گویم حتما پشت این ماجرا، خبرهایی باید باشد. و آن، حتما عزت و اعتباری است که به واسطه حیات دوباره اسلام در ایران، تجلی کرده است.

من و مادرم، و همه مردم ایران، به سربازانی چون تو و یاران مظلومت مباحثات می‌کنیم. شما سرفرازید و سال‌های متوالی زندان، هرگز از قدر و قیمت شما نخواهد کاست. به قول استاد مطهری، شیر، در زنجیر هم شیر است. پدرم، شاید تو هم به من حق می‌دهی که از وزارت خارجه خودمان گله کنم که چرا به قدر فلان کشوری که برای آزادی یک جهانگرد خود به آب و آتش می‌زند، برای رهایی شما چهارتن تلاش نکرد و گوش رسانه‌های جهان را از اسارت مظلومانه شما کر نکرد.

حال، این منم، فرزند تو راند که از دور سلامت می‌گوید و برای رهایی شما چهاردلوار، هر صبح و شام و هر بهانه دعا می‌کند. بارها و بارها از مادرم درباره تو سؤال کرده‌ام. از عشق و علاقه بی‌نهایت تو به امام، به انقلاب، به مظلومین جهان، و همیشه خود را با تو و در کنار تو حس کرده‌ام. می‌پرسی چرا؟ چون من هم مثل تو اقیانوسی از علاقه‌ام. به امام. به انقلاب. به رهبرم. و من نیز چون تو، سفیر این انقلابم. آنها که تو را و یارانت را به بند کشیده‌اند، فکر می‌کنند سینه ایران را از وجود چهار عاشق خالی کرده‌اند. اما نه، این‌گونه نیست. اینجا، در ایران، عشق خود را تکثیر می‌کند. جای تو اگرچه در پیش ما خالی است، اما هزاران هزار عاشق دلباخته مثل تو، با علائق تو، صف در صف، مهیای رویارویی با مشکلات انقلابند. برای رهایی و سلامتی‌تان دعا می‌کنم.

۷۲ □ کمین جولای ۸۲

فرزندت رائد موسوی

کیهان

۱۳۷۶/۴/۲۱ = ۱۲ جولای ۱۹۹۷

جام می و خون دل

به بهانه ۵۴۸۱ شبانه روز اسارت کاظم اخوان و یارانش حسین بهزاد، در مقاله خود، به انتقاد از سکوت جامعه مطبوعاتی در قبال مسئله گروگان‌های ایرانی در لبنان، پرداخته است.

(ضمیمه ۱۵)

کیهان

مرداد ۱۳۷۶ = اوت ۱۹۹۷

برگزاری مراسم تجلیل از مقام رفیع خانواده‌های چهارگروگان مظلوم ایرانی

این مطلب، گزارش مفصلی است از مراسم شانزدهمین سالگرد در بند بودن چهارگروگان ایرانی که در مسجد امام حسن (ع) شهرک دولت آباد تهران برگزار شده است.

(ضمیمه ۱۶)

ماهنامه صبح

۱۳۷۶/۶/۱۴ = ۵ سپتامبر ۱۹۹۷

مردان ما زنده‌اند...

چهار دیپلمات ایرانی که ۱۵ سال پیش توسط نیروهای مزدور اسرائیل در شمال بیروت در پاسگاه بازرسی شبه‌نظامیان فالانژ ربوده شدند، زنده هستند. این مسئله را ایلی حبیقه اعلام کرده است. او اکنون یک وزیر لبنان است و در زمان ربوده شدن دیپلمات‌های ایران، مسئول بخش امنیت نیروهای لبنانی بود. حبیقه صریحا اعلام کرده است دیپلمات‌های ایرانی هیچ‌گاه تحویل نیروهای او نشده‌اند و خبرهای مربوط به قتل این چهار نفر شایعاتی است که سمیر جعجع سرکرده نیروهای فالانژ علیه حبیقه به راه انداخته است. اظهارات صریح حبیقه به عنوان یک دولتمرد لبنانی، روشنگر ماجرای است که اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها، تعدا آن را در هاله ابهام قرار می‌دهند و به عنوان نمونه آن را در لوای سوژه‌ای دروغین به نام ران آزاد پنهان می‌سازند. اظهارات حبیقه دو نکته را آشکارتر می‌سازد:

۱- این آدم‌ربایی که در آن هر چهارتن، نه نظامی، بلکه دیپلمات هستند، ماجرای اسرائیلی است و طرف لبنانی نمی‌تواند با توجه به اظهارات ایلی حبیقه در آن دخالت داشته باشد. مانور اسرائیلی‌ها بر موضوع دروغین ران آزاد نیز ارتباط بیشتر آنان را با این ماجرا نشان می‌دهد. ضمن این‌که در سیاست‌های تروریستی اسرائیل، آدم‌ربایی یک تکنیک رایج و شناخته شده است.

روز شمار گروگان‌گیری □ ۷۳

۲- سکوت آمریکا و محافل غربی در برابر این آدم‌ربایی، و علاوه بر این پنهان‌سازی نقش اسرائیل در این رابطه، بار دیگر نشان می‌دهد که موضوع تروریسم، و قربانیان تروریسم برای آمریکا یک موضوع گزینشی است. آنها از انسان‌ها دفاع نمی‌کنند، از برخی از انسان‌ها دفاع می‌کنند، و به همین دلیل بود که فرضاً قربانیان ترورهای گواتمالای تحت سلطه آمریکا پس از سرنگونی «جاکوب‌آربنز» در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ قربانیان بی‌ارزش بودند، اما ترور «جرزی پوبیلوسکو» کشیش طرفدار جنبش همبستگی در لهستان، که گفته شد توسط پلیس مخفی لهستان کشته شده، او را برای آمریکای مخالف لهستان به یک قربانی با ارزش تبدیل ساخت و یا حتی به یاد آوردیم تجاوز اعضای گارد ملی السالوادور به چهار راهبه آمریکایی را که کاخ سفید به خاطر رابطه با رژیم سرکوبگر حاکم بر السالوادور، چشمان خود را بر روی این جنایت بست، و یا مقایسه کنید برخورد آمریکا را با فاجعه سرنگونی ایرباس ایران به دست میلیتاریست‌های مداخله‌گر آمریکا که به عامل این فاجعه مدال دادند و از دیگر سو برای سرنگونی هواپیمای مسافربری کره جنوبی به دست روس‌ها، چه بلوای طولانی و دامنه‌داری را به‌راه انداختند. آیا اظهارات حبیقه می‌تواند محافلی را که فلسفه وجودی آنها را مفهوم حقوق بشر شکل داده است، به حرکت وادارد؟ اهداف آمریکایی‌ها و ضرورت حفظ اسرائیل برای منافع نامشروع آمریکا در خاورمیانه، و همچنین آمیخته شدن مفهوم مقدس حقوق بشر با اغراض سیاسی و استفاده از آن به عنوان سپر مداخله‌گری آمریکا در جهان، دلیلی برای دل بستن به پاسخ مثبت بر جای نمی‌گذارد. اما درعین حال نکته‌ای فراتر از این موارد وجود دارد: مردان ما تا ابد سندی زنده برای حقانیت ما باقی خواهند ماند.

یونس شکرخواه

کیهان

نیمه دوم شهریور ۱۳۷۶ = سپتامبر ۱۹۹۷

پرستوهای برباره

حمید داودآبادی در بازگشت از لبنان، خاطره «حاج عباس شمص» یکی از جوانان لبنانی، از آخرین دیدارش با چهارگروگان‌ایرانی در بعلبک و خداحافظی با آنان را تعریف کرده و ناب‌ترین اطلاعات را درباره آنان ارائه کرده است.

چهاردهم تیر ماه سال ۶۱ روزی بود غم‌انگیز که در منطقه مسیحی‌نشین برباره در سواحل آرام دریای مدیترانه، در سینه کش کوه‌های سبز و بلند در جاده ساحلی، سی‌چهل کیلومتری بیروت، حاجز (پست بازرسی) برباره که متشکل بود از نیروهای نظامی فالانژیست‌های مسیحی به ریاست ایلی حبیقه و فرماندهی نظامی سمیر جعجع. جلوی ماشین - بنزی با نمره سیاسی گرفته می‌شود که دو سه ماشین «الدرك» (پلیس لبنان) آنها را اسکورت می‌کرد. سرنشینان ماشین که کارت دیپلماتیک داشتند، می‌خواستند به سفارت ایران در منطقه بیروت غربی بروند. با وجود مصونیت سیاسی دیپلماتیک، نیروهای فالانژ آنها را به اسارت خویش درآوردند. اکنون که در آستانه نوزدهمین سالگرد

این فاجعه و آدم‌ربایی بزرگ و فراموش شده هستیم، فرصتی دست داد تا سفری داشته باشم به لبنان. هنگامی که به منطقه برپاره رفتم، باور این‌که حاج‌احمد و یارانش از همین‌جا به جاودانگی پیوسته‌اند، خیلی سخت بود. می‌خواستم زمین را که چه بسا عطر حاج‌احمد، موسوی، اخوان و رستگار را در خود داشت، ببوسم، ولی حیف که خجالت، مانع شد.

آنچه در پی می‌آید، گوشه‌ای است بس ناچیز از خاطره «حاج‌عباس شممص»، که در آخرین ساعات قبل از اسارت، با آنها هم‌کلام بوده است. نکته جالب توجه این است که غالب افرادی که درباره آخرین روزهای حاج‌احمد سخن گفته‌اند، همگی برای آخرین بار او را در دمشق دیده‌اند و برای اولین بار بود که به کسی برمی‌خوردم که گفت: «حاج‌احمد از دمشق آمد به بلعبک و از آنجا رفت به بیروت.» و یا این‌که پس از اسارت آنها چه عکس‌عملی توسط بچه‌های حزب‌الله لبنان انجام شد و... دیگر قضایا. خاطره زیر، ره‌آوردی است از لبنان، همان دیاری که حاج‌احمد برای فریادرسی شیعیان و مظلومان آنجا شتافت و جاودانه شد، برای هم‌زمان حاجی که با وجود گذشت هجده سال، هنوز هرگاه دور همدیگر جمع می‌شوند، آن‌گونه از حاج‌احمد صحبت می‌کنند که انسان ناخواسته احساس می‌کند که در محضر او نشسته است. حاجزبرپاره، برگ‌سبزی است به پیشگاه همه هم‌زمان حاجی و خانواده‌های معظم چهار اسیر مظلوم متوسلین، رستگار، اخوان، موسوی.

حمید داودآبادی

از وقتی که آن چهار نفر آمده‌اند، دل‌شوره عجیبی دارم. اولش از آمدن‌شان خیلی خوشحال شدم، ولی هنگامی که شنیدم می‌خواهند به بیروت بروند، حالت عجیبی بهم دست داده است. یکی دوبار بیشتر با حاج‌احمد برخورد نداشته‌ام، ولی با جدایی که او دارد، ناخواسته در دلم محبت خاصی نسبت به او می‌یابم. چهره مصمم و با ابهتی دارد. اصلاً ترس و هراس در وجودش راه ندارد. اگر جلوی بگویند انجام این کار خطر دارد، تبسمی می‌کند و خیلی جلدی می‌گوید: خب خطر دارد که دارد. همین. به همین سادگی.

همه درخانه «سیدعباس موسوی» (دبیرکل سابق حزب‌الله لبنان که چند سال بعد در یک عملیات تروریستی، توسط هلی‌کوپترهای اسرائیلی، به همراه زن و فرزند خردسالش به شهادت رسید.) جمع می‌شویم. خانه سید در طبقه سوم یکی از کوچه‌های بلعبک، در سینه کش تپه قرار دارد. وقتی حاج‌احمد می‌گوید که عازم بیروت هستند، چهره همه دگرگون می‌شود. شوخی نیست. بیروت تحت اشغال صهیونیست‌هاست. آن مناطقی هم که به اصطلاح در دست آنها نیست، زیر نظر نیروهای فالانژیست مسیحی است. حاج‌احمد را به کناری می‌کشم. بدجوری هول کرده‌ام. وقتی می‌خواهم سعی کنم کاملاً فارسی صحبت کنم، زبانم گیر می‌کند. اصرارش می‌کنم، وضعیت بیروت را که برای او شرح می‌دهم، خودش بهتر از من با وضعیت آنجا آشناست. می‌گوید به دلیل مسدود بودن راه اصلی بلعبک به بیروت، قصد دارند از جاده طرابلس، از طرف شمال و منطقه جونیه وارد بیروت شوند. برایش توضیح می‌دهم که کل آن منطقه مسیحی‌نشین و تحت سلطه حزب‌کثائب

روز شمار گروگان‌گیری □ ۷۵

مارونی‌هاست. ولی او فقط تبسمی تحویل می‌دهد. عزم‌شان را جزم کرده‌اند که بروند. حاجی می‌گوید که باید برای کسب اطلاعات هرچه بیشتر از وضعیت بیروت، وارد آنجا شوند. می‌روند که لباس‌های‌شان را عوض کنند و با ظاهری عادی و شخصی حرکت کنند.

به سراغ سیدعباس می‌روم و از او می‌خواهم که جلوی آنها را بگیرد. خواسته او هم کاری از پیش نمی‌برد. حاج‌احمد خیلی در کارش جدی است. برای او حرف از خطر زدن مسخره است. همین‌طور ایستاده‌ام و نگاهش می‌کنم. سعی می‌کنم وقتی چشمم به چشمش می‌افتد، قیافه‌ام را ناراحت ناراحت نشان بدهم و بفهمانم که خواهش می‌کنم نروید خطر دارد بابا، خطر. می‌روند پایین. حوزه‌علمیه‌خواهران که در طبقه پایین قرار دارد، تعطیل است. لباس‌هایی را که برای‌شان فراهم می‌شود، به آنجا می‌برند تا بپوشند، و می‌پوشند. دقایقی بعد برمی‌گردند بالا. ایستاده‌ام کنار سیدعباس، دوباره به او می‌گویم: «سید شما یک کاری بکنید.» ولی حاج‌احمد با همان جدیت می‌گوید: «مثلاً چه کاری؟ ما دیگر عازم هستیم، خداحافظ.»

دستم را که به طرفش دراز می‌کنم، سریع دست می‌دهد. دستش را می‌فشارم. ناگهان چشمم می‌افتد به پاهای حاج‌احمد، یک‌دفعه خنده‌ام می‌گیرد، حاجی تعجب می‌کند، رد نگاهم را می‌گیرد که می‌افتد روی پوتین‌های مشکی که در پاهایش خودنمایی می‌کنند. سعی می‌کنم بخندم. دست برشانه‌اش می‌زنم، به این امید که خودمانی‌تر شویم. به او می‌گویم: «باز هم می‌گویم نروید، ولی حالا که می‌خواهید بروید، آخر پوتین‌نظامی که با لباس شخصی جور در نمی‌آید.» خودش هم خنده‌اش می‌گیرد. می‌پرسد که باید چه کار کنم. یکی از بچه‌ها را می‌فرستم که یک جفت کفش کتانی اسپرت می‌آورد. حاجی پوتین‌هایش را درمی‌آورد و کفش‌ها را می‌پوشد. به پایش می‌خورد. بندهایش را محکم می‌کند و پاهایش را می‌کوبد زمین.

می‌روم جلو که خداحافظی کنم. دست‌هایم را بر شانه‌هایش می‌گذارم. بغض‌گلویم را می‌گیرد. برای آخرین بار می‌گویم: «باز هم می‌گویم نروید، ولی حالا که دارید می‌روید، خدا پشت و پناهتان خیلی مواظب باشید... به این «درک‌ها» نمی‌شود اطمینان کرد.» و می‌روند. دو سه ماشین پاترول که نیروهای مسلح الدرک داخل آن هستند، آنها را اسکورت می‌کنند. دیگر از نظرها دور می‌شوند.

دلم یک پارچه آتش است. شب که می‌شود، با بی‌سیم با سفارت ایران در بیروت تماس می‌گیرم. انتظار دارم که خود حاجی پشت بی‌سیم صحبت کند. هنگامی که اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند و می‌گویند امروز کسی به سفارت نیامده است، دنیا آوار می‌شود روی سرم. سریع تصور می‌کنم که چه شده است. بدون شک گیر افتاده‌اند. چون جاده شمال بیروت در دست فالانژیست‌هاست.

یک روز از رفتن حاج‌احمد گذشته است. خیلی کسلم. هرکاری که کردیم فایده نداشته است. ناگهان چشم‌مان می‌افتد به ماشین‌های الدرک که روز قبل ماشین حاج‌احمد و دوستانش را اسکورت کرده‌اند. سریع می‌روم جلو. از فرمانده‌شان می‌پرسم که چه بلایی سر آنها آمده است، می‌گوید:

- به پست بازرسی برپاره که رسیدیم، نیروهای فالانژ جلوی ماشین را گرفتند. هر چه به آنها گفتند ما دیپلمات هستیم و می‌خواهیم به سفارت برویم، فایده نکرد. یکی دو ساعتی گذشت، ما همراه آنها مانده بودیم. فرمانده پست بازرسی مدام با بی‌سیم صحبت می‌کرد. ناگهان یکی از ایرانی‌ها با عصبانیت از ماشین پایین آمد و رفت به طرف فرمانده پست بازرسی و با پرخاش به او گفت: این چه برخوردی است که شما می‌کنید، ما دیپلمات هستیم و مصونیت سیاسی داریم، شما به چه حقی ما را دو ساعت اینجا نگه داشته‌اید، هر چه زودتر راه را باز کنید تا ما رد شویم.

فرمانده فالانژها با عصبانیت سر او فریاد زد و مجبور شد که سوار ماشین شود. بعد آمد پهلوی ما و گفت که برگردیم بعلبک. پرسیدیم که تکلیف آنها چه می‌شود؟ گفت آنها اسیر ما هستند و به شما مربوطی نیست. هر چه گفتیم که مسئولیت حفظ جان آنها با ماست، فایده نداشت. خیلی که پافشاری کردیم تا همراه آنها برگردیم بعلبک، فرمانده پست بازرسی به نیروهای تحت امرش دستور داد که اسلحه‌هایشان را رو به ما مسلح کرده و آماده شلیک شوند. بعد گفت: اگر تا چند دقیقه دیگر اینجا را ترک نکنید همه‌تان را خواهیم کشت و این شد که ما هم برگشتیم و آمدیم.

هفته‌نامه شلمچه

مهر ۱۳۷۶ = اکتبر ۱۹۹۷

چهارگروگان ایرانی زنده‌اند

ایلی حبیقه مسئول امنیت مزدوران فالانژ در زمان ربوده شدن چهارگروگان ایرانی و یکی از وزرای کابینه فعلی لبنان، در گفت‌وگو با هفته‌نامه عربی «الاوسط»، ضمن تکذیب خبرهای مربوط به کشته شدن گروگان‌های ایرانی اعلام کرد: «این خبرها شایعاتی است که سمیر جعجع آنها را در آن زمان رواج داد. این چهار نفر هیچ‌گاه به افراد تحت امر من تحویل داده نشده‌اند.»

همچنین یکی از زندانیان فلسطینی آزاد شده از زندان عتلیت تل‌آویو، ضمن تماس با دفتر سازمان عفو بین‌الملل در لندن، تاکید کرد که در زمان اسارتش در زندان عتلیت، یک بار در سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۴) گروگان‌های ایرانی را با چشمان خود دیده‌است.

لازم به ذکر است که قبل از اعلام سازمان عفو بین‌الملل، مادر تقی رستگارمقدم، در مصاحبه با شماره چهاردهم تیرماه امسال (۱۳۷۶) هفته‌نامه زن‌روز، به تماس تلفنی یک زندانی آزاد شده عرب با منزلشان که زنده بودن تقی را به اطلاع‌شان رسانید، اشاره کرده بود.

پدر تقی رستگارمقدم نیز امسال در مراسم تجلیل از مقام خانواده‌های چهارگروگان‌مظلوم ایرانی گفته بود: «قبل از صحبت‌های فروردین ماه امسال احمد حبیب‌الله، یک تلفن عجیبی از خارج کشور به خانه ما زده شد که یک نفر که با لهجه غلیظ عربی صحبت می‌کرد، گفت: تقی رستگار زنده و در اسرائیل زندانی، ما آزاد شدیم از اسرائیل و تلفن را تقی داد.»

ماهنامه صبح

۱۳۷۶/۹/۲۷ = ۱۸ دسامبر ۱۹۹۷

دیپلمات‌های ایرانی ربوده شده در لبنان در یک بازداشتگاه اسرائیلی زندانی هستند

نشریه عرب‌زبان الوطن العربی چاپ فرانسه نوشت: «چهار ایرانی ربوده شده در سال ۱۹۸۲ در لبنان، هم‌اینک در یک زندان اسرائیل زنده هستند.»

این نشریه در شماره اخیر خود نوشت: «در اطلاعاتی که از زبان یکی از اسرای فلسطینی که اسرائیل او را در چارچوب معامله‌ای با اردن آزاد نمود، نقل شده، آمده است: ایرانی‌هایی که در زمان تجاوز اسرائیل به لبنان ربوده شدند، در چارچوب تبادل خدمات، در آن تاریخ به مقامات اسرائیلی تحویل داده شدند و آنها پس از ۳ سال حبس در زندان صرفند در سال ۱۹۹۲ (۱۳۷۱) به زندان نفحه انتقال یافتند، زندان نفحه که از دسترس رسانه‌های محلی و بین‌المللی و بازدیدهای نمایندگان کمیته صلیب سرخ به دور است، در سال ۱۹۸۰ در زمینی وسیع که اطراف آن را دیوارهایی محکم احاطه کرده است، بنا گردید. اسیر فلسطینی که با موقعیت این زندان به خوبی آشناست، می‌گوید: این زندان با طراحی خاص و با انگیزه جداسازی زندانیان از یکدیگر و تخریب روحی آنها ساخته شده است.» سمیر جعجع فرمانده سابق نیروهای لبنانی که در آن تاریخ مسئول منطقه شمال بود گفت: «دیپلمات‌ها به دستور اسعد شفتری، معاون رئیس دستگاه امنیتی نیروها، در منطقه بر باره بازداشت شدند و به زندان مرکزی نیروهای لبنانی در محله کرنیتا انتقال یافتند.»

خراسان

۱۳۷۶/۱۲/۱۵ = ۵ مارس ۱۹۹۸

دیپلمات‌های ایرانی در بند رژیم صهیونیستی زنده می‌باشند

«المجد ۱۳/۱۱/۱۳۷۶»: منابع امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین اعلام کردند که چهار دیپلمات ایرانی که در سال ۱۹۸۲ هنگام اشغال لبنان توسط نیروهای رژیم صهیونیستی به اسارت این نیروها درآمدند، هم‌اکنون در یکی از بازداشتگاه‌های صهیونیستی نگهداری می‌شوند. این منابع فلسطینی اعلام نمودند چهار دیپلمات ایرانی هم‌اکنون زنده بوده و در زندان نفحه واقع در ۹۵ کیلومتری مرز مصر با فلسطین اشغالی به سر می‌برند. این زندان به طور دقیق بین مناطق «بئر السبع» و «ایلات» قرار دارد. به گفته این منابع، چهار دیپلمات ایرانی از سال ۱۹۹۲ پس از گذراندن سه سال حبس در زندان صرفند به زندان نفحه منتقل گردیدند، ولی از شرایط و محل بازداشت آنها قبل از این مدت خبری ندارند. این زندان در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) در زمینی وسیع با دیوارهای مستحکم ساخته شد. هدف از ساخت این زندان، تخریب روحیه زندانیان و جدا ساختن کلی آنها از جهان می‌باشد، به نحوی که زندانی پس از ورود به آنجا دیگر امید برای دست یافتن به آزادی را به کلی از دست می‌دهد.

سلول‌های این زندان دارای سقف‌های بسیار کوتاهی بوده و عرض هر کدام کم‌تر از نیم متر می‌باشد به نحوی که آنها را مبدل به قبرهایی ساخته است که در امتداد یک تونل کشیده شده‌اند. در انتهای تونل نورگیر کوچکی وجود دارد که از طریق آن، نور خورشید وارد تونل می‌گردد. این نورگیر با انواع و اقسام وسایل حفاظتی پوشیده گردیده و نواری برقی نیز دور آن را فرا گرفته است، به

۷۸ □ کمین جولای ۸۲

نحوی که هرکسی دستش به آن بخورد، درجا کشته می‌شود. این نورگیر تنها راه ارتباط زندانیان با جهان بیرون می‌باشد و از این طریق که تحت محافظت شدید دوربین‌های حفاظتی می‌باشد، به زندانیان غذا داده می‌شود.

ماهنامه نداءالقدس

سال ۱۳۷۷ هـ ش
۱۹۹۹ - ۱۹۹۸ م

۱۳۷۷/۴/۱۴ = ۵ جولای ۱۹۹۸

سرمقاله

این روزنامه، سرمقاله خود را به موضوع گروگان‌های ایرانی در لبنان، اختصاص داده است.
جمهوری اسلامی

۱۳۷۷/۴/۱۵ = ۶ جولای ۱۹۹۸

ایران از لبنان خواست پرونده دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی را پی‌گیری کند

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در بیانیه‌ای به مناسبت شانزدهمین سالگرد ربوده شدن چهارتن از اتباع و دیپلمات‌های ایرانی توسط عمال رژیم صهیونیستی در لبنان، ازدولت این کشورخواست این پرونده را مورد اهتمام ویژه قراردهد. در این بیانیه که دیروز منتشر شد، از دولت لبنان به عنوان میزبان افراد یاد شده در سال ۱۳۶۱ خواسته شده است تا «باعنایت به شرایط موجود در آن کشور که امکان تحقیق و بازجویی از تعدادی از رهبران و مسئولین این اقدام جنایتکارانه فراهم می‌باشد، این پرونده را مورد اهتمام ویژه قرار داده و جمهوری اسلامی و خانواده‌های محترم این عزیزان را در جریان تفصیلی این حادثه و سرنوشت آنان قراردهد.»

در این بیانیه تصریح شده است: «محافل صهیونیستی و نیروهای وابسته به آنان، در ۱۶ سال گذشته تلاش بسیاری کرده‌اند تا پرونده این اتباع ایرانی بسته شود، لیکن شواهد و دلایل متعدد از زنده بودن این عزیزان و بویژه انتقال آنان به اسرائیل حکایت می‌کند.»

وزارت امور خارجه در این بیانیه یاد و خاطره این عزیزان در بند را گرامی داشته و سیاست‌های تروریستی صهیونیستی را عامل به درازا کشیدن وضعیت نامعلوم سرنوشت آنها عنوان کرده است.

جمهوری اسلامی

۸۰ □ کمین جولای ۸۲

نیمه دوم تیر ۱۳۷۷ = جولای ۱۹۹۸

به یاد سردار رشید اسلام حاج احمد متوسلیان

محمدعلی صمدی در این مقاله مفصل، به شرح خاطراتی از همزمان حاج احمد متوسلیان پیرامون حضور او در صحنه های نبرد با ضدانقلابیون در کردستان و نقش او در عملیات مختلف رزمندگان اسلام و همچنین چگونگی اسارت وی به همراه سه نفر دیگر در لبنان، پرداخته است. هفته نامه شلمچه

۵۸۴۰ روز گذشت، آقای خاتمی! آیا به فکر گروگان ها هستید؟!

حمید داودآبادی، در این نامه خطاب به سید محمد خاتمی رئیس جمهوری، نسبت به عدم پی گیری های دولت وی درباره گروگان های ایرانی، انتقاد کرده است.

(ضمیمه ۱۷)

هفته نامه شلمچه

۱۳۷۷/۴/۱۷ = ۸ جولای ۱۹۹۸

اهدای لوح تقدیر به خانواده های چهارگروگان ایرانی در زندان های اسرائیل

شانزدهمین سالگرد ربوده شدن چهار ایرانی توسط مزدوران رژیم صهیونیستی در لبنان، همزمان با دهمین سالروز فاجعه سقوط هواپیمای مسافربری ایران توسط ناو آمریکا، با حضور خانواده های اسرای یاد شده، جمعی از شخصیت های سیاسی و فرهنگی و اقشار مختلف مردم، در تهران برگزار شد. در این مراسم که طی روزهای ۱۳ تا ۱۵ تیرماه در مسجد امام حسن مجتبی (ع) واقع در شهرک دولت آباد شهری برگزار شد، سیدراند موسوی - فرزند سید محسن موسوی کاردار وقت ایران در لبنان - طی سخنانی خواستار توجه مجامع بین المللی نسبت به سرنوشت گروگان های ایرانی در زندان های مخوف رژیم صهیونیستی شد. در این مراسم همچنین لوح تقدیری به پاس ۱۶ سال مقاومت صبورانه به خانواده های گروگان های ایرانی اهدا شد.

رژیم صهیونیستی ابتدا انتقال چهار ایرانی ربوده شده به فلسطین اشغالی را تکذیب کرد اما در پی گسترش دامنه اعتراض محافل داخلی کشورمان و همچنین انتشار گفته های زندانیان آزاد شده فلسطینی، مشخص شد که آنان در یکی از زندان های مخوف رژیم صهیونیستی به نام عتلیت واقع در شمال تل آویو نگهداری می شوند. چندی پیش نیز احمد حبیب الله - دبیرکل انجمن حمایت از زندانیان خارجی در فلسطین اشغالی - و همچنین سازمان عفو بین الملل، طی گزارش های جداگانه از زنده بودن گروگان های ایرانی خبر داده اند .

هفته نامه کیهان هوایی

۱۳۷۷/۴/۲۰ = ۱۱ جولای ۱۹۹۸

احتمال آزادی چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی توسط صلیب‌سرخ جهانی وجود دارد

محافل رسانه‌ای لبنان، طی چند روز اخیر از احتمال آزادی چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی که در دست رژیم صهیونیستی اسیرند، خبر داده‌اند. رادیو «صوت‌الشعب» وابسته به «حزب‌کمونیسست لبنان»، با اشاره به مبادله پیکرهای شهدای مقاومت اسلامی و اسرای لبنانی با بقایای اجساد نظامیان اسرائیل، تصریح کرد: «این بار نوبت مبادله چهار دیپلمات اسیر ایرانی است.»

این رادیو سپس از ملاقات و مذاکره «ژان ژاک فریز» نماینده کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ، با دبیرکل حزب‌الله، همچنین وزیر امور خارجه لبنان خبر داد و از آن به عنوان فعالیت‌های پشت‌پرده درباره مرحله جدید مبادله گروگان‌های لبنانی و اسرائیلی یاد کرد. این رادیو همچنین خبر از احتمال آزادی رون آزاد خلبان اسرائیلی داد. درهمین حال روزنامه لبنانی «الدیار» نیز به نقل از محافل امنیتی و حزبی در بیروت اعلام کرد که فعالیت‌هایی جهت تبادل دیپلمات‌های ایرانی در جریان است. این روزنامه در ادامه می‌نویسد: «برغم این که رژیم صهیونیستی تاکنون به‌طور رسمی در این باره اعتراف نکرده است، اما اظهارات سخن‌گوی اداره زندان‌های اسرائیل مبنی بر وجود ۱۲۰ زندانی عرب و سه ایرانی به همراه راننده آنان، مبین انتقال این افراد از لبنان به فلسطین اشغالی است.»

از سوی دیگر، یک منبع مطلع در وزارت امور خارجه کشورمان گفت: «تهران از مذاکرات مقامات لبنانی با مسئولین صلیب‌سرخ جهانی برای آزاد شدن چهار دیپلمات ایرانی استقبال می‌کند.»

کیهان

۱۳۷۷/۴/۲۲ = ۱۳ جولای ۱۹۹۸

آیا حاج‌احمد و یارانش آزاد می‌شوند؟

آیا چهار ایرانی ربوده‌شده، بخشی از سومین مرحله مبادله اسرار خواهند بود؟

روزنامه لبنانی الدیار با طرح سوالی مبنی بر این که آیا موضوع چهار ایرانی ربوده‌شده با سرنوشت ران آزاد خلبان اسرائیلی که در سال ۱۹۸۶ هواپیمایش به هنگام بمباران لبنان سقوط کرد ارتباط پیدا کرده است، می‌نویسد: «ارتباط میان این دو موضوع نمی‌تواند منطقی باشد، زیرا اسرائیل به هر وسیله‌ای برای آزادی آزاد تلاش می‌کند و به‌همین دلیل اقدام به‌ربودن شیخ عبدالکریم عبید و مصطفی دیرانی کرد.»

این روزنامه لبنانی می‌افزاید: «پرسش‌هایی در محافل سیاسی لبنان درباره اجرای عملیات مبادله تازه میان دولت لبنان و رژیم صهیونیستی در آینده نزدیک مطرح است. بویژه آن که اسرائیل دو روز پیش در مورد بیست زندانی لبنانی از جمله عبدالکریم عبید و مصطفی دیرانی تصمیماتی اتخاذ کرد که جزئیات آن فاش نشد.»

هفته‌نامه شلمچه

۱۳۷۷/۴/۲۳ = ۱۴ جولای ۱۹۹۸

داداش جون! چرا چوب به خاکستر دلم زدی؟

«امیرحسین انبارداران» در پاسخ به مقاله‌ای که حسین بهزاد در روزنامه کیهان به چاپ رسانده و نسبت به برخوردها و اخبار متفاوت درباره وضعیت گروگان‌های ایرانی در بیروت اظهار نگرانی کرده بود، این مقاله را نوشته و به شرح برخی دل‌نگرانی‌های خویش در این رابطه پرداخته است. هفته‌نامه فرهنگ‌آفرینش

۱۳۷۷/۵/۲۶ = ۱۷ اوت ۱۹۹۸

اندوهگین مباش

«علیرضا میرزایی» نویسنده مقاله، با اشاره به وضعیت پیش آمده برای دیپلمات‌های ایرانی در شهر مزارشریف افغانستان، نسبت به بی‌توجهی درباره چهار دیپلمات ایرانی در لبنان، انتقاد کرده است. توس

نیمه اول شهریور ۱۳۷۷ = سپتامبر ۱۹۹۸

آیا حاج احمد زنده است؟

«محسن رضایی» فرمانده سابق سپاه پاسداران، در مصاحبه اختصاصی با نشریه شلمچه، به سوالات پیرامون حاج احمد متوسلیان این‌گونه پاسخ داده است:

شلمچه: آقای رضایی، حاج احمد متوسلیان و همراهانش به نظر شما زنده هستند یا نه؟

رضایی: اخیراً همین دیروز با یکی از عرفا جلسه‌ای داشتیم که ایشان می‌گفتند که زنده است و در لبنان است.

شلمچه: چرا اسرائیل در مورد رون آراد این همه تلاش می‌کند، ولی ما در مورد اینها اقدام نمی‌کنیم؟ آنها در دنیا هوچی‌گری بسیار می‌کنند. چرا ما تلاش نمی‌کنیم؟

رضایی: خب نمی‌دانم. بالاخره دوستانی که مسئولند به نظر من باید تلاش بیشتری بکنند برای این‌که حاج احمد خیلی خدمت کرده به این انقلاب، خیلی زحمت کشیده است.

شلمچه: یعنی شما پی‌گیر این مسئله هستید؟

رضایی: من در وسع خودم حتی دیگر به عرفا هم متوسل شدم. همین دیروز اتفاقاً ایشان در خانه ما بود، چون ایشان راضی نیست، اسم نمی‌آورم. من خیلی عقیده به این چیزها ندارم، مگر این‌که برایم مسلم باشد، اما ایشان انسان قابل‌هستند، ایشان این را گفتند و من هم آرزویم این است که یک بار دیگر حاج احمد را بغل کنم و او را ببوسم.»

هفته‌نامه شلمچه

۱۳۷۷/۱۲/۱۳ = ۳ مارس ۱۹۹۹

جهان همچنان خاموش است!

روز شمار گروگان‌گیری □ ۸۳

این مقاله به مناسبت دویستمین‌ماه اسارت دیپلمات‌های ایرانی در زندان‌های صهیونیستی توسط گروه سیاسی این روزنامه نوشته شده است. در این مقاله به صحبت‌های احمد حبیب‌الله درباره زنده بودن این چهار گروگان استناد شده است.

ایران

دیپلمات‌های ایران همچنان در اسارت به سر می‌برند

در حالی که دویست‌ماه از ربوده شدن سه تن از دیپلمات‌های ایرانی و خبرنگار و عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی به دست نیروهای صهیونیستی در لبنان می‌گذرد، همچنان مدعیان حقوق بشر در برابر این اقدام ضدانسانی سکوت نموده و رژیم صهیونیستی نیز از دادن پاسخ طفره می‌رود. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با آگاهی از این حادثه، تلاش‌های پی‌گیر و همه‌جانبه‌ای را برای اطلاع از سرنوشت دیپلمات‌ها و خبرنگار ایرانی آغاز کرد. ایران که بنا به دلایل مختلف، مطمئن بوده و هست که اتباعش زنده هستند، بارها از طریق سازمان ملل متحد، صلیب سرخ جهانی، کمیته حقوق بشر، مجالس کشورها و سازمان‌های خصوصی فعال در این راستا، روسا و مقام‌های بلندپایه سوریه و لبنان و دستگاه‌های ذیربط در این کشورها، خواستار آزادی آنان شده است.

جوان

۱۳۷۷/۱۲/۱۵ = ۵ مارس ۱۹۹۹

یادبود دویستمین‌ماه اسارت ۴ دیپلمات ایرانی در بند رژیم صهیونیستی برگزار شد

از سوی موسسه فرهنگی عاشورا، مراسمی به مناسبت دویستمین‌ماه اسارت چهارگروگان ایرانی، در «فرهنگ‌سرای خاوران» تهران برگزار شد. در این مراسم که خانواده‌های محترم جاویدالائرها حاج‌احمد متوسلیان، تقی رستگارمقدم، کاظم اخوان و سیدمحسن موسوی حضور داشتند، سردار «نقدی» فرمانده حفاظت و اطلاعات نیروی انتظامی، با یادآوری رشادت‌های حاج‌احمد متوسلیان در جبهه‌های غرب و جنوب کشور گفت: «ای‌کاش امروز دستگاه‌های فرهنگی و تبلیغاتی ما رسالت سنگین خودشان را در معرض این الگوها و اسوه‌های بزرگ ملت به انجام می‌رساندند. در تمام دنیا اگر فردی از یک کشور به قصد دفاع از مظلومان به دیگر نقاط دنیا کوچ کند، از آن فرد اسطوره‌ای می‌سازند و آن را پرچم ملی خود می‌سازند، و این در حالی است که کوچک‌ترین اثری از ارزش‌های وجودی امثال سردار متوسلیان و هم‌رزمانش را در آنها نمی‌توان یافت. آنها با حضور خود در عرصه دفاع از اسلام و مظلومان، عرصه نوینی در جهاد بین‌المللی اسلام بنا کردند و ای‌کاش می‌توانستیم تکلیف خود را در معرفی آنها به جامعه و نسل جدید به انجام برسانیم.»

در ادامه این مراسم، فرزند رشید جاویدالائرسیدمحسن موسوی، با اشاره به کوتاهی رسانه‌های کشور در انعکاس خبرهای مربوط به گروگان‌های در بند رژیم صهیونیستی، اظهار داشت: «چندی پیش یک روزنامه اردنی نوشته بود که اخیراً گروگان‌های ایرانی به زندانی در شمال اسرائیل منتقل

شده‌اند که دارای شرایطی سخت و نامطلوب است. این در حالی بود که هیچ خبری در این زمینه در نشریات داخلی به چشم نمی‌خورد و این خبر چاپ شده در روزنامه اردنی، بعد از یک ماه توسط دوستان پدرم در لبنان برای ما ارسال شد. با توجه به شواهد و قراین، ما مطمئن هستیم که این عزیزان قطعاً زنده هستند و کسانی که می‌گویند آنها شهید شده‌اند یا می‌خواهند سلب مسئولیت کنند و یا غرض ورزی دارند.»

وی با اشاره به این که حرکت پدر و همراهانش نشان‌دهنده دیپلماسی اسلامی است، گفت: «دیپلماسی اسلامی با جهاد و تعهد همراه است و با پشت میز نشستن و گفت‌وگو کردن کاری از پیش نخواهیم برد.»

سید رائد موسوی در پایان خاطرنشان ساخت: «ما وظیفه داریم مسئله این عزیزان را پی‌گیری کنیم و ببینیم چه راه آزادی آنها می‌توانیم انجام دهیم. آنها ۴ دیپلمات ایرانی بودند و دیپلمات‌های ایران اسلامی نشان‌گر عزت و اقتدار جمهوری اسلامی هستند.»

در ادامه این مراسم «حاج حسین الله‌کرم» و «حاج عباس برقی» به بیان گوشه‌هایی از رشادت‌ها و نحوه اسارت این عزیزان پرداختند. در پایان، شاعر متعهد برادر محمدرضا آفاسی اشعاری را قرائت کرد و به رسم یادبود لوح تقدیری به خانواده‌های محترم جاویدالآثرها اهدا شد.

روزنامه قدس

۱۳۷۷/۱۲/۱۶ = ۶ مارس ۱۹۹۹

کاظم اخوان را به دنیا بشناسانیم

«کریم ارغنده‌پور» در این مقاله، به سفر خبرنگاران ایرانی به آمریکا و سوال آنان از «کمیته حمایت از روزنامه نگاران» آن کشور درباره کاظم اخوان اشاره کرده و از این که چرا جامعه جهانی نسبت به این مسئله بی‌اهمیت است، انتقاد می‌کند.

(ضمیمه ۱۸)

سلام

سال ۱۳۷۸ هـ ش
۲۰۰۰ = ۱۹۹۹ م

خرداد ۱۳۷۸ = ژوئن ۱۹۹۹

حاج احمد متوسلیان شهید شده

مصاحبه اختصاصی با حجت الاسلام اختری سفیر اسبق ایران در دمشق
حمید داودآبادی، در مصاحبه اختصاصی با حجت الاسلام «اختری» سفیر اسبق ایران در دمشق، از او
درباره وضعیت گروگان‌ها پرسیده، که او نیز خبر شهادت آنان را اعلام کرده است.

(ضمیمه ۱۹)

ماهنامه فکه

خرداد ۱۳۷۸ = ژوئن ۱۹۹۹

از چهارگروگان ایرانی چه خبر

حمید داودآبادی در مصاحبه‌ای اختصاصی که آبان سال ۱۳۷۷ در بیروت با حجت الاسلام والمسلمین
سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان داشته، از او درباره گروگان‌های ایرانی پرسیده و جواب
گرفته است:

- از چهارگروگان ایرانی، حاج احمد متوسلیان و همراهانش خبری نشده است؟

سیدحسن نصرالله: نخیر هیچ خبری نیست.

- این بحث‌هایی که اخیراً در مطبوعات درباره تبادل آنها پیش آمده چیست؟

سیدحسن نصرالله: نه. هیچ خبری نیست.

ماهنامه فکه

۱۳۷۸/۳/۲۲ = ۱۲ ژوئن ۱۹۹۹

با اسرائیل وارد جنگ خواهیم شد!

بخش‌هایی از سخنان حاج‌احمد متوسلیان فرمانده‌قوای محمدرسول‌الله(ص) خطاب به رزمندگان اعزامی ایرانی درپادگان «زبدانی» سوریه، در تاریخ جمعه ۱۳۶۱/۳/۲۸، به مناسبت سالروز اعزام این نیروها، درج شده است.

هفته‌نامه جبهه

توجه! توجه! حاج‌احمد شهیدشده

«فرشاد گلزار» در این مقاله با عنوان فرعی «بیشتر از چند کلمه درباره مسافر بی‌بازگشت حاج‌احمد متوسلیان» با ارائه دلایلی، نسبت به شهادت گروگان‌های ایرانی در لبنان اعلام موضع کرده و خواسته است که هرچه سریع‌تر تکلیف آنها روشن شود و بیش از این خانواده‌ها را چشم‌انتظار نگذارند.

(ضمیمه ۲۰)

هفته‌نامه جبهه

۱۳۷۸/۴/۸ = ۲۹ ژوئن ۱۹۹۹

هیئتی را مامور پی‌گیری قضیه دیپلمات‌های ایرانی دربند رژیم صهیونیستی کنید

در آستانه هفدهمین سالگرد ربوده شدن ۴ دیپلمات ایرانی توسط مزدوران رژیم صهیونیستی، موسسه فرهنگی عاشورا با ارسال نامه‌ای به رئیس‌جمهوری، خواستار تعیین هیئتی برای پی‌گیری آزادی آنان شد. در این نامه خطاب به رئیس‌جمهوری آمده است: «قطعاً مطلعید که روزهای اخیر تعدادی جاسوس که به نفع رژیم صهیونیستی اسرائیل در ایران اسلامی فعالیت می‌کردند، از سوی سربازان گمنام امام زمان(عج) بازداشت شده‌اند و در این میان بنگاه‌های خبرپراکنی وابسته به محافل صهیونیستی، تبلیغات وسیعی را به منظور سرپوش نهادن بر عملیات جاسوسی رژیم اشغالگر قدس آغاز کرده‌اند. این موضوع در حالی است که افکار عموم بین‌المللی از جنایات بی‌شمار رژیم صهیونیستی در بمباران و کشتار مردم لبنان و فلسطین، سیاست توسعه شهرک‌سازی برای صهیونیست‌ها و ترور رهبران بلندپایه مبارزان مسلمان همچون شهیدان سیدعباس موسوی و فتحی شقاقی و ده‌ها نفر دیگر، مطلع است و صهیونیست‌ها نیز به خوبی آگاهند که ماجرای بازداشت ۱۳ جاسوس اسرائیلی می‌تواند ضربه مهلکی بر حضور دیگر جاسوسان این رژیم در کشورهای مسلمان منطقه خصوصاً خاورمیانه و آسیای میانه وارد سازد.»

در پایان این نامه خاطر نشان شده است: «با توجه به این‌که در آستانه هفدهمین سالگرد ربوده شدن ۴ گروگان ایرانی قرار داریم، ضروری است به منظور تحقق خواست ملت بزرگ ایران که همانا آزادی فرزندان‌شان از چنگال رژیم غاصب صهیونیستی است، هیئتی را جهت تحقیق و پی‌گیری این موضوع تعیین کرده و این هیئت در اولین فرصت، نتایج پی‌گیری‌های خود را به اطلاع مردم چشم‌انتظار ایران برساند.»

کیهان

۱۳۷۸/۴/۹ = ۳۰ ژوئن ۱۹۹۹

۱۸ سال انتظار

این مقاله که به نقل از کتاب «درانتهای افق» نوشته حسین بهزاد به چاپ رسیده است، به وقایع و اتفاقات منجر به اسارت چهارگروگان‌ایرانی در لبنان می‌پردازد.

اکنون ۱۸ سال است که در اسارت چنگال‌های صهیونیستی به‌سرمی‌برند. یادشان را گرامی می‌داریم و به انتظار بازگشت سرافرازانه‌شان چشم‌انتظار به راهی می‌دوزیم که مطمئنیم از آن راه برخوانند گشت. روایت زیر گوشه‌ای از آخرین لحظات این چهار سردار است:

صبح روز چهاردهم تیرماه سال ۱۳۶۱، حاج‌احمد متوسلیان آماده حرکت شده بود. از آن‌جا که سفر مزبور با توجه به ماهیت آن و همراه بودن کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران، مأموریتی غیرنظامی و دیپلماتیک محسوب می‌شود، مقرر گشت تا خودروی سفارت، بدون اسکورت مسلح‌نظامی و تنها به همراه گاردلبنانی سفارت ایران رهسپار بیروت شود. به پیشنهاد حاج‌احمد و موافقت آقای موسوی، قرار شد تقی رستگارمقدم، رزمنده منحصی که معمولاً در ایران مسئولیت رانندگی خودروی حاج‌احمد را برعهده داشت، هدایت اتومبیل سفارت را در سفر به بیروت جنگ‌زده برعهده بگیرد. از دیگرسو، آقای کاظم اخوان، عکاس و خبرنگار شیردل خبرگزاری جمهوری اسلامی که از ابتدای عملیات الی بیت‌المقدس تا لحظه فتح خرمشهر و از آن‌جا تا روز ورود به سوریه، همه جا دوشادوش رزمندگان تیپ ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) حضور فعال داشت و عکس‌های زیبایی دشت کرده بود، خواستار همراهی با هیئت اعزامی در این سفر، جهت تهیه عکس و گزارش برای رسانه‌های گروهی ایران شد. درپی موافقت آقای موسوی با این درخواست، همگی آماده حرکت شدند.

«حاج‌سعید قاسمی» می‌گوید: «در آن دقایق آخر، هرچه اصرار کردیم بی‌فایده بود. رفتم پیش حاج‌همت به او گفتم: در این شرایط، بیروت شده لانه گرگ‌ها، حاج‌احمد از تو حرف شنوی دارد، یک کاری بکن نگذار برود.

حاج‌همت که خودش از ما هم کلافه‌تر بود گفت: مگر تو احمد را نمی‌شناسی؟ از تصمیمی که بگیرد، بر نمی‌گردد. گفتم: حالا بیا با هم پیش حاجی برویم، بلکه خدا خواست و منصرفش کردیم. با همت رفتیم پیش حاجی. گفتم: حاج‌آقا! ما کوچیک شماییم. بگذارید ما به‌جای شما به این مأموریت برویم...

انگار نه انگار، اصلاً توجهی نکرد. فقط آن نگاه عمیق و گیرای خودش را برای آخرین بار به ما هدیه کرد و گفت: «برادر... دل‌تان با خدا باشد، به او توکل کنید. هر چه مشیت خدا باشد، همان می‌شود، خداحافظ.»

در ساعت ۱۲/۳۰ دقیقه ظهر روز چهاردهم تیرماه سال ۱۳۶۱، اتومبیل سفارت جمهوری اسلامی ایران در لبنان، حین عزیمت به بیروت، در یک پست ایست‌بازرسی متعلق به شبه‌نظامیان مارونی

حزب کتائب، موسوم به حاجزبرباره (به فاصله ۴۰ کیلومتری بیروت در جاده طرابلس - بیروت) متوقف و ۴ سرنشین خودروی مزبور، برغم مصونیت دیپلماتیک به همراه گارد لبنانی سفارت ایران، دستگیر و توسط تروریست‌های تحت امر رژیم تل‌آویو به گروگان گرفته می‌شوند. ۲۴ ساعت بعد از این واقعه، فالانژها اعضای گارد لبنانی سفارت ایران را به نقطه نامعلومی منتقل می‌نمایند.

رسالت

۱۳۷۸/۴/۱۴ = ۵ جولای ۱۹۹۹

صهیونیست‌ها انقلاب اسلامی را بزرگ‌ترین دشمن خود می‌دانند

فرزند یکی از دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی در لبنان گفت: «صهیونیست‌ها انقلاب اسلامی را بزرگ‌ترین دشمن و خطر واقعی برای خود می‌دانند و از این جهت از ضربه زدن به ایران اسلامی ابایی ندارند.»

وی که هم‌اکنون دانشجوی مهندسی کامپیوتر دانشگاه تهران است، اضافه کرد: «انتظار ما به عنوان خانواده گروگان‌های ایرانی این است که باجدیت بیشتر این مسئله از سوی مسئولان کشورمان دنبال شود، زیرا مسئله مربوط به چند نفر نمی‌شود، بلکه اعتبار و حیثیت نظام جمهوری اسلامی مطرح است و بایستی نشان داد که دولت ایران نسبت به سرنوشت اتباع خود و بخصوص دیپلمات‌هایش حساس است.»

وی گفت: «صهیونیست‌ها اخیراً برای دریافت اجساد سه‌سرباز متجاوز خود که در جنوب لبنان کشته شده بودند، زمین و زمان را به هم دوختند و به هردری زدند، پس ما نباید نسبت به سرنوشت دیپلمات‌هایمان حساس باشیم؟»

وی در مورد آخرین اطلاعات مربوط به سرنوشت دیپلمات‌های ربوده‌شده خاطرنشان کرد: «آخرین اطلاعات ما، مربوط به سخنان احمد حبیب‌الله رئیس‌کمیته دفاع از زندانیان در شهر ناصره در فلسطین اشغالی است که چندین بار اظهار داشته دیپلمات‌های ایرانی زنده و در فلسطین اشغالی محبوس هستند و سخنان وی نیز در این مدت بارها از سوی خبرگزاری‌های بین‌المللی به اقصی نقاط جهان مخابره شده است. اخیراً یکی از همدستان نزدیک ایلی حبیقه به نام «روبر [روبرت] مارون حاتم» معروف به «کبرا»، کتابی با عنوان «از اسرائیل به دمشق» در اروپا منتشر کرده و گفته است که ایرانی‌ها تا سال ۱۹۸۶ در بازداشت بوده و پس از آن همراه با صدها جوان مسلمان شیعه لبنانی قتل‌عام شده و در محوطه مرکز نظامی فالانژها دفن شده‌اند. سوال من این است که اگر آنها تا سال ۱۹۸۶ (چهارسال پس از ربوده شدن) زنده بوده‌اند، چه دلیلی دارد که پس از آن به قتل برسند، مضافاً بر این که آنها دیپلمات خارجی بوده و مصونیت دیپلماتیک داشته‌اند و اطلاعات جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که در آن سال (۱۹۸۶) به دلیل بروز جنگ‌های داخلی بین جناح مسیحی لبنان، دیپلمات‌های ایرانی از طریق بندر جونیه به اسرائیل منتقل شده‌اند، ولی بالاخره باید سرنوشت آنها روشن شود.»

کیهان

رژیم صهیونیستی باید بدون هیچ قید و شرطی دیپلمات‌های ایرانی رها شده را آزاد کند

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، با صدور بیانیه‌ای به مناسبت هفدهمین سالگرد رها شدن اتباع و دیپلمات‌های ایرانی به دست صهیونیست‌ها در لبنان، تأکید کرد شواهد متعددی حاکی از زنده بودن اتباع و دیپلمات‌های ایرانی و انتقال آنها به فلسطین اشغالی است. به گزارش اداره کل اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه، متن این بیانیه به شرح ذیل است: «چهاردهم تیرماه ۷۸، سالگرد رها شدن چهارتن از اتباع و دیپلمات‌های ایرانی توسط عمال رژیم صهیونیستی است. هفده سال پیش، به هنگام تجاوز نظامی ارتش صهیونیستی به خاک لبنان و اشغال بیروت، چهارتن از اتباع و دیپلمات‌های ایرانی، در یک پست بازرسی متعلق به عمال رژیم صهیونیستی در شمال بیروت، متوقف و رها شدند. بلافاصله پس از وقوع این حادثه تاسف‌بار، جمهوری اسلامی ایران اقدامات متعدد و گسترده‌ای را برای آزادی این عزیزان به عمل آورد که متأسفانه نتیجه‌ای گرفته نشد و از آن تاریخ تاکنون، وزارت امور خارجه با تلاشی پی‌گیر کوشیده است سرنوشت اتباع و دیپلمات‌های ایرانی را روشن و نسبت به آزادی آنها اقدام نماید. طی این سال‌ها، محافل صهیونیستی و نیروهای وابسته به آنان، تلاش کرده‌اند تا پرونده این آدم‌ربایی بسته و به فراموشی سپرده شود، لیکن شواهد متعدد حاکی از زنده بودن ایشان و انتقال آنها به فلسطین اشغالی است. وزارت امور خارجه، در هفدهمین سالگرد رها شدن چهار تن از اتباع و دیپلمات‌های ایرانی، با دعوت از کلیه مجامع و محافل بشردوست برای تلاش‌های انسان‌دوستانه به منظور روشن شدن سرنوشت اتباع و دیپلمات‌های ایرانی، نکات زیر را مورد تأکید قرار می‌دهد:

- ۱ - رها شدن دیپلمات‌های جمهوری اسلامی ایران در بیروت، غیرقانونی بوده و در مخالفت با مقررات و مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی است.
- ۲ - رها شدن اتباع و دیپلمات‌های ایرانی، نشان‌گر تلاش مذبوحانه و توطئه آشکار رژیم صهیونیستی و محافل وابسته به آن برای خدشه وارد آوردن بر نظام جمهوری اسلامی ایران است.
- ۳ - با توجه به شواهد و قرائن، مسئولیت مستقیم ربودن اتباع و دیپلمات‌های ایرانی به عهده رژیم صهیونیستی است و این رژیم باید بدون هیچ قید و شرطی آنها را آزاد کند.
- ۴ - جمهوری اسلامی ایران از کلیه دولت‌ها بویژه دولت لبنان، می‌خواهد که از همه امکانات خویش برای روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی رها شده و آزادی ایشان استفاده کنند.
- ۵ - جمهوری اسلامی ایران، در هیچ شرایطی نسبت به سرنوشت و جان شهروندان خویش در تمام نقاط جهان بی تفاوت نمی‌باشد و با همه امکانات برای حفظ حقوق شهروندان خود اقدام می‌نماید.

۶ - وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ضمن ابراز همدردی کامل با خانواده‌های این عزیزان که سال‌هاست درد انتظار را تحمل کرده‌اند، بار دیگر تأکید می‌کند که برای روشن شدن این مسئله و بازگرداندن این عزیزان به میهن اسلامی، از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد.

کیهان

کبوتران شکسته بال

چهاردهم تیرماه سال ۱۳۶۱ هنگامی که سید محسن موسوی کاردار، حاج احمد متوسلیان وابسته نظامی، و تقی رستگار مقدم مشاور فنی سفارت ایران در بیروت و کاظم اخوان خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی، در جاده طرابلس - بیروت توسط شبه نظامیان فالانژ ربوده شدند، کم‌تر کسی در این موضوع تردید پیدا کرد که آنها به اسارت رژیم صهیونیستی در آمده‌اند.

شیوه تروریستی ربودن اشخاص از کشورهای دیگر، و نقض حریم کشورهای مستقل و یا حتی به قتل رساندن اشخاص مخالف رژیم صهیونیستی، در تاریخ معاصر به عنوان شیوه انحصاری رژیم غاصب قدس به ثبت رسیده است. دیپلمات‌ها و خبرنگار ایرانی، اولاً دارای مصونیت دیپلماتیک بودند و ثانیاً در محدوده حاکمیت دولت مستقل لبنان ربوده شدند و هر دوی آنها، نقض صریح عرف و مقررات دیپلماسی و روابط بین‌المللی از سوی ربایندگان محسوب می‌شود.

تا سال ۱۳۶۶ با وجود آن‌که رژیم صهیونیستی و شبه نظامیان لبنانی وابسته به آن، در مظان اصلی اتهام ربودن دیپلمات‌های ایرانی بودند، اما هیچ خبر خاصی از ربوده شدگان به دست نیامد. در این سال بود که هجوم تبلیغاتی صهیونیست‌ها مبنی بر انتقال ران آزاد خلبان هواپیمای ساقط شده اسرائیلی در خاک لبنان، به ایران و عنوان کردن موضوع آزادی وی در مقابل آزادی دیپلمات‌های ایرانی، آرام آرام پرده از روی ماجرا برداشت. با اخراج نیروهای متجاوز صهیونیستی از خاک لبنان، استقرار دولت این کشور و دستگیری سران گروهک فالانژ بویژه فرمانده نظامی آن سمیر جعجع، زمزمه‌های انتقال دیپلمات‌ها به داخل خاک فلسطین اشغالی افزایش یافت.

سمیر جعجع در بازجویی‌های خود مدعی شد که ربوده شدگان در زمان دستگیری به شهادت رسیدند اما ایلی حبیقه یکی از وزرای فعلی لبنان و ازمسئولان سابق ارتش جنوب، ضمن تکذیب این خبر اعلام کرد این چهارتن زنده هستند. اظهارات دو سال پیش سخن‌گوی اداره زندان‌های رژیم صهیونیستی مبنی بر وجود سه ایرانی و راننده آنها در زندان‌های اسرائیل، و سپس اظهارات احمد حبیب‌الله رئیس انجمن بازداشت‌شدگان و زندانیان در نیکوزیا، که اعلام داشت ایرانیان ربوده شده زنده هستند و در یکی از زندان‌های مخفی وابسته به شین‌بث به سر می‌برند - هر چند با تکذیب رسمی رژیم صهیونیستی مواجه شد - اما به هر حال مسئولیت اصلی حفظ جان و آزادی هر چه سریع‌تر دیپلمات‌ها و خبرنگار ایرانی را مستقیماً بر عهده این رژیم قرار داده است.

روز شمار گروگان‌گیری □ ۹۱

گفت‌وگوهای مسئولان لبنان با نمایندگان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در خصوص اطلاع از وضعیت و تلاش برای آزادی این چهارتن، که به درخواست رسمی جمهوری اسلامی ایران، خانواده‌های ربوده شدگان، هنرمندان و نویسندگان، انجمن جهانی روزنامه‌نگاران و سازمان دفاع از زندانیان خارجی در فلسطین اشغالی، انجام می‌شود، ممکن است با حمایت‌های سیاسی قدرت‌های بزرگ از رژیم غاصب‌قدس به طول انجامد و ممکن است با سکوت خبری رسانه‌های تحت اختیار صهیونیست‌ها مواجه شود، اما دولت غاصب صهیونیستی باید این را بداند که توان خارج ساختن خود از زیر بار مسئولیت ربودن اتباع دارای مصونیت کشوری بزرگ و نیرومند مانند ایران و آن هم در خاک کشوری مستقل را ندارد.

نکته جالب در ماجرای ربوده شدن و اسارت هفده‌ساله دیپلمات‌ها و خبرنگار آزاده ایرانی، مقایسه وضعیت آنها با سروصدا و جنجالی است که رسانه‌های تحت سیطره صهیونیسم بین‌الملل به دنبال دستگیری ۱۳ ایرانی در خاک ایران به اتهام جاسوسی برای بیگانگان به راه انداخته‌اند. از رژیم غاصب فلسطین البته انتظاری نیست ولی مقامات دولت‌های اروپایی و نمایندگان مجالس کشورهای پرمدعایی مانند آمریکا و فرانسه، باید به ملت خود و نیز ملت بزرگ ایران پاسخ دهند که در مقابل اظهارات گستاخانه و مداخله جویانه خود به هنگام دستگیری متهمان به جاسوسی در ایران - چیزی که در حقوق بین‌الملل اعمال حق مسلم حاکمیت ملی هر کشور توسط حکومت آن نامیده می‌شود - آیا واکنشی هر چند ضعیف و کم‌رنگ نسبت به ربودن افرادی که دارای مصونیت دیپلماتیک بوده‌اند، نشان داده‌اند یا خیر؟ سران رژیم صهیونیستی، حامیان اروپایی و آمریکایی آنها، مدیران اختاپوس‌های رسانه‌ای جهان - و احیاناً همفکران داخلی آنها - ممکن است به کاربرد فضاسازی تبلیغاتی و بمباران خبری ایمان مطلق داشته باشند، اما بد نیست برای حافظه ملت‌ها هم جایی در محاسبات خود باز کنند.

ناصر بهرامی

کیهان

برخورد دو گانه غرب با دو مقوله ایرانی

بازداشت چند شهروند یهودی ایرانی به اتهام جاسوسی به نفع اسرائیل، متأسفانه موج تبلیغاتی و فشار دیپلماتیک شدیدی را بر کشور ما وارد کرده است، به طوری که علیرغم رایزنی‌ها و توضیحات مکرر متولیان دیپلماسی ایران با محافل سیاسی و حقوق بشر، برخی کشورهای اروپایی و ایالت متحده بویژه پارلمان فرانسه و کنگره آمریکا، در اقدامی جانبدارانه و یک‌سویانه، تنها بازداشت تعدادی از یهودیان بازداشت شده این شبکه جاسوسی را که به گفته منابع آگاه، اطلاعات سری نظامی را با اسرائیل مبادله می‌کردند، در آستانه خبری قرار داده و یک موج همه‌جانبه علیه دولتی که به اعتراف جهانیان در راستای تنش‌زدایی و برقراری صلح و آرامش در جهان حرکت

می‌کند و دکترین گفت‌وگوی تمدن‌ها را طرح کرده، به‌راه‌انداخته است. گرچه تاکنون این فشارها از جانب پارلمان‌های کشورها نه دولت‌های غربی، اتخاذ شده است، اما دامن‌زدن به این فشارها از سوی رسانه‌های غربی نشان دهنده افزایش دامنه فعالیت لابی‌های اسرائیلی در پارلمان‌های کشورهای اروپایی و کنگره آمریکا است.

فشارهای فوق در حالی صورت می‌گیرد و در زمانی رئیس‌جمهوری اصلاح‌طلب ایران، دیکتاتور قرون‌وسطایی توصیف می‌شود که بیست سال پیش در چنین روزی، چهار دیپلمات و خبرنگار ایرانی توسط عوامل اسرائیل در لبنان ربوده شدند، ولی هیچ دولت غربی و سازمان غیردولتی وابسته به غرب، که اکنون بازداشت یهودیان ایرانی را به خاطر مذهب آنها تقبیح می‌کنند و اتهام وارده به آنها را انکار می‌نمایند، حاضر به دفاع از حقوق گروگان‌های ایرانی نشدند و علیرغم آن‌که خانواده‌های آنها بارها از طریق سازمان‌های حقوق‌بشر در اروپا، پی‌گیر سرنوشت عزیزان خود شدند، هیچ کمکی از سوی این محافل و رسانه‌ها برای آزادی این افراد صورت نگرفت. در حالی که ایلی حبیقه یکی از عوامل اسرائیل در لبنان، اعتراف کرد که گروگان‌های ایرانی زنده و در اختیار اسرائیل هستند، اما اسرائیل تاکنون درباره سرنوشت آنها سکوت کرده است. آیا برای مدافعان حقوق‌بشر در غرب، اسرائیل و اقدامات آن خط قرمز است؟ انتظار می‌رود اگر در اعلامیه حقوق‌بشر همه انسان‌ها برابرند، قوم یهود برابرتر نباشند. همچنان که انتظار است افراد متهم به جاسوسی چه مسلمان و چه یهودی، طبق استانداردهای مورد اتفاق ناظران جهانی محاکمه و مجازات شوند و حاکمیت دولت ایران محترم شمرده شود.

نشاط

بعد از ۱۷ سال سرنوشت ۴ ایرانی ربوده‌شده در لبنان هنوز مشخص نیست

ظرف سال‌های گذشته برخی از کشته شدن این چهار شهروند ایرانی، و شماری نیز از اسارت آنان در زندان اسرائیل خبر داده‌اند. در حالی که این اخبار ضدونقیض نیز بارها تکذیب شده است، نگرانی خانواده‌های آنان همچنان باقی است. در این مدت، تلاش‌های لبنان و سازمان‌های بین‌المللی از جمله انجمن بین‌المللی روزنامه‌نگاران و سازمان دفاع از زندانیان فلسطین اشغالی، برای دریافت خبر از وضعیت گروگان‌های ایرانی و آزادی آنان بی‌نتیجه مانده است و امروز پس از گذشت ۱۷ سال، هنوز مشخص نیست بر سر این چهار شهروند ایرانی چه آمده است. احمد حبیب‌الله رئیس‌سازمان دفاع از زندانیان در سرزمین‌های اشغالی، بارها اعلام کرده است که گروگان‌های ایرانی از سوی صهیونیست‌ها ربوده شده‌اند و در زندان‌های اسرائیل به سر می‌برند، و حتی یک زندانی در زندان نظامی عتلیت، اسامی آنان را در فهرست زندانیان مشاهده کرده است، اما اسرائیل این خبر را تکذیب کرده و گفته است که چهار شهروند ایرانی توسط نیروهای فالانژ لبنانی به قتل رسیده‌اند. در حالی که این پرسش مطرح است که در صورت صحت این خبر، چرا اجساد آنان تاکنون به مقام‌های

روزشمار گروگان‌گیری □ ۹۳

ذیصلاح تحویل نشده است. برخی معتقدند که سرنوشت آنان با سرنوشت رون آران خلبان اسرائیلی مفقود شده گره خورده است و اسرائیل قصد دارد از این طریق به ایران فشار بیاورد. ایران معتقد است شواهد و دلایل نشان می‌دهد که آنان زنده هستند و دربند اسرائیل گرفتار آمده‌اند. لبنان نیز چنین موضعی اتخاذ کرده و معتقد است که اخبار قتل چهار دیپلمات ایرانی از سوی سمیر جعجع - رئیس حزب مارونی لبنان - رواج یافته و واقعیت ندارد. گفته می‌شود که جعجع در سال ۷۲ دیپلمات‌های ایرانی را از راه دریا به اسرائیل منتقل کرده است و این در حالی است که شبه‌نظامیان لبنان نیز بارها منکر در اختیار داشتن چهار گروگان ایرانی شده‌اند. گذشت زمان به کم‌رنگ شدن تلاش‌های جهانی برای آزادی این چهار شهروند ایرانی منجر شده است. در حالی که خانواده‌های آنان هنوز امیدوارند و چشم انتظار آزادی بستگان خود هستند.

نشاط

۱۳۷۸/۴/۱۵ = ۶ جولای ۱۹۹۹

۱۷ سال سکوت غرب در قبال ربوده شدن ۴ دیپلمات ایرانی

دیروز (چهاردهم تیرماه) ۱۷ سال از اسارت فرزندان ایران به دست رژیم صهیونیستی گذشت که این مدت، جمهوری اسلامی ایران تلاش‌های زیادی برای آگاهی از سرنوشت این عزیزان و آزادی آنها انجام داده، ولی از آن زمان تاکنون از فعالیت سازمان‌های مدافع حقوق بشر خبری نبوده است. در دو دهه گذشته، رژیم صهیونیستی از هیچ اقدامی علیه ایران فروگذار نکرده است و ربودن چهار دیپلمات که بر اساس قوانین بین‌المللی از حقوق ویژه‌ای از جمله مصونیت سیاسی برخوردار بودند، نیز بیانگر خوی و خصلت تروریستی رژیم صهیونیستی است. در این مدت از منابع مختلف خبر رسیده است که چهار ایرانی مذکور، در زندان‌های رژیم اشغالگر قدس به سر می‌برند و هیچ سازمان و نماینده‌ای از مجامع بین‌المللی نظیر نمایندگان صلیب سرخ حق ورود به این زندان‌های مخفی را ندارند. تاکنون تلاش‌های مقامات جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌المللی نیز برای پی‌گیری و مشخص شدن وضعیت ایرانیان ربوده شده، بی نتیجه مانده است. طی بیست سالی که از عمر انقلاب اسلامی گذشته همواره یکی از محورهای تبلیغاتی صهیونیسم بین‌الملل، متهم کردن ایران به تروریسم بوده است در حالی که رژیم صهیونیستی تاسیس و تداوم حیات خود را از ابتدا مدیون ترویج تروریسم دولتی و حمایت از اقدامات تروریستی در سراسر جهان است.

نکته جالب توجه این است که برغم گذشت سال‌ها از اسارت دیپلمات‌های ایرانی در فلسطین اشغالی، سازمان‌های مدعی دفاع از حقوق بشر و رسانه‌های غربی که عمدتاً تحت نفوذ صهیونیست‌ها قرار دارند، رژیم صهیونیستی را برای آزادی این دیپلمات‌ها تحت فشار قرار نداده‌اند. در حالی که همین رسانه‌ها در مقاطع مختلف و با طرح ادعاهای بی‌اساس جمهوری اسلامی ایران را به نقض حقوق بشر متهم می‌کنند. نمونه روشن چنین سیاستی، تبلیغات و جار و جنجال‌های صهیونیست‌ها و برخی ادعاهای بی‌اساس درباره بازداشت ۱۳ متهم به جاسوسی برای اسرائیل در

جمهوری اسلامی ایران است. این رسانه‌ها در روزهای اخیر تلاش کرده‌اند با پیش کشیدن مسائل مذهبی، بازداشت این متهمان را نادیده گرفتن حقوق اقلیت‌ها در ایران معرفی کنند. در حالی که مسئولان بلند پایه قضائی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران بارها تاکید کرده‌اند که مسائل مذهبی و عقیدتی این افراد که در بین آنان افراد یهودی و مسلمان هم حضور دارند، هیچ‌گونه ارتباطی با بازداشت‌شان ندارند بلکه اتهام این افراد جاسوسی به نفع رژیم صهیونیستی می‌باشد که طبق قانون به این اتهامات رسیدگی خواهد شد.

رسانه‌های خبری مذکور در این مدت سعی کرده‌اند ایران را به دلیل دستگیری متهمان به جاسوسی، ناقص حقوق بشر معرفی کنند، در حالی که دفاع از منابع و امنیت ملی از حقوق اولیه هر کشوری در جهان است. شکی نیست که جنجال‌های تبلیغاتی صهیونیست‌ها که با هدف تحت‌الشعاع قرار دادن روند قضائی رسیدگی به پرونده متهمین و تاثیرگذاری بر روند رسیدگی طبیعی و مبتنی بر قانون، انجام می‌شود، دخالت آشکار در امور داخلی ایران است. مقامات جمهوری اسلامی ایران نیز بارها تاکید کرده‌اند که متهمان دستگیر شده در حال حاضر تنها متهمند و قبل از محاکمه براساس قوانین قضائی نظام اسلامی، هیچ‌گونه حکمی علیه آنان صادر نشده و نخواهد شد لذا درخواست آزادی مظنونین نیز قبل از کامل شدن روند رسیدگی قضائی به هیچ‌وجه قابل توجیه و پذیرفتنی نبوده و توهین به حق حاکمیت دولت جمهوری اسلامی ایران در برخورد موثر و قانونی با تهدیدات علیه امنیت کشور و ملت تلقی می‌شود. مسئولان قضائی ایران نیز اعلام کرده‌اند که متهمین به جاسوسی برای رژیم صهیونیستی، از یک محاکمه منصفانه با کلیه ضمانت‌های مربوط به روند صحیح و قانونی برخوردار خواهند شد و تبلیغات سوء رسانه‌های خبری جهان برای تحت تأثیر قرار دادن این پرونده، هیچ‌گونه خللی بر روند رسیدگی به پرونده متهمان مذکور ایجاد نخواهد کرد. اکنون آنها که خود را «مدافع حقوق بشر» معرفی می‌کنند، به‌جاست تا برای تنویر افکار عمومی، گام‌های اساسی را در جهت روشن شدن وضعیت ایرانیان دربند صهیونیست‌ها بردارند.

ابزار

۱۷ سال بعد

اگر کسی تلویزیون ایران را طی دو دهه اخیر و به‌طور معمول مشاهده کرده باشد، امروز متعجب می‌شود که چرا این رسانه عمومی بدین حد به موضوع گروگان‌های ایرانی در لبنان یا اسرائیل می‌پردازد، مگر آنان تازه ربوده شده‌اند؟ اگر ۱۷ سال پیش به گروگان گرفته شده‌اند، چرا طی این سال‌ها سخنی در خور و شایسته گروگان‌های ایرانی گفته نمی‌شد؟

پاسخ روشن است. آنچه که امروز برای دفاع از حقوق سردارمتوسلیان که مهم‌ترین فرمانده عملیات الی بیت المقدس بود یا در دفاع از سید محسن موسوی‌کاردار ایران در بیروت گفته می‌شود، چندان جدی و دارای اصالت نیست. این تبلیغات فقط در پاسخ به تبلیغاتی است که در رسانه‌های جهانی

نسبت به دستگیری تعدادی از هموطنان یهودی به اتهام جاسوسی علیه ایران راه افتاده است و اگر به‌هر دلیلی این اتفاق نمی‌افتاد و از تبلیغات علیه ایران‌خبری نبود، مطمئن باشید که امسال نیز چون ۱۶ سال گذشته موضوع برادرمتوسلیان و موسوی و دو نفر از همراهان‌شان با سکوت برگزار می‌شد. چرا ما نسبت به سرنوشت شهروندانمان در دنیا بی‌تفاوت هستیم؟ چراهنگامی که یک دیپلمات ایرانی و یک سردار نظامی و چند نفر دیگر به آن وضع گرفتار می‌شوند، آب از آب تکان نمی‌خورد و اقدامی نمی‌شود؟ آن اقداماتی هم که شده است، جملگی یا شخصی بوده‌اند و به بیراهه رفته‌اند و هزار کار دیگر غیر از وظیفه اصلی خویش را انجام داده‌اند. یا اگر رسمی بوده فقط در حد اظهار نظرات دیپلماتیک و سیاسی محدود شده است. عده‌ای در ایران تعجب می‌کنند که چرا بسیاری از کشورها حتی از مجرمین هموطن خود که در کشورهای دیگر دستگیر یا زندانی می‌شود حمایت می‌کنند. در حالی که ما نسبت به اتباع و شهروندان خودمان آن قدر بی‌تفاوت هستیم که از بهترین‌های آنان نیز دفاعی در خور و شایسته نمی‌کنیم. حتی وقتی هم می‌خواهیم از آنان دفاع کنیم، هدف و مقصود دیگری داریم. و این دفاع را به صورت ابزاری در خدمت اهداف دیگر می‌گیریم. در حالی که در سیاست امروز دفاع از شهروندی و حمایت سیاسی از او یک رکن سازش‌ناپذیر است که آن را نمی‌توان با هیچ منفعت دیگری عوض کرد. پاسخ این پرسش را چنین می‌توان داد که ما تاکنون نتوانسته‌ایم مفهوم شهروندی را لمس و حس کنیم. مفهومی که مترادف با انسان صاحب حق است. انسانی که در جامعه امنیت دارد. هیچ‌کس و در هیچ‌مقامی نمی‌تواند به‌صورت نظام‌مند یا برحسب قاعده حق او را تضييع کند. انسانی که فاصله‌ای میان خود و حکومت یا قدرت نمی‌بیند، حکومت و قدرت را منبعث از خود می‌داند و عناصر آن را پاسخ‌گو در برابر خویش حس می‌کند. در مفهوم شهروندی افراد درجه بندی نمی‌شوند، گرچه عده‌ای خوب و عده‌ای بد هستند، ولی این امر معیار تبعیض حقوقی میان آنان نیست.

هنگامی که شهروند بودیم، خود را تا بدان پایه قدرتمند می‌دانیم که با حمایت دیگران از حقوق‌حقه خویش دفاع کنیم و نیازی به حمایت و همدلی بیگانگان نداشته باشیم. در مقابل اگر حق شهروندی وجود نداشت، دیگر مشکل است که افراد را از پناه بردن به بیگانگان سرزنش کرد. در چنین جامعه‌ای مهم‌ترین وظیفه دولت دفاع از حقوق شهروندی است. ساختن مدرسه و بیمارستان، پل و جاده و کارخانه و... تنها و تنها پس از تأمین این حق است که برعهده دولت و حکومت قرار می‌گیرد. در چنین نظامی میان افراد تا این حد تفاوت نیست که یک هموطن به‌اتهام رهبری یک باند جنایتکار دستگیر شود و سپس خودکشی کند و ده‌ها دلیل ومدرك علیه او اقامه شود، ولی چون به دادگاه نرفته است اصل برائت را بر او جاری بدانیم. در مقابل عده‌ای دیگر هموطنان به اتهام جاسوسی دستگیر شوند و حتی یک کلمه هم تاکنون از پرونده و جزئیات اتهامات آنان به میان نیامده باشد، ولی مسئولین کشوری و غیر کشوری! از جمله رئیس‌مجلس صریحاً آنان را جاسوس

خطاب کنند حتی حکم اعدام هم برای شان پیش بینی نمایند!! و بعد هم فریادمان بلند شود که چرا دیگران در امورداخلی ما دخالت می کنند؟

اگر چه این روزها چهره‌هایی که با سکوت و شاید تأیید خود در ده سال گذشته، بسیاری از انحرافات سیاسی را پایه‌ریزی کردند، می‌کوشند که جامعه ایران را از مسیری که برای اصلاح ساختارسیاسی انتخاب کرده است بترسانند و پشیمان کنند و با تأکیدات بر اهمیت مشکلات اقتصادی و بیکاری که میراث دستگاه دیوانی به شدت ناسالم آنان است، از اهمیت توسعه سیاسی و روند اصلاحات اخلاقی و سیاسی بکاهند، ولی نخبگان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و حتی اقتصادی ایران امروز تقریباً نوعی اتفاق نظر دارند که تارسیدن به حداقلی از ساختار سیاسی پاسخ‌گو در برابر ملت و تحقق حداقلی از مفهوم شهروندی، هر گونه کوششی برای حل دیگر مسائل و مشکلات مردم آب در هاون کوبیدن است، همچنان که در دهه گذشته تجربه کردیم.

صبح امروز

دولت و ملت ایران مسئله اسارت چهار ایرانی در لبنان را با حساسیت پی‌گیری می‌کند

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی روز گذشته گفت: «دولت جمهوری اسلامی و مردم قهرمان ایران همچنان با حساسیت مسئله ربوده شدن چهار تن از اتباع ایرانی در لبنان را پی‌گیری می‌کنند.»

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام که در جمع خانواده دیپلمات‌ها و خبرنگار اسیر ایرانی در لبنان سخن می‌گفت، افزود: «در شرایطی که سازمان ملل و غربی‌ها برای دستگیری چند یهودی متهم به جاسوسی، هیاهو و جنجال به راه انداخته‌اند، سکوت و بی‌توجهی در قبال هفده سال اسارت مظلومانه اتباع ایرانی با ادعاهای آنان در تناقض آشکار است. سکوت و بی‌توجهی مجامع بین‌المللی و سازمان‌های به اصطلاح مدافع حقوق بشر در این زمینه قابل توجیه نیست. چهار ایرانی که در لبنان ربوده شده‌اند از شخصیت‌های سیاسی و دارای جایگاه مردمی و ملی بودند و سرنوشت مبهم آنان برای دولت و ملت جمهوری اسلامی ایران بسیار تلخ و دردناک است.»

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به اقدامات جدی و پی‌گیری‌های مستمر جمهوری اسلامی ایران در طول هفده سال برای روشن شدن این موضوع اشاره کرد و گفت: «بدون شک مردم ایران و خانواده‌های این عزیزان همچنان امیدوار به بازگشت اسیران خود هستند.»

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام از صبر و متانت خانواده این اسیران قدردانی کرد و اظهار داشت: «یاد این عزیزان سرافراز همچنان برای جامعه اسلامی ما سازنده و الهام‌بخش است و همه ما موظفیم برای روشن شدن موضوع و آزادی این عزیزان در بند بکوشیم.»

خراسان

اسرائیل، گروگان‌های ما را آزاد کن

روز شمار گروگان‌گیری □ ۹۷

چهاردهم تیرماه سالروز ربوده شدن چهار دیپلمات ایرانی در لبنان است. از آن زمان تاکنون که ۱۶ سال از این واقعه می‌گذرد، هنوز اطلاعی از سرنوشت این عزیزان در دست نیست. البته برخی از منابع معتقدند که چهار ایرانی ربوده شده در بازداشتگاه‌های مخفی رژیم صهیونیستی زندانی هستند و نمایندگان صلیب سرخ حق ورود به این زندان‌های مخفی را جهت شناسایی ندارند. مقامات جمهوری اسلامی ایران از زمان ربوده شدن دیپلمات‌های ایرانی در بیروت، بارها با ارائه دلایل و مدارک مستدل در مجامع بین‌المللی خواستار پی‌گیری این پرونده و آزادی آنان شده‌اند.

خبر

پدرم هنوز زنده است و در اسارت صهیونیست‌ها به سر می‌برد

سیدرئاد موسوی فرزند سید محسن موسوی در گفت‌وگو با روزنامه جمهوری اسلامی، اظهار داشته است که پدرش زنده و در زندان صهیونیست‌ها می‌باشد.

(ضمیمه ۲۱)

جمهوری اسلامی

۱۳۷۸/۴/۱۶ = ۷ جولای ۱۹۹۹

دلم روشن است پدرم روزی باز خواهد گشت

چهاردهم تیرماه سالروز ربوده شدن چهار تن از دلاوران کشورمان در لبنان به دست مزدوران صهیونیستی است. درگرمای داشت یاد و خاطره این عزیزان و با امیدواری نسبت به بازگشت سرافرازانه ایشان به میهن اسلامی، گفت‌وگویی را که با آقای سیدرئاد موسوی فرزند ۱۸ساله آقای سید محسن موسوی کاردار سابق ایران در لبنان انجام داده‌ایم، به حضورتان تقدیم می‌کنیم:

- آقای موسوی ابتدا توضیح دهید چه تصویری از پدر عزیزتان دارید؟

- با توجه به سن من که موقع ربوده شدن پدرم ۲ سال بیشتر نداشتم تصویر مبهمی از چهره پدر در خاطر من باقی است. اما هنوز و همچنان گرمای محبت پدرانه‌اش را در وجود خویش احساس کرده و می‌کنم.

- آیا شخصاً در جریان پی‌گیری سرنوشت پدرتان و دیگر همراهانش بوده‌اید؟

- بله، از زمانی که خودم را شناختم این مسئله را پی‌گیری کرده و می‌کنم. همه اشخاص و ارگان‌هایی هم که روی این مسئله کار کرده‌اند به من محبت زیادی داشته و دارند و با وجود آن که سن زیادی ندارم، اما پیوسته سوال‌های مرا پاسخ داده و مرا در جریان امور و پی‌گیری قضیه قرار داده‌اند.

- آخرین خبرها در مورد گروگان‌ها چیست؟

- آخرین خبرهای منتشر شده مربوط به سخنان آقای احمد حبیب‌الله، رئیس کمیته دفاع از زندانیان در شهر ناصره در فلسطین اشغالی است که چندین بار اظهار داشته دیپلمات‌های ایرانی زنده و در

اسرائیل محبوس هستند. سخنان حبیب‌الله، ظرف یکی دو سال اخیر بارها توسط خبرگزاری‌های بین‌المللی مخابره و در روزنامه‌های مختلف چاپ شده است.

- به نظر شما رژیم اسرائیل چه سودی از بازداشت آنها می‌برد و برای چه آنها را نگاه داشته است؟
- بدیهی است که اسرائیل دشمن شماره یک اسلام و مسلمین است. خود صهیونیست‌ها نیز انقلاب اسلامی ایران را بزرگ‌ترین دشمن و خطر برای خود می‌دانند و این را بارها ابراز کرده‌اند. از این جهت آنها اگر بتوانند، از ضربه‌زدن به انقلاب ابایی ندارند. اما ظاهراً آنها با این گمان که ران آراد خلبان هواپیمای سرنگون شده آنها در جنوب لبنان در دست ایرانی‌هاست، احتمالاً قصد دارند این گروگان‌ها را با هم مبادله کنند. این در حالی است که مسئولان کشورمان بارها اعلام کرده‌اند که خلبان آنها در ایران نیست و اصولاً این مسئله ارتباطی با ایران ندارد.

- کسانی ادعا می‌کنند که دیپلمات‌های ایرانی در لبنان کشته شده‌اند، در این باره چه اطلاعاتی وجود دارد؟

- بله، عده‌ای این را می‌گویند و منشأ آن، حرف‌های سمیر جعجع و ایلی حبیقه از فرماندهان نیروهای فالانژ است که هر یک دیگری را متهم به ربودن و کشتن دیپلمات‌های ایرانی می‌کنند. اما همین اظهارات ضدونقیض است. زمانی گفته‌اند که آنها بلافاصله پس از بازداشت تیرباران شده‌اند. بعضی اظهارات آنها حاکی است که دیپلمات‌های ایرانی تا سال ۱۹۸۶ زنده بوده و بعداً کشته شده‌اند. اخیراً هم یکی از همدستان نزدیک ایلی حبیقه، معروف به کبرا کتابی در اروپا منتشر کرده و گفته است که ایرانی‌ها تا سال ۱۹۸۶ در بازداشت بوده و پس از آن همراه با صدها جوان مسلمان شیعه لبنانی قتل عام شده و در محوطه مرکز نظامی فالانژها دفن شده‌اند. می‌بینیم که مسائل ضدونقیض است. سوال این است که اگر آنها تا سال ۱۹۸۶ یعنی ۴ سال پس از ربوده شدن، زنده بوده‌اند چه دلیلی دارد که پس از آن به قتل برسند؟ مضافاً بر این که آنها دیپلمات خارجی بوده و قاعدتاً حساب آنها با حساب صدها جوان مسلمان لبنانی که در بازداشت فالانژها به سر می‌برده‌اند متفاوت بوده است. به هر حال، اطلاعات جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که در آن سال یعنی سال ۱۹۸۶ به دلیل جنگ بین دوجناح شبه‌نظامیان مسیحی لبنان، دیپلمات‌های ایرانی از طریق بندر جونیه به اسرائیل منتقل شده‌اند.

- اکنون از مسئولان چه انتظاری دارید؟

- انتظار ما به عنوان خانواده گروگان‌های ایرانی این است که با جدیت بیشتر این مسئله دنبال شود زیرا مسئله چند نفر مطرح نیست، بلکه مسئله اعتبار و حیثیت جمهوری اسلامی ایران است که باید حفظ شود. باید نشان داده شود که دولت جمهوری اسلامی ایران نسبت به سرنوشت اتباع خود بخصوص دیپلمات‌ها حساس است. صهیونیست‌ها برای دریافت اجساد سه سرباز متجاوز خود که در جنوب لبنان کشته شده‌اند، زمین و زمان را به هم می‌دوزند و هر دری را می‌زنند، چرا ما نسبت به سرنوشت دیپلمات‌هایمان اعم از این که زنده باشند یا شهید شده باشند، حساس نباشیم؟

بالاخره باید سرنوشت آنها روشن شود و حتی اگر شهید شده باشند باید برای به دست آوردن پیکرهای پاک آنان اقدام شود. البته در این مورد ریاست محترم جمهوری جناب آقای خاتمی و نیز وزیر محترم امور خارجه جناب آقای دکتر خرازی، قول پی‌گیری داده‌اند و این کار را نیز انجام می‌دهند.

- شما خودتان چه احساسی دارید و چه حدسی می‌زنید؟

- من شخصاً دلم روشن است که آنها زنده هستند. سال‌هاست که در انتظار دیدن پدرم هستم. به هر حال ما تسلیم رضای حق هستیم.

رسالت

پاسخی به یک نیاز

«حبیب‌الله کاسه‌ساز» تهیه‌کننده و مدیر تولید، فارغ‌التحصیل دانشکده سینماست. او تاکنون بیش از ده فیلم بلند سینمایی و تعدادی فیلم مستند را تهیه و تولید کرده، که عمدتاً در مورد دفاع مقدس بوده است. وی همچنین مدتی را به عنوان مدیرکل اداره تولید و پشتیبانی وزارت ارشاد، و سپس اداره کل نظارت و ارزشیابی مشغول کار بوده است. کاسه‌ساز هم‌اکنون در سمت مدیرکل انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس، و عضو هیئت‌مدیره روایت‌فتح فعالیت دارد. گفت‌وگوی زیر به بهانه تولید مجموعه تلویزیونی «گزارش ویژه» با وی انجام شده است. این مجموعه که هم‌اکنون آماده پخش است، در مورد چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی در لبنان است که توسط عوامل رژیم صهیونیستی به سرزمین‌های اشغالی برده شدند. کاسه‌ساز هدف از ساخت این مجموعه را خنثی کردن تبلیغات صهیونیسم‌بین‌الملل در متهم کردن ایران به تروریسم می‌داند. با هم این گفت‌وگو را می‌خوانیم:

- آقای کاسه‌ساز، همان‌طور که مستحضر هستید ما در هفدهمین سالگرد ربوده‌شدن اتباع و دیپلمات‌های ایرانی در بیروت به دست صهیونیست‌ها هستیم. اگر ممکن است بفرمایید طرح ساخت این فیلم از کجا شروع شد؟

- تحقیقات در مورد این طرح توسط آقای «احمد جان میرزایی» در بیروت لبنان و ایران انجام شد، و در حدود دو سال و نیم به طول انجامیده است. به لحاظ اهمیت و ویژگی که این طرح داشت که ضمناً با سفارش شبکه برون‌مرزی سیمای جمهوری اسلامی این کار پی‌گیری می‌شد یعنی انصافاً اگر دوستان شبکه برون‌مرزی این انگیزه را نداشتند و این شکلی وارد میدان نمی‌شدند، من بعید می‌دانستم که این پروژه به انجام می‌رسید. پیشنهادی به ما شد که ما بیاییم این کار را از طرف خود شبکه برون‌مرزی به عنوان تهیه‌کننده در دست بگیریم و به سرانجام برسانیم. من هم واقعیتش این بود که شاید نزدیک به ۸ یا ۹ سالی بود که اصلاً با تلویزیون کار نکرده بودم، خداوند توفیق داد که ما

بتوانیم بعد از حداقل ده سالی که کار با تلویزیون نداشتیم این پروژه را با شبکه برون مرزی به سرانجام برسانیم.

- هنرپیشه را چگونه انتخاب کردید؟ آیا از عوامل لبنانی هم استفاده کردید؟

- ما سعی کردیم که از عوامل حرفه‌ای سینما استفاده کنیم. بازیگر اصلی ما «جعفر دهقان» بودند، طراح صحنه آقای «فداکار» بودند که طراح صحنه فیلم «هیوا» بودند، مدیر تولیدمان فردی حرفه‌ای بودند و عوامل دیگر مثل تصویر بردارمان آقای «محمدزاده» که کار بسیار خوب و شسته رفته‌ای داشتند. حتی عوامل تدارکات حرفه‌ای بودند، مجری طرح هم همین‌طور، جلوه‌های ویژه که حساسیت ویژه‌ای داشت توسط آقای «شرف‌الدین» انجام شده و عوامل دیگر هم همین‌طور. تنها از دو بازیگر فرعی لبنانی استفاده کردیم.

- ممکن است اندکی در مورد مضمون این سریال توضیح دهید؟

- محسن موسوی، کاظم اخوان، احمد متوسلیان و تقی رستگارمقدم، چهار دیپلمات ایرانی در سال ۱۳۶۱ توسط عوامل رژیم صهیونیستی در پست بازرسی متعلق به این رژیم در شمال بیروت ربوده و به سرزمین‌های اشغالی برده شدند. قصه با یک خبرنگار شروع می‌شود که در اصل پسر موسوی است. او به دنبال پدرش است که به هر حال اطلاعاتی پیدا کند، و این خبرنگار، دوستی در بیروت و لبنان داشته که از این گروگان‌ها اطلاعاتی داشته است. ماجرا از این قسمت شروع می‌شود که این خبرنگار به بیروت می‌رود تا مجدداً اطلاعاتی کسب کند. ضمن این‌که وقتی او حرکت می‌کند، یک سری فلاش‌بک می‌خورد که این فلاش‌بک‌ها اطلاعات این ۴ نفر است.

- به عنوان تهیه کننده موفقیت این فیلم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

- به نظر من، کار خوبی انجام شده است با زحمات کلیه عوامل دست‌اندرکار که مستقیماً درگیر بوده‌اند و با حمایت‌های خوب مسئولین برون مرزی، که با دل‌سوزی و با حساسیتی خاص این پروژه را پی‌گیری کردند. این دوستان باعث شدند که این پروژه در نهایت زنده شود و به نظر می‌آید از کیفیت خوبی برخوردار شده باشد.

- تهیه این فیلم چه مدت طول کشید و چه قدر هزینه داشت؟

- ما به‌طور جدی بهمن ماه سال گذشته پروژه را شروع کردیم و به نظر من باید که چیزی حدود یک ماه تا ۴۵ روز آینده، کار به پایان برسد چون الان یک مرحله است که مونتاژ آن شروع شده و چهار قسمت دیگر باقی مانده است. برای تهیه این کار ۵۳ میلیون تومان تصویب شده بود که همین مبلغ هم خرج شد.

- هدف شما از ساخت این فیلم چه بود؟

- ببینید به‌هرحال ما متهم هستیم به تروریسم و گروگان‌گیری و بحث‌های این شکلی، می‌خواهیم بگوییم که این‌طور نیست، حداقل این‌که برای ما مثل روز روشن است که ما چهار دیپلمات داشته‌ایم که خیلی ناجوانمردانه به اسارت رفتند. الان هم در رژیم صهیونیستی اسیر هستند و هیچ اطلاعی ما از

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۰۱

آنها نداریم که اگر این به فراموشی سپرده شود خب طبیعی است که این یکارزش است و یک ارزش به فراموشی سپرده می‌شود که این حساسیت را دوستان سیمای برون‌مرزی، حفظ کردند که این ارزش حفظ شود. اگرچه در فیلم هم‌مانند واقعیت ماجرا مشخص نیست، و ما از سرنوشت این گروگان‌ها خبر نداریم.

- این سریال در چند قسمت تهیه شده و مدت زمان آن چقدر است؟

- این سریال در پنج قسمت ۴۵ دقیقه‌ای تهیه شده و در شبکه‌های مختلف برون‌مرزی و احتمالاً داخلی پخش خواهد شد و امیدواریم که باتلاش‌های پی‌گیر به کشورهای مختلف و مجامع بین‌المللی نیز ارسال شود.

کیهان

وزیر امور خارجه خواستار تلاش مجامع بین‌المللی برای آزادی دیپلمات‌های اسیر ایرانی شد

دکتر کمال خرازی وزیر امور خارجه، با ارسال نامه‌ای برای دبیرکل سازمان ملل متحد، رئیس‌کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، رئیس‌دوره‌ای اتحادیه اروپا، نخست‌وزیر لبنان و وزیر خارجه سوریه، خواستار ادامه تلاش‌ها برای آزادی چهار دیپلمات ایرانی شد.

وزیر امور خارجه در این نامه که هم‌زمان با هفدهمین سالگرد ربوده‌شدن دیپلمات‌های ایرانی به دست عمال رژیم صهیونیستی، برای مقامات یاد شده ارسال شده است، با تاکید به وجود شواهد متعدد مبنی بر زنده بودن اتباع ایرانی وانتقال آنها به سرزمین‌های اشغالی، مسئولیت این آدم‌ربایی و سرنوشت دیپلمات‌ها را متوجه رژیم صهیونیستی نموده است.

دکتر خرازی تلاش مقامات و مجامع بین‌المللی برای وادار ساختن رژیم صهیونیستی به اجرای مفاد حقوق بین‌المللی بشردوستانه را خاطر نشان ساخته و تصریح کرده است: «رژیم صهیونیستی نه تنها از انتشار اطلاعات پیرامون وضعیت چهار دیپلمات ایرانی ممانعت نموده، بلکه تلاش دارد تا پرونده آدم‌ربایی خود را به دست فراموشی سپارد.»

جمهوری اسلامی

نگفتند اخوان هم خبرنگار بود!

وقتی اسیر شد، ۲۳ سال بیشتر نداشت. مشهودی بود. مدتی را در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به خبرنگاری و عکاسی پرداخته بود. مظلومیت‌ها را در سینه تاریخ ثبت می‌کرد و مقاومت‌ها را به تصویر می‌کشید. ایران، لبنان و فلسطین؛ آتش تجاوز، همه جا زبانه می‌کشید. تاب نیاورد. به جنوب لبنان رفت، آنجا که فالانژها و مزدوران صهیونیست هر روز خونی تازه می‌ریختند و زخمی نو می‌گشودند.

اینجا جاده بیروت - طرابلس است. ماشین حامل او و سه دیپلمات ایرانی به پست بازرسی برپاره می‌رسند، فالانژها راه را بسته‌اند. هر چهار سرنشین را از اتومبیل پیاده می‌کنند و... سرنوشت آنها در غوغای رسانه‌های غربی گم می‌شود. کاظم اخوان و سه دیپلمات همراه وی کجا هستند؟ هنوز نفس می‌کشند یا به شهادت رسیده‌اند؟ معلوم نیست. برخی خبرها حاکی است آنها در زندان سری علتیت متعلق به «شین‌بث» - سرویس اطلاعاتی ارتش رژیم صهیونیستی - نگهداری می‌شوند.

کاظم اخوان حداقل به اندازه برخی روزنامه‌نگاران دروغ‌پرداز و شایعه‌پراکن که بازداشت شدند، معروف نشد. آنها که در داخل و در رادیوهای بیگانه از امثال «اکبر گنجی»، «عماد باقی» و «شمس‌الواعظین» قهرمان آزادی ساختند، هرگز یادشان نیامد که یک خبرنگار، یک انسان و یک مجاهد راه انسانیت و آزادی هم هست که بر گردن همه بخصوص نسل خبرنگار و روزنامه‌نگار، حق دارد و به تعهد حرفه‌اش عمل کرده است. آری اگر جماعتی برای دهن کجی به قوه قضائیه، برای پیاده‌نظام پایگاه مطبوعاتی دشمن در داخل لوح تقدیر می‌دهند و بیانیه صادر می‌کنند، باید هم از کاظم اخوان‌ها یاد نکنند. کجا تاریکی و روشنایی، و حق و باطل با هم جمع شده‌اند؟

نوزدهمین سالگرد ربوده شدن کاظم اخوان و دیگر همراهانش هم گذشت اما همان‌ها که به اسم انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به امثال باقی و گنجی (دو عضو شورای سردبیری روزنامه فتح) لوح تقدیر دادند، از کنار مظلومیت خبرنگار شجاع و آزاده خبرگزاری جمهوری اسلامی به سادگی گذاشتند و حتی یادش را هم گرامی نداشتند؛ رفتن به دیدار خانواده چشم انتظار وی و دلجویی پیشکش. وقتی دل‌هایی آن قدر رقت دارند که در روزنامه‌ای به جای پرداختن به خیانت جاسوسان صهیونیست‌ها، عکسی ترحم‌برانگیز از خانواده یکی از آنها رادر صفحه اول به چاپ برسانند و یادی از حقوق ملت مظلوم ایران نکنند، لابد گردانندگان آن هم باید شایسته دریافت لوح تقدیر باشند و اگر چنین است، خانواده کاظم اخوان که فرزندشان به ثبت جنایات صهیونیست‌ها رفته است، نباید هم لوح تقدیر بگیرد. مگر او پنجه بر صورت نظام کشیده و خیانت کرده و به سد قانون برخورد کرده است؟! محمد ایمانی

کیهان

۱۳۷۸/۴/۱۷ = ۸ جولای ۱۹۹۹

دیپلمات‌های ایرانی دربند رژیم صهیونیستی ۵ نفرند

در پی موضع‌گیری اخیر وزارت امور خارجه در مورد دیپلمات‌های ایرانی دربند رژیم صهیونیستی، موسسه فرهنگی عاشورا با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد تعداد زندانیان ایرانی ۵ نفر است. موسسه فرهنگی عاشورا ضمن تقدیر از مسئولان این وزارتخانه، خواستار ارائه گزارشی از طرف مقامات دستگاه دیپلماسی کشورمان درباره این موضوع شد.

موسسه فرهنگی عاشورا تاکید کرده انتظار می‌رفت مسئولان نگاه همه‌جانبه به این موضوع می‌نمودند، اگرچه دیرنگام به موضع‌گیری اقدام کردند، اما انتظار می‌رود که وزارت امور خارجه

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۰۳

صرفاً به صدور بیانیه اکتفا نکرده و با انتشار گزارشی جامع و دقیق، حاصل تلاش‌هایش را در معرض قضاوت افکار عمومی قرار داده و با پی‌گیری‌های انقلابی، در راه آزادی دیپلمات‌های ایرانی بکوشد. موسسه فرهنگی عاشورا همچنین خبر داده است: «مسئولان وزارت امور خارجه باید بدانند که دیپلمات‌های ایرانی در بند رژیم صهیونیستی، پنج نفرند که نام نفر پنجم، تاکنون به دلیل گمنامی و سستی مسئولان مطلع از این موضوع، در فهرست پی‌گیری‌ها قرار نگرفته است. این دیپلمات، فردی آذری زبان، مسلط به زبان عربی است.»

کیهان

۱۳۷۸/۴/۱۸ = ۹ جولای ۱۹۹۹

اطلاعیه انصارولایت شهرستان انزلی در خصوص هفدهمین سالگرد ربوده شدن دیپلمات‌های ایرانی در لبنان

انصارولایت شهرستان انزلی، با انتشار اطلاعیه‌ای، ضمن گرامی‌داشت هفدهمین سالگرد اسارت چهار گروگان ایرانی، خواستار پی‌گیری جدی‌تر در این باره شده است.

۱۳۷۸/۴/۱۹ = ۱۰ جولای ۱۹۹۹

حاج احمد پیش امام است

این مطلب که در قالب مصاحبه‌ای خیالی به چاپ رسیده است، توسط محمدعلی صمدی به نگارش درآمده و به بررسی اخبار و اطلاعات مختلف پیرامون وضعیت چهار گروگان ایرانی پرداخته است.

(ضمیمه ۲۲)

هفته‌نامه جبهه

مرداد ۱۳۷۸ = اوت ۱۹۹۹

حاج احمد شهید شده یا نه؟!

پس از چاپ مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین اختری - سفیر سابق ایران در سوریه - درباره اسارت یا شهادت چهار گروگان ایرانی در لبنان، بعضی از عزیزان که تعدادشان به انگشت یک دست هم نمی‌رسد، ناراحت شده و با اعتراضات خود، ما را مورد لطف قرار داده‌اند. آنچه می‌آید، نه فقط برای یک نفر، که برای تمامی آنانی است که درباره مطلب «حاج احمد متوسلین شهید شده» ابهام دارند.

الف - مجله فکه آمادگی کامل دارد تا نظرات و اظهارات و انتقادات هریک از مسئولین مملکتی را در رابطه با چهار گروگان ایرانی بدون هیچ کم و کاستی چاپ کند و لازم است متذکر شویم که تاکنون که شماره سوم زیر چاپ می‌رود، از سوی هیچ‌کدام از مسئولینی که در این جریان ذیربط هستند، نه تماس تلفنی گرفته شده و نه نامه اعتراضیه‌ای رسیده است، فقط حجت‌الاسلام اختری تماس تلفنی

گرفتند و از این که قبل از چاپ مصاحبه با ایشان هماهنگی نکردیم، گله داشتند که ما نیز این اعتراض را پذیرفتیم. البته ایشان این توضیح را هم دادند که «به تازگی مدارکی از درون اسرائیلی‌ها یافت شده است که نشان می‌دهد این چهار نفر زنده‌اند» ما نیز به نوبه خود از شنیدن این خبر خوشحال شدیم و گفتیم که حاضریم مصاحبه مجددی با ایشان انجام دهیم و یا ایشان طی نامه‌ای مطلب را برای ما بفرستند، که تاکنون هیچ خبری از مصاحبه و یا نامه نشده است.

ب - ما از این که نه تنها حاج احمد، موسوی، اخوان و رستگار سالم به وطن اسلامی بازگردند خوشحال می‌شویم، بلکه از آزادی تمامی اسرای ایرانی در بند اسرائیل خوشنود می‌گردیم. مشکل اصلی و سوال مهم اینجاست که با وجودی که اسرائیل به بودن چند ایرانی در زندان‌هایش بخصوص بازداشتگاه عتلیت رسماً اعتراف کرده است، چرا جمهوری اسلامی ایران برای پی‌گیری احوال آنان به مجامع بین‌المللی شکایت نمی‌برد و یا خواستار ملاقات هیئتی از صلیب سرخ جهانی با آنان و یا حداقل اعلام اسامی آنها نمی‌شود؟

ج - ما ناراحتی تمام عزیزان بخصوص خانواده‌های معظم این چهار بزرگوار را درک می‌کنیم و امیدواریم ما را نیز در غم فراق و هجران عزیزان خویش همدرد بدانند و یقین داشته باشند که ما نیز منتظر بازگشت سلامت آن بزرگواران هستیم.

د - در چاپ مصاحبه آقای اختری هیچ‌گونه هدف خاصی وجود نداشته و ندارد، چرا که اگر به انتهای مصاحبه با دبیرکل حزب الله لبنان حجت الاسلام والمسلمین سیدحسن نصرالله در صفحه ۲۵ نیز نگاه کنید، متوجه خواهید شد که هدف از این پرس و جوها فقط کسب خبری امید بخش است و بس.

حال اگر حضرات چنین خبری را در ذهن و کلام خویش ندارند، گناه ما چیست؟

ه - آیا این که ما نیز همچون دیگران سر زندگی خود بنشینیم و دست روی دست بگذاریم و فقط دعا کنیم «اللهم فک کل اسیر»، مسئله حل می‌شود؟ یا باید برای یافتن نتیجه قطعی پی‌گیری کرد و از افراد صاحب نفوذ و ذریبط در این مسائل پرسید، اصرار کرد، پيله کرد و پاسخ خواست؟ ما به تمامی تلاش‌های مسئولین مملکتی در رابطه با مشخص شدن سرنوشت گروگان‌های ایرانی در لبنان ارج می‌نهم ولی آن را بسیار ناکافی می‌دانیم.

ماهنامه فکه

مرداد ۱۳۷۸ = اوت ۱۹۹۹

جزئیات حادثه گروگان‌گیری

سیدرائد فرزندسیدمحسن موسوی ، کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت، در مصاحبه با نشریه داخلی کمیل، چگونگی اسارت پدرش و سه نفر دیگر ایرانی را در حجاز بر باره شرح داده و دلایلی بر زنده بودن آنان ارائه می‌دهد.

ماهنامه داخلی کمیل

۱۳۷۸/۸/۱۳ = ۴ نوامبر ۱۹۹۹

یادی از جاوید الاثر حاج‌احمد متوسلیان

خاطراتی کوتاه از حاج‌احمد متوسلیان، دست‌مایه این مطلب است.

جوان

۱۳۷۸/۸/۲۵ = ۱۶ نوامبر ۱۹۹۹

جهت اطلاع

هفته‌نامه «الوسط» چاپ لندن در شماره اخیر خود نوشت: «چهار دیپلمات ایرانی که در سال ۱۳۶۱ در لبنان ربوده شدند، به قتل رسیده‌اند.» این هفته‌نامه که این خبر را به نقل از منابع دیپلماتیک چاپ کرده، از معرفی هویت این منابع خودداری کرده است. دولت جمهوری اسلامی با در دست داشتن دلایلی، معتقد است دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی زنده هستند.

جمهوری اسلامی

۱۳۷۸/۹/۲۰ = ۱۱ دسامبر ۱۹۹۹

چهار فصل انتظار

این مقاله، نامه‌ای است از یک خواهریسیجی خطاب به حاج‌احمد متوسلیان که به شرح حوادث و وقایع مختلف و ذکر برخی خاطرات پرداخته است.

هفته‌نامه جبهه

۱۳۷۸/۱۰/۲۵ = ۱۵ ژانویه ۲۰۰۰

اسرائیل تنها رژیم است که شکنجه در آن قانونی است

گزارشگر ویژه رسالت در گفت‌وگویی تلفنی با خانم «الیزابت هاجکین» - سخن‌گو و مسئول امور اسرائیل در سازمان عفو بین‌الملل در لندن - زوایای مختلف نقض حقوق بشر در اسرائیل در قرن گذشته میلادی را مورد توجه قرار داده است. این مصاحبه مبین بخش‌هایی از جنایات علیه حقوق انسانی رژیم صهیونیستی در قرن است که به تازگی سپری شده است.

خانم الیزابت هاجکین، ضمن انتقاد شدید از رژیم صهیونیستی به دلیل عدم همکاری جهت روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی ربوده‌شده در لبنان، می‌گوید: «ما اعلام کرده‌ایم که اسرائیل به درخواست عفو بین‌الملل در خصوص اطلاعاتی که در مورد سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی در دست دارد پاسخ نگفته است. به نظر ما، خانواده‌های ایرانیان ناپدیدشده حق دارند که بدانند عزیزان‌شان در کجا هستند. آنها حق دارند بدانند که آیا این افراد زنده هستند یا مرده و آیا در اسرائیل در بازداشت مخفیانه به سر می‌برند یا خیر. ما اطمینان داریم که اسرائیل می‌داند که چه بر سر آنها آمده است، و اسرائیل موظف است در مورد زنده بودن یا نبودن آنها پس از ۱۷ سال، به تحقیق بپردازد.»

خانم الیزابت هاجکین در خصوص مسئولیت دولت لبنان در این مورد می‌گوید: «به نظر ما دولت لبنان نیز باید در این مورد به تحقیق بپردازد چون آنچه اهمیت دارد این است که سرنوشت تمام این گروگان‌ها و ناپدید شدگان چه ایرانی و چه اسرائیلی، باید روشن شود تا خانواده‌های آنها بدانند چه برسر آنها آمده است.»

مسئول امور اسرائیل در سازمان عفو بین‌المللی می‌افزاید: «ما مطمئن هستیم که پی بردن به واقعیت، کاملاً ممکن است. خانواده‌های دیپلمات‌های ایرانی ۱۷ سال است که در انتظار روشن شدن سرنوشت عزیزان خود هستند، و بنابر این سازمان عفو بین‌الملل خواستار روشن شدن سرنوشت این ایرانیان است. همکاری اسرائیل با ما، در مورد سرنوشت گروگان‌های ایرانی، خوب نبوده است و هر چند ما لزوماً معتقد نیستیم که آنها در بازداشت مخفیانه در اسرائیل به سر می‌برند، ولی معتقدیم که دولت اسرائیل می‌تواند در این مورد اطلاعاتی در اختیار ما بگذارد و همان‌طور که گفتیم جامعه بین‌المللی هم مکلف است برای روشن شدن سرنوشت تمام ناپدید شدگان تلاش کند.»

از خانم هاجکین می‌پرسیم: «آیا فکر نمی‌کنید که جامعه جهانی تاکنون به اندازه کافی برای روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی بر اسرائیل فشار وارد نیاورده است؟»

وی پاسخ می‌دهد: «بله، تمام دیپلمات‌های ایرانی و البته نباید دیگران را هم فراموش کرد، هر چند طبیعی است که شما بخصوص در مورد گروگان‌های ایرانی نگران باشید، چون ما خود نیز نگران هستیم. در تمام طول این مدت، همیشه از کسانی که به فکر گروگان‌های ایرانی هستند، نامه‌هایی دریافت کرده‌ایم. از یکی از دوستان اخوان یکی از گروگان‌ها، نامه‌هایی دریافت کرده‌ایم که در آن نوشته است که هر شب به او فکر می‌کند. ۱۷ هزار لبنانی نیز در طول جنگ ناپدید شدند. بعضی از آنها بازداشت و بعضی دیگر پس از بازداشت ناپدید شدند. ما همچنین از دولت لبنان خواسته‌ایم که در مورد این گروگان‌ها به تحقیق بپردازد، همچنان‌که از آنها خواسته‌ایم در مورد گروگان‌های ایرانی تحقیق کنند. به اعتقاد ما، مسئله زنده بودن یا نبودن آنها و این‌که آیا در اسرائیل در بازداشت مخفیانه هستند یا خیر، باید روشن شود. بله ما هم بر این باوریم که جامعه جهانی باید بر کشورهای مربوط فشار آورد تا سعی کنند سرنوشت این گروگان‌ها را روشن کنند.»

از او در مورد اقدامات سازمان عفو بین‌الملل در مورد دیپلمات‌های ایرانی می‌پرسیم، وی می‌گوید: «عفو بین‌الملل سال‌ها پیش در ژوئیه ۱۹۸۲ در مورد ناپدید شدن چند دیپلمات ایرانی و یک عکاس، اطلاعاتی دریافت کرد. به دنبال این گزارش‌ها بود که ما نامه‌هایی به سران اسرائیل نوشتیم و سعی کردیم بفهمیم که چه اتفاقی افتاده است. گفته می‌شد که آنها در یک ایستگاه بازرسی توسط نیروهای لبنانی دستگیر و سپس ناپدید شده‌اند. حدود دو سال قبل، در ژوئیه سال ۱۹۹۷ ما گزارشی نوشتیم تحت عنوان گروگان‌های فراموش‌شده در اسرائیل. این گزارش عمدتاً در مورد بازداشت‌شدگان لبنانی در اسرائیل و بازداشتگاه خیام در جنوب لبنان بود، و ما گفتیم که همه آنها را به عنوان گروگان نگه داشته‌اند تا با بازداشت‌شدگان اسرائیلی ناپدیدشده همچون رون آراد، مبادله

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۰۷

کنند. ما در همین گزارش به طرح مسئله ۴ دیپلمات ایرانی پرداختیم که سال‌ها قبل ناپدید شده بودند، و در این گزارش یاد آور شدیم که بعضی از افراد گفته‌اند که دیپلمات‌های ایرانی به فاصله کمی پس از دستگیری مرده‌اند و گزارش‌هایی هم وجود دارد که به موجب آن، آنها در بازداشت اسرائیل به سر می‌برند. تحقیق در مورد این گزارش‌ها ناممکن بود و به نظر نمی‌رسید که لزوماً صحت داشته باشند.»

از خانم هاجکین می‌پرسیم: «آیا شما با خانواده‌های گروگان‌های ایرانی هم در تماس هستید؟» می‌گوید: «من شخصاً با آنها تماسی نگرفته‌ام، ولی یکی از نمایندگان عفو بین‌الملل سال گذشته یا یک سال قبل از آن، در کنفرانسی در تهران، با فردی از دوستان و بستگان گروگان‌های ایرانی تماس‌هایی داشته است و با آنها در مورد این‌که ما برای روشن شدن سرنوشت گروگان‌ها چه کارهایی می‌توانیم بکنیم، بحث کرده است. خود من هم هنگامی که از اسرائیل دیدن می‌کردم، سعی کردم بینم چه برسر آنها آمده است، و وقتی گزارش‌هایی دریافت کردیم که ممکن است آنها زنده باشند، این گزارش‌ها را پی‌گیری کردیم، ولی متأسفانه باید بگویم که بررسی این گزارش‌ها، ما را متقاعد نکرده است که با گذشت ۱۷ سال، آنها هنوز زنده هستند.»

به خانم هاجکین می‌گوییم: «چه صحبتی با خانواده‌های گروگان‌های ایرانی دارید؟» می‌گوید: «آنها باید به فشار آوردن برای روشن شدن سرنوشت بستگان‌شان ادامه دهند. مردم باید بدانند که چه اتفاقی افتاده است. ما از این‌تراژدی و وضعیت غم‌انگیزی که خانواده‌های دیپلمات‌های ایرانی به مدت ۱۷ سال با آن دست و پنجه نرم کرده‌اند، کاملاً آگاه هستیم. این مسئله‌ای است که اکنون باید حل شود. به نظر من اسرائیل و لبنان و ایران باید به روشن شدن سرنوشت این افراد و دیگر مفقود شدگان کمک کنند. ما در سازمان عفو بین‌الملل، از طریق قلم و با نوشتن نامه کار می‌کنیم و سعی می‌کنیم دولت‌ها را به رعایت تعهدات بین‌المللی خود در تلاش برای پی‌بردن به سرنوشت ناپدیدشدگان و مفقودان تشویق کنیم، و به این کار خود بهتر ادامه خواهیم داد. اسرائیل می‌تواند بگوید که در مورد آنها چه اطلاعاتی دارد، چون هنگامی که دیپلمات‌های ایرانی بازداشت شدند، دولت اسرائیل با نیروهای لبنانی متحد بود و به نظر من اطلاع از سرنوشت گروگان‌های ایرانی کاملاً آسان است. به‌موجب گزارش‌هایی که دریافت کرده‌ایم، احتمال داشت که گروگان‌های ایرانی در زندانی در عتلیت زنده باشند، ولی ما آن گزارش‌ها را بررسی کردیم و فکر نمی‌کنیم که این گزارش‌ها پایه و اساسی داشته باشد. گزارش‌های زیادی وجود دارد که آنها بلافاصله پس از بازداشت کشته شده‌اند، و فکر می‌کنم که برای دولت لبنان بسیار آسان است که این گزارش‌ها را بررسی کنند تا بفهمیم پس از بازداشت آنها چه اتفاقی افتاده است و صحت و سقم اخبار دریافتی ما چیست.»

وی در مورد فعالیت سازمان‌های دیگر در این مورد می‌گوید: «ما با سازمان‌های زیادی ارتباط داریم، ولی سازمانی که احتمالاً بیشتر روی این مسئله کار کرده است سازمانی است به نام انجمن زندانیان

که در ناصره قرار دارد، و آنها کسانی هستند که سعی کردند بدانند چه بر سر دیپلمات‌های ایرانی آمده است، و سازمان‌های زیادی به این مسئله علاقه نشان داده‌اند. ما با سازمان‌های حقوق بشر اسرائیلی هم تماس‌های نزدیکی داریم که مسائل مختلفی را مطرح می‌کنند، بویژه یک سازمان اسرائیلی به نام «بت‌سالم» که در مورد نقض حقوق فلسطینی‌ها به موجب قوانین اسرائیل کار می‌کنند و آنها به تازگی شروع کرده‌اند به توسعه دامنه فعالیت خودشان، تا این که شامل نقض حقوق دیگران و از جمله لبنانی‌های تحت حاکمیت اسرائیل بشود. نمی‌دانم که آیا آنها در مورد دیپلمات‌های ایرانی هم کاری کرده‌اند یا نه، ولی تعجب نمی‌کنم اگر آنها در این مورد به دولت اسرائیل نامه‌ای نوشته باشند.»
مصاحبه از سیدحسین میرشاک

رسالت

۱۳۷۸/۱۱/۶ = ۲۶ ژانویه ۲۰۰۰

مذاکرات سری ایران و اسرائیل

نشریه «الوطن العربی» چاپ لبنان، در شماره ۱۱۹۲ روز هفتم ژانویه ۲۰۰۰ خود، در مقاله‌ای به شرح و تحلیل تبادل‌های انجام شده اسرا و گروگان‌ها میان حزب‌الله لبنان و دولت اسرائیل پرداخته است. فقط در ابتدای این مقاله مفصل در اشاره به گروگان‌های ایرانی آمده است: «دادوستد آینده، عبدالکریم عبید، مصطفی دیرانی و دیپلمات‌های ایرانی در برابر خلبان اسرائیلی و جاسوسان یهودی دستگیر شده در ایران.»

هفته‌نامه ترجمان سیاسی

۱۳۷۸/۱۲/۳ = ۲۲ فوریه ۲۰۰۰

یادواره حاج‌احمد متوسلیان با سخنرانی مهندس «میرحسین موسوی» برگزار می‌شود

اولین یادواره دانشجویی جاویدالاثر حاج‌احمد متوسلیان، روز نهم اسفندماه در محل دانشگاه علم و صنعت تهران برگزار خواهد شد. در این مراسم که به‌همت «ستادبزرگداشت اسرای دانشجویی دانشگاه علم و صنعت» برگزار می‌شود، ضمن پرده‌برداری از تصویر حاج‌احمد متوسلیان در میدانی که به همین نام اسم‌گذاری شده، اعتراض رسمی دانشجویان به سازمان علمی فرهنگی جهان «یونسکو» صورت خواهد گرفت. همچنین مهندس میرحسین موسوی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در این مراسم سخنرانی خواهد کرد. گفتنی است حاج‌احمد متوسلیان دانشجوی دانشگاه علم و صنعت ایران بوده است.

جمهوری اسلامی

صهیونیسم به دنبال مخومه کردن پرونده دیپلمات‌های ایرانی

این روزها محافل وابسته به صهیونیسم در تلاش هستند تا به هر طریقی به یاری صهیونیست‌ها شتافته و در حد توان خود، موج‌فراگیر نفرت و انزجار جهانی نسبت به رژیم جنایت‌پیشه صهیونیستی را بکاهند. در این راه نشریات، اشخاص و منابع مختلف تبلیغی و سیاسی و خبری به کمک صهیونیست‌ها آمده‌اند. یکی از این اشخاص، «علیرضا نوری‌زاده» مفسر منابع خبری صهیونیستی و آمریکایی است و یکی از این نشریات، الشرق‌الاوسط چاپ‌لندن است که گزارشی سراپا مضحک از سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده‌شده ایرانی در لبنان منتشر کرده است. گزارشی جعلی و کذب که صرفاً هدف منحرف کردن اذهان عمومی از جنایات صهیونیست‌ها را دنبال می‌کند. نوری‌زاده، جمعه شب گذشته به نقل از محافظ سابق ایلی حبیقه نماینده سابق مجلس لبنان و رئیس حزب موسوم به نیروهای لبنانی، گفت: ۴ ایرانی ربوده‌شده در لبنان به دستور حبیقه پس از شکنجه بسیار به قتل رسیده‌اند و اجساد آنها در یک نقب زیرزمینی در محله‌ای در شرق بیروت گذاشته شد و چندی بعد به دستور حبیقه، این اجساد به یک منطقه کوهستانی در حومه بیروت منتقل گردید.

طی این سال‌ها، محافل صهیونیستی و نیروهای سیاسی و نظامی و فرهنگی وابسته به آن در داخل و خارج لبنان، تلاش کردند تا پرونده این آدم‌ربایی که مغایر با تمام حقوق و عرف بین‌المللی است، بسته شود و به فراموشی سپرده شود. بدیهی است به تصریح مجامع جهانی، شواهد متعددی وجود دارد که از زنده بودن دیپلمات‌های ربوده‌شده جمهوری اسلامی ایران حکایت دارد. علیرضا نوری‌زاده، که مزدبگیر منابع خبری اسرائیل و آمریکا است، راوی خبری است که ۸ ماه پیش تکذیبیه آن نیز توسط ایلی حبیقه یعنی همان شخصی که وی او را قاتل دیپلمات‌های ایرانی معرفی کرده، منتشر شده است. به عبارت دیگر، خبر الشرق‌الاوسط یک خبر کهنه، دروغ و متعلق به ۸ ماه پیش است. اطلاعات نوری‌زاده برگرفته از کتابی است که رویبر حاتم ملقب به کبرا، دستیار و محافظ ایلی حبیقه، درباره حوادث و آشوب‌های سال‌های اولیه دهه ۱۳۶۰ لبنان به رشته تحریر درآورده است. رویبر در این کتاب مدعی شده که ایلی حبیقه دستور کشتن دیپلمات‌های ایرانی را صادر کرده و بعد تاجری به نام «حبیب خوری» خواهان خرید اجساد آنان گردید، اما این درخواست رد شد. این داستان در شرایطی ساخته شده که رویبر به دلیل اختلاف با ایلی حبیقه، از وی جدا شده بود و لذا ابتدا از سوی حبیب خوری که از بیخ و بن اظهار بی‌اطلاعی از وقوع حادثه کرده بود، و سپس از سوی ایلی حبیقه تکذیب گردید. ایلی حبیقه در مصاحبه‌ای با تلویزیون لبنان در اوایل اسفند سال گذشته، این داستان را ساختگی و مضحک خواند و تأکید کرد که دلایلی در دست دارد که دیپلمات‌های ایرانی عموماً زنده هستند. بنابراین به نظر می‌رسد هدف نوری‌زاده از تکرار این جعلیات، صرفاً یک فضاسازی جدید برای تبرئه کردن رژیم جنایت‌پیشه اسرائیل است. از این رو انتشار بدون نقداظهارات بی‌پایه‌ای مانند آنچه نوری‌زاده به هم بافته است، صرفاً به منزله ریختن آب به آسیاب صهیونیست‌هاست.

جمهوری اسلامی

۱۳۷۸/۱۲/۷ = ۲۶ فوریه ۲۰۰۰

نامه‌ای به حاج‌احمد متوسلیان، مقیم زندان فراموشی

«عباس صادقی» در این نامه به انتقاد از وضع موجود پرداخته و اوضاع و احوال کنونی جامعه را در نامه‌ای برای حاج‌احمد شرح داده است.

هفته‌نامه جبهه

۱۳۷۸/۱۲/۹ = ۲۸ فوریه ۲۰۰۰

مردان خدا یا زندانند، یا کشته در میدانند

هفده سال پیش هنگامی که جنوب لبنان در آتش شرارت و کینه‌توزی قوم یهود می‌سوخت، که هم اینک نیز می‌سوزد، مردم مظلوم لبنانی تاوان خیانت‌های سران کشورهای منطقه را پرداخته و هر روز شاهد پرپر شدن هموطنان خود بودند. آن‌گاه که هیچ کشور و هیچ سازمان بین‌المللی حاضر به حمایت از لبنان عزیز نشد، چهار دیپلمات سیاسی ایران برای کمک به مردم جنگ‌زده و آواره لبنان شتافتند. چهار پرستوی مهاجری که ترک خانه و کاشانه نمودند تا به فرمان مقتدای خود حضرت روح‌الله (ره) به فریاد مظلومان لبنانی و فلسطینی برسند. حاج‌احمد متوسلیان یکی از سفیران انقلاب‌خیزی بود و او وعده پیروزی حق را برای ملت‌های مستضعف و ستم‌دیده به ارمغان می‌برد. او که دانشجویی آزاده و غیرتمند بود، هرگز نپذیرفت که در کلاس درس و شهر امن بماند درحالی که کمی آن‌سوتر، بنی‌اسرائیلیان قرن بیستم با حمایت مجامع بین‌المللی و سکوت دولت‌مردان خائن کشورهای منطقه، به قتل عام و غارت مردمی بی‌دفاع پردازند. حاج‌احمد همچون مردان خدا سختی هجرت را بر خود خرید و به سوی مظلومان شتافت تا غمخوارشان، یاورشان و مرهمی بر زخم‌هایشان باشد. اما مزدوران یهودهای زمان، طی نقشه‌ای حاج‌احمد و یارانش را به اسارت درآوردند و به سرزمین‌های اشغالی انتقال دادند تا پیام‌رسانان انقلاب اسلامی را در بند کشند. ربودن و به اسارت درآوردن دیپلمات‌های سیاسی، از نظر تمام کشورها و مجامع بین‌المللی غیرقابل قبول است و در هر صورتی محکوم می‌باشد. اما به واسطه نفوذ صهیونیسم بین‌المللی، هیچ حمایتی یا قطعنامه‌ای که به طور جدی خواستار آزادی این شیرمردان باشد، صادر نگردید. به اسارت درآوردن چهار دیپلمات که نه با توپ و تفنگ و تانک، بلکه با یک گلو فریاد به کمک ستم‌دیدگان و زجرکشیدگان لبنانی و فلسطینی شتافته بودند، خم به ابروی مدعیان حقوق بشر نیاورد. هفده سال است که هیچ قطعنامه‌ای در حمایت از این آزاد مردان صادر نشده است. هفده سال است که هیچ‌یک از مجامع به اصطلاح مستقل بین‌المللی اعم از فرهنگی و سیاسی، در این خصوص موضع‌گیری نکرده‌اند. اما امروز ما در آستانه گرمی‌داشت یاد و خاطره این شیران دربند علی‌الخصوص هم‌دانشگاهی دلاورمان، حاج‌احمد عزیز، یک‌بار دیگر به تمامی آزاداندیشان و تمامی انسان‌های مظلوم دنیا اعلام می‌نماییم که راه ما راه این عزیزان خواهد بود و امروزه هر دانشجوی مسلمان و آزاده با پیروی از اوامر مقام عظمای ولایت، حاج‌احمد متوسلیان دیگری خواهد بود.

مجمع دانشجویان حزب‌الله دانشگاه علم و صنعت ایران

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۱۱

ای عدالت‌خواهان، ای آزادمردان جهان به چه می‌اندیشید؟ چگونه می‌توانید این همه ظلم و بی‌عدالتی را در جهان تحمل کنید؟ چگونه می‌توان ظلم و ستم صهیونیسم جهان‌خوار را دید و هیچ نگفت؟! امروز ۱۷ سال و ۷ ماه و ۲۵ روز است که ازدوری آن عزیز می‌گذرد. آن عزیز کیست جز حاج‌احمد متوسلیان دانشجوی دانشگاه مهندسی برق دانشگاه علم و صنعت ایران. او یل‌کردستان است که در زندان‌های رژیم اشغالگر قدس گرفتار است. «دفتر فرهنگی دانشکده مهندسی راه‌آهن» به نمایندگی از دانشجویان دانشگاه مهندسی راه‌آهن به عنوان نهادی علمی و فرهنگی، اسارت این عزیز در چنگال بی‌رحمان عالم را محکوم کرده و به رهبرفرزانه خود اعلام می‌دارد که آماده هرگونه اقدامی برای آزادی این سفرکردگان می‌باشد.

دفتر فرهنگی دانشکده مهندسی راه‌آهن

۱۳۷۸/۱۲/۱۱ = ۱ مارس ۲۰۰۰

سردار در غربت

در این مقاله که توسط «کنگره شهدا، اسرا و مفقودین دانشگاه علم و صنعت ایران» نوشته شده، به شرح کامل زندگی حاج‌احمد متوسلیان و اسارت او و همراهانش پرداخته شده است.

رسالت

ماندنت به رنگ سبز، رفتنت به رنگ خون

این گزارش شرح «اولین یادواره جاویدالاثراحمده متوسلیان» است که توسط ستاد کنگره شهدا، اسرا و مفقودین دانشگاه علم و صنعت روز دوشنبه ۱۳۷۸/۱۲/۹ برگزار شد.

(ضمیمه ۲۳)

جوان

سال ۱۳۷۹ هـ ش
۲۰۰۱ - ۲۰۰۰ م

۱۳۷۹/۱/۹ = ۲۹ مارس ۲۰۰۰

سفر خانواده‌های چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی به بیروت

با ورود هیئتی از خانواده‌های چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی به بیروت، روز دوشنبه دور تازه‌ای از تلاش‌ها برای روشن شدن سرنوشت آنان آغاز شد. این هیئت روز یکشنبه وارد پایتخت لبنان شده و در ملاقات با مسئولان دولتی و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی این کشور اطلاعات تازه‌ای درباره سرنوشت این چهارتن به دست آورد. ایلی حبیقه از مسئولان شبه نظامیان منحل نیروهای لبنانی، و از نمایندگان فعلی مجلس لبنان، چندی پیش در مصاحبه‌ای تلویزیونی شایعه کشته شدن چهار ایرانی ربوده شده در این کشور را تکذیب کرد. برخی محافل می‌گویند سمیر جعجع سرکرده این گروه مسلح مسیحی، چهار ایرانی را به رژیم صهیونیستی تحویل داده است. در تایید این خبر، احمد حبیب‌الله مسئول یک گروه فلسطینی حقوق بشر نیز دو سال پیش اعلام کرده بود که برخی‌ها این چهار ایرانی را در یکی از زندان‌های رژیم صهیونیستی دیده‌اند.

فتح

۱۳۷۹/۱/۱۰ = ۳۰ مارس ۲۰۰۰

وعده رئیس مجلس لبنان برای دست‌یابی به چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی

رئیس مجلس لبنان در دیدار با خانواده‌های چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی در لبنان، بر لزوم روشن شدن سرنوشت آنان تاکید کرد و از دولت و نیروهای سیاسی این کشور خواست در این راه کوشش بیشتری مبذول دارند. در این ملاقات نبیه بری با ابراز همدردی با خانواده‌های ایرانی‌های ربوده شده در لبنان، قول داد که برای روشن شدن سرنوشت آنان تلاش بیشتری انجام دهد. ایلی حبیقه فرمانده قبلی شبه نظامیان نیروهای لبنانی و از نمایندگان کنونی مجلس لبنان، چندی پیش در

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۱۳

مصاحبه‌ای تلویزیونی با رد اتهام کشتن چهار ایرانی ربوده‌شده گفت که: «ممکن است آنان در زندان‌های اسرائیل باشند.»

برخی از زندانیان لبنانی که چندماه پیش از زندان‌های رژیم صهیونیستی آزاد شده‌اند، گفته‌اند که چند ایرانی را در یکی از زندان‌های این رژیم مشاهده کرده‌اند. این درحالی است که پاره‌ای محافل سیاسی لبنان احتمال می‌دهند که رژیم صهیونیستی چهار دیپلمات ایرانی را برای مبادله با رون آراد خلبان ناپدید شده خود در لبنان، نگه‌داشته است.

عصر آزادگان

دیدار خانواده‌های گروگان‌های ایرانی با مسئولان لبنانی

خانواده‌های گروگان‌های ایرانی با شیخ محمد مهدی شمس‌الدین رئیس‌مجلس‌اعلای شیعیان لبنان دیدار کردند. شیخ شمس‌الدین در این ملاقات بر لزوم روشن شدن سرنوشت چهار ایرانی ربوده‌شده تاکید کرد و از دولت و نیروهای سیاسی این کشور خواست در این راه کوشش بیشتری مبذول دارند.

کیهان

۱۳۷۹/۱/۱۱ = ۳۱ مارس ۲۰۰۰

دیدار خانواده گروگان‌های ایرانی با نخست‌وزیر لبنان

خانواده‌های چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی با سلیم الحص نخست‌وزیر لبنان ملاقات کردند. الحص، ناپدید شدن دیپلمات‌های ایرانی و روشن نشدن سرنوشت آنان را دردناک خواند و از این موضوع ابراز تاسف کرد. نخست‌وزیر لبنان قول داد از همه امکانات دولتی برای روشن شدن سرنوشت آنان بهره‌گیری کند.

بیان

دیدار خانواده گروگان‌های ایرانی با رهبر مسیحان لبنان

خانواده چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی، در سومین روز اقامت خود در بیروت، روز چهارشنبه ۱۰/۱/۷۹ با کاردینال نصرالله سفیر رهبر مذهبی مسیحیان مارونی لبنان دیدار کردند. سفیر، در این ملاقات با ابراز تاسف از طولانی شدن قضیه دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی در لبنان، خواستار بهره‌گیری از همه امکانات دولتی و غیردولتی برای روشن شدن سرنوشت آنان شد.

هفته‌نامه پیام‌آزادی

۱۳۷۹ / ۱ / ۱۴ = ۳ آوریل ۲۰۰۰

چهار دیپلمات ایرانی را سمیر جمع ر بوده است

خانواده‌های چهار دیپلمات ر بوده‌شده ایرانی، با سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌ال‌لبنان دیدار کردند و خواستار کمک وی برای روشن شدن سرنوشت این چهارتن شدند. سیدحسن نصرالله در این دیدار به آنان قول داد که در این زمینه از هیچ اقدامی دریغ نخواهند کرد. دبیرکل حزب‌الله گفت: «باتوجه به این که دیپلمات‌های ایرانی مهمانان لبنان بوده‌اند، در مورد روشن شدن سرنوشت آنان، دولت لبنان و همه مردم این کشور مسئولیت دارند.»

این خانواده‌ها همچنین با ایلی حبیقه نماینده مجلس لبنان که به هنگام ر بوده شدن چهار دیپلمات ایرانی در سال ۱۳۶۱، یکی از مسئولان شبه‌نظامیان نیروهای لبنانی بود، در این دیدار مسئولیت خود را در ر بودن این چهار ایرانی رد کرد و سمیر جمع یکی دیگر از مسئولان شبه‌نظامیان نیروهای لبنانی را مسئول ر بودن آنان دانست. وی گفت: «گروگان‌های ایرانی احتمالاً در زندان‌های مختلف نگهداری می‌شدند و بعید نیست که مسئولان یکی از این زندان‌ها آنان را به اسرائیل تحویل داده باشند.» با توجه به منحل شدن نیروهای لبنانی در سال ۱۹۹۹ و فراری بودن بسیاری از مسئولان امنیتی این گروه، تحقیقات کامل در این باره بسیار مشکل است. اما وی وعده داد که در مورد روشن کردن نکات تاریک این موضوع کمک کند. خانواده‌های چهار دیپلمات ایرانی ر بوده‌شده، هفته گذشته وارد بیروت شدند و در مدت اقامت خود با مسئولان بلندپایه دولتی و مقام‌های مذهبی اسلامی، مسیحی ملاقات کردند و خواستار کمک آنان شدند.

آفرینش

۱۳۷۹/۱/۲۴ = ۱۳ آوریل ۲۰۰۰

ساخت سریال شهید متوسلیان

شنیده می‌شود ساخت سریال زندگی شهید حاج‌احمد متوسلیان قطعی شده است. فیلمنامه این سریال را «بهزاد بهزادپور» نوشته و حبیب‌الله کاسه‌ساز مجری طرح آن است. متن فیلمنامه در اختیار «مجتبی راعی»، «احمد مرادپور» و «ابراهیم حاتمی‌کیا» قرار گرفته اما هنوز کارگردان آن مشخص نشده است.

مشارکت

۱۳۷۹/۲/۳ = ۲۳ آوریل ۲۰۰۰

کیمیایی و ساخت یک سریال جنگی

شنیده‌ها حاکی است در پی پیشنهاد فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) قرار است «مسعود کیمیایی» سریال زندگی حاج‌احمد متوسلیان را بسازد. متن این سریال را بهزاد بهزادپور نوشته است و مجری طرح آن حبیب کاسه‌ساز است.

مشارکت

۱۳۷۹/۲/۱۹ = ۹ مه ۲۰۰۰

فاتح قلب‌ها

«علی چرخکار» به ذکر خاطراتی از حاج‌احمد متوسلیان در کردستان پرداخته است.

کیهان

تیر ۱۳۷۹ = جولای ۲۰۰۰

خدا کند که بیایی

«عبدالحسین رحمتی» در مقاله‌ای احساسی برای حاج‌احمد، خاطرات روزهای بودنش را نوشته است.

ماهنامه شاهد

تیر ۱۳۷۹ = جولای ۲۰۰۰

از ۹ نفر گروگان ایرانی در لبنان چه خبر؟

این هم از لبنان؛ تمام شد! آزاد شد رفت! حال این‌که بعد از آزادی دچار چه مسائلی می‌شود و حتی شده، بماند. از قدیم گفته‌اند: «پیروزی ده‌ها پدر و مادر دارد، اما شکست همواره یتیم است!» این اصل بر لبنان هم حاکم است. فکر نکنید اسرائیل رفت بیرون و تمام شد؛ پیروزی لبنان - که به واقع و به اعتراف اکثر شخصیت‌های سیاسی واقع‌بین، ثمره فداکاری‌های جوانان حزب‌الله لبنان بود - هم شیرین است، هم تلخ. پیروزی و فرار دشمن که همواره شیرین است، ولی آنچه بر فضای لبنان سایه‌افکننده است، این است که:

«جنگ زد نعره ولی پنجره‌ها را بستید به غنائم که رسیدیم، به ما پیوستید»

آنان که تا دیروز مقاومت اسلامی علیه اشغالگران را عملی تروریستی می‌خواندند، در جشن پیروزی می‌خندند. ولی به چه و برای چه؟ آنانی که حتی تفاوت چوب و اسلحه را نمی‌دانند و در طی سی سال گذشته فقط به دنبال شخصیت‌های سیاسی این کشور و آن کشور بودند بلکه با چاپلوسی و نفاق، مقام و منصبی برای خود دست و پا کنند، امروز شادمانه از پیروزی‌شان دم می‌زنند. زیاد وارد جزئیات نشوم، همه اینها مقدمه بود تا بگویم:

این روزها با پیروزی مقاومت اسلامی لبنان، چهار خانواده در ایران، هم‌اشک شوق می‌ریزند، هم‌اشک فراق. چهار خانواده که هجده سال چشم‌انتظار خفت و ذلت اسرائیل و فرار آن ماندند تا بلکه خبری از فرزندان‌شان بازآید، ولی افسوس. آیا امروز جا ندارد دولت جمهوری اسلامی ایران، تکلیف این خانواده‌های مظلوم را مشخص کند. همچنان چشم‌انتظار آمدن فرزندان‌شان باشند یا...

به راستی چه تعداد در زندان‌های اسرائیل به سر می‌برند و هیچ اسمی از آنها نیامده است؟ آیا باید پذیرفت براند اشمیت‌باور رئیس‌سازمان اطلاعات آلمان، که چندسال پیش مدعی شد نقشه محل کشته شدن و دفن گروگان‌های ایرانی را تحویل مسئولین ایرانی داده است، در مذاکرات خود با رژیم صهیونیستی جهت تبادل اسرا، درباره سه نفر ایرانی‌ای که سال ۱۹۸۲ در لبنان به دست مزدوران اسرائیلی اسیر شدند و «احمد حبیب‌الله» مسئول بازرسی حقوق بشر زندان‌های فلسطین نیز اعلام کرد

که آنان در اسرائیل هستند، هیچ سوالی نکرده؟ مگر می‌شود اسرائیل قبول کند سه ایرانی در زندان‌هایش هستند ولی هیچ‌کس از مجامع بین‌المللی و حتی جمهوری اسلامی، اسامی آنان را نپرسد؟ یا پرسیده‌اند ولی اعلام نمی‌کنند؟

هر آنچه هست، دیگر مسئله لبنان تمام شد و الحمدلله اسرائیل برای اولین بار در طول تاریخ پرجنایتش، با ذلت و خفت از لبنان گریخت، ولی اینجا جای سوالات بسیاری از سیاستمداران خارج‌بین ایران وجود دارد: «از گروگان‌های ایرانی در لبنان چه خبر؟» جالب‌تر اینجاست که بدانیم در طی سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) اولین ماه‌های تجاوز اسرائیل به لبنان، همراه با چهار دیپلمات ایرانی، البته با فاصله زمانی، حدود پنج نفر دیگر نیز به اسارت مزدوران اسرائیلی در آمدند. پس آن پنج نفر که تاکنون هیچ اسمی از آنان به میان نیامده، کی هستند و کجا به سر می‌برند. یک هفته قبل از اسارت متوسلیان، یک ایرانی مستقیم توسط نیروهای اسرائیلی دستگیر شد و براساس یکی از نامه‌های وزارت خارجه نیز در حاجز برباره پنج نفر به اسارت در آمده‌اند که نفر پنجم شخصی است به نام «شیخ توسلی» و روز ۱۳۷۳/۶/۱۳ نیز سفارت ایران در بیروت در بیانیه‌ای که در مطبوعات چاپ شد - ولی هیچ‌کس توجهی به آن نشان نداد - که ایرانیان ربوده شده در سال ۱۹۸۲، ۷ نفر می‌باشند.

حال که اسرائیل در موضع شکست قرار گرفته است و مسئله ران آراد هم دارد مشخص می‌شود، چه خبر قطعی از گروگان‌های ایرانی؟ نه فقط آن چهار نفر معروف و مشهور شده، بلکه همه ایرانی‌های گمنام و مفقود در زندان‌های اسرائیل.

حمید داودآبادی

ماهنامه فکه

تیر ۱۳۷۹ = جولای ۲۰۰۰

حاجز برباره

در این متن که به عنوان فیلمنامه مستند نوشته شده است، حمید داودآبادی حوادث و وقایع از هنگام عملیات الی بیت المقدس در خرمشهر، تا اسارت چهار گروگان در بیروت را مورد توجه قرار داده است.

(ضمیمه ۲۴)

ماهنامه فکه

تیر ۱۳۷۹ = جولای ۲۰۰۰

وزارت خارجه و ... هجده سال موضع‌گیری قاطعانه!!!

حمید داودآبادی در این مقاله که به مناسبت هجدهمین سالگرد فقدان گروگان‌های ایرانی منتشر کرده است، ضمن ارائه روزشماری از وقایع و اخباری که از زمان اسارت آنها تا سال ۷۹ در مطبوعات ایران پیرامون این مسئله منتشر شده، به انتقاد از عملکرد ضعیف وزارت امور خارجه پرداخته و نوشته است: «شاید از همان اولین روزهای اسارت چهار گروگان ایرانی در بیروت، واحدی تاسیس شد که

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۱۷

کارش فقط صدور بیانیه‌های شدیدالحن!! و قاطعانه!! علیه فالانزیست‌ها و صهیونیست‌ها و همه عوامل ربوده شدن آن چهارغریب است. هرسال بیانیه‌ای که اصل آن پوسیده است و هرسال فقط ویرایش جدیدتر می‌شود، از رسانه‌های گروهی به اطلاع امت حزب‌الله می‌رسد که «وزارت امورخارجه دربیانیه شدیدالحنی رژیم صهیونیستی را تهدید کرد که اگر گروگان‌های ایرانی را در اولین فرصت آزاد نکند، پس کی می‌خواهد آزاد کند!!! در طی هجده سال گذشته، اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها و اظهارات ضدونقیضی درباره گروگان‌های ایرانی منتشر شده است که البته همه اینها، آن چیزی است که در داخل منتشر شده است و گرنه نگاه خارجی‌ها به این مسئله نوع کاملاً متفاوتی است. به هر حال باید از سیاست‌گذاران سیاست خارجی و مسئولین امر این سوال را داشت که در طی این هجده سال، چه اطلاعات قاطع و مستندی در رابطه با گروگان‌های ایرانی به دست آورده‌اند و عکس‌العمل و نظر سازمان ملل در این رابطه چگونه بوده است؟»

ماهنامه فکه

۱۳۷۹/۴/۱۱ = ۲ جولای ۲۰۰۰

صعود ۶۵۷۰ بسیجی به کوه‌های تهران به یاد روزهای اسارت احمد متوسلیان

درآستانه فرارسیدن چهاردهم تیرماه هجدهمین سال به گروگان گرفته شدن سرلشکر جاویدالآثر حاج احمد متوسلیان بنیان‌گذار و فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) ۶۵۷۰ نفر از بسیجیان استان تهران به تعداد روزهای اسارت وی، روز گذشته در قالب گردان‌های عاشورا والزهرا، باصعود به کوه‌های تهران، یاد و خاطره آن سردار بزرگ را گرامی داشتند.

کیهان

۱۳۷۹/۴/۱۳ = ۴ جولای ۲۰۰۰

رون آراد در ایران است!

رادیو رژیم صهیونیستی گفته: «یک خبرگزار ارشد شبکه تلویزیونی بی.بی.سی لندن، شب گذشته گفت: به دنبال گفت‌وگوهایی که در هفته‌های اخیر با چندتن از بلندپایگان لبنان به عمل آورده، تقریباً مسلم شد که کمک‌خلبان مفقودالآثر اسرائیلی رون آراد، در ایران است. تلویزیون بی.بی.سی شب گذشته برنامه کاملی را به جریان ناپدید شدن رون آراد اختصاص داد که در چارچوب آن، از جمله گفته شد که اکنون فضای مساعدی برای کوشش به منظور آگاهی از سرنوشت کمک‌خلبان اسیر اسرائیلی وجود دارد.»

بخش فارسی جمعه شب رادیو رژیم صهیونیستی افزود: «مارک ارین» خبرگزار ارشد بی.بی.سی که در برنامه خبری پربیننده «نیوزنایت» سخن می‌گفت، در توضیح دیدگاه خویش اظهار داشته: خروج اسرائیل از لبنان و تحولاتی که در داخل ایران رخ داد، محیط خوش‌بینانه‌تری برای کسب اطلاع از سرنوشت رون آراد ایجاد می‌کند.»

این درحالی است که منابع جهانی به صورتی غیرعادلانه، از سرنوشت چهار ایرانی اسیردر لبنان، هیچ‌گاه پی‌گیری و خبری را منعکس نمی‌نمایند.

ایران

سرنوشت چهاردیپلمات ایرانی همچنان نامعلوم است

به مناسبت نوزدهمین سالگرد آدم‌ربایی صهیونیست‌ها، موسسه فرهنگی عاشورا بیانیه‌ای به این شرح صادر کرد: «نوزده سال پیش درچنین روزهایی چهاردیپلمات ایرانی علیرغم این‌که از مصونیت سیاسی برخوردار بودند، توسط مزدوران رژیم صهیونیستی در لبنان به اسارت درآمدند و سرنوشت این چهار ایرانی ربوده‌شده نیز در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت و این درحالی است که در داخل و خارج از کشور گزارش‌ها و اخبار ضدونقیضی پیرامون وضعیت آنان منتشر شده است. صرف‌نظر از برخورد سرد و بی‌رغبت محافل به اصطلاح مدعی حقوق بشر اعم از کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، صلیب سرخ جهانی و ده‌ها مجمع ریز و درشت مشابه آنها و نیز رسانه‌های غربی با قضیه جنجال آفرین بودن چهارعضو هیئت دیپلماتیک ایران که به جهت برخورداری از مصونیت سیاسی تعرض به آنان در حقیقت تعرض به موازین متعارف و محترم سیاست بین‌الملل تلقی می‌شود، همان مختصر اخباری که بعضاً از کانال همین مجامع و رسانه‌ها درباره گروگان‌های ایرانی انتشار می‌یابد، بعضاً موجبات سردرگمی افکارعمومی و خصوصاً نگرانی خانواده‌های چشم انتظار این چهارتن را فراهم می‌آورد. باتوجه به این‌که در آستانه نوزدهمین سالگرد ربوده شدن چهارگروگان ایرانی قرار داریم، ضروری است به منظور تحقق خواست ملت بزرگ ایران که همانا آزادی فرزندان‌شان از چنگال رژیم صهیونیستی است، هیئتی ازسوی ریاست‌محترم جمهوری و یا وزارت امورخارجه جهت تحقیق و پی‌گیری این موضوع تعیین شده و این هیئت در اولین فرصت، نتایج پی‌گیری‌های خود را به اطلاع مردم چشم‌انتظار ایران برساند.»

کیهان

لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله با انتشار اطلاعیه‌ای خواستار روشن شدن وضعیت چهارتبعه ایرانی شد

در این اطلاعیه با انتقاد از سکوت مجامع بین‌المللی در این خصوص آمده است: «باگذشت ۱۹ سال از آن عمل تروریستی هنوز هیچ‌گونه حرکت قابل توجهی ازسوی مجامع بین‌المللی صورت نگرفته و سرنوشت این چهارتبعه ایرانی در پرده‌ای از ابهام باقی مانده است.»

دراین بیانیه با تأکید بر لزوم حساسیت و جدیت در پی‌گیری این مسئله تصریح شده است: «اگر آن روز در قبال ربوده شدن خبرنگار خود کاظم اخوان درلبنان، سکوت اختیار نمی‌کردیم، دیگر خبرنگارما شهید «محمود صارمی» را در افغانستان به آن طرز فجیع به شهادت نمی‌رساندند.»

کیهان

سرنوشت چهاردیپلمات همچنان نامعلوم است

نوزدهمین سالگرد آدم‌ربایی جلادان رژیم صهیونیستی در لبنان هم فرارسید. اگرچه برخی خبرها حاکی از زنده بودن این دیپلمات‌های رشید و پاک‌باخته ایرانی است، اما هنوز اطلاع دقیقی از سرنوشت و محل نگهداری آنان در دست نیست. در همین زمینه سازمان‌ها، نهادها و گروه‌ها با انتشار اطلاعیه‌های جداگانه‌ای خواستار تلاش مستمر و فراگیر مجامع دولتی و بین‌المللی برای روشن شدن وضعیت آنان شدند.

کیهان

۱۳۷۹/۴/۱۴ = ۵ جولای ۲۰۰۰

ایران رژیم صهیونیستی را مسئول سرنوشت ایرانیان ربوده‌شده در لبنان می‌داند

در آستانه سالگرد ربوده‌شدن چهارتن از اتباع و دیپلمات‌های ایرانی توسط عمال رژیم صهیونیستی در لبنان، سخن‌گوی وزارت امور خارجه اعلام کرد: «جمهوری اسلامی ایران رژیم صهیونیستی را مسئول سرنوشت اتباع خود می‌داند.»

«حمیدرضا آصفی» که در جریان گفت‌وگوی هفتگی خود با خبرنگاران داخلی سخن می‌گفت، افزود: «با فرارسیدن چهاردهم تیرماه، ۱۸ سال از ربوده‌شدن چهارتن از اتباع ایرانی توسط عمال رژیم صهیونیستی گذشت. طی این سال‌ها، محافل صهیونیستی و نیروهای وابسته به آن تلاش کرده‌اند تا پرونده این آدم‌ربایی که مغایر با تمام حقوق و عرف بین‌المللی است، بسته شده و به فراموشی سپرده شود. جمهوری اسلامی ایران بار دیگر ضمن محکوم کردن این اقدام ضدانسانی رژیم صهیونیستی، مسئولیت این آدم‌ربایی و همچنین سرنوشت اتباع خود را که شواهد متعدد حاکی از زنده بودن ایشان و انتقال آنها به فلسطین اشغالی است، متوجه رژیم صهیونیستی می‌داند.»

آصفی در همین رابطه از سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی، کلیه دولت‌ها و بویژه دولت لبنان خواست از همه امکانات خویش برای وادار ساختن این رژیم به اجرای مفاد حقوق بین‌المللی بشردوستانه استفاده کنند. وی ضمن ابراز همدردی کامل با خانواده‌های این عزیزان که سال‌هاست درد انتظار را تحمل می‌کنند، بار دیگر تاکید کرد که وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران این موضوع را به طور جدی دنبال می‌کند و برای روشن شدن این مسئله و بازگرداندن این عزیزان به میهن اسلامی، از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد.

خراسان

یادی از چهاردیپلمات اسیر ایرانی

به انگیزه سالگرد ربوده شدن حاج‌احمد متوسلیان و یارانش در لبنان، «صمد موحد»، زندگی‌نامه مفصلی از حاج‌احمد متوسلیان و وقایع و حوادث پس از ربودن او و همراهانش را نوشته است. (ضمیمه ۲۵)

بهار

درخواست ستادکنگره شهدا و اسرا دانشگاه علم و صنعت ایران از آقای خاتمی

ستاد کنگره شهدا، اسرا و مفقودین دانشگاه علم و صنعت ایران، با صدور بیانیه‌ای، از تمام مراکز علمی جهان خواست که زمینه آزادی چهار اسیر ایرانی دربند رژیم صهیونیستی را فراهم کنند. در بیانیه شماره دو این ستاد، که به مناسبت هجدهمین سالگرد اسارت دانشجو احمد متوسلیان و همراهانش منتشر شده بود، آمده است: «اکنون که خوشبختانه ریاست سازمان کنفرانس اسلامی به عهده جناب آقای سیدمحمد خاتمی رئیس محترم و محبوب جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، خواهشمندیم مراتب اعتراض دانشجویان ایرانی نسبت به این جنایت رژیم صهیونیستی را به اطلاع مجامع علمی و بین‌المللی برسانند تا ان‌شاءالله شاهد آزادی این عزیزان که از دانشجویان کشورمان می‌باشند، باشیم.» این بیانیه تصریح می‌کند: «چرا سازمان‌های علمی، فرهنگی جهان، بنابه رسالت علمی و صنفی خود، خواستار و پی‌گیر آزادی آقای احمد متوسلیان دانشجوی دانشکده برق دانشگاه علم و صنعت ایران و آقای سیدمحسن موسوی دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران نمی‌باشند؟ چرا مراکز خبری و گزارشی جهان و سازمان خبرنگاران بدون مرز، حمایت خود را نسبت به کاظم اخوان خبرنگاری که مدت ۱۹ سال اسیر در زندان‌های اسرائیل می‌باشند، اعلام نمی‌کنند؟ چرا سازمان حقوق بشر عاملان و حامیان این جنایت را به جهانیان افشا نمی‌کند؟ ما دانشجویان آزادی‌خواه، ضمن افشای ماهیت پلید اسرائیل جنایتکار، از تمامی مراکز علمی و سازمان‌های ذیربط و مردم آزاده جهان می‌خواهیم، ضمن محکوم کردن این عمل ناجوانمردانه، زمینه را جهت آزادی چهار اسیر ایرانی دربند رژیم صهیونیستی را فراهم نمایند.»

انتخاب

۱۳۷۹/۴/۱۵ = ۶ جولای ۲۰۰۰

درخواست ایران از سازمان ملل برای آزادی چهار دیپلمات ایرانی دربند رژیم صهیونیستی

سیدکمال خرازی وزیر امور خارجه ایران، در نوزدهمین سالروز ربوده شدن چهارتن از اتباع و دیپلمات‌های ایرانی در لبنان، با ارسال نامه‌ای برای «کوفی عنان» دبیرکل سازمان ملل متحد، خواهان پی‌گیری جدی این سازمان برای آزادی گروگان‌های ایرانی شد. آقای خرازی در این نامه، اقدام ضدانسانی رژیم صهیونیستی را محکوم و تصریح کرد: «جمهوری اسلامی ایران مسئولیت آدم‌ربایی و سرنوشت اتباع خود را متوجه رژیم صهیونیستی می‌داند.» خرازی به کارگیری مساعی و امکانات سازمان ملل متحد برای وادار کردن رژیم صهیونیستی به اجرای مفاد حقوق بین‌الملل و آزادی چهار تبعه ایرانی را مورد تاکید قرار داده است.

اطلاعات

۱۳۷۹/۴/۱۶ = ۷ جولای ۲۰۰۰

دولت نسبت به سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی باید باجدیت برخورد کند

خانم‌مریم مجتهدزاده همسر آقای سیدمحسن موسوی یکی از دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی، از همکاری نکردن مجامع بین‌المللی برای روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌ها، انتقاد کرد و گفت: «از زمانی که دیپلمات‌ها دستگیر شدند، کمیته ویژه پی‌گیری از سوی وزارت امور خارجه تشکیل شد تا مسئله را پی‌گیری کند، و با مکاتباتی که از طرف این کمیته با مجامع بین‌المللی انجام گرفت، متأسفانه جوابی به آنها داده نشد. آقای خرازی زمانی که به عنوان نماینده ایران در سازمان ملل حضور داشت، قضیه را به‌طور جدی پی‌گیری کرد اما هیچ جواب روشنی از طرف دولت‌های درگیر ارائه نشد و سازمان‌های بین‌المللی هیچ‌گونه کمکی برای روشن شدن مسئله نکردند؛ در حالی که اگر اتباع خودشان مورد تعرض قرارگیرند به سرعت اقدام می‌کنند.»

وی درخصوص علت به گروگان گرفته‌شدن دیپلمات‌های ایرانی، گفت: «همسر بنده ۶ بار مورد سوء قصد رژیم صهیونیستی و عمال عراق در لبنان قرار گرفت و این مقاومت آنها بود که موجب شد رژیم صهیونیستی دیپلمات‌ها را به گروگان بگیرد. فروردین ماه امسال، به همراه آقای خرازی سفری را به لبنان داشتیم و در آنجا مسئله را پی‌گیری کردیم و با دیداری که با ایلی حبیقه فرمانده نظامی سابق نیروهای فالانژ داشتیم، اظهار داشت که تا سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵ هـ.ش) زمان تصدی وی در فرماندهی نیروهای فالانژ، دیپلمات‌ها صددرصد زنده بوده‌اند. همچنین دوسال پیش، در یک مجله غربی به نقل از یک فلسطینی که تازه از زندان‌های رژیم صهیونیستی آزاد شده بود، خبر زنده بودن دیپلمات‌های ایرانی به چاپ رسیده بود که دیپلمات‌ها گفته بودند حتماً به سفارت ایران اطلاع دهید که ما زنده هستیم. آقای احمد حبیب‌الله که مسئول حمایت از زندانیان در سرزمین‌های اشغالی است، اعلام کرد ۴ دیپلمات ایرانی زنده‌اند و در زندان عتلیت نگه‌داری می‌شوند. دفاع از دیپلمات‌ها، دفاع از یک فرد نیست، بلکه دفاع از حیثیت و اقتدار یک ملت است. بنابراین اگر وزارت امور خارجه اقدامی را انجام می‌دهد، در قبال یک ملت انجام داده است زیرا آنها نمایندگان کشورمان بوده‌اند. اگر مسئولان مملکتی اقدامی نکنند، حتماً در دیگر کشورها نیز دیپلمات‌ها مورد تعرض قرار خواهند گرفت، چنانچه در افغانستان شاهد این تعرض‌ها بودیم.»

وی از دولت لبنان نیز درخواست کرد فداکاری مردم ایران را که برای آزادی کشور لبنان تلاش کردند، فراموش نکنند و برای آزادی دیپلمات‌های ایرانی تلاش کنند.

جمهوری اسلامی

جاویدان در عرصه عشق

در این مقاله به شرح زندگی حاج‌احمد متوسلیان و اسارت او و همراهانش پرداخته شده است. هفته‌نامه شما

۱۲۲ □ کمین جولای ۸۲

سلوک بسیجی

خاطره‌ای کوتاه از حاج‌احمد متوسلیان در این مطلب نقل شده است.

هفته‌نامه شما

عاشقان ولایت

«شیبانی» به ذکر خاطره‌ای از حاج‌احمد متوسلیان در عملیات الی بیت المقدس پرداخته است.

هفته‌نامه شما

۱۳۷۹/۴/۱۹ = ۱۰ جولای ۲۰۰۰

مراسم شبی با شهیدان

سومین مراسم «شبی با شهیدان»، به همت «مرکز علمی فرهنگی شهیدآوینی» در سالن اجتماعات هلال‌احمر قزوین برگزار شد. در این مراسم که به یاد حاج‌احمد متوسلیان و گروگان‌های دربند رژیم صهیونیستی و در حمایت از حزب‌الله لبنان برگزار شد، حاج‌سعید قاسمی، از هم‌زمان حاج‌احمد متوسلیان مؤسس و فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله، سخنرانی کرد. در این مراسم، در حمایت از خانواده ۴ دیپلمات ایرانی، مرکز علمی فرهنگی شهیدآوینی لوح مقاومت را به سیدراند موسوی فرزند سید محسن موسوی از دیپلمات‌های دربند رژیم صهیونیستی، به نمایندگی از خانواده این عزیزان تقدیم کرد. همچنین در حاشیه برگزاری این مراسم، در نماز جمعه این هفته قزوین، مردم این شهر در طوماری خطاب به وزیر امور خارجه، خواستار رسیدگی سریع به این فاجعه اسفناک در حد بین‌المللی شدند. واحد شهید مرکز علمی فرهنگی شهیدآوینی نیز در نامه‌هایی خطاب به ریاست محترم جمهوری، رئیس قوه قضائیه، دبیرکل حزب‌الله لبنان، رئیس جمهوری لبنان، مجلس لبنان و دبیرکل سازمان ملل و دبیرکل سازمان جهانی یونسکو، فریاد اعتراض عضو عضو حزب‌الله ایران را نسبت به این فاجعه به گوش مسئولین رساندند.

مرکز علمی فرهنگی شهیدآوینی قزوین

محضر حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی

رئیس جمهوری اسلامی ایران، با نثار درود به روان پاک حضرت روح‌الله، خمینی کبیر و آرزوی توفیق روزافزون امیر علمدار عصر ظهور، خامنه‌ای عزیز و تمام سربازان خدمتگزار او. به استحضار جناب عالی می‌رسانیم، چهارتن از جوانان میهن اسلامی ما ایران، به نام‌های سید محسن موسوی کاردار اول سفارت ایران در بیروت و دانشجوی دانشگاه تهران، کاظم اخوان مسئول دفتر خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در بیروت، عکاس و خبرنگار، تقی رستگار مقدم، مشاور فنی سفارت و حاج‌احمد متوسلیان، وابسته نظامی سفارت ایران در بیروت، فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله، دانشجوی دانشگاه علم و صنعت ایران و فاتح خرمشهر، فاتح ارزش‌های اسلامی در

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۲۳

سوم خرداد، که به‌عنوان دیپلمات‌های ایرانی به ندای پیر و مراد خویش لبیک گفتند و به یاری ستم‌دیدگان مظلوم لبنان شتافته بودند، در تاریخ ۱۴ تیرماه سال ۶۱ به محض ورود به لبنان در منطقه حاجزبرباره توسط شبه‌نظامیان وابسته به رژیم صهیونیستی موسوم به فالانژها، در یک ایستگاه ایست‌وبازرسی، به اسارت گرفته می‌شوند و به رژیم صهیونیستی تحویل داده می‌شوند و امروز با آن‌که هیجده‌سال از این فاجعه می‌گذرد و در این ایام، طولانی‌ترین اسارت دانشجویی تاریخ به ثبت می‌رسد، هنوز اقدامات قاطع و دارای نتیجه درخصوص آزادسازی این سربازان گمنام روح‌الله، و افشای ماهیت جنایتکارانه و پست رژیم اشغالگر صهیونیستی، از جانب سازمان‌های حقوقی بین‌المللی و سازمان‌های مسئول داخلی، صورت نگرفته است. اکنون که در هجدهمین سالگرد اسارت این اسوه‌های غیرت روح‌اللهی قرار داریم، از جناب عالی به‌عنوان رئیس دوره‌ای سازمان کنفرانس اسلامی، رئیس یگانه جمهوری ولایی جهان و مطرح‌کننده موضع گفت‌وگوی تمدن‌ها در جهان قرن بیستم، تقاضا داریم درخصوص آزادسازی و مشخص شدن وضعیت این جگرگوشه‌های ملت که سربازی خود را این‌گونه به اثبات رساندند، اقدامات لازم را به انجام رسانید و در ابعاد جهانی پی‌گیری‌های لازم را از راه‌های ممکن به‌عمل آورید و با رسیدن به نتیجه مطلوب، موجبات شادی قلب ملت غیور ایران، خانواده این عزیزان و رهبر معظم انقلاب، سکان‌دار نهضت جهانی اسلام را فراهم سازید. از خداوند برای جناب عالی و تمامی سربازان مخلص نظام جمهوری اسلامی ایران، توفیقات روزافزون خواستاریم.

مرکز علمی فرهنگی شهید آوینی قزوین

نامه‌ای برای اهالی دهکده جهانی

عصر عجیبی است، عصر کامپیوتر، عصر ارتباطات، عصر اطلاعات، عصر «خمینی»، عصر رجعت دوباره انسان. امروز که کوچک‌ترین کشف علمی، کشف کوچک‌ترین باکتری، با سرعتی فوق سرعت صوت در جهان منتشر می‌شود، در عصری که همه، داد صلح و دوستی، فریاد همسانی و برابری سرمی‌دهند، ای شهروندان خاموش دهکده جهانی! کدخدا را خبر دهید؟! به جناب «مک لوهان» هم بگویید ۱۸ سال است که جوانانی از ایران را دزدیده‌اند، ولی هیچ‌کس نمی‌داند که آنها در کجای این دهکده هستند!

آری، جوانانی از کشور ایران. در تاریخ ۱۴ تیرماه سال ۱۳۶۱ احمد متوسلیان دیپلمات ایرانی حاضر در لبنان، سید محسن موسوی کاردار اول سفارت ایران در بیروت، کاظم اخوان عکاس و خبرنگار ایرانی و تقی رستگار مقدم مشاور فنی هیئت دیپلماتیک، برغم مصونیت سیاسی، در ۴۰ کیلومتری شرق بیروت توسط شبه‌نظامیان اسرائیلی ربوده شدند و تا امروز از آنها هیچ‌خبری نیست. نمی‌دانیم در این

۱۲۴ □ کمین جولای ۸۲

عصرارتباطات و... ارزش ۱۸ سال چقدر است، ولی ارزش جوانان غیوری را که اسوه‌های غیرت و مقاومت هستند، خوب می‌دانیم.

ای اهالی دهکده! ما رژیم غاصب اسرائیل را مسئول و بانی این فاجعه می‌دانیم و آنان را آماج سخت‌ترین نفرت‌های خود قرار خواهیم داد. ای اهالی دهکده! نام این عصر را یاد بگیرید این عصر، عصر خمینی است، عصر روح الله، و ما در راه آرمان‌های خمینی ایستاده‌ایم.
فرزندان روح الله

مرکز علمی فرهنگی شهید آوینی قزوین

۱۳۷۹/۵/۶ = ۲۸ جولای ۲۰۰۰

مصاحبه با سفیر لبنان در تهران

«عدنان منصور» سفیر لبنان در تهران، در مصاحبه‌ای اختصاصی، به سؤالی پیرامون گروگان‌های ایرانی پاسخ داده است.

- سال‌هاست شماری از ایرانیان در لبنان ریزه شده‌اند، آیا شما از سرنوشت این افراد اطلاعی جدید دارید؟

عدنان منصور: در این رابطه هیچ‌گونه اطلاعی ندارم، اما باید تاکید کنم که لبنان اهمیت خاصی به تعیین سرنوشت آنان قائل است.

قدس

۱۳۷۹/۵/۱۳ = ۴ اوت ۲۰۰۰

رئیس مجلس لبنان برای نجات دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی تلاش می‌کند

نبیه بری، رئیس مجلس نمایندگان لبنان و دبیرکل جنبش امل، در فرودگاه مهرآباد تهران، درباره اقداماتش برای نجات دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی در لبنان، قول داد که به تلاش‌هایش برای نجات این دیپلمات‌ها ادامه دهد. دبیرکل جنبش امل لبنان، با اشاره به دیدارهایش با خانواده‌های خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی و سه دیپلمات ربوده شده ایرانی در لبنان، گفت که شخصا از لحظه مطلع شدن از این اقدام تروریستی، تلاش‌هایش را برای کمک به رهایی آنان آغاز کرده است. وی رژیم اشغالگر قدس را عامل اصلی این اقدام تروریستی در لبنان نامید و گفت که در آن زمان روزانه یکصد تا دویست تن از اتباع لبنان در کشورشان توسط تروریست‌ها ربوده می‌شدند و هم‌اکنون نیز از سرنوشت دو هزار نفر آنان اطلاعی وجود ندارد. رئیس مجلس نمایندگان لبنان در پاسخ به پرسش خبرنگار واحد مرکزی خبر درباره اهداف سفرش به ایران، با اشاره به سفرهای گذشته‌اش گفت که این سفر اولین سفرش نیست و آخرین آنها نیز نخواهد بود.

خراسان

۱۳۷۹/۵/۱۸ = ۹ اوت ۲۰۰۰

کاظم اخوان، خبرنگار دربند

این روزنامه در گفت‌وگو با خانواده کاظم اخوان، به پی‌گیری ماجرای آنان پرداخته است.

(ضمیمه ۲۶)

خراسان

۱۳۷۹/۵/۲۶ = ۱۷ اوت ۲۰۰۰

ایلی حبیقه ۴ دیپلمات ایرانی را به شهادت رسانده است

هفته‌نامه الوطن العربی چاپ پاریس نوشت: «چهار دیپلمات ایرانی که در سال ۱۹۸۲ در شمال بیروت ربوده شدند، به دست ماموران امنیتی گروه شبه‌نظامیان منحل نیروهای لبنانی به قتل رسیده‌اند.»

این هفته‌نامه در گفت‌وگو با روبیر حاتم مشهور به کبرا، که در طول ۲۰ سال گذشته محافظ ایلی حبیقه فرمانده پیشین نیروهای لبنانی بوده و یکی از نمایندگان کنونی مجلس لبنان است، نوشت: «حبیقه پس از گذشت مدتی از گروگان گرفتن دیپلمات‌های ایرانی، تصمیم گرفت آنان را به قتل برساند.»

کبرا در این مصاحبه گفت: «چندی پیش مصاحبه ایلی حبیقه درباره ربودن دیپلمات‌های ایرانی را در یک نشریه عرب‌زبان چاپ‌لندن، و نیز گفت‌وگوی وی را با یک شبکه تلویزیونی لبنان ملاحظه کردم و تصمیم گرفتم به یاره‌گویی‌های وی پاسخ دهم. چهار دیپلمات ایرانی در پاسگاه برباره در شمال بیروت بازداشت شدند و ایلی حبیقه آنان را به مقر امنیتی نیروهای لبنان منتقل کرد. در آن روز شخصی به نام «گابی بستانی» با نام مستعار «ابوحیب»، مسئول بازجویی بود. در مقر ساختمان دو تن از اعضای شبه‌نظامیان به نام‌های «جورج یونس» با نام مستعار «ابونا» و «جورج صباغ» ملقب به «ابوایمن» مسئول قتل دیپلمات‌های ایرانی در سال ۱۹۸۳ شدند. قتل دیپلمات‌های ایرانی حدود یک ماه یا یک‌ماه‌ونیم پس از ربوده شدن آنان صورت گرفت و در محوطه‌ای نزدیک مرکز فرماندهی نیروهای لبنان دفن شدند. گابی بستانی - مسئول بازجویی - به قتل رساندن دیپلمات‌های ایرانی را به ایلی حبیقه گزارش کرد و برای تأیید اظهارات خود تأکید می‌کنم که «استیو ناقور» به من اطلاع داد که «پل عریس» از او خواست حفره‌هایی را که دیپلمات‌های ایرانی در آنها دفن شده‌اند، پاکسازی کند. این حفره‌ها مملو از اجساد مقتولان بود که روی آن آهک می‌ریختند تا در اسرع وقت نابود شود. پل عریس و استیو ناقور، که از مسئولان ساختمان بازجویی نیروهای لبنان بودند و با دستور گابی بستانی عمل می‌کردند، حفره‌ها را از اجساد پاکسازی کردند و باقی مانده اجساد را به منطقه «وادی الجاجم» در نزدیک شهر «عشقوت» انتقال دادند و در آنجا مجدداً به خاک سپردند. حبیقه یکی از کارگزاران خود را به نام «جورج سوری» که تبعه سوریه بود، مامور کرد خودروی دیپلمات‌های ایرانی را به شهر طرابلس انتقال دهد و در یکی از خیابان‌های این شهر رها کند تا وانمود شود آنان یعنی دیپلمات‌های ایرانی، وارد منطقه زیر کنترل شبه‌نظامیان نشده‌اند.»

۱۲۶ □ کمین جولای ۸۲

وی این ادعاهای ایلی حبیقه را که گفته است «اسرائیل برای مبادله رون آراد خلبان ناپدید شده‌اش در لبنان، دیپلمات‌های ایرانی را ربوده»، تکذیب کرد و گفت: «همه این اطلاعات در کتابی که اخیراً علیه حبیقه منتشر کرده‌ام، ذکر شده است.»

محافظ پیشین حبیقه افزود: «دلیل دیگری دارم که می‌توانم کشته شدن دیپلمات‌های ایرانی در لبنان را ثابت کنم. من گفت‌وگوی تلفنی با گابی بستانی را که در حال حاضر در استرالیا به سر می‌برد، ضبط کرده‌ام که نحوه ترور دیپلمات‌های ایرانی را شرح داده است.»

وی درباره این‌که: «چرا گابی بستانی نقش خود در ترور دیپلمات‌های ایرانی را تکذیب نمی‌کند؟» گفت: «بستانی در این نوار می‌گوید بشیر جمیل او را مامور بازجویی از دیپلمات‌های ایرانی کرده بوده است. «عیسی ایوبی» یکی از روزنامه‌نگاران روزنامه‌الدیار از «حزب سوری قومی لبنان» که به هنگام بازداشت دیپلمات‌های ایرانی با آنان در زندان بوده است، بر این باور است که اظهارات حبیقه مبنی بر انتقال دیپلمات‌ها به اسرائیل دروغ محض است.»

قدس

شهریور ۱۳۷۹

کاظم اخوان خبرنگار نبود!

حمید داودآبادی، در این مقاله، به شرح برخورد دوگانه برخی مجامع روزنامه‌نگاری با مسئله خبرنگاران پرداخته و از بی‌توجهی آنان به سرنوشت کاظم اخوان، انتقاد کرده است.

(ضمیمه ۲۷)

ماهنامه فکه

۱۳۷۹/۷/۶ = ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰

هنوز چشم به راه سردارانیم

«فاطمه دوست‌کامی» مقاله‌ای احساسی در رثای حاج‌احمد متوسلیان و همراهانش نگاشته است.

رسالت

۱۳۷۹/۷/۲۱ = ۱۳ اکتبر ۲۰۰۰

فرمانده

در این مطلب، خاطره‌ای کوتاه از حاج‌احمد متوسلیان نقل شده است.

هفته‌نامه شما

۱۳۷۹/۷/۲۵ = ۱۷ اکتبر ۲۰۰۰

تلاش دیپلماتیک ایران نقش کلیدی منطقه‌ای و اسلامی آن را برجسته می‌کند

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۲۷

خبرگزاری فرانسه با اشاره به سفر ناگهانی کمال خرازی وزیر امور خارجه ایران، به لبنان و سوریه و عراق، با اشاره به اتفاقات پیش آمده در لبنان، نوشته است: «ایران بویژه از درخواست‌ها برای آزادی تمام زندانیان دربند اسرائیل حمایت کرده است و آزادی چهار ایرانی را که در زمان حمله اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ ربوده شدند، خواستار شده است. گرچه گزارش‌های دریافت شده از کشته شدن این چهار ایرانی خبر می‌دهد.

بولتن «ایران در رسانه‌های بیگانه»

خبرگزاری جمهوری اسلامی

۱۳۷۹/۸/۸ = ۳۰ اکتبر ۲۰۰۰

نقل قول‌های تازه درباره سرنوشت دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی

«علیرضا نوری‌زاده» جمعه شب به رادیوکلن گفت: «آقای رویان حاتم ملقب به کبرا، دستیار و محافظ ایلی حبیقه وزیر و نماینده سابق مجلس لبنان و فرمانده نیروهای مسیحی دست‌راستی، روز گذشته در گفت‌وگوبا روزنامه «الشرق‌الوسط» چاپ لندن فاش ساخته که چهار ایرانی به اسارت درآمده در لبنان به دستورایلی حبیقه، پس از شکنجه بسیار، به قتل رسیدند. به گفته این شاهد، جنازه‌های این چهار تن، نخست در یک نقب بزرگ زیرزمینی در محله‌ای در شرق بیروت گذاشته شد و چندی بعد به دستور حبیقه، باقی مانده اجساد آنان و اجساد ده‌ها تن از مسلمانان و مسیحیان مخالف نیروهای افراطی مسیحی، کیسه‌کیسه از این نقب خارج و به منطقه کوهستانی در بلندی‌های نزدیک بیروت برده شد. ماجرای چهار شهروند ایرانی، علیرغم گذشت سال‌ها از اختفای آنان، همچنان در پرده‌ای از ابهام قرار دارد و خبر شهادت دیپلمات‌ها هنوز از تایید رسمی برخوردار نشده است.»

وی ادعا کرده: «ایلی حبیقه در حال حاضر متحد سوریه و از دوستان صمیمی «بشاراسد» رئیس‌جمهوری فعلی سوریه است. هنگامی که این چهار تن در اتومبیل نمره‌سیاسی سفارت‌ایران در زمان حمله اسرائیل به لبنان، قصد عبور از شرق‌بیروت به سوی جاده اسرائیلی داموس - صیدا را داشتند، اتومبیل آنان توسط یک گشت سیار وابسته به نیروهای لبنانی شبه‌نظامیان مسیحی متوقف شد و ساعتی بعد این چهارتن به حبیقه تحویل داده شدند. ایلی حبیقه، یعنی همان فردی که به گفته دستیار و محافظش، شخصا بر شکنجه و قتل موسوی، متوسلیان و اخوان و راننده آنان نظارت داشت، پس از بیعت با حافظ اسد، رئیس‌جمهوری متوفای سوریه، به نمایندگی مجلس و وزارت رسید و هم‌اکنون با قدرت مالی و نفوذ بسیار، از چهره‌های سرشناس جامعه‌مسیحی کشور لبنان است و سوریه می‌کوشد برای او یک کرسی وزارت در کابینه جدید لبنان دست و پا کند.»

ایران

۱۳۷۹/۸/۹ = ۳۱ اکتبر ۲۰۰۰

جهت اطلاع

روزنامه ایران، در شماره دیروز خود از قول علیرضا نوری زاده که برای رسانه‌های آمریکایی و صهیونیستی کار می‌کند، نوشت: «چهار دیپلمات ایرانی که در زمان حمله اسرائیل به لبنان ربوده شدند، توسط ایلی حبیقه شکنجه شده و به شهادت رسیدند.»

نوری زاده در اظهارات خود، با مرتبط دانستن ایلی حبیقه با حافظ اسد و بشار اسد، دولت سوریه را نیز به طور غیرمستقیم متهم به دست داشتن در این واقعه کرده است. دولت جمهوری اسلامی ایران، با توجه به شواهدی که دارد، معتقد است این چهار دیپلمات در اسارت رژیم صهیونیستی هستند و انتشار بدون نقد اظهاراتی مانند آنچه نوری زاده گفته است، به نفع صهیونیست‌ها می‌باشد. جمهوری اسلامی

۱۳۷۹/۹/۲۹ = ۲۰ دسامبر ۲۰۰۰

گروگان‌های فراموش شده ایرانی!

حمید داودآبادی در این مقاله، به معرفی برخی شاهدان حادثه گروگان‌گیری پرداخته و از مسئولین ذیربط پرسیده است که چرا سراغ آنان نمی‌روند؟

هفته‌نامه صبح دو کوهه

۱۳۷۹/۱۰/۵ = ۲۶ دسامبر ۲۰۰۰

عجب آرامشی داشت حاج احمد

«غلامرضا کاج» به شرح خاطره‌ای از حاج احمد متوسلیان در دوران دفاع مقدس اشاره کرده است.

کیهان

۱۳۷۹/۱۲/۱۳ = ۳ مارس ۲۰۰۱

ده‌ها ایرانی و لبنانی در زندان‌های اسرائیل هستند

روزنامه «السفیر» روز جمعه به نقل از انجمن فلسطینی دوستداران زندانیان و بازداشت‌شدگان، نوشت: «اسرائیل ده‌ها ایرانی و لبنانی را در زندان‌های خود حبس کرده است.»
مقراین انجمن درس‌زمین‌های اشغالی فلسطین است. این روزنامه با استناد به بیانی‌ای که از سوی انجمن مذکور انتشار یافت، نوشت: «شاهدان عینی اسامی چهار ایرانی را مشاهده کرده‌اند که روی دیوار سلول‌های زندان عتلیت حکاکی شده است.»

السفیر این افراد را محسن موسوی‌کاردار سفارت ایران، احمد متوسلیان دیپلمات و کاظم اخوان خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی معرفی کرده است. این روزنامه به هويت فرد چهارم اشاره‌ای نکرده است.

اطلاعات

گزارش آخرین شناسایی به سردار احمد متوسلیان

نویسنده از زبان یکی از هم‌زمان حاج احمد متوسلیان به شرح خاطراتی از او پرداخته است.

هفته‌نامه صبح‌دوکوهه

۱۳۷۹/۱۲/۲۱ = ۱۱ مارس ۲۰۰۱

خانواده کاظم اخوان از مجامع بین‌المللی انتقاد کردند

خانواده کاظم اخوان از مجامع بین‌المللی به خاطر بی‌توجهی به سرنوشت وی انتقاد کرد. تازه‌ترین گزارش‌های دریافتی از رسانه‌های خارجی حاکی است که این چهار تن در زندانی در سرزمین‌های اشغالی نگاه‌داری می‌شوند. حسین اخوان، در دیدار تعدادی از مسئولان خبرگزاری جمهوری اسلامی با خانواده‌اش در مشهد گفت: «همتی که از سوی خبرگزاری جمهوری اسلامی برای آزادی همکارشان تاکنون صورت‌گرفته قابل تقدیر است. پدر و مادرم درحالی دارفانی را وداع گفتند که آرزوی بازگشت کاظم را داشتند ولی بی‌مبالاتی مجامع بین‌المللی در پی‌گیری سرنوشت عزیزانمان سبب شد تا آن دو آرزوی دیدار فرزند خود را به گور ببرند. درحالی که مجامع بین‌المللی برای جلوگیری از تخریب مجسمه‌های بودا در افغانستان یا شهروندان کشورهای اروپایی و آمریکایی جار و جنجال تبلیغاتی گسترده به‌راه می‌اندازند، متأسفانه با گذشت بیش از ۱۸ سال از اسارت اخوان و دیپلمات‌های ایرانی، هیچ اقدام مثبتی برای آزادی آنان صورت نداده‌اند.» رئیس‌حوزه مدیرعامل سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران نیز در این جلسه اظهار امیدواری کرد که مجامع بین‌المللی با پی‌گیری تازه‌ترین اخبار دریافتی از رسانه‌های خارجی، در جهت آزادی اخوان و دیپلمات‌های ایرانی اقدام ساعی صورت دهند.

جمهوری اسلامی

سال ۱۳۸۰ هـ ش ۲۰۰۲ - ۲۰۰۱ م

۱۳۸۰/۱/۷ = ۲۷ مارس ۲۰۰۱

گروگان‌های ایرانی زنده‌اند

وزیر امور خارجه ایران کمال خرازی در یک سفر سه روزه به لبنان و سوریه، با مسئولان عالی‌رتبه این کشورها در زمینه تحولات منطقه خاورمیانه و جهان اسلام به گفت‌وگو و تبادل نظر پرداخت. خرازی درباره نقش ایران در مبادله اسیران لبنانی و رژیم صهیونیستی و سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی ربوده‌شده در سال ۱۹۸۲ در لبنان، گفت: «درباره اسیران ایرانی و لبنانی تماس‌هایی گرفته شده و ما این تماس‌ها را به حزب الله ارجاع دادیم تا این حزب هرطور مناسب بداند، موضوع را پی‌گیری کند.»

وی درباره موضوع دیپلمات‌های ایرانی افزود: «روشن شدن سرنوشت این افراد مورد اهتمام ماست و شواهدی در دست داریم که این افراد زنده هستند و در فلسطین اشغالی به سر می‌برند.»

جمهوری اسلامی

۱۳۸۰/۱/۲۱ = ۱۰ آوریل ۲۰۰۱

گزارشی تحلیلی از یک‌صد و هفتمین اجلاس انجمن ایران و آمریکا

... در ادامه سخنان سناتور «اسپکتر» و به‌دنبال پیشنهاد «ژاپه یوسفی» جهت روشن کردن وضعیت چهار دیپلمات گروگان‌گرفته‌شده ایرانی در اسرائیل، به‌عنوان اقدامی توأم با حسن‌نیت از جانب آمریکا، اسپکتر آمادگی کامل خود را جهت انجام هرگونه اقدامی در این خصوص و به‌منظور تاثیر مثبت گذاردن بر روند بهبود مناسبات دو کشور، اعلام کرد.

نشریه گلف ۲۰۰۰ وابسته به دانشگاه کلمبیا - نیویورک

۱۳۸۰/۲/۲۷ = ۱۷ مه ۲۰۰۱

گفت‌وگوی اینترنتی سفیر ایران در بیروت

روزنامه خراسان در گفت‌وگوی اینترنتی با «محمدعلی سبحانی» سفیر ایران در بیروت، از این‌که دکتر خرازی در طول اقامت خود در لبنان، موضوع ربوده شدن چهار دیپلمات مظلوم ایرانی را مکرراً مطرح کرده و حتی در این ارتباط از حزب‌الله نیز تقاضای کمک نموده است، اما در مورد مسئله اختفای امام موسی صدر سکوت نموده، انتقاد کرده و نوشته است که برخی برادران لبنانی متعجب بودند که چرا ایشان لااقل در حد و اندازه مسئله دیپلمات‌های ایرانی به مسئله اختفای امام صدر بها نمی‌دهند؟

خراسان

تیر ۱۳۸۰ = جولای ۲۰۰۱

ناگفته‌ها درباره حاج احمد متوسلیان

حمید داودآبادی، در گفت‌وگوی اختصاصی با «محسن رفیق‌دوست»، خاطرات وی از حاج احمد متوسلیان و همچنین آخرین اخباری را که از سرنوشت گروگان‌ها دارد، پرسیده که او نیز ناگفته‌های خود را بازگو کرده است.

(ضمیمه ۲۸)

ماهنامه فکه

تیر ۱۳۸۰ = جولای ۲۰۰۱

صریح و بی‌پرده هر آنچه درباره گروگان‌ها گفته نشده

سیدراند موسوی فرزند سید محسن موسوی سرپرست سفارت ایران در بیروت، در گفت‌وگوی اختصاصی، آخرین نتایج بی‌گیری‌های‌شان را درباره سرنوشت چهار گروگان ایرانی تشریح کرده است.

(ضمیمه ۲۹)

ماهنامه فکه

تیر ۱۳۸۰ = جولای ۲۰۰۱

حاج احمد آن‌گونه که من دیدم

سردار «رحیم صفوی»، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در گفت‌وگوی اختصاصی با حمید داودآبادی، به ذکر خاطرات خود از حاج احمد متوسلیان پرداخته و درباره آخرین دیدار خود با او، می‌گوید: «هنگامی که در خرداد سال ۱۳۶۱ ارتش رژیم صهیونیستی به خاک لبنان تجاوز کرد و تا بیروت پیشروی کرد، قرار شد یک لشکر نیرو از ارتش و یک لشکر هم از سپاه، به لبنان اعزام شود که ما لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) را انتخاب کردیم. ابلاغ ماموریت را من به ایشان کردم که شما بروید در ستاد مرکزی سپاه. من مسئول طرح و عملیات ستاد مرکزی سپاه بودم و من خودم به ایشان

۱۳۲ □ کمین جولای ۸۲

ابلاغ کردم که شما باید یگانته را برداری و بروی. همین طور که توی پله‌ها بودیم، وقتی این حرف را به او زدم، دستانش را به هم مالید و از ذوق و شوق این ماموریت، اشک از چشمانش جاری شد و گفت: «بالاترین آرزوی من این بود که با این صهیونیست‌ها بجنگم ... و خدا چقدر به من علاقه داشته که من را و یگان من را انتخاب کرده. چشم. از همین فردا آماده‌ایم.»

حاج احمد یک چهره قاطع و خشنی داشت، ولی آن روز که این ماموریت به ایشان ابلاغ شد، گل از گلش شکفت و هیچ کس نمی‌دانست که این آخرین ماموریت او خواهد بود و آنجا آخرین باری بود که من حاج احمد متوسلیان را دیدم. حاجی یک روحیه‌ای خاص داشت. این که با دشمن کنار بیاید، در او نبود. اصلاً روحیه سازش‌پذیری و اسارت نداشت.»

ماهنامه فکه

تیر ۱۳۸۰ = جولای ۲۰۰۱

چه کسی از گروگان‌ها خبر دارد؟

حمید داودآبادی در این مقاله، به نقل بخشی از خاطرات «خاویر پرزدکوئیار» دبیرکل اسبق سازمان ملل متحد، پیرامون گفت‌وگوی خود با هاشمی‌رفسنجانی پیرامون وضعیت چهارگروگان ایرانی، پرداخته است.

(ضمیمه ۳۰)

ماهنامه فکه

۱۳۸۰/۴/۱۱ = ۲ جولای ۲۰۰۱

حاج احمد خودش یک لشکر بود

امیرحسین انبارداران، در مصاحبه با «جعفر جهروتی‌زاده» از هم‌زمان حاج احمد متوسلیان، از خاطرات و نظرات او پیرامون وضعیت گروگان‌های ایرانی و همچنین روحیات حاج احمد جویا شده است.

کیهان

بیست سال است که چشم‌انتظاریم

«محمد خامه‌یار» به مصاحبه با پدر محمدتقی رستگارمقدم، که همراه سه‌گروگان دیگر، در لبنان به اسارت درآمدند، پرداخته و نظرات او را جویا شده است.

(ضمیمه ۳۱)

کیهان

۱۳۸۰/۴/۱۳ = ۴ جولای ۲۰۰۱

برپایی نمایشگاه عکس و خاطرات یادبود سردار احمد متوسلیان در شهر قدس

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۳۳

به مناسبت نوزدهمین سالگرد اسارت چهار گروگان ایرانی، نمایشگاه عکسی به مدت یک هفته از سوی سپاه پاسداران شهرقدس-تهران- برگزار گردید.

جمهوری اسلامی

۱۹ سال انتظار کافی است

خواهران کاظم اخوان خبرنگار و عکاس ربوده شده ایرانی، در مصاحبه با خبرگزاری جمهوری اسلامی، اظهار داشتند: «۱۹ سال انتظار برای دیدار با برادر کافی است و چشم به راهی بیش از این در توان نیست.»

(ضمیمه ۳۲)

تلکس مطبوعاتی خبرگزاری ایرنا

سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده ایرانی پس از ۲۰ سال همچنان در پرده ابهام

موسسه فرهنگی عاشورا، در آستانه فرارسیدن بیستمین سالگرد ربوده شدن چهار گروگان مظلوم ایرانی توسط مزدوران رژیم صهیونیستی، با صدور بیانیه‌ای، ضمن ابراز انزجار و تنفر از این وقیحاته‌ترین نوع ترور، بر لزوم آغاز یک جهاد رسانه‌ای جهت انعکاس ابعاد گسترده این حادثه تکان دهنده تاکید کرد. به گزارش روابط عمومی موسسه فرهنگی عاشورا، این موسسه ضمن انتقاد نسبت به برخورد سرد و بی‌رغبت محافل به اصطلاح مدافع حقوق بشر، اعم از کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، صلیب سرخ جهانی و ده‌ها مجمع ریز و درشت مشابه آنها، و نیز رسانه‌های غربی با قضیه جنجال برانگیز و رسوایی آفرین ربودن چهار عضو هیئت دیپلماتیک ایران که به جهت برخورداری از مصونیت سیاسی، تعرض به آنان در حقیقت تعرض به موازین محترم و متعارف سیاست بین‌المللی تلقی می‌شد، از سکوت مشکوک برخی روزنامه‌ها و رسانه‌های داخلی مدعی اصلاح‌طلبی گلایه کرد. در این بیانیه، همچنین با اشاره به تلاش سازمان یافته و مداوم روزنامه‌های مدعی مردم‌سالاری، برای مطرح نمودن و قهرمان‌سازی از چند روزنامه‌نگاری که اتهام آنها در خصوص اقدام علیه امنیت ملی، توهین و اهانت به مقدسات و ارزش‌ها و... بر کسی پوشیده نیست، آمده است: «تهیه و درج مقالات متعدد، مصاحبه با خانواده روزنامه‌نگاران زندانی، گفت‌وگو با وکلای مدافع متهمین، برپایی کنفرانس‌های خبری و میزگردهای مطبوعاتی، اعلام آخرین وضعیت سلامتی زندانیان، نظرخواهی از مردم و... تنها بخشی از تلاش گسترده اصحاب این دسته از رسانه‌های مکتوب می‌باشد. این در حالی است که ظرف گذشت سال‌های اخیر، حتی از نگارش یک سطر مقاله، گفت‌وگو با خانواده‌های گروگان‌ها، مصاحبه با مقامات ذیربط و یا حتی اعلام شکایت دسته‌جمعی به مجامع بین‌المللی در اعتراض به ارتکاب چنین جنایت فاحشی از سوی تروریست‌های اسرائیلی در حق یک همکار، همدین و هموطن خود یعنی کاظم اخوان خبرنگار و عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی، طفره‌رفته و دریغ ورزیده‌اند و متأسفانه همه این

۱۳۴ □ کمین جولای ۸۲

تناقضات درحالی صورت می‌گیرد که این جماعت، مدعی عدم تقسیم بندی مردم به شهروند درجه یک و دو نیز می‌باشند.»

مؤسسه فرهنگی عاشورا، در ادامه این بیانیه می‌افزاید: «ایجاد یک جهاد رسانه‌ای در آستانه بیستمین سالروز اسارت چهار ایرانی ربوده شده، فی‌نفسه می‌تواند نقطه عزیمت مناسبی برای آغاز یک ماراتن دیپلماتیک - سیاسی رسانه‌ای سودمند و مؤثر، جهت مجموعه دستگاه‌های متولی امر روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران - اعم از وزارت امور خارجه و کمیسیون امور خارجی مجلس شورای اسلامی - و تلاش در راه رهایی چهارگروگان‌مظلوم ایرانی را فراهم آورد. جادارد درخواست سال‌های گذشته خویش را از ریاست محترم جمهوری مبنی بر تشکیل هیئتی جهت پی‌گیری و روشن نمودن ابعاد پنهان این ماجرا، و پایان دادن به ارائه اخبار ضدونقیضی که ظرف سال‌های گذشته موجبات سردرگمی بیشتر افکار عمومی و خصوصاً نگرانی خانواده‌های این چهارتن را فراهم آورده است، مطرح نموده و مصرانه خواستار پی‌گیری قاطع رئیس جمهوری محترم در این خصوص باشیم.»

کیهان

۱۳۸۰/۴/۱۴ = ۵ جولای ۲۰۰۱

نامه سرگشاده خانواده‌های دیپلمات‌های ایرانی ربوده شده در لبنان، به رئیس جمهوری

در این نامه، باتبریک انتخاب مجدد حجت‌الاسلام خاتمی به ریاست جمهوری، با اشاره به ربوده شدن چهار دیپلمات ایرانی در سال ۶۱ در لبنان توسط عوامل رژیم صهیونیستی، نکاتی ذکر شده است.

(ضمیمه ۳۳)

کیهان

آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست

صفحه «جبهه و جنگ» این روزنامه، به خاطرات و مقالاتی پیرامون زندگی و اسارت حاج احمد متوسلیان اختصاص دارد.

جمهوری اسلامی

به یاد مهاجر پاکبخته

محمد خامه‌یار، در مقاله‌ای احساسی و کوتاه، از این‌که در طی ۱۹ سال که از اسارت ۴ گروگان ایرانی می‌گذرد، هیچ نتیجه روشنی گرفته نشده، انتقاد کرده است.

کیهان

درخواست از دبیرکل سازمان ملل

«بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران» با ارسال نامه‌ای خطاب به آقای کوفی عنان، خواستار تلاش دبیرکل سازمان ملل برای آزادی دیپلمات‌ها و خبرنگار ایرانی پس از ۱۹ سال از چنگال اسارت مزدوران رژیم صهیونیستی شدند.

جمهوری اسلامی

اخبار ضدونقیضی به ما می‌رسد

سردار «علیرضا افشار» معاون فرهنگی ستادکل نیروهای مسلح، در گفت‌وگو با خبرنگاران اعلام داشت: «در خصوص دیپلمات‌ها و خبرنگار ایرانی به گروگان گرفته شده از سوی صهیونیست‌ها، متأسفانه اخبار ضدونقیضی از این عزیزان به ما می‌رسد و در یکی از آنها عنوان شده است که حتی قبرهای این چهار زنده‌یاد را پیدا کرده‌اند، ولی ما اخبار دیگری هم داریم که آنها در زندان‌های مختلف دیده شده‌اند.» سردار افشار، در پایان تمامی رسانه‌ها را به تلاش در خصوص فشار آوردن بر مجامع بین‌المللی در رسیدگی به پرونده گروگان‌گیری صهیونیست‌ها فراخواند تا تکلیف خانواده‌هایشان روشن شود.

صدای عدالت

در جست‌وجوی نور

خلیل اسفندیاری، در مقاله خود، به بررسی اخبار متفاوت ارائه شده در باره گروگان‌های ایرانی پرداخته است.

رسالت

دیپلمات‌ها و خبرنگار ایرانی در دست صهیونیست‌ها هستند

سفیر جمهوری اسلامی ایران در بیروت گفت: «خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی و سه دیپلمات ایرانی که ۱۹ سال پیش گروه منحل‌ه نیروهای لبنانی ربودند، به رژیم صهیونیستی تحویل داده شده‌اند.» محمدعلی سبحانی دیروز در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا در بیروت، به پرسش‌هایی درباره ابعاد ربوده شدن آقای محسن موسوی، احمد متوسلیان و تقی رستگار از دیپلمات‌های وزارت خارجه و کاظم اخوان خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی، پاسخ داد. سبحانی با اشاره به اقدام‌های انجام شده برای آگاهی از سرنوشت ربوده‌شدگان ایرانی، گفت: «از آن زمان تاکنون تحقیقات پی‌گیری از سوی وزارت خارجه ایران و برخی نهادهای دولتی لبنان صورت گرفته، اما متأسفانه منجر به روشن شدن قطعی سرنوشت آنان نشده است.»

وی خاطر نشان ساخت: «این کار با همه قوانین، مقررات و عرف بین‌المللی مغایر بود، زیرا این افراد دیپلمات بودند و بالطبع مصونیت داشتند. همچنین آنها با خود روی رسمی سفارت حرکت می‌کردند و نیروهای دولتی لبنان نیز آنها را همراهی می‌نمودند.»

سبحانی با اشاره به شرایط نابسامان داخلی لبنان در آن مقطع زمانی، افزود: «در آن هنگام، در نتیجه ضعف دولت مرکزی، نیروهای شبه‌نظامی بر صحنه حاکم بودند، بویژه که طرف‌رباینده، با اسرائیل یعنی دشمن مهاجم و اشغالگر نیز همکاری داشت. در آن زمان، مقام‌های دولت شامل رئیس‌جمهوری، نخست‌وزیر و وزیر خارجه وقت لبنان، همه تلاش خود را برای آزادی آنان انجام دادند و وعده‌هایی نیز به آنها داده شد، اما عملی نشد.»

سفیر کشورمان درباره تلاش دولت‌های بعدی لبنان و پی‌گیری وزارت خارجه ایران، گفت: «این تلاش‌ها در همه موارد به بن‌بست رسید و نتایج قانع‌کننده یا مستندی به دست نیامد.» با این حال، وی تاکید کرد: «اصل بر زنده‌بودن ربه‌شده‌هاست و شهادت فرضی آنان باید اثبات شود. معنای بی‌نتیجه ماندن همه این اقدامات، این است که رژیم صهیونیستی آنها را در دست دارد و راه‌های تحقیق برای آگاهی از سرنوشت آنها را می‌بندد. از وزارت امور خارجه لبنان و دستگاه‌های امنیتی لبنان درخواست شده است در این مورد به تحقیقات خود ادامه دهند و این در حالی است که پرونده چهار ایرانی، در این مراکز باز است و دستگاه‌های مربوط در حال پی‌گیری موضوع هستند.»

ابرار

کمیته حقیقت‌یاب سرنوشت عکاس ربه‌شده خبرگزاری را مشخص کند

خانواده کاظم اخوان‌علاف خواهان تشکیل یک کمیته مشترک حقیقت‌یاب شدند. حسین اخوان برادر کاظم اخوان، به نمایندگی از خانواده این کارمند ایرنا، روز گذشته، هدف این کمیته مرکب از نمایندگان ایران و لبنان را تلاش برای روشن شدن سرنوشت برادر خود و سه دیپلمات ایرانی دانست. اخوان گفت: «کاظم برای ثبت تصویری جنایات رژیم صهیونیستی، از سوی خبرگزاری پارس سابق، به لبنان ماموریت یافته بود و دولت لبنان در درجه نخست مسئول حفظ سلامت او و همراهانش بود. باتوجه به این که دو عامل اصلی گروگان‌گیری یعنی سمیر جعجع و ایلی حبیقه، هر دو در لبنان حضور دارند، کمیته مشترک ایرانی و لبنانی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در مشخص کردن سرنوشت گروگان‌های در اسارت رژیم صهیونیستی داشته باشد. سمیر جعجع هم‌اکنون در زندان دولت لبنان است و ایلی حبیقه نیز در گذشته عضو کابینه دولت آن کشور بود، و اینک نیز نمایندگی مجلس لبنان را برعهده دارد، لذا تحقیق از این دو می‌تواند اطلاعات لازم را در اختیار خانواده‌های گروگان‌ها قرار دهد.»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۳۷

برادر کاظم اخوان از کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی خواست باتوجه به گذشت ۱۹ سال از اسارت عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی و سه دیپلمات وزارت امور خارجه، برای مشخص کردن سرنوشت آنها، موضوع را به صورت جدی مورد پی‌گیری قرار دهد. وی از ارائه اطلاعات ضدونقیض درباره سرنوشت این گروگان‌ها انتقاد کرد و افزود: «کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در یافتن حقیقت داشته باشد. مرحوم رضا اخوان پدر کاظم، به همراه سه خانواده دیگر گروگان‌ها، طی دو سفر به لبنان، از دولت آن کشور خواستار روشن شدن سرنوشت فرزندان خویش شدند. پدر کاظم پس از سال‌ها انتظار و چشم‌پره‌ری و تلاش‌های فراوان برای مشخص شدن سرنوشت فرزندش، چند سال پیش به رحمت ایزدی پیوست، اما ما امیدواریم با پی‌گیری جدی این مسئله از سوی مجامع بین‌المللی و دولت ایران و لبنان، بتوانیم به زودی پذیرای این عزیزان در کشور باشیم.»

آفرینش

۱۳۸۰/۴/۱۶ = ۷ جولای ۲۰۰۱

ربوده شدن چهار ایرانی در لبنان، سمبل دوگانگی مدافعان دروغین حقوق بشر

سکوت مجامع جهانی، دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی روزنامه‌نگاری و جمعیت‌های حقوق بشر در برابر سرنوشت عکاس و دیپلمات‌های ایرانی که ۱۹ سال پیش در لبنان ربوده شدند، از تناقض الگوهای رفتار سیاسی در سطح بین‌المللی بویژه از سوی مدافعان دروغین حقوق بشر و بخصوص در برخورد با صهیونیست‌ها خبر می‌دهد. کاظم اخوان عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی، سید محسن موسوی کاردار وقت سفارت ایران در لبنان به همراه احمد متوسلیان و تقی رستگارمقدم، از اعضای سفارت، یک‌ماه پس از هجوم سراسری ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان و اشغال بیروت، در سال ۱۹۸۲، توسط عوامل این رژیم در منطقه برباره بر سر راه طرابلس به بیروت، ربوده شدند. این ۴ تن که سوار بر خودروهای سیاسی بودند و پلیس لبنان آنان را همراهی می‌کرد، توسط گروه نیروهای لبنانی وابسته به رژیم صهیونیستی دستگیر و به بازداشتگاهی در شرق پایتخت منتقل شدند. گفته می‌شود این گروه پس از انحلال، چهار ایرانی را تحویل رژیم صهیونیستی دادند. از آن زمان تاکنون، منابع مختلف از زنده بودن و حضور عکاس و دیپلمات‌های ایرانی در زندان‌های مخفی رژیم اشغالگر قدس خبر می‌دهند. زندان‌هایی که تحت نظارت سازمان‌های بین‌المللی قرار ندارند. احمد حبیب‌الله رئیس‌انجمن حمایت از زندانیان فلسطین در اسرائیل، در سال ۱۳۷۶ صراحتاً اعلام کرد که چهار گروگان ایرانی در زندان‌های مخفی در بازداشت به سر می‌برند. انجمن فلسطینی دوستداران زندانیان و بازداشت‌شدگان نیز در اسفندماه سال گذشته اعلام کرده‌است: «اسرائیل ده‌ها ایرانی و لبنانی را در زندان‌های خود حبس کرده‌است.» این انجمن، می‌افزاید: «شاهدان عینی اسامی چهار ایرانی را مشاهده کرده‌اند که روی دیوار سلول‌های زندان عتلیت حک شده‌است.»

برادرعکاس ربوده شده خبرگزاری جمهوری اسلامی کاظم اخوان، نیز در این باره می گوید: «یکی از آزادشدگان دربنداسرائیل نیز اعلام کرده است که اسامی گروگان های ایرانی را دیده و آنان در مخفی گاه سرویس اطلاعاتی ارتش اسرائیل در زندان های عتلیت و صرفند نگه داری می شوند.»

جمهوری اسلامی ایران، بارها با تاکید بر در اختیار قرار داشتن اسناد و مدارک متعدد مبنی بر زنده بودن چهار ایرانی ربوده شده و وجود آنان در فلسطین اشغالی، خواستار تلاش های مجامع جهانی برای آزادی آنان شده است. با وجود این مدارک و شواهد، انتظار می رفت مجامع بین المللی و سازمان های مدافع حقوق بشر و همچنین دولت های غربی و دیگر دولت هایی که با اسرائیل رابطه دارند و تبلیغات گسترده ای را به عنوان مخالفت با تروریسم، دفاع از حقوق بشر، تأکید بر ضرورت قوانین بین المللی در مورد مصونیت کارگزاران سیاسی دولت ها به راه انداخته، عاملان این گونه اقدام ها را تحت پی گردهای شدید قرار داده اند، درباره سرنوشت این ۴ گروگان ایرانی پی گردها و محکومیت های خود را اعمال می کردند. این تناقض در رفتار سیاسی که بارها و در موارد مختلف به اثبات رسیده است، بر ضرورت بازنگری و به کارگیری اقدام قاطع تر مجامع بین المللی و سازمان های حقوق بشر در زمینه احقاق حقوق اشخاص و دولت ها تأکید می کند.

فرحناز امرالهی
آفرینش

ما چه کرده ایم ؟

«بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)» با انتشار بیانیه ای به مناسبت ۴ تیر، سالروز ربوده شدن دیپلمات های ایرانی در لبنان، خواستار رسیدگی جدی و عملی جهت روشن شدن سریع تر سرنوشت دیپلمات ها شد. در این بیانیه آمده است: «این حادثه، برگ سیاه دیگری بر دفتر جنایات صهیونیست سلطه گر در طول تاریخ معاصر و ضربه حزن انگیزی به پیکره انقلاب مابود. آیا ما جزیک بیانیه و اظهار محکومیت تکراری بی اثر، کار دیگری انجام دادیم؟ روند پی گیری وزارت خارجه و دولت، چه اثر مثبتی را در این زمینه به همراه داشته؟ قوه قضائیه ما چه اقدام متقابلی را انجام داده و ما پس از ۱۹ سال، از دیپلمات های خود چه می دانیم؟»

سیاست روز

درخواست نویسندگان و روزنامه نگاران عرب

رئیس اتحادیه نویسندگان لبنان و نائب رئیس اتحادیه روزنامه نگاران عرب، ربودن خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی و سه دیپلمات ایرانی را در لبنان، نقض حقوق بشر خواند. «ملحم کرم» ادامه بازداشت این افراد را اقدامی ضد انسانی و مغایر اصول اخلاقی دانست و افزود: «من به نمایندگی

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۳۹

ازسوی همه نویسندگان و روزنامه‌نگاران لبنان، از ربایندگان می‌خواهم این افراد را آزاد نمایند تا به آغوش خانواده خود بازگردند.»

سیاست‌روز

بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، یاد گروگان‌های ایرانی را گرامی داشت

«بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس»، با صدور بیانیه‌ای، یاد حاج‌احمد متوسلیان و همراهان وی را در سالروز ربوده شدن آنان توسط رژیم صهیونیستی، گرامی داشت. بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، یک‌باردیگر توجه مجامع بین‌المللی را به این جنایت تاریخی معطوف داشته و ضمن محکوم کردن این اقدام ضدانسانی، خواستار پی‌گیری مجدانه وزارت امور خارجه در خصوص روشن شدن وضعیت دیپلمات‌های ایرانی شده است.

قدس

نماز جمعه تهران

حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه ۱۵ تیرماه گفت: «یکی از مسائل مهم که مناسبت دارد، مفقود شدن و اسیر شدن تعدادی از عزیزان ما در لبنان است... در لبنان فرزندان انقلابی مردم را اسیر کردند، خبرهای متناقض پخش کردند که یا اینها را شهید کردند یا به اسرائیل بردند و یا چه کردند... بحث مهم این است که آمریکا با این پرونده‌اش الان چه کار می‌کند و ما تعجب می‌کنیم که چرا در ایران یک حرکت اساسی الان انجام نمی‌شود. می‌بینید آمریکایی‌ها دارند روزبه‌روز دادگاه تشکیل می‌دهند، یک‌کسی پیدا می‌شود شکایت می‌کند مثلاً می‌گوید قوم و خویش ما در لبنان گروگان گرفته شده، چون ایران در لبنان نفوذ دارد، پس ما از ایران شکایت می‌کنیم. حالا ارتباطش با ایران این است، چون ایران در لبنان نفوذ داشته ما از ایران شکایت می‌کنیم. یک دادگاه مثل دادگاه‌های بلخ در آمریکا تشکیل می‌شود برای آدم این‌جوری دویست سیصد میلیون دلار ایران را محکوم می‌کنند که باید خسارت بدهند و این تکرار شده است. این خیلی حرف مهمی است. آمریکا هم استدلالش این است که بخشی از مردم لبنان شیعه و حزب‌اللهی هستند و آنها با مردم ایران روابط حسنه دارند. این هم استدلال است و چیز دیگری در آن نیست. خب ما چرا این شکایت را نمی‌کنیم؟ تا یک مدتی گفته می‌شد که ما قانون نداریم، مدتی پیش مجلس قانونی گذرانده و ابلاغ هم شده و تعجب می‌کنم که بعد از آن چرا اقدام نمی‌شود؟ این چهار نفری که الان بیش از ۲۰ سال است که مفقود هستند، از آن گروگان‌هایی که آمریکا برای آنها هریکی‌شان دویست تا سیصد میلیون دلار در دادگاه خویش حکم صادر می‌کند، ما چرا نداشته باشیم؟ چرا از اینها خسارت نگیریم؟»

جمهوری اسلامی

۱۴۰ □ کمین جولای ۸۲

۱۳۸۰/۴/۱۷ = ۸ جولای ۲۰۰۱

آیا اخوان هم خبرنگار بود؟

هیئت‌رئیس‌ه محترم انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، به هرمناسبتی که کمی رنگ و بوی سیاسی هم‌دارد، چندین بیانیه صادر می‌کند، یا وقتی که سرنوشت یک روزنامه‌نگار در داخل کشور با ابهام مواجه می‌شود، تلاش و پی‌گیری مجدانه‌ای - که البته اگر سیاسی نباشد کاملاً ستودنی است - را ترتیب می‌دهد. اما روزنامه‌نگاران حقیقی، قشر ساده‌ای هستند که همواره مورد تعرض افراد و گروه‌ها واقع شده‌اند و هیچ‌گاه و هیچ‌کس نیز در صدد دفاع از آنان بر نیامده است. به هر حال، در نوزدهمین سالگرد بوده‌شدن کاظم اخوان عکاس خوب و پرتلاش خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران به دست نیروهای فالانژلبان، انتظار می‌رفت که هیئت‌مدیره محترم انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، حداقل با صدور اطلاعیه‌ای یاد او را گرامی بدارند، اما دریغ و افسوس که فعالیت‌ها و موضع‌گیری‌های نه چندان صنفی، این فرصت را به دوستان محترم نمی‌دهد تا به یکی از اعضای خانواده مطبوعات فکر کنند که اینک ۱۹ سال است در فضایی مبهم و در زندان‌هایی که حتماً با زندان‌های ایران کاملاً متفاوت است، با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند. باور کنید کاظم هم مثل من و شما خبرنگار بود، البته تفاوت‌های زیادی نیز با ما داشت. او جانش را کف دست گرفته بود، تا آزادانه ابراز عقیده کند. اگر به عکس‌های او نگاه کنید، این آزادی را حتماً می‌بینید. کاظم بدون ترس به عمق جبهه دشمنان هجوم می‌برد و گاهی حتی پیش‌تر از نیروهای رزمنده، خود را به میان عراقی‌ها می‌رساند تا از فرار و کشته شدن و شلیک آنها عکس بگیرد. او می‌خواست آزادانه بگوید که چطور رزمندگان ایرانی از جان می‌گذرند و سربازان بعثی، چگونه کم‌طاقت‌اند و همه این حرف‌ها را با آزادی و آزادی خود فریاد کرد. اینها را من نمی‌گویم، عکس‌های اخوان است که این‌گونه فریاد می‌زند. البته اگر گوش شنوا و چشم‌بینایی برای شنیدن و دیدن حق داشته باشیم. کاظم در راه آزادی عقیده و آزادی بیان، آن‌گونه که در شان یک خبرنگار است، به لبنان سفر کرد و ندای آزادمنشی برآورد، اما دوستان ما گویی اینک در هیاهوی مسائل سیاسی فرصتی برای شنیدن این صدا ندارند. دوستان هیئت‌رئیس‌ه انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، در بیانیه‌های خود برای سیاست‌مدارانی که این روزها در پوشش روزنامه‌های حزبی فعالیت می‌کنند، آن‌چنان فریاد آزادی‌خواهی برمی‌آورند که گویی کسی غیر از آنها در فکر آزادی بیان و عقیده و روزنامه‌نگاران نیست، ولی همین افراد به‌همین سادگی از کنار اخوان می‌گذرند. شاید اصلاً او را به یاد هم نداشته باشند. از دوستان عزیز هیئت‌مدیره انجمن صنفی می‌خواهم که تا دیر نشده و روزنامه‌نگاران ما از روزنامه‌نگاران غرب در حمایت از گروگان‌های ایرانی عقب‌نیفتاده‌اند، اقدام به صدور اطلاعیه‌ای نمایند و پیام‌همدردی این قشر را با خانواده‌های آن عزیزان به گوش همگان برسانند. گرچه شایسته‌تر آن است که هیئتی از سوی انجمن موظف به پی‌گیری سرنوشت یکی از همکاران صبور و آزاداندیش صنف روزنامه‌نگار شود.

حمید باباوند

سیاست‌روز

تا ابد سیزمانده خاطره‌ها

در صفحه جبهه و جنگ این روزنامه، بخشی از کتاب «همپای صاعقه» درباره چگونگی اسارت حاج‌احمد متوسلیان و همراهانش به چاپ رسیده‌است.

جمهوری اسلامی

۱۳۸۰/۴/۱۹ = ۱۰ جولای ۲۰۰۱

تلاش‌های تازه در لبنان برای تعیین سرنوشت چهار ایرانی مفقودشده

ناپدیدشدن چهار ایرانی در سال ۱۹۸۲ در نزدیکی بیروت، به یکی از موضوعات روز در محافل سیاسی لبنان تبدیل شده‌است. به گزارش رادیوآلمان، در سال ۱۹۸۲ هنگامی که بخش بزرگی از لبنان به اشغال اسرائیل درآمده بود، کاظم اخوان روزنامه‌نگار و محسن موسوی، احمد متوسلیان و تقی رستگار سه دیپلمات، در نزدیکی بیروت به اسارت فالانژهای لبنان درآمدند. در جریان اشغال لبنان، نیروهای ملی لبنان که به فالانژها شهرت یافتند، با نظامیان اسرائیل همکاری نزدیک داشتند. دولت ایران می‌گوید افراد مذکور به اسرائیل منتقل شده و در حال حاضر نیز در اسارت اسرائیل به سر می‌برند. در سال ۱۹۸۶ یک سخن‌گوی نیروهای ملی لبنان در بیروت، اعلام کرد که چهار ایرانی یادشده بلافاصله پس از دستگیری به قتل رسیدند. این موضوع چند روز بعد از سوی مسئولان دیگر در نیروهای ملی لبنان تکذیب شد. خلیل خوری مدیر خبرگزاری ملی لبنان، در مصاحبه‌ای مطبوعاتی در بیروت، خواستار دخالت مراجع بین‌المللی برای روشن شدن سرنوشت ۴ ایرانی ناپدیدشده در لبنان گردید. خوری که به مناسبت نوزدهمین سالگرد ناپدیدشدن چهار ایرانی یادشده در بیروت سخن می‌گفت، از سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد، خواست که برای روشن شدن سرنوشت این چهار ایرانی به اقداماتی دست بزنند. وی اسرائیل را مسئول ناپدیدشدن چهار ایرانی مذکور دانست. مدیر خبرگزاری ملی لبنان در عین حال دولت لبنان را به انجام تلاش‌هایی در این زمینه فراخواند.

خراسان

دیدار خانواده‌های دیپلمات و خبرنگار ربوده‌شده در لبنان با رئیس مجلس

خانواده‌های سه دیپلمات و یک خبرنگار ربوده‌شده توسط مزدوران رژیم صهیونیستی در لبنان، روز دوشنبه با آقای مهدی کروبی رئیس مجلس شورای اسلامی دیدار و گفت‌وگو کردند. به گزارش اداره کل فرهنگی و روابط عمومی مجلس، در این دیدار آقای کروبی با اشاره به جنایات وحشیانه رژیم صهیونیستی در کشتار مسلمانان بی‌دفاع و اشغال سرزمین‌های آنان، بر ضرورت روشن شدن وضعیت این عزیزان پس از گذشت نوزده سال از اسارت آنان، تاکید کرد. رئیس مجلس افزود:

۱۴۲ □ کمین جولای ۸۲

«رژیم صهیونیستی با به اسارت درآوردن این عزیزان در لبنان، نشان‌ننگین دیگری را بر جنایات خود ثبت کرد که بدون شک از حافظه تاریخی جهانیان فراموش نخواهد شد.»
آقای کروبى ضمن تقدیر از کلیه تلاش‌هایی که تاکنون در خصوص روشن‌شدن وضعیت دیپلمات‌ها و خبرنگار به اسارت درآمده انجام گرفته، خاطر نشان ساخت با توجه به شواهد و قرائن موجود که مبنی بر زنده بودن این عزیزان است، وظیفه همه ما پی‌گیری مستمر و مداوم تا روشن‌شدن سرنوشت نهایی آنان می‌باشد. آقای کروبى در پایان با تاکید بر تشکیل کمیته‌ای در مجلس شورای اسلامی به منظور پی‌گیری وضعیت دیپلمات‌ها و خبرنگار ربوده‌شده، اظهار امیدواری کرد با تلاش نمایندگان مجلس، گام‌های اساسی در این زمینه برداشته شود.

خراسان

۱۱ جولای ۲۰۰۱ = ۱۳۸۰/۴/۲۰

بی‌اهمیتی به بچه‌های اسیر در لبنان

باز هم چهاردهم تیرماه دیگری آمد و رفت و آب از آب تکان نخورد! حتی مدعیان اصلاحات که برای یک روزنامه‌نگار متخلف آن همه دل می‌سوزانند، به خودشان زحمت ندادند بیرسند بالاخره تکلیف کاظم اخوان چه شد؟! همان خبرنگار عکاس دربند رژیم صهیونیستی که ۱۹ سال است به همراه برادران سید محسن موسوی، احمد متوسلیان و تقی رستگار در دام رژیم صهیونیستی اسیر شده‌اند و کسی سراغ‌شان را نمی‌گیرد. خلاصه امیدواریم یک‌کسی پیدا بشود و خانواده‌های این عزیزان را از بلا تکلیفی بیرون بیاورد. این را هم بگویم که اگر رشادت‌ها و جان‌فشانی‌های این بچه‌های مظلوم نبود، الان مملکتی نبود و روزنامه‌نگاری هم نبود! پس یادمان باشد که ولی نعمت‌های خودمان را بشناسیم.

هفته‌نامه یالثارات الحسین (ع)

۱۲ جولای ۲۰۰۱ = ۱۳۸۰/۴/۲۱

شقایق گمشده

«الف. حسین‌زاده» بخشی از کتاب درانتهای افق نوشته حسین بهزاد، پیرامون شخصیت حاج احمد متوسلیان را نقل کرده‌است.

هفته‌نامه شما

۱۸ جولای ۲۰۰۱ = ۱۳۸۰/۴/۲۷

نخل‌های سر جدا یادش بخیر!

«سیده گمنام» در مقاله انتقادی خود، کتاب «مرد» رمان زندگی حاج احمد متوسلیان نوشته «داود امیریان» را به نقد و رد کشیده‌است.

هفته‌نامه یالثارات الحسین (ع)

۱۹ جولای ۲۰۰۱ = ۱۳۸۰/۴/۲۸

۱۹ سال درانتظار، شهادت یا اسارت

صفحه «عشقستان» این روزنامه، به انگیزه سالروز اسارت حاج‌احمد متوسلیان، شرحی از زندگی وی را منتشر کرده است.

قدس

شیشه‌های دلم بی‌تو شکسته است

«سمیه عبدیایی» از قم، به بهانه بیستمین سالگشت اسارت چهارگروگان‌ایرانی، مقاله‌ای احساسی تقدیم به حاج‌احمد متوسلیان نگاشته است.

جمهوری اسلامی

بیانیه یک تشکل دانشجویی پیرامون اسارت طولانی مدت دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی در لبنان و بی‌مسئولیتی مجامع بین‌المللی

«بسیج دانشجویی دانشگاه علامه طباطبایی» با انتشار بیانیه‌ای، از مجامع بین‌المللی بویژه سازمان دفاع از حقوق بشر خواست تا نهایت تلاش خود را برای آزادی چهار دیپلمات ربوده‌شده در لبنان به کار برند.

جمهوری اسلامی

۱۳۸۰/۵/۱۶ = ۷ اوت ۲۰۰۱

درخواست خانواده کاظم اخوان از خبرنگاران و رسانه‌ها

در آستانه روز خبرنگار، برادر کاظم اخوان در مصاحبه با خبرگزاری جمهوری اسلامی، انتظارات و توقع خانواده‌های دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی بخصوص کاظم اخوان عکاس و خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی را ذکر کرده است.

جمهوری اسلامی

هر روز، روز خبرنگار است

حسین اخوان، برادر کاظم اخوان خبرنگار ایرانی اسیر دربند صهیونیست‌ها، گفت: «باتوجه به حساسیت کار خبرنگاران، هر روز را باید روز خبرنگار نامید. مبارزه باتروریسم در دنیای غرب یک موضوع گزینشی است که صرفاً براساس منافع خودشان انجام می‌شود. چگونه است که اقدامات آشکار اسرائیل در نقض حقوق بشر، اعتراض کسی را بر نمی‌انگیزد و جامعه بین‌المللی از مسئولیت خود در قبال بزرگ‌ترین کشور ناقض حقوق بشر سر باز می‌زند؟»

اخوان ضمن تبریک فرارسیدن روز خبرنگار به خبرنگاران، گفت: «امیدوارم سال آینده که روز خبرنگار را گرامی می‌داریم، کاظم اخوان خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی نیز در جمع صمیمی خبرنگاران حضور داشته باشد.»

۱۴۴ □ کمین جولای ۸۲

جمهوری اسلامی

۱۳۸۰/۵/۱۷ = ۸ اوت ۲۰۰۱

یاد کاظم اخوان حماسه‌نگار جبهه‌های نبرد حق علیه باطل

همزمان با روز خبرنگار، روزنامه جمهوری اسلامی به شرح زندگی کاظم اخوان پرداخته است.

جمهوری اسلامی

حاج احمد همانجا بمان، تو اسیر دشمنانی و ما اسیر دوستان!

«حسین قربانی» در مقاله‌ای احساسی، به مقایسه حال و روز بسیجیان امروز با حال و روز احتمالی حاج احمد متوسلیان و همراهانش در زندان‌های اسرائیل پرداخته است و درد دل‌های خویش را در نامه‌ای خطاب به او، نگاشته است.

هفته‌نامه یالثارات الحسین (ع)

برادر کاظم اخوان در نامه‌ای به رئیس کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی، خواستار تشکیل کمیته حقیقت‌یاب شد

حسین اخوان، برادر کاظم اخوان، در نامه‌ای خطاب به «محسن میردامادی» رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، با انتقاد از عملکرد مجلس در دوره‌های چهارم و پنجم در قبال این مسئله، خواستار تشکیل کمیته حقیقت‌یاب شد. وی در قسمتی از این نامه که به مناسب ۱۷ مرداد روز خبرنگار نوشته شده، با اشاره به عملکرد دولت در قبال این مسئله، نوشته است: «اگر در یک کشور غربی این اتفاق می‌افتاد، برای دولتمردان آن یک خجالت و فاجعه ملی محسوب می‌شد، اما در کشور ما آب از آب تکان نمی‌خورد و حتی عملکرد ۱۹ ساله آنان در قبال این قضیه، یعنی طولانی‌ترین گروگان‌گیری عصر حاضر، در معرض ارزیابی و تحلیل قرار نمی‌گیرد.»

وی با تأکید بر این که نظارت، تصحیح، کنترل و ارزیابی سیاست خارجی یکی از وظایف مجلس شورای اسلامی خصوصاً کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی می‌باشد، گفت: «از نمایندگان مجلس می‌خواهیم که پس از ۱۹ سال وزارت امور خارجه را مکلف به پاسخ‌گویی کنند.» حسین اخوان با تشریح عملکرد مجلس در این مدت، نوشت: «اینک پس از گذشت ۱۹ سال تمام، انتظار ما از نمایندگان مجلس ششم به لحاظ ویژگی‌های خاص آن، انتظاری فراتر از مجالس قبلی است.»

وی در پایان این نامه اظهار امیدواری کرده است: «کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی کمک کند این تراژدی ۱۹ ساله پایان‌پذیرد و خانواده‌های منتظر و رنج‌دیده آنان پس از ۱۹ سال زندگی در برزخ بیم و امید و نگرانی، شاهد رهایی عزیزان خود باشند.»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۴۵

حسین اخوان در قسمتی از نامه خود پیشنهاد تشکیل کمیته حقیقت‌یاب متشکل از مسئولین ایرانی و لبنانی را داده و خواستار آن شده است تا با اعلام نتایج کار این کمیته به جهانیان، افکار عمومی دنیا اسرائیل را تحت فشار قرار دهد تا این تراژدی را پایان دهد.

خبرگزاری ایسنا

۱۳۸۰/۵/۱۹ = ۱۰ اوت ۲۰۰۱

نام‌گذاری دو مرکز فرهنگی جدیدالتاسیس به نام خبرنگار شهید محمود صارمی و جاویدالاثر کاظم اخوان

همزمان با ۱۷ مرداد روز خبرنگار، به منظور تجلیل و تکریم خبرنگار، دو باب مرکز فرهنگی تحت پوشش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در استان تهران، به نام خبرنگار شهید محمود صارمی و جاویدالاثر کاظم اخوان نام‌گذاری شد. این دو مرکز فرهنگی کتابخانه-مجتمع فرهنگی هنری، در هفته دولت، افتتاح شده، مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت.

خبرگزاری ایسنا

۱۳۸۰/۶/۱۴ = ۵ سپتامبر ۲۰۰۲

چرا کاظم اخوان را از یاد برده‌ایم؟

بیست سال از اسارت کاظم اخوان به دست نیروهای صهیونیستی در لبنان و انتقالش به اسرائیل می‌گذرد. من این جمله را به همین راحتی می‌گویم و تو به همان راحتی می‌شنوی. بدون این که لحظه‌ای با خود فکر کنیم بیست سال یعنی چه؟ بیست سال یعنی این که حالا حتی دوستان و آشنایانش هم وقتی می‌خواهند دفترچه تلفن خود را پاک‌نویس کنند، نام او را وارد دفترچه جدیدشان نمی‌کنند. به همین راحتی نام اخوان را از دفترچه تلفن خود خارج می‌کنند، بدون این که از خود بپرسند: راستی! کاظم کجاست، چه می‌کند؟ به همان راحتی که دوستانش نام او را از دفترهای تلفن خود حذف می‌کنند، سال‌هاست که من و تو نامش را از ذهن مان خارج کرده‌ایم...

بیست سال یعنی این که بچه‌هایی که همزمان با اسارت او متولد شده‌اند، حالا بیست ساله هستند اما بسیاری از آنها حتی نام او را هم نشنیده‌اند و عکس‌هایش را ندیده‌اند! عکس‌هایی که مظلومیت مردم فلسطین و لبنان را ثبت کرده‌است. هم من می‌دانم که بیست سال خیلی زیاد است، هم تو... آن قدر زیاد که برای جوان کردن یک نوزاد و پیرکردن یک جوان کافی است. اما آیا برای فراموش کردن کاظم اخوان، که هفت‌هزار روز در زندان‌های اسرائیل زندانی است هم کافی است... حتی اگر برای من و تو هم کافی باشد برای خانواده‌اش نه... می‌دانم که پدرپیرش دو دهه در بیم و امید زندگی کرد و پس از سال‌ها چشم‌انتظاری، آرزوی دیدار فرزندش را با خود به سینه سرد خاک برد... خانواده‌اش در نامه‌ای نوشته بودند: «باید خودتان در بیم و امید زندگی کرده‌باشید تا بدانید با آدمی چه می‌کند.»

۱۴۶ □ کمین جولای ۸۲

اخوان از ۲۰ سال پیش تاکنون گروگان اسرائیلی‌هاست و این یعنی طولانی‌ترین گروگان‌گیری دنیای امروز... اما هیچ‌کس حرفی از این طولانی‌ترین گروگان‌گیری دنیا به میان نمی‌آورد. تعارف به‌کنار! از بی‌تفاوتی دنیا حرف نمی‌زنم. از بی‌تفاوتی خودم و خودت حرف نمی‌زنم که حتی در روز خبرنگار هم یادی از خبرنگار عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی نکردیم... و حتی همکارانش فراموش کردند در سالگرد اسارتش، بیانیه‌ای به خاطر او روی تلکس‌ها بفرستند. سازمان‌ها و انجمن‌های بین‌المللی روزنامه‌نگاران به‌کنار که فراموش کرده‌اند در فهرست «خبرنگاران دربند» جایی هم به او بدهند، از انجمن‌های وطنی حرف نمی‌زنم که هرگز مراسمی به‌نام او ترتیب ندادند و خواهان پی‌گیری وضعیتش نشدند. حتی قصدند از سکوت دیپلماتیک در برابر دو دهه اسارت اخوان و سه دیپلمات ایرانی ربوده‌شده حرف بزنم، فقط می‌خواهم به‌خودم و خودت که همکاران اخوان هستیم انتقاد کنم که «سکوت رسانه‌ای چرا؟» حتی نمی‌خواهم در این باره حرف بزنم که خانواده‌کازم اخوان به‌گفته خودشان، از مجلس ششم انتظاری فراتر از مجالس دوره‌های قبل دارند و چشم‌امید به آن دوخته‌اند، که فقط می‌خواهم بگویم: «من و تو چرا همکار خود را از یاد برده‌ایم؟»

ژیلا بنی‌یعقوب

سایت اینترنتی گویانیز

۱۳۸۰/۸/۱ = ۲۳ اکتبر ۲۰۰۱

بیست سال پس از اسارت کاظم اخوان خبرنگار و عکاس دفاع مقدس

«شاهرخ سلطان‌احمدی» در این مقاله، ضمن شرح فعالیت‌های کاظم اخوان در دفاع مقدس، برخی از بی‌گیری‌های انجام شده را نیز آورده است.

جمهوری اسلامی

۱۳۸۰/۸/۲۲ = ۱۳ نوامبر ۲۰۰۱

زندگی‌نامه سردار رشید اسلام احمد متوسلیان

شرحی از زندگی حاج‌احمد متوسلیان از ولادت تا اسارت در لبنان، محتوای این مطلب را تشکیل می‌دهد.

جمهوری اسلامی

۱۳۸۰ = ژانویه ۲۰۰۲

عامل شهادت حاج‌احمد متوسلیان به‌هلاکت رسید

روز پنجشنبه ۴ بهمن ۱۳۸۰ خورشیدی مصادف با ۲۶ ژانویه سال ۲۰۰۲ میلادی، الیاس حبیقه معروف به ایلی حبیقه، و سه‌تن از محافظانش، بر اثر انفجار خودروی بمب‌گذاری‌شده در فاصله دویست‌متری خانه‌اش در منطقه «حازمیه» واقع در شرق بیروت، به‌هلاکت رسیدند. نام این دژخیم، شاید برای بسیاری از مردم کشورمان ناآشنا باشد، اما مردم لبنان و مبارزین قدیمی فلسطینی هنوز جنایات او و حزب‌فالاترئیس‌لبنان را از یاد نبرده‌اند. این حزب که متعلق به مسیحیان تندروی طایفه مارونی

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۴۷

می‌باشد، تحت رهبری فردی به نام بشیر جمیل در سال ۱۹۸۲ در دناک‌ترین صفحات جنگ داخلی لبنان را به سفاکی‌های خود مزین نمود. شاخه نظامی حزب فالاترئیست مارونی لبنان، تحت عنوان قوات اللبنانیه، در سال ۱۹۷۸ شکل‌گرفت و ایلی حبیقه، که یک مارونی‌تندرو بود، به این گروه شبه‌نظامی پیوست و در سال ۱۹۸۲ او دیگر نه یک چریک مسیحی ساده، بلکه از نزدیکان بشیر جمیل و فرمانده اطلاعات قوات اللبنانیه شده و دستش تا مرفق در خون مسلمانان لبنانی و فلسطینی فرو رفته بود. در همین سال بود که نیروهای تحت امر او، با دستور و هدایت و حمایت نظامیان اسرائیلی به فرماندهی آرییل شارون که بیروت را تحت اشغال خود داشتند، به دو اردوگاه فلسطینی صبرا و شتیلا حمله بردند و مردان و زنان و کودکان و حتی حیوانات آن را از دم تیغ گذراندند. تعداد مقتولین این حمله را بیش از ۳۵۰۰ نفر ذکر کرده‌اند. در پنجم جولای همان سال، فرمانده سپاهیان محمد رسول‌الله (ص) در لبنان، حاج احمد متوسلیان و کاردار سفارت ایران در لبنان سید محسن موسوی و خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران کاظم اخوان به همراه یک پاسدار دیگر به نام تقی رستگار مقدم، در حالی که با مجوز دیپلماتیک قصد عزیمت به سفارت ایران در بیروت را داشتند، در پست دژبانی ایجاد شده توسط قوات اللبنانیه در منطقه برباره متوقف شدند و به اسارت فالاترئیست‌های مارونی درآمدند. عصبیت‌های صلیبی آنان که با توحش صهیونیستی اسرائیلیان پیوند خورده بود، سرنوشتی جز شهادت برای این عزیزان رقم نمی‌زد. گرچه از آن تاریخ به بعد هیچ‌کس مستقیم و بلاواسطه‌ای از این چهارتن به دست نیامده است، اما اخبار موثق از منابع پراکنده، حکایت از آن داشت که چهارگروگان‌ایرانی (احتمالاً به جز سید محسن موسوی)، در همان روز یا چندروز بعد به دستور شخص ایلی حبیقه اعدام شدند و به این ترتیب جنایت ناجوانمردانه دیگری به سوابق خونین این شخصیت نفرت‌انگیز سیاسی و نظامی افزوده شد.

حبیقه، در سال ۱۹۸۱ در یک دوره آموزشی امنیتی که سازمان موساد در فلسطین اشغالی برپا کرده بود، شرکت کرد و پس از بازگشت به لبنان، به ریاست دستگاه اطلاعاتی شبه‌نظامیان مارونی قوات اللبنانیه منصوب شد. حبیقه که همواره به بوقلمون صفتی و خیانت شهرت داشت، با مسئولان بلندپایه رژیم صهیونیستی بویژه شارون، روابط گسترده و نزدیکی داشت و هنگام اشغال لبنان در سال ۱۹۸۲ توسط اسرائیل، در کاخ ریاست جمهوری لبنان با او دیدار کرد. وی چندین بار هم شخصاً به فلسطین اشغالی سفر و با مسئولان امنیتی و سیاسی این رژیم دیدار کرده بود. حبیقه بعدها به واسطه شورش یکی از دستیارانش به نام سمیر جعجع، از میان نیروهای خود گریخت و در شهر مسیحی «زحله» در شرق لبنان، ساکن شد و از کردار گذشته خود اظهار پشیمانی کرده! به فعالیت‌های سیاسی روی آورد و حزبی به نام «وعد» تشکیل داد. پس از پایان جنگ داخلی، حبیقه مورد عفو عمومی قرار گرفت و در سال ۱۹۹۰ وارد دولت لبنان شد، و حتی در سال ۱۹۹۴ به وزارت آب و برق رسید. وی در عین حال از سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۰۰ میلادی، نماینده مجلس لبنان هم بود. او قرار بود در

آینده نزدیک به بلژیک سفر کنند تا اطلاعات کامل خود را از دخالت مستقیم شارون در کشتار صبرا و شتیلا، در اختیار مسئولان قضائی و پارلمانی آن کشور قرار دهد.

امروز باگذشت نوزده سال از آن سال پر خون و آتش، این صلیبی کارگشته و خون آشام، به اراده ارباب سابق خود آرییل شارون، به قعدوزخ فرستاده شد. مرگ موجود جنایت پیشه‌ای چون او، مایه مسرت تمامی انسان‌ها و علی‌الخصوص مبارزان حقیقی استقلال لبنان و شیعیان این کشور می‌باشد. اما مسلماً تسلیی بر دل بسیجیانی که داغ سردار لشکر شکن خود - حاج احمد متوسلیان - را در دل دارند، نخواهد بود. یگانه فاتح خرمشهر، البته همان‌گونه که آرزوی کرد، به دست مزدوران اسرائیل به شهادت رسید و باردیگر دشنه صلیبیون، به دست یهودیان، بر پشت امت اسلام نشست. با این حال، مرگ این دژخیم بدون محاکمه و مجازات و افشاشدن جنایت‌هایش، مایه تاسف می‌باشد. ما هلاکت این دشمن خدا و انسان‌های خداجو و عامل شهادت فاتح خرمشهر و همراهانش را به پیشگاه امام زمان (عج) و همه مسلمانان جهان و علی‌الخصوص خانواده‌های چهار شهید ایرانی و شهدای اردوگاه‌های صبرا و شتیلا تبریک می‌گوییم.

هفته‌نامه صبح دو کوه

۱۳۸۰/۱۱/۱۰ = ۳۰ ژانویه ۲۰۰۲

نامه برادر کاظم اخوان خبرنگار دربند رژیم صهیونیستی، به کمیسیون حقوق بشر اسلامی

برادر کاظم اخوان، در نامه‌ای خطاب به کمیسیون حقوق بشر اسلامی خواستار پی‌گیری وضعیت برادر خود شد. حسین اخوان در این نامه در تشریح وضع برادرش می‌نویسد: «نزدیک ۲۰ سال از ربوده شدن برادرم کاظم اخوان، خبرنگار ایرنا و سه دیپلمات همراه او سید محسن موسوی، احمد متوسلیان و تقی رستگار مقدم توسط نیروهای فالانژ در لبنان و انتقال آنان به اسرائیل می‌گذرد و متأسفانه سرنوشت آنان همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.»

وی با اشاره به درخواست خانواده این افراد برای تشکیل کمیته حقیقت‌یاب، از بی‌توجهی مسئولین انتقاد کرده و در ادامه نامه می‌نویسد: «پس از گذشت بیش از ۶ ماه از تاریخ مکاتبه با رئیس جمهوری محترم جناب آقای خاتمی و رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی جناب آقای میردامادی، هیچ‌گونه پاسخ یا نتیجه‌ای به ما اعلام نشده است.» اخوان در پایان این نامه خواستار تلاش کمیسیون حقوق بشر اسلامی برای پی‌گیری این امر شده است.

خبرگزاری ایسنا

۱۳۸۰/۱۱/۱۱ = ۳۱ ژانویه ۲۰۰۲

چهار دیپلمات ایرانی احتمالاً به اسرائیل منتقل شده‌اند

شنیدیم که ایلی حبیقه که هفته پیش در بیروت ترور شد، پیش از کشته شدنش در گفت‌وگو با روزنامه «الحیات» چاپ لندن گفته: «چهار دیپلمات ایرانی پس از ربوده شدن در لبنان، احتمالاً به اسرائیل منتقل شده‌اند.»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۴۹

به‌نوشته الحیات، ایلی حبیقه مسئول‌بخش‌امنیتی گروه‌منحله نیروهای لبنانی، اضافه کرده: «من از سمیر جعجع فرمانده گروه‌منحله نیروهای لبنانی درباره چهاردیپلمات ایرانی ربوده‌شده شنیدم که آنها به‌منطقه بیروت شرقی برده‌شده و از آنجا نیز خارج شده‌اند. جعجع در دوران جنگ داخلی دارای زندان‌های متعددی بود که افراد مشکوک و فعالان نظامی را در آن نگاه می‌داشت.»

این روزنامه نوشته: «وی ضمن تکذیب اظهارات سمیر جعجع آخرین فرمانده شبه‌نظامیان یادشده که پیش‌تر گفته بود چهار دیپلمات ایرانی را به حبیقه تحویل داده است، گفته: «من هرگز ایرانی‌های ربوده‌شده را ندیدم و در منطقه زیرکنترل من نبوده‌اند.»

ایران

۱۳۸۰/۱۲/۱۸ = ۸ مارس ۲۰۰۲

او خواهد آمد

دوقطعه شعر با عناوین «او خواهد آمد» و «دلم برایت آواز می‌خواند» به‌یاد حاج‌احمد متوسلیان منتشر شده است.

سیاست‌روز

۱۳۸۰/۱۲/۲۵ = ۱۵ مارس ۲۰۰۲

حاجی قصه ما از یاد رفته بود...

«نرگس بزرگ‌خو» در مقاله‌ای احساسی، به زبان‌حال خانواده متوسلیان درقبال بیست‌سال دوری او پرداخته است.

سیاست‌روز

سال ۱۳۸۱ هـ ش
۲۰۰۲ = ۲۰۰۳ م

۱۳۸۱/۲/۵ = ۲۵ آوریل ۲۰۰۲

برای آزادی دیپلمات‌های ایرانی در جنگال اسرائیل، کاری کنید!

این روزنامه، گفت‌وگوی مفصلی با خانم مریم مجتهدزاده، همسر سید محسن موسوی انجام داده‌است.
(ضمیمه ۳۴)

رسالت

۱۳۸۱/۲/۲۸ = ۱۸ مه ۲۰۰۲

کوله‌بار شرمساری‌ها

این روزنامه شعری سروده «علیرضا قزوه» را به حاج احمد متوسلیان تقدیم کرده‌است.

سیاست‌روز

۱۳۸۱/۳/۸ = ۲۹ مه ۲۰۰۲

وقایع‌نگار سوم خرداد در سالروز خرمشهر هم گمنام‌ماند!

شاهرخ سلطان‌احمدی، با شرح پی‌گیری‌های انجام شده درباره اسارت کاظم اخوان، نقش او را در ثبت حماسه فتح خرمشهر یادآور شده‌است.

(ضمیمه ۳۵)

کیهان

۱۳۸۱/۳/۱۱ = ۱ ژوئن ۲۰۰۲

۳۵ روز تا...

«حمید اسلامی» به یاد حاج احمد متوسلیان شعری احساسی سروده‌است.

سیاست‌روز

۱۳۸۱/۳/۱۸ = ۸ ژوئن ۲۰۰۲

۲۷ روز تا...

بخشی از مکالمات بی‌سیم حاج‌احمد متوسلیان با شهید «محمد ابراهیم همت» در عملیات فتح‌المبین با عنوان «آخرین حرف‌ها»، درج شده است.

سیاست‌روز

تیر ۱۳۸۱ = جولای ۲۰۰۲

بیست سال گذشت

در این مقاله به اخبار و نظرات پیرامون سرنوشت گروگان‌ها در ۲۰ سال گذشته پرداخته شده است. هفته‌نامه صبح‌دو کوهه

تیر ۱۳۸۱ = جولای ۲۰۰۲

از کاظم اخوان چه خبر؟!

حسین اخوان، در گفت‌وگوی اختصاصی و مفصل با مجله فکه، به شرح کامل پی‌گیری‌های انجام شده در ۲۰ سال گذشته پیرامون سرنوشت کاظم اخوان پرداخته است.

(ضمیمه ۳۶)

ماهنامه فکه

تیر ۱۳۸۱ = جولای ۲۰۰۲

خبرنگار کیست؟!

حمید داودآبادی، به انتقاد از برخورد مطبوعات داخلی با مقوله خبرنگار نسبت به کاظم اخوان پرداخته است.

(ضمیمه ۳۷)

ماهنامه فکه

تیر ۱۳۸۱ = جولای ۲۰۰۲

چه کسی پاسخ‌گوست؟!

حمید داودآبادی، با عنوان کردن اسامی و مشخصات افرادی که در جریان گروگان‌گیری دیپلمات‌های ایرانی نقش داشته‌اند، سوال کرده است که چرا کسی از آنها پرس‌وجو نکرده است؟ ماهنامه فکه

تیر ۱۳۸۱ = جولای ۲۰۰۲

چه کسانی از مرگ ایلی حبیقه سود می‌برند؟!

حمید داودآبادی، در این مقاله به بررسی نظرات مختلف پیرامون مرگ ایلی حبیقه مسئول گروگان‌گیری دیپلمات‌های ایرانی پرداخته است.

(ضمیمه ۳۸)

۱۵۲ □ کمین جولای ۸۲

ماهنامه فکه

۱۳۸۱/۴/۱ = ۲۲ ژوئن ۲۰۰۲

۱۴ روز تا ...

«نجمه قیداری» در مقاله‌ای احساسی، از حاج احمد متوسلیان یاد کرده است.

سیاست‌روز

استمداد خانواده کاظم اخوان از رئیس جمهوری

خانواده کاظم اخوان با انتشار نامه‌ای سرگشاده خطاب به سید محمد خاتمی رئیس جمهوری، خواستار توجه بیشتر دولت به مسئله گروگان‌ها شده است.

(ضمیمه ۳۹)

انتخاب

۱۳۸۱/۴/۳ = ۲۴ ژوئن ۲۰۰۲

درخواست دانشجویان مسلمان از مجامع بین‌المللی برای آزادی اسرای ایرانی در اسرائیل

«ستاد مرکزی کنگره بزرگداشت شهدا، اسرا و مفقودین دانشگاه‌های جهان اسلام»، از مقامات کشور، یونسکو و همچنین از اعضای هیئت‌های علمی و دانشجویان دانشگاه‌های سراسر جهان، در بیانیه‌ای درخواست کرده است تا برای آزادی احمد متوسلیان و همراهان اسیر وی در زندان‌های اسرائیل، اقدام فوری کنند. بیانیه، رژیم اشغالگر قدس را مسئول حفظ جان و سلامتی اسیران ایرانی دانسته و خواستار اقدام سازمان‌های بین‌المللی برای آزادی آنان شده است. در این بیانیه اسارت ایرانیان در بند اسرائیل، طولانی‌ترین اسارت دانشجویی جهان توصیف شده است.

جمهوری اسلامی

۱۳۸۱/۴/۴ = ۲۵ ژوئن ۲۰۰۲

وزارت خارجه برای پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده ایرانی در لبنان چه کرده است؟

حسین اخوان برادر کاظم اخوان، در گفت‌وگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی، از عدم توجه کافی وزارت خارجه و مسئولین ذیربط به مسئله گروگان‌های ایرانی انتقاد کرده است.

جمهوری اسلامی

تشکیل هیئت تحقیق

هیئتی از سوی کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی مجلس شورای اسلامی به ریاست محسن آرمین جهت تهیه گزارشی پیرامون آخرین وضعیت چهار دیپلمات ایرانی ربوده شده در لبنان، تشکیل شد.

سایت اینترنتی امام موسی صدر

۱۳۸۱/۴/۱۰ = ۱ جولای ۲۰۰۲

سفیر گمشده عشق، امان اگر که بیایی!

«رضا تنها» در نوشته احساسی خود، به این مسئله پرداخته است که اگر حاج احمد متوسلیان پس از بیست سال دوری و اسارت به تهران بازگردد، هنگام روبه‌رو شدن با اوضاع اجتماعی و سیاسی جامعه، چه خون‌دلی خواهد خورد.

هفته‌نامه حریم

۱۳۸۱/۴/۱۱ = ۲ جولای ۲۰۰۲

خدا کند که بیایی

«عبدالحسین رحمتی» در مقاله‌ای احساسی برای سردار خوبی‌ها، حاج احمد متوسلیان، به یاد او نجوا کرده است.

ایران

ای وای بر اسیری کز یاد رفته باشد...

«فریبا پژوه» در مقاله کوتاه خود، به شرح زندگی و اسارت حاج احمد متوسلیان پرداخته است.

ایران

انتقاد خانواده کاظم اخوان از جامعه مطبوعاتی کشور

خانواده کاظم اخوان با ارسال نامه‌ای به رئیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، نسبت به عدم پی‌گیری سرنوشت وی از سوی مطبوعات انتقاد کردند. در این نامه آمده است: «بسیاری از مطبوعات که داعیه دفاع از خبرنگاران را دارند، آن‌چنان با سکوت و تسامح از کنار واقعه‌ای که ۷۳۰۰ روز از آن گذشته رد می‌شوند که گویی خبرنگاری که بیست سال پیش در لبنان ربوده شد، یک خاطره فراموش شده است و برای صاحبان منافع سیاسی، طرح و پی‌گیری سرنوشت او سود و زیانی ندارد.»

در ادامه این نامه سوال شده است: «مگر فلسفه وجودی تشکل‌هایی مانند انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، احقاق حقوق حقه روزنامه‌نگاران و خبرنگاران نیست؟ انجمن از ابتدای تاسیس برای روشن شدن سرنوشت کاظم اخوان چه کرده است؟ علیرغم درخواست سال گذشته ما در روز خبرنگار مبنی بر این که خبرنگاران و رسانه‌های داخلی همکار دربندشان را فراموش نکنند و دستگاه‌های ذیربط داخلی از جمله وزارت امور خارجه را به تحرک بیشتری وادارند، همچنان در بر همان پاشنه بیست سال گذشته می‌چرخد. اگر حرفه و جایگاه اجتماعی خبرنگاران اهمیت دارد، چرا مطبوعات حتی در روز خبرنگار توجه ندارند، همان‌طور که در مورد برخی از شهروندان و روزنامه‌نگاران شاهد حساسیت‌ها و اعلام نظرهای فراوان توسط مطبوعات هستیم، این برخورد دوگانه را چگونه باید توجیه کنیم؟ آیا این انتظار که چنین برخوردی در مواجهه با دیگر خبرنگاران و شهروندان نیز صورت گیرد، انتظار بی‌جایی است؟»

در پایان این نامه اظهار امیدواری شده است جامعه مطبوعاتی سرنوشت این خبرنگار را با جدیت بیشتری دنبال کند.

خبرگزاری ایسنا

۱۳۸۱/۴/۱۲ = ۳ جولای ۲۰۰۲

کاظم اخوان، گم شده در تاریکی بازی‌های سیاسی

ظاهراً سیاست و سیاست‌زدگی، همه چیزمان را تحت‌الشعاع قرار داده است و هر حرف و حرکت و رفتاری، تنها به اعتبار سیاسی بودنش ارزش و معنا می‌یابد. بدیهی است که در یک جامعه در حال گذر، اعتنا به سیاست و اندیشه‌سیاسی داشتن، اجتناب‌ناپذیر است و در جامعه‌ای که «بودن» در قالب نظم موجود را بر نمی‌تابد، و «شدن» را لازمه اثبات ماهیت تکامل‌گرای خود می‌داند، لزوماً نمی‌توان سیاست را یک‌سره واگذارد و خود به تابعی از متغیر سیاست‌های حاکم تبدیل شود. اما سیاست‌گرایی، مقوله‌ای جدا از سیاست‌بازی و سیاست‌زدگی است، و آنجا که پای حرمت‌های انسانی و حفظ ارزش‌هایی که اصالت خود را نه از سیاست و قدرت‌های سیاسی، بلکه از ماهیت قائم‌بذات خود برگرفته‌اند، بازی‌های سیاسی و سیاست‌بازی آزاردهنده است و به نوعی بیان‌گر این واقعیت که در بازار سیاست، همه اصول و ارزش‌ها باید قربانی شوند تا شاید نذری که برای تقرب به قدرت کرده‌ایم، پذیرفته شود و دعا‌های مان در آستانه قدرت، مستجاب. بدبختانه، این واقعیت را نمی‌توانیم نادیده بگیریم که همه ساختارهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور ما، زیر سایه سنگین سیاست و بازی‌های سیاسی، توان و ماهیت واقعی خود را از دست داده‌اند. این سایه سنگین، حتی تیرگی خود را تا آنجا کشانده است که «انجمن صنفی نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات»، برغم غیرقابل انکار بودن ماهیت سیاسی‌اش، وظایف روینایی خود را نیز از یاد برده و به جای پرداختن به آنچه که مسائل صنفی خوانده می‌شود، یک‌سره به سیاست گرائیده و حتی برای حفظ علت وجودی‌اش که حمایت از حقوق خبرنگاران و نویسندگان مطبوعات و تلاش در جهت تأمین مطالبات صنفی آنان است، تلاش قابل قبولی نشان نمی‌دهند.

بیست سال است که کاظم اخوان، خبرنگار و عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، به وسیله نیروهای اسرائیل ربوده شده و جز در مواردی به گه‌گاه، نه نامی از او به میان می‌آید و نه سخنی در مورد سرنوشتش، و این که بالاخره معلوم کنند که این خبرنگار و عکاس ایرانی چه سرنوشتی یافته است. در این بیست سال، گاهی به مناسبتی نامی از او به میان می‌آید و دیگر هیچ. و البته این انتظار که دستگاه‌های دیپلماسی کشور و وزارت امور خارجه که عهده‌دار حفظ منافع اتباع ایران در همه جای جهان است، در جهت یافتن ردپایی از او و آزاد کردنش و یا دست‌کم روشن کردن سرنوشت او اقدامی مؤثر انجام دهند، انتظار پرثمری نیست. اما انجمن صنفی نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات چرا اقدامی نمی‌کند، و یا اگر اقدامی شده است چرا حداقل برای آرامش خیال خانواده او چیزی نمی‌گویند. انجمنی که باید از حقوق اعضای خود دفاع کند، در مورد کاظم اخوان چه کرده است؟ به

کدام مرجع و سازمان بین‌المللی متوسل شده، کدام بیانیه جهانی را صادر کرده تا برای روشن کردن سرنوشت این خبرنگار ربوده‌شده بیشتر تلاش کنند؟ خبرنگاران و نویسندگان مطبوعات، از انجمنی که داعیه صنفی بودن و دفاع از حق صنفی اعضای خود را دارد، مطالبات بسیاری دارند، مطالباتی معوقه و شاید فراموش‌شده، و انتظار معجزه‌ای هم برای پاسخ‌گویی به این مطالبات ندارند، اما در مورد کاظم اخوان چه؟ آیا در این مورد هم باید همچنان به انتظار نشست تا دوران فعالیت‌های سیاسی به سرآید و آن وقت نوبت به حقوق صنفی خبرنگاران و نویسندگان مطبوعات برسد؟
توسعه

چشم‌انداز بسته در مقابل چشمانی باز

برادران کاظم اخوان، طی نامه‌ای به انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، نسبت به کم‌توجهی مطبوعات و تشکل‌های صنفی حامی روزنامه‌نگاران به موضوع ۴ گروگان‌گیری ایرانی در اسارت رژیم صهیونیستی، نکات قابل توجهی را بیان کرده‌اند.

(ضمیمه ۴۰)

سیاست‌روز

۱۳۸۱/۴/۱۳ = ۴ جولای ۲۰۰۲

برگزاری مراسم سالگرد اسارت چهارگروگان‌گیری ایرانی در بند رژیم صهیونیستی

این روزنامه خبر از برگزاری این مراسم از سوی موسسه فرهنگی عاشورا در این روز در تهران داده است.

ایران

رژیم صهیونیستی مسئول سرنوشت ۴ تبعه ربوده‌شده ایرانی است

در آستانه سالگرد ربوده‌شدن چهارتن از اتباع و دیپلمات‌های ایرانی توسط عمال رژیم صهیونیستی در لبنان، سخن‌گوی وزارت امور خارجه کشورمان اعلام کرد: «جمهوری اسلامی ایران رژیم صهیونیستی را مسئول مستقیم سرنوشت اتباع خود می‌داند.»

«حمیدرضا آصفی» سخن‌گوی وزارت امور خارجه، با یادآوری بیستمین سالگرد غم‌انگیز ربوده‌شدن اتباع و دیپلمات‌های کشورمان در لبنان، با اشاره به تلاش شوم محافل سیاسی صهیونیستی و نیروهای وابسته به آنها برای بستن و به فراموشی سپردن این آدم‌ربایی آشکار، که با هماهنگی و حمایت تروریسم دولتی اسرائیل صورت گرفت، بودن اتباع کشورمان را مغایر با همه مقررات کنوانسیون‌های بین‌المللی بویژه کنوانسیون حقوق کنسولی و دیپلماتیک دانست.

وی تصریح کرد: «با توجه به شواهد و قرائن موجود در انتقال گروگان‌های ایرانی به فلسطین اشغالی، بدیهی است که رژیم صهیونیستی در این مورد مسئولیت مستقیم دارد و باید بدون هیچ‌قید و شرطی

درخواست سازمان‌های حقوق بشر و صلیب سرخ جهانی برای روشن شدن سرنوشت این عزیزان را گردن نهد. جمهوری اسلامی ایران، همچنین از دولت‌های لبنان و سوریه و همه دولت‌های دوست و سازمان‌های حقوق بشر و صلیب سرخ جهانی می‌خواهد که همه امکانات خود را برای اعمال فشار بر رژیم غاصب صهیونیستی برای روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی به کار گیرند.»

سخن‌گوی وزارت امور خارجه کشورمان، ضمن ابراز همدردی با خانواده‌های چهار دیپلمات ربوده شده که در طول این سال‌های دراز، دوری و انتظار آنان را تحمل کرده‌اند، تاکید کرد: «وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران دفاع و حمایت از حقوق شهروندان ایرانی را یکی از اصول و وظایف خود می‌داند و با همه امکانات خود در این جهت تلاش می‌کند. علاوه بر این اقدامات در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، نیز موضوع سرنوشت دیپلمات‌های کشورمان را با همه مراجع داخلی ذیربط در دست پی‌گیری دارد و از هیچ تلاشی برای بازگرداندن این عزیزان به میهن اسلامی فروگذار نخواهد کرد.»

کیهان

حاج احمد متوسلیان در شبکه دوم سیما

«محمد رضا مهراندیش» فیلم مستند «برادر احمد» را که به شرح زندگی حاج احمد متوسلیان می‌پردازد، برای شبکه دوم سیما کارگردانی کرد که به مناسبت بیستمین سال اسارت او از تلویزیون پخش شد.

جام جم

پرونده راکد ۴ ایرانی ربوده شده روی میز مسئولان

این روزنامه خلاصه کوتاهی از مصاحبه حسین اخوان با خبرگزاری جمهوری اسلامی را به چاپ رسانده است که متن کامل آن در مجله فکه شماره ۳۰ منتشر شده است.

کیهان

دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی را از چنگال رژیم صهیونیستی نجات دهید

خانواده‌های دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی در لبنان، از دولت و مجامع بین‌المللی خواستند تا به وعده‌های خود برای آزادسازی دیپلمات‌های ایرانی از زندان‌های رژیم صهیونیستی عمل کنند. این روزنامه در آستانه سالگرد ربوده شدن دیپلمات‌های ایرانی، با خانواده‌های سید محسن موسوی و کاظم اخوان به گفت‌وگو پرداخته است.

(ضمیمه ۴۱)

جمهوری اسلامی

۱۳۸۱/۴/۱۵ = ۶ جولای ۲۰۰۲

ضرورت شکایت قربانیان ایرانی حمایت‌های آمریکا از جنایتکاران به دادگاه

«دکترسیدمحمد قدیری‌ایبانه» با اشاره به این‌که دادگاه‌های آمریکا در پی‌گیری پرونده مربوط به حملات لبنان و فلسطین علیه منافع آمریکا، جمهوری اسلامی ایران را به دلیل حمایت از گروه‌های لبنانی و فلسطینی به ۲/۵ میلیارد دلار غرامت محکوم کرده‌است، خواستار مقابله به مثل شده است. وی ضمن ارائه موارد گوناگون، می‌نویسد: «مثلاً خانواده‌های چهار دیپلمات ایرانی دربند رژیم صهیونیستی مناسب‌است که از آمریکا و رژیم صهیونیستی به دستگاه قضائی شکایت کنند. این دیپلمات‌ها در ۱۴ تیرماه ۱۳۶۱ در لبنان، توسط فالانژها ربوده شدند. در آن زمان فالانژها مورد حمایت رژیم صهیونیستی و آمریکا بودند. نه تنها ایرانیان، بلکه لبنانی‌ها نیز می‌توانند بابت جنایات فالانژها و جنایات رژیم صهیونیستی، از دولت آمریکا در دادگاه‌های کشور خود شکایت کنند. خانواده دیپلمات‌های ایرانی و نیز خانواده خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران که در افغانستان به دست طالبان به شهادت رسیدند نیز می‌توانند از آمریکا به دادگاه‌های کشورمان شکایت کرده و خواستار صدور حکم غرامت از آمریکا شوند.»

سیاست‌روز

۷۳۰۰ روز انتظار...

این روزنامه خلاصه‌ای از گفت‌وگوی مفصل با حسین اخوان پیرامون مسئله گروگان‌ها را منتشر کرده‌است.

حیات‌نو

آقای رئیس‌جمهوری، شنگول‌ها و منگول‌های ما کجایند؟!

«یگانه آوینی» در نامه‌ای احساسی، از رئیس‌جمهوری خواسته است که ماجرای ربوده‌شدن گروگان‌های ایرانی را پی‌گیری کند.

جمهوری اسلامی

مراسم گرامی‌داشت یاد و خاطره دیپلمات‌های اسیر ایرانی برگزار شد

«روح‌الله رادپور» فرمانده پایگاه مقاومت شهدای گمنام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در همایش گرامی‌داشت یاد و خاطره سردار سرلشکر پاسدار حاج‌احمد متوسلیان و سه‌همراه وی، گفت: «بر اساس اخباری که یک‌سال و نیم پیش دریافت کردیم، چند فلسطینی که از زندان عتلیت رژیم صهیونیستی آزاد شده بودند، به ما اطلاع دادند که چند ایرانی نیز دربند رژیم صهیونیستی هستند.»

۱۵۸ □ کمین جولای ۸۲

همایش گرامی داشت یاد و خاطره سردار سرلشکر پاسدار حاج احمد متوسلیان و همراهان وی، به مناسبت فرارسیدن ۱۴ تیرماه سالروز ربوده شدن این افراد، با حضور جمعی از فرماندهان سپاه پاسداران و میهمانانی از دفتر حماس و حزب الله لبنان، در فرهنگسرای اشراق برگزار شد. آفتاب یزد

سرنوشت چهارگروگان ایرانی ربوده شده در لبنان، در هاله‌ای از ابهام
خبرگزاری جمهوری اسلامی در بیروت، گفت وگویی با «محمدعلی سبحانی» سفیر ایران در لبنان، ترتیب داده و از پی‌گیری سرنوشت چهارگروگان ایرانی پرس و جو کرده است.

(ضمیمه ۴۲)

خبرگزاری جمهوری اسلامی

۱۳۸۱/۴/۱۶ = ۷ جولای ۲۰۰۲

روی خط اخبار

خبرنگار ایرنا در گزارشی از بیروت نوشت: «با سپری شدن ۲۰ سال از ربوده شدن چهاردیپلمات و خبرنگار ایرانی توسط عناصر همدست رژیم صهیونیستی در لبنان، سرنوشت آنها همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.»

تلکس خبرگزاری ایرنا

۱۳۸۱/۴/۱۷ = ۸ جولای ۲۰۰۲

متوسلیان، حقیقتی برگونه اساطیر

محمدعلی صمدی که مدت‌زیادی پیرامون زندگی‌نامه حاج احمد متوسلیان و مسئله اسارت او، تحقیق و بررسی کرده است، در گفت‌وگویی به‌ذکر و شرح برخی خاطرات و حوادث دوستان متوسلیان پرداخته است.

کیهان

موضوع اتباع ایرانی مفقود شده در لبنان پی‌گیری می‌شود

خانواده کاظم اخوان عکاس و خبرنگار ایرانی از مسئولان و رسانه‌های جمعی خواستند تا موضوع مفقود شدن آنان را پی‌گیری کنند. حسین اخوان برادر کاظم اخوان گفت: «از تیرماه سال گذشته پی‌گیری جدی این مسئله در دستور کار خانواده‌های مفقودین قرار گرفت. خانواده‌های ناپدیدشدگان به همین منظور با برخی از مسئولان دیدار و بر ضرورت تشکیل کمیته حقیقت‌یاب تاکید کردند.»

وی در عین حال از برخی نمایندگان مجلس به دلیل پی‌گیری موضوع مفقودین تقدیر کرد. به گفته وی، «تاجرنیا» نماینده مشهد در مجلس، در خصوص سرنوشت چهارگروگان ایرانی از وزیر امور خارجه

سوالاتی را طرح کرد و در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس کمیته‌ای برای پی‌گیری وضعیت سه دیپلمات و خبرنگار ربوده‌شده ایرانی تشکیل شده است. وی افزود: «شهادت این چهار نفر مستند نیست و تاکنون اخبار ضدونقیضی در این ارتباط در داخل و خارج از کشور منتشر شده اما آنچه برای ما اهمیت دارد، کشف حقیقت است.»

حیات‌نو

۱۳۸۱/۴/۱۹ = ۱۰ جولای ۲۰۰۲

چرا مسئولین و مطبوعات درباره ۴ گروگان‌ایرانی دربند صهیونیست‌ها سکوت کرده‌اند؟

«تشکل‌های اسلامی دانشگاه علم و صنعت» با صدور بیانیه مشترکی، از بی‌تفاوتی مسئولین و رسانه‌های داخلی نسبت به سرنوشت چهارگروگان ایرانی دربند رژیم صهیونیستی، انتقاد کردند. دربخش‌هایی از بیانیه این تشکل‌ها، آمده است: «حاج‌احمد متوسلیان، از سرداران افتخارآفرین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. پس از گذشت بیست‌سال از اسارت این سردار دلاور، آنچه بیش از سکوت سازمان‌های متولی سیاست خارجی دل را می‌گدازد، عدم تلاش سپاه پاسداران، برای مشخص شدن وضعیت این بزرگ مرد هشت‌سال دفاع مقدس می‌باشد. آیا شایسته نیست فرمانده محترم سپاه پاسداران که خود از هم‌زمان این سردار سرفراز می‌باشد، نگاهی دوباره به نحوه عملکرد نهاد تحت امرشان در قبال این موضوع داشته باشند؟ کاظم اخوان، خبرنگار رسمی خبرگزاری جمهوری اسلامی بوده است که در حین انجام مأموریت در لبنان، به اسارت درمی‌آید اما پس از گذشت این مدت زمان مدید از آن واقعه، دریغ از یک بیانیه یا موضع‌گیری لفظی از سوی این خبرگزاری در قبال این فاجعه! انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، که خود را منادی دفاع از حقوق روزنامه‌نگاران می‌داند، در سایت اینترنتی خود به هریک از روزنامه‌نگاران دربندی که همگی بنابر قانون قضائی کشورمان در حبس به سر می‌برند، آن هم در بهترین وضعیت رفاهی (غذا، موبایل، ملاقات‌های حضوری با خانواده و...)، قسمتی را اختصاص داده است، اما گویا این سایت لیاقت و ظرفیت پذیرش نام کاظم اخوان را به‌عنوان یکی از فدائیان آرمان‌های ملت، نداشته است. شاید هم مطامع و منافع سیاسی گردانندگان این انجمن، مانع از این اقدام شده است. شرم‌آور نیست که انجمن بین‌المللی دفاع از آزادی مطبوعات در سایت اینترنتی خود قسمتی را به کاظم اخوان اختصاص می‌دهد، اما انجمن‌های صنفی مطبوعاتی در داخل کشور از این کار خودداری می‌ورزند؟! در مورد سید محسن موسوی نیز که دیپلمات رسمی وزارت امور خارجه و سرپرست سفارت ایران در لبنان به هنگام اسارت بوده است، وضع بهتر از این نیست. نحوه عملکرد و موضع‌گیری در قبال وضعیت این دیپلمات رسمی کشورمان، و نیز تراژدی غمناک‌تر عملکرد این وزارتخانه در مورد واقعه کشته شدن تعدادی از دیپلمات‌ها و خبرنگار ایرانی در سرکنسولگری ایران در مزارشریف، این تصور را ایجاد می‌کند که محور موضع‌گیری‌های این وزارتخانه از بناشدن توأم بر سه اصل عزت، حکمت و مصلحت، به سمت بناشدن بر محوریت راحتی و منفعت سوق پیدا کرده است. گویا این وزارتخانه

۱۶۰ □ کمین جولای ۸۲

که یکی از بزرگ‌ترین وزارتخانه‌های امور خارجه دنیا، با بیش از هفت هزار نفر پرسنل می‌باشد، نه تنها برای سرنوشت اتباع ایرانی در سایر کشورها ارزشی قائل نیست، برای دیپلمات رسمی خود نیز چنین ارزشی را متصور نمی‌باشد. زمانی که وضعیت در مورد سه نفر قبلی که هر یک به نحوی مرتبط با نهادها و سازمان‌هایی عظیم بوده‌اند، به این وخامت باشد، قطعاً باید انتظار وضعیت اسف‌بارتری را برای تقی رستگار که یک بسیجی پاک‌باخته و دل‌داده حاج‌احمد متوسلیان و راننده او بوده‌است، داشته باشیم. انتظار از بسیج برای پی‌گیری وضعیت این بسیجی و فدایی دین و ملت، انتظار تمامی دل‌سوختگان این شجره طیبه امام راحل (ره) می‌باشد.»

شایان ذکر است این بیانیه را کانون بسیج اساتید، بسیج دانشجویی، مجمع دانشجویان حزب‌الله، کانون قرآن و عترت و ستاد برگزاری کنگره شهدای دانشگاه علم و صنعت ایران، امضا کرده‌اند.

کیهان

بی‌نشان‌تر از اشک

نویسنده در مقاله خود، بیستمین سالروز ربوده‌شدن حاج‌احمد متوسلیان را گرامی داشته‌است.

رسالت

۱۳۸۱/۴/۲۵ = ۱۶ جولای ۲۰۰۲

نگاه‌متعالی به هنر

شاهرخ سلطان‌احمدی، در مقاله‌ای به مناسبت سالگرد اسارت کاظم اخوان، به نقش فعال او در دفاع مقدس و همچنین حضورش در لبنان اشاره کرده و به برخی فعالیت‌ها برای پی‌گیری مسئله مفقودی او پرداخته‌است.

ایران

دیدار هاشمی رفسنجانی با فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص)

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی، در دیدار با فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص)، با اشاره به گذشت ۲۰ سال از حادثه ربوده‌شدن حاج‌احمد متوسلیان و سه تن دیگر از اتباع کشورمان در لبنان که مصونیت دیپلماتیک داشته‌اند، خواستار فعال شدن مجامع بین‌المللی و جهانی برای مشخص شدن وضعیت آنان شد و تأکید کرد: «رژیم صهیونیستی و رسانه‌های جهانی هر روز برای خلبانی که هواپیمایش در حین بمباران لبنان سقوط کرده است، تبلیغات می‌کنند ولی در مورد چهار ایرانی که سرنوشت‌شان هنوز نامعلوم است و احتمال اسارت آنان توسط اسرائیل جدی است، سکوت کرده‌اند.»

رسالت

۲۹/۴/۱۳۸۱ = ۲۰ جولای ۲۰۰۲

برگزاری یادواره بیستمین سال اسارت متوسلیان و یک‌هزار شهید شهرستان مریوان
روز پنجشنبه ۲۷ تیرماه، مراسمی به مناسبت سالگرد اسارت حاج‌احمد متوسلیان فرمانده اسبق سپاه
مریوان، از سوی هم‌زمان وی، در این شهر برگزار گردید.

کیهان

۱۴/۵/۱۳۸۱ = ۵ اوت ۲۰۰۲

انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان خواستار پی‌گیری موضوع شهادت شهید صارمی و سرنوشت کاظم
اخوان شد

«انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان»، با صدور بیانیه‌ای، ضمن تبریک فرارسیدن روز خبرنگار، خواستار
پی‌گیری موضوع شهادت شهید محمود صارمی و سرنوشت کاظم اخوان شد. در بیانیه این انجمن
می‌خوانیم: «مطبوعات به‌عنوان وجدان‌بیدار جامعه، مسئولیت بس‌سنگین برعهده دارند و اگرچه
سنگینی فشارهای مادی و معنوی بر جامعه مطبوعات، هزینه حرکت مستقل و در راستای منافع واقعی
جامعه را هر روز سخت‌تر می‌کند، اما تعهد نسبت به اخلاق حرفه‌ای، بازشناسی منافع ملی از
منافع خطی و جناحی، حرکت در مسیر قانون و رعایت خطوط قرمز، خبرنگاران متعهد را در ایفای نقش
و وظیفه خود مصمم می‌سازد. اینک چندسالی از اسارت خبرنگار متعهد، کاظم اخوان و نیز
شهادت محمود صارمی خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی به‌دست عمال آمریکا و صهیونیسم
می‌گذرد. از شورای امنیت ملی کشور و دستگاه دیپلماسی کشور می‌خواهیم تا موضوع سرنوشت
و شهادت دو همکار ارجمند را مجدانه مورد پی‌گیری قرار دهد.»

خبرگزاری ایسنا

وای بر خبرنگاران اگر...

«محمدرضا آقابابایی» در مقاله خود، به وضعیت برخی خبرنگاران که به جرم‌های مختلف از جمله
جاسوسی و خیانت به کشور بازداشت شده‌اند پرداخته و مقایسه‌ای نیز با کاظم اخوان خبرنگار اسیر
در چنگال اسرائیل دارد.

هفته‌نامه حریم

پرستوی گمگشته

به مناسبت روز خبرنگار، شرحی کوتاه از زندگی کاظم اخوان ذکر شده است.

هفته‌نامه حریم

۱۷/۵/۱۳۸۱ = ۸ اوت ۲۰۰۲

۱۶۲ □ کمین جولای ۸۲

در انتظار عکاس اسیر کاظم اخوان

روزنامه سیاست‌روز، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی، با درج این مقاله، به توضیح وضعیت گروگان‌های ایرانی پرداخته است.

سیاست‌روز

۱۳۸۱/۵/۱۹ = ۱۰ اوت ۲۰۰۲

عدم آزادی گروگان‌ها ایران، برگی منفی در سیاست خارجی کشور است

برادر کاظم اخوان گفت: «عدم آزادی گروگان‌های مظلوم ایرانی همواره یک برگ منفی در سیاست خارجی کشور است.»

حسین اخوان، اقدامات انجام شده برای آزادی گروگان‌ها را پراکنده و مقطعی دانست و یادآور شد: «انتقاد ما به عملکرد مسئولان ذیربط حتی رسانه‌های جمعی، بجا و منطقی است. مسئولان یا نتوانسته و یا نخواسته‌اند که مسئله را حل کنند و ۲۰ سال از قضیه گذشته و هنوز سرنوشت گروگان‌ها روشن نشده است.»

اخوان دیپلماسی ایران در قبال گروگان‌های ایرانی را دیپلماسی تغافل نامید و یادآور شد: «قبل از آزادی گروگان‌های غربی در لبنان و چه بعد از آن، هیچ‌گاه موضوع چهارگروگان ایرانی جایگاه مناسبی در دیپلماسی وزارت امور خارجه نداشته است.»

وی در ادامه با اشاره به صدور بیانیه‌ای در اعتراض به بی‌توجهی مسئولان توسط خانواده‌های گروگان‌ها که در آن از مجلس شورای اسلامی و کمیسیون سیاست خارجی دوره چهارم درخواست پی‌گیری وضعیت گروگان‌ها مطرح شده بود و تکرار این بیانیه در سال‌های ۷۳ و ۷۴ و ارسال آن در سال ۷۵ برای نمایندگان مجلس پنجم، تصریح کرد که مجلس چهارم نسبت به آن بی‌توجهی کرده و مجلس پنجم به بررسی آن در کمیسیون و با حضور مسئولان وزارت خارجه پرداخت و به جای حل آن، صورت مسئله را پاک کرده‌اند و یک‌ماه بعد از آن رئیس‌انجمن حمایت از زندانیان در بند رژیم صهیونیستی اعلام کرد چهار ایرانی در زندان‌های مخفی اسرائیل به سر می‌برند که البته اسمی از آنها مشخص نشد.»

برادر گروگان ایرانی، پراکندگی مکانی خانواده‌های گروگان‌ها و عدم هماهنگی آنها را عاملی برای به نتیجه نرسیدن پی‌گیری‌ها دانست و یادآور شد: «یکی از عواملی که باعث شد مسئله گروگان‌های آمریکایی در لبنان منجر به ماجرای ایران گیت شود، فشاری بود که خانواده‌های آنان به دولتمردان می‌آوردند و رسانه‌های گروهی نیز همراهی می‌کردند. شرایط ما، چون جزو کشورهای جهان سوم هستیم فرق می‌کند. برخورد سطحی و ساده‌انگارانه با مسائل، به تلقی و حساسیت دفاع از حقوق اتباع ایرانی در خارج از کشور نزد دولت دستگاه سیاست خارجی رسانه‌های جمعی و مجلس شورای اسلامی بازمی‌گردد.»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۶۳

وی با اشاره به ارسال نامه‌ای به رئیس‌جمهوری و رئیس‌کمیسیون امنیت ملی که پس از گذشت ۶ ماه هیچ پاسخی دریافت نشد، گفت: «شواهد و قرائن مختلف بیان‌گر آن است که موضوع چهارگروگان ایرانی به‌طور جدی در دستور کار مسئولان قرار ندارد.»

اخوان با یادآوری مذاکرات و رایزنی‌های متعدد برای پی‌گیری سرنوشت امام‌موسی صدر اظهار داشت: «چه خوب بود اگر مشابه این اقدام برای گروگان‌های ایرانی انجام می‌شد و به یک‌نفر یا کمیته‌ای چنین ماموریتی واگذار می‌شد. درست است که ایشان شخصیتی فراکشوری دارند، اما حقوق شهروندی تمام اتباع ایرانی یکسان است.»

وی همچنین پی‌گیری‌ها و مکاتبات با مجلس شورای اسلامی و رئیس‌جمهوری که بی‌پاسخ ماند را عنوان کرد و ادامه داد: «با پی‌گیری‌های به‌عمل آمده، دکتر تاجرنیا درخصوص سرنوشت چهارگروگان ایرانی از وزیر خارجه سوال کرده‌اند و پیرو سوال ایشان در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس کمیته‌ای برای پی‌گیری وضعیت سه دیپلمات و خبرنگار ربوده‌شده ایرانی تشکیل شده‌است، این کمیته با ریاست محسن آرمین تشکیل شده و گزارش کار خود را تقدیم مجلس خواهد کرد.»

وی ابراز تاسف کرد که وزارت خارجه به‌عنوان یک دستگاه بروکراتیک، فاقد تحرک لازم و برنامه‌ریزی در این زمینه‌هاست و خود را پاسخ‌گو نمی‌داند و گفت: «در دو دهه گذشته حداقل ۲۰ تن از اتباع کشور ما در نقاط مختلف دنیا خصوصا در سه کشور لبنان، پاکستان و افغانستان ناپدید و یا به شهادت رسیده‌اند، این نشان‌گر ضعفی آشکار در سیاست خارجی ما می‌باشد. ضمن این‌که قاتلین آنها به مجازات نرسیده‌اند.»

وی همچنین از عملکرد ضعیف رسانه‌ها درخصوص پی‌گیری وضعیت گروگان‌ها انتقاد کرد و گفت: «ما انتظار معجزه از مطبوعات نداشتیم، آنها می‌توانستند در مقاطع مختلف موضوع را به مسئولان یادآوری کنند.»

اخوان همچنین با اشاره به این‌که دولت، وزارت خارجه، مجلس شورای اسلامی و رسانه‌های گروهی حساسیت لازم را نسبت به موضوع گروگان‌ها ندارند، گفت: «غربی‌ها همواره سعی می‌کنند جهت بالابردن احترام بین‌المللی خود، احترام اتباع کشورشان را در نقاط مختلف دنیا بالاببرند، ولی ما حتی از بهترین‌های خود دفاع نمی‌کنیم. من به‌عنوان شهروند ایرانی بعد از گذشت دو دهه، این حق را ندارم که از سرنوشت عزیزان خود مطلع شوم.»

خبرگزاری ایسنا

تلاش‌هایی که برای پی‌گیری مسئله کاظم اخوان و سه دیپلمات ایرانی صورت می‌گیرد، جدی نیست
دکتر «علی تاجرنیا» عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در مجلس شورای اسلامی، پیرو سوالاتی که از وزیر امور خارجه پیرامون مفقود شدن ۲۰ ساله کاظم اخوان و سه نفر از دیپلمات‌ها

۱۶۴ □ کمین جولای ۸۲

در لبنان مطرح شده است، اظهار داشت: «حق ابتدایی هر خانواده‌ای است که از سرنوشت گمگشته خویش مطلع باشند. پیرو این مسئله سوالاتی از وزارت امور خارجه شد که با توجه به ابعاد مختلف این مسئله از لحاظ سیاسی، امنیتی، کمیته‌ای ۳ نفره در مجلس شورای اسلامی شکل گرفت. من به‌عنوان سوال کننده از وزیر، از این روند مسئله راضی نیستم و احساس می‌کنم که تلاش‌ها و کوشش‌هایی که در این زمینه صورت می‌گیرد، خیلی جدی نیست که البته من علت این امر را دلایل سیاسی می‌دانم. سپردن این پرونده در وزارت امور خارجه به مجموعه‌هایی که انگیزه‌ای برای پی‌گیری ندارند، به‌نظر من بحث را با مشکل مواجه کرده است و الان شاهد آن هستیم که پرونده در هیچ مرحله‌ای برای اجرا نیست و فقط منتظر خبری هستند که به برگه‌های پرونده اضافه کنند.»
تاجرنیا، در پایان به وزارت امور خارجه پیشنهاد کرد اطلاعات به‌دست آمده را به‌طور شفاف در اختیار خانواده‌های این افراد و مردم قرار دهند.

خبرگزاری ایسنا

نخستین همایش خبرنگاران جنگ در تهران برگزار شد

روز پنجشنبه ۱۷ مردادماه، نخستین «همایش خبرنگاران جنگ»، از جمله کاظم اخوان، در فرهنگسرای پایداری تهران برگزار شد.

خراسان

۱۳۸۱/۶/۲ = ۲۴ اوت ۲۰۰۲

آقای رئیس جمهوری! ۲۰ ثانیه وقت دارید

یگانه آوینی در مقاله خود، از آقای خاتمی خواسته است که نسبت به سرنوشت گروگان‌های ایرانی توجه بیشتری داشته باشد.

جمهوری اسلامی

۱۳۸۱/۶/۲۶ = ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۲

گفت‌وگوی اختصاصی با رئیس جمهوری لبنان

«روزبه بوالهروی» خبرنگار روزنامه ایران در بیروت، در گفت‌وگوی اختصاصی با امیل لحود رئیس جمهوری لبنان، درباره چهارگروگان ایرانی هم سوال کرده است:
- دولت لبنان تاکنون چه اقداماتی را برای روشن شدن سرنوشت و آزادی ۴ گروگان ایرانی انجام داده است؟

امیل لحود: لبنانی‌ها با تاجر و اندوه فراوان، مرحله بغرنج جنگ و رویدادهای ناشی از اقدامات جنگی در کشور خود را به‌یاد می‌آورند. اکثر لبنانی‌ها در آن زمان، دوستان، بستگان و عزیزانی را از دست دادند که بدون هیچ‌گناهی فقط به‌خاطر این که در زمان مشخصی در منطقه معینی به‌سر می‌بردند، جان سپردند. متأسفانه بعضی از دوستان لبنان از مناطق مختلف دنیا در این سرزمین،

روز شمار گروگان‌گیری □ ۱۶۵

تاوان‌سنگینی پرداختند و اکنون که نظم و آرامش در کشور برقرار شده است، دولت سعی می‌کند به تمام پرونده‌ها رسیدگی کند و به‌غایت مطلوب برساند. یکی از این پرونده‌ها، پرونده چهار دیپلمات ایرانی است که در جریان حوادث دردناک دوره جنگ، ربوده شدند و سعی دولت بر این است که سرنوشت آنان روشن شود. دولت از هیچ‌گونه کوششی در این زمینه به‌منظور روشن شدن ابهامات مربوط به این پرونده دریغ نمی‌ورزد. اگرچه باتوجه به زمان طولانی که از این ماجرا گذشته است، مشکلات فراوانی در زمینه بررسی و جمع‌آوری اطلاعات در این مورد وجود دارد.

ایران

۱۳۸۱/۷/۱ = ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۲

چشم‌امید به...

یگانه آوینی، در نامه‌ای به مناسبت اول مهرماه، از رئیس‌جمهوری خواسته است تا نسبت به پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی، جدیت بیشتری به خرج دهد.

جمهوری اسلامی

۱۳۸۱/۷/۸ = ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۲

یاد و خاطره حماسه‌نگار دفاع مقدس گرامی باد

شاهرخ سلطان‌احمدی، در مقاله بلند خود، به حوادث و وقایع پیش‌آمده پس از اسارت کاظم اخوان پرداخته و پی‌گیری‌های انجام‌شده را نیز ذکر کرده است.

جمهوری اسلامی

۱۳۸۱/۸/۲۵ = ۱۶ نوامبر ۲۰۰۲

رئیس‌جمهوری آسمانی تبار!

اولین آسمانی‌نژاد و همراهان او را از یاد نبرید!

یگانه آوینی در نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهوری، خواستار توجه بیشتر به پی‌گیری سرنوشت این چهار اسیر شده است.

اطلاعات

۱۳۸۱/۱۰/۱ = ۲۲ دسامبر ۲۰۰۲

دو برادر، یکی احمد و دیگری محمد

«حسین قدیانی» در مقاله خود، ضمن نقل خاطراتی از شهید محمدابراهیم همت و حاج‌احمد متوسلیان، به شرح خصوصیات اخلاقی آنان پرداخته است.

کیهان

۱۳۸۱/۱۰/۲۱ = ۱۱ ژانویه ۲۰۰۳

حق‌ناشناسان

نمی‌دانم شما اسم این را چه می‌گذارید؟ ولی من به آن می‌گویم نمک‌شناسی و ناسپاسی. بفرمایید:

۱۶۶ □ کمین جولای ۸۲

چندروز پیش مراسمی جهت تجلیل از خبرنگاران و خون‌نگاران شهید در مسجد بلال صداوسیما در تهران برگزار شد. همین که به فکر اینها هم افتادند البته ببخشید به فکر معنویت برای خودشان افتاده‌اند! جای شکر دارد. ولی چقدر حق‌شناسی که نه در مراسم، و نه در تلویزیون و نه از همه بدتر، خیرگزاری جمهوری اسلامی ایران که کاظم خبرنگار آنجا بوده، یک کلمه از او نگفتند. اصلاً انگار کاظم اخوان خبرنگار ایرانی که مدت یک‌سال ونیم در جبهه، هم می‌جنگیده و هم عکس می‌گرفته، نبوده‌است؟ عیبی ندارد. بگذار همچنان کاظم آنقدر در بازی‌های سیاسی و جناحی گم شود که نه انجمن صنفی روزنامه‌نگاران و نه انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان هیچ‌کدام نه برایش بیانیه بدهند، و نه مراسم بگذارند و اصلاً او را فراموش کنند. غافل از این هستند که خود فراموشانند.

وبلاگ «کاظم اخوان»

۱۳۸۱/۱۰/۲۸ = ۱۸ ژانویه ۲۰۰۳

خبری مبنی بر زنده‌بودن کاظم

چندروز پیش با فردی ملاقات داشتم به نام «ژرارد ژان فابین باتاوش» (gerard jean fabianbataouche) که ادعا می‌کند پاییز سال ۱۳۶۹ در شمال بیروت، در زندان فالانژیست‌ها، چهارگروگان ایرانی را در سلول‌های انفرادی‌شان دیده است ولی حق نداشته با آنها حرف بزند. او شدیداً معتقد است که آنها خودشان می‌باشند. این فرد فرانسوی‌الاصل که در ایران به «رضا باتاوش» معروف است، ظاهراً از سال ۱۳۵۷ در ایران به سر می‌برد. این که صحت گفته‌های او چقدر است، خدا می‌داند. او می‌گوید که همان‌زمان در جلسه‌ای با سید حسین موسوی برادر کاردار ربه‌شده و آقای مهتدی و چند تن دیگر در وزارت خارجه، شرایط فالانژها را برای آزادی گروگان‌ها اعلام کرده است که ایران نپذیرفته است.

وبلاگ «کاظم اخوان»

۱۳۸۱/۱۱/۲۶ = ۱۵ فوریه ۲۰۰۳

دستور مقام معظم رهبری

خانواده کاظم اخوان نامه‌ای خدمت مقام معظم رهبری ارسال کرده و در آن به شرح وقایع و پی‌گیری‌های‌شان پس از اسارت کاظم و همچنین بلا تکلیفی خانواده پرداختند که «حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» پاسخ زیر را بر نامه ایشان مکتوب نمودند:

«بسمه تعالی»

به بنیاد شهید سفارش شود گفته شود که با وجود راه مسدود تحقیق و همکاری که لازمه طبع طرف‌های مقابل فالانژها و صهیونیست‌هاست، این موضوع همواره دنبال شده است.

در عین حال به وزارت خارجه هم سفارش شود. ۱۳۸۱ / ۱۱ / ۲۶

لازم به ذکر است پرونده کاظم و همراهانش در هیچ ارگانی به عنوان شهید یا اسیر وجود ندارد.

وبلاگ «کاظم اخوان»

چند کلمه با آقای رئیس‌جمهوری

آقای رئیس‌جمهوری، سلام!

آقای خاتمی، نمی‌دانم آیا تا به حال به این سوال که در روزهای بهمن سال ۵۷ چه می‌کردید، پاسخ داده‌اید یا نه، ولی بهمن‌ماه هر سال، فرصتی است تا ما به خاطر بیاوریم برای طلوع خورشید انقلاب، چه اتفاق‌ها که نیفتاده و چه فداکاری‌ها که نشد تا ما امروز در این سرزمین، با افتخار و سربلندی زندگی کنیم. بهمن‌ماه هر سال، برای من عرصه دوباره‌ای است تا به مردان در افق گمشده سرزمینم فکر کنم. به میرمحسن موسوی که مدت‌ها در زندان ستمشاهی تلخ‌ترین روزها را در بهترین سال‌های عمرش تجربه کرد و سال‌ها بعد، برای به‌ثمر رسیدن همه آن تلاش‌ها، هر چه می‌توانست انجام داد تا آن روزهای افتخارآفرین زودتر فرابرسد. به حاج‌احمد متوسلیان که در آذرماه سال ۵۷ از بند زندان رسته‌بود و دیگر در خانه بند نمی‌شد، و هر چه در توان داشت در آن روزهای سپید انجام می‌داد تا ریشه هر چه ستم و زور است زودتر از سرزمینمان کنده‌شود. به کاظم اخوان که در شهر مقدس مشهد، هر جا خبری از فریاد و غوغا بود، حتماً کاظم در آنجا حضوری فعال داشت و در هر موقعیتی، برای انجام دشوارترین کار آماده بود تا روزهای تلخ سرزمینمان زودتر به پایان برسد. به محمدتقی رستگارمقدم که در شهر مقدس قم، شهر خون و قیام، هر چه می‌توانست انجام می‌داد تا در سربلندی سرزمینمان سهمی داشته‌باشد. به مردانی از جنس سپیده، که در آن روزهای فراموش‌نشدنی، در میان دیگر افراد، خود سپیدترین بودند و حال سال‌هاست که رفته‌اند و روزهای انتظار را سپری می‌کنند. انتظار بازگشت دوباره به سرزمین خود. انتظار دیدن سرزمینی که آنان در بهترین سال‌های عمر خود، فداکارانه و بی‌ادعا با همه توان برای حفظ آن کوتاهی نکرده‌اند.

آقای رئیس‌جمهوری، می‌گویند پرونده این مردان به امنیت ملی مربوط می‌شود و این حرف، یعنی خط قرمزی به دور این پرونده کشیده شده که هر کسی حق دخالت در آن را ندارد، و شما چند روز پیش به خبرنگاران گفته بودید که: «خطوط قرمز را پاره کنید و از خط قرمزهای مصنوعی عبور کنید ولی خطوط قرمز امنیت ملی و عقیدتی را رعایت کنید.»

من نمی‌دانم خط قرمز این پرونده مصنوعی است یا خیر، ولی مطمئن هستم رئیس‌جمهوری که به خبرنگاران می‌گوید: «خطوط قرمز را پاره کنید.» می‌تواند خودش با رعایت خطوط قرمز امنیت ملی و عقیدتی، خط قرمز این پرونده را پاره کند و مهر اختتامیه بر سکوت این پرونده ملی بزند. مه‌ری که باعث پایان روزهای انتظار برای همه خواهد بود. رئیس‌جمهوری عزیز! امیدوارم آن روز چندان دور نباشد.

یگانه آوینی

کیهان

۱۳۸۱/۱۲/۱۷ = ۷ مارس ۲۰۰۳

جامعه جهانی، رژیم صهیونیستی را وادار به پاسخ‌گویی در مورد سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی کند «ستاد مرکزی برگزاری بزرگداشت شهدا، اسرا و مفقودین دانشگاه‌های جهان اسلام» در نامه‌ای، از سازمان صلیب سرخ جهانی خواست رژیم صهیونیستی را وادار به پاسخ‌گویی در مورد سرنوشت چهار ایرانی ربوده‌شده به دست عواملش در لبنان، کند. در این نامه خطاب به «جاکوب کلن برگر» رئیس سازمان صلیب سرخ جهانی، که به مناسبت بیستمین سال مفقود شدن این چهار ایرانی نوشته شده، آمده است: «متأسفانه در این مدت بیست سالی که از رنج و اندوه خانواده و دوستان آنان می‌گذرد، مراجع ذیصلاح بین‌المللی، برای کسب اطلاعات در مورد سرنوشت آنان، اقدام شایسته‌ای نکرده‌اند و پیوسته اندوه، اضطراب و نگرانی بر خانواده‌های آنان سایه افکنده است.» در این نامه به آقای برگر تأکید شده است: «انتظار می‌رود سازمان صلیب سرخ جهانی، بنا به وظیفه‌ای که به عهده دارد، از امکانات خود به منظور متقاعد کردن اسرائیل و عوامل آن رژیم در لبنان، برای پاسخ‌گویی در قبال سرنوشت این چهار تن استفاده مطلوب کند.»

همچنین در این نامه اظهار امیدواری شده است که: «در آینده نزدیک نتایج اقدامات موثر صلیب سرخ برای کسب اطلاعات از سرنوشت این افراد و آزادی آنان، در کارنامه اقدامات بشر دوستانه آن سازمان ثبت شود.»

جمهوری اسلامی

سال ۱۳۸۲ هـ ش ۲۰۰۳ - ۲۰۰۴ م

۱۳۸۲/۲/۲۱ = ۱۱ مه ۲۰۰۳

آقای رئیس جمهوری، اسرا منتظر تلاش شمايند

یگانه آوینی به مناسبت تولد حضرت امام موسی بن جعفر (ع)، از رئیس جمهوری خواسته است تا توجه بیشتری به مسئله گروگان‌های ایرانی داشته باشد.

کیهان

۱۳۸۲/۳/۵ = ۲۶ مه ۲۰۰۳

مراسم بزرگداشت حاج احمد متوسلیان در دانشگاه لرستان برگزار شد

به مناسبت فرا رسیدن سوم خرداد، روز فتح خرمشهر، مراسم بزرگداشت حاج احمد متوسلیان، به نمایندگی ستاد کنگره شهدا و اسرای دانشجو و کنگره شهدای دانشجوی بسیج دانشجویی دانشگاه لرستان، برگزار شد. در این جلسه که با حضور همزمان وی تشکیل شد، حاج «سعید قاسمی» به گرامی داشت یاد و خاطره آزادسازان خرمشهر پرداخت و گفت: «شناختن و بیان چهره واقعی شهدا، کار هر کسی نیست، مگر این‌که خود آنها عنایتی بکنند. ما وظیفه‌ای بس سنگین بر دوش داریم و آن به‌تصویر کشیدن حالات و اندیشه‌های لطیف شهیدان است به‌نحوی که شهید، امروز به عنوان یک الگو و راه‌کار زندگی کردن مطرح شود.»

در ادامه جلسه، دکتر «مریم کاتبی» به بررسی شخصیت جاوید الاثر حاج احمد متوسلیان پرداخت و خاطرات وی را مرور کرد. در پایان جلسه، بسیج دانشجویی دانشگاه لرستان نیز بیانیه‌ای قرائت کرد و طی آن پی‌گیری وضعیت حاج احمد متوسلیان را خواستار شد.

خبرگزاری ایسنا

۱۷۰ □ کمین جولای ۸۲

۱۳۸۲/۳/۲۱ = ۱۱ ژوئن ۲۰۰۳

غمنامه‌ای برای ۴ گروگان فراموش شده ایرانی در لبنان

خانواده گروگان‌های ایرانی، در نامه‌ای به سیدمحمد خاتمی، از عدم پی‌گیری مسئله چهار گروگان، در سفر رئیس جمهوری به لبنان، انتقاد کرده‌اند.

(ضمیمه ۴۳)

جمهوری اسلامی

۱۳۸۲/۴/۱ = ۲۲ ژوئن ۲۰۰۳

به بهانه راه‌اندازی وبلاگ ویژه کاظم اخوان

در آستانه بیست و یکمین سالگرد اسارت چهار گروگان مظلوم ایرانی در بیروت، به همت برخی از دوستان، وبلاگ اینترنتی کاظم اخوان برای اطلاع‌رسانی هر چه بیشتر درباره وضعیت این چهار گروگان، راه‌اندازی شد. در این صفحه که قابل دسترسی و استفاده کلیه کاربران است، آخرین اخبار و اطلاعات پیرامون وضعیت نامعلوم این گروگان‌ها منتشر می‌شود:

www.kazemakhavan.persianblog.com

خبرگزاری مهر

۱۳۸۲/۴/۱۱ = ۲ جولای ۲۰۰۳

از بازار سید اسماعیل، تا حاجزبرباره

«محمد علی دربندی» در مقاله بلند خود، ضمن شرح کامل زندگی و مبارزات حاج احمد متوسلیان، به سوابق او در پیش از انقلاب و همچنین نقش او در مبارزه با ضدانقلابیون در کردستان، اشاره کرده و پس از برشمردن فعالیت‌هایش در دفاع مقدس، به چگونگی اسارت او پرداخته‌است.

هفته‌نامه یالثارات الحسین(ع)

۱۳۸۲/۴/۱۴ = ۵ جولای ۲۰۰۳

بیانیه خانواده‌های ۴ گروگان ربوده شده ایرانی

خانواده‌های ۴ گروگان ربوده شده ایرانی، با انتشار بیانیه‌ای، از این‌که این موضوع پس از ۲۱ سال، هنوز در دستور کار مسئولان قرار نگرفته است، ابراز تاسف شدید و انتقاد کرده‌اند.

(ضمیمه ۴۴)

رسالت

۱۴ تیر ۶۱ آغاز بی‌نشانی

«گروه فرهنگی سروش ولایت» در این مقاله، به اخبار ضد و نقیض پیرامون سرنوشت گروگان‌های ایرانی طی بیست سال گذشته، پرداخته‌است.

جمهوری اسلامی

۱۳۸۲/۴/۱۵ = ۶ جولای ۲۰۰۳

مردی از کوچه «چهل‌تن»

محمدعلی صمدی در مقاله‌ای بلند، به شرح زندگی حاج احمد متوسلیان، مبارزات و فعالیت‌های او پرداخته است.

کیهان

۱۳۸۲/۴/۱۶ = ۷ جولای ۲۰۰۳

صلیب‌سرخ برای آزادی چهار دیپلمات ایرانی تلاش کند

«کمیته جست‌وجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح»، با صدور اطلاعیه‌ای، خواستار دخالت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای آزادی چهار دیپلمات ایرانی ربوده‌شده، از سوی اسرائیل شد. در این اطلاعیه که با امضای سردار «میرفیصل باقرزاده» فرمانده کمیته جست‌وجوی مفقودین صادر شده، از سازمان‌های انسان‌دوستانه جهانی و کمیته صلیب سرخ درخواست شده است ضمن بازدید از زندان‌ها و مراکز مشکوک به نگهداری ایرانیان ربوده‌شده، خانواده این دیپلمات‌ها را از نگرانی برهانند. در این اطلاعیه از آزادی خواهان درخواست شده تا با همه اهرم‌های ممکن، رژیم اسرائیل را جهت آزادی این گروگان‌های بی‌گناه تحت فشار قرار دهند.

خبرگزاری مهر

به‌یاد کاظم اخوان دلاوری از خطه خراسان

«م. کیاماری» در مقاله‌ای کوتاه، به عدم پی‌گیری و توجه مراکز خبری ایران و جهان نسبت به اسارت کاظم اخوان پرداخته و از عملکرد احزاب و گروه‌های داخلی انتقاد کرده است.

کیهان

۱۳۸۲/۴/۱۸ = ۹ جولای ۲۰۰۳

۲۱ سال اهمال نسبت به وضعیت چهار دیپلمات ایرانی پذیرفتنی نیست

«انصار حزب‌الله استان گلستان» با صدور بیانیه‌ای در آستانه سالروز ربوده شدن چهار دیپلمات ایرانی، از اهمال وزارت خارجه در این زمینه انتقاد کرده است.

هفته‌نامه یالثارات الحسین(ع)

چه کسی پاسخ‌گوست؟

نویسنده مقاله با بهره‌گیری از مطالب منتشر شده در نشریات مختلف پیرامون چهار گروگان ایرانی، با استناد به بعضی از آنها، از عدم پی‌گیری مسئله آنان توسط دست‌اندرکاران امر، انتقاد شدید کرده است.

هفته‌نامه یالثارات الحسین(ع)

۱۷۲ □ کمین جولای ۸۲

۱۳۸۲/۴/۲۲ = ۱۳ جولای ۲۰۰۳

مرثیه‌ای بر طولانی‌ترین گروگان‌گیری تاریخ معاصر جهان

«حسین قدیانی» در مطلب خود، به گونه‌ای احساسی با گروگان‌های مظلوم سخن گفته است.

کیهان

۱۳۸۲/۴/۲۳ = ۱۴ جولای ۲۰۰۳

خانواده‌های چهار گروگان ایرانی خواهان روشن‌شدن وضع آنان شدند

خانواده‌های چهار دیپلمات ایرانی در بیانیه‌ای از مسئولان کشور خواستند وضع این دیپلمات‌ها را روشن کنند. در این بیانیه آمده است: «پس از گذشت ۲۱ سال از اسارت عزیزانمان، متأسفانه موضوع چهار گروگان ایرانی به عنوان یک مسئله ملی انسانی در دستور کار مسئولین قرار ندارد، خصوصاً پس از سفر آقای خاتمی رئیس‌جمهوری به لبنان و سوریه و طرح‌نشدن این موضوع در مذاکرات رسمی و غیررسمی، به این یقین رسیدیم که دولتمردان ما نسبت به سرنوشت این چهار تن بی‌اعتنا هستند. چرا کسانی که دائماً از حقوق شهروندی سخن می‌گویند، در قبال این قضیه سکوت می‌کنند، آیا حداقل استیفای حقوق شهروندی این نیست که دولت برای روشن‌شدن سرنوشت اتباع خود که در کشور دیگری به گروگان گرفته شده‌اند تلاش کند؟ پنج سال پیش، پس از مذاکره با مسئولین سوریه قرار شد کشورمان نماینده‌ای را برای پی‌گیری موضوع مشخص کند، دولت سوریه بلافاصله نماینده خود را معرفی کرد اما جمهوری اسلامی ایران تاکنون نماینده‌ای را برای حل این مسئله معرفی نکرده است.»

در این بیانیه با اشاره به سوال یکی از نمایندگان عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در خصوص سرنوشت ۴ گروگان ایرانی از وزیر امور خارجه، تصریح شده است: «پس از ارجاع سوال به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی قرار بود کمیته‌ای تشکیل و موضوع پی‌گیری شود، اما هیچ اقدامی در این خصوص انجام نشد. چرا هیچ کس حاضر به پاسخ‌گویی در خصوص سرنوشت ۴ گروگان ایرانی در لبنان نیست، آیا سرنوشت عزیزان ما در بازی‌های سیاسی گم شده است؟ چگونه از گرفتاری در این کلاف در هم پیچیده رها خواهیم شد؟»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۲/۴/۲۵ = ۱۶ جولای ۲۰۰۳

یادواره دیپلمات‌های ایرانی دربند رژیم صهیونیستی در تهران برگزار می‌شود

این مراسم عصر روز پنجشنبه ۲۶ تیر از سوی «ستاد شهدای گمنام» حوزه ۱۳ ثامن‌الائمه(ع) در «فرهنگ‌سرای طبیعت» (اشراق) تهران برگزار می‌شود.

جمهوری اسلامی

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۷۳

۱۳۸۲/۵/۱۶ = ۷ اوت ۲۰۰۳

حرمت قلم و جایگاه خبرنگار

روزنامه کیهان به مناسبت روز خبرنگار، با بستگان خبرنگاران شهید و اسیر ایرانی از جمله کاظم اخوان گفت‌وگو کرده است که حسین اخوان با انتقاد از کم‌توجهی برخی مسئولان درباره سرنوشت چهار گروگان ایرانی دربند رژیم صهیونیستی، گفت: «در حالی که هر دو عامل گروگان‌گیری یعنی سمیر جعجع و ایلی حبیقه، در لبنان به سر می‌برند، اما هنوز کمیته بین‌المللی حقیقت‌یاب برای پی‌گیری این پرونده تشکیل نشده است.»

کیهان

۱۳۸۲/۵/۱۹ = ۱۰ اوت ۲۰۰۳

آقای رئیس جمهوری، سلام!

یگانه آوینی در مقاله خود به مناسبت اسارت سعید ابوطالب و سهیل کریمی در عراق، از رئیس جمهوری درباره گروگان‌های ایرانی در لبنان، سوال کرده است.

کیهان

۱۳۸۲/۵/۲۶ = ۱۷ اوت ۲۰۰۳

جناب آقای خاتمی! چطور این موضوع فراموش شد؟؟

نویسنده مقاله، با اشاره مفصل به اخبار متناقض پیرامون سرنوشت گروگان‌ها، نسبت به برخورد سرد برخی مسئولین و بویژه رئیس جمهوری با این مسئله، انتقاد کرده است.

وبلاگ اتو بسیج

کاظم اخوان شایسته این دستور نبود!

حسین اخوان در مقاله‌ای مفصل، به شرح آنچه بعد از اسارت کاظم اخوان بر خانواده‌شان رفته است، می‌پردازد و پی‌گیری‌های انجام شده را شرح می‌دهد.

کیهان

۱۳۸۲/۶/۶ = ۲۸ اوت ۲۰۰۳

چهار دیپلمات ایرانی مدت‌هاست که کشته شده‌اند

منابع غربی امروز پنجشنبه اعلام کردند: «چهار دیپلمات ایرانی که در سال ۱۹۸۲ در لبنان ربوده شدند، کشته شده‌اند.»

سایت اینترنتی «ایلاف» که توسط اعراب مقیم آمریکا اداره می‌شود، در گزارشی به قلم «جنتان براون» ادعا کرد: «به احتمال زیاد سه نظامی اسرائیلی که نزد حزب‌الله نگه‌داری می‌شوند نیز کشته شده‌اند.»

به گفته این نویسنده، مذاکرات حزب‌الله و رژیم اسرائیل از طریق میانجی‌گر آلمانی برای خارج کردن پرونده خلبان اسرائیلی از دور مذاکرات طرفین یک اقدام غیرمنتظره نبود. این منبع کشته‌شدن

خلبان اسرائیلی را تایید کرد. این اقدام در حالی صورت می‌گیرد که اسرائیل چندین بار تلاش کرده بود تا پیش از آزادی «مصطفی دیرانی» رهبر گروه «مقاومت مومنه» منشعب از سازمان امل و «عبدالکریم عبید» امام جمعه سابق شهر «جیشیت» و از رهبران با نفوذ حزب‌الله در جنوب لبنان، اطلاعاتی را در مورد این خلبان به دست آورد، اما موفق نشد. براساس اعلام منابع خبری غرب برای حل قضیه زندانیان لبنان، پرونده خلبان اسرائیلی ران آزاد در مقابل پرونده چهار دیپلمات ایرانی از دور مذاکرات خارج شد. در مورد جزئیات این پرونده، منابع غربی اعلام کردند: «توافقاتی برای قانع کردن طرفین به این امر که آزاد و چهار دیپلمات ایرانی مدت‌هاست که کشته شده‌اند، صورت گرفت و از نظر آنها در جریان قرار دادن پرونده خلبان اسرائیلی و چهار دیپلمات ایران، مانع از انجام مذاکرات طرفین که در حال حاضر بیش از هر زمان دیگر به آن نیاز دارند، شده است.»

منابع مذکور ادعا کردند که هیئت آلمانی به ریاست «ارنست اورلاو» اطلاعاتی را درباره حزب‌الله به دست آورده که نشان می‌دهد سه نظامی اسرائیلی که نیروهای حزب‌الله در اکتبر سال ۲۰۰۰ در مزارع شبعا در جنوب لبنان دستگیر کرده‌اند، کشته شده‌اند. همین منابع فاش کردند: «این هیئت آلمانی نوار ضبط شده‌ای را به دست آورده که در آن «حنان تینباوم» افسر امنیتی اسرائیلی، اعلام داشته که هنوز زنده و در سلامت کامل به سر می‌برد. این افسر اسرائیلی در این نوار گفته بود از زمانی که دستگیر شده هیچ آسیبی به وی نرسیده است.»

با این وجود، منابع غربی رسماً اعلام نکردند: «آیا عملیات تبادل اسرا شامل اسیران غیرلبنانی می‌باشد و یا اینکه تنها دربرگیرنده اسرای لبنانی است که شمار آنها به ۵۲ تن می‌رسد.»

گفتنی است پیش از این نیز منابع اسرائیلی با اعلام کشته شدن سربازان اسیر خود در دست حزب‌الله، سعی در تحریک حزب‌الله جهت اعلام خبر و اطلاعات دقیق از اسیران داشته‌اند. گفتنی است، حنان تینباوم افسر امنیتی و از مشاورین نخست‌وزیر اسبق اسرائیل، طی یک عملیات امنیتی و اطلاعاتی از سوی حزب‌الله لبنان در خارج از این کشور، شناسایی و پس از ورود به لبنان جهت انجام ماموریت خود برای نفوذ به حزب‌الله، از سوی تشکیلات امنیتی حزب‌الله لبنان شناسایی و دستگیر شد. هواپیمای آزاد نیز به هنگام بمباران اردوگاه‌های فلسطینی ساقط شد و وی توسط نیروهای فلسطینی به اسارت درآمد که اسرائیل مدعی است عبدالکریم عبید و مصطفی دیرانی عاملین ربودن وی هستند.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۲/۶/۸ = ۳۰ اوت ۲۰۰۳

خبر شهادت چهار دیپلمات ایرانی را قبول نداریم

حسین اخوان در واکنش به اخبار منتشرشده در برخی رسانه‌ها مبنی بر شهادت چهار دیپلمات ایرانی، گفت: «ما چنین خبری را قبول نداریم. نامه‌ای به آقای خاتمی نوشتیم در مورد این خبرها که منتشر می‌شود، ولی پاسخ مناسبی در این زمینه دریافت نکردیم. سال گذشته نیز پس از

درخواست‌های مکرر خانواده‌های گروگان‌ها، کمیته‌ای به اصطلاح برای حقیقت‌یابی سرنوشت آنان تشکیل شد که متأسفانه تاکنون هیچ‌گونه خبری از اقدامات آنان به ما که خانواده‌های چشم انتظار گروگان‌ها هستیم، نرسیده است. اگر بحث شهادت مطرح است، بایستی مستند باشد. بایستی جنازه‌ها را ما ببینیم. حتی بایستی آزمایش «دی.ان.ای» صورت گیرد تا مشخص شود که جنازه‌های خود آنان باشد. از زمان تبادل گروگان‌ها در لبنان، همواره چنین خبرهایی منتشر می‌شود و لیکن هنوز چیزی به‌طور مستند اعلام نشده است. آقای رفیقدوست و آقای اختری سفیر سابق ایران در سوریه نیز در گذشته خبر شهادت این چهار نفر را اعلام کرده بودند؛ حتی آقای اختری به صراحت اعلام کرده‌اند که این چهار گروگان به شهادت رسیده‌اند و لیکن هنوز هیچ چیزی به‌طور رسمی و مستند انتشار نیافته است. حتی در آن زمان مسئول اطلاعاتی تبادل اسرای لبنانی و اسرائیلی که فردی آلمانی به نام براند اشمیت باور بود، اعلام کرده بود که اینها به شهادت رسیده‌اند. سیدحسین نصرالله رهبر حزب‌الله لبنان قول داده بود که نام این چهار گروگان هم در متن مذاکرات در مورد تبادل اسرای لبنانی با اسرائیلی قرار بگیرد و لیکن گویا این مورد از متن مذاکرات حذف شده است. سال گذشته تاجرنیا نماینده مشهد نیز سوالی را در این زمینه و در مورد زنده‌بودن این چهار نفر از وزیر امور خارجه پرسیده بود که این سوال هم بدون پاسخ مانده است. شش سال است که به رئیس جمهوری نامه می‌نویسیم و تقاضای یک وقت بیست دقیقه‌ای را داریم ولی هیچ جوابی به ما نمی‌دهند؛ الان خانواده‌های این گروگان‌ها در برزخ بلا تکلیفی به سر می‌برند و هیچ پاسخ روشنی از سوی مسئولین به آنها داده نمی‌شود. اگر زنده هستند اعلام کنند و اگر به شهادت رسیده‌اند با سند و مدرک اعلام کنند و ملاحظات و سیاسی‌کاری را کنار بگذارند. هر چند که به نظر می‌رسد سیاست جمهوری اسلامی عدم اعلام شهادت این چهار نفر می‌باشد. طی سال‌های گذشته اخبار ضد و نقیضی در مورد سرنوشت این چهار تن منتشر شده است از جمله اینکه شخصی به نام احمد حبیب‌الله به عنوان رئیس کمیته پی‌گیری زندانیان بازداشتگاه‌های اسرائیل، مدعی شد که ۳ نفر ایرانی به همراه راننده‌شان در زندان عتلیت رژیم صهیونیستی به سر می‌برند ولی ظاهراً هیچ‌گونه پی‌گیری‌ای جهت روشن شدن این مسئله، از سوی مسئولین سیاست خارجی ایران انجام نگرفته است. پیش از آن نیز ایلی حبیقه فرمانده نیروهای فالانژیست لبنان، در واکنش به اظهارات روبیر حاتم معروف به کبرا، مبنی بر اینکه ایلی حبیقه گروگان‌های ایرانی را کشته است، مدعی شده بود که آنان توسط سمیر جعجع کشته شده‌اند. ولی جعجع که در حال حاضر به جرم قتل جنایت در زندان بیروت به سر می‌برد، ضمن تکذیب گفته‌های حبیقه، اعلام کرد که گروگان‌ها به دستور شخص حبیقه کشته شده‌اند. وزارت امور خارجه ایران نیز طی بیست و یک سال گذشته، هر ساله با انتشار بیانیه‌ای اعلام می‌کند که گروگان‌ها زنده هستند و برای روشن شدن سرنوشت آنان از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند.»

خبرگزاری مهر

۱۷۶ □ کمین جولای ۸۲

۱۳۸۲/۶/۱۲ = ۳ سپتامبر ۲۰۰۳

تلویزیون رژیم صهیونیستی اعلام کرد: خلبان اسرائیلی هنوز زنده است

کانال یک تلویزیون رژیم صهیونیستی، شب گذشته اعلام کرد: «ران آزاد خلبان اسرائیلی که در سال ۱۹۸۶ هوایمای او هدف قرار گرفته بود، هنوز زنده است.»

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از خبرگزاری فرانسه، تلویزیون اسرائیل افزود: «الياهو وینوگراد، قاضی بازنشسته اسرائیلی، با تشکیل کمیته تحقیق گزارشی را به «موشه یعالون» رئیس ستاد ارتش اسرائیل ارائه کرده که در این گزارش ادعا شده است خلبان اسرائیلی هنوز در قید حیات است.»

این تلویزیون افزود: «اسرائیل از هیچ تلاش برای آزاد کردن ران آزاد فروگذار نیست.» این خلبان اسرائیلی در ۱۶ اکتبر سال ۱۹۸۶ میلادی، با یک هوایمای جنگنده فانتوم اف ۴ اسرائیلی، اقدام به بمباران جنوب لبنان کرد که با آتشباری نیروهای مقاومت هوایمای وی سرنگون شد. تلویزیون رژیم صهیونیستی ادعا کرده است ران آزاد پس از دستگیری به ایران تحویل داده شده است، اما تهران قاطعانه تحویل گرفتن این خلبان اسرائیلی را تکذیب کرده است و در عوض خواستار آزادی چهار دیپلمات ایرانی شده است.

خبرگزاری مهر

ران آزاد کیست و کجاست؟

طی چند سال اخیر رسانه‌های صهیونیستی، مشخص شدن سرنوشت چهار گروگان ایرانی را منوط به ارائه خبری از ران آزاد کرده‌اند. در این باره که وی کیست و کجاست، تاکنون مطلب جامعی منتشر نشده است. حمید داودآبادی در این مقاله تحقیقی، ضمن معرفی شخصیت ران آزاد، به شرح زندگی او پرداخته است.

(ضمیمه ۴۵)

خبرگزاری مهر

۱۳۸۲/۶/۳۱ = ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۳

ران آزاد در تهران است؟!

مطبوعات وابسته به رژیم صهیونیستی، طی هفته‌های اخیر که بحث بر سر تبادل اسرا در لبنان و اسرائیل بالا گرفته است، دست به جوسازی گسترده‌ای زده‌اند تا به این وسیله در انظار جهانیان این گونه مطرح کنند که خلبان صهیونیست که ۲۴ مهر ماه سال ۱۳۶۵ هنگام بمباران جنوب لبنان، هوایمایش توسط فلسطینی‌ها ساقط شد و خود به اسارت نیروهای لبنانی درآمد، در ایران می‌باشد. حمید داودآبادی در این مقاله، به ریشه‌های گروگان‌گیری‌ها و وضعیت خلبان اسرائیلی می‌پردازد.

(ضمیمه ۴۶)

خبرگزاری مهر

۱۳۸۲/۷/۴ = ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۳

ما برای مبادله اسیران اسرائیلی با اسرای خود که در زندان‌های اسرائیل به سر می‌برند، شروطی
مشمول بر هفت‌بند ارائه کرده بودیم

به گزارش پایگاه خبری ایلاف، اورلاو در جریان بحث بررسی در مورد مبادله اسیران حزب‌الله و اسرائیل با دولت انگلیس نیز رایزنی‌هایی انجام داده است. براساس این گزارش، حزب‌الله لبنان نیز بر آزادی «هادی سلیمان‌پور» توسط انگلیس اصرار دارد. برخی اطلاعات منتشر شده توسط مطبوعات انگلیسی نیز حاکی است که هادی سلیمان‌پور یکی از مشمولان مبادله اسرا بین حزب‌الله و اسرائیل است. این در حالی است که برخی منابع لبنانی، طی چند روز اخیر اعلام کرده بودند که سیدمحسن موسوی، احمد متوسلیان، کاظم اخوان و تقی رستگارمقدم، در جریان این مبادله آزاد خواهند شد. سید حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان نیز سه روز پیش در گفت‌وگو با روزنامه السفیر چاپ بیروت، تأکید کرده بود که دیپلمات‌های ایرانی زنده هستند. وی تصریح کرد: ما برای مبادله اسیران اسرائیلی با اسرای خود که در زندان‌های اسرائیل به سر می‌برند، شروطی مشمول بر هفت‌بند ارائه کرده بودیم که یکی از این بندها شامل آزادی چهار ایرانی مفقود شده است.»

از سوی دیگر «آریل شارون» نخست‌وزیر اسرائیل، دیروز در گفت‌وگو با شبکه یک تلویزیون اسرائیل، با اشاره به مسئله تبادل اسیران حزب‌الله با اسرای اسرائیلی موجود در لبنان، گفته بود: «من در حالی که اشک از چشمانم سرازیر بود با «تامی آراد» - برادر رون آراد - صحبت کردم. ما گروگان‌های زیادی برای تبادل با آراد گرفته‌ایم، ولی تا به حال به نتیجه مهمی نرسیده‌ایم.» اسرائیل مدعی است که آراد به ایران انتقال یافته، اما جمهوری اسلامی ایران این ادعا را تکذیب می‌کند. شارون در ادامه این گفت‌وگو اضافه کرد: «البته ما برگ‌های برنده خوبی در اختیار داریم که برای دستیابی به نتیجه مورد نظر خود، به وسیله آنها به حزب‌الله و ایران فشار می‌آوریم؛ آنچه من می‌توانم بگویم این است که این برگ برنده در نزد ما نیست، بلکه در یک کشور اروپایی است که این مورد بخشی از کل مسئله را تشکیل می‌دهد.»

شارون در توضیح حرف خود، بدون اشاره به هویت مورد مزبور، گفت: «این برگ‌های برنده مشمول بخشی از قضیه تبادل هستند و برای حزب‌الله و ایرانی‌ها موارد مهمی به‌شمار می‌روند و در چشم آنها از جایگاه مهمی برخوردارند؛ این افراد همچنان در اختیار ما هستند و من اسامی آنها را می‌دانم ولی فکر نمی‌کنم که عامه مردم چیز زیادی در مورد آنها بدانند.»

وی همچنین در گفت‌وگوی دیگری با شبکه ۱۰ تلویزیون اسرائیل، اظهار داشت: «به طور قاطع می‌گوییم که ما موارد دیگری هم برای تشدید فشارها در اختیار داریم. تماس‌های بسیاری در مورد این زندانیان نیز به انجام رسیده که به پیشبرد موضوع مبادله اسرا کمک می‌کند.»

برخی منابع در دفتر نخست‌وزیری اسرائیل نیز با اشاره به این‌که آزادی برخی از افراد موجود در یکی از زندان‌های اروپا بسیار به نفع ایران و حزب‌الله است و تل‌آویو مشغول رایزنی با این کشور

اروپایی برای آزادی این افراد است که البته پس از درخواست رسمی تل آویو از این کشور صورت خواهد پذیرفت، آزادی این افراد تنها بستگی به ارائه اطلاعات در مورد سرنوشت رون آراد است. این منابع اسرائیلی در دفتر شارون، در توضیح چگونگی ارتباط با این کشور اروپایی گفتند: «این تماس‌ها از طریق یک کشور ثالث انجام پذیرفته است.»

منابع آگاه تصریح کرده‌اند که کشور سوم مورد اشاره شارون، آمریکا است.

در حال حاضر، هادی سلیمان‌پور سفیر سابق ایران در آرژانتین، به اتهام دخالت در انفجار مرکز یهودیان بوئنوس آیرس در سال ۱۹۸۴، در زندان دادگاه عالی لندن به سر می‌برد و بنا بر قرار قبلی، حکم وی تا یک‌ماه دیگر اعلام خواهد شد. در این انفجار بیش از ۸۵ صهیونیست کشته و بیش از ۳۰۰ نفر زخمی شده بودند. این درحالی است که «خوزه گالیانو» قاضی آرژانتینی مسئول پی‌گیری پرونده سلیمان‌پور، با ارسال بیش از ۲۹۰۰ صفحه پرونده اتهامی برای قاضی دادگاه عالی لندن، خواستار استرداد سلیمان‌پور به آرژانتین شده است. برخی منابع، اصرار این قاضی آرژانتینی بر استرداد سلیمان‌پور به این کشور را ناشی از نفوذ لابی صهیونیستی بوئنوس آیرس بر وی می‌دانند.

سایت اینترنتی مهدیس

۱۳۸۲/۷/۷ = ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۳

آزادی سلیمان‌پور پل پیوند اسرائیل و جمهوری اسلامی خواهد شد؟

تبادل اسرا با اسرائیل، یا توسل به دست‌اندازی به آخرین حربه ماندن در قدرت مطبوعات عرب زبان، امروز اخباری را در ارتباط با احتمال مذاکرات اسرائیل مطرح کردند. روزنامه‌های ایران در هفته گذشته سخنان حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان را مهم ارزیابی کرده و آن را به تفصیل به چاپ رساندند. او در این مصاحبه با ذکر جملاتی درباره اسرای اسرائیلی که نزد حزب‌الله لبنان‌اند، از جمله به ران آراد اشاره کرد که بسیار مورد علاقه اسرائیل است.

در پی اظهارات نصرالله، آریل شارون نخست‌وزیر اسرائیل، روز گذشته طی سخنانی، از علاقه‌مندی ایران و حزب‌الله از تبادل اسرا سخن گفت. او از آزادی بعضی زندانیان در کشورهای اروپایی که مورد علاقه ایران هستند سخن گفت و آلمان را واسطه خوبی میان ایران و اسرائیل دانست. اشاره او به آلمان به عنوان واسطه، کافی بود تا روزنامه‌های اسرائیل منظور شارون را از زندانیانی که در اروپا نگهداری می‌شوند، فاش کرده و از یک ایرانی و سه لبنانی که به جرم ترور رهبران حزب دمکرات کردستان ایران در رستوران «میکونوس» در برلین نام ببرند. در این ترور، دادگاهی در آلمان برخی از مقامات بلند پایه ایرانی را به دست داشتن در این ترور متهم کرد. اما بعید به نظر می‌رسد زندانیان ماجرای ترور میکونوس، مورد اشاره نخست‌وزیر اسرائیل باشند، چرا که مهم‌ترین زندانی که در عین حال محاکمه او نیز در انگلستان جریان دارد، یعنی سلیمان‌پور مورد توجه اسرائیل باید باشد. سلیمان‌پور ارشدترین مقام امنیتی جمهوری اسلامی است که اکنون در دولت‌های انگلستان و آرژانتین زیر فشار اسرائیل و اسنادی که فراهم آمده، تحت پیگرد قضائی است و این اسرائیل است

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۷۹

که می‌تواند با بایگانی شدن این پرونده موافقت و یا مخالفت کند. دلیل این امر، وقوع انفجار در «مرکز همیاری اسرائیل» در آرژانتین است. اگر این گمانه‌زنی درست باشد، که به نظر می‌رسد درست است، سلیمان‌پور عملاً به پل ارتباطی میان اسرائیل و جمهوری اسلامی تبدیل شده است. این امر اهمیت و موقعیت امنیتی-اطلاعاتی سلیمان‌پور را نیز می‌رساند.

سایت اینترنتی پیکنت

۱۳۸۲/۷/۱۹ = ۱۱ اکتبر ۲۰۰۳

دیدار خانواده‌های چهار دیپلمات ربوده‌شده با وزیر خارجه

خانواده‌های گروگان‌های ایرانی روز پنجشنبه با دکتر خرازی دیدار کردند. در این دیدار که به منظور بررسی آخرین وضعیت این گروگان‌ها انجام شد، وزیر امور خارجه خانواده‌ها را در جریان پی‌گیری‌های مستمر وزارت امور خارجه در ارتباط با روشن شدن سرنوشت آنان قرار داد. دکتر خرازی اظهار داشت: «طبق شواهد موجود، اسرائیلی‌ها در دستگیری و نقل و انتقال آنها دست داشته‌اند و در این رابطه مسئولیت متوجه آنهاست، زیرا که چهار تن از دیپلمات‌های جمهوری اسلامی شاغل در سفارت ایران در بیروت، در مناطقی به اسارت در آمده‌اند که در اشغال رژیم صهیونیستی بوده است.»

وزیر امور خارجه به خانواده‌های چهار دیپلمات گروگان ایرانی اطمینان داد که جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور خارجه با جدیت کامل برای روشن شدن سرنوشت گروگان‌ها فعالیت‌های خود را ادامه خواهد داد.

کیهان

۱۳۸۲/۷/۲۴ = ۱۶ اکتبر ۲۰۰۳

همه با هم

در این مطلب، خاطره‌ای از دوران دفاع مقدس از حاج احمد متوسلیان نقل شده است.

هفته‌نامه شما

۱۳۸۲/۸/۹ = ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳

آلمان وضعیت ران آراد را پی‌گیری می‌کند

به دلیل اینکه آلمان واسطه‌آزادی ران آراد خلبان اسرائیلی است، یک فرستاده آلمانی به ایران سفر خواهد کرد تا با مقامات ارشد ایران در این زمینه دیدار کند. این فرستاده امیدوار است بتواند اطلاعاتی درباره ران آراد به دست آورد. تلاش‌های رژیم صهیونیستی برای تبادل زندانیان، آراد را دربرنمی‌گیرد. این مسئله سبب شده است که اسرائیل نیز در ابراز مخالفت خود، سرنوشت چهار گروگان ایرانی را منوط به ارائه خبری از ران آراد نماید. مصطفی دیرانی به عنوان یک گروگان در برابر ران آراد که گمان می‌رود در زندان‌های ایران است، توسط رژیم صهیونیستی نگه داشته شده

است. رژیم صهیونیستی همواره تلاش دارد تا وانمود کند که آراد توسط حزب‌الله لبنان ربوده شده و در اختیار ایران است. ولی حزب‌الله هر گونه ارتباط خود را با این قضیه رد کرده‌است.
خبرگزاری مهر

۱۳۸۲/۸/۱۳ = ۴ نوامبر ۲۰۰۳

دیپلمات‌های ایرانی را هم از یاد ببریم

«حسن غفوری‌فرد»، حضور دو مستندساز آزاده‌شده ایرانی را بزرگ‌ترین مستند برای نشان دادن جنایت‌های آمریکا در عراق عنوان کرد که در تاریخ ثبت خواهد شد. غفوری‌فرد در حاشیه مراسم استقبال از مستندسازان گفت: «نگهداری بیشتر این مستندسازان به افتضاح بیشتر آمریکایی‌ها و افشای دروغ بزرگ آنها مبنی بر دفاع از حقوق بشر منجر می‌شود و در زیر فشار جهانی مجبور شدند مستندسازان را آزاد کنند. خوشبختانه رسانه‌ها سعی کردند در این مدت، این مسئله را زنده نگه دارند و تا حد زیادی هم موفق بودند، البته شاید بیش از این باید تلاش می‌کردند. ما نباید از یاد ببریم که چهار تن از دیپلمات‌های ما سال‌هاست که اسیر شده‌اند و رسانه‌های ما بایستی پی‌گیر این افراد نیز باشند.»

خبرگزاری ایسنا

۱۳۸۲/۸/۱۹ = ۱۰ نوامبر ۲۰۰۳

سرانجام اسرائیل پیام را گرفت...

اسرائیل که به طمع ایجاب ایران به توقف پشتیبانی از نیروهای حزب‌الله، ۴ دیپلمات ایرانی را بیش از ۲۱ سال است که به اسارت گرفته، مجبور شده است که این مطالبه را تا حد باز پس‌گیری خلبان اسیر خود در چنگ نیروهای فوق‌تقلیل دهد. بر این اساس، روز گذشته بخش فارسی رادیو اسرائیل اعلام کرد که کابینه این کشور تصمیم گرفته‌است به‌زودی کمیته‌ای را برای روشن‌شدن سرنوشت چهار ایرانی که در لبنان ربوده شدند، تشکیل دهد. اسرائیل به‌خوبی دریافته که مرگ ۴ دیپلمات ایرانی، برابر خواندن فاتحه (یا معادل آن در مذهب یهود) برای خلبان خود آقای ران آراد می‌باشد. در حالی که بیش از ۲۱ سال از اسارت نامعلوم ۴ دیپلمات ایرانی که در لبنان دستگیر و تحویل نیروهای اسرائیلی گردیدند، می‌گذرد، رادیو اسرائیل روز گذشته اعلام کرد که کابینه این کشور تصمیم گرفته است به‌زودی کمیته‌ای را برای روشن‌شدن سرنوشت چهار ایرانی که در لبنان ربوده شدند، تشکیل دهد.

به گفته این رادیو، کابینه اسرائیل همچنین تصمیم گرفته است کمیته مشترک اسرائیلی-آلمانی را باهدف دستیابی به اطلاعاتی در مورد ران آراد، تشکیل دهد. اسرائیل مدعی است که خانواده آراد اطمینان دارند که مصطفی دیرانی رباینده او، یک‌سال و نیم آراد را در اسارت داشته، سپس وی را تحویل دولت ایران داده‌است. بنابر این‌ادعا، ران آراد در تهران زندانی است و دولت ایران نیز حاضر به ارائه اطلاعاتی در این مورد نیست. رادیواسرائیل خاطرنشان‌کرد: «از نظر اسرائیل، در اسارت

نگه‌داشتن دیرانی کمکی به روشن‌شدن سرنوشت‌آراد نمی‌کند. از این‌رو شارون مصمم است که مبادله‌اسیران با حزب‌الله صورت‌گیرد.»
فرشاد اینانلو

سایت اینترنتی مهدیس

۱۳۸۲/۱۱/۵ = ۲۵ ژانویه ۲۰۰۴

مذاکره برای آزادی دیپلمات‌های اسیر ایرانی به زودی آغاز می‌شود

به گزارش شبکه خبری الجزیره، سیدحسن نصرالله دبیرکل جنبش حزب‌الله لبنان، امروز در کنفرانس مطبوعاتی در بیروت اعلام کرد: «سرنوشت چهاردیپلمات ایرانی که نظامیان وابسته به اسرائیل در سال ۱۹۸۲ میلادی آنها را به اسارت گرفته‌اند، در مرحله دوم روند تبادل اسرا میان اسرائیل و حزب‌الله لبنان مشخص خواهد شد.»

مرحله دوم مذاکرات برای تبادل اسرا میان جنبش حزب‌الله لبنان و اسرائیل در روز جمعه این هفته آغاز می‌شود. نصرالله در این کنفرانس مطبوعاتی گفت: «مسئله دیپلمات‌های ایرانی مسئله‌ای ملی است زیرا آنها از خاک لبنان ربوده شده‌اند. در دومین مرحله از روند تبادل اسرا، موضوع ران‌آراد نیز با تشکیل کمیته‌هایی از سوی دو طرف بررسی خواهد شد.»

وی همچنین از حمایت جمهوری اسلامی بویژه رهبری ایران حضرت‌آیت‌الله‌خامنه‌ای و سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهوری، از حزب‌الله لبنان در امر مقاومت تقدیر و تشکر کرد و از تلاش رهبران گروه‌های جهادی فلسطین برای ادامه مبارزه علیه اسرائیل و همکاری بسیار خوب آنها با حزب‌الله لبنان نیز تشکر و از میانجی‌گری آلمان که توانست در روند تبادل اسیران حزب‌الله در بند رژیم صهیونیستی نقش مهمی ایفا کند، قدردانی کرد. سیدحسن نصرالله با بیان این‌که در مرحله اول تبادل اسرا ۴۰۰ اسیر فلسطینی در بند اسرائیل آزاد خواهند شد، تاکید کرد: «تمام اسیران لبنانی و سوری در بند نیز برگردانده خواهند شد به‌جز کسانی که مرتکب جرمی شده باشند.»

خبرگزاری مهر

پنجشنبه مبادله مستقیم حزب‌الله و اسرائیل

منابع آگاه نزدیک به حزب‌الله لبنان فاش کردند که سه‌شنبه آینده، عملیات مبادله اسرای حزب‌الله با اسرائیل -که با میانجی‌گری آلمان صورت می‌گیرد- در دو مرحله آغاز می‌شود. روزنامه «الوطن» -چاپ عربستان- با اعلام این‌خبر به نقل از این منابع نوشت: «در مرحله اول این مبادله ۴۰۰ اسیر لبنانی و عرب -که اغلب آنان فلسطینی و سوری هستند- به استثنای «سمیر قنطار» مبادله می‌شوند. اسرائیل برای آزادی قنطار -که لبنانی و از ستون فقرات بازداشتی‌های زندان اسرائیل به‌شمار می‌آید شرط کرده، تنها در صورتی وی را در مرحله دوم آزاد می‌کند که آلمان، محاکمه دوباره او و به تبع آن، مدت حبس وی را کاهش دهد زیرا با میزان محکومیت فعلی او، امکان آزادی‌اش وجود ندارد. اسرائیلی‌ها نیز

در این مبادله ۳ سرباز اسیر خود را در نزد حزب الله - که در مزارع شبعاء اسیر شده اند - تحویل خواهند گرفت. شیخ عبدالکریم عبید، مصطفی دیرانی و انور یاسین از جمله برجسته ترین اسرای لبنانی هستند که در این مبادله آزاد خواهند شد. ارنست اورلاو، میانجی آلمانی، در گفت و گوهای مبادله اسرا بین حزب الله و اسرائیل از کمک های ایران برای تکمیل توافقنامه مبادله اسرا تشکر کرده است. وی همچنین با اشاره به این که ایران قانع کردن را خیلی خوب بلد است، تأکید کرده که مقامات ایران نیز یکی از طرف های گفت و گو برای مبادله اسرا بوده اند.

در این حال سیدحسن نصرالله اعلام کرد: «تبادل اسیران میان حزب الله لبنان و اسرائیل آن طوری که رسانه های خبری اسرائیل اعلام کرده اند، در روز سه شنبه انجام نمی گیرد.»

سیدحسن نصرالله که در یک کنفرانس خبری سخن می گفت، اظهار داشت: «تبادل اسیران میان اسرائیل و حزب الله لبنان، آن طوری که در توافقنامه قید شده است، روز پنجشنبه این هفته انجام خواهد گرفت. بر اساس توافقات صورت گرفته، مبادله این اسیران در دو مرحله انجام خواهد گرفت که مرحله اول آن از پنجشنبه آغاز خواهد شد و یک هفته به طول می انجامد. مرحله اول مختص زندانیان لبنانی خواهد بود و تمام زندانیان سیاسی که به اتهام مقاومت در جنوب لبنان توسط اسرائیل دستگیر شده اند، آزاد خواهند شد. زندانیان لبنانی عادی که هیچ ارتباطی به مقاومت ندارند و در زمان به اشغال درآمدن جنوب لبنان توسط اسرائیل دستگیر شده اند، از عهده حزب الله خارج است و این مسئله را باید دولت لبنان دنبال کند. مرحله دوم که مهم ترین مرحله این تبادل است، شامل برخی از فلسطینی ها و اعراب و نیز لبنانی ها خواهد بود که باید گفت مرحله دوم بسیار مهم خواهد بود. مرحله دوم این تبادل اسرا شامل ۴۰۰ تن از اسیران فلسطینی از تمام گروه های مبارز فلسطینی خواهد بود که باید گفت این بزرگ ترین موفقیت حزب الله است، زیرا این حزب، در سابق نیز مبادله هایی در زمینه اسیران با اسرائیل داشته است، اما موفقیت آنها به میزان موفقیت امروز و این بار حزب الله نیست. در مرحله دوم تعدادی از اسیران اردنی و سوری نیز آزاد خواهند شد، اما باید گفت مظلوم ترین قشر این زندانیان، شهروندان عربی هستند که دارای تابعیت اسرائیلی می باشند و احتمال آزادسازی این افراد کم است. طبق توافقنامه صریحی که موجود است، اسرائیل نسبت به آزادسازی سمیر قنطار، یکی از زندانیان حزب الله متعهد شده است، اما اکنون نمی دانیم به چه دلایلی رای خود را تغییر داده است. من اینجا اعلام می کنم، ما همچنان به آزادسازی سمیر قنطار متعهد هستیم و در طی مراحل این اتفاق، به یاری خدا تلاش خواهیم کرد که وی نیز براساس توافقنامه موجود آزاد گردد. ما مراحل تکمیلی این توافقنامه را که پس از دو مرحله رسماً منعقد می شود، به مردم و رسانه های خبری ابلاغ می کنیم. ما از این اقدام، یعنی تبادل اسیران که به غیر از لبنانی ها، برخی از اعراب را نیز در برمی گیرد، اهداف سیاسی را دنبال نمی کردیم بلکه این کار را به عنوان یک واجب انجام داده ایم.»

سیدحسن نصرالله همچنین از تمام تلاش‌های صورت گرفته از جانب ایران، گروه‌های فلسطینی، لبنان و برخی از رهبران کشورهای عربی و میانجی‌آلمانی که در قضیه تبادل اسیران به شیوه‌های مختلف یاری کردند، تشکر و قدردانی کرد. دبیرکل جنبش حزب‌الله لبنان همچنین اعلام کرد: «سرنوشت کاظم اخوان، احمد متوسلیان، سیدمحسن موسوی و تقی رستگارمقدم، چهاردیپلمات ایرانی که نظامیان وابسته به اسرائیل در سال ۱۹۸۲ آنها را به اسارت گرفته‌اند، در مرحله دوم روند تبادل اسرا میان اسرائیل و حزب‌الله لبنان مشخص خواهد شد.»

مرحله دوم مذاکرات برای تبادل اسرا میان جنبش حزب‌الله لبنان و اسرائیل در روزجمعه این هفته، آغاز می‌شود.

سایت اینترنتی بازتاب

۱۳۸۲/۱۱/۶ = ۲۶ ژانویه ۲۰۰۴

پایان ۲۰ سال بی‌خبری از سرنوشت دیپلمات‌های ربوده شده ایران

۲۰ سال سکوت و بی‌خبری در پرونده چهاردیپلمات ربوده شده ایران در لبنان پایان گرفت. دیروز منابع خبری رسمی آلمان و لبنان، از وقوع یک توافق مهم بر سر گشوده شدن این ماجرا خبر دادند. به گفته این منابع، توافق چندجانبه مذکور نه تنها رازناگفته چهار ایرانی مفقود را روشن خواهد کرد، بلکه به روشن شدن سرنوشت خلبان اسرائیلی ران آراد و آزادی اتباع بازداشت شده ایران در میکونوس منجر خواهد شد. دولت آلمان با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد: «به دنبال میانجی‌گری‌های به عمل آمده توسط این کشور با طرف‌های اسرائیلی و لبنانی، یک کمیته مشترک مسئولیت روشن نمودن سرنوشت چهاردیپلمات اسیر ایرانی در لبنان و همچنین ران آراد خلبان مفقود اسرائیلی را مشخص خواهد کرد.»

در این بیانیه آمده است: «براساس مذاکرات و میانجی‌گری دولت آلمان با طرف‌های درگیر اسرائیلی، لبنانی و فلسطینی، اسرای طرفین در هفته جاری آزاد خواهند شد. حزب‌الله موظف شده تا چهار اسرائیلی اسیر شده در سال ۲۰۰۰ میلادی در لبنان را آزاد کرده و در مقابل نیز اسرائیل ۴۰۰ اسیر فلسطینی ۲۳ تبعه لبنانی ۵ تبعه سوری ۳ مغربی ۳ سودانی و یک لیبیایی را آزاد کند.»

ارنست اورلاو هماهنگ‌کننده امنیتی و اطلاعاتی صدراعظم آلمان، ضمن قدردانی از نقش موثر ایران در امر تبادل اسرا افزود: «ایران نقش بسیار مهم و سازنده‌ای در توافقات به عمل آمده داشته است.»

در این حال شبکه خبری «دویچه‌وله» گزارش داد که دولت آلمان موافقت کرده در برابر همکاری ایران، اتباع زندانی ایران در پرونده میکونوس را آزاد کند. از سوی سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان، از تشکیل یک کمیته برای روشن شدن سرنوشت چهاردیپلمات ایرانی ربوده شده خبر داد. نصرالله اظهار داشت که این کمیته در مرحله دوم توافق با اسرائیل تشکیل خواهد شد و وظیفه آن جمع‌آوری اطلاعات میدانی و مستند، حضوری و غیرحضوری با هدف روشن شدن سرنوشت ایرانیان

ربوده شده و نیز ران آزاد خواهد بود. دبیرکل حزب الله افزود: «ارنست اورلاو میانجی آلمانی نیز برای روشن شدن وضعیت چهارتبعه ایران، با دولت این کشور در ارتباط بوده است.»
سایت اینترنتی حماسه

حزب الله لبنان با چراغ سبز ایران مبادرت به تبادل اسیران خواهد کرد

روزنامه صهیونیستی یدیعوت آحارونوت مدعی شد: «با چراغ سبز ایران، حزب الله لبنان برای تبادل نهایی اسیران موافقت کرد. تهران تلاش می کند تا سرنوشت چهار دیپلمات خود را که در سال ۱۹۸۲ ربوده شده اند، مشخص کند.»

تا به حال رژیم صهیونیستی مدعی شده است که چهار دیپلمات ایرانی به دست ایلی حبیقه رهبر حزب کتائب کشته و در لبنان دفن شده اند. در همین حال روز گذشته سیدحسن نصر الله دبیرکل حزب الله لبنان در کنفرانس مطبوعاتی در بیروت اعلام کرد: «سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی در مرحله دوم روند تبادل اسرا میان اسرائیل و حزب الله لبنان مشخص خواهد شد.»

از سوی دیگر، منابع امنیتی رژیم صهیونیستی اطلاع دادند: «صبح امروز بیرون آوردن جنازه ۵۹ لبنانی و فلسطینی از مقبره «عمیعا» در شمال فلسطین اشغالی در چارچوب توافقات صورت گرفته برای مبادله اسرا بین حزب الله و این رژیم، آغاز شد.»

قرار است روز جمعه تبادل اسرا انجام گیرد. مسئولان نظامیان اسرائیلی، محل این مقبره ها را تا پایان بیرون آوردن جنازهای فلسطینی ها و لبنانی، منطقه بسته نظامی اعلام کردند. قرار است مسئولان زندان رژیم اسرائیل، لیست ۴۰۰ نفر از زندانیان امنیتی فلسطین را بر روی سایت اینترنتی خود منتشر کنند، اما تاکنون هیچ اسمی از زندانیان فلسطینی در بند منتشر نشده است.

خبرگزاری مهر

کمال خرازی از مبادله اسرا بین حزب الله و رژیم اسرائیل استقبال کرد

کمال خرازی وزیر امور خارجه، با استقبال از توافق انجام شده میان حزب الله و رژیم اسرائیل که با میانجی گری آلمان صورت گرفت، گفت: «توافق منعقد شده برای آزادی ۴۳۵ اسیر فلسطینی، لبنانی و اتباع دیگر کشورهای عربی، یک پیروزی بزرگ برای مقاومت، مردم و دولت لبنان است.»

خرازی با اشاره به دلایل اسارت اتباع لبنانی، فلسطینی و دیگر کشورهای عربی تصریح کرد: «اسرای مذکور عموماً به اتهام مقاومت علیه اشغال اراضی لبنان و فلسطین به زندان های طویل المدت رژیم صهیونیستی محکوم شده و یا طی اقدامات تروریستی از سرزمین خود ربوده شده بودند و آزادی آنان برای فلسطین، لبنان و ملت های مسلمان منطقه موفقیتی بزرگ است.»

وزیر امور خارجه کشورمان با توجه به مفاد توافق نامه و گنجاندن بندی در ارتباط با ضرورت تلاش برای یافتن دیپلمات های ایرانی که در زمان اشغال لبنان از سوی اسرائیل به گروگان گرفته شده اند، ابراز

امیدواری کرد سرنوشت دیپلمات‌های مذکور هرچه زودتر در چارچوب توافق مزبور مشخص شده و مردم ایران و به‌طور خاص خانواده‌های آنان از انتظار و نگرانی خارج شوند. خرازی براهتمام هرچه بیشتر جمهوری اسلامی ایران به‌منظور روشن‌شدن وضعیت دیپلمات‌های مذکور تاکید کرد و خاطر نشان ساخت: «روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی، برای جمهوری اسلامی ایران بسیار مهم است و وزارت امور خارجه تاکنون با جدیت آن را پی‌گیری کرده و خواهد کرد.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۲/۱۱/۷ = ۲۷ ژانویه ۲۰۰۴

کالبدشکافی انگیزه‌های حزب‌الله، اسرائیل و آلمان

توافق نهایی مبادله چهار نظامی اسیر رژیم صهیونیستی نزد حزب‌الله لبنان با ۴۳۵ اسیر لبنانی، فلسطینی و عرب که قرار است روز پنجشنبه این هفته اجرا شود، تفسیرها و پرسش‌های مختلفی را درباره ابعاد و پیامدهای این رویداد مهم و نقش کشورها و دولت‌ها از جمله دولت لبنان را مطرح کرده است. در مورد نقش دولت لبنان در دستیابی به این توافق، می‌توان گفت که با توجه به وضعیت خاص لبنان، دولت این کشور از زمان اشغال بخش‌های بزرگی از جنوب، نقش مستقیمی در رویارویی با رژیم صهیونیستی نداشته و نقش آن بیشتر جنبه حمایت‌های سیاسی و اطلاع‌رسانی داشته است. «غازی عریضی»، وزیر فرهنگ لبنان، در گفت‌وگوی تلویزیونی اظهار داشت: «با اینکه دولت به‌طور مستقیم در مذاکرات برای مبادله اسیران شرکت نداشته، اما حزب‌الله در این زمینه هماهنگی کامل با دولت داشته است.»

وی درباره علت مشارکت نداشتن دولت لبنان در مذاکرات برای مبادله اسیران گفت: «از آنجا که نظامیان اسرائیلی در اسارت حزب‌الله هستند، دولت در این مورد دخالت مستقیم نداشته است.» اما «میشل سماحه» وزیر اطلاع‌رسانی لبنان، تاکید کرده که دولت در مذاکرات حضور و از جزئیات آن اطلاع داشته است.

پس از اعلام توافق نهایی درباره مبادله اسیران، مقام‌های دولتی لبنان و در رأس آنها امیل لحود رئیس‌جمهوری این کشور، ضمن جانبداری کامل از حزب‌الله، از این رویداد به‌عنوان یک دست‌آورد مهم داخلی و خارجی یاد کردند و آن را برابر با آزادسازی بخش بزرگی از جنوب لبنان از اشغال رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۰ دانستند. در این ارتباط، قرار است روز پنجشنبه از اسیران در فرودگاه بیروت استقبال رسمی به‌عمل آید و امیل لحود نیز در مراسمی ویژه در کاخ ریاست‌جمهوری به آنان نشان افتخار اهدا کند. در مورد آزادی سمیر قنطار قدیمی‌ترین اسیر لبنانی، رژیم صهیونیستی به این بهانه که براساس قوانین این رژیم، کسی که دستش به خون اسرائیلی‌ها آغشته است، آزاد نمی‌شود، نام وی را در لیست آزادگان قرار نخواهد داد، بویژه که قنطار در اسرائیل عملیات انجام داده بود. برای اینکه این مسئله مانع از اجرای مبادله بقیه اسیران نشود، دوطرف - حزب‌الله و رژیم صهیونیستی - موافقت کرده‌اند که این اسیر لبنانی در مرحله دوم توافق یعنی پس از گذشت دو

تا حداکثر سه ماه آزاد شود. تن دادن مسئولان اسرائیلی به چنین امری، در واقع تسلیم شدن به منطق حزب الله است که همچنان بر لزوم آزادی قنطار پافشاری می‌کند. حزب الله اهرم‌های فشار بر رژیم صهیونیستی را در اختیار دارد تا بتواند قنطار را آزاد کند که یکی از این عوامل، به اسارت گرفتن نظامیان اسرائیلی است. همچنین این احتمال وجود دارد که حزب الله اطلاعاتی درباره ران آزاد و همچنین نظامیان کشته شده اسرائیلی در لبنان در اختیار مسئولان اسرائیلی قرار دهد که این مسئله زمینه را برای آزادی قنطار و دیگر اسیران فراهم خواهد آورد. بنابر این، آزاد نشدن قنطار در مرحله نخست توافق مبادله اسیران، به معنای چشم‌پوشی از وی یا تغییر موضع حزب الله نیست، بلکه اسرائیل در نهایت ناگزیر می‌شود او را آزاد کند.

سمیر قنطار در روزی مذهب، به همراه چند مبارز فلسطینی در سال ۱۹۷۹ میلادی با نفوذ به شهر «نهاریا» در شمال فلسطین اشغالی، چند نظامی رژیم صهیونیستی را کشت و سپس به اسارت نیروهای این رژیم درآمد. نکته مهم این است که هر یک از دوطرف خود را در این معامله برنده می‌دانند. از نظر طرفداران حزب الله، مبادله اسیران دست‌آوردی مهم برای این حزب است و حزب الله الگویی از مقاومت و همچنین نمونه‌ای از مذاکرات موفق ارائه داد، بویژه که مسئولان حزب الله در سه سال گذشته، در مذاکراتی پیچیده توانستند بیشتر خواسته‌های خود از صهیونیست‌ها را تامین کنند. به گفته آنان، حزب الله توانست خود را به عنوان الگویی برای انتفاضه مطرح کند و آزادی ۴۰۰ اسیر فلسطینی از جمله تعدادی از دست‌اندرکاران انتفاضه، سبب می‌شود که مبارزه در سرزمین‌های اشغالی فعال‌تر و مردم فلسطین به ادامه راه خود امیدوارتر شوند. همچنین تن دادن رژیم صهیونیستی به مبادله اسیران با حزب الله، به منزله شناسایی غیر رسمی این حزب به عنوان یک نیروی مبارز و قدرت سیاسی است که نه تنها از سرزمین خود دفاع می‌کند، بلکه برای آزادی اسیرانش نیز از پای ننشسته است و این امر می‌تواند بر ادعای رژیم صهیونیستی مبنی بر تروریسم بودن حزب الله، خط‌بطلان بکشد. این درحالی است که مسئولان اسرائیلی نیز بازگرداندن نظامیان اسیر و اجساد کشته‌های خود را نوعی دست‌آورد برای خود می‌دانند.

موضوع دیگری که مقام‌های اسرائیلی بویژه آرییل شارون بر آن انگشت می‌گذارند، موضوع ران آزاد است. شارون ادعا می‌کند که با گذشت نزدیک به دو دهه از حادثه سقوط هواپیمای آراد در جنوب لبنان، وی توانسته است حزب الله را وادار کند تا برای ارائه اطلاعاتی در این زمینه اقدام کند. از دیگر محورهایی که ممکن است رژیم صهیونیستی ادعا کند که در این ماجرا موفق بوده، آن است که علاوه بر اقدام به اصطلاح انسان‌دوستانه آن توانسته است بهانه مهمی از چنگ حزب الله برای ادامه مبارزه خارج کند. حال آن‌که این حزب بارها اعلام کرده است مبارزه را تا آزادی کامل جنوب لبنان ادامه خواهد داد. از سوی دیگر و در پاسخ به این سوال که چرا ارنست اورلاو میانجی‌آلمانی، در این قضیه از ایران نام برد، می‌توان گفت با توجه به پافشاری و ادعای بی‌اساس مسئولان رژیم صهیونیستی مبنی بر این‌که ران آزاد در ایران زندانی است، میانجی‌آلمانی به این منظور

با ایران نیز وارد مذاکره شد. افزون بر این، موضوع چهار دیپلمات ایرانی ربوده‌شده در لبنان، یکی دیگر از مسائلی است که ایران را به‌نوعی به مسئله مبادله‌اسیران مرتبط و نقش تهران را در مرحله‌دوم مبادله‌اسیران بارزتر و فعال‌تر کرده است. بویژه که در این مرحله بر لزوم کسب اطلاعات در مورد چهار دیپلمات ایرانی تاکید شده است. ارتباط حزب‌الله با جمهوری اسلامی ایران و کمک‌های معنوی ایران به این حزب نیز یکی دیگر از عوامل ربط دهنده ایران با ماجرای مبادله‌اسیران است. سیدحسن نصرالله یکشنبه گذشته در نشست مطبوعاتی در بیروت، در این مورد گفت: «ایران نه تنها در این مورد کارشکنی نکرده، بلکه ضمن موافقت کامل با مبادله‌اسیران، زمینه را برای آزادی آنان نیز فراهم آورده است.»

بنابراین همان‌طور که گفته شد، موضوع آراد و همچنین دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی، در مذاکرات مبادله‌اسیران مطرح بوده و درنهایت توافق شده است که سه طرف اسرائیلی، لبنانی و آلمانی با تشکیل کمیته‌مشترک در این مورد اقدام‌های لازم را به‌عمل آورند، بویژه که حزب‌الله تاکید کرده است آراد در ایران نیست اما تلاش می‌کند درباره او اطلاعاتی به‌دست آورد. در مورد اسیران فلسطینی هنوز به‌طور رسمی فهرست ۴۰۰ اسیر فلسطینی منتشر نشده است و نمی‌توان در مورد کسانی که قرار است آزاد شوند، اظهارنظر کرد و رژیم صهیونیستی امروز فهرست این اسیران را در صفحه اینترنت قرار می‌دهد. رسانه‌های رژیم صهیونیستی درباره علت این اقدام، گزارش داده‌اند که هدف این است تا اگر به آزادی برخی از آنها اعتراض و شکایتی هست بتوان به دادگاه اسرائیل مراجعه کرد. در مورد آزادی «مروان برغوثی» دبیرجنش‌فتح، در چارچوب مبادله‌اسیران انتظار نمی‌رود که اسرائیل از برغوثی که برایش برگ‌مهمی به‌شمار می‌رود، به آسانی چشم‌پوشی کند. برغوثی که نقش برجسته‌ای در پیشبرد انتفاضه داشت، در فروردین ماه ۱۳۸۱ به اسارت درآمد و از آن زمان تاکنون بازداشت وی بارها تمدید شده است.

در مورد واکنش‌ها، اهمیت و تاثیر داخلی و خارجی توافق مبادله‌اسیران، همان‌طور که گفته شد، این مبادله نه تنها جایگاه حزب‌الله را در داخل لبنان تقویت کرده، بلکه شیوه مذاکره غیرمستقیم و دشواری که مسئولان این حزب در سه سال گذشته با رژیم صهیونیستی انجام داده‌اند، می‌تواند الگویی برای دیگران بویژه فلسطینی‌ها باشد. در این زمینه، دو جنبش مقاومت اسلامی فلسطین «حماس» و «جهاداسلامی»، با جانبداری کامل از مبادله‌اسیران، از آن به‌عنوان الگو و دست‌آورد مهمی یادکردند. «احمد قریع» نخست‌وزیر حکومت خودگردان نیز با استقبال از مبادله‌اسیران میان رژیم صهیونیستی و حزب‌الله، آن را رویدادی مهم خواند. قریع روز دوشنبه در جمع خبرنگاران در رام‌الله اظهارداشت: «این توافق مورد تأیید ماست و ما برای آزادی همه اسیران چنین کوشش‌هایی خواهیم کرد.»

البته برخی مقام‌های حکومت خودگردان فلسطین به این بهانه که حزب‌الله درباره مبادله‌اسیران فلسطینی با آنها رایزنی نکرده، اعتراض‌هایی داشته‌اند. همچنین در مورد رژیم صهیونیستی با وجود

برخی مخالفت‌های داخلی که بیشتر جنبه حزبی دارد، آرییل شارون می‌تواند از این اقدام به‌عنوان برگه‌ای برای تقویت جایگاه خود سوءاستفاده و بهره‌برداری سیاسی کند. حتی برخی منابع، موافقت شارون با توافق نهایی برای مبادله اسیران را به موضوع رسوایی سیاسی و مالی اخیر وی بی‌ارتباط نمی‌دانند و معتقدند که او برای سرپوش گذاشتن بر این رسوایی‌ها، به توافق با حزب‌الله تن داد. از دیگر انگیزه‌های نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در موافقت با مبادله اسیران، می‌توان به نشست آینده دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه اشاره کرد که ۲۳ ماه فوریه آینده (چهارم اسفندماه) برای بررسی موضوع دیوار حایل در کرانه باختری رود اردن تشکیل خواهد شد. شارون که نگران حکم دادگاه لاهه در محکومیت رژیم صهیونیستی است، با این کار خواسته است ضمن بازسازی چهره مخدوش خود در جهان بویژه اروپا، زمینه را برای جلوگیری از صدور حکم دادگاه فراهم کند.

اما درباره انگیزه دولت آلمان از میانجی‌گری بین حزب‌الله و رژیم صهیونیستی، به نظر می‌رسد که هدف این کشور بیشتر جنبه انسانی داشته باشد و این کشور از سال ۱۹۹۶ میلادی تاکنون توانسته است در این زمینه کارآیی و کاردانی خود را به اثبات برساند. با اینکه مقام‌های آلمانی می‌دانند در زمان حاضر و با توجه به سیاست تک‌روی آمریکا در منطقه مهم خاورمیانه، جایی برای کشورهای دیگر در این منطقه وجود ندارد، چنین اقداماتی پیامدهای سیاسی و اقتصادی مناسبی برای برلین خواهد داشت. گذشته از انگیزه انسان‌دوستانه آلمان، در چارچوب پنجمین توافق میان لبنان و رژیم صهیونیستی برای مبادله اسیران، یک آلمانی به نام «استیفان سمیراک» نیز که به اتهام بی‌اساس جاسوسی برای حزب‌الله در زندان‌های این رژیم به سر می‌برد، آزاد خواهد شد. همچنین در قالب پنجمین توافق، رژیم صهیونیستی ۲۳ اسیر لبنانی، پنج سوری، سه مغربی، سه سودانی، یک لیبیایی و همچنین ۴۰۳ اسیر فلسطینی را آزاد می‌کند. نخستین توافق مبادله اسیران، در سال ۱۹۹۱ میلادی و با وساطت نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل در جنوب لبنان انجام شد. در چارچوب این توافق ۶۷ اسیر و پیکرهای ۹ مبارز لبنانی در برابر جسد یک سرباز اسرائیلی تحویل لبنان شد. در مرحله دوم با میانجی‌گری آلمان در سال ۱۹۹۶ میلادی ۴۵ اسیر و پیکرهای مبارز لبنانی در برابر اجساد دو نظامی اسرائیلی و ۱۷ مزدور گروه شبه نظامیان به سرکردگی «آنتوان لحد»، تحویل مقام‌های دولت لبنان شد. در مرحله سوم با میانجی‌گری فرانسه در سال ۱۹۹۸ میلادی ۶۰ اسیر و ۴۰ پیکر مبارز لبنانی، در مقابل جسد سه سرباز صهیونیست، تحویل حزب‌الله شد. در مرحله چهارم در سال ۱۹۹۹ میلادی با میانجی‌گری آلمان، رژیم صهیونیستی مجبور شد ۱۳ مبارز اسیر لبنانی را آزاد کند.

خبرگزاری ایرنا

۱۳۸۲/۱۱/۹ = ۲۹ ژانویه ۲۰۰۴

ران آراد در ایران نیست اما چهار دیپلمات ایرانی در اسرائیل هستند

یک نماینده مجلس شورای اسلامی امروز گفت: «ران آراد در ایران نیست، اما چهار دیپلمات ایرانی در بازداشت اسرائیلی‌ها به سر می‌برند.»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۸۹

علی‌اکبر محتشمی‌پور در گفت‌وگو با روزنامه‌لبنانی السفیر، با بیان این مطلب افزود: «از خلبان اسرائیلی هیچ اطلاعی نداریم و حتی از شرایط بازداشت وی هم خبری نداریم و می‌توانیم ثابت کنیم که وی در تهران نیست. چهار دیپلمات ایرانی در سال ۱۹۸۲ در لبنان ربوده شدند و در حال حاضر در اسارت نظامیان اسرائیل قرار دارند زیرا قرائنی در دست است که نشان می‌دهد آنها در سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۸۹ به اسرائیل منتقل شده‌اند.»

گفتنی است محتشمی‌پور بعد از ظهر روز گذشته، در راس هیئت ایرانی، برای شرکت در مراسم استقبال از اسیران لبنانی آزاد شده حزب‌الله، به لبنان سفر کرده‌است. محتشمی‌پور در عین حال اظهار داشت: «موضوع چهار دیپلمات ایرانی به‌زودی در مرحله دوم حل خواهد شد و ما اطمینان داریم که حزب‌الله توانایی آزاد کردن آنها را دارد.»

رئیس فراکسیون دوم خرداد مجلس گفت: «حزب‌الله به میانجی‌گر آلمانی قول داده که اطلاعاتی درباره ران آراد ارائه کند و در مقابل اسرائیل سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی را مشخص نماید.»
خبرگزاری مهر

۱۳۸۲/۱۱/۱۱ = ۳۱ ژانویه ۲۰۰۴

هیئت‌اعزامی مجلس شورای اسلامی ایران با رئیس مجلس لبنان دیدار کرد

هیئت‌اعزامی مجلس شورای اسلامی ایران به بیروت، به ریاست سیدعلی‌اکبر محتشمی‌پور نماینده مردم تهران، روز جمعه با نبیه بری رئیس مجلس ملی لبنان دیدار و گفت‌وگو کرد. در این دیدار که با حضور آقایان «سیدهادی خامنه‌ای» و «اسدالله کیان‌ارثی» دیگر نمایندگان مجلس و «مسعود ادریسی» سفیر جمهوری اسلامی ایران در بیروت انجام گرفت، درباره مناسبات دو جانبه و اوضاع فلسطین و خاورمیانه بحث و تبادل نظر شد.

محتشمی‌پس از دیدار با بری، در جمع خبرنگاران گفت که پیام گرم و دوستانه حجت‌الاسلام مهدی کروبی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران را به رئیس مجلس ملی لبنان ابلاغ کرد. وی افزود: «هیئت مجلس شورای اسلامی ایران برای شرکت در آیین استقبال از آزادگان لبنانی ره‌اشده از بند رژیم صهیونیستی، و همچنین شرکت در جشن و سرور دولت و ملت لبنان به بیروت آمده‌است.»

رئیس هیئت ایرانی ابراز امیدواری کرد که بازگشت آزادگان لبنانی مقدمه‌ای برای دست‌آورد‌های انسانی بیشتر باشد و به آزادی همه اسیران از زندان‌های رژیم صهیونیستی از جمله چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی در لبنان، منجر شود. هیئت مجلس شورای اسلامی ایران که از روز چهارشنبه در بیروت به سر می‌برد، ضمن شرکت در مراسم استقبال از آزادگان لبنانی، پیش از این در دیدار با سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله، آزادی اسیران را به وی تبریک گفته است.

سایت اینترنتی مجلس شورای اسلامی

دیپلمات غربی از محل دفن ۴ اسیر ایرانی در لبنان خبر داد

در حالی که با انجام مبادله بیش از ۶۰ نفر از اسرای فلسطینی و لبنانی با ۳ نظامی اسرائیلی، امیدواری‌ها برای روشن شدن سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی افزایش یافته و تعدادی از اسرای آزاد شده، بر زنده بودن آنان تاکید داشتند، یک دیپلمات غربی با ادعای اعدام شدن این ۴ دیپلمات در لبنان، از محل دفن آنان خبر داد. این ادعای دیپلمات غربی که به نظر می‌رسد واکنشی به اظهارات تلویحی مسئولان جمهوری اسلامی و حزب الله لبنان، مبنی بر وابسته بودن سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی به سرنوشت رون آراد باشد، در راستای تلاش‌های میانجی‌های اروپایی برای آزادی رون آراد تلقی می‌شود. گفتنی است مقامات جمهوری اسلامی با تکذیب این ادعا، بر زنده بودن دیپلمات‌های ایرانی تاکید دارند. یک دیپلمات غربی که طی سال‌های گذشته برای مشخص شدن سرنوشت شهروندان غربی مفقود شده در لبنان تلاش کرده است، گفت: «چهار دیپلمات ایرانی پس از بازداشت در لبنان، همزمان با جنگ اسرائیل با لبنان، در اقدامی احمقانه اعدام شدند.»

روزنامه فرامنطقه‌ای الحیات - چاپ لندن - به نقل از این دیپلمات غربی که نخواست نامش فاش شود، نوشت: «در آن سال‌ها اوضاع در لبنان به شدت پیچیده و سناریوهای گمراه کننده نیز در این باره زیاد بود مدتی اعتقاد بر این بود که این دیپلمات‌ها به عراق - که با ایران درگیر جنگ بود - تحویل داده شده‌اند و همچنین عده‌ای بر این باور بودند که آنها به اسرائیل منتقل شده‌اند. پس از سقوط هواپیمای رون آراد بر فراز شهر «صیدا» در لبنان و مفقود شدن وی، این دو پرونده با یکدیگر تداخل پیدا کرد، به نحوی که یافتن حقیقت درباره این دیپلمات‌ها و نیز خلبان اسرائیلی، به امری پیچیده و غیرممکن تبدیل شد.»

الحیات به نقل از این دیپلمات غربی افزود: «درباره دیپلمات‌های ایران دو روایت وجود دارد؛ اول این که آنها در مقر شورای جنگ، وابسته به نیروهای لبنانی در کرتینا به دست عناصر دستگاه امنیتی ایلی حبیقه اعدام شده‌اند، و روایت دوم این که احتمالاً آنها به دست همان گروهی که آنان را در برباره در شمال بیروت بازداشت کرده‌اند، کشته شده باشند. همچنین گفته می‌شود پس از گذشت چند سال تلاش‌های محرمانه و اطلاعاتی، ۳ نفر از این ۴ دیپلمات، به مقر شورای جنگ رسیده‌اند، اما اسامی آنها در لیست زندانیان یا بازداشتی‌ها درج نشد، تا این که روزی چند نفر از افسران این دستگاه امنیتی، تصمیم می‌گیرند جلیقه‌های ضدگلوله‌ای را که به تازگی تحویل گرفته بودند آزمایش کنند؛ بنابر این سه دیپلمات برای آزمایش این جلیقه‌ها انتخاب می‌شوند. اما به هنگام تیراندازی به سوی آنان، براثر بی‌دقتی، یکی از سه نفر از ناحیه گلو مورد اصابت قرار گرفته و فوراً کشته می‌شود. در این حال افسران مزبور برای فاش نشدن این رسوایی، دو نفر دیگر را نیز کشته و آنان را در چاله‌ای در نزدیکی درخت «الکینا» که در خارج از محوطه شورای جنگ بود، دفن می‌کنند. پس از گذشت مدتی، در جریان نظافت، جنازه این سه نفر ناپدید شده است. این در حالی است که گفته می‌شود، موسوی نفر چهارم، در مکانی در نزدیکی ساحل شمال لبنان کشته و دفن شده است.»

وی تصریح کرد که این اطلاعات به آگاهی مقامات ایرانی رسیده، اما آنها بر کذب بودن آن اصرار کرده‌اند. این درحالی است که ایالات متحده آمریکا با اعتقاد بر این که مشخص شدن سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی - چه زنده و چه مرده - کلید اصلی گشایش راز افراد غربی مفقود شده در لبنان می‌باشد، به شدت به دنبال مشخص شدن سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی بوده است.

الهیات به نقل از این دیپلمات‌های غربی ابراز عقیده کرد: «داستان مفصل سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی، همزمان با مرگ ایلی جیقه، وزیر سابق - که دو سال پیش ترورشده - دفن شده است.»

این دیپلمات‌های غربی در پایان، ماجرای رون آراد را پیچیده‌ترین پرونده اطلاعاتی خواند و افزود: «پس از خروج این خلبان از دست مصطفی دیرانی، چه داوطلبانه و چه به اجبار، این مسئله به معمایی تبدیل شده که موساد و دیگر دستگاه‌های امنیتی از حل آن عاجز مانده‌اند. هرچند اسرائیلی‌ها بر این باورند که او به دست ایران افتاده و به مکانی امن منتقل شده است.»

این درحالی است که رئیس «انجمن دوستان زندانی و بازداشتی داخل خط سبز» لبنان پیش از کشته شدن، به آگاهی مقامات ایرانی رسانده بود که در اواخر دهه ۹۰، دیپلمات‌های ایرانی در یکی از زندان‌های اسرائیل زنده دیده شده‌اند.

«رائف حبیب‌الله»، رئیس این انجمن، به نقل از پدر خود «ابوهشام احمد حبیب‌الله» موسس این انجمن - که تا روز مرگش در یک حادثه مشکوک رانندگی، ریاست آن را نیز برعهده داشت - گفت: «پدرم از طریق یک وکیل مدافع عرب که به‌عنوان نماینده این انجمن از زندان «الجمله» دیدن می‌کرد، متوجه حضور دیپلمات‌های ایران در این زندان شده است. این وکیل عرب، از چند اسیر در این زندان شنیده است که آنها چهار دیپلمات ایرانی را در این زندان دیده‌اند. پدرم پس از شنیدن این خبر، بلافاصله سعی کرد از ریاست زندان اجازه بگیرد تا از آنجا دیدن کند، اما به وی اجازه داده نشد، تا این که دو هفته بعد مشخص شد که دیپلمات‌های ایرانی به زندانی دیگر منتقل شده‌اند و پدرم تا آخرین روزهای حیاتش نتوانست آن را کشف کند.»

گفتنی است، رائف، دیدار پدرش با مقامات ایران در عمان یا کشوری اروپایی را تایید و یا تکذیب نکرد.

سایت اینترنتی بازتاب

خاتمی آزادی اسرا را به رئیس‌جمهوری لبنان تبریک گفت

سید محمد خاتمی رئیس‌جمهوری، در مکالمه تلفنی با امیل لحدود رئیس‌جمهوری لبنان، آزادی اسرای لبنانی و غیرلبنانی در بند رژیم صهیونیستی را تبریک گفت. رئیس‌جمهوری همچنین از دولت لبنان برای پی‌گیری مسئله دیپلمات‌های مفقود شده ایرانی تا مشخص شدن سرنوشت آنها، قدردانی کرد.

۱۹۲ □ کمین جولای ۸۲

رئیس‌جمهوری لبنان گفت: «تمام تلاش‌های خود را برای مشخص شدن سرنوشت دیپلمات‌های مفقودشده ایرانی، به‌کار خواهیم بست و امیدواریم این تلاش‌ها موجب رفع ابهام و نتیجه‌بخش باشد.»

مردم‌سالاری

دیپلمات‌های ایرانی ربوده‌شده، در اواسط دهه ۹۰ در یکی از زندان‌های اسرائیل بودند
روزنامه فرانطقه‌ای الحیات، به‌نقل از رئیس جمعیت دوستی زندانیان و بازداشت‌شدگان فلسطینی داخل‌خط‌سبز نوشت: «چهاردیپلمات ایرانی ربوده‌شده در بیروت، در اواسط دهه ۹۰ در زندان‌های رژیم صهیونیستی مشاهده شدند.»

رائف حبیب‌الله رئیس این جمعیت، از منطقه «عین ماهل» در استان ناصره، به روزنامه الحیات گفت که پدرش، احمد حبیب‌الله بینانگذار این جمعیت و رئیس آن، تا پیش از فوتش بر اثر یک حادثه رانندگی مشکوک، به مسئولان ایرانی اطلاع داده بود که چهاردیپلمات ناپدیدشده آنها در لبنان و در خلال جنگ اسرائیل، در یکی از زندان‌های اسرائیلی در اواسط دهه ۹۰ زنده مشاهده شدند. وی افزود: «پدرم در حادثه رانندگی مشکوک که در حال تهیه غذا، آب و لباس برای زندانیان بود، جان خود را از دست داد اما هیچ سند و مدرکی در مورد این مسئله از خود به جا نگذاشت و همین امر کار را بر جمعیت دوستی زندانیان جهت پی‌گیری موضوع دیپلمات‌های ایرانی دشوار کرده است. پدرم از طریق یکی از وکلای عرب که به‌عنوان نماینده این جنبش از زندان‌ها بازدید کرده بود، دانست که دیپلمات‌های ایرانی زنده هستند. پدرم بلافاصله تلاش کرد تا مجوز دیدار با زندانیان را کسب کند ولی اداره امور زندان‌های اسرائیل با این درخواست مخالفت کرد.»

رئیس جمعیت دوستی زندانیان، تصریح کرد: «پدرم بعد از یک یا دو هفته متوجه شد که دیپلمات‌های اسیر ایرانی به زندان دیگری منتقل شدند که تا آخرین روز حیاتش نتوانست از سرنوشت آنها مطلع شود. پدرم در آن زمان سر و صدای مطبوعاتی در سطح داخلی و بین‌المللی به‌راه انداخت و اطلاعات مربوط به این موضوع را در اختیار آنها قرار داد و سپس در یکی از پایتخت‌های اروپایی با حقوق‌دانان ایرانی دیدار کرد تا آنها را در جریان این امر قرار دهد، اما عدم توانایی وی در رفتن به زندانی که دیپلمات‌های ایرانی را به آنجا منتقل کرده بودند، مانع از پی‌گیری این پرونده توسط وی شد.»

وی به نام حقوق‌دانان ایرانی و نیز کشورهای اروپایی اشاره‌ای نکرد. رائف از رد یا تایید دیدار پدرش با مسئولان ایرانی در امان یا یک پایتخت اروپایی، خودداری کرد.

خبرگزاری فارس

۱۳۸۲/۱۱/۱۲ = ۱ فوریه ۲۰۰۴

حزب‌الله دو کمیته برای بررسی سرنوشت رون آراد و چهاردیپلمات ایرانی تشکیل داد

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۹۳

روزنامه القبس به نقل از منابعی در حزب الله، از تشکیل دو کمیته برای بررسی سرنوشت رون آراد و چهار دیپلمات مفقود شده ایرانی خبر داد. منابع حزب الله اعلام کردند این دو کمیته در پی توافق با میانجی‌گر آلمانی تشکیل شد تا نتایج تحقیقات خود را تا دو یا سه ماه در مورد خلبان اسرائیلی و دیپلمات‌های ایرانی و دیگر مفقودین لبنانی ارائه کنند. اولین کمیته وظیفه دارد اطلاعاتی را در مورد رون آراد جمع‌آوری و دومین کمیته نیز مکلف است تا سرنوشت دیگر مفقودین لبنانی و چهار دیپلمات ایرانی را پی‌گیری کند. به نوشته القبس، حزب الله مطمئن است که این دیپلمات‌ها در زندان‌های اسرائیل هستند.

القبس افزود: «هرچند مرحله اول تبادل اسرا به پایان رسید، اما پیش‌بینی‌ها حاکی است مرحله دوم مبادله دشوارتر باشد. منابعی آگاه از حوادث غیرمنتظره سخن می‌گویند و از احتمال سرنگونی رژیم شارون تا سه ماه آینده به دلیل رسوایی در مسئله جزایر یونانی و فساد مالی و تاثیر منفی آن بر روند قرارداد اظهار نگرانی می‌کنند.»

القبس همچنین به نقل از یک نماینده مجلس لبنان نوشت که اسرائیل در عملیات مبادله اسرا، به مشروعیت حزب الله و به اینکه این جنبش نماد ملی به دور از وصله‌تروریسم است، اعتراف کرد. خبرگزاری مهر

ابراز امیدواری نماینده حزب الله نسبت به تعیین سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی

«سید عبدالله صفی‌الدین» نماینده حزب الله لبنان در تهران، دیروز نسبت به تعیین سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی، ابراز امیدواری کرد. وی ابراز امیدواری کرد که مرحله دوم از مبادله اسرا میان حزب الله و اسرائیل، بسیار وسیع‌تر و گسترده‌تر از مرحله اول باشد و علاوه بر تعیین سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی، تعداد بیشتری از فلسطینی‌ها و برخی شخصیت‌های مهم فلسطینی موجود در زندان‌های رژیم صهیونیستی آزاد شوند.

جوان

دیپلمات‌های ایرانی کشته شده‌اند

هفته‌نامه لبنانی الشراع نوشت: «چهار دیپلمات ایرانی به دست سرویس امنیتی گروه موسوم به نیروهای لبنانی که ایلی حبیقه مسئولیت آن را برعهده داشت، به قتل رسیدند.» الشراع در تازه‌ترین شماره خود که دیروز در بیروت توزیع شد، در گزارشی با عنوان «بازگشت حزب الله» افزود: «به گفته منابع نزدیک به سمیر جعجع رئیس گروه نیروهای لبنانی، چهار دیپلمات ایرانی در همان روز دستگیری در پست‌بازرسی این گروه در شمال بیروت، کشته شدند. گروه نیروهای لبنانی در سال ۱۹۸۰ میلادی به عنوان شاخه نظامی احزاب و گروه‌های سیاسی مسیحی لبنان به ریاست بشیر جمیل تشکیل شد. با مرگ جمیل در سال ۱۹۸۲ به ترتیب «فواد ابوناصر»، «فادی افرام» و سمیر

جمع مسئولیت این گروه را به عهده گرفتند. جمع اکنون به اتهام ارتکاب جنایت در دوران جنگ داخلی لبنان، و دست داشتن در حادثه ترور «رشید کرامی» نخست‌وزیر سابق این کشور، در زندان به سر می‌برد. منابع مرتبط با ایلی حبیقه، بارها در سال‌های گذشته تأکید کردند که چهار دیپلمات ایرانی تا سال ۱۹۸۶ میلادی که حبیقه مسئولیت سرویس امنیتی گروه نیروهای لبنانی را بر عهده داشت، زنده بودند. گفته می‌شود این گروه تا سال ۱۹۹۰ میلادی، ایرانیان را در بازداشت خود داشت تا این‌که از طریق دریا به فلسطین اشغالی منتقل کرد. در این بین منابع اسرائیلی ادعا کرده‌اند که از مکان نگه‌داری اجساد چهار ایرانی در لبنان اطلاع دارند.

قدس

به دیپلمات برای اسارت و کشته شدن نیازمندیم!

یکی از بینندگان سایت اینترنتی بازتاب، در پیامی به بازتاب نوشته است:

– سلام، من در سال‌های ۴۷ و ۴۸ با سید محسن موسوی که از بستگان نزدیکم می‌باشد، می‌توانم بگویم آشنا شدم و نسبت به ایشان شناخت پیدا کردم و نسبت خونی ما تبدیل به یک دوستی قوی شد. با این‌که خانواده ما مذهبی هست و بعداً در دبیرستان «مروی» با راهنمایی‌های خدا بیمارز دبیر ادبیات‌مان که بعد از انقلاب مدتی هم سفیر ایران در چین بود که الان متأسفانه نامش به خاطر نمی‌آید، توانستم بیشتر از قبل با سید محسن آشنا و با مفاهیم سیاسی و مذهبی آشنا شوم و این دوران برای من سرآغاز فعالیت‌های سیاسی بود و از حضور بزرگانی چون آقای شبیری، فهری زنجانی، شمس حائری، موسوی اردبیلی و... که به خانواده پدری رفت و آمد داشتند، اصولی را بیاموزم. این مطالب را عرض کردم که بدانید اگر الان می‌سوزم و از باج‌دادن‌های دولتمردان حکومت‌مان می‌گویم، بدانید چرا.

شما بیاید پاسپورت یک آمریکایی را ببینید که درون آن نوشته: «این پاسپورت متعلق به یک شهروند آمریکاست. هر کشوری با دارنده این پاسپورت بد رفتاری کند دولت آمریکا با آن دولت برخورد خواهد کرد.»

ببینید وقتی که یک شهروند آلمانی در ایران مرتکب اعمال ناصواب می‌شود، چطور پی‌گیری می‌کنند و چطور روز شمارها در روزنامه‌ها و صداوسیما خود می‌گذارند و چگونه از هر طرف فشار می‌آورند تا ما خودمان دو دستی اصولی را که پذیرفته‌ایم زیر پای آنها بیندازیم. از این خاصه خرجی‌ها زیاد داشته‌ایم و شاهد آن دیپلمات‌های شهیدمان در افغانستان، عملکردهای مان در بوسنی، در عراق، باز در افغانستان، در لبنان، در سوریه و... متأسفانه ما مردم ما برای سیاست‌گذاران و سیاست‌مداران کشور هیچ ارزشی نداریم و در هیچ‌جا و هیچ‌مورد، مورد حمایت واقع نمی‌شویم و الان برای عزیزان مان دربند رژیم صهیونیستی باید به کی باج بدهیم؟ به حزب‌الله؟ به اسرائیل؟ به

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۹۵

آلمان؟ حیف که وزارت امور خارجه بسیار توانمندی داریم. بد نیست یک آگهی در روزنامه بزنند که داوطلب اسارت و کشته شدن به‌عنوان دیپلمات استخدام می‌کنند.

سایت اینترنتی بازتاب

۱۳۸۲/۱۱/۱۳ = ۲ فوریه ۲۰۰۴

جهت روشن شدن وضعیت چهارگروگان‌ایرانی، خانواده آنان به لبنان سفر می‌کنند

در پی تبادل اخیر میان حزب‌الله لبنان و اسرائیل که به آزادی ۴۳۰ تن از اسرای لبنانی انجامید، کمیته ویژه‌ای جهت مشخص شدن وضعیت چهارگروگان‌ایرانی تشکیل شده و عازم لبنان می‌باشد. در این کمیته جست‌وجو، نمایندگانی از خانواده‌های گروگان‌ها- به توصیه وزارت خارجه فقط از بستگان مرد درجه‌یک- حضور دارند و قرار است هفته آینده همراه با کمال خرازی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، عازم بیروت شوند تا از نزدیک پی‌گیر ماجرا باشند. قرار است در این سفر نتیجه قطعی پی‌گیری‌ها اعلام شود تا خانواده‌های گروگان‌ها پس از ۲۱ سال از چشم‌انتظاری بدر آیند. در روزهای اخیر، در رسانه‌های خبری بین‌المللی اخبار ضدونقیضی از سرنوشت آن چهار عزیز منتشر شده است که هیچ‌کدام به درستی مشخص‌کننده وضعیت آنان نیست.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۲/۱۱/۱۴ = ۳ فوریه ۲۰۰۴

ایران در مرحله دوم تبادل اسرای حزب‌الله و اسرائیل، نقش محوری ایفا خواهد کرد

روزنامه «الرای‌العالم» کویت، نقش ایران در مرحله دوم تبادل اسرا میان حزب‌الله و رژیم صهیونیستی را نقشی محوری و مهم توصیف کرد. این روزنامه با اشاره به سفر قریب‌الوقوع کمال خرازی وزیر امور خارجه ایران به بیروت، تصریح کرد این سفر باهدف انجام مذاکراتی صورت می‌گیرد که با مرحله دوم تبادل اسرا میان حزب‌الله و اسرائیل ارتباط دارد. به نوشته این روزنامه، ماموریت خرازی به شکل اساسی با سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی مرتبط است. ال‌رای‌العالم نوشت: «پیش‌بینی می‌شود ایران، نقش محوری خود را در مرحله دوم تبادل اسرا ایفا کند، زیرا این کشور پس از بروز علائم روشن مربوط به دیپلمات‌هایش، معتقد است که دیپلمات‌های ناپدید شده‌اش در حال حاضر در اسرائیل زندانی هستند. هرچند شاهد افزایش حضور ایران در مرحله دوم قرارداد خواهیم بود، اما اسرائیل هم اتهاماتی را به ایران در مورد ران آراد وارد کرده و مدعی وجود آراد در ایران است که سیدحسین نصرالله دبیرکل حزب‌الله با تاکید بر وجود آراد در لبنان، تهران را از این اتهامات مبرا کرد.» به نوشته این روزنامه، حزب‌الله موفق شد دو مرحله قرارداد تبادل اسرا را با یک توافق به هم ربط دهد و با میانجی‌گری ارنست اورلاو آلمانی، توانست اسرائیل را به کامل کردن گفت‌وگوها برای آزادی قدیمی‌ترین اسیر خود سمیر قنطار و روشن شدن سرنوشت ران آراد و چهار دیپلمات ایرانی و دیگر مسائلی که مرتبط با شروط طرفین است، ملزم کند. به نوشته ال‌رای‌العالم، آژیر شروع مرحله دوم در روند تبادل، در پی نشست سیدحسین نصرالله دبیرکل حزب‌الله و «اوگست هانینگ»

مدیرسازمان اطلاعات کل آلمان، هفته گذشته در بیروت به صدا درآمد که در جریان آن، توافق مستقیم برای تشکیل کمیته‌های مشترک به منظور پی‌گیری پرونده‌های گفت‌وگو میان حزب‌الله و اسرائیل از طریق میانجی‌آلمانی به دست آمد. یکی از این کمیته‌ها برای بررسی سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی تشکیل شده است که سفر خرازی به دلیل مرتبط بودن با این مسئله، از اهمیت خاصی برخوردار است. به نوشته الرای‌العالم، در مورد سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی همچنان اطلاعات ضدونقیضی وجود دارد. در حالی که برخی شایعات از کشته شدن آنها به دست شبه‌نظامیان لبنانی پس از ربوده شدن آنها حکایت می‌کند، اطلاعات دیگری از انتقال آنها به اسرائیل و وجود آنها در زندان‌های این رژیم در حال حاضر خبر می‌دهد.

مسئله دیگری که در کمیته‌های تشکیل شده بررسی خواهد شد، سرنوشت ران آراد خلبان اسرائیلی است که هواپیمایش در درگیری‌های نظامی نزدیک اردوگاه فلسطینی «عین‌الحلوه» در لبنان در سال ۱۹۸۶ سرنگون شد و در دست حاج مصطفی دیرانی چند سال در بازداشت بود و هر چند برخی اتهامات از زندانی شدن وی در دست برخی جریانات ایرانی خبر می‌داد، اما سیدحسن نصرالله با تاکید بر وجود آراد در لبنان، هرگونه اتهامی را از ایران دور کرد. به نوشته الرای‌العالم، سرنوشت مرحله دوم قرارداد با هر نتیجه‌ای که به پایان رسد، به دور از موضع اساسی ایران نخواهد بود و همین امر نقش ایران را در موفقیت یا شکست این مرحله، در جایگاهی اساسی قرار داده است. روزنامه الرای‌العالم با توجه به تلقی موجود در ایران که معتقد است تهران در تمام مراحل مربوط به دور اول تبادل اسرا نقش اساسی ایفا کرده است، به نقش سوریه نیز اشاره کرد و نوشت: «ایران و سوریه به مثابه دو شریک اساسی حزب‌الله در پیروزی این حزب نقش دارند و نقش این دو کشور در مرحله دوم علنی‌تر و حساس‌تر خواهد بود.»

خبرگزاری مهر

خرازی برای پی‌گیری موضوع دیپلمات‌ها به لبنان می‌رود

سخن‌گوی وزارت امور خارجه کشورمان در خصوص سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی گفت: «سرنوشت این افراد همواره در دستورکار وزارت خارجه بوده و هست. به زودی خرازی در همین هفته برای پی‌گیری این وضعیت به لبنان سفر می‌کند، به گونه‌ای که اثری از این عزیزان پیدا کند و موضوع را بررسی کند. پی‌گیری وضعیت چهار دیپلمات ایرانی در دستور کار ماست. حزب‌الله هم قرار گذاشته در مرحله بعد در این زمینه کار کند. در سفر آتی خرازی، درباره جزئیات با طرف‌های لبنانی و حزب‌الله گفت‌وگو خواهد داشت.»

ابتکار

۱۳۸۲/۱۱/۱۶ = ۵ فوریه ۲۰۰۴

مصاحبه دکتر خرازی در جمع خبرنگاران پس از دیدار با رئیس‌جمهوری لبنان

دکتر کمال خرازی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، رو پنجشنبه با امیل لحدود رئیس جمهوری لبنان، در محل کاخ ریاست جمهوری این کشور در شرق بیروت دیدار و گفت‌وگو کرد. دکتر خرازی پس از این دیدار، در جمع خبرنگاران نتایج مذاکرات خود با رئیس جمهوری لبنان را بسیار خوب توصیف کرد. دکتر خرازی با اشاره به موضوع پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی، اظهار داشت: «از رئیس جمهوری لبنان درخواست کردم از کوشش برای تعیین سرنوشت چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی که در منطقه زیر نفوذ یک گروه وابسته به رژیم صهیونیستی ربوده شدند، حمایت کند. لحدود نیز ضمن حمایت از این موضوع، تاکید کرد که به کوشش‌های خود ادامه خواهد داد.»

آقای خرازی اضافه کرد: «اطلاعات بسیاری در دست است که نشان می‌دهد چهار دیپلمات ایرانی به اسرائیل منتقل شده‌اند، از این رو امیدواریم سرنوشت آنها روشن شود.»

یکی از خبرنگاران این پرسش را مطرح کرد که آیا ایران از آلمان درخواست کرده است نقش میانجی بین ایران و اسرائیل برای روشن شدن سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی ایفا کند، و آیا لبنان و حزب الله در کمیته پی‌گیری سرنوشت این چهار ایرانی شرکت خواهند کرد؟ دکتر خرازی در پاسخ اظهار داشت: «این موضوع را با آلمان مطرح کردیم و امیدواریم که آلمان نقش خود را در این خصوص ایفا کند، کمیته پی‌گیری نیز در مراحل اولیه است و در مراحل بعدی ترکیب این کمیته مشخص می‌شود ولی به‌طور قطع لبنان نقش مهمی در این خصوص خواهد داشت.»

وی در پاسخ به پرسش دیگری مبنی بر این که آیا ایران در مراحل اولیه مذاکرات در مورد مبادله اسیران لبنان و اسرائیل نقش داشت، گفت: «ما از ابتدا از این موضوع حمایت کردیم و خوشحالیم که در این زمینه اقدام کنیم و خواستار ادامه این روند هستیم.»

وزیر امور خارجه ایران تصریح کرد که در دور دوم مذاکرات مبادله اسیران، موضوع چهار دیپلمات ایرانی نیز مطرح خواهد شد. یکی از خبرنگاران سوال کرد: «برخی از کسانی که در به اسارت گرفتن دیپلمات‌های ایرانی دست داشتند، در دولت کنونی لبنان مشارکت دارند، آیا این موضوع کمکی به حل مسئله دیپلمات‌ها خواهد کرد؟»

آقای خرازی اظهار داشت: «اشخاص و نیروهایی که آن زمان بودند، قطعاً با افراد و نیروهای فعلی بسیار متفاوتند، زیرا در آن هنگام این نیروها زیر نفوذ و سیطره اسرائیل بودند که تعدادی از آنها اکنون در زندان به سر می‌برند. با این همه، نیروهای وطن‌پرست ارتباط خوبی با ایران دارند و از آنها می‌خواهیم هرگونه مدرک و اطلاعاتی که در مورد دیپلمات‌های ایرانی دارند در اختیار ما قرار دهند تا سرنوشت آنها هر چه زودتر روشن شود.»

دکتر خرازی در پاسخ به این پرسش که آیا ایران از وضعیت ران آراد اطلاع دارد، گفت: «ما از سرنوشت آراد خبری نداریم و وی در ایران نیست، با این همه امیدواریم که وضعیت او نیز مشخص شود.»

سایت اینترنتی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

نشست مطبوعاتی مشترک وزیران خارجه ایران و لبنان پس از دیدار با یکدیگر در بیروت

دکتر خرازی و «جان عبید» همتای لبنانی وی، پس از دیدار با یکدیگر و بررسی مناسبات دو کشور، و نیز موضوع پی گیری سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی، در نشست مطبوعاتی به پرسش های خبرنگاران درباره روابط دوجانبه و موضوع اصلی سفر وزیر امور خارجه ایران به بیروت، پاسخ دادند. دکتر خرازی با ابراز خرسندی از آزاد شدن اسیران خاطرنشان کرد: «ایران امیدوار است در مرحله دوم مبادله اسیران، سرنوشت چهار دیپلمات که در منطقه تحت اشغال اسرائیل در لبنان به اسارت درآمدند و به فلسطین اشغالی منتقل شدند، روشن شود. شماری از بستگان این چهار ایرانی در این سفر فرصت خواهند یافت که در این گفت و گوها شرکت و خواسته های شان را مطرح کنند.»

وزیر خارجه ایران تاکید کرد که رئیس جمهوری و وزیر امور خارجه لبنان قول همکاری و مساعدت در این زمینه را داده اند. آقای خرازی در پاسخ به پرسش یکی از خبرنگاران درباره میزان اطلاعات ایران از آخرین وضعیت چهار ایرانی، اظهار داشت: «ما تاکنون اطلاعاتی در این مورد به دست آورده ایم و معلوم شده است که آنان به اسرائیل منتقل شده اند اما در پی کسب اطلاعات جدید و دقیق تری هستیم و رئیس جمهوری لبنان نیز بر این نظر بودند که این موضوع پی گیری شود تا اسرائیل آنها را آزاد کند.»

وی در پاسخ به این پرسش که آیا اطلاعات در دسترس، از طریق لبنان و یا کشورهای دیگر به دست ایران رسیده است، گفت: «ما اطلاعاتی از دیگر کشورها داریم که دیپلمات های ما به اسرائیل منتقل شده اند اما زمان به اسارت در آمدن آنها مشخص است. ما به دلیل این که با اسرائیل ارتباطی نداریم، هرگونه اطلاعات در این زمینه را از طریق دولت آلمان به دست می آوریم.»

سایت اینترنتی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

مصاحبه دکتر خرازی در جمع خبرنگاران پس از دیدار با رئیس مجلس لبنان

سیدکمال خرازی، روز پنجشنبه پس از دیدار با نبیه بری رئیس مجلس ملی لبنان در بیروت، در جمع خبرنگاران اعلام کرد: «همه اطلاعات به دست آمده در خصوص چهار دیپلمات ایرانی حاکی از آن است که آنها از طریق دریا به اسرائیل برده شده اند و از این رو این وظیفه اسرائیلی هاست که وضعیت اسیران ایرانی را روشن کنند.»

دکتر خرازی ابراز امیدواری کرد که با جمع آوری اطلاعات از سوی نبیه بری بتوانیم شاهد حضور دیپلمات های اسیر ایرانی در جمع خود باشیم. وزیر امور خارجه ایران در پاسخ به پرسش یکی از خبرنگاران که آیا مقام های لبنانی اطلاعاتی را در مورد چهار ایرانی ربوده شده به وی داده اند، گفت: «آنچه مهم است، اراده مسئولان لبنانی مبنی بر همکاری در این خصوص می باشد و این اراده

روشن‌گرانه بوده است. در سال ۱۹۸۲ چهار دیپلمات ایرانی ربوده شدند که مسئولیت آن متوجه دولت کنونی لبنان نیست، اما دولت این کشور می‌تواند با ارائه اطلاعاتی در این زمینه، ما را در مطالباتمان از اسرائیل یاری دهد.»

دکتر خرازی همچنین در پاسخ به پرسش دیگری در مورد اهمیت اطلاعات جمع‌آوری شده از سال ۱۹۸۲ تاکنون، اظهار داشت: «اطلاعات به هر زمانی که تعلق داشته باشد برای ما اهمیت دارد و حتی مشاهدات و معلومات افرادی که هنگام ربوده شدن دیپلمات‌های ایرانی در منطقه بوده‌اند نیز برای ما مهم است.»

سایت اینترنتی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

۱۳۸۲/۱۱/۱۷ = ۶ فوریه ۲۰۰۴

ما اطلاعات حساسی در مورد سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی در اختیار داریم

یک وزیر لبنانی تصریح کرد اطلاعات حساسی از سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی در اختیار داریم و آنها را به ایرانی‌ها ارائه خواهیم کرد. «کریم بقرادونی» وزیر توسعه اداری دولت لبنان، فاش کرد لبنانی‌ها اطلاعات حساسی در مورد سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی دارند و آن را در اختیار خرازی قرار خواهند داد. وی از افشای ماهیت این اطلاعات خودداری کرد و تنها به این نکته بسنده کرد که این اطلاعات فوق‌العاده محرمانه است و به مرحله دوم گفت‌وگوها میان حزب‌الله و اسرائیل مرتبط است. بقرادونی در مورد زنده بودن آنها توضیحی نداد، اما ابراز امیدواری کرد دور دوم مذاکرات در تباد اسرا به روشن شدن سرنوشت آنها منجر شود.

کمال خرازی وزیر امور خارجه ایران که برای مشخص شدن سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی به بیروت سفر کرده است، تاکید کرد که اطلاعات فراوانی تاکید می‌کند دیپلمات‌های ایرانی به اسرائیل منتقل شده‌اند. وی در عین حال تصریح کرد تهران هیچ نقشی در مسئله ناپدید شدن ران آراد ندارد و وی در ایران نیست. سیدحسین نصرالله هم تاکید کرده است که خلبان اسرائیلی در ایران نیست و تهران را از اتهام دست داشتن در مسئله ناپدید شدن ران آراد مبرا کرد. «موشه آرنز» وزیر دفاع سابق اسرائیل هم تاکید کرد حزب‌الله برای دومین بار اسرائیل را با شکست تلخی آشنا کرد. به گفته وی، اولین شکست عقب‌نشینی متفضحانه اسرائیل از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ و دومین شکست هم مربوط به اولین مرحله تبادل اسرا است. وی تاکید کرد: «حزب‌الله با علم به پوشالی بودن تهدیدهای اسرائیل، موفق شد در قراردادی، اجساد سه‌نظامی و یک افسر زنده اسرائیلی را با صدها اسیر زنده لبنانی و عرب مبادله کند.

خبرگزاری مهر

برای تعیین سرنوشت دیپلمات‌های خود، هیچ تماس مستقیمی با اسرائیل نخواهیم داشت

وزیر امور خارجه ایران تاکید کرد هیچ تماسی میان ما و اسرائیل در مرحله دوم تبادل اسرا وجود ندارد و تمام اطلاعات از طریق میانجی آلمانی رد و بدل خواهد شد. روزنامه الشرق الاوسط از توافق ایران و لبنان بر ایجاد سازوکاری برای هماهنگی میان آنها در مورد مسئله دیپلمات‌های ایرانی خبر داد. الشرق الاوسط به نقل از منابع رسمی لبنانی نوشت که توافق‌نامه مذکور بر لزوم تنگاتنگ بودن این راه‌کار و محرمانه بودن آن به گونه‌ای که هیچ اطلاعاتی به بیرون درز نکند، تاکید می‌کند، زیرا افشای هرگونه اطلاعات در این زمینه، بر روند گفت‌وگوها تاثیر منفی خواهد گذاشت. به گفته یک منبع رسمی لبنانی، این مسئله از طریق میانجی‌گری آلمان میان لبنان و اسرائیل انجام خواهد شد. به نوشته الشرق الاوسط، لبنان سرلشکر «جمیل السید» مدیرکل امنیت عمومی خود را نماینده خود در این سازوکار تعیین کرده و ایران هم نماینده خود را متعاقبا اعلام خواهد کرد. به نوشته این روزنامه، امیل لحدود در دیدار با کمال خرازی، بر جدی بودن لبنان در یک‌سره کردن سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی و حل و فصل آن تاکید کرد. خرازی هم تاکید کرد دیپلمات‌های ایرانی توسط شبه‌نظامیان لبنانی ربوده و با یک کشتی به اسرائیل منتقل شده‌اند.

به گفته این منبع، خرازی به امیل لحدود اعلام کرده است که رهبران ایران به شخص وی در مسئله پی‌گیری دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی، کاملا اعتماد دارند و امیدوار هستند که لبنان نیز تحقیقات خود را در این زمینه از طریق افراد مربوطه در این مسئله بویژه کسانی که در زمان ربوده شدن دیپلمات‌ها در منطقه مورد نظر مسئولیت داشتند، جمع آوری کند. خرازی و اعضای هیئت همراه، در جریان مذاکرات خود هیچ اشاره‌ای به نام ران آراد نکردند. حتی وزیر ایرانی از اشاره مستقیم به نام ران آراد خودداری کرد و تنها به این جمله بسنده کرد که شخص مذکور در ایران نیست. امیل لحدود رئیس جمهوری لبنان نیز به وزیر امور خارجه ایران تاکید کرد که دولت لبنان بر پی‌گیری تحقیقات و جمع‌آوری اطلاعات لازم برای کمک به روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی عزم راسخ دارد و ابراز امیدواری کرد که به زودی برای این مسئله که مورد توجه گسترده لبنان است، راه حلی پیدا کند. خرازی نیز تاکید کرد که کشورش اهمیت فراوانی به این موضوع برای دستیابی به دلایل قاطع و قانع کننده که ابهامات موجود را برای اطمینان دادن به خانواده‌های دیپلمات‌های ربوده شده برطرف کند، می‌دهد. خرازی با تاکید بر وجود اطلاعات فراوان که انتقال آنها به اسرائیل را تایید می‌کند، فاش کرد که کشورش از آلمان خواسته است برای روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی، با اسرائیل میانجی‌گری کند. خرازی گفت: «ما این موضوع را با آلمان در میان گذاشتیم و امیدواریم آنها نقش خود را برای آزادی دیپلمات‌های ما به کارگیرند. ایران از موضع لبنان و حزب الله در مذاکراتی که طرف آلمانی اداره می‌کند، حمایت خواهد کرد و هرگز در این پرونده دخالت نخواهد کرد و از دولت لبنان می‌خواهد برای افشای سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی کمک کند.»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۰۱

به گزارش السفیر، خرازی در پاسخ به این سوال که آیا ایران نقش مستقیمی در مرحله اول تبادل اسرا داشت، گفت: «ما از گفت‌وگوهای انجام شده حمایت کردیم و خرسندیم که لبنان چنین پیروزی را به دست آورد و طبعاً ما با طرف‌های مربوطه نیز تماس خواهیم داشت تا مرحله دوم نیز با موفقیت به انجام برسد و امیدواریم که سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی نیز در مرحله دوم روشن شود.»

خرازی با تکذیب قاطع هرگونه نقش ایران در تعیین سرنوشت خلبان اسرائیلی تاکید کرد، وی در ایران نیست اما امیدواریم سرنوشت وی هم روشن شود، زیرا در تعیین سرنوشت دیگران تاثیر خواهد داشت. خرازی گفت: «ایران از برخی وزرای لبنانی که در زمان ربودن شدن دیپلمات‌های ایرانی مسئولیت داشتند، انتظار دارد که اطلاعاتی را در این مورد اگر دارند، ارائه کنند زیرا این امر کمک فراوانی به روشن شدن سرنوشت آنها خواهد کرد.»

خرازی همچنین با «جان عبید» وزیر امور خارجه لبنان نیز دیدار و گفت‌وگو کرد. عبید گفت: «آنچه باعث دغدغه وزیر امور خارجه ایران در مسئله دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی است، باعث دغدغه ما نیز هست.»

خرازی نیز اظهار داشت: «امیدواریم به اطلاعات بیشتری در این مورد دست پیدا کنیم.» خرازی همچنین با اسرای آزاد شده لبنان که اخیراً از زندان‌های اسرائیل آزاد شدند، در محل سفارت ایران در بیروت دیدار کرد.

خبرگزاری مهر

دیدار دکتر خرازی با دبیرکل حزب الله لبنان

دکتر سیدکمال خرازی وزیر امور خارجه ایران و سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان، بعد از ظهر روز جمعه در بیروت دیدار و درباره موضوع دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی، گفت‌وگو کردند. دکتر خرازی در این دیدار با اشاره به توافق مبادله اسیران میان حزب الله و اسرائیل با میانجی‌گری آلمان اظهار داشت: «ابتکار عمل رهبری لبنان در آزادی اسیران از زندان‌های رژیم صهیونیستی، موجب خشنودی کشورهای اسلامی و مسلمانان منطقه شد.»

وی با تبریک پیروزی بازگشت آزادگان لبنانی به دولت، ملت و حزب الله لبنان افزود: «این پیروزی آثار فراوانی در زمینه‌های معنوی و انسانی خواهد داشت و الگوی موضع ضد اسرائیلی حزب الله را به مسلمانان ارائه خواهد کرد.»

آقای خرازی ابراز امیدواری کرد که ایران با همکاری دولت و حزب الله لبنان، شاهد آزادی چهار دیپلمات ربوده شده خود در مرحله دوم توافق مبادله اسیران باشد و خانواده‌های آنان اخبار خوشحال‌کننده‌ای را بشنوند. وی از حزب الله خواست که در مرحله دوم مذاکره غیرمستقیم با اسرائیل، وضعیت دیپلمات‌های ایرانی را روشن کند. وزیر امور خارجه ایران تاکید کرد: «مطابق

اطلاعاتی که در اختیار تهران است، دیپلمات‌های ایرانی از لبنان به اسرائیل منتقل شده‌اند. امیدوارم که نمایندگان دولت لبنان از اسرائیل بخواهند که آنان را به ایران تحویل دهد.»
سایت اینترنتی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

ایران نقش مهمی در مرحله دوم تبادل اسرا میان حزب‌الله و اسرائیل ایفا خواهد کرد

دیپلمات‌های غربی به روزنامه «المستقبل» لبنان گفتند نقش ایران در مرحله دوم تبادل اسرا میان حزب‌الله و رژیم اسرائیل از اهمیت بالایی برخوردار خواهد بود. منابع دیپلماتیک اروپایی تاکید کردند دستیابی به توافقنامه‌ای برای مبادله اسرا بعد از تکمیل مرحله دوم، یک مسئله‌ای راهبردی خواهد بود زیرا دارای پیامدهای سیاسی و منطقه‌ای در آینده است. به گفته این دیپلمات‌ها، با توجه به نقش مهم ایران، موفقیت مرحله دوم بعد منطقه‌ای به خود خواهد گرفت. این دیپلمات‌ها اعلام کردند آلمان در این مسئله با آمریکا ارتباط دارد و حتی توصیه‌هایی دریافت کرده است که به بین‌المللی کردن این مسئله اشاره می‌کند. منابع دیپلماتیک پیش‌بینی کردند که این تحول استراتژیک به تعیین نقش مقاومت و وضعیت آن در لبنان منجر شود. در این حال «فواد بطرس» که وزیر امور خارجه اسبق لبنان به هنگام ربوده شدن چهار دیپلمات ایرانی بود، به تازگی در مصاحبه‌ای عنوان کرده بود که در آن زمان برای روشن شدن سرنوشت آنها پس از ربودنشان تلاش کرد، اما به دلیل ناآرامی‌ها و شرایط دشوار امنیتی این تلاش‌ها بی‌نتیجه بود. به گفته وی، در مورد دیپلمات‌های ایرانی دو دیدگاه وجود دارد، اولین دیدگاه این است که دیپلمات‌های ایرانی به اسرائیل تحویل داده شده‌اند و دوم اینکه آنها همچنان در لبنان به سر می‌برند. وی از اینکه نتوانسته است ابهامات این مسئله را برطرف کند ابراز تاسف کرد اما ابراز امیدواری کرد که سرنوشت آنها روشن شود.
روزنامه المستقبل با بیان اینکه سفر خرازی تاکیدی برای آغاز مرحله دوم تبادل اسرا میان حزب‌الله و اسرائیل است، به محرمانه بودن مرحله دوم به نقل از سفیر آلمان در بیروت خبر داد. «رودولف کنز» سفیر آلمان در بیروت، بعد از دیدار با جان عبید وزیر امور خارجه لبنان، تاکید کرد محرمانه بودن و احتیاط، از عوامل اصلی موفقیت مرحله اول تبادل اسرا بود و این دو عامل باید در مرحله دوم نیز به دقت رعایت شود.

خبرگزاری مهر

نشست خبری دکتر خرازی در هتل کومودور بیروت

دکتر سیدکمال خرازی، شامگاه جمعه با شرکت در یک نشست خبری در «هتل کومودور» بیروت که در آن جمعی از خبرنگاران خارجی و داخلی شرکت داشتند، بار دیگر بر زنده بودن چهار دیپلمات ایرانی در زندان‌های رژیم صهیونیستی تاکید کرد. وی همچنین گفت: «اطلاعات به دست آمده حاکی است که این چهارتن از منطقه زیرسلطه اسرائیل از لبنان، با قایق به فلسطین اشغالی منتقل شده‌اند.»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۰۳

دکتر خرازی با اشاره به این‌که هیچ‌گونه ارتباطی میان دیپلمات‌های ایرانی و ران آراد وجود ندارد، افزود: «این اسرائیل است که می‌کوشد ارتباطی میان این دو مسئله ایجاد کند، حال آن‌که ما تنها خواستار پیداشدن شهروندان ناپدیدشده خود هستیم و درباره آراد نیز هیچ اطلاعاتی نداریم.» وزیر امور خارجه ایران، درباره دیدار روزجمعه کریم بقرادونی رئیس حزب کتائب لبنان با وی و این که اطلاعات مهمی درباره دیپلمات‌های ایرانی به او داده است، اظهار داشت: «ایشان کمک‌های بسیار مهمی می‌توانند در این خصوص داشته باشند. با این‌که سیاست حزب کتائب با گذشته تغییر کرده است، اما این حزب و نیروهای لبنانی بودند که دیپلمات‌های ایرانی را ربودند، و از آنجا که آقای بقرادونی وارث حزب کتائب آن زمان هستند، می‌توانند کمک کنند و ایشان با نهایت جدیت و صمیمیت می‌خواهند این مسئله را دنبال کنند. ما در شرایطی هستیم که نمی‌توانیم آنچه بقرادونی در اختیار دارد برای خبرنگاران فاش کنیم و می‌خواهیم به اطلاعات جامع‌تر برسیم تا از آن استفاده کنیم. کانال ارتباطی آلمان و حزب‌الله در مرحله نخست توافق مبادله اسیران، توانایی خود را نشان داد و امیدواریم که آنها در مرحله دوم مذاکرات نیز بتوانند تاثیر لازم را بگذارند و اسرائیل را وادار به همکاری کنند تا سرنوشت چهار ایرانی ربوده شده روشن شود.»

وزیر امور خارجه ایران تاکید کرد: «در دیدار با سیدحسن نصرالله، وی مصمم بود که نهایت کوشش خود را انجام دهد تا از ران آراد، اثر و آثاری بگیرد و ما نیز اگر اطلاعاتی در این مورد به دست آوریم به طرف لبنانی ابلاغ می‌کنیم و در این مورد به مبادله اطلاعات دست می‌زنیم.» آقای خرازی، اطلاعات احمد حبیب‌الله در مورد دیپلمات‌های ایرانی را مهم خواند و گفت که این اطلاعات ضبط شده است و مسلماً می‌تواند ما را برای رسیدن به هدفمان یاری دهد. دکتر خرازی همچنین گفت: «مردم لبنان نیز می‌توانند در مورد چهار دیپلمات ایرانی اطلاعاتی را در اختیار ما بگذارند، به طور مثال اگر اطلاعاتی در مورد نحوه دستگیری، زندان، یا انتقال آنها در اختیار ما بگذارند، می‌توانیم از آنها در طرح مطالباتمان از اسرائیل استفاده کنیم، از این رو ایران از هر شهروند لبنانی که اطلاعاتی دارد می‌خواهد بدون نگرانی و با اطمینان خاطر، آن را به ما بدهد. سفارت ایران در بیروت نیز به‌زودی با صدور بیانیه و آگهی، جوایزی تعیین می‌کند تا در اختیار کسانی که اطلاعاتی موثق دارند قرار دهد.»

وی در مورد مرحله دوم مذاکرات گفت که چارچوب این مرحله توسط حزب‌الله و دولت لبنان تعیین شده است و دو کمیته پی‌گیری نیز از سوی این حزب و دولت آلمان تشکیل می‌شود و در ایران نیز کمیته‌ای ملی تشکیل شده است. آقای خرازی مرحله دوم مذاکرات را بسیار مهم خواند و ابراز امیدواری کرد که همه کمک کنند تا بتوان اسیران بسیاری را از زندان‌های اسرائیل آزاد کرد. وزیر امور خارجه ایران در پاسخ به این پرسش که، آیا حاضر است با سمیر جعجع فرمانده شبه نظامیان نیروهای لبنانی دیدار کند، اظهار داشت: «من قصد دیدار با وی را ندارم اما جعجع منبع اطلاعاتی خوبی در موضوع چهار دیپلمات ایرانی است و می‌تواند ما را یاری دهد.»

۲۰۴ □ کمین جولای ۸۲

دکتر خرازی دیدارهایش را با مقام‌های لبنانی موفقیت‌آمیز خواند و گفت: «در این مذاکرات از آنها خواستم که آنچه می‌توانند برای تعیین سرنوشت چهار ایرانی انجام دهند و آنها قول دادند که هرگونه اطلاعاتی که در دست دارند در اختیار مقام‌های ایران قرار دهند.»

وی آزادی اسیران لبنانی را تبریک گفت و ابراز امیدواری کرد که دیپلمات‌های ایرانی نیز به زودی آزاد شوند. دکتر خرازی در پاسخ به پرسش خبرنگاری که چه جوابی برای مردم ایران از نتایج این سفر دارید، اظهار داشت: «هیچ‌کس نمی‌تواند با یک سفر دو روزه، مسئله پیچیده‌ای که ۲۲ سال از آن گذشته است را حل کند، مهم این است که موضوع دیپلمات‌های ایرانی اکنون در دستور کار مسئولان و احزاب لبنان قرار گرفته و بدیهی است که این سفر به پی‌گیری این موضوع کمک می‌کند و حزب‌الله در مذاکرات خود پی‌گیر این مسئله خواهد بود.»

سایت اینترنتی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

۱۳۸۲/۱۱/۱۸ = ۷ فوریه ۲۰۰۴

مسئله دیپلمات‌ها در دستور کار لبنانی‌ها قرار گرفت

کمال خرازی در مورد علت توصیف کردن سمیر جعجع رئیس نیروهای لبنانی که اکنون در زندان لبنان است، به عنوان منبع اطلاعات مهم برای حل این مسئله، گفت: «ما اطلاعاتی داریم و اگر به اطلاعات بیشتری دست یابیم، این امر برای برنامه ما قوی‌تر و مستحکم‌تر خواهد بود.»

خرازی در پاسخ به سوال الحیات فاش کرد که امیل لحدود رئیس جمهوری لبنان قول داده است که اطلاعاتی را از طریق سوال و جواب از سمیر جعجع در زندان، جمع‌آوری کند. وی ابراز عقیده کرد که ادعای اسرائیل به اینکه چهار دیپلمات ایران در اسرائیل نیستند، ادعای کافی نیست و اگر اسرائیل دلیل یا جواب قاطع و محکمی دارد، باید ارائه کند. وی افزود: «آنچه در این سفر اهمیت دارد، این است که مسئله دیپلمات‌ها در دستور کار مسئولان و احزاب لبنانی قرار گرفت.»

وی در مورد اهمیت اطلاعاتی که کریم بقرادونی وزیر توسعه‌اداری لبنان ارائه کرده، گفت: «اطلاعات نیاز به تکمیل شدن دارد و هنگامی که تکمیل شد، در اختیار شما می‌گذاریم.»

وزیر امور خارجه ایران گفت: «کانال آلمانی قدرت خود را در مرحله اول عملیات تبادل نشان داد و ما انتظار داریم که مرحله دوم نیز آلمانی‌ها تلاش خود را مبذول دارند و در این مورد اسرائیل را به همکاری متقاعد کنند.»

خرازی در مورد نتایج دیدارش با سیدحسین نصرالله دبیرکل حزب‌الله، گفت: «نصرالله نیز برانجام حداکثر تلاش‌های خود در مسئله ران‌آراد تاکید کرده است.»

خرازی تشکیل کمیته لبنانی و ایرانی در حال حاضر را تکذیب کرد و در عین حال اعلام کرد در صورت دستیابی طرف لبنانی به اطلاعاتی در این مورد، تبادل صورت خواهد گرفت. خرازی اظهار داشت: «نمایندگان ایرانی با احمد حبیب‌الله رئیس جمعیت دوستی زندانیان و بازداشت‌شدگان داخل خط‌سبز (خط‌حائل مناطق اشغالی ۱۹۴۸) دیدار کرده بودند و اطلاعاتی را از وی به دست

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۰۵

آوردند که بر زنده بودن دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی در زندان‌های اسرائیلی تاکید می‌کند و بدون هیچ شکی این اطلاعات در این مسئله مفید خواهد بود.»

حبیب‌الله در یک حادثه‌مشکوک رانندگی در الناصره در شمال فلسطین اشغالی، جان خود را از دست داد. فرزند وی نیز چندی پیش به الحیات گفته بود که پدرش پیش از آنکه در یک حادثه‌مشکوک رانندگی جان خود را از دست بدهد، از زنده بودن دیپلمات‌های ایرانی در یکی از زندان‌های اسرائیلی مطلع شده بود و خبر آن را در اختیار ایرانی‌ها قرار داد.

بقرادونی، وزیر توسعه‌اداری لبنان نیز پس از دیدار با خرازی در سفارت ایران در بیروت، تاکید کرد که پرونده دیپلمات‌های ایرانی که آماده شده است، از حالا به بعد کاملاً سری و محرمانه پی‌گیری خواهد شد. وی درحالی که پیش‌تر، از داشتن اطلاعات مهم و حساس درمورد سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی خبر داده بود، اظهار داشت هنوز نمی‌تواند درمورد سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی و زنده بودن آنها جواب نهایی دهد.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۲/۱۱/۱۹

خرازی: چهار دیپلمات زنده و در اسرائیل هستند

شارون: از سرنوشت چهار ایرانی بی‌اطلاعم!

درحالی‌که وزیر خارجه کشورمان که برای پی‌گیری موضوع چهار دیپلمات ایرانی در لبنان به سر می‌برد، تأکید کرد: «به نظر ما چهار دیپلمات ایرانی زنده و در اسرائیل هستند.»

روزنامه صهیونیستی «اورشلیم‌پست» نوشت: «آریل شارون، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی گفته است اطلاعی از سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی ندارد.»

وی ادامه داد: «ما نمی‌توانیم در این خصوص کاری انجام دهیم؛ این مسئله مربوط به امور داخلی لبنان است.»

سخن‌گوی وزارت خارجه رژیم صهیونیستی نیز درخصوص اظهارات سیدکمال خرازی، وزیر امور خارجه کشورمان در بیروت، مدعی شد: «چهار دیپلمات ایرانی در اسرائیل نیستند.»

روزنامه الجزیره گزارش داد: «داوود سارانگا، درخصوص ادامه روند تبادل اسرا گفت: سیاست تل‌آویو در این خصوص هیچ تغییری نکرده است.»

در همین حال به‌نوشته روزنامه لبنانی-سعودی الحیات، کمال خرازی برای روشن‌شدن سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی با رهبر فالانژهای لبنان در زندان دیدار کرد. بنابراین گزارش، کمال خرازی را در سفر روز پنجشنبه‌اش به بیروت، وابستگان چهار دیپلمات مفقودشده ایرانی همراهی می‌کردند. کمال خرازی در بیروت اظهار اطمینان کرد که چهار دیپلمات مذکور با یک ناوچه اسرائیلی به اسرائیل منتقل شدند. اسرائیل این موضوع را تکذیب کرده است. به نوشته الحیات، خرازی با امیل لحد، رئیس جمهوری

و پاره‌ای دیگر از مسئولان لبنان درباره سرنوشت چهاردیپلمات ایرانی گفت‌وگو کرده است، اما آنان اطلاعات دقیقی در این زمینه نداشتند که در اختیار وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی قرار دهند.

تلاش برای روشن شدن سرنوشت چهاردیپلمات، زمانی در جریان است که اسرائیل و حزب‌الله لبنان، به مرحله دوم تبادل اسیران خود نزدیک شده‌اند. در این مرحله، اسرائیل خواستار روشن شدن سرنوشت رون آراد شده‌است. حزب‌الله لبنان نیز با دنبال کردن خواست دولت ایران، خواهان توضیح اسرائیل درباره سرنوشت چهاردیپلمات ایرانی مذکور شده است. الحیات به نقل از پاره‌ای منابع در بیروت می‌نویسد: «کمال خرازی با سمیر جعجع که در زندان به سر می‌برد، نیز دیدار کرده و درباره سرنوشت دیپلمات‌های مفقود شده ایرانی به پرس‌وجوهای پرداخته است.»

این خبر تاکنون از سوی منابع دیگری تأیید یا تکذیب نشده است. برخی از گزارش‌های منتشر شده پیشین، حاکی از آن بود که چهاردیپلمات مذکور پس از بازداشت توسط نیروهای ملی لبنان، بلافاصله به قتل رسیده‌اند. همچنین روزنامه الاتحاد، به نقل از مقامات رژیم صهیونیستی که نامی از آنها نبرد، نوشت که مسئله تعیین سرنوشت چهاردیپلمات ایرانی را نیروهای لبنانی دنبال خواهند کرد. این روزنامه چاپ امارات متحده عربی، به نقل از این مقامات افزود: «بر اساس اخبار منتشره قرار است از سمیر جعجع، رهبر سابق فلالنژیست‌های لبنان که در زندان‌های این کشور به سر می‌برد، درباره تعیین سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی بازجویی به عمل آورده شود.»

روزنامه یاد شده در ادامه افزود که ارنست اورلاو، میانجی‌گر آلمانی و مسئول اصلی مذاکرات بین حزب‌الله و اسرائیل فعالیت اصلی‌اش تعیین سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی، ران آراد، و آزادی سمیر قنطار، اسیر لبنانی است.

فجر

لبنان متعهد به تعیین سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی شد

کمال خرازی وزیر امور خارجه کشورمان، پس از ورود به تهران گفت: «تمام رهبران لبنان با جدیت کامل متعهد شدند که موضوع تعیین سرنوشت چهاردیپلمات ربوده شده را پی‌گیری کنند و اطلاعات‌شان را در اختیارمان بگذارند.»

خرازی که پس از بازگشت از لبنان با بیان این‌که هر کس اطلاعاتی درباره دیپلمات‌های ایرانی ارائه کند پاداش می‌گیرد، در پاسخ به این سوال که ایران چه پاسخی برای ادعای رژیم صهیونیستی که می‌گوید چهاردیپلمات ایرانی در همان مقر نیروهای لبنانی مدفون شده‌اند، دارد؟ تصریح کرد: «اگر آنها چنین ادعایی دارند باید به صورت مستدل آن را ثابت کنند. صرف ادعا کافی نیست.»

وی با تأکید بر این‌که سفرش به بیروت اختصاصاً به پی‌گیری وضعیت چهاردیپلمات ربوده شده انجام شده است، تصریح کرد: «بر اساس اطلاعات فعلی‌مان این افراد در همان سال‌ها به اسرائیل منتقل شده‌اند.»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۰۷

وی با اشاره به این‌که با سمیر جعجع رهبر نیروهای فالانژ در زمان ربوده‌شدن چهاردیپلمات ایرانی، دیداری نداشته است، اظهار داشت: «با توجه به این‌که وی هم‌اکنون در زندان به‌سر می‌برد، رئیس‌جمهوری لبنان وعده داده است که اطلاعات وی را در اختیارمان بگذارد.»

جوان

۱۳۸۲/۱۱/۲۵ = ۱۴ فوریه ۲۰۰۴

با میانجی‌گری آلمان مذاکرات مرحله دوم تبادل اسرا میان حزب‌الله و اسرائیل آغاز شد
پس از پیروزی حزب‌الله در مرحله اول تبادل اسرا با رژیم صهیونیستی، مذاکرات مرحله دوم تبادل اسرا با میانجی‌گری آلمان آغاز شد. به گزارش روزنامه الشرق الاوسط، «رودولف کنز» سفیر آلمان در بیروت، با بیان این‌خبر تأکید کرد از مهم‌ترین عوامل موفقیت این مرحله، سری بودن و حفظ اطلاعات و عدم افشای آن است.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۲/۱۲/۶ = ۲۵ فوریه ۲۰۰۴

دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی ساعتی پس از ربوده شدن کشته شده‌اند
«راجی عبدو» از فرماندهان سابق فالانژیست‌های لبنان، در گفت‌وگو با نشریه الوسط، با ادعای اینکه چهاردیپلمات ایرانی در بیروت در سال ۱۹۸۲ پس از ربوده‌شدن کشته شده‌اند، به تشریح این ماجرا پرداخته است.

راجی عبدو تأکید کرد: «دیپلمات‌های ایرانی که در تابستان ۱۹۸۲ در بیروت به هنگام تجاوز اسرائیل به لبنان، بازداشت شدند، ساعتی پس از بازداشت کشته شدند.»
او می‌گوید بر نحوه انتقال دیپلمات‌های ایرانی به شورای جنگ در کرنتینا در بیروت نظارت داشته و حتی در تماسی، از رسیدن آنها مطمئن شده است. وی همچنین گفته است: «سمیر جعجع فرمانده نیروهای فالانژیست، در ۱۵ ژانویه ۱۹۸۶ با هیئت‌های ایرانی دیدار کرد که وی در آن جلسات هم حضور داشته است.»

به ادعای راجی عبدو، در پی بروز مشاجره میان کاردار سفارت ایران با نگهبانان بازداشتگاه، وی در شورای جنگ به قتل رسید و متعاقب آن سه دیپلمات دیگر هم به‌دست نگهبانان کشته شدند. عبدو در ادامه گفته است: «پس از این حادثه، هیئتی از ایران به لبنان آمد و من آنها را به مکانی که به اعتقاد من مکان دفن دیپلمات‌های ایرانی بود، بردم ولی ناگاه از دیدن یک کارگاه آهن آلات در مکان دفن، یکه خوردم.»

به نوشته مجله الوسط، عبدو در دستگاه امنیتی در نیروهای فالانژیست از هنگام تشکیل آن فعالیت کرد و حادثه قتل دیپلمات‌های ایرانی هم در هنگامی که ایلی حبیقه رئیس آن بود، به‌وقوع پیوست. در سال ۱۹۸۶ وی مسئول «دستگاه امنیت نظامی» نیروهای فالانژیست شد و در سال ۱۹۹۴ به دریافت

درجه «کاپیتان» نائل آمد و آن‌گاه یک دادگاه لبنانی وی را به اتهام دست داشتن در ترور «میشل المر» وزیر سابق لبنانی، به ۲۰ سال حبس محکوم کرد.

عبدو در گفت‌وگو با مجله الوسط، جریان کشته شدن دیپلمات‌های ایرانی را این‌چنین تعریف کرد: «قصه دیپلمات‌های ایرانی از تابستان ۱۹۸۲ آغاز شد. به اعتقاد من ماه جولای بود. در ساعت ۴ بعد از ظهر یکشنبه، از ایست‌بازرسی برباره در راه بیروت به طرابلس، با من تماس نظامی گرفته شد. دفتر من در «عمشیت» بود و من مسئول دستگاه امنیت و اطلاعات منطقه شمال بودم و نقش من هم جمع‌آوری اطلاعات بود. با توجه به حساسیت ایستگاه برباره به دلیل حوادث گذشته، ماموریت نظارت امنیتی با هدف هماهنگی میان دستگاه اطلاعات و نیروهای نظامی مستقر در منطقه هم به من واگذار شد. در یک تماس تلفنی نظامی به من اطلاع دادند که یک خودروی سیاسی از نوع مرسدس که حامل چهار ایرانی که یک خودروی امنیتی هم آنها را اسکورت می‌کند، وارد ایست‌بازرسی شده‌اند. مسئولان ایست‌بازرسی خواستار دستور من در این مورد شدند. من به آنها گفتم: پشت خط باشید تا با افسر کشیک در دستگاه امنیت مرکزی در کرنیتینا در بیروت تماس بگیرم. با افسر مربوطه تماس گرفته و جریان را تعریف کردم، افسر کشیک از من خواست خودروی ایرانی را توقیف و آنها را به دستگاه امنیتی در بیروت منتقل کنم. شخصا به ایست‌بازرسی رفتم که تنها ۴ کیلومتر با دفترم فاصله داشت. گذرنامه‌های سیاسی آنها را رویت کردم و مجدداً از آنجا با افسر کشیک تماس گرفتم و اسامی دیپلمات‌ها را به وی دادم. وی از من خواست فوراً آنها را به دستگاه امنیتی مرکزی در بیروت منتقل کنم و خودروی امنیتی را اجازه دادم تا خارج شود. فوراً دیپلمات‌های ایرانی را با خودروی خودم با اسکورت نیروهای امنیتی وابسته به خودم، به مقر دستگاه امنیتی در بیروت به همراه تمام مدارک شناسایی همراه آنها منتقل کردم. من به عنوان مسئول شمال، این مسئله را به شعبه‌بازرسی و تحقیقات در دستگاه امنیتی ارجاع دادم و تلفنی با شعبه تحقیقات تماس گرفتم و به بازپرس کشیک به نام «ابوایمن» گفتم که من به دستور افسر کشیک، دیپلمات‌های ایرانی را برایش اعزام خواهم کرد، لطفاً بلافاصله پس از رسیدن آنها، به من اطلاع دهید. او هم بعد از کم‌تر از یک ساعت به من زنگ زد و از رسیدن آنها خبر داد.»

مجله الوسط از راجی عبدو پرسید: «آیا نقش شما به همین جا منتهی می‌شود؟» که وی پاسخ داد: «آری.»

الوسط سوال کرد: «شایعه شده دیپلمات‌های ایرانی چند روز در منطقه شمال بازداشت شدند، آیا صحت دارد؟»

عبدو گفت: «این هرگز صحت ندارد، آنها در ایست‌بازرسی برباره بازداشت شدند و دقایقی بعد به بیروت منتقل شدند و همچنان یادآوری می‌کنم که دستگاه امنیتی مرکزی دو ساعت بعد آنها را تحویل گرفت.»

الوسط پرسید: «آیا به سمیر جعجع مسئول نیروهای شمال در آن زمان، خبربازداشت دیپلمات‌های ایرانی را اطلاع دادی؟» عبدو گفت: «نه، زیرا این مسئله به دستگاه امنیتی مربوط می‌شد، زیرا هرکس در آن ایست به دلایل امنیتی بازداشت می‌شد فوراً به دستگاه امنیتی ارجاع داده می‌شد.» عبدو در پاسخ به این سوال که: «از چه زمانی ابهام سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی را فراگرفت؟» اظهارداشت: «یک روز بعدازظهر درحال رفتن به دفترم در دستگاه امنیتی در بیروت برای انتقال گزارش‌های اطلاعاتی، از برخی دوستانم باخبرشدم که دیپلمات‌های ایرانی در دومین روز بازداشت کشته شده‌اند.»

وی درمورد نحوه کشته شدن آنها گفت: «این‌طوری که به من گفتند، مشاجره‌ای در داخل ساختمان تحقیقات میان یکی از ایرانی‌ها و نگهبانان آنجا درگرفت. دلیلش این بود که نگهبانان سرگرم گفت‌وگو درمورد احتمال کشتن دیپلمات‌ها بودند، که احتمالاً کاردارسفارت که گفته شده به زبان عربی مسلط بود، تلاش کرد با نگهبانان درگیر شود و درجریان مشاجره و دعوا، به ضرب گلوله نگهبانان کشته شد و پس از آن سه ایرانی دیگر هم کشته شدند. رئیس دستگاه امنیتی واطلاعات در آن زمان ایلی حبیقه بود و«اسعد شفتی» معاون وی بود.»

عبدو در مورد این سوال که: «آیا اعتقاد دارید که دیپلمات‌های ایرانی بنا به دستور ریاست دستگاه امنیتی - حبیقه - کشته شدند؟» گفت: «گمان نمی‌کنم. براساس اطلاعات خودم، حبیقه آن روز در ساختمان دستگاه امنیتی نبود و اطلاعات هم کشته شدن آنها را در شامگاه یکشنبه تایید می‌کند. چند ساعت پس از بازداشت دیپلمات‌ها، تماس‌هایی در سطح فرماندهان صورت گرفت و «بشیر جمیل» فرمانده نیروهای لبنانی، ایلی حبیقه رئیس دستگاه امنیتی را برای سوال درمورد دیپلمات‌های ایرانی به حضور خود فراخواند، وقتی با جواب غیرمنتظره یعنی کشته شدن دیپلمات‌ها روبه‌رو شد، به شدت خشمگین شد و حبیقه را به‌خاطر مسئولیت شناسی و دیوانگی عناصر دستگاه امنیتی، توبیخ کرد. جمیل ازسرهنگ «جونى عبده» - مدیراطلاعات ارتش لبنان - تماسی دریافت کرده بود و همین عامل باعث احضار حبیقه شد. جمیل، حبیقه را توبیخ کرد، اما وی آن موقع زیاد این حادثه را خطرناک تلقی نکرد، زیرا لبنان هدف تجاوز اسرائیل بود و نگاه‌ها بر سرنوشت نیروهای سازمان آزادی‌بخش فلسطین در بیروت متمرکز بود. اما موضوع دیپلمات‌های ایرانی، به مخمصه و مشکلی برای ما تبدیل شد و روزدوشنبه به نظرم نشستی به ریاست بشیر فرمانده نیروهای لبنانی، با حضور ایلی حبیقه رئیس دستگاه امنیتی و دو فرمانده دیگر در مورد دیپلمات‌های ایرانی، و اینکه چه تصمیمی گرفته شود، برگزارشد و درخلال ۴۸ ساعت، دو تصمیم اتخاذ شد. یکی این‌که از طریق رسانه‌ها بیانیه نیروهای لبنانی منتشرشود که تصریح کند دیپلمات‌های ایرانی چند ساعت بازداشت شدند، سپس از همان جایی که آمدند، به سمت طرابلس بازگردانده شدند. پیش ازصدور بیانیه، خودروی دیپلمات‌ها و مدارک و اسناد آنها به شهر طرابلس فرستاده شد و در منطقه «باب‌الرمل» در منطقه‌ای که حزب‌بعث عراق برآن سیطره داشتند، متوقف

شد، تا وانمود شود که حادثه کشته شدن دیپلمات‌های ایرانی با جنگ عراق بر ضد ایران ارتباط داشته است. من فهمیدم که پس از دو روز یا سه روز، قبر کاردار سفارت ایران نبش شد و جسد او را در منطقه شمال و مشخصاً نزدیک شهر طرابلس دفن کردند.

الوسط می‌پرسد: «دقیقاً کجا دفن شدند؟» وی در جواب می‌گوید: «اجساد آنها در ۲۰۰ متری شعبه تحقیقات و بازپرسی در کرنیتینا در بیروت دفن شدند.»

وی در مورد اینکه: «آیا شما یقین دارید که دیپلمات‌های ایرانی به اسرائیل تحویل داده نشدند؟» گفت: «من یقین دارم که آنها تحویل اسرائیلی‌ها نشدند و چند ساعت پس از بازداشت کشته شدند. ای کاش به اسرائیلی‌ها تحویل داده می‌شدند تا همچنان زنده می‌ماندند.»

وی در مورد اینکه چگونه ایرانی‌ها بحث انتقال دیپلمات‌ها از راه دریا به اسرائیل را نقل می‌کنند، گفت: «به اعتقاد من ایرانی‌ها و دیگران، اطلاعات خود را براساس حادثه‌ای که بعداً روی داد، بنا کرده‌اند، که در آن حادثه سه‌عنصر حزب‌الله به اسرائیل تحویل داده شدند و بعد آزاد شدند. در این قصه، ایلی حبیقه خیلی تمایل داشت تا مسئولیت ناپدید شدن دیپلمات‌های ایرانی را برگردن سمیر جعجع بیندازد و این جمله را گفت: «دیپلمات‌ها تا زمانی که جعجع او را از سمت فرماندهی نیروها و منطقه، در ۱۵ ژانویه ۱۹۸۶ اخراج کرد، زنده بودند.»

وی در مورد اینکه از کجا متوجه شدی که حبیقه چنین حرفی زده، گفت: «شخصاً از هیئت اعزامی ایرانی دریافتیم، ایرانی‌ها گفتند که حبیقه این اطلاعات را به ما داده است.»

عبدو در مورد اینکه: «آیا آمریکایی‌ها هم به موضوع ایرانی‌ها بویژه بعد از آغاز بحران گروگان‌های آمریکایی، توجه نشان دادند؟» گفت: «معتقدم که آنها بیش از هر کشور غربی به این مسئله اهمیت داشتند.»

وی در مورد اینکه آیا ایرانی‌ها با سمیر جعجع تماس گرفتند، گفت: «بله، در سال ۱۹۹۱ به گمانم این تماس از طریق الیاس هراوی رئیس جمهوری لبنان صورت گرفت. هیئت ایرانی از دوتن از کارکنان سفارت ایران در بیروت و وزارت امور خارجه ایران و خانواده‌های دیپلمات‌های ایرانی تشکیل شده بود، جعجع آنها را در «غدراس» در منطقه «کسروان» به حضور پذیرفت و آمادگی خود را برای حداکثر همکاری نشان داد. او به آنها گفت که راجی عبدو یعنی من، را آورده است، زیرا وی (من) مسئول امنیت در منطقه بوده است و جزئیات حادثه را می‌داند. من هم در مقابل هیئت و جعجع، تمام جزئیات را گفتم و ایرانی‌ها را از تمام داده‌های خود مطلع کردم.»

الوسط پرسید: «آیا آنها جلسات دیگری با ایرانی‌ها داشتند؟» وی گفت: «بله بیش از پنج بار در آن سال (۱۹۹۱) با ایرانی‌ها دیدار داشتم. سه بار با هیئت اعزامی وزارت امور خارجه ایران بود، هیئت دو یا سه بار با من دیدار کرد. در این نشست‌ها سوالاتی از من در خصوص گفته‌های قبلی مطرح شد، آنها منطقه‌ای را که تصور می‌شد دیپلمات‌ها در آن دفن شده‌اند، دیدن کردند و نیت آنها این بود که نبش قبر شود تا از استخوان آنها نمونه‌برداری و آزمایش به عمل آید، اما از دیدن تغییر جغرافیایی

منطقه غافلگیر شدیم، زیرا یک کارخانه آهن‌آلات بر روی مکانی که آنها دفن شده بودند، احداث شده بود. من براساس اطلاعات روشنی که داشتم به ایرانی‌ها اطلاع دادم که دیپلمات‌ها در آن منطقه دفن شده‌اند. من احساس کردم که آنها تقریباً متقاعد شده‌اند که دیپلمات‌ها واقعا در زمان دستگاه امنیتی سابق کشته شده‌اند و جمع‌هیچ مسئولیتی در این حادثه ندارد، اما آنها می‌خواستند که به دلیل قاطعی مثلا پیدا کردن استخوان‌های آنها و آزمایش آن، پرونده را ببندند.»

وی در پاسخ به این سوال که: «آیا نگران خطرات احتمالی از سوی برخی نیروهای لبنانی که با آنها رابطه داشتید، نبودید؟» گفت: «در آغاز هیچ نگرانی نداشتم، زیرا من هیچ مسئولیت مستقیم در این حادثه نداشتم، اما در سال ۱۹۹۲ میلادی از طریق برخی دوستانم این نگرانی زیاد شد، به اینکه برخی از مقر اقامت من و تحرکات من می‌پرسند، من فهمیدم چه جریانی از من پرسیده‌است، این مسئله به ژوئن ۱۹۹۲ برمی‌گردد، موقعی که احساس خطر کردم، لبنان را موقتا در جولای آن سال ترک کردم و به قبرس رفتم. از رבוته شدن دوستم «بطرس خوند» در منطقه «جرج ثابت» در «سن الفیل» با خبر شدم و معتقدم که رבוته شدن وی با کشته شدن دیپلمات‌های ایرانی ارتباط دارد، و به اعتقادم اشتباهی که رخ داده، این است که خوند در سال ۱۹۸۲ رئیس شورای امنیت کتائب بود. من به آن جریانی که دوستم را ربوته، ظنین شدم که از سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی مطلع است، و بعید نیست که حقیقه هم زندگی خود را به بهای قصه دیپلمات‌ها از دست داد.»

عبدو آخرین جمله خود را به مجله الوسط چنین گفت: «در جنگ لبنان، حوادث دردناکی روی داد که افراد بی‌گناه بی‌شماری کشته شدند، از همه جریان‌های لبنانی می‌خواهم از اشتباهات خود عبرت گرفته تا منطق تسامح و همزیستی را به جای منطق انتقام و تصفیه حساب‌ها جایگزین کنیم.» مجله الوسط در شماره ۱۱۷ در مورخه ۱۹۹۴/۴/۲۵، از سرهنگ جونی عبده - مدیر سابق اطلاعات ارتش لبنان - در مورد سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی پرسیده بود: «ایران از سال ۱۹۸۲ خواستار روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌های خود شده است که در ایست‌بازرسی نیروهای لبنانی ربوته شدند، نظر شما در این باره چیست؟» که وی پاسخ داده بود: «چیزی که من در آن زمان فهمیدم، این بود که دیپلمات‌های ایرانی چندساعت پس از بازداشت بیشتر زنده نماندند و آنها را کشتند.»

الوسط در تاریخ ۱۹۹۷/۹/۱ در شماره ۲۹۲ مصاحبه خود با ایلی حبیقه را منتشر کرد. حبیقه بعدها در یک حادثه انفجار خودروی بمب‌گذاری شده، کشته شد. الوسط در آن سال در مورد مسئله دیپلمات‌های ایرانی از حبیقه پرسیده بود که وی پاسخ داد: «آنها به منطقه تحت اداره من نرسیدند. هنگام حمله اسرائیل به لبنان، برخی از مردم از بیروت غربی به سمت طرابلس خارج می‌شدند و بشیر جمیل فرمانده نیروهای مسلح لبنان، در فرمانی از نیروهای مسلح خواست به افراد عادی به استثنای اعضای احزاب و فلسطینیان مسلح، اجازه عبور داده شود. در آن زمان جونی عبده مدیر اطلاعات ارتش لبنان، با بشیر فرمانده فالانژیست‌ها - تماس گرفت و اطلاع داد که دیپلمات‌های ایرانی راه بیروت را به سمت طرابلس درپیش گرفته‌اند و ممکن است راه را گم کنند، آنها وارد منطقه شرقی

شدند و پس از عبور از ایست برباره ناپدید شدند - ایست بازرسی وابسته به سمیر جعجع. بشیر با من تماس گرفت و به من گفت: «آیا چیزی از ایرانی‌های بازداشت شده می‌دانی؟» که من پاسخ دادم: «در این باره خواهم پرسید.» همان روز با افسرانیتی در جبهه شمال و مسئول ایست بازرسی برباره وابسته به سمیر جعجع، تماس گرفتم تا در مورد موضوع دیپلمات‌های ایرانی از وی سوال کنم، که او به من گفت: «بله ایرانی‌ها تلاش کردند از این ایست عبور کنند که ما مانع شدیم.» به بشیر ماجرا را گفتم و او هم جریان را به «الیاس سرکیس» رئیس جمهوری لبنان ابلاغ کرد. بعدا اخباری از ناپدید شدن یا کشته شدن ایرانی‌ها نقل شد، و این اخبار زمانی شایع شد که من مسئول نیروهای منطقه شرقی بودم. از جعجع در مورد آنها سوال کردم که وی جواب داد: «نمی‌دانم که آیا آمده‌اند.»

جعجع زندان‌های ویژه‌ای داشت. جبهه شمالی از نظر عملیاتی به دلیل حساسیت‌های خاص مربوط به وضع شمال، مستقل عمل می‌کرد. آنها دستگاه امنیتی ویژه و مالی خاص برغم گرفتن اموالی از صندوق نیروهای مسلح، در اختیار داشتند. پیش از این که از منطقه شرقی خارج شوم، تماس‌ها را آغاز کردیم. هیتی از صلیب سرخ و سازمان عفوبین الملل آمدند و از زندان‌هایی که شماری از متهمان امنیتی یا نظامی معارض بازداشت بودند، بازدید کردند. ما آن زمان تماس‌ها را با صلیب سرخ برای نحوه ارسال نامه‌های آنها به خانواده‌هایشان انجام دادیم. پس از خارج شدن من از منطقه شرقی، نبیه بری - رئیس فعلی پارلمان لبنان - که آن روز رئیس جنبش امل بود، به من گفت: «یکی از مسئولان ایرانی در نزد من است و می‌خواهد با تو در مورد ایرانی‌های ربوده شده صحبت کند. به او گفتم که چیزی برای گفتن ندارم.»

نبیه بری برانجام دیدار من با مسئول ایرانی اصرار کرد و من با مسئول ایرانی دیدار کردم. مسئول ایرانی به من گفت: «از سمیر جعجع گزارشی دریافت کردیم که تصریح می‌کند آنها دیپلمات‌های ایرانی را به شما تحویل دادند و در نزد شما کشته شدند.» گفتم: «این اطلاعات مغرضانه است، میان من و جعجع خصومت و دشمنی وجود دارد، دیپلمات‌های ایرانی را اصلا ندیدم و آنها به منطقه تحت فرماندهی من نرسیدند. اگر آنها در آن منطقه هستند، از جعجع بخواهید لااقل اجساد آنها را به شما تحویل دهند.»

حبیقه در ادامه گفت وگو با الوسط در آن سال، گفته بود: «شایع شده بود که دیپلمات‌های ایرانی به اسرائیل منتقل شده‌اند و من میزان صحت آن را نمی‌دانم. گفته شد که آنها نزدیک شورای جنگ و یکی از آنها در سواحل شمالی دفن شده‌اند. این اخبار را نیروهای لبنانی در زمان سمیر جعجع منتشر کرده‌اند.»

خبرگزاری مهر

سال ۱۳۸۳ هـ ش
۲۰۰۵ - ۲۰۰۴ م

۱۳۸۳/۱/۳۰ = ۱۹ آوریل ۲۰۰۴

کروبی با خانواده گروگان‌های ایرانی دیدار می‌کند

در آستانه انجام دومین دور تبادل اسرای لبنانی و فلسطینی، خانواده‌های گروگان‌های ایرانی برای پی‌گیری سرنوشت آنان، با رئیس مجلس شورای اسلامی دیدار می‌کنند. پس از سفر کمال خرازی وزیر امور خارجه که چندی پیش به همراه خانواده گروگان‌های ایرانی به لبنان انجام شد، خانواده‌های این گروگان‌ها برای پی‌گیری سرنوشت عزیزان خود، امروز با حجت‌الاسلام والمسلمین کروبی رئیس مجلس شورای اسلامی، دیدار و گفت‌وگو خواهند داشت. در این دیدار که به پیشنهاد وزارت امور خارجه برگزار خواهد شد، خانواده چهارگروگان ایرانی در لبنان، از آخرین اخبار و اطلاعات پیرامون سرنوشت آنان با خبر خواهند شد. سال گذشته با درخواست برخی نمایندگان، مجلس شورای اسلامی کمیته‌ای به سرپرستی محسن آرمین برای پی‌گیری سرنوشت این چهار شهروند ایرانی تشکیل داد که به هیچ‌وجه نه جلسه‌ای با بستگان آنان برگزار شد و نه خبری از پی‌گیری‌های این کمیته منتشر شد که نشان از ناکارایی آن داشت. در سفر خرازی به لبنان، برخی مقامات آن کشور مدعی شدند که اطلاعات مهم و جدیدی از وضعیت چهارگروگان ایرانی در اختیار دارند. وزیر امور خارجه ایران نیز اظهار داشت که اطلاعاتی در دست هست که از زنده بودن چهارگروگان و اسارت آنان در زندان‌های اسرائیل حکایت می‌کند. در حالی که دومین مرحله تبادل اسرای لبنانی- فلسطینی و اسرائیلی در شرف انجام است، متأسفانه تاکنون هیچ خبر موثقی از سرنوشت این چهار تن که به دست مزدوران اسرائیل ربوده شده‌اند و برخی اطلاعات و اعترافات فرماندهان فالانتریزست‌ها حاکی از انتقال این چهار نفر به اسرائیل است، منتشر نشده است. سیدحسن

۲۱۴ □ کمین جولای ۸۲

نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان در استقبال از اسرای آزاد شده از چنگال اسرائیل، وعده داد که روشن شدن وضعیت این چهار ایرانی نیز در دستورکار حزب الله برای تبادل اسرا قرار دارد.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۲/۴ = ۲۴ آوریل ۲۰۰۴

مسئولان ناامیدمان کردند، خودمان کمیته پی گیری تشکیل دادیم

سیدرائد موسوی سخن گوی خانواده های دیپلمات های ربوده شده، گفت: «روند پی گیری وضع دیپلمات ها کند است و نشان از کم کاری مسئولان دارد.»

وی که همزمان با سفر کروی رئیس مجلس شورای اسلامی به لبنان، و گفت و گوهای وی با مقامات لبنانی درباره وضع دیپلمات های ربوده شده ایرانی، با خبرگزاری مهر گفت و گو می کرد، افزود: «متأسفانه مسئولان کشورمان برای جان اتباع خود ارزشی قائل نیستند. وقتی که خبرنگاری در عراق ربوده می شود، شاهد عکس العمل از سوی کشورهای آنان هستیم و تمام دستگاه سیاسی آن کشور به تکاپو می افتد، ولی این روند هیچ گاه در ایران دنبال نمی شود. اگر به روند رسیدگی به وضع شهدای دیپلمات در مزار شریف، و یا کشته شدن دبیر اول سفارت ایران در بغداد، و یا ایرانیانی که در شهرهای مقدس در عراق به شهادت می رسند توجه شود، همه ناشی از سهل انگاری مسئولین در قبال جان ایرانیان است. چندین ایرانی در عراق توسط نیروهای لهستانی کشته می شوند، نه تنها اعتراضی به لهستان نمی شود، بلکه وزیر دفاع به آن کشور می رود و در مذاکرات خود هیچ اشاره ای به این مسئله نمی کند.»

موسوی افزود: «پس از ناامیدی از تلاش مسئولین، خودمان اقدام به تاسیس کمیته ای با کمک دانشجویان و تاسیس مرکزی NGO کرده ایم تا بتوانیم افکار عمومی را در جریان وضعیت عزیزانمان قرار دهیم.»

وی در خصوص نتایج کاری کمیته پی گیری گفت: «هروقت که با این کمیته تماس گرفته می شود تا در جریان چگونگی کار قرار گیریم، آنها مسئله را امنیتی می دانند و می گویند: تا زمان رسیدن به نتایج کامل، هیچ گونه اظهار نظری نمی کنیم. در تمام مدت ریاست جمهوری آقای خاتمی، بارها از ایشان برای مشخص شدن وضع دیپلمات های ربوده شده ایرانی، خواستار ملاقات حضوری شده ایم که تاکنون این اقدام عملی نشده است و این نشان می دهد که تلاشی برای روشن شدن وضعیت آنها صورت نمی گیرد.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۲/۸ = ۲۸ آوریل ۲۰۰۴

بررسی وضعیت امام موسی صدر و گروگان های ایرانی

جمعی از هنرمندان و نیز خانواده گروگان های ایرانی و امام موسی صدر، طی جلسه ای در جمعیت حمایت از ملت فلسطین، به بررسی وضعیت آنان می پردازند. گروهی از هنرمندان از

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۱۵

جمله «سیاوش سرمدی» کارگردان فیلم مستند زندگی شهید «ادواردو آنیلی»، که در حال ساخت مستندی درباره امام موسی صدر می‌باشد، و همچنین بستگان و مشتاقان روشن‌شدن وضعیت گروگان‌های ایرانی، در جلسه‌ای ویژه به این امر می‌پردازند.

در روزهای اخیر شاهد اظهارنظرهای جدیدی از سوی مقامات لیبی و ادعای آنان درباره روشن‌شدن سرنوشت امام موسی صدر بوده‌ایم. در همین حال، با سفر کمال خرازی وزیر امور خارجه و مهدی کروب‌بی رئیس مجلس شورای اسلامی به لبنان، دولت‌مردان لبنانی وعده‌های بسیاری مبنی بر مشخص نمودن سرنوشت چهارگروگان‌ایرانی که ۲۲ سال پیش در بیروت توسط مزدوران اسرائیل - فالانژیست‌ها - ربوده شدند، دادند که این اظهارات تازگی نداشته و از فردای اسارت این چهارتن در ۱۴ تیرماه سال ۶۱ تاکنون، تکرار شده است.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۲/۱۳ = ۳ مه ۲۰۰۴

پس از ۲۲ سال کمیته ملی پی‌گیری سرنوشت گروگان‌های ایرانی تشکیل شد

کمیته ملی پی‌گیری سرنوشت چهار ایرانی، با وقفه‌ای ۲۲ ساله تشکیل شد. ریاست این کمیته را «علی ربیعی» - مسئول دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی - به عهده دارد که به زودی برای پی‌گیری سرنوشت ۴ گروگان ایرانی، به کشور سوریه سفر خواهد کرد. به گفته سیدراند موسوی، سرانجام با دستور سید محمد خاتمی، کمیته ملی برای بررسی وضعیت چهارگروگان ایرانی تشکیل شد. علی ربیعی، چندی پیش نیز در همین راستا سفری به کشور سوریه داشت و در ملاقات با «بشار اسد» رئیس‌جمهوری آن کشور، قرار شد تا سوریه نیز نماینده‌ای جهت تشکیل کمیته‌ای «ایرانی، سوری، لبنانی» برای بررسی وضعیت گروگان‌ها ایرانی معرفی کند. بنابر اظهار سیدراند موسوی، بخشی از بحث ربیعی با بشار اسد پیرامون مسئله ران آراد بوده است. موسوی اضافه کرد که در ۷ سال گذشته، ما خانواده‌های گروگان‌های ایرانی طی چندین نامه از آقای خاتمی درخواست ملاقات حضوری داشتیم که متأسفانه اهمیتی به این درخواست مهم داده نشده و تا امروز هیچ‌گونه پاسخ مثبتی به خانواده‌های چهار شهروند ایرانی که برای حفظ ارزش‌های انقلاب اسلامی در خارج از مرزها به اسارت درآمده‌اند، داده نشد. در سال‌های اخیر، در مجلس شورای اسلامی نیز خبر تشکیل کمیته پی‌گیری سرنوشت گروگان‌ها به ریاست محسن آرمین منتشر شد که آن نیز هیچ‌نبود جز خبری که همه‌ساله در سالگرد اسارت آنها در تبلیغات اعلام می‌شود و تا امروز هیچ خبری از فعالیت‌های این کمیته نشده است.

خبرگزاری مهر

اگر اسرائیل از سلامت آزاد مطمئن شود، مبادله انجام می‌شود

روزنامه صهیونیستی «هاآرتص» نوشت: «ارنست اورلاو، میانجی آلمانی پرونده مبادله اسرا، اعلام کرده است که در صورتی که اسرائیل از سلامت رون آزاد، اطمینان حاصل کند، مبادله انجام می‌شود.» هفته‌نامه لبنانی «الکفاح العربی»، دیروز اعلام کرده بود: «حزب‌الله لبنان به رژیم اسرائیل حداکثر دو هفته مهلت داده است تا رون آزاد را با اسرای مورد نظر حزب‌الله که دربند این رژیم هستند، مبادله کنند. حزب‌الله تهدید کرده است که در صورت عدم موافقت رژیم اسرائیل با این مبادله، به راه‌حل‌های دیگری متوسل خواهد شد.»

سیدحسین نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان، پیش از این اعلام کرده بود در صورتی که رژیم اسرائیل به مرحله دوم مبادله تن درنهد، گروهان‌های جدیدی را به اسارت خواهد گرفت تا از آنها در مبادله استفاده کند. الکفاح العربی می‌افزاید: «حزب‌الله اجساد سه اسرائیلی که در سال ۱۹۸۲ در نبرد «سلطان یعقوب» واقع در دره بقاع لبنان مفقود شدند، در اختیار دارد.»

این گزارش در ادامه آورده است: «ارنست اورلاو، میانجی آلمانی این مبادله، اعلام کرده است که نیروهای اسرائیلی در مذاکرات خود با وی ادعا کرده‌اند که آزاد در اختیار ایران است و حل اختلافات مربوط به این مبادله، ریشه در ایران دارد و این درحالی است که مقامات دولت ایران هرگونه ادعایی را در مورد در اختیار داشتن رون آزاد رد می‌کنند.»

مقامات مسئول در دفتر حزب‌الله لبنان در تهران، در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، از هرگونه تایید یا تکذیب این خبر، خودداری کردند. حزب‌الله مدت‌هاست که از طریق ارنست اورلاو، میانجی آلمانی پرونده مبادله اسرا، تلاش کرده تا سرنوشت آزاد را روشن کند. در مرحله نخست مبادله اسرا که ژانویه گذشته انجام شد ۴۰۰ فلسطینی ۳۰ عرب ۲۳ لبنانی و یک آلمانی در مقابل تسلیم جنازه‌های سه‌سرباز اسرائیلی و حنان تینباوم جاسوس این رژیم، آزاد شدند. سیدحسین نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان، ژانویه گذشته در جشن آزادی اسرا اعلام کرده بود: «یکی از بندهای مرحله دوم مبادله اسرا، مربوط به چهار دیپلمات ایرانی با رون آزاد است و این در صورتی است که اسرائیل سرنوشت این چهارتن را مشخص کند.»

مسئول اطلاع‌رسانی مرکزی حزب‌الله لبنان نیز، پیش از این اعلام کرده بود موضوع ربوده‌شدن چهار دیپلمات ایرانی، در مرحله دوم مبادله اسرا روشن خواهد شد. «حسن عزالدین» در گفت‌وگو با شبکه خبری الجزیره قطر، گفت: «مسئولان ذیربط مشغول پی‌گیری این مسئله هستند.»

«موشه یعالون»، رئیس ستاد مشترک ارتش رژیم اسرائیل نیز هفته گذشته از پیشرفت در جریان مرحله دوم مبادله اسرا خبر داده بود. خبرگزاری فرانسه، پیش از این به نقل از یک منبع آگاه در حزب‌الله لبنان اعلام کرده بود که این حزب با همکاری میانجی آلمانی، اقدام به تشکیل دو کمیته حقیقت‌یاب کرده است که کمیته اول اطلاعات در خصوص رون آزاد را از سال ۱۹۸۶ جمع‌آوری

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۱۷

می‌کند، و کمیته دوم نیز به جمع‌آوری اطلاعات در مورد چهاردیپلمات ایرانی از سال ۱۹۸۲ می‌پردازد. وی تأکید کرد: «ما اطمینان داریم که این چهارتن در اختیار اسرائیل هستند.»
سایت اینترنتی حماسه

۱۳۸۳/۲/۱۶ = ۶ مه ۲۰۰۴

آزادی زندانیان ایرانی دربند آلمان و مشخص شدن پرونده چهاردیپلمات ایرانی

یک روزنامه لبنانی فاش کرد که پیشرفت مهمی در مرحله دوم تبادل اسرا میان حزب الله و رژیم صهیونیستی حاصل شده است، و به زودی سمیر قنطار مبارز برجسته لبنانی، از زندان‌های اسرائیل و زندانیان ایرانی در آلمان آزاد خواهند شد و پرونده چهاردیپلمات ایرانی نیز وارد مراحل جدی خود خواهد شد. منابع دیپلماتیک به روزنامه «المستقبل» گفتند: «کشورهای اروپایی نیز وارد موضوع تبادل اسرا میان اسرائیل و حزب الله و خط حمایتی از ارنست اورلاو میانجی‌گر آلمانی در کنار دو کشور منطقه‌ای شده‌اند (که یکی از آنها ایران است) که همچنان به نقش موثر خود در این عملیات ادامه می‌دهند. این مرحله شامل آزادی قدیمی‌ترین اسیر حزب الله در زندان‌های اسرائیل یعنی سمیر قنطار، آزادی جرج عبدالله از زندان‌های فرانسه و آزادی اسرای ایرانی و لبنانی از زندان‌های آلمان، در مقابل افشای اطلاعاتی در مورد سرنوشت رون آراد، و وضعیت سه نظامی اسرائیلی که در درگیری سلطان یعقوب در سال ۱۹۸۲ در دره بقاع لبنان کشته شدند، می‌شود.»

این منابع پیش‌بینی کردند که مرحله دوم، به نوبه خود به دو مرحله تفکیک شود، به گونه‌ای که در مرحله اول، در مقابل اطلاعات دقیق و حساس و سرنوشت‌ساز در مورد رون آراد، سمیر قنطار آزاد شود و در مرحله دوم آن، اجساد سه نظامی اسرائیلی در مقابل آزادی اسرای لبنانی در فرانسه و آلمان، و اسرای فلسطینی و سوری در زندان‌های اسرائیلی، مبادله شده و اطلاعاتی در مورد دیپلمات‌های مفقود شده ایرانی افشا شود. این منابع اعلام کردند حزب الله از طریق تماس‌ها و پی‌گیری‌های خود موفق شده است اطلاعات حساس و سرنوشت‌ساز در مورد رون آراد و سه نظامی اسرائیل با همکاری طرف‌های لبنانی و فلسطینی به دست آورد. این منابع به این نکته اشاره کردند که حزب الله پیش از دادن اطلاعات به اسرائیل، خواستار سمیر قنطار شده بود، مسئله‌ای که میانجی‌گر آلمانی در توافق‌نامه مرحله اول تأکید کرده بود و اسرائیل هم باید به وعده‌های خود عمل کند، زیرا در مرحله اول حزب الله تأکید کرده بود که آزادی سمیر قنطار نباید به رون آراد مرتبط شود. این در حالی است که آرییل شارون نخست‌وزیر اسرائیل، روز سه شنبه در گفت‌وگو با تلویزیون اسرائیل گفته بود شخصاً پی‌گیر مسئله رون آراد است و با گرایش‌ها و شیوه‌های مختلفی که قبلاً تجربه نکرده بود، در این مسیر حرکت می‌کند. شارون، بهترین شیوه را سری ماندن جزئیات آن دانست ولی در عین حال گفت: «من مجبور هستم بگویم ما به نتایج بیشتری دست نیافته‌ایم. تاکنون نه نتایج مثبت و نه منفی، به دست نیامده است.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۲/۱۷ = ۷ مه ۲۰۰۴

سرنوشت چهاردیپلمات ایرانی و ۲۲ سال ابهام

در طی ۲۲ سال گذشته، در مطبوعات اخبار ضدونقیضی درباره گروگان‌های ایرانی منتشر شده است که نگاهی به آنها، فهرستی از عاملین این جنایت ضدبشری را به دست می‌دهد. حمید داودآبادی، در این مقاله مفصل، ضمن معرفی اکثر افرادی که در گروگان‌گیری چهاردیپلمات ایرانی نقش داشته‌اند، از مسئولین امر پرسیده است که چرا کسی سراغ آنان نمی‌رود تا پی‌گیر ماجرا شود؟

(ضمیمه ۴۷)

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۲/۱۹ = ۹ مه ۲۰۰۴

تشکیل کمیته پی‌گیری پرونده چهاردیپلمات ربوده شده کاری تبلیغاتی است

دکتر محسن کمالیان گفت: «پرونده امام موسی صدر در ایران متولی پی‌گیر و دل‌سوزی ندارد و رئیس‌جمهوری افرادی را مامور پی‌گیری این مسئله کرده است که از بدبین‌ترین و کم توجه‌ترین افراد نسبت به ابعاد این قضیه هستند.»

وی از تشکیل کمیته پی‌گیری پرونده چهاردیپلمات ربوده شده نیز به عنوان کاری تبلیغاتی یاد کرد و گفت: «تا اراده جدی بر این قضیه حاکم نباشد، کمیته نیز راه به جایی نخواهد برد.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۲/۲۳ = ۱۳ مه ۲۰۰۴

تهیه طوماری برای پی‌گیری وضعیت چهاردیپلمات ربوده شده ایرانی

سیدراند موسوی، با تشریح فعالیت‌های صورت گرفته برای پی‌گیری وضع دیپلمات‌ها، از تهیه طوماری برای جمع آوری یک میلیون امضا در این رابطه خبر داد. وی افزود: «این طومار برای مقام معظم رهبری، رئیس‌جمهوری و سازمان ملل متحد ارسال خواهد شد و تشکل‌های دانشجویی دانشگاه‌های سراسر تهران، با تشکیل کمیته پی‌گیری دانشجویی، از هفته آینده کار جمع آوری امضاها را آغاز خواهند کرد.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۲/۲۹ = ۱۹ مه ۲۰۰۴

۴ دیپلمات ایرانی ربوده شده در لبنان کشته شده‌اند

یک روزنامه صهیونیستی مدعی شد ۴ دیپلمات ایرانی ربوده شده در لبنان کشته شده‌اند و جسد آنها در یک گودال آهکی دفن شده است. روزنامه هآرتس نوشت: «اکنون روی این گودال یک ساختمان بلند ساخته شده است.»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۱۹

این روزنامه اعلام کرد: «طرف اسرائیلی همه اطلاعاتی را که درخصوص دیپلمات ایرانی در اختیار داشته‌است، به طرف مذاکره‌کننده آلمانی و لبنانی که مسئولیت پی‌گیری سرنوشت آن‌ها را به عهده دارند، داده است.»

به نوشته این روزنامه، اسرائیل اعلام کرده است: «این ۴ تن به دست فلائزیست‌های مسیحی به رهبری ایلی حبیقه که فلسطینیان را در اردوگاه‌های صبرا و شتیلا قتل عام کرد، به قتل رسیده‌اند.»

جام‌جم

۱۳۸۳/۲/۳۰ = ۲۰ مه ۲۰۰۴

چهار دیپلمات ایرانی در زندان‌های اسرائیل به سر می‌برند

الشرق الاوسط به نقل از کاردار سفارت ایران در لبنان نوشت: «دولت ایران برخی مدارک را در دست دارد که چهار دیپلمات ایرانی در زندان‌های اسرائیل به سر می‌برند.»

این روزنامه چاپ لندن نوشت: «حمیدرضا دهقانی، کاردار سفارت ایران در لبنان، اخیراً با خانواده یکی از اسیران لبنانی به نام سمیر قطار دیدار کرده است و خانواده این اسیر لبنانی استقبال گسترده‌ای از کاردار ایران و هیئت همراهش کردند.»

این روزنامه به نقل از دهقانی نوشت که ملت لبنان و ملت‌های عربی و اسلامی مدیون قهرمانانی چون سمیر قطار هستند. دهقانی در این دیدار اظهار داشت: «ما بین یهود و صهیونیست‌ها تفاوت قائلیم و باید گفت پدیده صهیونیسم برای تمامی بشریت به‌عنوان یک پدیده بسیار خطرناک تلقی می‌شود و صهیونیسم ضد تمام اعتقادات موجود یهودیت است.»

دهقانی درباره ارتباطات موجود جهت آزادسازی دیپلمات‌های ایرانی گفت: «ما به واسطه وجود سمیر قطار در زندان‌های اسرائیل، برخی از مدارک را به دست آوردیم که این مدارک تأکیدی کند چهاربرادر دیپلمات ایرانی ما، در زندان‌های اسرائیل به سر می‌برند و ما همیشه بر آزادسازی این دیپلمات‌های ایرانی توسط اسرائیلی‌ها تأکید داریم.»

خبرگزاری ایسنا

۱۳۸۳/۳/۱۶ = ۶ ژوئن ۲۰۰۴

ما بحث شهادت چهار دیپلمات را کاملاً متفی می‌دانیم

سیدراند موسوی با اشاره به اهمیتی که کشورهای خارجی برای اتباع خود قائل هستند، گفت: «در سال‌های گذشته موردی سراغ نداریم که برای دیپلمات‌های ما در خارج از کشور اتفاقی افتاده باشد و دستگاه سیاست خارجی کشورمان در آن موضوع موفق عمل کرده باشد. کشتار دیپلمات‌های ما در مزار شریف، ترور دیپلمات ما در عراق، و همین جریان ۴ دیپلمات در بند اسرائیل، از جمله مواردی است که متأسفانه با ذلت و خواری دستگاه دیپلماسی کشورمان مواجه شده است.»

وی با اشاره به اقداماتی که تاکنون در این جریان صورت گرفته، خاطر نشان کرد: «کارهای بسیاری می‌توان انجام داد و هنوز وزارت خارجه راه‌های متعددی برای پی‌گیری سرنوشت این ۴ نفر در پیش

۲۲۰ □ کمین جولای ۸۲

رودارد، اما متأسفانه دستگاه دیپلماسی کشورمان فقط تحرکاتی مقطعی انجام می‌دهد و برای پی‌گیری و استمرار این‌گونه تلاش‌ها، بی‌حال، بی‌حوصله و بی‌رُمق است.»
موسوی ضمن بیان این نکته که ما بحث شهادت این‌نفر را کاملاً منتفی می‌دانیم، افزود: «فلسطینیانی که در زندان‌های اسرائیل اسیر بوده‌اند، هر از چندگاهی خبرهایی از رویت این‌نفر داده‌اند و اگر ۲ نفر خبر شهادت آنها را داده باشند، ۱۰ نفر خبر از زنده بودن‌شان داده‌اند.»
فرزند دیپلمات ربوده‌شده ایرانی اظهارداشت: «سمیر جعجع فرمانده‌فالا نژها که دیپلمات‌ها را در لبنان به‌اسارت درآورده‌اند و سپس به اسرائیل تحویل دادند، اکنون در زندان‌های لبنان به‌سر می‌برد و اطلاعات بسیار خوبی در اختیار دارد. اما با توجه به ارتباط بسیار خوب ایران و لبنان و لزوم پی‌گیری جدی این مسئله، هیچ‌کس تاکنون به‌سراغ او نرفته‌است.»

خبرگزاری مهر

۱۳ ژوئن ۲۰۰۴ = ۱۳۸۳/۳/۲۳

رئیس‌جمهوری با خانواده‌های گروگان‌های ایرانی دیدار می‌کند

سید محمد خاتمی رئیس‌جمهوری، در آستانه بیست‌ودومین سالگرد اسارت‌گروگان ایرانی، با خانواده‌های آنان دیدار می‌کند. پس از درخواست‌های مکرر خانواده‌های گروگان‌های ایرانی، سرانجام امروز رئیس‌جمهوری با خانواده‌های سیدمحسن موسوی، احمد متوسلیان، تقی رستگار و کاظم اخوان دیدار و گفت‌وگو خواهد کرد. با توجه به تحولات اخیر اسرائیل، و همچنین تبادل اسرا و شهدای لبنانی و کشته‌های اسرائیلی، این دیدار که در آستانه بیست‌ودومین سالگرد اسارت این چهار ایرانی صورت می‌گیرد، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

خبرگزاری مهر

۱۴ ژوئن ۲۰۰۴ = ۱۳۸۳/۳/۲۴

سرنوشت دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی در لبنان باید روشن شود

اعضای خانواده چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی، با سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهوری دیدار کردند. اداره‌رسانه‌های ریاست‌جمهوری، اعلام کرد: «در این دیدار، رئیس‌جمهوری از دیپلمات‌های ربوده‌شده به‌عنوان انسان‌هایی مورد اعتماد، فداکار و چهره‌های ارزنده انقلاب یاد کرد و پی‌گیری آخرین وضعیت آنان را وظیفه دولت ایران دانست.»

خاتمی دفاع از ایرانیان خارج از کشور را از اولویت‌های سیاست‌خارجی کشور برشمرد و تصریح کرد: «مسئولیت رژیم صهیونیستی در زمان اشغال لبنان و اقدام این رژیم در ربودن دیپلمات‌های ایرانی، جنایتی بزرگ و آشکار بود و این رژیم باید نسبت به آن پاسخ‌گو باشد.»

رئیس‌جمهوری گفت: «به‌عنوان رئیس‌جمهوری، برای حل و فصل موضوع دیپلمات‌های ایرانی ربوده‌شده، با‌عالی‌ترین مقامات سیاسی منطقه گفت‌وگو کرده و از آنها تقاضای کمک کرده‌ام.»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۲۱

خاتمی همچنین با اشاره به اقدامات کمیته ملی برای شفاف شدن این موضوع، اظهار امیدواری کرد سرنوشت دیپلمات‌های ربوده شده هر چه سریع‌تر روشن شود.

این گزارش حاکی است، پیش از سخنان رئیس‌جمهوری، علی ربیعی به‌عنوان مسئول کمیته ملی پی‌گیری وضعیت دیپلمات‌های ربوده شده، گزارشی از اقدامات صورت گرفته در این زمینه ارائه داد. همچنین خانواده‌های دیپلمات‌های ربوده شده، خواستار تسریع در اقدامات صورت گرفته، شفاف شدن موضوع و اقدامات عملی برای روشن شدن وضعیت دیپلمات‌ها شدند.

جمهوری اسلامی

۱۳۸۳/۳/۲۵ = ۱۵ ژوئن ۲۰۰۴

در سالگرد اسارت چهار دیپلمات ایرانی، اطلاعات مهمی از زنده بودن آنان ارائه خواهیم کرد سیدراند موسوی اعلام کرد: «در کنفرانسی مطبوعاتی همراه با خانواده‌های چهار دیپلمات ایرانی ربوده شده، خبرهای جدید و اطلاعات محکمی از زنده بودن آنان اعلام خواهیم کرد.»

وی گفت: «طی دیداری که با رئیس‌جمهوری داشتیم، وی با سعه صدر به درد دل خانواده‌های دیپلمات‌های ربوده شده گوش کرد و برای پی‌گیری سرنوشت دیپلمات‌ها قول‌های مساعدی داد. کمیته ملی پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی که از سوی دولت تشکیل شده است، فعالیت‌های خوبی داشته و امیدواریم که این پی‌گیری‌ها به صورت جدی‌تر استمرار یابد.»

وی با اشاره به مراحل شکل‌گیری ستاد مردمی پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی، گفت: «هدف از تشکیل این ستاد مردمی، تحمیل فشار تبلیغاتی بر آمریکا و اسرائیل است.»

فرزند دیپلمات ایرانی ربوده شده، تصریح کرد: «برای اطمینان خاطر خانواده‌ها و همچنین پی‌گیری و هماهنگی بهتر کارها، از آقای خاتمی خواستیم که خانواده‌های چهار دیپلمات نیز به عضویت کمیته ملی پی‌گیری سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی درآیند که مورد موافقت رئیس‌جمهور قرار گرفت.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۳/۳۱ = ۲۱ ژوئن ۲۰۰۴

بخش «نمایشگاه عکس» خبرگزاری ایسنا با مجموعه عکس‌های کاظم اخوان فعالیت خود را آغاز کرد

بخش نمایشگاه عکس خبرگزاری ایسنا، امروز به‌طور رسمی فعالیت خود را آغاز کرد. نخستین سری از عکس‌های منعکس شده، مربوط به مجموعه عکس‌های کاظم اخوان از شهید مصطفی چمران است. خبرگزاری ایسنا

۱۳۸۳/۴/۱۰ = ۱ جولای ۲۰۰۴

طولانی‌ترین گروگان‌گیری دانشجویی را پایان دهید

در آستانه بیست و دومین سالگرد ربوده شدن چهار گروگان ایرانی، «کمیته دانشجویی پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ربوده شده» با صدور بیانیه‌ای خواستار پایان بخشیدن به این عمل ضدبشری شد.

۲۲۲ □ کمین جولای ۸۲

هفته نامه یالثارات الحسین (ع)

فقط لشکر محمد (ص) است که می تواند ما را نجات دهد

دو نفر از یاران حاج احمد متوسلیان، خاطرات خود را از ورود نیروهای اعزامی ایران به سوریه و لبنان ذکر کرده اند.

هفته نامه یالثارات الحسین (ع)

۱۳۸۳/۴/۱۱ = ۲ جولای ۲۰۰۴

یادواره بیست و دومین سالگرد ربوده شدن ۴ دیپلمات ایرانی

روابط عمومی «ستاد پاسداشت شهدای نهضت جهانی اسلام» با انتشار اطلاعیه ای اعلام کرد که این یادواره روز شنبه ۱۳ تیرماه در تالار سیدالشهدا (ع) با حضور خانواده های اسرای یاد شده و با سخنرانی «حسین شیخ الاسلام» نماینده مردم تهران و سفیر سابق ایران در سوریه، سرتیپ سعید قاسمی از یاران حاج احمد متوسلیان، حمید داودآبادی محقق و پژوهشگر و سید رائد موسوی فرزند جاوید الاثر سید محسن موسوی، برگزار خواهد شد.

کیهان

۱۳۸۳/۴/۱۲ = ۳ جولای ۲۰۰۴

شرح فراق در مقبره شهدای شهری

یادواره چهار جوان مرد خفته در کهف فراموشی و «شرح فراق» ویژه برنامه های نکوداشت چهارگروگان ایرانی دربند رژیم صهیونیستی، روزهای ۱۳ و ۱۴ تیرماه برگزار می شود. یادواره شهدای گمنام شهری و بزرگداشت گروگان های ایرانی دربند رژیم صهیونیستی و فرمانده اسطوره ای دفاع مقدس، شیر در زنجیر، حاج احمد متوسلیان، با عنوان شرح فراق برگزار می شود. این مراسم که برگزاری آن به همت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، موسسه فرهنگی عاشورا، لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) و سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران است، ساعت ۲۱ روز یکشنبه ۱۴ تیرماه در شهری، میدان نماز، مقبره شهدا خواهد بود.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۴/۱۳ = ۴ جولای ۲۰۰۴

تا زمانی که تکلیف چهار دیپلمات ایرانی مشخص نشود، تکلیف آزاد هم مشخص نخواهد شد
سیدرائد موسوی خبر روزنامه المستقبل در خصوص آزادی زندانیان ایرانی در آلمان در قبال روشن شدن وضعیت پرونده رون آزاد را جنگ روانی خواند. سیدرائد موسوی گفت: «پرونده زندانیان ایرانی، بحثی بین ایران و آلمان است و ربطی به اسرائیل ندارد. قرار است در مرحله دوم تبادل اسرا بین حزب الله و رژیم اسرائیل با میانجی گری آلمان، تکلیف آزاد و چهار دیپلمات ایرانی مشخص شود و تا زمانی که تکلیف چهار دیپلمات ایرانی مشخص نشود، تکلیف آزاد هم مشخص

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۲۳

نخواهد شد. آنها دوست دارند این مسئله را طوری مطرح کنند که اطلاعاتی از آراد به دست آورند بدون این که اطلاعاتی در مورد چهاردیپلمات ربوده شده ایرانی به ما بدهند.»

وی با بیان این که برگه اسرائیلی قابلیت تبادل با برگه‌ای از آلمان ندارد، گفت: «موضوع زندانیان ایرانی در آلمان ربطی به اسرائیل ندارد اما آراد مسئله‌ای بین ایران و اسرائیل و حزب الله است.»

موسوی در پاسخ به این سوال که: «آیا پدرتان پس از ربوده شدن، اطلاعاتی به ایران فرستاده است»، گفت: «بله؛ این موضوع درست است؛ ایشان بر روی یک قطعه کوچک از آسترگت خود، اطلاعاتی را به این شرح نوشته بود: «برادرم! من زنده‌ام.» و امضای این نامه هم «م. ر.» بود که اول اسم مادرم و من است.»

پسر سید محسن موسوی با بیان این که پدرش نامه‌های دیگری نیز با این امضا قبل از انقلاب نوشته بود، گفت: «اگر نامه به اسم خود ایشان بود ممکن بود جعلی باشد، اما دست خط و این امضا نشان می‌داد که این نامه را شخص پدرم نوشته است.»

وی با اظهار بی‌اطلاعی از وضعیت مذاکرات کنونی ارنست اورلاو، میانجی آلمانی پرونده مبادله اسرای حزب الله و رژیم اسرائیل، گفت: «نماینده ایران در این پرونده آقای علی ربیعی هستند که کمیته‌ای را زیر نظر رئیس جمهوری و با حضور تنی چند از اعضای وزارتخانه‌های دیگر برای پی‌گیری این موضوع تشکیل داده‌اند.»

خبرگزاری ایلنا

حاج احمد متوسلیان؛ فرمانده اسطوره‌ای و شیر در زنجیر

خبرگزاری مهر به مناسبت سالگرد به گروگان گرفته شدن چهاردیپلمات ایران به دست مزدوران رژیم صهیونیستی، به شرح زندگی حاج احمد متوسلیان پرداخته است.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۴/۱۴ = ۵ جولای ۲۰۰۴

دیپلمات‌های ایرانی در بند رژیم صهیونیستی

سیدراند موسوی گفت: «شواهد به دست آمده حاکی است که دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی در زندان‌های اسرائیل به سر می‌برند.»

موسوی افزود: «اظهارات یکی از زندانیانی که اخیراً از زندان‌های رژیم صهیونیستی آزاد شده، حاکی از این است که چهاردیپلمات ربوده شده ایرانی، در زندان‌های اسرائیل هستند و این زندانی آزاد شده، سید محسن موسوی را از میان عکس‌هایی که به او نشان داده شد، شناسایی کرده است.»

جمهوری اسلامی

سرنوشت عزیزان ما را روشن کنید

همزمان با بیست و دومین سالگرد ربوده شدن چهاردیپلمات ایرانی در لبنان، خانواده این ربوده شدگان با صدور بیانیه‌ای خواستار روشن شدن وضعیت آنان شدند. در بیانیه خانواده دیپلمات‌های ربوده شده

آمده است: «متأسفانه بعد از گذشت این مدت طولانی، کلیه تلاش‌های صورت گرفته برای روشن شدن سرنوشت و آزادی این افراد، بی‌نتیجه مانده است. طولانی شدن این مسئله، قبل از هر چیز، از دوگانگی معیارها در روابط بین‌المللی حکایت دارد و با وجود آن‌که ما خانواده این چهارمسلمان ایرانی، مستقیماً و از طریق دستگاه‌های مسئول کشورمان، به همه محافل بین‌المللی متوسل شده‌ایم، اما هرگز شاهد اقدام موثری از سوی آنها برای بازگشت این عزیزان نبوده‌ایم.»

دریابنده خانواده چهاردیپلمات ربوده‌شده، در عین حال از تلاش‌های انجام‌شده توسط مسئولان جمهوری اسلامی و مسئولان دولت لبنان برای روشن شدن وضعیت این عزیزان، قدردانی شده است. خانواده دیپلمات‌های ربوده‌شده، روز گذشته با حضور در خبرگزاری جمهوری اسلامی، با «عبدالله ناصری» مدیرعامل ایرنا دیدار کردند.

جمهوری اسلامی

رژیم صهیونیستی مسئول سرنوشت دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی است

هاشمی‌رفسنجانی، دیروز در دیدار تعدادی از خانواده‌های دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی، با تجلیل از صبر و مقاومت این خانواده‌ها اظهار داشت: «مسئله دیپلمات‌های ایرانی از جمله مسائل حساس و اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران است و ما نمی‌توانیم نسبت به سرنوشت این عزیزان بی‌تفاوت باشیم.»

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، با انتقاد از سکوت و عدم پی‌گیری سازمان‌های بین‌المللی در این خصوص، گفت: «رژیم اشغالگر قدس مسئول سرنوشت دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی است و باید در قبال این اقدام تروریستی خود پاسخگو باشد.»

در این دیدار آقای سیدحسین موسوی برادر دیپلمات ربوده‌شده ایرانی، گفت: «شواهدی در دست است که حکایت از اسارت دیپلمات‌های ایرانی در اسرائیل دارد و ما انتظار داریم تا قطعی شدن این موضوع، مجامع بین‌المللی و مسئولان، مراتب را پی‌گیری کنند.»

جمهوری اسلامی

مراسم ویژه پاسداشت ۴ دیپلمات ایرانی در بند رژیم صهیونیستی برگزار شد

مراسم ویژه پاسداشت چهار دیپلمات ایرانی در بند رژیم صهیونیستی، روز گذشته در مرکز فرهنگی هنری سیدالشهداء تهران برگزار شد.

داودآبادی، نویسنده و محقق جنگ، ضمن مرور بخش‌هایی از آنچه که برای دیپلمات‌ها رخ داده گفت: «برخی از ما مسئولان را محکوم به عدم پی‌گیری این ماجرا می‌نمایم، حال آن‌که با بررسی‌هایی که به عمل آورده‌ام، متوجه شدم در بسیاری از ابعاد، نظام پی‌گیری‌ها کرده و می‌کند.»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۲۵

سپس خانم «رجایی فر»، دبیر ستاد پاسداشت یاد و خاطره چهاردیپلمات دربند اظهار داشت: «امیدوارم با تداوم چنین برنامه‌هایی فرهنگ شهادت‌طلبی ادامه یابد.»

پس از آن «محمد آقاسی»، شاعر و مداح اهل بیت (ع)، به قرائت قطعاتی از اشعارش و مداحی پرداخت. سپس سردار سعید قاسمی، هم‌رزم حاج‌احمد متوسلیان، تحت عنوان سه‌تصویر از برادرم احمد، به بیان خاطراتی از احمد متوسلیان پرداخت. سخنران بعدی این مراسم، شیخ‌الاسلام، نماینده هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی و سفیر سابق ایران در سوریه بود؛ وی در سخنانش به تبیین این مسئله که لبنان چه بود، فلسطین چه بود و پس از انقلاب اسلامی چه شد، پرداخت و افزود: «پیروزی ما در انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان پیروزی شیعیان در لبنان هم تلقی گردید.»

وی سپس به تشریح عملکرد تشکیلاتی چهاردیپلمات ایرانی در لبنان پرداخت و اظهار داشت: «این شجره‌طیبه‌ای که با خون این برادران بارور شده، بدون شک در فلسطین اسرائیلی‌ها را نابود خواهد کرد.»

پس از سخنرانی شیخ‌الاسلام، سیدراند موسوی ضمن ارائه گزارشی با عنوان گزارش‌پی‌گیری‌ها، گفت: «ضعف اصلی در پی‌گیری ماجرای ربوده‌شدن این عزیزان، از خودمان است و چون این ماجرا، ماجرای خاصی می‌باشد، طبعاً پی‌گیری خاص را هم ایجاب می‌کند.»

خبرگزاری ایسنا

سرنوشت ۴ گروگان‌ایرانی را دنبال می‌کنیم

وزیر امور خارجه کشورمان در دیدار با خانواده گروگان‌های ایرانی گفت: «وزارت امور خارجه ایران، فعالیت‌های خود را با جدیت کامل برای روشن شدن سرنوشت گروگان‌ها، ادامه می‌دهد.»

کمال خرازی خطاب به این خانواده‌ها که از سال ۱۳۶۱ پی‌گیر وضعیت گروگان‌های خود هستند، گفت: «طبق شواهد موجود، اسرائیلی‌ها در دستگیری و نقل و انتقال آنها دست داشته‌اند و در این رابطه مسئولیت متوجه آنهاست؛ زیرا که ۴ تن از دیپلمات‌های جمهوری اسلامی شاغل در سفارت ایران در بیروت، در مناطقی به‌اسارت درآمدند که در اشغال رژیم صهیونیستی بوده است.»

جام‌جم

بدرقه مسافرگندمگون

«سمیه عبدیایی» در مقاله‌ای در رثای حاج‌احمد متوسلیان، به بازگویی برخی خاطرات پیرامون وی پرداخته است.

جمهوری اسلامی

۲۲۶ □ کمین جولای ۸۲

۸۰۳۰ روز مظلومیت

در این مقاله کوتاه، به برخی موارد که پی‌گیری آنها می‌تواند به روشن‌شدن سرنوشت چهاردیپلمات کمک کند، اشاره شده‌است.

کیهان

۱۳۸۳/۴/۱۵ = ۶ جولای ۲۰۰۴

و این چهارنفر

«محمدعلی آقامیرزایی» در یادداشتی، به شرح آنچه تا کنون درباره سرنوشت چهارگروگان ایرانی از منابع مختلف اظهارشده، پرداخته و خواستار رسیدگی بیشتر به این مسئله شده‌است.

جوان

دولت لبنان نهایت تلاش را برای پیدا کردن ۴ دیپلمات ایرانی می‌کند

«جان عبید» وزیر خارجه لبنان، در گفت‌وگو با «باشگاه خبرنگاران جوان»، اظهارداشت: «دولت لبنان طی اطلاعاتی که در این زمینه وجود دارد، درصدد پی‌گیری موضوع است و یکی از کشورها هم در این میان به عنوان میانجی در حال جست‌وجو و تحقیق است.»

وی تصریح کرد: «امیدواریم به نتیجه‌ای عملی که هم برای دولت لبنان و هم برای دولت ایران مفید باشد، دست یابیم تا بدین طریق روابط دوکشور را بیش از پیش مستحکم کنیم.»

کیهان

برای آزادی ۴ دیپلمات ایرانی تلاش‌های مان ادامه دارد

حمیدرضا آصفی سخنگوی وزارت امور خارجه، روز گذشته در جمع خبرنگاران گفت: «وزارت امور خارجه همچنان به تلاش خود برای تعیین سرنوشت این ۴ دیپلمات ادامه می‌دهد و با مقامات لبنانی و طرف‌های دیگر در منطقه هم گفت‌وگوهای متعددی داشته‌ایم. ستادی نیز برای پی‌گیری این موضوع تشکیل شده است تا از تمام کانال‌های ممکن، این مسئله را دنبال کنند. ایران همچنان با دولت لبنان در حال مشورت است و مسئولیت این پرونده را به‌عهده رژیم صهیونیستی می‌داند.»

جام‌جم

۱۳۸۳/۴/۱۶ = ۷ جولای ۲۰۰۴

بزرگداشت دیپلمات‌های ایرانی ربوده‌شده در لبنان

مراسم بزرگداشت دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی، با حضور جمع زیادی از اقشار مختلف مردم شهری برگزار شد. در این آیین، فرزندسیدمحسن موسوی کاردار ایران در لبنان، درمورد خصوصیات پدر خود و احمد متوسلیان سخنانی ایراد کرد.

همشهری

تقویت احتمال زنده بودن دیپلمات‌های ایران

«عکاظ» روزنامه چاپ سعودی، به نقل از دبیر مطبوعاتی سفارت ایران در بیروت نوشت: «دیپلمات‌های ربوده‌شده ایران، زنده و در زندان اسرائیل هستند.»

«ابراهیم حرشی»، دبیرمطبوعاتی سفارت ایران در لبنان، در مصاحبه با این روزنامه عربستانی گفت: «خبرهای متداول درباره چهاردیپلمات ایرانی که به زنده بودن و وجود آنان در زندان اسرائیل اشاره دارد، با بسیاری از اطلاعات به دست آمده از سرزمین‌های اشغالی، همخوانی دارد.»

وی افزود: «برخی از زندانیان آزادشده از زندان‌های اسرائیل، نقل کرده‌اند که چند ایرانی نیز در سلول‌های همجوار آنان زندانی بوده‌اند، کما این که برخی از این زندانیان، نیز تأکید کرده‌اند که دیپلمات‌های ایرانی را با چشم خود در زندان‌های اسرائیل دیده‌اند.»

عکاظ به نقل از حرشی افزود: «احمد حبیب‌الله رئیس سابق جمعیت دفاع از حقوق اسرای فلسطینی، گفته بود که در اثنای بازدید از زندان‌های اسرائیل، یکی از مقامات زندان به او گفته است که دیپلمات‌های ایران در یکی از سلول‌های این زندان نگهداری می‌شوند. حبیب‌الله یک هفته پس از فاش ساختن این خبر، کشته شد.»

فرزند حبیب‌الله - که هم‌اکنون ریاست جمعیت مذکور را بر عهده دارد - درباره کشته شدن پدرش گفت: «قتل پدرم، طرحی برنامه‌ریزی شده بود و با خبری که او درباره دیپلمات‌های ایران فاش کرده بود، ارتباط مستقیم داشت.»

روزنامه عکاظ، همچنین به نقل از خانواده‌های دیپلمات‌های ایرانی نوشت: «فرزندان ما زنده‌اند و در مرحله دوم مبادله اسرا بین حزب‌الله و اسرائیل، آزاد خواهند شد.»

این روزنامه ضمن بیان این مطلب که حزب‌الله در ازای این اخبار سکوت کرده و موضعی نمی‌گیرد، به نقل از «خضر نورالدین»، عضو دفترسیاسی حزب‌الله نوشت: «موضوع دیپلمات‌های ایرانی، بسیار حساس و پیچیده است و این حزب، نسبت به اخباری که در این باره فاش می‌شود، مسئول نیست.»

سایت اینترنتی بازتاب

۱۳۸۳/۴/۲۱ = ۱۲ جولای ۲۰۰۴

پدرم زنده است

سیدراند موسوی در مراسم بیست و دومین سالگرد اسارت چهاردیپلمات ایرانی که روزشنبه ۱۳ تیرماه در سالن سیدالشهدای تهران برگزار شد، گفت: «آخرین خبری که طبق تحقیقات برادران حزب‌الله لبنان مسجل شده و به دست ما رسیده و بسیار امیدوار کننده است، این است که در مبادله اخیر حزب‌الله با اسرائیل، یکی از آزادشده‌ها، یک قاچاقچی موادمخدر بوده که از لبنان به اسرائیل موادمخدر قاچاق می‌کرده، این فرد بعد از آزادی‌اش می‌گوید: در سال ۱۹۸۹ در حیفا زندان بودم.»

۲۲۸ □ کمین جولای ۸۲

در آن زندان یک همسلولی داشتیم که می‌گفت ما ۱۸ نفریم و توسط فالانژها دستگیر و به اسرائیل منتقل شده‌ایم و در میانمان چهار ایرانی هم حضور داشتند. بعدها این شخص در زندان اسرائیل مسئول پخش غذا می‌شود. وی می‌گفت در یکی از بندها شخصی که می‌آمد غذا را تحویل بگیرد یک ایرانی بود که اندکی زبان عربی می‌دانست. ۳۰ قطعه عکس را می‌گذارند جلوی این راوی و می‌پرسند کدام یک از اینها بود، او درست عکس پدر من را انتخاب می‌کند...»

کیهان

۲۱ جولای ۲۰۰۴ = ۱۳۸۳/۴/۳۰

سرگذشتی سراسرایثار و حماسه

کتاب «آذرخش مهاجر» نوشته حسین بهزاد که به زندگی حاج‌احمد متوسلیان پرداخته است، روز دوشنبه ۲۲ تیرماه با حضور برخی منتقدین و اهالی مطبوعات، در تالار سیدالشهدا (ع) تهران، مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

ایران

۷ اوت ۲۰۰۴ = ۱۳۸۳/۵/۱۶

اظهار نظر درباره کم‌کاری مسئولین سرگرمی رایجی شده است

محمدعلی صمدی، مسئول کمیته مفقودین ستاد پاسداشت شهدای نهضت جهانی اسلام، در آستانه روز خبرنگار گفت: «همه از کم‌کاری مسئولین در رابطه با پی‌گیری سرنوشت خبرنگار و دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی سخن می‌گویند و این تبدیل به سرگرمی شده است. متأسفانه با تفکر حزبی که در عرصه مطبوعات حاکم است، فقط کسانی را که در روزنامه‌های حزبی کار می‌کنند خبرنگار می‌دانند و سرنوشت کسانی همچون کاظم اخوان برای آقایان چندان مهم نیست.» وی با اشاره به برخی فعالیت‌های کمیته مفقودین ستاد پاسداشت، گفت: «تنها کاری که از دست ما در این کمیته و سایر گروه‌های مشابه برمی‌آید، اعمال فشار بر مسئولین برای روشن شدن سرنوشت این افراد است.»

خبرگزاری مهر

رنجنامه‌ای برای یک خبرنگار

برادر کاظم اخوان، رنجنامه‌ای را در قالب نامه‌ای به برادرش نوشته است: «برادرم ۲۲ سال از ربوده شدن تو توسط نیروهای مزدور وابسته به اسرائیل در لبنان سپری شده است و این اولین نامه به عنوان توست. شاید از من گله کنی که چرا پس از ۸۰۶۹ روز نامه می‌نویسم. راستش را بخواهی پس از گذشت این همه سال، هنوز هیچ خط و خبر و نشانی از تو به دست نیاورده‌ایم و این نامه‌ای است که اگر از احوال ما جويا باشی. شکر خدا خوبیم و جز دوری بیست و دو ساله تو ملالی نیست. حسن و راضیه و فاطمه نیز به تو سلام می‌رسانند و همچنان چشم انتظارند. درست است که ۲۲ سال گذشته، اما هنوز خاطره حزین این غم جانکاه در لوح ضمیر ما ماندگار و پایدار است.»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۲۹

از پدرمان چیزی نگفتم، چرا که او اینک در قید حیات نیست. آری سنگ صبورمان، سال‌ها منتظر پیراهن یوسف‌گم‌گشته خود بود، اما دریغ و افسوس که بدون یافتن خبری از سرنوشت تو، این آرزو را با خود به سینه‌سرد خاک برد. یوسف ما، نمی‌دانم چگونه از اندوه یعقوب بگویم. کاظم جان! فرصت نیست که برای تو شرح‌دهم در این ۲۲ سال، بر ما چه گذشته‌است. درد دل اصلی را می‌گذاریم برای وقتی که تو بیایی.

برادر عزیزم! نمی‌دانی در تمام طول این سال‌ها، بر ما چه گذشته‌است. گاهی می‌گویند در اسارت اسرائیلی‌ها به سر می‌بری و سندی هم ارائه نکرده‌اند که بدانیم سرنوشت تو چه شده‌است. شاید تقدیر چنین بوده که بی‌مهری‌های این دوران، عمر تو را در صحیفه روزگار جاودانه‌ترسازد و در پرده‌ماندن سرنوشت غریب تو نیز حکمتی داشته باشد. کتابی که ۸۰۶۹ روز است ورق می‌خورد و البته این از سیاست ما و کسانی که باید پی‌گیر سرنوشت تو باشند و قصور داشته‌اند، نمی‌کاهد. حتی آنانی که به لحاظ حرفه‌ای و اخلاقی و قانونی، باید از حقوق‌حقه تو به‌عنوان یک خبرنگار دفاع کنند، از توجهی درخور و شایسته نسبت به سرنوشت همکار خود کوتاهی کرده‌اند. این تغافل ناشی از چیست، نمی‌دانم. رسم ما ایرانی‌ها شده که پس از اعلام مرگ یا شهادت، درباره شخصیت و فضایل و خدمات انسان‌ها سخن بگوییم.

راستی تو نمی‌دانی چرا من این روز را برای نامه نوشتن انتخاب کردم، امروز یعنی ۱۷ مرداد، به‌مناسبت شهادت یکی از همکارانت در خبرگزاری، به‌دست عده‌ای کوردل در افغانستان، روز خبرنگار نام گرفته‌است. ای‌نگار بی‌خبر ۸۰۶۹ روزه ما، روزت مبارک باد. امروز روزتوست. روزهمه خبرنگارانی که جان‌شان را برکف‌دست می‌گیرند تا خبرهایی درست و واقعی را به مردم برسانند.

کاظم، امروز روزتوست، تویی که در سال ۱۳۶۱ برای به‌تصویر کشیدن جنایات رژیم اشغالگر قدس و مقاومت مردم فلسطین و لبنان، به آن سرزمین رفتی و هرگز به خانه بازنگشتی. با اختیار و داوطلبانه و در راستای رسالت خبرنگاری به آن کشور رفتی، هرکجا باشی با مایی. خیلی زود از ما جداشدی. شهید بزرگوار چمران، گوهری به نام عشق را به تو هدیه داد. آن سرحلقه عشاق جبهه‌های نبرد حق علیه باطل را می‌گویم که نامش و راهش همیشه با ماست و کارنامه او مایه فخر و مباهات همه عاشقان است. تو نیز عاشق شدی و پروانه‌آسا در راه عشق به معبود، بال و پر سوزاندی. تو عاشق پرواز به عالم افلاک و رهایی از تنگنای خاک شدی و پرواز برای تو مکان نداشت. ایران یا لبنان فرقی نمی‌کرد. امروز ما مانده‌ایم با راهی طولانی که پایانش مشخص نیست. سال‌ها در حصار بی‌اعتنایی‌ها بوده‌ایم اما، پنجره توکل همیشه بازاست.

برادرم! این حق ماست که از سرنوشت تو آگاه شویم، اما این حق مسلم به‌دلیل برخی از اغراض سیاسی و شخصی، مخدوش شد و همچنان در بیم و امید زندگی می‌کنیم، آیا سرنوشت تو در تاریکی بازی‌های سیاسی گم شده‌است؟

۲۳۰ □ کمین جولای ۸۲

کاظم، از آنجا که پدرمان و تو و من، هر سه این توفیق را داشته‌ایم که به عنوان خادم در خدمت زائرین مولایمان علی بن موسی الرضا(ع) باشیم، نامه‌ای به آن حضرت نوشتم و درخواست کردم که پرونده تو از این بن بست فرساینده خارج شود و شکر خدا با لطف آقا چنین شد. چراکه:

۱ - امسال در سال پاسخ‌گویی، انتظار برای ما امیدوارکننده‌تر است که مسئولین پاسخ‌گو باشند و از دادن پاسخی روشن طفره نروند.

۲ - بالاخره پس از ۷ سال انتظار، موفق شدیم با آقای خاتمی رئیس‌جمهوری ملاقات داشته باشیم و ایشان قول دادند که این موضوع را تا پایان ریاست‌جمهوری خود روشن کنند.

۳ - کمیته‌ای حقیقت‌یاب تشکیل شده و موضوع را دنبال می‌کند که البته ما در جریان اقدامات آنها نیستیم.

۴ - پرونده از دست کسانی که تعمداً آن را در هاله‌ای از ابهام قرار داده بودند، خارج شد و به کسان دیگری سپرده شده است.

خلاصه کنم کاظم!

امسال و در سال پاسخ‌گویی و در روزخبرنگار که با تولد مهربان‌ترین مادر دنیا آن بانوی بی‌نشان همراه شده است، امیدواریم پاسخ‌مان را با یافتن نشانه‌هایی از تو بگیریم. چنین باد.

برادرت حسین

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۵/۱۸ = ۹ اوت ۲۰۰۴

خانواده کاظم اخوان خواستار روشن شدن وضعیت وی شدند

حسین اخوان درگفت‌وگو با ایرنا، خواستار اقدام قاطع‌تر درباره سرنوشت برادر خود شد.

کیهان

۱۳۸۳/۶/۲۸ = ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۴

فرزند دیپلمات ایرانی ربوده شده خواستار روشن شدن سرنوشت پدرش شد

رئیس‌موسوی فرزند محسن موسوی کاردار پیشین سفارت ایران در لبنان، خواستار روشن شدن سرنوشت پدرش شد. موسوی در مصاحبه با روزنامه فرامنطقه‌ای الحیات که روزپنجشنبه در بیروت به چاپ رسید، گفت: «مسئولان ایرانی پی‌گیر پرونده روشن شدن سرنوشت پدرش، به او اطلاع دادند که یک لبنانی آزاد شده از زندان‌های رژیم صهیونیستی پدرش را در زندان‌های این رژیم دیده است. بهترین دلیل بر درستی اظهارات این آزاده لبنانی، این است که از میان ۳۰ عکسی که به او نشان داده شد، وی با مشاهده عکس پدرم توانست او را شناسایی کند.»

موسوی بدون اشاره به هویت این فرد لبنانی، اظهار داشت: «مطمئن نیستم که بازگردد نام این آزاده لبنانی کمکی به حل این معضل کند.»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۳۱

وی با رد برخی مطالب انتشار یافته در رسانه‌های ارتباط جمعی لبنان مبنی بر کشته شدن چهار ایرانی ربوده شده در این کشور، گفت: «اگر این ادعا درست باشد، باید مکان دفن آنان مشخص باشد. هنگامی که این موضوع را با برخی پزشکان ایرانی در میان گذاشتم، آنان تاکید کردند حتی در صورتی که اجساد با آهک پوشانده شوند، امکان شناسایی هویت پیکرها وجود دارد. رویبر حاتم، از اعضای پیشین گروه نیروهای لبنانی، در کتاب خود که به بررسی جنگ داخلی لبنان پرداخته، به ترور چهار دیپلمات ایرانی اشاره نکرده است و راجی عبدو مسئول پیشین سازمان امنیت لبنان نیز در مصاحبه چندی پیش با هفته‌نامه الوسط به کشته شدن آنان پرداخته است.»

به گفته موسوی، به دنبال ناپدید شدن ران آزاد کمک خلبان رژیم صهیونیستی در جریان تجاوز هوایی به جنوب لبنان در سال ۱۹۸۶ و ناپدید شدن او، چهار دیپلمات ایرانی به اسرائیل برده شدند، حال آن‌که ایران بارها از وجود آزاد اظهار بی‌اطلاعی کرده است. وی در پاسخ به این پرسش که آیا ایران از طریق میانجی آلمانی موضوع چهار دیپلمات ایرانی را دنبال می‌کند، گفت: «ایران این موضوع را از این طریق پی‌گیری کرده اما تاکنون به مورد و اطلاعات تازه‌ای دست نیافته است.»

روزنامه الحیات، در ادامه این مصاحبه نوشت: «موسوی در مدت اقامت در لبنان، کوشش خواهد کرد با سمیر جعجع فرمانده پیشین گروه مسیحی تندرو نیروهای لبنانی که در زندان وزارت دفاع به سر می‌برد، دیدار کند.»

موسوی در این ارتباط خاطر نشان کرد: «در دیدار چهار خانواده ایرانی با جعجع در سال ۲۰۰۰ میلادی، مطالب متناقضی در گفته‌های او دیده شد.»

چهار خانواده ایرانی، دو ماه پیش انجمن پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی با هدف تماس با سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر و سازمان جهانی صلیب سرخ تشکیل دادند.

خبرگزاری ایرنا

۱۳۸۳/۷/۵ = ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۴

مسئولان وزارت خارجه هیچ کمکی برای آزادی دیپلمات ایران در عراق نکرده‌اند

شب گذشته اعضای انجمن حمایت از دیپلمات‌های ربوده شده، با خانواده «فریدون جهانی» دیپلمات ربوده شده کشورمان در عراق، دیدار و گفت‌وگو کردند. در این دیدار، پدر فریدون جهانی با اعتراض به چگونگی تلاش مسئولان وزارت امور خارجه برای رهایی فرزندش، گفت: «مگر می‌شود کنسول کشوری را در یک کشور دیگر برابند ولی مسئولان آن کشور، اطلاعی از وضعیت نماینده خود نداشته باشند؟»

«سعیده توسی» همسر فریدون جهانی نیز در این دیدار گفت: «اگر سرنوشت فریدون جهانی نیز به سرنوشت دیپلمات‌های ربوده شده در لبنان تبدیل شود، هیچ‌کس به غیر از رئیس‌جمهوری و وزیر امور خارجه که در این راه کوتاهی می‌کنند، مقصر نیست.»

۲۳۲ □ کمین جولای ۸۲

وی از تمامی خبرنگاران خواست تا در دیدارهای خود با مسئولان وزارت امور خارجه، آنها را در خصوص اقداماتشان برای پی‌گیری وضعیت دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی به چالش بکشند. دبیرکل انجمن حمایت از دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی نیز در این دیدار ضمن همدردی با خانواده فریدون جهانی، گفت: «ربودن فریدون جهانی نتیجه اهمال‌کاری‌ها و سیاست‌بازی‌های مسئولان وزارت امور خارجه در پی‌گیری وضعیت دیپلمات‌های ربوده‌شده در لبنان است.»

سیدرائد موسوی خاطر نشان کرد: «اگر در آن روز مسئولان وزارت خارجه تلاش جدی‌تری برای اطلاع از سرنوشت دیپلمات‌های خود به خرج می‌دادند، امروز هیچ قدرتی به خود اجازه تعرض به ماموران ایران در خارج از مرزها را نمی‌داد.»

فرزند محسن موسوی دیپلمات ایرانی ربوده‌شده در لبنان، تاکید کرد: «اگر بی‌خیالی مسئولان وزارت امور خارجه به همین صورت ادامه یابد، روزی فرا خواهد رسید که هیچ ایرانی‌ای در خارج از مرزها امنیت نداشته باشد.»

خبرگزاری فارس

۱۳۸۳/۸/۲ = ۲۴ اکتبر ۲۰۰۴

پی‌گیری سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی در لبنان در چند سایت و وبلاگ اینترنتی

جهت پی‌گیری وضعیت گروگان‌های ایرانی، خانواده و دوستان آنان اقدام به راه‌اندازی صفحات ویژه در اینترنت کرده‌اند تا به این طریق، هم از اخبار و نظرات دیگران آگاه شوند و هم صدای مظلومیت خانواده این چهارگروگان را به گوش جهانیان برسانند. به همین منظور، خانواده سید محسن موسوی سرپرست سفارت ایران در بیروت، اقدام به راه‌اندازی سایتی به این نشانی www.iranian.org نموده‌اند که در آن این مطالب به چشم می‌خورد: «دلایل زنده بودن - خانواده - زندگی نامه گروگان‌ها - اعلام آمادگی برای کمک - ارتباط با ما و...»

همچنین وبلاگی از سوی بستگان کاظم اخوان خبرنگار و عکاس ایرانی، جهت پی‌گیری وضعیت او و سه همراهش، به این نشانی www.kazemakhavan.persianblog.com راه‌اندازی شده است که جدیدترین اخبار، اطلاعات و نظرات درباره وضعیت چهار ایرانی اسیر، در آن به چشم می‌خورد.

از سوی گروهی دیگر نیز، وبلاگی به این نشانی www.thewall1.blogspot.com برای انتشار اخبار و اطلاعات گروگان‌های ایرانی راه‌اندازی شده است.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۸/۱۱ = ۲ نوامبر ۲۰۰۴

مذاکرات در خصوص سرنوشت زندانیان لبنانی در بند رژیم صهیونیستی ادامه دارد

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۳۳

دبیرکل حزب‌الله لبنان که در جمع شماری از مردم لبنان در بیروت سخن می‌گفت، در ادامه با اصرار شدید برای آزادی تمام زندانیان دربند رژیم صهیونیستی، یادآور شد: «مذاکرات در مورد پرونده اسیران با اسرائیل، از طریق میانجی‌گر آلمانی همچنان ادامه دارد.»

به گزارش الجزیره، حزب‌الله لبنان و رژیم اسرائیل ژانویه گذشته اولین مرحله از مبادله اسیران را پشت سر گذاشتند، به طوری که در این مرحله، اسرائیل صدها لبنانی دربند عرب و دوتن از شخصیت‌های بلند پایه حزب‌الله لبنان را در ازای آزادی یک سرمایه‌دار اسرائیلی و جنازه سه سرباز، آزاد کرد. این سه نظامی اسرائیلی سال ۲۰۰۰ به دست نیروهای حزب‌الله لبنان به تلافی تداوم تجاوزات رژیم صهیونیستی به خاک این کشور، دستگیر شدند. در مرحله دوم مبادله اسیران میان اسرائیل و لبنان، باید سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی و سمیر قنطار یکی از قدیمی‌ترین اسیران لبنانی دربند رژیم صهیونیستی، و ران آزاد مشخص شود. یکی از دادگاه‌های رژیم اسرائیل با صدور حکمی، سمیر قنطار را به بهانه کشتن چهار اسرائیلی در سال ۱۹۷۹ به ۵۴۲ سال زندان محکوم کرد.

منابعی در بیروت، ماه می گذشته گفتند: «ران آزاد مرده است و جنازه‌اش نیز نزد حزب‌الله است.» اما سید حسن نصرالله به کارگردان فیلم مستند آلمانی گفت: «حزب‌الله هرگز آزاد را دستگیر نکرده و وی پس از اینکه به دست شبه‌نظامیان جنبش امل دستگیر شد، ناپدید گردیده است.»

این فیلم به اسنادی اشاره می‌کند که سرویس اطلاعات و امنیت آلمان «بی.ان.دی» آورده است که می‌گوید: «ران آزاد پیش از اینکه در سال ۱۹۹۶ تحویل مسئولان ایرانی در لبنان داده شود، چهار سال قبل خاک لبنان را ترک کرده و سرانجام از طریق سوریه به ایران منتقل شده است.»

یک مسئول وزارت جنگ رژیم صهیونیستی، پیش‌تر مدعی شده بود: «تصور می‌شود ران آزاد زنده است و ایران باید مسئولیت حوادثی را که برای وی رخ داده است، بر عهده بگیرد.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۸/۲۳ = ۱۴ نوامبر ۲۰۰۴

برای آزادی چهار گروگان ایرانی دربند اسرائیل بیشتر از این باید تلاش کرد

سیدرئیس موسوی که در همایش «بیت المقدس» در «دانشگاه علامه طباطبائی» سخن می‌گفت، با اشاره به نحوه اسارت پدر خود در لبنان، اظهار داشت: «اسرائیلی‌ها برای افراد خود اهمیت زیادی قائل هستند به طوری که آنها در جنگ اعراب و اسرائیل، در قبال گرفتن یک اسرائیلی، پنج هزار عرب را آزاد کردند، در حالی که متأسفانه این مسئله در کشور ما کم‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد.»

شبکه خبر دانشجو

۱۳۸۳/۹/۲ = ۲۳ نوامبر ۲۰۰۴

پایگاه اینترنتی پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی آغاز به کار کرد

سیدرئیس موسوی گفت: «این پایگاه اینترنتی برای انعکاس اخبار و آخرین اطلاعات و همچنین معرفی و گزارشی از تحولات و جریانات پیش آمده در طول ۲۳ سال که از ربوده شدن ۴ دیپلمات ایرانی

در لبنان و اسارت آنان در بند صهیونیست‌ها می‌گذرد، آغاز به کار کرده است. وی آدرس این پایگاه اینترنتی را www.asikd.com اعلام کرد و گفت: «معرفی ۴ دیپلمات ایرانی، اخبار مربوط به آنها، شواهد موجود در ارتباط با این موضوع، و تماس با اعضای انجمن، از جمله بخش‌های این سایت اینترنتی می‌باشد که به مرور زمان فعالیت آن گسترده‌تر خواهد شد.»

وی با اشاره به این‌که مراجعه‌کنندگان به این سایت می‌توانند به عضویت آن درآیند، افزود: «در صفحه نخست این سایت اینترنتی آمده است: ما از کلیه اشخاص و مقامات و سازمان‌های جهانی که در این مورد اطلاعی دارند، و یا می‌توانند برای آزادی عزیزان ما تلاش کنند، خواستاریم کمک خود را از ما دریغ نکنند؛ شاید این انتظار طولانی به پایان‌رسد.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۹/۲۰ = ۱۱ دسامبر ۲۰۰۴

گزارش‌های وزارت امور خارجه درباره سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده قانع کننده نیست

«رضا طلایی نیک» نماینده «بهار و کبود آهنگ» و عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس، گفت: «تاکنون گزارش‌های ارائه شده از سوی وزارت امور خارجه و چگونگی استفاده از همه ابزارهای دیپلماسی و سیاسی برای تعیین وضعیت دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی، قانع کننده نبوده است. امنیت نظامیان و کارگزاران رژیم صهیونیستی به مخاطره افتاده است و با توجه به تداوم انتفاضه و آسیب‌پذیری امنیتی رژیم صهیونیستی، اسرائیل با تعیین جایزه ده میلیون دلاری برای هرکسی که خبری در مورد ران آراد بدهد، به دنبال تقویت روحیه نظامیان و کارگزاران خود است. با مقاومت مستحکم و مستمر فلسطینیان در برابر رژیم صهیونیستی، اسرائیل نسبت به ضعف روحی و روانی ارتش و دولت خود بیمناک است و لذا اهمیت دادن به آزادی و کسب اطلاع از وضعیت مفقودان صهیونیستی، برای تقویت روحی و روانی نظامیان و کارگزاران صهیونیستی است.»

طلایی نیک تصریح کرد: «برای روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی، متأسفانه اقدامات انجام شده تاکنون کارساز نبوده و به همین علت دولت و وزارت امور خارجه باید از همه ظرفیت‌های مناسب دیپلماسی برای تعیین وضعیت دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی استفاده کند.»

وی با اشاره به این مطلب که طولانی شدن روند بلا تکلیفی دیپلمات‌ها موجب آسیب‌پذیری بیشتر وضعیت این عزیزان خواهد بود، گفت: «کمیسیون امنیت ملی در چند نوبت تاکنون با حضور مسئولان ذیربط، موضوع دیپلمات‌های ربوده شده را بررسی کرده است و در مواضع دائمی مجلس و نمایندگان ملت، از دوره‌های گذشته، لزوم پی‌گیری وضعیت ربوده شدگان ایرانی مطرح بود، اما با توجه برخی مشکلات سیاسی در بین دولت‌های منطقه، شفاف شدن وضعیت دیپلمات‌های ربوده شده با مشکلات خاصی مواجه بوده است.»

وی با بیان این مطلب که همکاری برخی از دولت‌های منطقه و استفاده از همه ظرفیت‌های مناسب دیپلماتیک به تعیین وضعیت دیپلمات‌های ایرانی کمک خواهد کرد، افزود: «ایران با داشتن

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۳۵

پشتوانه سیاسی و مردمی مستحکم در لبنان و سوریه و فلسطین و ملت‌های منطقه، باید از همه ظرفیت‌های دیپلماسی برای شناسایی و آزادی دیپلمات‌های ربوده‌شده اقدام موثر داشته باشد، و به‌طور حتم مجلس همانند خانواده‌های دیپلمات‌ها، برای تاکید و پی‌گیری از دستگاه دیپلماسی کشور، باید قدم‌های موثرتری را بردارد. وزارت امور خارجه باید به‌طور مستمر اقدامات تداومی خود در سطح دیپلماتیک و فعالیت‌های سیاسی و اطلاعاتی نسبت به وضعیت دیپلمات‌های ربوده‌شده را به خانواده‌ها، مجلس و ملت گزارش دهد.»

خبرگزاری مهر

شواهد کاملی وجود دارد که نشان می‌دهد چهار دیپلمات ایرانی زنده‌اند

سیدرئاد موسوی فرزند یکی از ۴ دیپلمات ربوده‌شده ایرانی که اکنون ۲۳ سال است که خبری از آنان در دست نیست، سیر تحولات و آخرین شواهدی که دال بر زنده بودن آنان است، تشریح کرد.

خبرگزاری مهر

مسئله دیپلمات‌های ربوده‌شده را با اولویت در کمیسیون امنیت ملی دنبال می‌کنیم

«حسین سبحانی‌نیا» عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، گفت: «بحث‌های زیادی در سال‌های گذشته درباره ربوده شدن ۴ دیپلمات ایرانی انجام گرفته‌است و ما براساس شواهد و قرائنی می‌توانیم این ادعا را داشته باشیم که این دیپلمات‌ها هنوز زنده هستند و در زندان‌های رژیم اشغالگر قدس نگاه‌داری می‌شوند. علیرغم آن‌که واقعا پی‌گیری‌های زیادی از سوی وزارت امور خارجه و سایر مسئولین و رسانه‌ها صورت گرفته است، اما رسانه‌های خارجی، تبلیغات ما را در مورد ۴ دیپلمات ایرانی بایکوت می‌کنند. این درحالی است که امروز رژیم اشغالگر قدس برای این‌که بتواند سرنخ‌هایی ولو جعلی، از ران آراد به‌دست آورده و با فضا سازی در محیط بین‌المللی، عملکرد ناصحیح خود را در جنوب لبنان و مناطق دیگر توجیه کند، کارهای تبلیغاتی زیادی به وسیله رسانه‌های فراوانی که در اختیار دارد انجام می‌دهد و رسانه‌ها نیز به این مسئله دامن می‌زنند و از کاه کوه می‌سازند. از آنجا که وزارت امور خارجه برای روشن شدن سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی، نقش اصلی را از طریق رسمی و سیاسی می‌تواند ایفا کند، باید قوی‌تر با این مسئله برخورد کند و نمایندگان سیاسی ما در خارج از کشور باید توجیه درستی داشته باشند که در یک اقدام هماهنگ، این موضوع را مطرح کرده و به نتیجه برسانند، چرا که ما سرنخ‌های قوی‌تری داریم دال بر این‌که دیپلمات‌های ما زنده‌اند. قطعا این مسئله را با اولویت در کمیسیون امنیت ملی مطرح خواهیم کرد و راه‌کارهای مناسبی را که به نظر برسد موثر خواهد بود، از طریق وزارت امور خارجه پی‌گیری خواهیم کرد و توصیه‌های لازم را به وزارت امور خارجه برای این‌که این مسئله به نحو درستی بررسی و پی‌گیری شود، جزو کارهای اولیه کمیسیون در هفته آینده خواهد بود.»

خبرگزاری مهر

برای روشن شدن سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی قطعا همه راه‌های نرفته را خواهیم پیمود
 «احمد پیش‌بین» نماینده مردم بافت در مجلس و عضو کمیسیون امنیت ملی گفت: «مسئولان کشورمان تاکنون برای روشن شدن سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی رپوده شده تلاش‌های زیادی کرده‌اند و اگر تاکنون راهی باقی مانده باشد که نرفته باشند، قطعا ما آن راه‌ها را خواهیم پیمود. قطعا احتمال مطرح شدن مسئله در جلسات آینده کمیسیون زیاد است و قطعا هرکاری که از دست ما ساخته باشد انجام می‌دهیم. باید پی‌گیری‌ها شدت بیشتری یابد، تلاش بیشتری صورت گیرد و وقت بیشتری صرف پی‌گیری و روشن شدن این جریان شود، چراکه این دیپلمات‌ها برای ما ارزشمند هستند و باید به هر طریق ممکن اخبار و اطلاعات موجود را بررسی کنیم و مطمئنا اگر از تمام ظرفیت ممکن خود در این زمینه استفاده کنیم، راه‌های عملی بهتر و بیشتری در پیش روی خواهیم داشت. مسئله دیپلمات‌ها، در آینده نزدیک در کمیسیون امنیت ملی مطرح شده و بر روی آن بحث و تبادل نظر صورت گرفته و با دعوت از کارشناسان، راه‌حلهایی پیدا می‌کنیم و من نیز به نوبه خود تلاش می‌کنم تا این موضوع هرچه زودتر در دستور کار کمیسیون قرار بگیرد.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۹/۲۱ = ۱۲ دسامبر ۲۰۰۴

در اولین فرصت موضوع چهار دیپلمات ایرانی را در دستور کار کمیسیون امنیت ملی قرار می‌دهیم
 «علاءالدین بروجردی» رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس، درباره پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات رپوده شده ایرانی که رئیس مجلس در دیدار خانواده‌های‌شان قول داده بود در دستور کار کمیسیون امنیت ملی قرار گیرد، گفت: «با برادر سید محسن موسوی صحبت شده و قرار بر این شد که در جلسه با کمیسیون امنیت ملی، با توجه به این که تحقیقات گسترده‌ای انجام داده‌اند، نظرات‌شان تشریح شود تا کمیسیون به صورت جدی پی‌گیر این موضوع شود و تصمیمات مقتضی را اتخاذ کند.» وی با بیان این که قطعا ما به عنوان کمیسیون امنیت ملی آمادگی داریم که موضوع اسارت ۲۲ ساله سید محسن موسوی، احمد متوسلیان، کاظم اخوان و تقی رستگار مقدم را با جدیت دنبال کنیم، تاکید کرد: «هنوز زمان این جلسه مشخص نشده و سعی می‌کنیم در اولین فرصت جریان پی‌گیری پرونده ۴ دیپلمات ایرانی را در دستور کار قرار دهیم.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۹/۲۲ = ۱۳ دسامبر ۲۰۰۴

چرا رسانه‌های کشورمان برای روشن شدن سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی خاموشند؟
 «احسان محمد حسینی» رئیس فرهنگ‌سرای پایداری با اشاره به نقش مهم رسانه‌ها در تسریع روشن شدن سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی، گفت: «خیلی از دانشجویان، جوانان و مردم ما اصلا خبر ندارند

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۳۷

که ما دیپلمات‌هایی داریم که ۲۲ سال پیش در لبنان ربوده شده‌اند تا بخواهند مطالبه‌ای برای رهایی آنها صورت بدهند، چراکه سازمان صداوسیما و روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های ما در این زمینه خاموشند. متأسفانه طی سال‌های گذشته از سوی مقامات مسئول کشورمان برای روشن شدن هرچه سریع‌تر سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده، حرکت خاصی انجام نشده است و کارهایی که تاکنون انجام شده، بیشتر خودجوش بوده و توسط تشکل‌های مردمی صورت گرفته است. فقط همه‌ساله در ۱۴ تیرماه، وزارت امور خارجه دستگاه‌های تحت امر، نهایتاً بیانیه‌ای در محکومیت این جنایت صهیونیست‌ها و نیروهای فالانژیست صادر می‌کند، که به نظر من این حرکت‌ها بسیار مقطعی، بی‌تأثیر و خنثی است، در حالی‌که مثلاً صهیونیست‌ها برای زنده نگه داشتن یاد ران آراد، کارهای بزرگی انجام داده‌اند و کارهای آنها بیشتر جنبه تبلیغی روانی در بین خانواده‌های اسرائیلی و یهودی دارد. چندسال است که در فلسطین اشغالی، صهیونیست‌ها سرمیز غذا معمولاً یک صندلی را به یاد ران آراد خالی می‌گذارند، به این معنا که جای ران آراد در بین همه خانواده‌های یهودی و اسرائیلی خالی است، و از سویی کارهای بزرگ روانی و تبلیغی دیگر مانند جشن تولد ران آراد، برگزاری مراسم‌ها و برنامه‌های مختلف با نام و یاد او برگزار می‌کنند و به هر ترتیب می‌خواهند با کارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای و عملیات روانی، برای زنده نگه داشتن یاد این خلبان ارتش اشغالگر اسرائیلی تلاش کنند. مسئولان باید گزارش دهند که تاکنون چه کارهایی انجام شده و به چه نتیجه‌ای رسیده‌اند، بالاخره این ۴ نفر یا شهید شده‌اند و یا اسیرند، که همین گزارش می‌تواند حداقل مردم را قدری آرام کند. یک نهضت تبلیغی، اطلاع‌رسانی و عملی برای این قضیه نیاز است تا بتوانیم به نتیجه برسیم و آنهایی که در امر تبلیغ و اطلاع‌رسانی می‌توانند نقشی ایفا کنند، باید بسیج شوند و تشکل‌های متعدد دانشجویی کشور نباید بیکار باشند و شروع به حرکت، بازخواست و مطالبه کنند و سازمان‌های دولتی اقدام و حرکت کنند و از هر طریق که شده، در این نهضت سهیم شوند.»

احسان محمدحسینی خاطرنشان کرد: «ما در فرهنگ‌سرای پایداری سعی می‌کنیم کارهای بزرگی را در این زمینه تدبیر کنیم و با همکاری مراکز، گروه‌های فرهنگی، تشکل‌های دانشجویی و اطلاع‌رسانی به مجموعه‌های خبری، بتوانیم این کارها را رفته رفته اجرایی کنیم.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۹/۲۳ = ۱۴ دسامبر ۲۰۰۴

پیشنهاد بسیج اینترنتی امت اسلام برای پایان دادن به اسارت ۲۲ ساله چهار دیپلمات ایرانی

«محمدحسین قدیری ابیانه»، کارشناس مدیریت استراتژیک، گفت: «یکی از راه‌هایی که برای طرح و پی‌گیری ماجرای این چهار دیپلمات وجود دارد، استفاده از اینترنت است، یعنی هرکسی که با اینترنت در ارتباط است و امکان دسترسی به آن را دارد، می‌تواند از این امکان برای پی‌گیری سرنوشت این چهار نفر استفاده کند و با ایمیل زدن به سازمان‌های حقوق بشر، رسانه‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و شخصیت‌های جهانی، می‌توان بهترین پی‌گیری‌ها را انجام داد و خواستار روشن شدن

سرنوشت آنان شد. در بعد تبلیغاتی، ما آن فعالیت لازم را برای پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ربه‌شده ایرانی در لبنان، انجام ندادیم و در این زمینه، هم دستگاه‌های دولتی مسئول هستند و هم دستگاه‌های غیردولتی و رسانه‌ها و سازمان‌های غیردولتی. در رابطه با کار رسانه‌ای، باید گفت که صهیونیست‌ها در این زمینه یک ابرقدرت واقعی هستند که در سایر کشورها نیز نفوذ دارند و اداره خیلی از کشورهای غربی را هم با این تبلیغات خود برعهده گرفته‌اند و در مقابل، ما در ایران از نظر تبلیغاتی خیلی ضعیف عمل کردیم و از امکاناتی که در اختیار داشتیم در این زمینه به خوبی استفاده نکردیم. یکی از دلایل این کم‌کاری شاید به این دلیل باشد که خیلی‌ها منتظرند که فقط دولت همه تبلیغات را برعهده بگیرد، ولی اگر در این رابطه این تصور که دفاع در مقابل تهاجم دشمن و یا حمله تبلیغاتی به دشمن، فقط برعهده دستگاه‌های اداری و دولتی است، برچیده شود، آن‌گاه راه برای ابتکار باز خواهد بود.»

وی با اشاره به این مطلب که برای روشن‌شدن هرچه سریع‌تر سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی، خیلی کارها می‌توان انجام داد و با پی‌گیری، یاد آنان را زنده نگاه داشت، گفت: «ما بر زنده بودن ۴ دیپلمات ایرانی دربند رژیم صهیونیستی تاکید داریم و قطعاً این اسرائیل است که باید پاسخ‌گو باشد، و ما از هیچ کوششی در این زمینه نباید فروگذار کنیم.»

این کارشناس مدیریت استراتژیک گفت: «امروز از امکانات زیادی می‌توان استفاده کرد، به‌جای اینکه از یک موضع انفعالی عمل کنیم، باید در تبلیغات از یک موضع تهاجمی برخوردار بود و در همین راستا من بسیج اینترنتی امت اسلامی را برای پی‌گیری آزادی ۴ دیپلمات ایرانی پیشنهاد می‌دهم، چراکه امروزه برای طرح مسائل و دیدگاه‌ها و برای دفاع در مقابل تهاجم دشمن و اتخاذ موضع تهاجمی در مقابل دشمنان ایران و اسلام، لازم نیست حتماً در خارج از مرزها حضور پیدا کنیم، بلکه اینترنت و رسانه این امکان را به ما می‌دهد که از طریق آن در همه جا حضور داشته باشیم.»

وی با اشاره به وظیفه دولت لبنان در پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی، افزود: «ما مرتب باید از دولت لبنان و مقامات آن بخواهیم که این موضوع را فراموش نکرده و به دنبال آن باشند. خانواده‌های ۴ دیپلمات دربند رژیم اشغال‌گر قدس، می‌توانند محور و مرکزی باشند که هرگز نگذارند این موضوع فراموش شود و در این زمینه باید همواره فعال باشند.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۰/۱ = ۲۲ دسامبر ۲۰۰۴

نباید از مسئولیت دولت لبنان در مورد سرنوشت ۴ دیپلمات ربه‌شده چشم‌پوشی کرد
سیدراند موسوی با اشاره به تاسیس انجمن حمایت از دیپلمات‌های ربه‌شده ایرانی، گفت: «طی چندماه گذشته، ما به‌عنوان خانواده‌های این دیپلمات‌ها تشکلی تحت عنوان انجمن حمایت از دیپلمات‌های ربه‌شده ایرانی تشکیل دادیم که اساس کار ما این است که به حرکت‌هایی که خانواده‌ها انجام می‌دهند انسجام بدهیم. در کنار آن، در ملاقاتی که با مسئولان کشور داشتیم، از طرف

آقای‌خاتمی یک کمیته‌ملی در این زمینه تشکیل شد و قولی هم داده بود که تا آخر دوره ریاست‌جمهوری تکلیف این موضوع را روشن کند که البته این کمیته در حال انجام اقداماتی است و بی‌انصافی است اگر بگوییم کاری نکردند، اما پی‌گیری‌های آنان خیلی کند است. دیدارهایی نیز با مسئولان صلیب‌سرخ داشتیم که صلیب‌سرخ به اسرائیلی‌ها مراجعه کرد، اما چیزی به دست نیاورد، ولی در نتیجه به ما گفتند که اگر شما به ما اطلاعات خاصی بدهید، ما می‌توانیم آن را پی‌گیری و منتقل کنیم، و آخرین ملاقات ما نیز با آقای «حداد عادل» بود که قرار شد این موضوع را در دستورکار مجلس هفتم قرار داده و از کمیسیون امنیت ملی مجلس پی‌گیری منسجم این جریان را آغاز کنند. در آن ده سال اول که پی‌گیری‌های منسجمی انجام شد، صحنه لبنان صحنه درگیری و جنگ بوده و امنیت وجود نداشته، به همین دلیل تحقیقات درستی انجام نشد، اما اکنون در لبنان امنیت حاکم است و افراد مختلفی در لبنان هستند که به نوعی در این پرونده دخیل هستند و اطلاعات خوبی دارند و باید هرچه سریع‌تر به سراغ آنان رفت. لازم است کمیته‌ای شکل بگیرد که افرادی که در این کمیته هستند، به صورت منسجم فقط روی این موضوع کار کنند و واقعا یک کمیته جست‌وجوی قوی در لبنان شکل بگیرد، چراکه اکنون برخی منابع اطلاعاتی در لبنان وجود دارد که در ۲۰ سال پیش که پی‌گیری‌های اولیه شروع شد، آن منابع اطلاعاتی وجود نداشته است و باید با توجه به منابع اطلاعاتی جدید، آن اتفاقاتی را که دقیقا در آن صحنه افتاده، بررسی کرد. در کارهایی که اکنون انجام می‌شود، فقط مهره‌های درشت را انتخاب می‌کنند، ولی واقعا در این مورد باید به سراغ کسانی که حتی یک درصد هم احتمال دارد که اطلاع یا سرنخی داشته باشند، رفت و به هیچ‌وجه نباید از آن گذشت، و لازمه این کار این است که در همان صحنه لبنان که این اتفاق افتاده، باید یک گروه کاری حضور داشته باشد و گروهی حقیقت‌یاب شکل بگیرد که ریاست آن با ایران باشد و گروه‌ها و کشورهای دیگری که در این پرونده به نوعی دخیل هستند با ایران همکاری کنند. ما نباید از مسئولیت دولت لبنان در این پرونده چشم‌پوشی کنیم، چون بالاخره این دیپلمات‌ها در لبنان بودند و در این کشور مأموریت داشتند و از لحاظ حقوقی مسئولیت مستقیم این جریان با دولت لبنان است، یا لبنان باید رسماً اعلام کند که آنان به اسرائیل منتقل شده‌اند و اگر فرضاً بخواهد بحث شهادت را مطرح کند، باید با دلیل و مدرک باشد و دولت لبنان نباید از زیر این موضوع هم شانه خالی کند و می‌تواند با تشکیل یک گروه تحقیق و تفحص، کمک شایانی به آزادی ۴ دیپلمات ایرانی کرده و تکلیف ما را روشن کند. هر کدام از حرکت‌هایی که ما برای پی‌گیری سرنوشت این ۴ دیپلمات انجام می‌دهیم، تاثیر بسیار زیاد و موثری بر روند تحولات دارد و حتی می‌توان گفت حرکت‌هایی که اخیراً اسرائیل در مورد ران آراد انجام داده است، در واکنش به پی‌گیری‌های جدید ما بوده است، پس هر حرکت هر چند کوچک ما، بسیار با اهمیت است.»

وی در تشریح میزان اهمیت ران آراد برای اسرائیلی‌ها، گفت: «در ملاقات «شیرین عبادی» با «ژاک شیراک»، تنها درخواست ژاک شیراک به عنوان رئیس‌جمهوری فرانسه، از شیرین عبادی، این بود که

جریان آزادی ران آراد را پی‌گیری کند و حتی خانواده ران آراد نیز با شیرین عبادی دیدار کردند و این نشان‌دهنده اهمیتی است که ران آراد برای صهیونیست‌ها دارد.»

موسوی با بیان این‌که کار دل‌سوزانه‌ای برای پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی انجام نمی‌شود و برای به نتیجه رسیدن کار نباید حتی از کوچک‌ترین سرنخی گذشت، گفت: «سرنخ‌های بسیار زیادی وجود دارد که نیاز به پی‌گیری و امکانات دارد که ما به‌عنوان خانواده نمی‌توانیم این مسئله را مستقیماً پی‌گیری کنیم و پی‌گیری آن نیاز به دل‌سوزی دارد، یعنی باید یک نفر درد داشته باشد تا به صورت مستمر پی‌گیر جریان باشد. برای سامان‌دادن به فعالیت خانواده‌های این ۴ دیپلمات، انجمن حمایت از دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی را تاسیس کردیم و اولین حرکتی که در چارچوب کار انجمن انجام دادیم، حضور فعال اعضای انجمن در راهپیمایی روز قدس بود که بازتاب بسیار خوبی داشت و در آن برنامه دفتر یادبود و فرم‌هایی بین مردم توزیع شد که برای آزادی این ۴ نفر چه باید کرد. از آنجا که نهادهای مردمی کارشان این است که حرف مردم را منتقل کنند، اکثریت برای آزادی دیپلمات‌های ربوده‌شده، مقابله به مثل را پیشنهاد کرده بودند. شاید تا چند سال گذشته شرایط اجتماعی آن‌چنان فراهم نبود که بتوانیم به عنوان یک نهاد مردمی، مسائلی این‌چنینی را مطرح کنیم، تا جایی‌که حتی در شهرستان‌ها استقبال گسترده‌ای از جریان پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده‌شده ایرانی وجود دارد و خیلی‌ها هستند که در شهرهای مختلف به شدت پی‌گیر این مسئله هستند. تنها نقطه‌ای که می‌توان گفت یک‌سری ایرانی لطمه‌مستقیم از اسرائیل خوردند، همین ۴ دیپلمات هستند و اگر توجه کنید، اسرائیلی‌ها هر جا که بخواهند ایران را بکوبند، ران آراد را علم می‌کنند تا ایران را مورد تهدید قرار دهند. پس، از آنجایی‌که یکی از اصول انقلاب ما حرکت‌های ضداسرائیلی بوده و با توجه به انگیزه‌های ضداسرائیلی در مسئولین و مردم کشورمان، جادارد موضوع ۴ دیپلمات ربوده‌شده ایرانی در بند اسرائیل به عنوان خط اول حرکات ضداسرائیلی ما قرار بگیرد.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۰/۲ = ۲۳ دسامبر ۲۰۰۴

رسانه‌های کشورمان باید عزم ملی و مطالبه جدی خود را برای روشن شدن سرنوشت چهار دیپلمات آغاز کنند (پرویز امینی) سخن‌گوی «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه‌های سراسر کشور» گفت: «رسانه‌ها در برابر بعضی از مسائل نه‌چندان مهم، بسیار پرطمطراق و پرسر و صدا وارد میدان می‌شوند، در حالی‌که در برابر مسئله‌ای همچون بحث اسارت ۲۲ ساله ۴ دیپلمات ایرانی در بند اسرائیل، رسانه‌های کشورمان باید عزم ملی و مطالبه جدی خود را آغاز کنند. تشکل‌های دانشجویی باید این مسئله را در دستور کار و اولویت اولیه خود قرار دهند و ظرفیت‌ها و اعتماد حوزه عمومی و اجتماعی جامعه را برای پی‌گیری این مطالبه پی‌گیری کنند.»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۴۱

امینی با اعلام آمادگی تشکل خود، تاکید کرد: «ما از خودمان چیزی نداریم و هرچه داریم از این سمبل‌های استقامت و پایداری است، و قطعاً هر ظرفیت انرژی که در مجموعه داشته باشیم، برای رهایی ۴ دیپلمات ایرانی در بند اسرائیل به کار خواهیم بست.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۰/۵ = ۲۶ دسامبر ۲۰۰۴

مسئله ۴ دیپلمات ایرانی در هیئت‌رئیس کمیسیون امنیت ملی مطرح شد

«کاظم جلالی» نماینده شاهرود و منیر کمیسیون امنیت ملی مجلس، با اشاره به پی‌گیری مسئله ۴ دیپلمات ایرانی، گفت: «در جلسه هفته‌گذشته هیئت‌رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس، تصمیم گرفته شد که نسبت به مسئله ۴ دیپلمات ایرانی بررسی گسترده و دقیقی داشته باشیم، چراکه این مسئله برای مجموعه مسئولان ما بسیار مهم است. در این جلسه مقرر شد که به زودی جلسه‌ای در کمیسیون امنیت ملی تشکیل شود و از مراجع مسئول خواسته شود که از آخرین اطلاعات و اخباری که در مورد این مسئله وجود دارد، گزارشی ارائه کنند و از برخی از نزدیکان این عزیزان که خود راسا پی‌گیر پرونده عزیزان‌شان هستند، بخواهیم که در کمیسیون با آنان نیز جلسه داشته باشیم و امیدواریم نهایت جمع‌آوری اطلاعات، ما را به این مسئله برساند که برای پی‌گیری بیشتر این مسئله، چگونه باید مسیر را هموار کنیم. پرونده این ۴ دیپلمات برای مجموعه مسئولان ما بسیار مهم است و قطعاً برای مجلس شورای اسلامی، نمایندگان و کمیسیون امنیت ملی، دارای اهمیت بسزایی است. به دلیل تراکمی که در کار کمیسیون امنیت ملی وجود داشت، این جلسات در دستور کار این هفته قرار نگرفت، اما امیدواریم که بتوانیم در هفته‌های آینده این کار را در جلسه کمیسیون انجام دهیم.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۰/۷ = ۲۸ دسامبر ۲۰۰۴

سرنوشت چهار دیپلمات باید از طریق مجامع قضائی بین‌المللی پی‌گیری شود

«مرادعلی منصوری‌رضی» نماینده رامیان و آزادشهر در مجلس شورای اسلامی، ضمن بااهمیت خواندن پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی، گفت: «مجلس هفتم به دنبال این است که تمام دستگاه‌هایی که می‌توانند در این جریان تاثیرگذار باشند، به صورت متمرکز، پی‌گیر جدی این جریان شوند و بالاخص دستگاه قضائی باید جدیت بیشتری در این امر مهم داشته باشد و از طریق مجامع قضائی بین‌المللی این موضوع مطرح و پی‌گیری شود. از آنجایی که قرار است دو هفته دیگر مبادله اسرا میان حزب‌الله و رژیم صهیونیستی انجام شود، باید از سوی دولت لبنان نیز پی‌گیری‌های جدی‌تری در این جهت صورت گیرد و همچنین گروه دوستی پارلمانی ایران و لبنان نیز نباید از پی‌گیری این جریان غافل شود.»

خبرگزاری مهر

۲۴۲ □ کمین جولای ۸۲

۱۳۸۳/۱۰/۸ = ۲۹ دسامبر ۲۰۰۴

برای پی گیری سرنوشت چهار دیپلمات دربند به دادگاه بین المللی لاهه شکایت می کنیم
«عزت الله یوسفیان ملا» نایب رئیس کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس، گفت: «باید پی گیری مسئولان برای روشن شدن سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده ایرانی تسریع یابد و از طریق کمیسیون قضائی مجلس شورای اسلامی، به دادگاه بین المللی لاهه شکایت می کنیم. انتظار ما این بود که از همان ابتدا جمعی مرکب از وزارت امور خارجه، دفتر حقوق بشر و کمیسیون های امنیت ملی و قضائی مجلس، این مسئله را در دستور کار دائمی تا رسیدن به نتیجه نهایی قرار دهند و برای رهایی این ۴ دیپلمات، تلاش دائمی و همیشگی داشته باشند، نه این که این فرزندان ایران به فراموشی سپرده شوند تا سالگرد آن فرابرسد. باید مسئولان به اقدامات خود تسریع بخشیده و مطبوعات نیز با تمام توان خود اخبار مربوط به این ۴ تبعه ایرانی را پوشش مناسب دهند و کمیسیون های مجلس که مرتبط با این موضوع هستند نیز باید پی گیری سرنوشت آنان را در دستور کار جدی و عملی خود قرار دهند. ما نیز در کمیسیون قضائی، این مسئله را پی گیری خواهیم کرد و قطعاً به مجامع بین المللی دادخواست هایی برای پی گیری این مسئله خواهیم داد، و همچنین ما باید تاکنون به دادگاه بین المللی لاهه شکایت می کردیم که اگر تاکنون این کار انجام نشده باشد، در اسرع وقت این کار را انجام خواهیم داد.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۰/۹ = ۳۰ دسامبر ۲۰۰۴

دلیلی مبنی بر شهادت ۴ دیپلمات ایرانی وجود ندارد

«محمدعلی ابطحی» مشاور رئیس جمهوری، با تاکید بر این که هیچ دلیلی مبنی بر شهادت ۴ دیپلمات ربوده شده وجود ندارد، گفت: «متأسفانه رژیم صهیونیستی خود را به هیچ یک از قوانین بین المللی متعهد نمی داند، اما همه دستگاه های مسئول باید برای آزادی چهار دیپلمات، تمام تلاش خود را به کار گیرند. داشتن حساسیت نسبت به شهروندان ایرانی، یکی از ضرورت های کل نظام و دولت است که باید به سرنوشت شهروندان ایرانی در همه جا حساس باشد، به خصوص این که سید محسن موسوی، کاظم اخوان، احمد متوسلیان و تقی رستگار مقدم در یک ماموریت رسمی و دیپلماتیک به سر می بردند که ربوده شدند و خانواده های آنان کم تر می توانند فعالیت خاصی انجام دهند و بیشتر از کانال های رسمی می توانند پی گیر ماجرا باشند. متأسفانه ۲۲ سال از ربوده شدن این دیپلمات ها می گذرد و خبرهای متفاوتی از آنان شنیده می شود، اما هیچ کدام از آنها موثق نیست و به صورت اولیه هم از نظر حقوقی، دلیلی مبنی بر شهادت آنان ارائه نشده، واز آنجا که آنان زنده ربوده شده اند، قطعاً زنده اند و ما دلیلی مبنی بر شهادت آنان نداریم ولذا تلاشی وسیع برای مشخص شدن سرنوشت ۴ دیپلمات دربند رژیم صهیونیستی، وظیفه رسمی نظام جمهوری اسلامی است. رژیم صهیونیستی در هیچ وضعیتی تا به حال به توافقات، قوانین و قواعد بین المللی تن نداده و متأسفانه حمایت های جهانی از

این رژیم، باعث شده که عمل به قوانین جهانی و مورد قبول دنیا، در رژیم صهیونیستی از بین برود و در این ماجرا نیز به دلیل حمایت‌های بین‌المللی از رژیم صهیونیستی و تکروری این رژیم در مقابله با قوانین بین‌المللی، کار پی‌گیری و تعیین سرنوشت و دیپلمات را با مشکل مواجه ساخته است. باید تمام دستگاه‌های مسئول در این زمینه، تمام تلاش خود را به کار گیرند تا وضعیت این تبعه ایرانی هرچه زودتر مشخص شود.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۰/۱۱ = ۱ ژانویه ۲۰۰۵

دستگاه دیپلماسی کشورمان باید ماهانه در مورد پی‌گیری پرونده و دیپلمات ایرانی به افکار عمومی گزارش دهد

«جواد جهانگیرزاده» عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، گفت: «تلاش دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان در رابطه با سرنوشت و دیپلمات ایران، خروجی و محصول مشخصی نداشته و هر زمانی که مورد بحث قرار گرفته، مقامات وزارت امور خارجه از اسارت آنها اعلام نگرانی کردند و ابراز امیدواری کردند که با پی‌گیری‌های آنها به جایی برسد، اما در انتها هیچ نتیجه‌ای عاید نشده است. البته مسئولان وزارت امور خارجه، مانند همه ایرانیان می‌خواهند این نفر را در میهن اسلامی مان ببینند، ولی بعضی از موضوعات متأسفانه مشمول گذشت زمان می‌شود و جدیت و اهتمامی که برای پی‌گیری این مسئله باید وجود داشته باشد، به مرور از دست می‌رود. اولین ضرورت این است که دستگاه دیپلماسی و وزارت خارجه کشورمان باید ماهانه گزارش عملکرد خود در مورد پی‌گیری سرنوشت و دیپلمات رپوده شده را به افکار عمومی دهند که کار تاچه مرحله‌ای پیش‌رفته است و به این وسیله از مشمول زمان شدن این موضوع جلوگیری کنند. دومین موضوع این‌که، ما باید از همه ابزارهای سیاسی و ارتباطات خارجی خود در این زمینه استفاده کنیم و آنها باید بدانند که این نفر برای ما بسیار مهم هستند و ما همچنان پی‌گیر سرنوشت آنها هستیم و این جزئی از حیثیت یک ملت محسوب می‌شود و برای ما خیلی مهم است که این موضوع به نتیجه کامل برسد. موضوع و دیپلمات در بند رژیم صهیونیستی، در کمیسیون امنیت ملی مطرح شده است و قرار است کسانی که در این زمینه مطلع هستند، مورد پرسش قرار گیرند و در کمیسیون در این مورد صحبت کنند و کمیسیون امنیت ملی به صورت جدی به دنبال احیای این موضوع بسیار مهم است.»

خبرگزاری مهر

نامه کنگره شهدا و اسرای دانشگاه‌های جهان اسلام به رئیس سازمان صلیب سرخ جهانی

دانشجویان کنگره شهدا، اسراء و مفقودین دانشگاه‌های جهان اسلام، در نامه‌ای به «جاکوب کلن برگر»، رئیس سازمان صلیب سرخ جهانی، از وی خواستند که تمام توان سازمان صلیب سرخ را برای پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده‌شده ایرانی و آزادی آنان به کار گیرد.

خبرگزاری مهر

نوار بازجویی چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی در اختیار فردی در فرانسه است

معاون سابق ایلی حبیقه فرمانده نیروهای فالانژیست لبنان، نواری از بازجویی‌های چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی در عصر روز ربوده‌شدن آنان، در اختیار دارد که حاضر است آن را در اختیار ایران قرار دهد.

یک منبع آگاه در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر، ضمن بیان این مطلب، گفت: «روبیر [روبرت] حاتم - ملقب به کبرا - معاون ایلی حبیقه رئیس نیروهای فالانژیست بوده و بعدها به فرانسه متواری شده است و در آنجا کتابی از خاطرات خود منتشر کرده و تمام جنایات و اقدامات ایلی حبیقه را در آن شرح داده است.»

وی افزود: «کبرا می‌گوید نواری در اختیار دارد که در آن صدای ۴ دیپلمات ایرانی ربوده‌شده در لبنان، در عصر روز ربوده‌شدن در هنگام بازجویی، ضبط شده است و حاضر است این نوار را در قبال مبلغی، در اختیار ایران قرار دهد، اما مسئولین کشورمان ادعاهای روبیر حاتم را، خیال‌پردازی دانسته و هنوز به دنبال این نوار نرفته‌اند.»

این منبع آگاه خاطر نشان کرد: «این نوار می‌تواند مطالب مهم و موثری را برای ادامه روند پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی در اختیار ایران قرار دهد.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۰/۱۲ = ۲ ژانویه ۲۰۰۵

از عملکرد دولت لبنان در پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی راضی نیستیم

«حمیدرضا حاجی‌بابایی» عضو هیئت رئیسه مجلس و کمیسیون امنیت ملی، گفت: «باتوجه به روند مبادله اسرا میان حزب الله لبنان و رژیم صهیونیستی، باید جایگاه ویژه‌ای برای ۴ دیپلمات ایرانی در این رابطه در نظر گرفته شود و این مقوله یکی از محورهای بسیار اساسی بحث در مذاکرات با رژیم صهیونیستی از سوی حزب الله لبنان باشد. از طریق مجامع بین‌المللی نیز باید این مسئله را به صورت جدی دنبال کنیم، یعنی دستگاه دیپلماسی کشورمان باید در یک فاز جدید و با قدرت دیپلماسی، بیشتر در این جریان ورود پیدا کند و قضایا را پی‌گیری کند.»

وی با تاکید بر پی‌گیری جدی پرونده ۴ دیپلمات در کمیسیون امنیت ملی، افزود: «قطعا تمامی موارد موجود در این پرونده را در کمیسیون امنیت ملی مجلس پی‌گیری خواهیم کرد و دولت و وزارت امور خارجه را موظف می‌کنیم که فشارها را برای پی‌گیری این موضوع بیشتر کنند، چرا که دولت لبنان

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۴۵

در این زمینه کارموثری انجام نداده و قطعاً به‌غیر از فعالیت‌هایی که حزب‌الله‌لبنان در پی‌گیری این مسئله انجام می‌دهد، دولت‌لبنان نیز باید سرنوشت دیپلمات‌هایی را که در تحت‌پوشش‌امنیتی او بودند و درس‌زمین او مشغول فعالیت‌دیپلماتیک بودند، پی‌گیری کند.»

خبرگزاری مهر

اقدامات دستگاه‌دیپلماسی درمورد ۴ دیپلمات ربوده‌شده موثر و کافی نبوده‌است

«سلمان خدادادی» عضو کمیسیون‌امنیت‌ملی مجلس گفت: «پی‌گیری پرونده ۴ دیپلمات، در دستور کار کمیسیون قرار گرفته و کمیسیون مصمم است که مسئولین مربوطه خصوصاً وزارت‌امورخارجیه را احضار و روند پی‌گیری پرونده را جویا شده و تا حصول نتیجه‌نهایی این مسئله را پی‌گیری کند. نه تنها مجلس، بلکه دستگاه‌دیپلماسی کشورمان باید خیلی فعال‌تر از اینها عمل کند، اما متأسفانه هر سال می‌بینیم که درسالگرد ربوده‌شدن این ۴ دیپلمات، تحرکاتی از سوی مسئولان انجام می‌شود و از طرف خانواده‌ها نیز ملاقات‌هایی به‌عمل می‌آید و پس از سالگرد، این مسئله دیگر فراموش می‌شود تا سالگرد بعدی که روزنامه‌ای مقاله‌ای دروصف این چهاردیپلمات فراموش شده منتشر می‌کند، و بازهم طبق همان روال، فراموشی این مسئله ادامه می‌یابد، به‌طوری که عدم پی‌گیری جدی این مسئله، همواره موجب نارضایتی خانواده‌های این ۴ دیپلمات نیز بوده‌است.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۰/۱۳ = ۳ ژانویه ۲۰۰۵

روبیر حاتم هیچ‌نواری از بازجویی دیپلمات‌های ایرانی درلبنان ندارد

روبیر حاتم محافظ‌سابق ایلی حبیقه فرمانده‌سابق نیروهای‌فالانترلبنان، موضوع داشتن نواریبازجویی دیپلمات‌های ایرانی و این‌که وی فروش آن را به ایران پیشنهاد کرده باشد، تکذیب کرد. روبیر حاتم در گفت‌وگوی تلفنی با شماره امروز روزنامه فرامنطقه‌ای الشرق‌الاوسط تاکید کرد: «این‌خبر کاملاً بی‌اساس است و من چنین نواری دراختیار ندارم تا آن را به ایران بفروشم.»

وی درادامه خاطر نشان کرد: «من سال‌ها است که کارسیاسی را کنار گذاشته‌ام.»

یک خبرگزاری ایران [خبرگزاری مهر] روز گذشته به‌نقل از منابعی رسمی که نام آن را ذکر نکرده بود، نوشت: «حاتم که اخیراً به‌دلیل چاپ کتابی تحت‌عنوان «از اسرائیل به دمشق» معروف شده است، نواریبازجویی از دیپلمات‌های ایرانی ربوده‌شده درلبنان را که در همان روز بودن آنان تهیه شده، در اختیار دارد و حاضر است آن را به ایران بفروشد.»

خبرگزاری فارس

۱۳۸۳/۱۰/۱۵ = ۵ ژانویه ۲۰۰۵

روزنامه‌ها آرتص به پی‌گیری مجدانه منابع ایرانی از سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی واکنش نشان داد

«یوسی ملمان» خبرنگار روزنامه صهیونیستی هآرتص، مدتی قبل اعلام داشت که منابع سابق فالانژ می‌گویند نواری از بازجویی دیپلمات‌های ایرانی در دست دارند. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از روزنامه هآرتص، این روزنامه چندی پیش در واکنش به پی‌گیری مصرانه منابع مختلف ایرانی در خصوص چهار اسیر ایرانی در بند رژیم صهیونیستی، در مطلبی ادعا کرد: «یک منبع که نخواست نامش فاش شود، به یک خبرگزاری ایرانی که وابسته به عناصر محافظه‌کار کشور است، گفت روبیر حاتم معاون سابق تشکیلات اطلاعاتی فالانژ در لبنان، ادعا کرد که بخشی از نوار ویدئویی بازجویی چهار دیپلمات ایرانی که در طول جنگ لبنان در سال ۱۹۸۲ ربوده و کشته شدند، را در دست دارد.»

هآرتص در ادامه نوشت: «سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی یکی از نکات اصلی جر و بحث در گفت‌وگوهای میان حزب‌الله و اسرائیل درباره ران آراد بوده است که تاکنون خبر موثقی درباره او منتشر نشده است.»

این روزنامه صهیونیستی ادعا کرد: «ایران در چارچوب گفت‌وگوها از طریق حزب‌الله نماینده خود در لبنان، خواستار اطلاعاتی درباره سرنوشت دیپلمات‌ها به عنوان پیش شرط برای هرگونه پیشرفت در گفت‌وگوها شده است.»

طبق گزارشی که روزشنبه منتشر شد، حاتم اظهار داشته که نوار ویدئویی گزارش مستندی از بازجویی چهار دیپلمات است و اطلاعات مهمی درباره سرنوشت آنها به دست می‌دهد. با این همه، گزارش شده است که ایران از خرید نوار به دلیل جعلی بودن خودداری کرده است.»

هآرتص می‌افزاید: «ایرانی‌ها استدلال می‌کنند که چهار دیپلمات دریکی از مراکز ایست‌های بازرسی نیروهای دفاعی اسرائیل دستگیر شدند و بعداً به یک زندان اسرائیلی منتقل شدند.»

اسرائیل در توجیه اقدامات تروریستی خود، می‌گوید که چهار دیپلمات توسط فالانژیست‌های مسیحی که اخیراً توسط ایلی حبیقه رهبری می‌شد و قتل عام در اردوگاه پناهندگان صبرا و شتیلا را انجام داد، دستگیر شدند، ولی از اعلام سرنوشت‌شان که بنا به برخی خبرها به زندان‌های این رژیم منتقل شده‌اند، سرباز می‌زند.

خبرگزاری مهر

چه کسانی از آب گل آلود ماهی می‌گیرند؟

شاید مفقود شدن چهار عزیز ایرانی ۲۲ سال پیش در لبنان، برای خانواده‌هایشان سختی و مرارت بسیاری به همراه داشت، ولی متأسفانه این مسئله مهم، برای بعضی‌ها نان بسیاری داشته است! شاید امروز تعجب کنید و بگویید که «چه وقت این حرف‌هاست؟» ولی کمی تأمل کنید و منصفانه‌تر بنگرید، تا به حقیقت آنچه می‌گویم پی‌برید. از یک طرف دعا می‌کنم که ان‌شاءالله این چهار عزیز زنده باشند و به سلامت به آغوش خانواده‌های محترم و معززشان برگردند، از طرف دیگر بیشتر دعا می‌کنم که اگر

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۴۷

قراراست در این ۲۲ سال دوری و فراق، این عزیزان زیر شکنجه‌های وحشیانه صهیونیست‌ها قرار داشته‌باشند، خدا کند که همان اول به شهادت رسیده‌باشند.

در طی این ۲۲ سال، شاهد ماجراهای بسیاری بوده‌ایم. یکی از مهم‌ترین آنها، این است که بعضی ... - نمی‌دانم چه خطابشان کنم - با انتشار اخبار غیرموتق و ساختگی، که شاید در ظاهر برای شان سودی هم نداشته‌باشد، به خیال خودشان تلاش می‌کنند تا مثلا مسئله چهارگروگان ایرانی به فراموشی سپرده‌نشود! این که مسئله به فراموشی سپرده‌نشود، حرف درستی است، ولی این که به چه قیمت این کار صورت‌گیرد، مهم است. متأسفانه خانواده این چهارعزیز، درست مثل من و شما، اخبار و اطلاعاتی را دارند که در مطبوعات می‌خوانیم. یعنی این‌گونه نیست که خانواده‌ها از مسئله مطمئن‌باشند و اصلا توجهی به آنچه رسانه‌های خبری منتشر می‌کنند نداشته‌باشند. این اخبار، خیلی بیشتر و پیش‌تر از این که روی من و شما تاثیر بگذارد، بر روحیه و چشم‌انتظاری آنان اثر مثبت یا منفی خود را می‌گذارد.

القصة، روز ۱۳۸۳/۱۰/۱۲ خبرگزاری مهر، خبری منتشر کرد که بسیار جای تامل و توجه داشت. متن خبر این بود:

«نوار بازجویی چهاردیپلمات ربوده‌شده ایرانی در اختیار فردی در فرانسه است
معاون سابق ایلی حبیقه فرمانده نیروهای فالانژیست لبنان، نواری از بازجویی‌های چهاردیپلمات ربوده‌شده ایرانی در عصر روز ربوده‌شدن آنان، در اختیار دارد که حاضر است آن را در اختیار ایران قرار دهد.»

یک منبع آگاه در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر، ضمن بیان این مطلب، گفت: «روبیر [روبرت] حاتم - ملقب به کبرا - معاون ایلی حبیقه رئیس نیروهای فالانژیست بوده و بعدها به فرانسه متواری شده است و در آنجا کتابی از خاطرات خود منتشر کرده و تمام جنایات و اقدامات ایلی حبیقه را در آن شرح داده است.»

وی افزود: «کبرا می‌گوید نواری در اختیار دارد که در آن صدای ۴ دیپلمات ایرانی ربوده‌شده در لبنان، در عصر روز ربوده‌شدن در هنگام بازجویی، ضبط شده است و حاضر است این نوار را در قبال مبلغی، در اختیار ایران قرار دهد، اما مسئولین کشورمان ادعاهای روبیر حاتم را، خیال‌پردازی دانسته و هنوز به دنبال این نوار نرفته‌اند.»

این منبع آگاه خاطر نشان کرد: «این نوار می‌تواند مطالب مهم و موثری را برای ادامه‌روند پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی در اختیار ایران قرار دهد.»

حالا چرا این خبر، تعجب مرا برانگیخت:

اول: منبع خبر اصلا مشخص نیست و درست مثل شایعه‌سازی‌های سیاسی، به ذکر «یک منبع آگاه» بسنده شده است که این روش دیگر در ایران کهنه و نخ‌نما شده است.

دوم: روبیر حاتم فقط «محافظ» ایلی حبیقه بوده است، نه آن‌گونه که در متن خبر آمده «معاون» او.

سوم: منبع آگاه نگفته است که رویبر حاتم در تماس تلفنی خصوصی با ایشان و یا درگفت‌وگو با خبرگزاری‌ها اعلام کرده است که «حاضر است این‌نوار را درقبال مبلغی دراختیار ایران قرار دهد»؟ چهارم: این منبع آگاه که حتی خانواده‌های چهارگروگان ایرانی حق شناختن آن را ندارند، از کجا می‌داند که محتوای نوار ادعایی چیست که قاطعانه می‌گوید «این‌نوار می‌تواند مطالب مهم و موثری را برای ادامه روند پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی دراختیار ایران قرار دهد»؟ پنجم: این منبع آگاه، پیش ازانتشار خبر وجود این‌نوار، با کدامیک از مقامات نظام و مسئولینی که مسئله گروگان‌ها به آنان مربوط می‌شود، مذاکره کرده که این‌گونه نظام را محکوم کرده و مدعی می‌شود: «مسئولین کشورمان ادعاهای رویبر حاتم را خیال‌پردازی دانسته و هنوز به دنبال این‌نوار نرفته‌اند.» چون بعد ازانتشار این‌خبر ازسوی خبرگزاری‌های مهر بود که وزارت‌امور خارجه عکس‌العمل نشان داد، نه قبل از آن.

باتوجه به نکاتی که ذکر شد، کافی است تا نگاهی به خبری که روز بعد یعنی ۱۳/۱۰/۱۳ «خبرگزاری فارس» منتشر کرد، بیندازید:

«رویبر حاتم هیچ‌نواری از بازجویی دیپلمات‌های ایرانی درلبنان ندارد

رویبر حاتم محافظ سابق ایلی حبیقه فرمانده سابق نیروهای فالانژ لبنان، موضوع داشتن نوار بازجویی دیپلمات‌های ایرانی و این‌که وی فروش آن را به ایران پیشنهاد کرده باشد، تکذیب کرد. رویبر حاتم در گفت‌وگوی تلفنی با شماره امروز روزنامه فرامنطقه‌ای الشرق الاوسط تاکید کرد: «این‌خبر کاملاً بی‌اساس است و من چنین نواری دراختیار ندارم تا آن را به ایران بفروشم.»

وی در ادامه خاطر نشان کرد: «من سال‌ها است که کار سیاسی را کنار گذاشته‌ام.»

یک خبرگزاری ایران [خبرگزاری مهر] روز گذشته به نقل از منابعی رسمی که نام آن را ذکر نکرده بود، نوشت: «حاتم که اخیراً به دلیل چاپ کتابی تحت عنوان «از اسرائیل به دمشق» معروف شده است، نوار بازجویی از دیپلمات‌های ایرانی ربوده شده در لبنان را که در همان روز ربودن آنان تهیه شده، در اختیار دارد و حاضر است آن را به ایران بفروشد.»

حالا شما قضاوت کنید که این اخبار نسنجیده، چه می‌کند با دل‌پدران و مادران چشم‌انتظار این چهار عزیز، و فرزند دل‌سوخته و همسر منتظر سید محسن موسوی!

حمید داودآبادی

وبلاگ کاظم اخوان

۱۳۸۳/۱۰/۱۶ = ۶ ژانویه ۲۰۰۵

برای روشن شدن سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی، باید حرکت دیپلماتیک جدیدی آغاز شود

«منوچهر متکی» عضو کمیسیون امنیت ملی و رئیس کمیته سیاست خارجی این کمیسیون، گفت: «مکانیزم کار کمیسیون امنیت ملی برای پی‌گیری پرونده ۴ دیپلمات ایرانی، به روز شدن اطلاعات در تماس و ارتباط مستمر با مسئولان وزارت امور خارجه، برگزاری جلسات مشترک و بررسی

راه‌کارهایی برای سلسله اقداماتی جدید در رابطه با دولت‌ها، کشورها و سازمان‌های بین‌المللی است تا در یک حرکت دیپلماتیک جدید، بتوانیم در گام‌اول نسبت به‌آخرین وضعیت این دیپلمات‌ها اطلاعات‌مان را جمع‌آوری کنیم و با بهره‌گیری از اهرم‌های مختلف سیاسی، بتوانیم گامی عملی برای آزادی آنان برداریم. کمیسیون امنیت ملی در راستای وظایف خود در ارتباط با روابط خارجی، این مسئله را در دستورکار خود دارد و در تماس نزدیک با مسئولان دیپلماسی کشور و وزارت امور خارجه، پی‌گیر است که بتواند از آخرین وضعیت دیپلمات‌های ایرانی اطلاعی را به‌دست بیاورد و در جهت روشن‌شدن هرچه سریع‌تر سرنوشت آنان، اقدام جدی به‌عمل آورد.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۰/۱۸ = ۸ ژانویه ۲۰۰۵

تشکیل مثلث خانواده دیپلمات‌های ربوده‌شده، دانشجویان و رسانه‌ها

«محمد آقارضا» دبیر ستاد مرکزی کنگره شهدا و اسرای دانشگاه‌های جهان اسلام، با اشاره به کم‌کاری وزارت امور خارجه در پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده‌شده ایرانی، گفت: «باتشکیل مثلث خانواده‌های ۴ دیپلمات، دانشجویان و رسانه‌ها، به‌طولانی‌ترین اسارت دانشجویی پایان می‌دهیم. حرکت اولیه تشکیل این کنگره از دانشگاه علم و صنعت تهران آغاز شد که کارهایی فرهنگی با محوریت موضوع شهدای دانشجو در این دانشگاه انجام شود که متوجه شدیم احمد متوسلیان یکی از ۴ دیپلمات ربوده‌شده ایرانی، دانشجوی دانشگاه علم و صنعت بوده است و تا آن زمان این موضوع مورد غفلت قرار گرفته بود. در پی‌گیری‌هایی که انجام دادیم، به‌این نتیجه رسیدیم که با توجه به کم‌کاری‌های وزارت امور خارجه در پی‌گیری وضعیت ۴ دیپلمات ایرانی که ۲ نفر از آنها دانشجوی هستند، حرکتی دانشجویی با ابعاد گسترده داخلی خارجی می‌تواند بسیار تاثیرگذار باشد و به‌وسیله این کنگره پلی میان دانشگاه‌های جهان اسلام برای پی‌گیری این‌گونه مسائل و همچنین زنده نگاه‌داشتن یاد شهدای دانشجو، ایجاد کنیم. اقدامات قاطع، منسجم و پی‌گیر در سطح داخلی و بین‌المللی در خصوص آزادسازی و روشن‌شدن وضعیت دوتن از دانشجویان کشورمان یعنی احمد متوسلیان و سید محسن موسوی و همراهان‌شان که در اسارت رژیم صهیونیستی به‌سر می‌برند و طولانی‌ترین اسارت دانشجویی تاریخ محسوب می‌شود، از جمله مهم‌ترین اهداف این ستاد است. به‌علت نداشتن پشتوانه مالی و امکانات در این راهی که در پیش گرفته‌ایم، تاکنون مشکلاتی نیز داشته‌ایم، اما با همین وضعیت تاکنون یادواره‌ها، اردوهای دانشجویی و چاپ نشریاتی را در سطح تهران و شهرستان‌ها داشته‌ایم که برنامه‌ریزی برای برگزاری یادواره‌ها و برنامه‌های منسجم دیگر در شهرهای مختلف کشور از جمله برنامه‌های آینده ما خواهد بود.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۰/۱۹ = ۹ ژانویه ۲۰۰۵

اگر وزارت امور خارجه پی‌گیری نکند خودمان اقدام می‌کنیم

موسسه فرهنگی عاشورا با اشاره به عدم پی‌گیری وزارت امور خارجه برای به‌دست آوردن نوار بازجویی ۴ دیپلمات ربوده‌شده ایرانی، در بیانیه‌ای اعلام کرد، برای به‌دست آوردن این نوار که سندی مهم برای پی‌گیری پرونده دیپلمات‌های دربند رژیم صهیونیستی است، در صورتی که وزارت امور خارجه اقدام مقتضی را به‌عمل نیاورد، خودمان اقدام خواهیم کرد. در این بیانیه با اشاره به خبر منتشرشده در جراید مبنی بر وجود نوار بازجویی ۴ دیپلمات ایرانی در عصر روز ربوده‌شدن در دست یکی از مسئولان سابق نیروهای فالانژیست که در فرانسه به سر می‌برد و آمادگی وی برای ارائه این نوار به ایران، آمده است: «پس از انتشار این خبر، آقای آصفی اعلام کرد که وزارت امور خارجه این مسئله را پی‌گیری خواهد کرد، اما متأسفانه گویا پی‌گیری برای به‌دست آوردن این نوار همانند پی‌گیری وزارت خارجه برای روشن‌شدن سرنوشت این ۴ دیپلمات به‌دست فراموشی سپرده‌شده است. شاید دستگاه دیپلماسی کشورمان چندان اهمیتی برای این موضوع قائل نیست و شاید آقایان هنوز احساس نکرده‌اند که این اسارت به درازا کشیده است و اگر ۲۲ سال دیگر نیز بگذرد، همچنان مسئولان عزیزمان به دادن وعده‌های نادرست و ابراز تأسف بسنده خواهند کرد!»

موسسه فرهنگی عاشورا در بیانیه خود تأکید کرده است: «ما فرزندان خمینی کبیر، به‌صراحت اعلام می‌کنیم که اگر وزارت امور خارجه همچنان به سهل‌انگاری خود ادامه داده و بخواهد بیش از این مسئله پی‌گیری سرنوشت این ۴ تبعه کشورمان و رایزنی برای به‌دست آوردن نوار مذکور را مورد غفلت قرار دهد، فرزندان انقلابی این مرزو بوم و پرورش‌یافتگان مکتب حضرت روح‌الله، خود راساً وارد عمل شده و برای روش‌شدن سرنوشت و ان‌شاءالله آزادی آنان، هر اقدامی که در داخل و خارج از کشور نیاز باشد، به‌عمل خواهیم آورد.»

خبرگزاری مهر

۱۱ ژانویه ۲۰۰۵ = ۱۳۸۳/۱۰/۲۱

پرونده چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی هرگز در لبنان مختومه نخواهد شد

«عدنان منصور» سفیر لبنان در تهران، در دیدار با دانشجویان عضو کنگره شهدا و اسرای دانشگاه‌های جهان اسلام، درباره پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده‌شده ایرانی، گفت: «روشن‌شدن سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی، دغدغه اصلی دولت و ملت لبنان است. هرگز این پرونده از نظر دولت و ملت لبنان تا تعیین سرنوشت برادران دیپلمات ما، مختومه نخواهد شد و امید زیادی داریم که این مسئله در آینده‌ای نزدیک به سرانجام برسد. اهتمام و کوشش دولت و ملت لبنان و وسائل ارتباط جمعی و مطبوعات لبنان نسبت به تعیین سرنوشت برادران ایرانی، هیچ‌وقت کم‌تر از اهتمام و کوشش شما نسبت به قضیه نبوده است. لبنان شاهد یک دوره دشوار جنگ داخلی گسترده برای چندین سال بوده است و برادران دیپلمات ما، در چنین شرایطی ربوده شدند، و در حقیقت بودن این ۴ دیپلمات، نه تنها فاجعه‌ای برای جمهوری اسلامی و ملت عزیز ایران، بلکه در درجه اول فاجعه‌ای برای دولت و ملت لبنان بوده است، بخصوص این‌که این برادران جایگاه بسیار ویژه‌ای در قلب

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۵۱

تمام‌لبنانی‌ها داشتند و درحقیقت این اقدام ضربه بسیار سنگینی به هر دو کشور بوده‌است. موضوع ربوده‌شدن برادران ایرانی ما در لبنان، مورداهتمام بسیار گسترده و ویژه دولت و ملت لبنان قرار دارد و در تمام دیدارهای رسمی که میان مسئولان بلندپایه دو دولت صورت گرفته، این موضوع همواره در صدر گفت‌وگوها قرار داشته و ما این موضوع را موضوع اساسی در روابط دو کشور قلمداد می‌کنیم و دولت لبنان از هیچ کوششی جهت تعیین سرنوشت این ۴ دیپلمات ویا دست‌یافتن به اطلاعاتی که موجب تعیین سرنوشت آنان شود، دریغ نکرده و در تمام مناسبت‌ها با استفاده از تمام راه‌کارهای موجود، در این زمینه اقدام نموده و می‌نماید.»

سفیر لبنان در مقابل خواسته دانشجویان مبنی بر بازجویی دقیق از سمیر جمع‌گفت: «دیدگاه شما در مورد این مسئله بسیار قابل توجه است و ما این دیدگاه را حتماً به مسئولان ذیربط در دولت لبنان منتقل و خواسته‌های شما را مطرح خواهیم کرد. لبنان اطلاعات بسیار اندکی پیرامون این موضوع دارد که دستگاه‌های ذیربط و مسئولین این مسئله در لبنان و ایران، در واقع دیدارهای بسیار مستمر و نزدیکی جهت به دست آوردن اطلاعات بیشتری پیرامون این قضیه داشته‌اند و ما درحقیقت بیشتر از شما دردمند هستیم، بخصوص این‌که شرایط ما بسیار دشوارتر است، زیرا این برادران مهمان ما بودند و ما حقایق و ابعاد ربوده‌شدن یک‌انسان را کاملاً درک می‌کنیم زیرا ما صدها فرد ربوده‌شده داشته‌ایم.»

سفیر لبنان در پاسخ به سوالی که چرا دولت لبنان پس از پایان جنگ داخلی در این کشور اقدامات قاطعی را برای روشن شدن سریع سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده‌شده ایرانی انجام نداده‌است، گفت: «این موضوع بلافاصله پس از تشکیل دولت لبنان در صدر اهتمام دستگاه قضائی لبنان قرار گرفت و کارآگاهان و قضات خبره‌ای در این زمینه گزینش شدند و دستگاه قضائی نیازمند دریافت اطلاعات کافی درباره این موضوع است تا این‌که بتواند در این زمینه تحقیقات و بازرسی‌های کاملی را انجام بدهد.»

عدنان منصور بایان این نکته که موضوع روشن شدن سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده‌شده ایرانی برای ما بسیار حائز اهمیت است، افزود: «دولت لبنان از تمام راه‌کارها و ظرفیت‌های موجود جهت تعیین سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده‌شده ایرانی استفاده خواهد کرد و در این راه هرگز از پانواهدنشست تا این‌که سرنوشت این عزیزان که در کشور ما امانت بودند را روشن کند. برای روشن شدن سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی، مبادله اطلاعات و تماس میان سران دولت‌های دو کشور به‌طور مستمر و لحظه به لحظه ادامه دارد و به‌همان میزان که سرنوشت این ۴ دیپلمات در ایران بسیار حائز اهمیت است به‌همین میزان بلکه بیشتر، برای ما اهمیت دارد.»

خبرگزاری مهر

مطالبات دانشجویان ایرانی از سفیر لبنان برای پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی

جمعی از دانشجویان پی‌گیر سرنوشت دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی در لبنان، در دیدار با سفیر این کشور در تهران، مطالبات خود را در این زمینه مطرح کردند و خواستار انتقال این مطالبات به دولت لبنان شدند. محمد آقاراضی دبیر ستاد مرکزی کنگره شهدا و اسرای دانشگاه‌های جهان اسلام، گفت: «۲ نفر از ۴ دیپلمات ایرانی دانشجوی بودند و ما به‌عنوان دانشجویان ایرانی، پی‌گیری سرنوشت این دونفر و به‌طور کلی ۴ دیپلمات ربوده‌شده ایرانی را وظیفه‌شرعی، عقلی و انسانی خود می‌دانیم. از آنجایی که این ۴ دیپلمات در خاک لبنان ربوده‌شده‌اند و مسئولیت حقوقی حفاظت از جان آنان برعهده دولت لبنان بوده است، ما در دیدار با سفیر لبنان، مطالبات خود را به‌صورت شفاف مطرح کرده و از سفیر لبنان خواستیم مطالبات مان را به دولت لبنان انتقال دهد.»

وی مطالبات دانشجویان از دولت لبنان در پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده‌شده ایرانی در این کشور را این‌گونه بیان کرد:

۱ - ما می‌خواهیم بدانیم که دولت لبنان در پی‌گیری سرنوشت این دیپلمات‌ها، به‌صورت رسمی چه اقداماتی انجام داده و چه برنامه‌ای برای روشن شدن سرنوشت این ۴ نفر درآینده دارد.

۲ - دولت لبنان باید تحقیق و تفحص و جست‌وجوی جدی در خاک لبنان انجام دهد و نتایج جست‌وجوی خود را رسماً اعلام کند.

۳ - سمیر جعجع یکی از سرکردگان نیروهای فالانژیست که در سال ۶۱ نیروهایش اقدام به ربودن ۴ دیپلمات ایرانی کرده‌اند، اکنون در زندان لبنان اسیر است، اما در مورد چهار دیپلمات ایرانی از او بازجویی نشده است و ما خواستار آنیم که گروهی ایرانی با حضور در لبنان، از سمیر جعجع بازجویی حرفه‌ای کنند تا حقایق ماجرا توسط یکی از شاهدان عینی این آدم‌ربایی روشن شود.

۴ - دولت لبنان باید کمیته‌ای ویژه برای پی‌گیری این پرونده تشکیل دهد و نتایج پی‌گیری‌های این کمیته در مقاطع زمانی مشخص، به افکار عمومی و علی‌الخصوص دولت ایران و خانواده‌های این عزیزان گزارش شود.

۵ - همزمان با حضور فعال و تلاش بی‌وقفه حزب الله لبنان برای طرح مسئله ۴ دیپلمات ربوده‌شده ایرانی در مبادله اسرا میان حزب الله و رژیم صهیونیستی، دولت لبنان می‌تواند با پی‌گیری این مسئله از جانب دولت آلمان که واسطه این تبادل است، این مسئله را به‌صورت جدی مطرح کند.

خبرگزاری مهر

کمیسیون‌های مجلس موضوع چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی را پی‌گیری می‌کنند

«سیدعلی ریاض» نماینده تهران و عضو کمیسیون اصل‌نود، با تاکید بر تشکیل کمیته‌ای متشکل از نهادهای مسئول برای پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده‌شده، اعلام کرد کمیسیون‌های مرتبط با این موضوع در مجلس، این موضوع را در دستور کار جدی خود قرار می‌دهند. وی گفت: «بارها شاهد بودیم که برای پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی، کمیته‌هایی از سوی رئیس‌جمهوری یا سایر ارگان‌های ذیربط تشکیل می‌شود و گاه و بی‌گاه این خبر تلنگری می‌خورد، ولی متوقف

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۵۳

می‌شود و متأسفانه پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی، روندپویایی نداشته‌است. به نظر می‌رسد تشکیل کمیته‌ای مشترک و فعال مرکب از کمیسیون امنیت ملی مجلس، وزارت امور خارجه و شورای عالی امنیت ملی، می‌تواند این موضوع را به صورت جدی و مستمر مورد پی‌گیری قرار دهد و خانواده‌های این ۴ دیپلمات نیز باید از همه راه‌کارهای قانونی، شکایت خود از این آدم‌ربایی را به سازمان‌های حقوق بشر و مراجع ذیربط بین‌المللی ارجاع دهند.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۰/۲۲ = ۱۲ ژانویه ۲۰۰۵

کنگره شهدای عرصه‌خبر سرنوشت کاظم اخوان را پی‌گیری کند

فرهنگ‌سرای پایداری، با صدور بیانیه‌ای، ضمن مغتنم دانستن تشکیل «ستاد کنگره شهدای عرصه‌خبر»، از مسئولان این کنگره خواست که پی‌گیری وضعیت کاظم اخوان یکی از ۴ ایرانی دربند رژیم صهیونیستی، باشند. در بیانیه فرهنگ‌سرای پایداری، ضمن گرامی‌داشت یاد و خاطره شهدای عرصه‌خبر، آمده‌است: «سال‌های طولانی است که کاظم اخوان خبرنگار و عکاس خبرگزاری ایرنا، در اسارت رژیم ددمنش صهیونیستی است و برخلاف همه قوانین متعارف و اصول انسانی، خانواده و بازماندگان این عزیز که همراه با حاج‌احمد متوسلیان، سیدمحسن موسوی و تقی رستگارمقدم ۲۲ سال پیش، در لبنان به اسارت نیروهای فالانژیست درآمدند، از سرنوشت و وضعیت آنها بی‌خبر هستند. فرهنگ‌سرای پایداری، برگزاری کنگره شهدای عرصه‌خبر را فرصت مغتنمی می‌داند که این کنگره همان‌گونه که سال گذشته در اولین بیانیه خود بر پی‌گیری وضعیت کاظم اخوان تأکید کرده بود، امسال پی‌گیرتر از سال گذشته، از نهادهای مسئول بویژه وزارت خارجه جمهوری اسلامی، وضعیت این خبرنگار را پی‌گیری کند و شواهدی که این روزها نشان از زنده بودن آنهاست را پی‌گیری نماید و نتیجه را به ملت ایران بویژه خبرنگاران و روزنامه‌نگاران اعلام نماید.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۰/۲۵ = ۱۵ ژانویه ۲۰۰۵

منتظر ارائه گزارش‌ها به کمیسیون امنیت ملی هستیم تا مسئله ۴ دیپلمات را پی‌گیری کنیم

«علاءالدین بروجردی» رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، گفت: «کمیسیون منتظر است تا گزارشات و جمع‌بندی‌هایی که تاکنون در مورد پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات روده‌شده ایرانی انجام شده است، ارائه شود تا بر همان مبنا این مسئله را پی‌گیری کند. از افرادی که تحقیقات گسترده‌ای را پیرامون این موضوع انجام داده‌اند دعوت کرده‌ایم تا در کمیسیون حضور یابند و بلافاصله با اعلام آمادگی این افراد، ما این مسئله را در دستورکار هفتگی کمیسیون قرار خواهیم داد.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۰/۳۰ = ۲۰ ژانویه ۲۰۰۵

۲۵۴ □ کمین جولای ۸۲

گزارش‌های پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی به شورای عالی امنیت ملی می‌آید

«حسین موسویان» رئیس کمیته سیاست خارجی شورای عالی امنیت ملی، با اشاره به این مطلب که گزارش‌های پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده به شورای عالی امنیت ملی می‌آید، بر استمرار پی‌گیری‌ها تا روشن شدن سرنوشت این ۴ تبعه کشورمان، تاکید کرد. وی گفت: «وزارت امور خارجه در سال‌های گذشته و حتی امروز، به صورت فعال در حال پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده است و دستگاه‌هایی که به نحوی با مسائل لبنان مرتبط هستند نیز این جریان را پی‌گیری می‌کنند. این مسئله مربوط به مجموعه نظام است و به صورت اساسی و جدی دنبال می‌شود تا تکلیف نهایی آن روشن شود. گزارش‌های پی‌گیری سرنوشت دیپلمات‌ها، به این شورای می‌آید و از آنجا نیز توسط دستگاه‌های ذیربط پی‌گیری می‌شود و همه دستگاه‌های مرتبط، فعال هستند و این مسئله به صورت مستمر در دستور کار پی‌گیری است اما گاهی این پی‌گیری‌ها خبری می‌شود و گاهی خبری نمی‌شود.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۱/۲ = ۲۲ ژانویه ۲۰۰۵

پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ربوده شده از سوی مسئولان کشورمان مهجور مانده است

«سید مهدی موسوی» عضو شورای مرکزی کنگره شهدا و اسرای دانشگاه‌های جهان اسلام، با اشاره به کم‌کاری مسئولان کشورمان و نهادهای بین‌المللی، گفت: «پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات، از سوی مسئولان کشورمان مهجور مانده است. رژیم صهیونیستی برای خلبانش که یک جنایتکار و در حال بمباران لبنان بوده که مفقود شده است، اقدامات بسیاری انجام داده است. مثلاً در سالروز تولد ران آراد، به کودکانی که دنیا می‌آیند، هدیه ران آراد داده می‌شود. در سالگرد ازدواجش، به کسانی که ازدواج می‌کنند هدیه ران آراد داده می‌شود و در رژیم صهیونیستی که ۴ میلیون یهودی دارد، طوماری با یک میلیون امضا برای ران آراد جمع شد و وزارت خارجه این رژیم، از طریق سفرا و نمایندگان، و نیز رئیس این رژیم، از طریق لابی‌های صهیونیستی، زیر فشار قرار می‌گیرد که نتیجه پی‌گیری سرنوشت ران آراد به کجا رسیده است.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۱/۱۲ = ۱ فوریه ۲۰۰۵

با استفاده از رایزنی‌های بین‌المللی، پرونده ۴ دیپلمات ایرانی را پی‌گیری می‌کنم

«محسن رضایی» دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، بر استفاده از امکانات و ظرفیت‌های بین‌المللی بر پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده تاکید کرد. کاندیدای احتمالی ریاست جمهوری، گفت: «به‌طور جدی پرونده ۴ دیپلمات ربوده شده را پی‌گیری می‌کنم. ما امکانات بین‌المللی خیلی خوبی داریم که می‌توانیم با دست گذاشتن روی آن امکانات، طرف‌های روبه‌روی این پرونده، از

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۵۵

فالانزهای لبنان گرفته تا کشورهای دیگر، بخواهیم تا جواب‌های روشن و مشخصی را برای مردم و خانواده‌هایشان ارائه دهند.»

وی با تاکید بر برنامه‌ریزی منسجم برای پی‌گیری این پرونده، فرارکردن اسرائیلی‌ها از پاسخ دادن به این قضیه را، یکی از عوامل مهم مبهم ماندن این پرونده دانست.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۱/۱۴ = ۳ فوریه ۲۰۰۵

برای پی‌گیری وضعیت چهار دیپلمات ایرانی به لبنان می‌روم

وزیر امور خارجه که در «دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه»، به پرسش‌های خبرنگاران پاسخ می‌گفت، در مورد سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی اظهار داشت: «امیدواریم که در مرحله دوم که قرار است کمیته‌ای تشکیل شود، این موضوع بررسی شده و وضعیت این دیپلمات‌ها روشن شود. من برای پی‌گیری موقعیت چهار عزیزمان به زودی به لبنان سفر کرده و این مسئله را از نزدیک پی‌گیری می‌کنم.»

جمهوری اسلامی

۱۳۸۳/۱۱/۲۸ = ۱۷ فوریه ۲۰۰۵

کوتاهی در پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی؟

۲۲ سال از ربوده شدن ۴ دیپلمات ایرانی در لبنان به دست نیروهای فالانژ می‌گذرد و در این سال‌ها، نقل قول‌های فراوان و البته گاه متناقضی در مورد سرنوشت این چهارتن صورت گرفته است، اما در هر حال، شواهد موجود حکایت از انتقال این ۴ نفر به زندان‌های رژیم صهیونیستی دارد. در این میان، نگاهی به نتایج حاصله در مورد پی‌گیری سرنوشت این ۴ دیپلمات ربوده شده و نیز عملکرد دستگاه دیپلماسی و سایر نهادهای کشورمان برای روشن شدن سرنوشت آنان، نکاتی را به ذهن متبادر می‌سازد که البته در مورد دستگاه دیپلماسی کشورمان چندان هم دوزخ انتظار نیست:

۱- سید محمد خاتمی رئیس‌جمهوری، در اوایل آغاز به کار دولت خود، قول روشن شدن سرنوشت این ۴ نفر تا پایان دوره ریاست جمهوری خود را داده بود، که در این راستا گام‌هایی همچون تشکیل کمیته پی‌گیری از سوی دولت صورت گرفت، اما در هر حال جناب آقای خاتمی اکنون واپسین ماه‌های ریاست جمهوری خود را سپری می‌کند و نه تنها در این مدت پی‌گیری‌ها استمرار نیافته، بلکه هنوز هیچ‌کس خبر جدیدی از سرنوشت سید محسن موسوی، تقی رستگار مقدم، احمد متوسلیان و کاظم اخوان به دست نیامده است.

۲- با وجود آن‌که به نظر می‌رسد کمیته دولت برای پی‌گیری این مسئله، اقدامات چندان موثری انجام نداده است، اما این کمیته باید به افکار عمومی کشورمان و نیز خانواده‌های چشم‌انتظار این عزیزان گزارش دهد که دقیقاً در طول این سال‌ها، چه اقداماتی برای روشن شدن سرنوشت این ۴ دیپلمات ایرانی صورت گرفته و چه تمهیداتی برای ادامه پی‌گیری‌ها تا حصول نتیجه‌نهایی اندیشیده شده است.

۳- با توجه به اخبار منتشرشده در رسانه‌ها، به نظر می‌رسد نکات و سرخ‌های بسیار زیادی برای پی‌گیری این مسئله وجود دارد که تاکنون هیچ‌کس به سراغ آنها نرفته، و شاید تاکنون این سرخ‌ها از دید آقایان مخفی مانده باشد، اما با توجه به بدیهی بودن آنها، وجود چند مورد از این سرخ‌ها و عدم پی‌گیری مسئولان کشورمان، نظریه مخفی‌ماندن این موارد از دید مسئولان کشور نمی‌تواند درست باشد. از جمله این موارد می‌توان به سمیر جعجع از سرکردگان حزب فلالنژ در زمان ربوده شدن ۴ دیپلمات، اشاره کرد که اکنون در زندان لبنان اسیر است و با توجه به روابط برادرانه ایران و لبنان، هنوز حتی یک بازجویی درست و حرفه‌ای در مورد این ۴ دیپلمات از وی به عمل نیامده است. و یا کشف نوار بازجویی ۴ دیپلمات که گفته می‌شود نزد فردی در فرانسه است، علیرغم قول مساعد آصفی سخن‌گوی وزارت امور خارجه، برای پی‌گیری آن، گویا این مسئله نیز هیچ پی‌گیری‌ای را دربر نداشت.

۴- در تمام کمیته‌ها و گروه‌هایی که از سوی دستگاه‌های دولتی و نهادهای ذیربط برای پی‌گیری این مسئله گمارده شده‌اند، نقطه ضعف مشترکی وجود دارد که به راحتی و باتدبیر مسئولان امر، می‌شد و همچنان نیز می‌توان، آن را مرتفع کرد. مسئله این است که همه افرادی که برای پی‌گیری این مسئله گمارده شده‌اند، دارای مسئولیت‌ها و مشغولیات ذهنی متعدد هستند و فقط می‌توانند قسمتی از وقت خود را برای پی‌گیری این مسئله مهم اختصاص دهند و همین نقص، باعث به وجود آمدن پی‌گیری‌های مقطعی و عدم استمرار حرکت‌ها در جهت روشن شدن سرنوشت ۴ دیپلمات گردیده است و شاید تاکنون یک گروه کاری خاص فقط برای پی‌گیری این موضوع، تشکیل نشده است.

۵- طی سال‌های اخیر، خانواده‌های گروگان‌ها، حرکت‌ها و پی‌گیری‌هایی را برای روشن شدن سرنوشت عزیزان‌شان صورت داده‌اند، اما این پی‌گیری‌ها نیز به دلیل در اختیار نداشتن ابزارهای لازم برای پی‌گیری مسئله‌ای با این حجم و اهمیت، تاکنون ناکام مانده است.

۶- دانشجویان و رسانه‌ها نیز برای پی‌گیری و حصول نتیجه در پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده، دارای جایگاه خاص و نقش بسزایی هستند که البته تشریح این جایگاه، مجال مفصل‌تر می‌طلبد.

در حال، به نظر می‌رسد حرکت‌های مقطعی و یک‌جانبه، دیگر برای پی‌گیری چنین مسئله مهمی، پاسخ‌گو نیست و باید تدبیری در جهت ائتلاف همه نهادهای مسئول و کسانی که می‌توانند در این زمینه اقدامی عملی انجام دهند، صورت گیرد تا پس از ۲۲ سال، به فضل خداوند متعال شاهد آزادی ۴ دیپلمات ربوده شده باشیم.

سایت اینترنتی حماسه

۱۳۸۳/۱۲/۱۲ = ۲ مارس ۲۰۰۵

تلاش برای روشن شدن سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی را جزو وظایف اولیه خود می‌دانم

علی‌اکبر ولایتی، مشاور مقام‌معظم‌رهبری در امور بین‌الملل و کاندیدای احتمالی انتخابات ریاست جمهوری آینده، تلاش برای روشن‌شدن سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده‌شده را جزو وظایف اولیه خود دانست. وی گفت: «مسئله سرنوشت چهار دیپلمات ربوده‌شده، یکی از طولانی‌ترین و مهم‌ترین پرونده‌های عرصه سیاست خارجی کشورمان است. با استفاده از راه‌کارهایی که برای پی‌گیری این پرونده وجود دارد، حتما مسئله روشن‌شدن سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی را پی‌گیری خواهیم کرد. هرایرانی که در هرجای جهان اسیر باشد، ویا مشکلی برای او پیش آمده باشد، ما جزو وظایف اولیه خود می‌دانیم که مشکل آنها را برطرف کرده و اسرایی مانند این چهار عزیز را برهانیم.»
خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۲/۱۵ = ۵ مارس ۲۰۰۵

دیپلمات‌های ایرانی قطعاً کشته شدند. خودم به سوی احمد متوسلیان تیراندازی کردم
روزنامه یدیعوت‌آحارونوت، به نقل از فرمانده محافظان ایلی حبیقه رهبر نیروهای فالانژیست سابق لبنان، ادعا کرد: «تمام دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی کشته شده‌اند و اجساد آنها در دره‌ای در کوه «بسکتنا» پرت شدند که به آن «دره جمجمه‌ها» هم گفته می‌شود.»
منابع اسرائیلی فاش کردند: «سازمان جاسوسی اسرائیل موساد، اقدام به استخدام «روبیر حاتم» ملقب به کبرا، که یک افسر امنیتی در دستگاه اطلاعاتی نیروهای فالانژیست سابق لبنان به فرماندهی ایلی حبیقه بود، کرده است تا از وی برای کمک به حل مسئله رون آزاد استفاده کند که اسرائیل دست‌یابی به اطلاعاتی درباره وی را شرط اجرای مرحله دوم تبادل اسرا با حزب‌الله قرارداد، زیرا کبرا از سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی اطلاع دارد و تاکید کرده است همه آنها کشته شده‌اند.
روزنامه یدیعوت‌آحارونوت به نقل از کبرا در مصاحبه‌ای که با وی در پاریس انجام داد، نوشت: «چهار دیپلمات ایرانی که در سال ۱۹۸۲ در بیروت ربوده شدند، قطعاً کشته شدند و شاید بتوان گفت که من به سوی یکی از این دیپلمات‌ها که احمد متوسلیان می‌خواندش، تیراندازی کردم.»
اظهارات حاتم، از ادعای اسرائیلی‌ها مبنی بر این که دیپلمات‌های ایرانی کشته شده‌اند و در اختیار تل‌آویو نیستند، دفاع می‌کند. منابع اسرائیلی ادعا می‌کنند ایران تاکنون با تمام مرحله دوم تبادل اسرا میان اسرائیل و حزب‌الله، به خاطر اعتقاد تهران به وجود دیپلمات‌های ربوده‌شده در بازداشتگاه‌های اسرائیلی، مخالفت می‌کند. روزنامه یدیعوت‌آحارونوت هیچ اشاره‌ای به زمان انجام این گفت‌وگو یا زمان استخدام حاتم در سازمان موساد که به نوشته این روزنامه وی به عنوان فرمانده نیروهای گارد شخصی ایلی حبیقه عمل می‌کرد، نکرده است.

کبرا در گفت‌وگو با این روزنامه گفت: «در حال این چهار دیپلمات زنده نیستند. این یک مسئله قطعی است. ما اجساد آنها را در چاه‌های آهک مجاور ساختمان شورای جنگ نیروهای فالانژی انداختیم و پس از یک ماه، یکی از محافظانم از حبیقه دستوری برایم آورد که باید این چاه‌ها را به سرعت پاکسازی کنیم. چهار کامیون، محتویات این چاه‌ها را که اجساد چهار دیپلمات ایرانی نیز

۲۵۸ □ کمین جولای ۸۲

در آن وجود داشت، به کوه بسکتنا در شمال لبنان منتقل کردند و محموله را در دره پریچ و خم خالی کردیم که از آن زمان تاکنون، به آنجا دره مجموعه‌ها گفتیم.»
کبرا به گفته خود، اقدامات کثیف زیادی برای حبیقه انجام داده است از جمله قتل و اعمال شکنجه و جاسازی مواد منفجره و باج‌خواهی و سرقت و غیره. به نوشته این روزنامه، کبرا در کار کثیف ربودن زنان زیبا برای حبیقه هم فعالیت می‌کرد. منابع اسرائیلی به این اشاره کردند که اظهارات کبرا در این گفت‌وگو، به یک گزارش مرکزی و فوق‌العاده مهم در تلاش‌هایی که اسرائیل برای حل مسئله رون آراد انجام می‌دهد، تبدیل شده است، زیرا مشخص شده است که کبرا در قتل چهار دیپلمات و پنهان کردن اجساد آنها، مشارکت کرده بود.

منابع اسرائیلی گفتند «ایران از آغاز دهه نود، با پیشبرد مذاکرات مربوط به سرنوشت رون آراد، به ادعای اینکه اسرائیل چهار دیپلمات ایرانی را از سال ۱۹۸۲ در زندان‌های خود اسیر کرده است، مخالفت می‌کند.»

روزنامه یدیعوت آحارونوت یادآوری کرد: «حاتم دو گزارش را به سازمان جاسوسی اسرائیل داده است که اولی در سال ۱۹۹۴ میلادی و دومی را در سال ۲۰۰۰ میلادی تقدیم کرده است که در این دو گزارش گفته است: «شاید بتوان گفت که به یکی از دیپلمات‌ها که نامش احمد متوسلیان بود، تیراندازی کرده بودم.»

زمان انتشار این مصاحبه و اطلاعات مربوط به آن، سوالات متعددی را در سایه آنچه که اکنون صحنه لبنان شاهد آن است، علاوه بر افشای مکان حضور حاتم، به وجود آورده است.

خبرگزاری مهر

۱۱ مارس ۲۰۰۵ = ۱۳۸۳/۱۲/۲۱

اسرائیل می‌خواهد با ادعای کشته شدن ۴ دیپلمات ایرانی به دست فالانژها، خود را تبرئه کند
حمید رضا حاجی بابایی، عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی، با اشاره به تلاش رژیم صهیونیستی برای القای این مسئله که چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی در سال ۱۳۶۱ کشته شده‌اند، گفت: «اخبار و مستنداتی که به دست ما رسیده، حاکی از این است که چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی زنده و دربند رژیم صهیونیستی هستند و با توجه به این که رژیم صهیونیستی در یک فشار بین‌المللی قرار گرفته، می‌خواهد با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای، این گونه القاء کند که این چهار نفر کشته شده‌اند. اسرائیل می‌خواهد فشارهای بین‌المللی موجود بر روی خود را، با ادعای کشته شدن ۴ دیپلمات به دست نیروهای فالانژ، کاهش دهد تا بتواند آزادانه به ادعای واهی زنده بودن و پی‌گیری سرنوشت ران آراد پردازد و در این راه از مهره‌های مختلفی همچون نیروهای فالانژیست استفاده می‌کند.»

خبرگزاری مهر

۱۲ مارس ۲۰۰۵ = ۱۳۸۳/۱۲/۲۲

به چهار فرزند رشید ایران ظلم شده است

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۵۹

دکتر «علی لاریجانی» نماینده مقام معظم رهبری در شورای عالی امنیت ملی وکاندیدای احتمالی نهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، گفت: «برای پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده‌شده، باید روی افکار عمومی خارج از کشور تأثیر بگذاریم. در زمانی که بنده در سازمان صداوسیما خدمت می‌کردم، در رسانه‌های ایرانی که در خارج از کشور برنامه پخش می‌کردند، به کرات راجع به مسئله ۴ دیپلمات ایرانی برنامه ساخته و پخش شده‌است و این نشان از اهمیت این موضوع نزد مسئولان رسانه ملی جمهوری اسلامی ایران دارد. روشن‌شدن سرنوشت مبهم ۴ دیپلمات ربوده‌شده پس از ۲۲ سال، نیاز به یک دیپلماسی فعال دارد تا به نتیجه برسیم و این مشکل تنها با کار رسانه‌ای قابل حل نیست. اصل پی‌گیری سرنوشت این ۴ عزیز را لازم می‌دانم، چون این ۴ نفر فرزندان رشید ایران هستند و در جریان ربوده‌شدن در لبنان، به این عزیزان ظلم شده‌است و باید با همه ابزارها این موضوع را پی‌گیری کرد تا سرنوشت آنان هرچه سریع‌تر روشن شود.»

خبرگزاری مهر

سال ۱۳۸۴ هـ ش
۲۰۰۵ - ۲۰۰۶ م

۱۳۸۴/۲/۲۱ = ۱۱ مه ۲۰۰۵

موضوع پی‌گیری سرنوشت چهاردیپلمات ایرانی باید بر روی میز رئیس‌جمهوری آینده مفتوح باشد
«محمدباقر نوبخت» دبیرکل حزب اعتدال و توسعه و سخن‌گوی ائتلاف‌نهم برای فردایی بهتر، گفت:
«هیچ‌گاه نظام جمهوری اسلامی ایران در مقاطع فعالیت هریک از دولت‌های گذشته، موضوع
پی‌گیری سرنوشت چهاردیپلمات ربوده‌شده را از دستورکار خارج نکرده و همواره تلاش‌هایی وجود
داشته‌است.»

نوبخت با بیان این‌که در طی این مدت، گمانه‌زنی‌های مختلفی درمورد سرنوشت این ۴ نفر
صورت گرفته، تصریح کرد: «امیدواریم که این عزیزان روزی باتلاش مسئولان به آغوش گرم ملت و
خانواده‌های‌شان بازگردند و طبعاً یکی از انتظارات ما از رئیس‌جمهوری آینده این است که موضوع
پی‌گیری پرونده ۴ دیپلمات ایرانی را همچنان بر روی میز خود مفتوح داشته باشد و در هر تماس
بین‌المللی و منطقه‌ای این مسئله را به عنوان یک خواسته مهم ملت ایران مطرح کند.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۴/۲/۲۵ = ۱۵ مه ۲۰۰۵

چشم‌انتظار حاج‌احمد و یاران اسیرش نشسته‌ایم

جمعی از دانشجویان «دانشگاه خواجه‌نصیرالدین طوسی»، به مناسبت سالگرد عملیات الی بیت المقدس،
در مقاله‌ای کوتاه، به تجلیل از نقش حاج‌احمد متوسلیان در آن عملیات پرداخته‌اند.

کیهان

۱۳۸۴/۳/۳ = ۲۴ مه ۲۰۰۵

آقای خاتمی در فرصت باقی‌مانده، از سرنوشت‌نهایی چهاردیپلمات ربوده‌شده ما را آگاه کنید

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۶۱

حسین اخوان برادر کاظم اخوان عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی، در نامه‌ای به رئیس‌جمهوری، ضمن یادآوری قول وی به خانواده‌های این چهار نفر برای روشن‌شدن سرنوشت آنان تا پایان دوره ریاست‌جمهوری خاتمی، از رئیس‌جمهوری خواست که نتایج عملکرد خود در این مدت را اعلام کند. متن نامه حسین اخوان به سید محمد خاتمی رئیس‌جمهوری به شرح ذیل است:

«سالروز آزادسازی خرمشهر روز ملی مقاومت، ایثار و پیروزی، در تاریخ کشور جایگاه خاصی دارد و به راستی نماد مقاومت و پیروزی است. تاریخ حیات ملت‌ها، شکست‌ها و پیروزی‌های تلخ و شیرین می‌سازد. ملت‌ها از شکست‌ها درس می‌گیرند و از پیروزی‌ها به خود می‌بالند. بدون شک نه تنها نسل حاضر، بلکه نسل‌های آینده نیز از حماسه سوم‌خرداد با افتخار و سربلندی یاد خواهند کرد و همچنین از دلیر مردان عاشقی که با زندگی خود، پل پیروزی را خلق کردند. این روز باشکوه، بخشی از غرور ملی ما ایرانیان است.

برادرم کاظم، حاج احمد متوسلیان و تقی رستگار مقدم، مردان سوم‌خرداد بودند که یک‌ماه پس از فتح خرمشهر، در لبنان به همراه کاردار سفارت ایران در بیروت سید محسن موسوی، توسط عوامل رژیم اشغالگر قدس ربوده شدند.

آقای خاتمی، در ملاقات حضوری مورخ ۸۳/۳/۲۴ جناب عالی با خانواده‌های گروگان‌های ایرانی، فرمودید: «من قول می‌دهم تا پایان دوره ریاست‌جمهوری سرنوشت این عزیزان را روشن‌کنم و یا حداقل پرونده به یک نقطه روشنی برسد.»

با دستور و پی‌گیری شما، کمیته حقیقت‌یاب با مسئولیت آقای ربیعی تشکیل شد. پس از یک‌سال که به حضور شما رسیدیم، هنوز جوابی نشنیده‌ایم. چنین امری، نه برای شما و نه برای ما، امری مطلوب به‌شمار می‌آید. این آخرین غم‌نامه‌ای است که برای شما می‌نویسم. اینک به درستی نمی‌دانم الان چه زمانی از دولت شماست. دقیقه ۹۰ بازی است، یا این‌که وقت اضافه را داریم سپری می‌کنیم، و یا سوت پایان بازی را زده‌اند و بازی تمام شده و ما مانده‌ایم و انتظار. یا باید به استقبال وعده وعیدهای رئیس‌جمهوری بعدی برویم و آغاز بازی دیگر و ۴ سال دیگر، و نمی‌دانم چند سال دیگر. آیا رئیس‌جمهوری بعدی پرونده را جدی پی‌گیری خواهد کرد تا اینکه بر سرانجام برسد؟ آیا هیچ‌کس نمی‌خواهد خود را نسبت به وعده‌های داده‌شده در این زمینه مسئول بداند؟

آقای رئیس‌جمهوری، گویی مشخص نیست این پرونده باید به دست چه کسی مختومه شود و ما باید همچنان خود را به صبوری دعوت کنیم. وقتی در ابتدای دوره اول ۴ ساله، در مراسم تحلیف در خانه ملت، فرمودید: برای دولت، حراست از حقوق اتباع ایرانی در سراسر گیتی اهمیت ویژه‌ای دارد. و دولت خود را دولت پاسخ‌گو نامیدید و بر شفاف‌سازی تاکید کردید، ما فکر می‌کردیم مردان دوم‌خردادی، برای دلاور مردان حماسه‌ساز سوم‌خرداد، کاری خواهند کرد و گره از کار فرو بسته آنان می‌گشایند. دوره اول ۴ ساله شما به پایان رسید و ما دل‌خوش به ۴ سال دوم ریاست‌جمهوری شما ماندیم.

آقای خاتمی، جوانه‌امیدی که در زمان انتخاب شما در دلمان شکوفا شده بود و فکر می‌کردیم که نهالی شده و به بار می‌نشیند، اینک روبه پژمردگی نهاده. ۸ سال انتظار، ۸ سال صبوری، ۸ سال دیگر تحمل چشم‌انتظاری گذشت. در پاسخ به خبرنگاری که از شما پرسید: خاتمی امروز چه فرقی با خاتمی هشت سال پیش دارد؟ شما پاسخ دادید که: هشت سال پیرتر شده. راستش را بخواهید اگر از من بپرسند در زمان دولت شما، پرونده ۴ گروگان ایرانی در لبنان چه پیشرفتی داشته است؟ خواهم گفت: ۸ سال بر اسارت آنان افزوده شده است. یعنی ۲۹۲۲ روز دیگر. شما شاید مدارکی را نشان بدهید که نشان‌گر تلاش‌های دولت شما در بازکردن دوباره پرونده باشد، اما من می‌خواهم بگویم نتیجه آن چه بوده است و چه پاسخ قانع‌کننده‌ای برای خانواده‌ها در برداشته که به واقع هیچ. چه تدابیری در این ۸ سال برای مختومه کردن این پرونده ۲۳ ساله اندیشیده شده است؟

جناب آقای رئیس‌جمهوری!

مردان سوم خرداد را فراموش نکنید. آنان ارزنده‌ترین، مخلص‌ترین و پاک‌ترین شهره‌های تاریخ دفاع مقدس هستند. لحظه‌ای از وظیفه تاریخی خود غفلت نکردند. جبهه، آنان را پاک و مصفا کرده بود. دوران خودخواهی‌ها، شهرت‌طلبی و خودنمایی، به لبنان رفتند. آنها آرزوهای پاک و مقدسی داشتند، آرزوهای خدایی. بی‌پروا در پی شهادت بودند و از همه چیز خود گذشته بودند و به رهایی مطلق رسیده بودند. آنان در قربانگاه عشق، عالی‌ترین تجلی فداکاری و پرستش را عملاً نشان دادند. از آزمایشی که خداوند بر آنان مقدر کرده بود، سربلند بیرون آمدند. همه انسان‌ها درس‌اسر گیتی در لحظات سختی ورنج، چهره واقعی‌شان را نشان می‌دهند، من مطمئن هستم که آنان به ساحل نجات رسیده‌اند. آن چهار نفر، بر آفریدن حماسه‌های ماندگار از هیچ تلاشی فروگذار نکردند و درشادی‌های ما از آزادی‌خرم شهر سهمی نیز از آنان است.

آقای خاتمی، به خاطر همه رنج‌هایی که سرنوشت به آنان و ما مقدر کرده است، در فرصت باقی‌مانده، از سرنوشت آن دلاورمردان ما آگاه کنید. می‌خواهیم بدانیم آیا آنان، آن دلیرترین‌ها زنده‌اند؟ پرتو آفتاب را می‌بینند، یا آنکه به راستی به آرزوی خود یعنی شهادت، رسیده‌اند؟ آیا چنین افقی دوران انتظار است، یا اینکه باز شدن چنین افقی در منظر چشمان خسته از انتظار ما، دوران دسترس نیست؟ شاید اگر مسائل انسانی و عاطفی در این پرونده رعایت می‌شد، حل آن این همه سال به طول نمی‌انجامید. در تمام طول این سال‌ها، امیدوار بودیم که نسیم، بوی پیراهن آنان را با خودش بیاورد، اما دریغ و افسوس. نگرانی و مهوری که با آنان داریم، ما را از خواب و بزم بیزار کرده است، زیرا که هیچ‌کس آن همه رنجی را که آنان کشیده‌اند بر آن تاب آورده‌اند، نکشیده است. آیا سرنوشت چنین می‌خواست، رنج برای آنان و دریغ جاودانی برای ما؟

ما امیدواریم که دعای ما شنیده شود. امید است که آسمانیان بخواهند که دعای ما درباره آنان، دلیرمردانی که سرفرازی آنها به آسمان پهناور نیز رسیده است، روا شود.

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۶۳

امیداست خدایی که آنان را در همه رنج‌ها نگاهبان است، روزی را برساند که آنان و ما، از رنج‌های خود رسته باشیم. امیداست روزی در سرنوشت ما مقدر شده باشد که روشن شدن سرنوشت دلاورمردان آسمانی نژاد را شاهد باشیم. ای کاش می‌شد برای آن گم‌شدگان بگیریم و ناله کنیم و خود را از ناله سیراب کنیم، اما همچنان در برزخ به سر می‌بریم.

در پایان از خداوند متعال توفیق بیشتر شما را در تمام مراحل زندگی مسئلت داریم. مهم نیست که در کجای این جهان ایستاده‌ایم، مهم این است که در چه راستایی گام برمی‌داریم.

به صد دفتر نشاید گفت وصف الحال مشتاقی
به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی است
حسین اخوان

خبرگزاری مهر

۱۳۸۴/۴/۱۲ = ۳ جولای ۲۰۰۵

به سکوت ۲۴ ساله پایان دهید

سیدراند موسوی با اشاره به فرارسیدن سالگرد و گذشت ۲۴ سال از زمان ربوده شدن ۳ دیپلمات و یک خبرنگار ایرانی توسط عوامل رژیم صهیونیستی، خواستار اطلاع‌رسانی مطلوب این موضوع توسط رسانه‌ها شد: «دوستان مطبوعاتی و رسانه‌ای سلام. حدود ۲۴ سال از ربوده شدن پدرم و سه همراهش، که دیپلمات‌ها و خبرنگار جمهوری اسلامی ایران بودند، در ۱۴ تیر ماه ۱۳۶۱ به دست عوامل رژیم صهیونیستی در لبنان می‌گذرد. طبق آخرین اخبار قابل اعتماد به دست آمده، که بارها توسط مسئولین از رسانه‌ها اعلام گردیده، این چهار نفر زنده‌اند و در زندان‌های رژیم اسرائیل به سر می‌برند. با توجه به اهمیت بالایی موضوع به عنوان مسئله‌ای ملی، انسانی و دینی، و نزدیک شدن سالگرد ربوده شدن این عزیزان، از شما خواهشمندم آن‌چنان که شایسته موضوعی با این اهمیت است، در بعد اطلاع‌رسانی و تحریک افکار عمومی و مسئولان، تلاش نمایید. در این ۲۴ سال، شاید کل کاری که مطبوعات و رسانه‌های ما در این موضوع انجام داده‌اند، به اندازه فعالیت یک‌روز رسانه‌های غربی در موارد مشابه نباشد. ما خانواده‌ها نیز آماده هرگونه همکاری و در اختیار قراردادن اطلاعات در این زمینه می‌باشیم. به صورت تیتروار نکاتی را که در مورد این مسئله قابل طرح تحلیلی است، خدمتان عرض می‌کنم:

- این چهار نفر، اولین و یا شاید تنها ایرانیانی بوده‌اند که مستقیم با رژیم اسرائیل روبه‌رو شده‌اند و در این راه تاکنون ۲۴ سال اسارت کشیده‌اند.
- انتظار مبهم و نامشخص طولانی برای خانواده‌های این عزیزان، فوق‌العاده سخت و طاقت‌فرسا شده.
- تاکنون پدر و مادر آقای اخوان فوت کرده‌اند و والدین بقیه هم بسیار مسن و شکسته می‌باشند.
- یکی از این چهار نفر، خبرنگار بوده و به عنوان یک حرکت صنفی، بسیار جا دارد که دوستان خبرنگار نسبت به این مسئله اهتمام ویژه داشته باشند.

۲۶۴ □ کمین جولای ۸۲

- اینکه ۴ دیپلمات این کشور، ظالمانه ربوده شوند و ۲۴ سال در اسارت و سرنوشتی نامعلوم به سر برند و کار جدی از سوی مسئولین و اعتراضی رسا از سوی مردم صورت نگیرد، نکته‌ای است که باعث جریحه‌دار شدن غرور ملی و پرستیژ بین‌المللی ایران شده و موجب تکرار موارد مشابه در مورد ایرانیان است، همان طور که در افغانستان، عراق، انگلیس (پرونده آرژانتین) و موارد دیگر شاهد این نوع بی‌حرمتی‌ها بوده‌ایم.

- این حق خانواده‌هاست که از وضعیت فرزندان، همسر و پدرشان به‌طور اطمینان‌بخش مطلع شوند. اکنون کارهای زیادی جهت پی‌گیری وضعیت این عزیزان می‌توان انجام داد، ولی اقدام جدی و دل‌سوزانه‌ای در این زمینه صورت نمی‌گیرد.

- به دلایل نامشخص و بعضاً واهی، این مسئله با سرنوشت خلبان ناپدید شده رژیم صهیونیستی - ران آراد - و دولت آلمان، گره خورده است.

- مجامع بین‌المللی در این موضوع اقدام جدی و موثری صورت نداده‌اند.

- مسئولیت حقوقی این افراد بر عهده دولت لبنان است. این افراد در لبنان دیپلمات بوده‌اند و در آنجا ناپدید شده‌اند و دولت لبنان راه کارهای بسیاری برای روشن نمودن موضوع دارد که نباید از این مسئولیت شانه خالی کند.

و بسیاری موارد دیگر که در این اجمال، مجال شرح آنها نیست.

این نوشته به‌عنوان گلایه‌ای است از طرف فرزندی که ۲۴ سال شاهد کتاهی‌ها، از دست رفتن فرصت‌ها و باقی ماندن پدرش در اسارت و شکنجه بوده است. همچنین، خواهشی است دوستانه، شاید این سکوت ۲۴ ساله - که بعضاً سالی یک‌بار با کلی احتیاط و محافظه‌کاری بی‌مورد شکسته می‌شود - به پایان برسد.

با آرزوی سلامتی برای شما، امیدوارم تلاش‌های حرفه‌ای شما، به سهم خود در بازگشت هرچه سریع‌تر این عزیزان به آغوش خانواده‌شان تاثیرگذار باشد.

خبرگزاری مهر

۱۳/۴/۱۳۸۴ = ۴ جولای ۲۰۰۵

همایش «اسرا در غربت» در تالار سیدالشهدا برگزار می‌شود

همایش «اسرا در غربت» به مناسبت بیست و سومین سالگرد ربوده شدن ۴ دیپلمات ایرانی، عصر روز سه‌شنبه چهاردهم تیرماه، در سالن سیدالشهدای تهران برگزار می‌شود. «مرتضی پورعلی» گفت: «این همایش از ساعت ۵ تا ۷ عصر به همت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و ستاد مرکزی کنگره شهدا و اسرای دانشگاه‌های جهان اسلام برگزار می‌شود. سعی داریم که این همایش به صورت میزگردی با حضور دکتر محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، علی ربیعی مسئول کمیته ویژه پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات از سوی رئیس‌جمهوری، سیدراند موسوی

روز شمار گروگان‌گیری □ ۲۶۵

فرزند یکی از ۴ ایرانی ربوده‌شده و دبیرکل انجمن حمایت از دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی و حمید داود آبادی محقق، برگزار شود.»

خبرگزاری مهر

سرنوشت دیپلمات‌های ربوده‌شده ایران در لبنان را روشن کنید

جمعی از دانشجویان دانشگاه‌های تهران، در آستانه فرارسیدن سالروز ربوده‌شدن دیپلمات‌های ایرانی در لبنان، خواستار آن شدند که دولتمردان سکوت ۲۳ ساله خود را بشکنند و سرنوشت این عزیزان را روشن سازند.

جمهوری اسلامی

۱۳۸۴/۴/۱۴ = ۵ جولای ۲۰۰۵

مسئولیت جان چهار دیپلمات ربوده‌شده برعهده رژیم صهیونیستی است

دکتر حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی، گفت: «از آنجایی که این ۴ نفر توسط گروهی ربوده شده‌اند که تحت نفوذ و سیطره اسرائیلی‌ها و عوامل اسرائیل در لبنان بودند، از دیدگاه ما مسئولیت ناپدید شدن و جان چهار دیپلمات ایرانی برعهده اسرائیل است. این که اکنون این ۴ نفر در کجا و در چه وضعیتی هستند و چه مشکلاتی برای آنها پیش آمده، ما مسئولیت این امر را برعهده رژیم صهیونیستی می‌دانیم و در دوره قبل که تبادل بین اجساد سربازان اسرائیلی و اسرا بود، موضوع این ۴ ایرانی مطرح بود، اما متأسفانه اسرائیل زیر بار این معاوضه نرفت، اما در مراحل بعدی مبادله، این مسئله مجدداً مطرح است.»

خبرگزاری مهر

انتظار بی‌پایان!

گفت‌وگوی اختصاصی با خانواده‌های ۴ دیپلمات ایرانی به مناسبت بیست و سومین سالگرد ربوده‌شدن آنان

آقای سیدراند موسوی فرزند سید محسن موسوی، ضمن انتقاد از ضعف دیپلماسی دولت ایران در پی‌گیری موضوع، گفت: «پی‌گیری‌ها فقط به نگارش و شعار ختم شده است. طبق اخبار قابل اعتماد، دیپلمات‌های ایرانی زنده‌اند و دربند رژیم صهیونیستی هستند و یقیناً با پی‌گیری جدی، شواهد مناسبی پیدامی‌شود.»

خانم مجتهدزاده همسر سید محسن موسوی نیز اظهار داشت: «مجامع بین‌المللی در برابر آزادی چهار دیپلمات ایرانی که دارای مصونیت سیاسی بوده‌اند، هیچ اقدامی که منجر به روشن شدن وضعیت آنان باشد، انجام ن داده‌اند. وظیفه دولت در قبال این عزیزان بسیار سنگین است و باید برای دفاع از حقوق دیپلمات‌های ایرانی، نه به عنوان یک شخصیت، بلکه برای دفاع از حقوق ملت ایران، وارد عمل شود. هنگامی که دیپلمات‌های غربی در لبنان گروگان گرفته شدند، جامعه بین‌المللی یک پارچه

برای آزادی این افراد وارد عمل شد و حتی دبیرکل سازمان ملل مستقیماً با سفر به ایران و سایر کشورها، پی‌گیر موضوع بود تا منجر به آزادی گروگان‌های غربی در لبنان شد. در همین اثنا، خاویر پریز دکوئیار دبیرکل وقت سازمان ملل، به ما وعده داد که برای آزادی دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی، تلاش خواهد کرد ولی وعده وی در حد حرف باقی ماند و عملی نشد. چه انتقادی بالاتر از این که ۲۳ سال از واقعه اسارت این عزیزان می‌گذرد و دولتمردان ما صرفاً با شعار و تشکیل هیئت و کمیته، خود را قانع ساخته‌اند.»

همچنین آقای «غلامرضا رستگارمقدم» برادر تقی رستگارمقدم، گفت: «از مقامات انتظار می‌رود برای تعیین سرنوشت دیپلمات‌های ربوده‌شده اقدامات قاطع و موثری را صورت دهند. پی‌گیری‌های وزارت خارجه در لبنان و اقدامات دولتمردان باید با جدیت و شتاب بیشتری انجام شود.» به گفته وی، با گذشت ۲۳ سال، هنوز اطلاع موثقی وجود ندارد و پی‌گیری‌ها بیشتر جنبه ظاهری، فرمایشی و نمایشی دارد.

خانم فاطمه اخوان خواهر کاظم اخوان نیز گفت: «ما از دولت توقع داریم پس از ۲۳ سال، به این مسئله اهمیت بیشتری دهد و برای روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌های ربوده‌شده، مواضع قاطع و عملی خود را به کار گیرد. ما به عنوان خانواده این عزیزان، حق داریم بدانیم چه سرنوشتی برای آنان رقم خورده است.»

خانم اخوان اظهار داشت: «متأسفانه نمی‌توان به مجامع بین‌المللی امیدی داشت، لذا از دولتمردان انتظار می‌رود جدیت بیشتری به خرج دهند. نوع عملکرد مسئولان ظرف ۲۳ سال گذشته، بسیار ضعیف بوده و این شیوه پی‌گیری‌های مقطعی، باعث شده تا این قضیه در مجامع جهانی بازتاب جدی نداشته باشد. لذا دولتمردان برای احقاق حقوق ملت ایران بویژه این عزیزان، باید اقدام جدی انجام دهند.»

همچنین سیدراند موسوی فرزند سید محسن موسوی کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در لبنان شرح مختصری از روند پی‌گیری را ارائه کرد.

جمهوری اسلامی

حاج احمد متوسلیان، فرمانده اسطوره‌ای

«محسن برآسود» در مقاله خود، به شرح زندگی حاج احمد متوسلیان پرداخته است.

جوان

کاظم اخوان، خبرنگار در اسارت

«احمد معماری» در مقاله خود، به شرح زندگی کاظم اخوان پرداخته است.

جوان

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۶۷

۸۳۹۵ روز گذشت، جهان همچنان خاموش است

«مهدی گیوه‌کی» در نوشته خود به مناسبت بیست و سومین سال اسارت چهاردیپلمات ایرانی، به انتقاد از اهمال و کوتاهی‌ها در پی‌گیری سرنوشت آنان پرداخته است.

جوان

پی‌گیری سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی

نشانی سایت‌ها و وبلاگ‌های پی‌گیر ماجرای ۴ دیپلمات، در اینجا ذکر شده است.

جوان

سیدراند موسوی از زنده بودن چهاردیپلمات ایرانی می‌گوید

مصاحبه‌راند موسوی با خبرگزاری مهر، در این نشریه منتشر شده است.

جوان

چه کسانی از آب گل‌آلود ماهی می‌گیرند؟

حمید داودآبادی در مقاله خود، به انتقاد از برخی اخبار نادرست می‌پردازد.

جوان

چرا پاسخ روشنی داده نمی‌شود؟

«حامد طالبی» در مقاله خود، پی‌گیر افرادی شده است که از ماجرای اسارت چهار دیپلمات ایرانی مطلع هستند.

جوان

۱۳۸۴/۴/۱۵ = ۶ جولای ۲۰۰۵

وزارت اطلاعات و خارجه در پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی کم‌کاری کرده‌اند

در مراسم همایش اسرا در غربت، محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، که در زمان ربوده شدن سیدمحسن موسوی، احمد متوسلیان، تقی رستگار مقدم و کاظم اخوان در سال ۱۳۶۱ مسئولیت فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را برعهده داشت، طی سخنانی گفت: «متأسفانه جهان‌کنونی تبدیل به جهانی دوگانه شده است و دونوع آزادی، دموکراسی و حقوق بشر در آن وجود دارد و سازمان‌های بین‌المللی با دوگانگی و تبعیضی آشکار بین اتباع خود و سایرکشورها تفاوت قائلند. به‌یاد دارم زمانی تعدادی آمریکایی به‌دست لبنانی‌ها اسیر شده بودند، بسیاری از کشورها برای آزادی آنها تمام تلاش خود را به‌کار گرفته و گریبان چاک می‌کردند، اما از گروگان‌های مسلمان و

جهان‌سومی که اکنون ده‌ها سال از اسارت آنان می‌گذرد، هیچ دفاعی صورت نمی‌گیرد و همه سکوت کرده‌اند.»

وی با مخاطب قراردادن وزارتخانه‌های اطلاعات و امور خارجه، افزود: «مسئولان این دو وزارتخانه باید دقیقاً به ابهامات و سوالات مردم در مورد این پرونده ۲۳ ساله پاسخ‌گویند و سوال من از این وزارتخانه‌ها این است که چرا تاکنون نتوانسته‌اند گزارش شفاف و روشنی از فعالیت‌های خود ارائه دهند که چه اقدامات و فعالیت‌هایی برای پایان‌دادن به این اسارت انجام شده است. معتقدم وزارت اطلاعات و وزارت امور خارجه در مورد این پرونده کم‌کاری کرده‌اند. طی این سال‌ها، ده‌ها سند هسته‌ای و یا اسناد ارزشمند با اروپا امضاشده و معتقدم که حداقل یکی از مابه‌ازاهای این سندها و قراردادهای، می‌توانست این چهار ایرانی مظلوم باشند.»

وی با اشاره به اهمیت ورزش افرادی مانند احمد متوسلیان، تقی رستگار مقدم، محسن موسوی و کاظم اخوان، افزود: «اگر مسئله پرونده این دیپلمات‌ها حل نشود، همان‌گونه که طی سال‌های گذشته نیز در جریان شهادت دیپلمات‌های ایرانی در مزارشریف و یاحرکات متعدد دیگر در ربودن دیپلمات‌های ایرانی شاهد بوده‌ایم، این‌گونه مسائل تبدیل به یک‌رویه می‌شود و هر روز ممکن است چنین اتفاقاتی بیفتد. چرا تاکنون از فردی که متهم به کشتن این چهار نفر در زندان لبنان است، هیچ بازجویی صورت نگرفته و چرا تاکنون دولت ایران از دولت لبنان که این فرد در زندان آن کشور به سر می‌برد، نخواست است که از او در مورد سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی بازجویی شود.»

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام بایان این که دولت‌مردان عالی‌رتبه مانیز باید با پرونده سرنوشت این چهار ایرانی برخوردی جدی داشته باشند، گفت: «مطمئن باشید اگر مسئولان عالی نظام اراده کنند که این موضوع را به سرانجام برسانند، قطعاً این کار انجام خواهد شد.»

وی بر ارائه اطلاعات و تبلیغات به افکار عمومی جهان در مورد این چهار ایرانی تأکید کرد و افزود: «همه مردم، رسانه‌ها، دستگاه‌های ذیربط و گروه‌های متعدد داخلی و بین‌المللی، باید دست در دست هم همه‌تلاش خود را به کار گیرند تا سرنوشت این چهار دیپلمات پس از ۲۳ سال ابهام، هرچه زودتر روشن شود.»

بنا بر این گزارش، سیدراند موسوی نیز در این همایش در سخنانی پی‌گیری‌های صورت گرفته برای روشن شدن سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده را تشریح کرد. در این مراسم همچنین نامه حسین اخوان برادر کاظم اخوان به وی، توسط یکی از دانشجویان قرائت شد و از سوی بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، هدایایی به رسم یادبود به خانواده‌های چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی تقدیم شد.

در همایش اسرا در غربت، سردار باقرزاده مسئول بنیاد حفظ آثار، کاردار سفارت لبنان، سید محمد میرمحمدی نماینده قم، سهیل کریمی مستندساز، حمید داودآبادی نویسنده و محقق، و خانواده‌های ۴ دیپلمات ربوده شده نیز حضور داشتند. گفتنی است علی ربیعی مسئول دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی

ومسئول کمیته ویژه‌ای که از سوی رئیس‌جمهوری برای پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی تشکیل شده است، قرار بود در این مراسم حضور یابد که به گفته مسئولان این برنامه، وی علیرغم قول قبلی، از شرکت در این مراسم خودداری کرد که مورد انتقاد خانواده‌های این ۴ دیپلمات و مسئولان این برنامه قرار گرفت.

خبرگزاری مهر

دبیرکل سازمان ملل باید درباره سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده ایرانی پاسخ گو باشد

سردار میرفیصل باقرزاده رئیس بنیاد حفظ آثار، درحاشیه همایش اسرادرغربت، درجمع خبرنگاران گفت: «ما در بنیاد حفظ آثار، و دولت در وزارت امور خارجه و وزارت اطلاعات وهم در مجامع انسان دوستانه در داخل و خارج از کشور، درقبال روشن شدن وضعیت ۴ هموطن عزیزمان که بیش از ۲۳ سال از ربوده شدن آنان می گذرد، وظیفه داریم.»

وی با بیان این که وظیفه ما این است که تلاش کنیم این موضوع فراموش نشود، افزود: «دو سال است که بنیاد حفظ آثار در این رابطه اقداماتی را به عمل آورده و در همین زمینه برای پی‌گیری سرنوشت این ۴ دیپلمات ایرانی، طرحی را تهیه کرده بودیم که حدودا ۴ سال پیش در ستادکل نیروهای مسلح مطرح شد ولی هنگامی که خواستیم این طرح را به اجرا بگذاریم، گفتند که در سطوح دیگر از جمله در وزارت امور خارجه این موضوع در حال پی‌گیری است و این طرح همان طرحی بود که منجر به آزادسازی تعدادی از اسرای حزب الله لبنان شد، اما متاسفانه در این بخش، موضوع بازگره خورد و متوقف شد.»

مسئول کمیته جست و جوی مفقودین، با بیان این که این کمیته به عنوان سازمانی که برای اسرا و مفقودین جنگ تلاش می کند، اعلام آمادگی کرد که این موضوع را پی‌گیری کند و گفت: «این مسئله باید از جانب شورای عالی امنیت ملی تصویب از آنجا حمایت شود. آقای «عباد» مسئول دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، از جانب رئیس جمهوری حدودا یک سال است که مسئول پی‌گیری این موضوع است و بنا بود در این مراسم شرکت کنند و پاسخ گو باشند که متاسفانه علیرغم قول قبلی نیامدند، که باید از خودوی در این رابطه سوال شود. ۸۴۲۴ روز اسارت که به زبان ساده می آید، امر ساده ای نیست. در دنیایی که اکنون بارها دیده ایم برای جان یک حیوان و یا برای اتباع و شهروندان خود، سر و صدای فراوانی به راه می اندازند و یا به عنوان مثال در اسرائیل برای ران آراد که در یک عملیات هوایی به هلاکت رسیده سر و صدا می کنند، چگونه است که برای ۴ انسان زنده، تاکنون اقدام موثر و مفیدی به عمل نیامده، و سوال ما از همه مجامع حقوق بشر و خصوصا شخص دبیرکل سازمان ملل این است که باید در این زمینه پاسخ گو باشند که چه کرده اند. در داخل کشور نیز باید این مسئله مهم با جدیت بیشتری پی‌گیری شود و اگر با این مسئله برخورد نشود، حتما این گونه جریانات نقطه توقیفی نخواهد داشت، کما این که اخیرا نیروهای اشغالگر دونفر از هنرمندان ما را در عراق دستگیر کردند و این نشان

می‌دهد که این روشی جاری برای اعمال فشار شده است تا ما را از دسترسی به حقوق قانونی و طبیعی مان بازدارند.»

رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، با تاکید بر این که اکنون رسانه، بلیغ‌ترین و رساترین زبان است، گفت: «رسانه‌ها باید در این راه پیشگام باشند و برگزاری همایش‌ها و جلساتی برای بازشناسی و کالبدشکافی این ماجرا، خیلی مهم است و مسلما در هر مجمع، محفل، نشست، کنفرانس، سمینار و همایشی این موضوع می‌تواند از مدعیان فعالیت‌های انسان‌دوستانه مورد سوال قرار بگیرد. مجاهدت بزرگی که رسانه‌ها باید انجام دهند، این است که از کسانی که در مناصب سیاسی و اجرایی هستند و می‌توانند تاثیرگذار باشند، پاسخ بخواهند. ما هر چه در توان داشته باشیم، برای کمک به دولت جدید در این زمینه به کار خواهیم گرفت و از آنجایی که خود دولت نیز طلایه‌دار این نوع حرکت‌های ارزشی است، امیدواریم بتواند این پرونده مهم را به نتیجه برساند.»

خبرگزاری مهر

سمیر جمع باید هرچه زودتر بازجویی شود

سیدرئیس موسوی با اشاره به زندانی بودن سمیر جمع در زندان‌های لبنان، از مسئولان خواست که با توجه به رابطه نزدیک ایران و لبنان، برای بازجویی هرچه سریع‌تر از وی اقدام کنند. سیدرئیس موسوی طی سخنانی در همایش اسرادر غربت، گفت: «این چهار نفر شاید تنها افراد و یا اولین کسانی باشند که مستقیما برای مقابله با اسرائیل حرکت کردند و اکنون که اسرائیل به عنوان دشمن درجه یک ایران مطرح است، موضوع پی‌گیری سرنوشت این افراد باید همواره به عنوان یکی از مسائل اساسی در جریان‌ات متعدد بین‌المللی مطرح باشد. سمیر جمع یکی از مسئولان نیروهای فالانژ که در آن سال‌ها در جریان ربودن این چهار نفر مشارکت داشته، اکنون در زندان لبنان است و اگر این چهار نفر کشته شده و یا به اسرائیل تحویل شده باشند، در هر حالت او باید این مسئله را روشن کند، ولی هیچ‌گونه بازجویی درستی از او در این زمینه صورت نگرفته است و باید ایران هرچه زودتر این کار را انجام دهد.»

وی با اشاره به اینکه حرکت‌های مردمی و خواست عمومی برای پی‌گیری این جریان، قطعا در مسئولان تاثیرگذار خواهد بود، افزود: «خوشبختانه با روی کار آمدن دولت جدید، روزه‌های امیدی در دل ما به وجود آمده که امیدواریم بتوانیم اقدامات موثری برای پایان دادن به این ابهام ۲۳ ساله انجام دهیم.»

خبرگزاری مهر

پرونده چهار دیپلمات ایرانی فراموش نشود

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۷۱

«غلامعلی حدادعادل» رئیس مجلس شورای اسلامی، خواستار رسیدگی به پی‌گیری چهاردیپلمات ایرانی از سوی مسئولان شد. رئیس مجلس شورای اسلامی، در آغاز جلسه علنی امروز مجلس، گفت: «مجامع جهانی می‌دانند که ایران برخلاف سایر کشورها که طالب قدرت می‌باشند، به دنبال حق خود است. ما انتظار داریم مسئولان کشور، سرنوشت چهاردیپلمات ربوده شده را به فراموشی نسپارند از مجامع جهانی و مخصوصاً از مسئولان دولت لبنان نیز پی‌گیری پرونده چهاردیپلمات ایرانی را خواستاریم.»

حداد عادل در ادامه خواستار رسیدگی و پی‌گیری جدی‌تر این موضوع از سوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس و وزارت امور خارجه شد. رئیس مجلس از وزارت خارجه خواست گزارش مبسوطی از روند پی‌گیری و رسیدگی به پرونده چهاردیپلمات را به مجلس ارائه کند.

خبرگزاری مهر

با استقرار دولت جدید لبنان، پرونده دیپلمات‌های ربوده شده با سرعت بیشتری پی‌گیری می‌شود

کمال خرازی در دیدار خانواده‌های چهاردیپلمات ایرانی، با اشاره به تلاش‌هایی که برای روشن شدن سرنوشت این عزیزان توسط وزارت امور خارجه انجام شده، اظهار امیدواری کرد با استقرار دولت جدید لبنان، پرونده این دیپلمات‌ها با سرعت بیشتری پی‌گیری شود. خانواده‌های دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی در لبنان، به مناسبت بیست و سومین سالگرد ربودن آنها، عصر روز سه‌شنبه، با سید کمال خرازی وزیر امور خارجه دیدار و پیرامون آخرین وضعیت این پرونده گفت‌وگو کردند. خرازی در این دیدار، تحولات اخیر لبنان و سوریه را عامل کند شدن روند پی‌گیری‌ها دانست و اظهار داشت: «این عزیزان و اتباع ایران هستند و تلاش بی‌وقفه برای روشن شدن وضعیت آنها، وظیفه همه ماست. درس فریاد ویژه‌ای که به همین منظور اخیراً در لبنان انجام شد، با مقامات عالی‌رتبه این کشور و همچنین دبیرکل حزب الله، رایزنی‌های فشرده‌ای انجام گرفت و همه مقامات لبنان تاکید کردند که با اهتمام خاص، موضوع را تا روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی، پی‌خواهند گرفت.»

خبرگزاری مهر

دولت دکتر احمدی‌نژاد چهاردیپلمات ربوده شده را بازگرداند

سردار «جزایری» سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از دکتر احمدی‌نژاد خواست در دولت آینده، تمام توان خود را برای بازگرداندن ۴ دیپلمات ایرانی، به کارگیرد. وی گفت: «در گذشته، دولت‌ها فرصت‌های زیادی در اختیار داشتند تا بویژه از طریق مجامع جهانی و دولت‌های حامی رژیم صهیونیستی، تروریست‌ها را به منظور رهایی دیپلمات‌های ایرانی، تحت فشار قرار دهند. متأسفانه سال‌هاست که ظاهراً این موضوع با جدیت پی‌گیری نمی‌شود و عمده اقدامی که جهت آزادی این شخصیت‌ها صورت می‌گیرد، صرفاً از سوی خانواده‌های آنها بوده است. البته چنانچه وزارت خارجه،

اقدام جدی در مورد این پرونده که جنبه حیثیتی برای جمهوری اسلامی ایران دارد، انجام داده، خوب است برای تنویر افکار عمومی، به مردم گزارش دهد»
وی در عین حال اظهار امیدواری کرد که کوتاهی‌های احتمالی گذشته، توسط دولت احمدی‌نژاد جبران و اهتمام جدی از سوی وی برای بازگرداندن این عزیزان به کشور فراهم شود. رئیس روابط عمومی و انتشارات سپاه، در پایان پیشنهاد کرد تا آن زمان، روزی به نام «ربایش دیپلمات‌ها» در تقویم مناسبت‌های کشورمان در نظر گرفته شود.

خبرگزاری مهر

سمیر جعجع تا دوهفته دیگر آزاد می‌شود

پس از کشمکش بر سر قانون برگزاری دوره اول جلسه فوق‌العاده پارلمان لبنان برای انتخاب اعضای کمیسیون و از دستور خارج شدن اتوماتیک پیش‌نویس قانون عفو سمیر جعجع فرمانده نیروهای منحله لبنانی، خبرگزاری رسمی لبنان روز گذشته طی خبری اعلام کرد: «امیل لحود رئیس‌جمهوری لبنان، از دستگاه‌های ذیربط کاخ ریاست جمهوری خواست قانون برگزاری دوره دوم جلسه فوق‌العاده پارلمان را پس از پایان دوره ۱۵ روز کنونی تهیه کنند تا زمینه عفو و یا آزادی سمیر جعجع فراهم شود.»

سمیر جعجع پس از پایان جنگ داخلی لبنان در سال ۱۹۹۰، به جرم دست داشتن در ترورها و اقدامات نظامی از جمله ترور رشید کرامی نخست‌وزیر سابق لبنان در سال ۱۹۸۷ محکوم به زندان شد و همچنان در زندان به سر می‌برد. گفته می‌شود محکومیت جعجع در دست داشتن این مسئله ثابت نشده، اما برخی شکایت‌ها و نیز وجود سه پرونده سنگین در مورد مسائل مختلف دوران جنگ داخلی، موجبات ادامه زندان وی را تاکنون فراهم کرده است. فرمانده نیروهای فالانژیست منحله لبنان پیش‌تر به اعدام محکوم شد، اما در مجازات وی تخفیف داده شد و به حبس ابد محکوم شد.

خبرگزاری مهر

۸۳۹۵ روز گذشت، جهان همچنان خاموش است

بیست و سه سال پیش، در هنگامه آتش و خون، که ملت مسلمان ایران در شادی و جشن آزادی خرمشهر به سر می‌بردند، رژیم اشغالگر قدس که از شکست عظیم عراق در عملیات «الی بیت المقدس» سردرگم شده بود، در طرحی هماهنگ با حکام رژیم بعث عراق، در توطئه‌ای خائنانانه در حق مسلمانان جهان، اقدام به تجاوز به خاک لبنان نمود و بخش‌های عظیمی از سرزمین مهد علم و فقه تشیع را به اشغال خود درآورد. در آن ایام که سردمداران کشورهای عربی، فقط به صدور بیانیه و محکومیت لفظی بسنده کرده و چشمان خود را بر این جنایت عظیم که در حق فلسطینی‌ها و لبنانی‌ها اعمال می‌شد، می‌بستند، غیور مردانی از جمهوری اسلامی ایران، به یاری برادران ستم‌دیده خویش شتافتند.

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۷۳

در غمبارترین روز تیرماه، چهاردهم تیر ۱۳۶۱، اتومبیل سیاسی سفارت جمهوری اسلامی در لبنان، در حالی که از سوی پلیس دیپلماتیک لبنان اسکورت و حفاظت می‌شد، از دمشق پایتخت سوریه، عازم بیروت شد. سید محسن موسوی سرپرست سفارت ایران در بیروت، قصد آن داشت تا در بحران ایجاد شده و هنگامه‌ای که بیروت در آتش جنگ بامتجاوزین به سر می‌برد و سفارت ایران از سوی متجاوزین شدیداً تهدید می‌شد، به محل مأموریت خود برود تا در کنار همکاران ایرانی خویش باشد. حاج احمد متوسلیان وابسته نظامی ایران، باموسوی همراه شد تا در جریان حوادث پیش آمده قرار گیرد. کاظم اخوان خبرنگار و عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی که برای انجام مأموریت خبری خویش به آن سامان اعزام شده بود، با هیئت دیپلماتیک همراه شد. تقی رستگار از دوستان حاج احمد نیز به عنوان راننده هیئت، با آنان همراه گردید.

در بعد از ظهر تلخ چهاردهم تیرماه، هنگامی که اتومبیل سفارت ایران، به پست بازرسی بر باره در شمال بیروت - منطقه تحت سلطه نیروهای مزدور اسرائیل، فالانژیست‌ها- رسید، توسط جیره‌خواران صهیونیست، متوقف گردید و پس از بازگرداندن پلیس‌های محافظ، هیئت دیپلماتیک را وحشیانه به اسارت خویش درآوردند. با وجودی که از اولین ساعات اسارت چهار دیپلمات ایرانی، دولت جمهوری اسلامی ایران خواستار آزادی سریع آنان شد، متأسفانه سردمداران دولت وقت لبنان- خانواده جُمیل- که آن زمان فرماندهی ورهبری حزب کتائب نیروهای فالانژیست را برعهده داشتند، با وعده‌های پوچ، باعث گذر زمان بر این فاجعه عظیم و طولانی‌ترین گروگان‌گیری تاریخ معاصر شدند. در طی این ۲۳ سال، فرماندهان نظامی و امنیتی نیروهای فالانژ، ایلی حبیقه و سمیر جعجع به انحاء مختلف، مسئولیت اسارت گروگان‌های ایرانی را به گردن دیگری انداخته‌اند و همین امر باعث شده است تا در طی این سال‌ها، اخبار بسیار ضد و نقیضی از سلامت یا شهادت این عزیزان منتشر شود. آنچه مسلم است، در طی این سالیان سخت و شکننده، که تلخ‌ترین ایام برای خانواده‌های این دلیر مردان بوده، دولت جمهوری اسلامی از نظر سیاسی و دیپلماتیک، آنچه را که در توان خویش داشته‌است، در سطح جهانی و منطقه به کار گرفته‌است. جناب آقای خاتمی رئیس‌جمهوری نیز سال گذشته در دیدار با خانواده این چهار گروگان، قول داد که تا پایان دوره ریاست جمهوری‌اش، این مسئله را به نتیجه مشخص و روشن برساند، اما هنوز که هنوز است پاسخی روشن به خانواده‌های این چهار دیپلمات داده نشده‌است.

فرهنگ‌سرای پایداری، در پایان از کلیه نهادهای مسئول، بویژه دستگاه دیپلماسی کشور، می‌خواهد که در این قضیه پی‌گیرتر و جدی‌تر عمل نمایند و باتوجه به این که ۲۳ سال از این موضوع می‌گذرد، شواهد زنده بودن چهار دیپلمات ایرانی را بررسی نمایند و روشن کنند آیا این ادعاها کذب است یا واقعیت دارد؟ و جواب روشنی به خانواده‌های این عزیزان بدهند تا پس از ۲۳ سال خانواده‌های این چهار عزیز از نگرانی و چشم‌انتظاری رها شوند.

فرهنگ‌سرای پایداری

سیاست روز

۱۳۸۴/۴/۱۸ = ۹ جولای ۲۰۰۵

عکس احمد متوسلیان را با لباس فرم سپاه چاپ می‌کنیم، آن وقت می‌گوییم «دیپلمات ما!» در حاشیه مراسمی که توسط بنیاد حفظ آثار و کنگره شهدا و اسرای دانشگاه‌های جهان اسلام به مناسبت بیست و سومین سالگرد ربوده شدن ۴ دیپلمات ایرانی، ۱۴ تیرماه در سالن سیدالشهدای تهران برگزار شد، فرصتی دست داد تا با حمید داودآبادی (محقق و نویسنده) که تحقیقات فراوانی را برای روشن شدن سرنوشت احمد متوسلیان، محسن موسوی، تقی رستگار مقدم و کاظم اخوان حتی در خود لبنان انجام داده، داشته باشیم. آنچه می‌خوانید متن کامل گفت‌وگوی متفاوت خبرنگار شریف‌نیوز با وی است:

«این مجلسی که الان گرفتند (اشاره به مراسم سالگرد ربوده شدن ۴ دیپلمات در سالن سیدالشهدا) یک مجلس ترحیم بود، یعنی از آن دسته گل‌های عظیم و گران‌قیمتی که گذاشتند و سخنرانی‌هایی که شد، این کاملاً معلوم بود. چرا؟ چون عادت کردیم هر سال توپ را توی زمین دیگری بیندازیم و مشکل عدم پی‌گیری درست سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده ایرانی را، هر سال به گردن دیگران بیندازیم. متأسفانه دوستانی که سخنرانی کردند، همین کار را کردند. یعنی آمدند حالا مثلاً دولت جدید، دولت قبلی، همه دولت‌ها را زیر سوال بردند، و یکی نیامد بگوید که خود ما چه کار کردیم؟ یعنی جاداشت که فرمانده سابق سپاه بیاید اینجا بگوید که من در دوران ۱۵ سال فرماندهی ام در سپاه، این کار را برای پی‌گیری این مسئله انجام دادم؛ یاد دیگران، مثلاً آقای ولایتی بیاید اینجا بگوید که من این کار را کردم؛ اما متأسفانه چنین چیزی وجود ندارد. یعنی اگر این افراد هم بیایند، می‌گویند که دیگران مثلاً وزارت اطلاعات، وزارت امور خارجه و... کوتاهی کردند. به همین خاطر از این مجالس چیزی در نمی‌آید.

یک کمیته پی‌گیری در مجلس ششم تشکیل شد که رئیس آن کمیته آقای «محسن آرمن» بود. باید بیاید اینجا. یقه‌اش را بگیرند. بودجه قرار داده شده، طرح ریخته شده، وقت بیت‌المال گرفته شده، توی مجلس این بحث‌ها را کرده‌اند، پس نتیجه آن چه شد؟!

کمیته جدید، آقای «علی ربیعی» و دیگر اعضای کمیته را بیاورند بنشانند اینجا. حداقل خانواده‌ها باید این جرات و جسارت را به خرج بدهند. از دیگران صدایی در نمی‌آید چون خودشان مسئولند. شما نمی‌توانید از رئیس برخی ارگان‌ها و سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها یقه‌گیری کنید، چون خودشان بدهکارند به این قضیه؛ اما خانواده‌ها می‌توانند یقه‌شان را بگیرند و به پاسخ بکشند که شماها در طی این مدت چه کار کرده‌اید؟ آخرش باید این سناریو یک جایی قیچی بشود؛ یا شهادت اینها و یا اسارت اینها؛ اما هر سال می‌بینیم که یک داستان جدیدی ساخته می‌شود؛ هر سال یک بازی جدید. امروز من تلویزیون را نگاه می‌کردم، خیلی جالب بود؛ تلویزیون یادش آمد ۴ تا گروه‌گان داریم. یک مصاحبه از مصطفی دیرانی در لبنان پخش کرد که چیز مهمی گفت. جالب بود. دیرانی می‌گفت: «ما در اسارت که بودیم، یکی از این بازجوهای اسرائیلی آمد به من گفت: قیافه تو شبیه سید محسن موسوی است. حتماً این بازجو

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۷۵

موسوی را دیده بود که به من می‌گفت قیافه تو عین سید محسن موسوی است.» این خیلی مهم بود. چرا این هیچ انعکاسی پیدانکرد؟

یک سوالی که همیشه توی ذهن من بوده و دوست داشتم بروم آن‌بالا به آقایان بگویم، این بود که این احمد حبیب‌الله کی بود؟ آخرش گفتند مرد. این وجود خارجی داشت یا نداشت؟ و اکنون پسرش وجود خارجی دارد یا ندارد؟ مصاحبه واحد برون‌مرزی صداوسیما با او، کجاست؟ چرا صداوسیما پخش نمی‌کند؟ یک بار یک عکس از او نشان بدهند. آن فلسطینی که در لندن گفته با اینها هم سلول بوده، کجاست؟ حتی اسم او مشخص نیست. بعضی‌ها نمی‌خواهند قضیه را به سرانجام برسانند. حال کی نمی‌خواهد...!!

پس نیاید مراسم بگیرید، چون این فایده‌ای ندارد. مگر اینکه بیچاره خانواده‌ها را دق بدهیم یک‌روز بگویم شهید شدند، یک‌روز بگویم اسیر هستند. متأسفانه این یک‌بازی غیرهماهنگ با خانواده‌هاست. یعنی خانواده‌های بیچاره هر لحظه منتظر شنیدن خبری جدید هستند، ولی آقایان خیلی ساده خانواده‌ها را بازی می‌دهند. پدر و مادر کاظم اخوان که فوت کردند و رفتند. بقیه آنها هستند. راه کار این است که آنهایی که مسئولند، مثلاً آقای علی ربیعی، باید بیاید و قضایا را مشخص کند. متأسفانه خود ما داریم قضیه ۴ دیپلمات را خیلی سفت و سخت به ران آراد گره می‌زنیم در حالی که ران آراد ربطی به اینها ندارد. آقا! بروید برای ۴ دیپلمات خودمان سفت و سخت بایستید.

بله ... گفتند که غربی‌ها برای گروگان‌های شان ... بله؛ شما مسئول بودید در زمان گروگان‌های غربی. چرا برای گروگان‌های خودمان کاری نکردید؟ آمریکا برای گروگان‌های غربی فیلم «گروگان‌ها» را ساخت. فیلم «منطقه جنگی» را ساخت. برای «جان مک‌کارتی» خودش راکت؛ این قدر پوستر و کتاب زدند. اما شما، اگر توانستید در عرض این ۲۴ سال، یک کتاب گیریاورید که زندگی‌نامه این چهار تا آدم توی آن باشد. یک کتاب ۵۰ صفحه‌ای!

الان پشت بلندگو می‌گویند فاتح بیت المقدس... فلان و بیسار؛ عکسش را با لباس فرم سپاه چاپ می‌کنیم، آن وقت می‌گوییم دیپلمات‌ها! ما یک فیلم از زندگی حاج‌احمد متوسلیان ساختیم و آخرش گفتیم که حاج‌احمد در لبنان ر بوده شد؛ اینها این تکه را حذف کردند. گفتیم خب ما بگویم حاج‌احمد کجا گم شد؟! گم شد دیگر. حذف کردند و گفتند نمی‌توانیم بگویم اینها لبنان بودند. گفتم پس بگویند خودمان را داریم فیلم می‌کنیم!

از آمریکا، یک نفر کتابی برای من آورد که زندگی حاج‌احمد در آن نوشته شده؛ تمام لحظه به لحظه گروگان‌گیری‌ها نوشته شده، همه بحث‌هایی که بادیگران بوده، به همه اینها پرداخته شده، اما ما واقعیات را داریم از ملت خودمان دریغ می‌کنیم والا غربی‌ها ریز به ریز چیزها را می‌دانند. شما بروید کتاب «ویلات وطن» نوشته «روبرت فیسک» و یا کتاب «الحصاد» نوشته «جان کوولی» را بخوانید، تمام اینها قضیه حاج‌احمد و همراهانش را نوشته‌اند، که حاج‌احمد چه کسی بود؟ حالا ما می‌خواهیم پوشانیم که حاج‌احمد سپاهی بوده؟!!

۵ روز بعد از ربوده شدن حاج احمد - ۱۹ تیر ماه - مجله پیام انقلاب عکس حاج احمد متوسلیان را زد و مصاحبه کرد و زیرش نوشت: «برادر احمد، فرمانده نیروهای اعزامی سپاه به لبنان» خب، پس این چیه؟ ما تکلیف خودمان را با گروگان‌های مان مشخص نکرده‌ایم. بله اینها دیپلمات بودند. زمان جنگ بوده و رفتند آنجا و اسیر شدند. ما هنوز از دولت لبنان هم درست نخواسته‌ایم و هنوز بالتماس واستخاره داریم از دولت لبنان پی‌گیری می‌کنیم! اگر دولت لبنان می‌خواهد، در مورد سمیر جعجع درست پی‌گیری کند.

آخرش هم می‌گویم، که اسرائیل یک گزارش هفتاد صفحه‌ای داده و ریزه‌ریز قضیه گروگان‌گیری در آن هست. آقای عباد بیاید این را منتشر کند و یا می‌آمد در اینجا تشریح می‌کرد که این گزارش چه می‌گوید. من لیست بلندبالایی از اسامی افرادی دارم که از این ۴ ایرانی خبر دارند، اما کسی به سراغ آنها نمی‌رود. همه آنها نیز هستند. در فرانسه، استرالیا، کانادا، حتی در خود لبنان، خیلی‌ها هستند.

سال ۱۳۷۹ رویبر حاتم مصاحبه کرده، آن موقع می‌گوید که من نوام کالمه تلفنی گابی بستانی با ایلی حبیقه را دارم که ایلی حبیقه به اودستور می‌دهد که «برو از این ۴ ایرانی بازجویی کن و بعد هم آنها را بکش.» آن موقع در مورد این نوار صحبت کرد، اما هیچ‌کس به سراغ این نوار نرفت؛ حالاً می‌آیم مثلاً برای خودمان نوار ساختگی درست می‌کنیم! چرا کسی به سراغ رویبر حاتم همان زمان که همه روزنامه‌ها نیز سخنان او رازدند و تکذیب هم نکرد، نرفت؟ همان گابی بستانی الان لبنان است و دارد زندگی می‌کند. نادر سکر الان لبنان است و التماس کرده که بیاید از سفارت، من بودم و لحظه به لحظه جریان را برای شما تعریف می‌کنم.

یابرای آقایان تکلیف کاملاً معلوم شده است و می‌گذارند که ماها این پایین بازی کنیم و بده‌بستان‌هایی داریم! و یا واقعا آنها هم در این قضیه گیج مانده‌اند. از دست ما که کاری بر نمی‌آید؛ چون نهایت می‌توانیم ۲ تا مصاحبه انجام بدهیم یا مطلبی بنویسیم، اما مسئولین نظام بی‌برورگرد، در خبر گرفتن از اینها خیلی دست‌شان باز است و راحت می‌توانند از دولت لبنان بخواهند که سمیر جعجع یا هر فرد دیگری را بیاورند و تکلیف را معلوم کنند. چرا از این قدرت‌ها استفاده نمی‌شود؟ همه اینها مسئولند اما فقط اینها نیستند...

سایت اینترنتی شریف‌نیوز

۱۳۸۴/۴/۱۹ = ۱۰ جولای ۲۰۰۵

از کنار قضیه سمیر جعجع به راحتی نگذرید

فرهنگ‌سرای پایداری در بیانیه‌ای، از مسئولین جمهوری اسلامی درخواست کرد که از کنار قضیه آزادی سمیر جعجع به راحتی نگذرند و خواستار بازجویی جعجع توسط دولت لبنان شوند. در این بیانیه آمده است: «هم‌اکنون نقطه‌ای روشن در پرونده چهار دیپلمات ربوده شده به وجود آمده است و آن آزادی قریب‌الوقوع سمیر جعجع یکی از عوامل دستگیری این چهارتن، از زندان لبنان است. جعجع فردی

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۷۷

است که می‌تواند اطلاعات دقیقی از چهار دیپلمات ایرانی ارائه دهد و می‌توان با کسب اطلاعات دقیق و درست از وی، به ابهام ۲۳ ساله سرنوشت این عزیزان پایان داد.»

فرهنگ‌سرای پایداری، در پایان این بیانیه خواستار آن شده است: «مسئولین امر که تاکنون وظیفه پی‌گیری این پرونده را داشتند، تا قبل از به پایان رسیدن دولت جناب آقای خاتمی، از دولت لبنان قضیه سمیر جعجع را پی‌گیری نمایند، چون اگر جعجع آزاد شود، چه بسا مثل ایلی حبیقه کشته شود و کلیه اطلاعات مربوط به ۴ دیپلمات را با خود دفن کند و معلوم نیست در آینده بتوان بار دیگر فرصت این چینی را به دست آورد تا به این چشم‌انتظاری پایان داد.»

سیاست‌روز

۱۱ جولای ۲۰۰۵ = ۱۳۸۴/۴/۲۰

دولت سرنوشت دیپلمات‌ها را با ارائه پیشنهاد بازجویی از سمیر جعجع پی‌گیری کند

«مهدی کوچک‌زاده» عضو کمیسیون اصل‌نود مجلس، گفت: «بازجویی از جعجع می‌تواند منجر به اطلاعات مفیدی در مورد سرنوشت این ۴ مظلوم شود. به نظرمی‌رسد آزاد کردن این فرد توسط دولت لبنان در شرایطی که به مدت ۲۳ سال هیچ اطلاعی از وضعیت این دیپلمات‌ها در دست نبوده، کار صحیحی نباشد. آزادی جعجع قطعاً منجر به پنهان‌شدن وی و از دست رفتن تمامی سرخ‌های این واقعه خواهد بود.»

خبرگزاری فارس

۱۲ جولای ۲۰۰۵ = ۱۳۸۴/۴/۲۱

خانواده دیپلمات‌های ربوده شده با مراجعه به کمیسیون اصل‌نود طرح شکایت کنند

«سیدعلی ریاض» عضو کمیسیون اصل‌نود مجلس، ضمن اعلام آمادگی این کمیسیون در خصوص پی‌گیری پرونده ربوده شدن دیپلمات‌های ایرانی در لبنان، اظهار داشت: «خانواده دیپلمات‌های ربوده شده با مراجعه به کمیسیون اصل‌نود طرح شکایت کنند. پرونده ربوده شدن دیپلمات‌های ایرانی در لبنان، بایستی با جدیت بیشتری دنبال شود و برای دستیابی به نتیجه در مورد این پرونده، تحرک جدی سیاسی داخلی و بین‌المللی از طرف ایران لازم است. برای این منظور کمیسیون اصل‌نود و کمیسیون امنیت ملی مجلس وارد این موضوع خواهند شد.»

وی با اشاره به وجود کمیته حقوق بشر در کمیسیون اصل‌نود اضافه کرد: «در صورت طرح شکایت خانواده دیپلمات‌ها به کمیسیون اصل‌نود، با ایجاد هماهنگی این کمیسیون با وزارت امور خارجه و کمیسیون امنیت ملی مجلس، این موضوع را در سطح بین‌المللی دنبال می‌کنیم. در صورت شکایت این عزیزان، دست کمیسیون اصل‌نود در پی‌گیری این پرونده باز خواهد بود و می‌توان ادعا کرد که این پرونده مدعی دارد. اگر احتمال زنده بودن این افراد در لبنان وجود داشته باشد، محافل بین‌المللی مدعی حقوق بشر بایستی در این زمینه پاسخ‌گو باشند و ان‌شاءالله روزی شاهد آزادی این عزیزان باشیم.»

خبرگزاری فارس

۲۷۸ □ کمین جولای ۸۲

۱۳۸۴/۴/۲۲ = ۱۳ جولای ۲۰۰۵

برای آزادی چهار دیپلمات، سمیر جمعج باید بازجویی شود

جمعی از دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، در نامه‌ای خطاب به سید محمد خاتمی رئیس‌جمهوری، خواستار پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات در بند رژیم صهیونیستی در مدت باقی‌مانده از ریاست جمهوری وی شدند. در این نامه، از رئیس شورای عالی امنیت ملی خواسته شده تا با پی‌گیری مجدانه، سرنوشت چهار فرزند اسیر ایرانی، این پرونده مهم سیاست خارجی دولت خود را به سرانجام برساند. در ادامه این نامه آمده است: «بی‌شک ادامه اهمال در خصوص رسیدگی به وضعیت این دیپلمات‌ها، شائبه بی‌اهمیتی چنین موضوعاتی را که هیچ‌گونه نفع مادی یا استفاده‌ایزاری را برای رسانه‌های دولت نخواهد داشت، تقویت می‌نماید.»

دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی با اشاره به آزادی قریب‌الوقوع سمیر جمعج از زندان وزارت دفاع لبنان، از خاتمی خواسته‌اند این فرصت باقی‌مانده را غنیمت دانسته و در راه اطلاع از سرنوشت چهار دیپلمات، از اطلاعات ارزشمند وی استفاده نمایند. این دانشجویان در ادامه نامه خود خطاب به رئیس‌جمهوری آورده‌اند: «عدم استفاده از اطلاعات ارزشمند افرادی چون سمیر جمعج، موجب این نگرانی است که روزی فرابرسد که امکان دسترسی به او وجود نداشته باشد و آنگاه دولت‌های آینده کشورمان، انگشت حسرت به خاطر عدم تحرک به موقع دولت شما برده‌ان خواهند داشت.»

در پایان این نامه، ضمن انتقاد از مسئولان کنونی کمیته پی‌گیری سرنوشت این دیپلمات‌ها، از رئیس‌جمهوری و نمایندگان مجلس شورای اسلامی خواسته شده با تشکیل یک کارگروه که اطلاع از سرنوشت این گروگان‌ها برای آنها واقعا مهم باشد، سرنوشت واقعی این عزیزان برای همه خصوصا خانواده‌های چشم‌انتظار آنها مشخص گردد.

خبرگزاری مهر

ایران از لبنان بخواهد که رباینده دیپلمات‌های ایرانی مورد محاکمه قرار گیرد

«علیرضا اکبری» رئیس «موسسه پژوهش‌های راهبردی» (تصمیم)، با اشاره به احتمال آزادی تنها سرنخ واقعه ربایش دیپلمات‌ها در چند روز آینده، گفت: «ایران از لبنان بخواهد که سمیر جمعج به‌طور مستقیم مورد محاکمه قرار گیرد و یا وی را در اختیار مراجع صالحه بین‌المللی قرار دهد. دیپلمات‌های ما توسط شبه‌نظامی‌های فالانژ تحت رهبری سمیر جمعج ربوده شده‌اند و چون نیروهای فالانژ در آن زمان تحت کنترل نیروهای رژیم صهیونیستی بودند، بنابراین ارتباط جمعج با نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی کاملا واضح است. طبق مدارکی که نزد دولت‌های ایران و لبنان موجود است، شخص سمیر جمعج به واسطه فرماندهی فالانژیست‌ها، ارتباط مستقیم و مباشر با گروگان‌گیری دیپلمات‌های ایرانی دارد.»

وی ضمن اشاره به احتمال آزادی جمع‌جوع در چند روز آینده، تصریح کرد: «دولت لبنان امروز در جهت اجرای تعهدات حقوقی خود، می‌بایست حداقل تاتعیین وضعیت دیپلمات‌های ربوده‌شده، جمع‌جوع را به‌عنوان مسئول این امر در اختیار داشته‌باشد و بخواهد که همه‌اطلاعات خود را در مورد وضعیت این عزیزان بیان کند.»

مشاور سابق وزیر دفاع، به وجود نوعی رخوت در دیپلماسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی اشاره کرد و افزود: «همه مسئولان در دولت‌های مختلف، خواستار آزادی این عزیزان بودند و همه می‌دانستند که دیپلمات‌ها توسط چه کسانی ربوده شده‌اند، اما به واسطه وجود نوعی رخوت، نتیجه قابل توجهی را شاهد نبودیم. از سال ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۵ میلادی، دولت جمهوری اسلامی برای بررسی این مسئله تلاش کرد، اما دستگاه سیاست خارجی ما قادر نبود یک پاسخ ولونسبی و تقریباً قانع‌کننده، راجع به حق مسلم عده‌ای از شهروندان ما یعنی خانواده‌های دیپلمات‌های ربوده‌شده ارائه دهد، این مسئله ناشی از یک رویکرد همراه با «انطباق‌پذیری منعطف» بوده است. متأسفانه دستگاه سیاست خارجی ما نوعاً از معضلی به نام انطباق‌پذیری منفعلانه رنج می‌برد. مسئله این است که ده‌ها دیپلمات، جاسوس یا افراد غربی بوده‌اند که در لبنان و خاورمیانه ربوده‌شده بودند و بین سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۶ میلادی وساطت‌ها و تلاش‌های دیپلمات‌های ایرانی بود که موجب آزادی آنها شد، حال چگونه است که راجع به خودمان این اتفاق نیفتاد.»

خبرگزاری فارس

۱۳۸۴/۴/۲۴ = ۱۵ جولای ۲۰۰۵

نامه سرگشاده تشکل‌های دانشجویی به سید محمد خاتمی

در ادامه پی‌گیری‌ها برای بازجویی از سمیر جمع‌جوع، تعدادی از تشکل‌های دانشجویی، در نامه‌ای به سید محمد خاتمی رئیس‌جمهوری و رئیس شورای عالی امنیت ملی، خواستار به‌کارگیری تمام ظرفیت دیپلماتیک و نفوذ سیاسی خود و کشور در منطقه و جهان اسلام در واپسین روزهای عمر دولت وی برای روشن شدن واقعیت وضعیت ۴ دیپلمات ربوده‌شده ایرانی در لبنان شدند. در نامه سرگشاده انجمن اسلامی دانشجویان مستقل، جنبش عدالت‌خواه دانشجویی، جامعه اسلامی دانشجویان و کنگره شهدا و اسرای دانشگاه‌های جهان اسلام، خطاب به سید محمد خاتمی آمده است: «آقای خاتمی؛ تلاش‌های گذشته شما و دیگر دولتمردان، هنوز گره‌ای از این ماجرا نگشوده است و این راز سربه‌مهر، همچنان در پرده ابهام است. آقای خاتمی؛ اکنون در حالی روزهای پایانی دولت شما با بیست و سومین سالگرد ربوده‌شدن این عزیزان همراه شده است، که سرخ اصلی این ماجرا، سمیر جمع‌جوع فرمانده سابق فالانژها در دست کشور دوست مان یعنی لبنان است. فرصت را دریابید و تمام ظرفیت دیپلماتیک و نفوذ سیاسی خویش و جمهوری اسلامی را در منطقه و جهان اسلام به‌کار گیرید تا پرده از واقعیت این ماجرا برداشته شود.»

۲۸۰ □ کمین جولای ۸۲

جناب آقای خاتمی؛ اقدامات سریع، قاطع و پرشتاب دولت شما، با استفاده از حسن همجواری و روابط نزدیک سیاسی و پیوندهای تاریخی، فرهنگی، دینی با دولت لبنان و امیل لحود (رئیس جمهوری این کشور) و پیگیری مجدانه، انقلابی و بدون فوت وقت دستگاه‌های دیپلماسی، اطلاعاتی و امنیتی تحت مدیریت شما، در شرایطی که تلاش‌های بسیاری از سوی برخی نمایندگان پارلمان لبنان برای رهایی سمیر جعجع و سخت شدن و نامعلوم بودن دسترسی به وی در آینده، صورت گرفته است، حداقل انتظار دانشجویان و دانشگاهیان و کم‌ترین خواست ملت مسلمان و مومن ایران از دولت جمهوری اسلامی ایران است. فرصت را از دست ندهید. این آزمونی بزرگ برای بروز و ظهور روحیه انقلابی و آرمان‌خواهی و قدرت و توانایی رایزنی و دیپلماسی دولت شماست. همچنین، گروه‌ها و تیم‌هایی که تا به حال مسئول بررسی و پیگیری این موضوع بوده‌اند، باید به‌طور شفاف نتایج تحقیقات خود را در اختیار رسانه‌ها قرار دهند تا سرنوشت این پرونده در اذهان عمومی مردم مشخص گردد. دل‌ها و چشم‌های بسیاری، رفتار گره‌گشای شما را به انتظار نشسته‌است. ما را مایوس نکنید.»

خبرگزاری مهر

۲۵/۴/۱۳۸۴ = ۱۶ جولای ۲۰۰۵

دوره ریاست جمهوری خود را با افتخار آزادی چهار فرزند غیور ملت ایران پایان دهید
جمعی از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف، در نامه‌ای خطاب به سید محمد خاتمی رئیس جمهوری، خواستار رسیدگی فوری به سرنوشت چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی از طریق سرنخ‌های موجود در طول مدت باقی مانده از ریاست جمهوری وی شدند.

خبرگزاری مهر

۲۶/۴/۱۳۸۴ = ۱۷ جولای ۲۰۰۵

یقین داریم که دیپلمات‌های ربوده شده زنده‌اند

سیدراند موسوی در کنفرانسی خبری که با حضور خبرنگاران رسانه‌های گروهی در خبرگزاری فارس برگزار شد، گفت: «آخرین اخبار ما از سرنوشت چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی، حکایت از آن دارد که یک سال و نیم پیش، یکی از افرادی که در مبادله حزب الله و رژیم صهیونیستی توسط این رژیم آزاد شد، به ما گفت که این افراد را در زندان حیفا دیده و وقتی عکس افراد مختلفی را برای شناسایی به او نشان دادند، او تصویر این چهار نفر را شناسایی کرد و همچنین شواهد متعدد دیگری نیز وجود دارد که نشان می‌دهد دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی از طریق بندر جونیه از طریق یک کشتی به اسرائیل منتقل شده‌اند.»

فرزند سید محسن موسوی، که به همراه مادر خود در این کنفرانس خبری حضور یافته بود، افزود: «بعد از شش ماه یا یک سال از ربوده شدن این ۴ دیپلمات، به دستور حضرت آیت الله خامنه‌ای - که در آن زمان رئیس جمهوری بودند - کمیته‌ای برای پیگیری این جریان تشکیل شد و در طی حدود ۱۰ سال،

پی‌گیری‌های خوبی در این زمینه صورت گرفت اما، هم جنگ داخلی در لبنان جریان داشت، و هم خود ما درگیر جنگ تحمیلی بودیم و این پی‌گیری‌ها تا آن زمان منجر به آزادی این چهار دیپلمات نشد و نتایج این پی‌گیری‌ها وقتی به صحنه دیپلماسی کشورمان رسید، متأسفانه دستگاه دیپلماسی کشورمان نتوانست هیچ‌کاری از پیش ببرد. متأسفانه مسئولان فقط در سالگرد ربوده شدن این چهار نفر به یادشان می‌افتد که ما چهار هموطن ربوده شده داریم که سال‌ها از ربوده شدنشان توسط یکی از بزرگ‌ترین دشمنانمان می‌گذرد و دیگر هیچ؛ ما واقعا نمی‌دانیم چرا مسئولان همچنان به اهمال در پی‌گیری سرنوشت این چهار نفر ادامه می‌دهند، چون ما می‌خواهیم بدانیم. به‌رحال آیا خانواده‌های این ۴ نفر حق دارند بدانند که سرنوشت این چهار نفر چه شده است یا نه؟ ما بر اساس شواهد متقن موجود، یقین داریم که دیپلمات‌های ایرانی زنده‌اند و امکان پی‌گیری درست برای به نتیجه رساندن این پرونده مهم نیز وجود دارد، چون سرنخ‌های خوبی از این ماجرا در دست داریم که نباید بگذاریم آنها به راحتی از دست بروند.»

وی با تأکید بر این که این مسئله باید از افرادی که در این مورد اطلاعات و اخباری دارند، پی‌گیری شود، افزود: «هرچه سریع‌تر باید به سراغ افرادی که از زندان‌ها آزاد شدند و می‌گویند که یا آنها را دیده و یا شنیده‌اند که آنها زنده‌اند، رفت و از آنها در این رابطه اطلاعات گرفت.»

موسوی با اشاره به دیدار خانواده‌ها با ایلی حبیقه که یکی از عوامل اصلی ربودن چهار دیپلمات ایرانی بوده است، گفت: «چند سال پیش وقتی با او دیدار کردیم، حبیقه نشانی مکانی در لبنان را به ما داد که می‌گفت این چهار نفر مدتی در آن مکان نگه‌داری می‌شده‌اند و ممکن است از خود اثری در آنجا باقی گذاشته باشند. اما هیچ‌کس به سراغ آن مکان نرفت که نشانی از آنان بیابد. در سفر دکتر خرازی به لبنان که خانواده‌ها نیز او را همراهی می‌کردند، این مسئله با پیشنهاد ما مطرح شد که سفارت ایران در لبنان طی بیانیه‌ای اعلام کند هر فردی اطلاعاتی در مورد چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی بدهد، جایزه دریافت می‌کند. چون خیلی‌ها که در جریان کارهای فالانژها بودند، افرادی عادی بودند که با پول کار می‌کردند و الان اطلاعات خوبی دارند، اما طی این دو سال که این پیشنهاد مطرح شد، اقدام موثری برای عملی شدن این پیشنهاد صورت نگرفت. باید پی‌گیری‌ها برای به نتیجه رساندن سرنوشت چهار دیپلمات مستمر باشد و به همین علت باید کمیته‌ای در این زمینه وجود داشته باشد که اعضای آن، هیچ‌کار دیگری به جز پی‌گیری این مسئله نداشته باشند و تمام وقت خود را صرف پی‌گیری این جریان کنند.»

وی با اشاره به کم‌کاری کمیته‌ای که از جانب آقای خاتمی مسئول پی‌گیری این مسئله شده بود، گفت: «متأسفانه کمیته‌ای که آقای خاتمی به ریاست علی ربیعی حدود یک سال و نیم پیش تشکیل داد، هیچ اقدام موثری انجام ندادند و در این یک سال و نیم، تنها کار این کمیته دسته‌بندی اطلاعات موجود بود و حتی هیچ اطلاعات جدیدی نیز به آن افزوده نشد. اگر آن‌گونه که اخبار و اطلاعات نشان می‌دهد، این عزیزان زنده باشند و به واسطه عدم پی‌گیری مسئولان، به شهادت برسند، ما پس از شکایت در دادگاه عدل الهی، در هر دادگاه بین‌المللی که ممکن باشد، از ایران شکایت خواهیم کرد.»

موسوی با اشاره به تنها سفر رئیس‌جمهوری ایران به لبنان بعد از انقلاب، که انتظار می‌رفت آقای خاتمی این مسئله را مطرح کند، گفت: «در این سفر، از سوی آقای خاتمی هیچ‌نامی از چهار دیپلمات ربوده شده مظلوم کشورمان که در لبنان ربوده شده‌اند، برده نشد و وی، حتی در سخنرانی عمومی‌اش - اگر چه پی‌گیر نکردند، اما حداقل برای دل‌خوشی هم‌شده - در جمع مردم لبنان در استادיום این کشور نیز، نامی از این چهار نفر نبرد.»

وی با اشاره به مسئولیت دولت لبنان در این پرونده، گفت: «دولت لبنان باید جست‌وجوی کاملی در خاک خود انجام دهد و نتایج را رسماً اعلام کند و برای پی‌گیری این مسئله با توجه به این که اینها دیپلمات ایران در لبنان بودند، از مسئولیت لبنان نمی‌توان گذشت.»

موسوی در مورد اظهارات کسانی که مدعی کشته شدن این چهار نفر هستند، افزود: «کسانی که ادعای کشتن این افراد را دارند، در پی‌گیری‌های بیشتر، بارها اظهاراتی متناقض بیان کرده‌اند و تاکنون هیچ کس نگفته که من صحنه کشته شدن اینها را دیده‌ام و اگر دقت کنید، اکثر اخباری که دال بر شهادت این افراد است، فقط در حد تحلیل است و هیچ دلیل محکمی برای آن وجود ندارد، در حالی که اسرائیل برای نگه‌داری این چهار نفر، دلایل بسیاری دارد.»

وی تأکید کرد نبیه بری رئیس‌مجلس لبنان، به آنان گفته که حاضراست شاهدی را معرفی کند که شهادت دهد این افراد زنده‌اند، و افراد دیگری نیز هستند که اینها را زنده دیده‌اند، اما کسی هنوز به سراغ آنان نرفته و لزوم تشکیل یک پرونده بین‌المللی در این زمینه نیز ضروری به نظر می‌رسد.»

خبرگزاری مهر

تنها خواسته ما روشن شدن حقیقت است

«غلامرضا رستگارمقدم» برادر یکی از چهار دیپلمات ربوده شده، با تأکید بر مسئولیت مسئولان کشورمان و نیز دولت لبنان، از آنان خواست که باتلاشی مستمر و پی‌گیر، حقیقت را در مورد سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی روشن کنند. برادر تقی رستگارمقدم، در کنفرانس خبری که در خبرگزاری فارس برگزار شد، گفت: «هم پدران ما، وهم خودما، دنبال روشن شدن سرنوشت برادرم و همراهانش بوده‌ایم ولی تاکنون که به نتیجه‌ای نرسیده‌ایم. مگر این ۴ نفر به دستور چه کسانی به لبنان رفتند و برای چه هدفی از جان خود گذشتند، و علیرغم جنگ شدید در لبنان، در این کشور باقی ماندند؟»

خبرگزاری مهر

مسئولان در هر مذاکره دیپلماتیک مسئله چهار دیپلمات را مطرح کنند

مریم مجتهدزاده همسر سید محسن موسوی، در کنفرانس خبری خبرگزاری فارس، اظهار داشت: «افراد و شاهدانی که در جریان این آدم‌ربایی بوده و در مورد سرنوشت محسن و همراهانش

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۸۳

اطلاعاتی دارند، اکنون در کشورهای مختلف از جمله در خودلبنان وجود دارند و می‌توان با کسب اطلاعات دقیق و درست از آنان، به ابهام ۲۳ ساله سرنوشت این عزیزان پایان داد. اگر دیربچنینم، شاید وقتی به خودمان بیایم که همه اینها نیز از دست رفته باشند و دیگر نتوانیم ردی از این چهاردیپلمات پیدا کنیم.»

مجتهدزاده با اشاره به برخی شواهد موجود که حاکی از زنده بودن دیپلمات‌های ربوده شده است، گفت: «میشل عون فرمانده وقت ارتش لبنان، تقریباً شش سال بعد از ربوده شدن این چهار نفر، اعلام کرد که این افراد زنده هستند و در مکانی در کوهستان‌های لقلوق لبنان نگاه‌داری می‌شوند. میشل عون اکنون به صحنه لبنان بازگشته و می‌توان از او در این رابطه اطلاعات خوبی کسب کرد. احمد حبیب‌الله بارها اعلام کرده که چهاردیپلمات ایرانی زنده‌اند، اما آن‌قدر کسی سراغ او نرفت که فوت کرد، ولی اکنون فرزند او اطلاعات خوبی از این موضوع در دست دارد که باید هرچه سریع‌تر به سراغ او رفت.»

خبرگزاری مهر

پی‌گیری‌ها مقطعی بوده، مسئولان و رسانه‌ها فعالیت خود را تمرکز دهند

برادر احمد متوسلیان، ضمن انتقاد از پی‌گیری ضعیف مسئولان برای روشن شدن سرنوشت چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی، گفت: «ما هیچ اطلاعی از سرنوشت احمد و همراهانش نداریم و متأسفانه مسئولان، ما را در جریان کارها نگذاشته‌اند.»

متوسلیان با اشاره به سفر خانواده‌های چهاردیپلمات ربوده شده ایرانی به همراه وزیر امور خارجه کشورمان به لبنان، گفت: «یک سال پیش، با خرازی به بیروت رفتیم و با مسئولان مختلف دیدار کرده و همه آنها قول پی‌گیری دادند ولی این پی‌گیری‌ها نیز در همان مقطع قطع شد.»

برادر دیپلمات ربوده شده کشورمان، تأکید کرد: «امیدواریم فعالیت رسانه‌ها و مسئولان کشورمان برای روشن شدن سرنوشت این عزیزان تمرکز داشته و استمرار یابد.»

خبرگزاری مهر

دفاع از خبرنگاران نباید گزینشی باشد

شاهرخ سلطان‌احمدی خواهرزاده کاظم اخوان، در کنفرانس خبری خبرگزاری فارس، در پاسخ به این سوال که: «انتظار شما از خبرنگاران برای پی‌گیری سرنوشت یکی از همکاران‌شان یعنی کاظم اخوان، چیست؟» گفت: «کاظم اخوان یک عکاس و خبرنگار بود و می‌توان سرنوشت او را از راه‌های صنفی نیز پی‌گیری کرد، اما متأسفانه در طول این ۲۰ سال، این جریان از پی‌گیری رسانه‌های ما بی‌نصیب بوده است و من معتقدم که در دفاع از خبرنگاران، نباید گزینشی عمل شود. در این سال‌ها فرصت‌های زیادی را برای پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات مظلوم کشورمان از دست دادیم.»

سلطان احمدی با انتقاد شدید از منادیان حقوق بشر و آزادی در جهان، گفت: «مجامع بین‌المللی هیچ حرکت موثری برای حقوق بشری که همواره دم از آن می‌زنند، برای به نتیجه رساندن پی‌گیری سرنوشت این چهار دیپلمات انجام ندادند و ما در همین جا از «پاپ» درخواست می‌کنیم که از طریق مسیحی‌های لبنان، خواستار روشن شدن این پرونده مهم ۲۳ ساله شود.»

وی ضمن تشکر از اقدامات خبرگزاری مهر و فارس در پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی، صداوسیما و سایر رسانه‌های کشورمان را مورد خطاب قرارداد که چرا اقدامات موثر و مستمری را برای پی‌گیری سرنوشت این ۴ ایرانی انجام ندادند، و گفت: «رسانه‌های ما برای پی‌گیری این جریان نباید انفعالی برخورد کنند، و نباید فعالیت آنان محدود و مقطعی باشد و همواره باید از موضع پرسش‌گری، سرنوشت این افراد را از مسئولان امر مطالبه کنند. اگر امثال اقداماتی که خبرگزاری‌های مهر و فارس در حال انجام آن هستند، از چندی پیش آغاز شده بود، دست یافتن به حقیقت چندان مشکل نبود، اما متأسفانه کوتاهی‌های زیادی صورت گرفت و تا زمانی که این مسئله در ابعاد ملی پی‌گیری نشود، همچنان در ابهام باقی خواهد ماند.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۴/۴/۲۷ = ۱۸ جولای ۲۰۰۵

دولت لبنان نمی‌تواند از زیر بار مسئولیت سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی شانه خالی کند

ده‌ها نفر از دانشجویان ایرانی، پیش از ظهر امروز، به دعوت انجمن اسلامی دانشجویان مستقل، در اعتراض به عدم پی‌گیری درست سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی، در مقابل سفارت لبنان تجمع کردند. این تجمع، در پی خبر آزادی سمیر جعجع در روزهای آینده از زندان لبنان، برگزار شد و خواسته دانشجویان این بود که باتوجه به این‌که این شخص یکی از سرخ‌های اصلی سرنوشت مبهم چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی است، باید پیش از آزادی از زندان، از وی بازجویی شود. چون او در حال از سرنوشت گروگان‌های ایرانی آگاه است. اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه‌های سراسر کشور، که برای این تجمع مجوز دریافت کرده بود، پلاکاردهایی منتشر کرده بود که بر روی آنها نوشته شده بود: «آقای امیل لحود، سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی را مشخص کنید - باتوجه به قرابت اعتقادی همگامی سیاسی دولت ایران با دولت لبنان، ما خواهان پی‌گیری وضعیت ۴ دیپلمات ایرانی مفقود شده در لبنان هستیم - مادانشگاهیان خواهان مشخص شدن سرنوشت سرمایه‌های این نظام، حاج احمد متوسلیان، تقی رستگار مقدم، کاظم اخوان و سید محسن موسوی هستیم - برادران و مسئولان سفارت لبنان، پی‌گیری سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی قبل از آزادی سمیر جعجع خواسته مادانشجویان است - آزادی سمیر جعجع در صورت مشخص نبودن وضعیت دیپلمات‌های ایرانی بر نگرانی‌های ملت ایران خواهد افزود.»

در پایان این تجمع، یکی از دانشجویان، نامه سرگشاده‌ای را خطاب به امیل لحدود رئیس جمهوری لبنان قرائت کرد، که این نامه در دیداری که نمایندگان دانشجویان با عدنان منصور سفیر لبنان داشتند، به وی تقدیم شد.

خبرگزاری مهر

نامه سرگشاده دانشجویان ایرانی به امیل لحدود

جمعی از دانشجویان ایرانی، در نامه‌ای سرگشاده به امیل لحدود رئیس جمهوری لبنان، نسبت به عدم پی‌گیری صحیح سرنوشت چهاردیپلمات ربوده شده ایرانی توسط دولت لبنان، اعتراض کردند. متن این نامه، درحاشیه تجمع اعتراض آمیز انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل در برابر سفارت لبنان، به سفیر این کشور تسلیم و برای حاضران در تجمع نیز قرائت شد. در بخشی از این نامه آمده است: « ۲۳ سال است فرزندان برومند این آب و خاک انقلابی، که در کشور دوست و برادر لبنان ربوده شده‌اند، در وضعیت نامعلومی به سر می‌برند و بیست و سه سال است پدران و مادران و همسران و فرزندان کاظم اخوان، تقی رستگارمقدم، احمد متوسلیان و سیدمحسن موسوی، کم‌ترین اطلاع و خبری از عزیزان‌شان ندارند. آقای رئیس، بیست و سه سال است این سرمایه‌های ارزشمند اسلام، انقلاب و ایران، به عنوان سندا فتخار، آزادی خواهی و استقلال طلبی، سرگذشت مبهمی دارند. آقای لحدود؛ مادانشجویان، امروز صدای مظلومیت و فریاد بلند غربت اخوان، رستگارمقدم، متوسلیان و موسوی در گوش جهانیان و پژواک اندیشه‌های در حصارمانده برادران مان، و بازتاب روح رهایی بخش فرزندان این ملتیم.

آقای رئیس؛ اکنون فرصت تاریخی برای گشایش راز سربسته مهر شده وضعیت چهاردیپلمات ایرانی، با در اختیار بودن سرنخ زنده ماجرای ربایش یعنی سمیر جعجع، به دست آمده است. دانشجویان ایرانی در ادامه نامه خود به رئیس جمهوری لبنان، تاکید کردند که خواستار یاری و مدد دولت دوست و برادر لبنان، خصوصا شخص وی، برای مشخص شدن وضعیت عزیزان دربند هستند. آنها در ادامه نامه خود نوشتند: «آقای رئیس؛ ما با آزادی سمیر جعجع پیش از روشن شدن سرنوشت مبهم و نامشخص چهاردیپلمات ایرانی، مخالفیم. ما دولت لبنان را درکشف سری که بیست و سه سال بغض‌ها را در گلو نگه داشته است، مسئول می‌دانیم و تصمیم جسورانه و رفتار انسانی شما درباره وضعیت فرزندان ملت ایران، درحافظه تاریخی مان ثبت خواهد شد و اقدام شما در روشن شدن سرنوشت چهاردیپلمات ایرانی، جایگاه و منزلت دولت لبنان را در اذهان جامعه ایران ارتقا خواهد بخشید.

آقای رئیس؛ مادانشجویان بی‌صبرانه چشم انتظار اقدام انقلابی شما در راستای روشن شدن سرنوشت کاظم اخوان، تقی رستگارمقدم، احمد متوسلیان و سیدمحسن موسوی می‌باشیم.»

خبرگزاری مهر

اراده‌ای منسجم و پایدار در پی‌گیری پرونده دیپلمات‌های ربوده‌شده لازم است

سعید ابوطالب نماینده مردم تهران، پی‌گیری مقطعی پرونده امام‌موسی صدر و دیپلمات‌های ربوده‌شده ایران در لبنان را، مفید ندانست و خاطر نشان کرد: «برای به‌سرانجام رسانیدن این دو پرونده، وجود یک اراده منسجم و پایدار از طرف دولت، مجلس و رسانه‌ها ضروری است. در مورد مسئله ۴ دیپلمات ایرانی و همچنین امام‌موسی صدر که از خیلی جهات شبیه به هم هستند، در طی این سال‌ها اگرچه تلاش‌های مقطعی انجام شده، ولی متأسفانه به نظر می‌رسد که اراده منسجم و مکملی برای پی‌گیری و به‌سرانجام رساندن هر دو پرونده وجود نداشته‌است.»

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس، با مقایسه شرایط زمان ناپدیدشدن دیپلمات‌ها و شرایط امروزی ایران، یادآور شد: «شرایط امروز کشور و وضعیت امروز سیاست بین‌المللی ما، با اوایل انقلاب، یعنی سال‌هایی که این اتفاق برای دیپلمات افتاد، متمایز می‌باشد. ضمن این‌که موقعیت طرف‌های مقابل ما نیز تضعیف شده‌است. لیبی دیگر در شرایطی نیست که تعیین‌کننده باشد و گروه‌هایی همچون فالانژیست‌ها که در آن سال‌ها در لبنان صاحب‌اقتدار بودند و دیپلمات‌عزیز ما را ربودند، در حال حاضر در زندان‌های لبنان هستند و جزو گروه‌های معارض هستند و هیچ پایگاه قانونی و مردمی ندارند. در این شرایط، اگر اراده‌ای در داخل جمهوری اسلامی ایران شکل بگیرد، می‌تواند هر دو پرونده را به‌سرانجام برساند. لزوماً به‌سرانجام رساندن پرونده ممکن است با شنیدن اخبار خوش همراه نباشد. نتیجه مطلوب این است که ۴ دیپلمات ما و همچنین امام‌موسی صدر، صحیح و سالم به ایران تحویل داده شوند، ولی یکی از اهداف دست‌پایین جمهوری اسلامی بایستی این باشد که بالاخره این پرونده به‌سرانجام برسد، یعنی اگر اتفاق ناخوشایندی نیز برای این عزیزان افتاده باشد، باید مشخص شود و مقصرین آن شناسایی شوند و این امکان با توجه به شرایط بین‌المللی و موقعیت استراتژیک جمهوری اسلامی وجود دارد.»

وی با بیان این مطلب که به‌دست آوردن نتیجه دو پرونده، نشان‌دهنده شان و اقتدار جمهوری اسلامی است، افزود: «اگر حکومتی نتواند موضوعی از این دست را که به‌منافع شهروندان مربوط می‌شود به نتیجه برساند، برای شایسته این حکومت زیاد جالب نخواهد بود. مجموعاً می‌بایست اراده‌ای در درون حاکمیت ایجاد شود تا بتواند این پرونده را به‌سرانجام برساند. در مقام مقایسه بین حکومت خودمان با دیگر کشورها نیستیم، ولی در مورد حادثه هواپیمای لاکربی، دولت آمریکا اراده کرد و این پرونده را با مشخص کردن عاملان این حادثه و مجازات آنها، به‌سرانجام رساند. به‌عنوان حقوق‌شهروندی، مجلس بایستی یک کمیته حقیقت‌یاب تشکیل دهد و همه گزارشاتی را که در داخل و خارج از کشور وجود دارد، متمرکز کند، و این مسئله را تبدیل به یک پرونده حقوقی کند تا در مجامع بین‌المللی قابل دفاع و پی‌گیری باشد.»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۸۷

وی به نقش قوه قضائیه در مرحله دوم این فرآیند اشاره کرد و افزود: «قوه قضائیه بایستی این اراده را داشته باشد که پرونده را در سطح بین‌المللی پی‌گیری کند. اعتقاد دارم که اگر این مسیر را تا آخر برویم، حتماً به نتیجه خواهیم رسید و خیلی کم‌تر از سال‌هایی که گذشته است، وقت صرف خواهد شد. صرف‌نظر از این که با پی‌گیری این پرونده‌ها به چه نتیجه‌ای برسیم، به سرانجام رسانیدن این پرونده برای خانواده دیپلمات‌ها و خانواده امام موسی صدر مفید و موثر خواهد بود.»

خبرگزاری فارس

۱۳۸۴/۴/۲۸ = ۱۹ جولای ۲۰۰۵

رئیس‌جمهوری در راستای حفظ منافع ملی موضوع دیپلمات‌های ربوده‌شده را دنبال کند

«سید نظام مولا هوپزه» نماینده مردم دشت آزادگان، گفت: «دکتر احمدی‌نژاد، در راستای حفظ منافع ملی، موضوع دیپلمات‌های ربوده‌شده را در دستورکار داشته باشد. اکنون که چند روز از سالگرد ناپدید شدن دیپلمات‌های ایرانی می‌گذرد، به جاست که این مسئله همچنان در کانون توجهات رسانه‌ای قرار گرفته و مسئولان ذیربط، بویژه در وزارت خارجه، از اقدامات روزمره خود جهت روشن کردن سرنوشت این عزیزان و رفع نگرانی خانواده‌های معزز آنان، گزارش‌هایی را به استحضار ملت شریف ایران برسانند. بی‌گمان دولت دکتر احمدی‌نژاد در راستای حفظ و مصونیت‌بخشی به منافع ملی کشور، مسئله ناپدید شدن چهارتن از عزیزان، بالاخص سردار سرفراز و همیشه قهرمان، احمد متوسلیان فرمانده رشید لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) که با حماسه‌آفرینی‌های جسورانه و شجاعت‌آمیز خود در جبهه‌های نبرد، روزهای دشوار جنگ را به لحظه‌های شیرین و ماندگار مبدل ساخت، با جدیت دنبال خواهد کرد و آن را به‌عنوان یک مسئله ملی، در دستورکار دائمی خود قرار خواهد داد. از سوی دیگر، پیشنهاد می‌شود نمایندگان محترم، جهت تجلیل از پایداری و مقاومت خانواده‌های سرفراز این عزیزان، و ماندگاری یاد و خاطره دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی، هفته‌ای را به نام «هفته دیپلمات‌های ربوده‌شده» تعیین نموده و مسئله را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، از طریق کمیته مشترک دولت و مجلس، دنبال کنند.»

خبرگزاری فارس

۱۳۸۴/۴/۲۹ = ۲۰ جولای ۲۰۰۵

طرح شکایت ایران در دادگاه‌های لبنان علیه عاملین ربوده‌شدن دیپلمات‌های ایرانی

سخن‌گوی وزارت امور خارجه، با اشاره به اقدامات این وزارتخانه در خصوص تعیین سرنوشت دیپلمات‌های ربوده‌شده، گفت: «وزارت امور خارجه در حال بررسی ادعاهای جدید سمیر جعجع مبنی بر این که از سوی وی دستور تحویل دیپلمات‌های ایرانی به بخش امنیتی نیروهای لبنانی - ایلی حبیقه - داده شده، می‌باشد و طرح شکایت در دادگاه‌های ذیصلاح لبنان علیه عاملین این اقدام، در دستورکار ما قرار دارد تا طی آن، مسئله به شکل جدی و شفاف، از طریق مراجع ذیصلاح قضائی مورد تعقیب قرار گرفته و عاملین این گروگان‌گیری مشخص و رای دادگاه اجرا گردد. علاوه بر لبنان،

تلاش‌های همه جانبه‌ای از طریق سایر کشورهای ذی‌نفوذ در منطقه، بویژه سوریه و سازمان‌های بین‌المللی و سازمان ملل و بویژه شخص دبیرکل، به‌عمل آمده و این تلاش‌ها همچنان ادامه خواهد یافت. اعتقاد داریم که این افراد زنده هستند و مسئولیت سلامت ایشان برعهده رژیم صهیونیستی است و باید عواقب آن را به‌عهده گیرد و وزارت امور خارجه با جدیت این موضوع را در دستورکار پی‌گیرانه و مستمر خود دارد.»

خبرگزاری فارس

۱۳۸۴/۴/۲۸ = ۱۹ جولای ۲۰۰۵

بازجویی از سمیر جعجع رمزگشایی سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی است

روز گذشته پس از آن‌که تعدادی از دانشجویان برای پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی در مقابل سفارت لبنان تجمع کردند، با سفیر لبنان دیدار کردند. عدنان منصور سفیر لبنان، پس از آن‌که تاکید کرد این چهار دیپلمات ایرانی علاوه بر دیپلمات بودن، میهمانان ملت لبنان بودند، گفت: «نباید اتهامات بی‌پایه و اساس به افراد لبنانی وارد کرد.»

این اظهارات سفیر لبنان، یکی از دانشجویان حاضر در این جلسه را که خود را دانشجوی رشته حقوق معرفی می‌کرد، به واکنش واداشت. این دانشجو گفت: «اتهاماتی درمورد ربودن چهار دیپلمات ایرانی در سال ۱۹۸۲ متوجه سمیر جعجع است و او نیز اکنون در زندان به‌سر می‌برد و انجام بازجویی به دلیل اثبات یا رد یک اتهام، از نظر حقوقی یک امر مسلم است و شما نمی‌توانید ما را از انجام این کار نهی کنید.»

نکته جالب در این دیدار که دو ساعت به‌طول انجامید، این بود که هرگاه استنادات و استدلال‌های دانشجویان باعث اثبات حقانیت آنان در بیان این مطالبات می‌شد، سفیر لبنان تاکید می‌کرد: «چون این موضوع در گفت‌وگو و تعاملات هیئت‌های دو کشور مطرح است، شما می‌توانید به عنوان اهرم فشاری بردستگاه دیپلماسی ایران، از آنان بخواهید که مطالبات شما از جمله بازجویی از سمیر جعجع را به صورت رسمی با دولت لبنان مطرح کنند.»

نکته قابل‌توجه این‌که عدنان منصور تاکید کرد: «دستگاه قضایی لبنان تشخیص‌دهنده نحوه هدایت دامنه تحقیقات درمورد سرنوشت چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی و از جمله آن، بازجویی از سمیر جعجع است.»

همچنین سفیر لبنان در این دیدار گفت: «سرنخ‌های زیادی برای پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی وجود دارد که قابل پی‌گیری است.» آقای عدنان منصور به این نکته اشاره نکرد که علیرغم وجود تعداد زیادی از این سرنخ‌ها در خود لبنان - از جمله شاهدان زنده بودن این چهار نفر - چرا

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۸۹

تاکنون دولت لبنان اقدامی در این زمینه صورت نداده و به سراغ این افراد نرفته است. در پایان دیدار، دانشجویان نامه سرگشاده به امیل لحود رئیس‌جمهوری لبنان را به آقای سفیر تقدیم کردند. و سفیر لبنان نیز قول داد که این نامه و گزارش کامل این دیدار را همچون دیدار قبلی با دانشجویان (دی‌ماه ۱۳۸۳) به اطلاع دولت لبنان برساند.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۴/۴/۳۱ = ۲۲ جولای ۲۰۰۵

طرح موضوع سرنوشت دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی در سفر بشار اسد به تهران
حمیدرضا آصفی سخن‌گوی وزارت امور خارجه، ضمن تاکید بر پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی، گفت: «این بحث در سفر روز شنبه رئیس‌جمهوری سوریه به تهران، مطرح و راه‌کارهای پی‌گیری این موضوع مورد بررسی قرار خواهد گرفت. ما در حال تهیه مقدمات حقوقی شکایت از عوامل ربودن موسوی، اخوان، متوسلیان و رستگارمقدم در سال ۱۹۸۲ در لبنان هستیم و این شکایات در دادگاه‌های لبنان مطرح خواهد شد و امیدواریم که پی‌گیری‌های ایران برای روشن شدن سرنوشت این عزیزان به نتیجه برسد. آنچه مسلم است، ایران پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ربوده‌شده خود را به هیچ وجه رها نمی‌کند.

گفتنی است «مسعود ادیسی» سفیر ایران در لبنان گفته بود: «از حدود سه سال پیش، کمیته‌ای مشترک از ایران، لبنان و سوریه تشکیل شده که این کمیته تاکنون چند بار تشکیل جلسه داده و ایران نیز از این طریق در حال پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات است.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۴/۵/۱ = ۲۳ جولای ۲۰۰۵

دانشجویان ایرانی مقابل کاخ ریاست‌جمهوری لبنان تحصن می‌کنند

احسان حسنی مدیر فرهنگ‌سرای پایداری گفت: «اعزام دانشجویان به وسیله ۲۰ دستگاه اتوبوس از تهران به سمت سوریه انجام خواهد شد و پس از زیارت اماکن متبرکه سوریه، دانشجویان با سفر به لبنان، در مقابل کاخ ریاست‌جمهوری این کشور تحصن می‌کنند. وی گفت: «این بزرگ‌ترین کاروانی است که برای اولین بار در پی‌گیری سرنوشت این ۴ عزیز راهی لبنان می‌شود. اکنون به واسطه حزب‌الله در حال رایزنی با مقامات لبنانی برای تهیه مقدمات این سفر و برگزاری این تحصن هستیم. در این سفر، خبرنگاران رسانه‌های داخلی و خارجی - یعنی به عبارتی همکاران کاظم اخوان - و همچنین خانواده‌های چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی دانشجویان را همراهی خواهند کرد.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۴/۵/۲ = ۲۴ جولای ۲۰۰۵

از سکوت خبری رسانه‌های ایران در پی‌گیری پرونده دیپلمات‌ها متعجبم

«ستار ناصر» خبرنگار روزنامه «الخلیج»، ضمن اشاره به وجود ضعف در عملکرد دستگاه دیپلماسی ایران در پی‌گیری پرونده دیپلمات‌های ربوده‌شده خاطرنشان کرد: «از سکوت خبری رسانه‌های داخلی ایران در پی‌گیری این مسئله متعجبم. به نظر من دستگاه دیپلماسی ایران در زمینه پی‌گیری حقوقی ربایش دیپلمات‌هایش ضعیف عمل کرده است. پی‌گیری سرنوشت این ۴ نفر، به این صورت درآمده که هر سال یک‌بار در مراسم یادبود ربوده شدن این افراد، مراسمی برگزار می‌شود و بقیه سال به فراموشی سپرده می‌شود.»

وی به سخنان اخیر سخن‌گوی وزارت امور خارجه مبنی بر پی‌گیری سرنوشت دیپلمات‌ها اشاره کرد و افزود: «امیدوارم این بار قضیه به صورت جدی دنبال شود و باگذشت شش یا هفت ماه، قضیه فراموش نشود. دولت ایران نباید اطلاعات سمیر جعجع را از دست بدهد. امروز در سایت‌های اینترنتی می‌دیدم احتمال این می‌رود که بعد از آزادی سمیر جعجع، وی لبنان را به سمت کشورهای غربی ترک‌کند. مطمئناً بعد از این، امکان دستیابی به اطلاعات وی بعید خواهد بود.»

خبرگزاری فارس

ایران پرونده گروگان‌ها را از طریق مراجع قضایی لبنان دنبال می‌کند

مسعود ادیسی سفیر ایران در بیروت، با اشاره به موضوع ربوده شدن چهار دیپلمات ایرانی خاطرنشان کرد: «باتوجه به همکاری دولت و مقام‌های لبنانی، ایران این پرونده را از طریق مراجع قضایی این کشور دنبال می‌کند.»

خبرگزاری جمهوری اسلامی

جهاد سیاسی علیه رژیم صهیونیستی آغاز می‌شود

با جمع‌آوری امضا در شکوائیه‌ای حقوقی برای پی‌گیری چهار دیپلمات ایرانی، جهاد سیاسی علیه رژیم اشغالگر قدس از روز سه‌شنبه آغاز می‌شود. دبیر اجرایی حرکت مردمی برای روشن شدن سرنوشت چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی، گفت: «ما در پی مطرح کردن شکوائیه و دادخواستی عمومی از مراجع حقوقی بین‌الملل در مورد چهار دیپلمات ایرانی هستیم و با این کار مردم از مجامع بین‌المللی می‌خواهند که با مورد مواخذه قرارداد اسرائیل، این چهار دیپلمات را برهانند. برای جهاد سیاسی علیه رژیم غاصب صهیونیستی، از مراجع شیعه استفتاء شده که تاکنون یکی از مراجع این مجوز را صادر کرده و با دیگر مراجع نیز در حال رایزنی هستیم. با آغاز این کار، اسرائیل باید به این فکر باشد که با گردان‌های سیاسی نهضت جهانی اسلام چگونه می‌خواهد مقابله کند. ما به دنبال

این هستیم که با حرکتی مردمی، خواسته‌های خود برای روشن شدن هرچه سریع‌تر سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی را از طریق دادگاه‌های بین‌المللی مطرح کنیم و در این راه نیازمند کمک دولت لبنان نیز هستیم. حرکت مردمی ما برای جهاد سیاسی علیه رژیم صهیونیستی و پی‌گیری مردمی و حقوقی سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی، هیچ ربطی به روی کار بودن این دولت و یا روی کار آمدن دولت جدید ندارد، بلکه تنها یک حرکت مردمی است و از آنجایی که یک حرکت جناحی نیست، از همه گروه‌ها می‌خواهیم که در این راه، به ما کمک کنند. ما در سه نوبت اقدامات مان را گسترش خواهیم داد که در مرحله اول طرح شکایت در مجامع داخلی که از طریق آنان، طرح شکایت حقوقی خود را به طور کامل پی‌گیری خواهیم کرد و در مرحله دوم این که ما حرکت خود را به سمت نهادهایی که داعیه حقوق بشر دارند و وابستگی به دولت‌ها ندارند نیز پیش خواهیم برد و از آنها می‌خواهیم که این موضوع را پی‌گیری کنند و به تمام این سازمان‌ها نیز شکایت خود را ارجاع خواهیم داد. اگر این دو اقدام در طول پرونده‌ای که ما مدنظر داریم جواب‌نداد، گام سوم را بر خواهیم داشت که در همان زمان چگونگی برداشتن گام سوم را مطرح خواهیم کرد.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۴/۵/۳ = ۲۵ جولای ۲۰۰۵

ایران بر آزادی دیپلمات‌های ربوده شده خود اصرار دارد

روزنامه لبنانی المستقبل با انتشار گفت‌وگوی اختصاصی و کوتاه خود با کمال خرازی در این باره افزود: «وزیر امور خارجه ایران در این زمینه خواستار فشار جامعه جهانی بر رژیم صهیونیستی برای آزادی این چهار دیپلمات شد.»

المستقبل در ادامه، در مطلبی به قلم «قاسم قصیر» تحلیلگر این روزنامه، نوشت: «در آستانه آزادی سمیر جعجع از زندان و پس از صدور قانون بخشودگی وی، جمهوری اسلامی ایران تحرک حقوقی و تبلیغاتی جدیدی را برای بازگشایی پرونده دیپلمات‌های ربوده شده خود در لبنان شروع کرده است.» وی ادعا کرد محافل سیاسی در لبنان، این موضوع و ارتباط دادن آن به سمیر جعجع را، بیشتر با اهداف سیاسی و تبلیغاتی می‌دانند، بخصوص که جعجع بارها ارتباط مستقیم خود را با این موضوع رد کرده است. قصیر مدعی شد پس از پایان جنگ داخلی لبنان، سمیر جعجع در دیداری که خانواده‌های این دیپلمات‌ها برای پی‌گیری وضع آنها داشتند، مسئولیت سرنوشت آنها را متوجه ایلی حبیقه مسئول امنیتی نیروهای لبنانی دانست که وی نیز خود را از این مسئولیت مبرا دانسته است.

خبرگزاری جمهوری اسلامی

مجامع جهانی سکوت را بشکنند

۲۹۲ □ کمین جولای ۸۲

تعدادی از دانشجویان، پیش از ظهر امروز، با تجمع در مقابل دفتر سازمان ملل در تهران، خواستار پی گیری مستمر و جدی این سازمان و مجامع بین المللی برای روشن شدن سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی شدند.

خبرگزاری مهر

آغاز انتفاضه سیاسی علیه اسرائیل، از صبح فردا در میدان ولی عصر تهران

روز سه شنبه به عنوان روز آغاز انتفاضه سیاسی علیه رژیم اسرائیل و روز حضور خاموش ملت ایران برای اعتراض به تروریسم دولتی و حمایت از آزادی فرزندان این مرز و بوم اعلام می گردد.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۴/۵/۴ = ۲۶ جولای ۲۰۰۵

جنبش مردمی پی گیری سرنوشت دیپلمات ها اقدام حقوقی دستگاه قضایی را خواستار شد

همزمان با برپایی چادر جنبش مردمی پی گیری سرنوشت دیپلمات ها در میدان ولی عصر، این جنبش با نگارش نامه ای خطاب به رئیس قوه قضائیه، خواستار اقدام حقوقی دستگاه قضایی برای پی گیری این پرونده شد.

خبرگزاری فارس

باید از دولت لبنان بخواهیم برای مشخص شدن وضعیت چهار دیپلمات ایرانی سمیر جعجع را به دادگاه فراخواند

سعید ابوطالب عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، با اشاره به آزادی سمیر جعجع تاکید کرد: «باید گزارشات و اطلاعات و اخبار در اختیار وزارت اطلاعات، سیاست خارجی و مجلس که تاکنون درباره ۴ دیپلمات ایرانی کسب شده، از سوی کمیته سرنوشت این چهار دیپلمات در مجلس، جمع آوری و به یک سند رسمی تبدیل شود. ضمن این که سمیر جعجع سرخ مشخص شدن سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی است، یکی از متهمین اصلی این پرونده است که وظیفه دستگاه سیاست خارجی کشور ما است که اقامه دعوا علیه وی کند و یک پرونده بین المللی برای او تشکیل شود. ما باید باتشکیل این پرونده، از دولت لبنان بخواهیم که به مطالبات کشور ما دقت نظر داشته باشد و سمیر جعجع را در این رابطه به دادگاه فراخواند. داخل کمیته پی گیری سرنوشت چهار دیپلمات، در حال تهیه طرحی هستیم که در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس و در صحن علنی تصویب شود و به صورت قانونی درآید که به دادگاهها اجازه دهد که بتوانند پرونده های بین المللی را پی گیری کنند، زیرا ما از

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۹۳

این نظر دچار نقص قانون هستیم. همچنین این کمیته باید تمام اطلاعات، گزارشات و اخباری که تاکنون تهیه شده را در یک گزارش مفصل تهیه کند و جزو اسناد جمهوری اسلامی ایران ثبت کند. یکی از مشکلاتی که پیرامون سرنوشت دیپلمات‌ها طرح شده اگرچه خیلی از آنها واقعی است، اما مستند نیست به همین دلیل بهتر است که این کمیته که در داخل مجلس تشکیل شده، این اسناد را جمع‌آوری و به صورت مستند ارائه دهد و توسط کارشناسان بررسی و ارائه نظر و به سند رسمی تبدیل شود. همچنین اگر لازم بود، با افرادی مثل سمیر جعجع گفت‌وگو کنیم و یا از دولت مطبوعه‌شان بخواهیم که طی کنوانسیون‌ها و پروتکل‌هایی که ما با آن دولت داریم، بخواهیم که اسناد مورد نیاز را به ما بدهند تا به عنوان گزارش کمیته آماده شود و براساس آن در دادگاه‌ها اقامه دعوا کنیم. به دلیل روابط دوستانه‌ای که بین ایران و لبنان وجود دارد، ما می‌توانیم در این مقطع موضوع را پی‌گیری و به نتیجه برسانیم. در این سال‌ها، به صورت مقطعی فعالیت‌هایی انجام شده ولی هیچ‌وقت متمرکز نبوده و نتوانسته‌ایم پرونده را به سرانجام برسانیم. ممکن است ما از روشن و مشخص شدن این پرونده ناخشنود شویم، ولی بالاخره باید یک اراده ملی و دولتی پشت این پرونده باشد تا متهمان آن مشخص شوند و این پرونده بسته شود. دستگاه سیاست خارجی و دستگاه دیپلماتیک موظف است که این کار را انجام دهد.»

خبرگزاری فارس

۱۳۸۴/۵/۵ = ۲۷ جولای ۲۰۰۵

برای روشن شدن سرنوشت چهار دیپلمات تصمیم به امضای طومار گرفتم

دکتر غلامعلی حداد عادل به صورت سرزده در چادری که از صبح روز گذشته به منظور جمع‌آوری امضای مردمی برای پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی در ضلع شمال غربی میدان ولی عصر (عج) تهران مستقر شده است، حضور یافت و این طومار را امضا کرد. رئیس مجلس شورای اسلامی در حاشیه امضای این طومار در جمع خبرنگاران گفت: «در طول ۲۳ سالی که این چهار نفر اسیر هستند همه نگران سرنوشت آنها هستیم، چرا که این چهار عزیز فرزندان این ملت هستند و برای خدمت به کشور به لبنان رفته بودند که ربوده شدند. همه ملت ایران خواهان آزادی این عزیزان هستند و من نیز از مجلس شورای اسلامی برای اینکه از این اراده مردمی برای روشن کردن سرنوشت چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی حمایت کرده باشم، تصمیم گرفتم این طومار ملی مردمی را پی‌گیری و امضا کنم.»

رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان این که ما همواره با خانواده های این عزیزان در تماس بوده و پی گیر این موضوع هستیم، گفت: «امضای این طومار برای این است که به خانواده ها بگوییم تنها نیستند بلکه مردم نیز حامی آنها در پی گیری سرنوشت این عزیزان هستند.»

وی دلیل امضای این طومار را اعتراض به برخورد دوگانه با سرنوشت این چهار ایرانی دانست که سازمان های بین المللی، برای آزادی این عزیزان هیچ عکس العمل مناسبی از خود نشان نداده اند و افزود: «ملت ایران با امضای این طومار نشان می دهند که این موضوع باید به صورت جدی در سطح بین المللی پی گیری شود. ما در سال گذشته دیداری با خانواده های این عزیزان داشتیم و کمیسیون امنیت ملی نیز همواره پی گیر سرنوشت این چهار عزیز است و امیدواریم که هر چه زودتر شاهد بازگشت این قهرمانان به وطن باشیم.»

گفتنی است منوچهر متکی رئیس کمیته سیاست خارجی مجلس، رضا طلایی نیک رئیس کمیته دفاعی مجلس و الهام امین زاده عضو کمیسیون امنیت ملی نیز به همراه دکتر حداد عادل با امضای این طومار در جهاد سیاسی علیه رژیم صهیونیستی شرکت کردند.

خبرگزاری مهر

کمیسیون امنیت ملی کمیته ای ویژه برای پی گیری سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی تشکیل داده است
منوچهر متکی عضو کمیسیون امنیت ملی و رئیس کمیته دفاعی مجلس شورای اسلامی گفت: «کمیسیون امنیت ملی کمیته ای ویژه برای پی گیری سرنوشت چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی طراحی کرده که امیدواریم این کمیته در ارتباط با نهادهای حقوق بشری از طریق وزارت امور خارجه، در کنار خواست عمومی ملت ایران به نتایج خوبی برای روشن شدن سرنوشت این عزیزان برسیم.»

خبرگزاری مهر

مسئولیت نهایی ۴ دیپلمات ربوده شده ایران در لبنان با اسرائیل است

کمال خرازی، وزیر امور خارجه کشورمان پس از پایان جلسه هیئت دولت در جمع خبرنگاران داخلی و خارجی درباره پی گیری آزادی دیپلمات های ایران و ارتباط آن با آزادی سمیر جعجع اظهار داشت: «ما قبل از این که او آزاد شود، چند بار تماس گرفتیم و بازجویی کرده اند و اطلاعاتی از او گرفته اند و طبعاً الان نیز که آزاد است، بهتر می شود این پرسش ها را از او مطرح کرد که ردپایی از دیپلمات ها پیدا شود، ولی اطلاعاتی که تا کنون داریم، حاکی از این است که آنها منتقل شده اند و اطلاعاتی که از داخل زندان های اسرائیل داریم این است که آنها در زندان های اسرائیل بوده اند. لذا مسئولیت نهایی با اسرائیل است که روشن کند که موقعیت آنها چگونه است.»

خبرگزاری ایسنا

دولت حافظ شهروندان خود در داخل و خارج از کشور می باشد

دکتر فروض‌فر، کارشناس مسایل سیاسی، در خصوص ربوده‌شدن دیپلمات‌های ایرانی و نتایج پی‌گیری‌های دولت، گفت: «این قضاوت جامع و درستی نیست که می‌گویند دولت در این راستا هیچ فعالیتی انجام نداده است، دولت حافظ شهروندان خود در داخل و خارج از کشور می‌باشد. ادعاهای سمیر جعجع در رابطه با کشته شدن دیپلمات‌ها در حال بررسی است اما اطلاعات به دست آمده حکایت از زنده بودن آنها دارد. دولت ایران به اندازه کافی اطلاعات مستند و دقیق در اختیار سازمان ملل قرار داده است و ما منتظر رسیدن نتیجه این تلاش‌ها هستیم.»

باشگاه خبرنگاران جوان

۱۳۸۴/۵/۷ = ۲۹ جولای ۲۰۰۵

پی‌گیری حقوقی مجامع بین‌المللی برای آزادی گروگان‌های ایرانی

چهارده حزب و تشکل سیاسی جبهه تحکیم دموکراسی با انتشار اطلاعیه‌ای پی‌گیری حقوقی از طریق مجامع بین‌المللی برای آزادی گروگان‌های ربوده‌شده ایرانی در لبنان را که سال‌ها با سرنوشت نامعلومی مواجه هستند، خواستار شدند.

خبرگزاری فارس

آزادی سمیر جعجع به معنی پایان پیگیری سرنوشت دیپلمات‌ها نیست

شاهرخ سلطان احمدی خواهرزاده کاظم اخوان یکی از دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی در لبنان در پاسخ به این سوال که آیا آزادی سمیر جعجع از زندان و خروج وی از لبنان به معنی به بن‌بست رسیدن پی‌گیری سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی است، گفت: «این اولین و یا حتی آخرین فرصت سوزی وزارت امور خارجه کشورمان در ارتباط با پی‌گیری این پرونده نیست اما با این اتفاق پی‌گیری‌های ما به بن‌بست نمی‌رسد. سمیر جعجع شاه‌کلید حل معمای سرنوشت نامعلوم ۴ دیپلمات ربوده‌شده ایرانی بود که حالا از دست رفته است و دولت ما می‌تواند با طرح رسمی شکایت در محافل چون دادگاه لاهه یا دادگاه جنایات جنگی این موضوع را پی‌گیری کند. مدارک و مستندات محکمه پسند فراوانی بر این امر که جعجع نقش اصلی در ربودن ۴ دیپلمات ما داشته است وجود دارد، اما متأسفانه با آزادی جعجع و خروج وی از لبنان به مقصدی نامعلوم این پرونده تا حدودی در ابهام فروخواهد رفت. اگر همچنان به فرصت‌سوزی و از دست دادن وقت ادامه دهیم روزی فرا می‌رسد که دیگر از افراد حاضر در جریان گروگان گرفته شدن ۴ دیپلمات ایرانی کسی

باقی نمی‌ماند و افراد دیگری که در این پرونده به صورت مستقیم دخالت نداشتند نیز مسئولیتی به عهده نمی‌گیرند. میشل عون از جمله افرادی است که قطعاً اطلاعاتی در این مورد دارد ضمن این‌که ما سرنخ‌هایی از دیگر اعضا و فرماندهان نیروهای فالانژ در نقاط مختلف دنیا داریم که باید اطلاعات آنها در مورد این پرونده اخذ شود و اگر به موقع برای این کار اقدام نشود متأسفانه در آینده کسی پاسخ‌گوی این پرونده نخواهد بود.»

خبرگزاری فارس

۱۳۸۴/۵/۱۰ = ۱ اوت ۲۰۰۵

نهضت رسانه‌ای جدیدی در پی‌گیری سرنوشت دیپلمات‌ها آغاز شده است

رئیس فرهنگ‌سرای پایداری با بررسی فعالیت ۲۳ ساله رسانه‌های داخلی در پی‌گیری سرنوشت دیپلمات‌های ربوده‌شده خاطرنشان کرد: «نهضت رسانه‌ای جدیدی بعد از ۲۳ سال سکوت خبری آغاز شده است.»

حسینی در تشریح فعالیت رسانه‌های داخلی در مورد ۴ دیپلمات ربوده‌شده در طی سال‌های ۶۲ تا ۷۳ خاطرنشان کرد: «برخورد رسانه‌ها با این مسئله از سال ۱۳۶۲ تا سال ۷۳ سکوت خبری محض بوده است و تقریباً می‌توان گفت که در این قضیه در طی این ۱۰ سال هیچ اطلاع‌رسانی نداشتیم. از سال ۱۳۷۳ تا سال ۷۵ پی‌گیری‌ها به صورت مقطعی و ضعیف آن هم توسط چند نشریه از جمله نشریه صبح، روزنامه کیهان و روزنامه جمهوری اسلامی انجام شد.»

وی به حرکت رسانه‌ای در این قضیه در طی سال‌های ۷۵ تا ۸۳ اشاره کرد و بیان داشت: «در این مقطع حرکت‌هایی به طور پراکنده و بدون سازماندهی صورت گرفت. در بعضی شهرها و دانشگاه‌ها و در مجموعه‌های فرهنگی به صورت خودجوش برنامه‌هایی برگزار شد و در طی آن بیانیه‌هایی صادر شد که می‌توان گفت که پرچمدار این حرکت در بین گروه‌ها و تشکل‌های غیردولتی در سال‌های گذشته موسسه فرهنگی عاشورا بود. از سال ۸۳ تا سال ۱۳۸۴ اتفاقات عجیبی پشت سرهم در حال وقوع است. از یک طرف سرنخ‌های جدیدی از ۴ دیپلمات ربوده‌شده به دست می‌آید و از طرف دیگر خیزش جدیدی خصوصاً از طرف رسانه‌ها احساس می‌شود. تغافل رسانه‌ای که ظرف سال‌های گذشته شاهد بودیم و سکوت مرگباری که متأسفانه بین رسانه‌ها حاکم بود باعث شد که صهیونیست‌ها و خصوصاً کسانی که از سرنوشت ۴ دیپلمات مطلع هستند جسورتر شوند و حتی موضوع خلبان مفقود شده خود ران آراد را پررنگ‌تر کنند و ما را در معرض بمباران تبلیغاتی قرار دهند. متأسفانه این مسئله نه تنها باعث مخدوش شدن چهره کشور جمهوری اسلامی در خارج از کشور و به ضرر دیپلماسی و دستگاه سیاست‌ خارجی تمام شد، بلکه آسیب‌های بسیار جدی را به حیثیت داخلی نظام وارد کرد و باعث ایجاد ابهامات زیادی در بین افکار عمومی شد.»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۹۷

حسنى تنها راه مقابله با هجوم تبليغاتی صهيونيزم را فعاليت جدی رسانه‌های داخلی در این مسئله دانست و افزود: «رسانه‌های ما هنوز در اول راهند و هيچ حرکت منسجم و برنامه‌ریزی شده‌ای در پی‌گیری پرونده دیپلمات‌ها نداشته و صرفاً در حد پی‌گیری چند خبر فعاليت کرده‌اند. صدا و سيما می‌توانست از طريق راديو و تلویزیون و به خصوص از طریق کانال‌های تلویزیونی برون‌مرزی این موضوع را جدی‌تر و منسجم‌تر پی‌گیری کند که متاسفانه تا به حال از صدا و سيما در این زمینه تحریکی شاهد نبودیم. متاسفانه از طرف صدا و سيما در سالروز ربه‌ده شدن دیپلمات‌ها فقط چند مصاحبه پراکنده انجام شد، در حالی که به خاطر داریم در ارتباط با دو مستندساز ایرانی که توسط نیروهای آمریکایی اسیر شده بودند، صداوسیما شبانه‌روز این مسئله را پی‌گیری می‌کرد و حتی از زمان ربایش دو مستندساز روزشمار گذاشته بود. الان قریب به ۲۷۰ ماه از اسارت ۴ دیپلمات ایرانی می‌گذرد ولی متاسفانه فعاليت جدی را در رسانه ملی ندیدیم.»

وی با اشاره به اینکه کاظم اخوان یکی از ۴ ایرانی ربه‌ده شده در لبنان، خبرنگار و عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی بوده، تاکید کرد: «متاسفانه رسانه دولتی خبرگزاری جمهوری اسلامی نیز در این چند سال گذشته با یک انفعال خبری در ارتباط با خبرنگار خودش روبه‌رو بود. به نظر من آن‌ها نیز باید حرکتی در خود ایجاد کنند و با عزم جدی‌تر وارد قضیه شوند. در چند هفته گذشته اقدامات خوبی صورت گرفته‌است. هر روز اخبار جدید و برنامه‌های جدید در این زمینه شاهد بودیم و تصور بر این است که اگر به همین شکل ادامه دهیم و بتوانیم شاخک‌های اطلاع‌رسانی کشور را در همه زمینه‌ها و حوزه‌ها فعال کنیم، ان‌شاءالله آینده روشنی برای این پرونده شاهد خواهیم بود.»

رئیس فرهنگ‌سرای پایداری به نشر کتاب «کمین چهارم جولای» از طرف این فرهنگ‌سرا اشاره کرد و افزود: «این کتاب که توسط آقای حمید داودآبادی نوشته شده، روز شمار وقایع و اخبار مربوط به گروگان‌گیری ۴ دیپلمات ایرانی از ۱۴ تیر سال ۶۱ تا ۱۴ تیرماه ۱۳۸۴ است. بی‌نظیر بودن این کتاب به این خاطر است که اولاً تا به امروز هيچ اثر مکتوبی به این شکل در مورد این قضیه وجود نداشته است و در ثانی این کتاب بدون هيچ قضاوت و موضع‌گیری، کل اخبار مربوط به گروگان‌گیری ۴ دیپلمات را تا ۱۴ تیر ۱۳۸۴ ثبت کرده است.»

خبرگزاری فارس

دولت جدید لبنان آزادی دیپلمات‌های ایرانی را در دستور کار خود قرار دهد

دکتر خرازی در دیدار سید حسن نصرالله با اشاره به ضرورت تسریع در تعیین سرنوشت دیپلمات‌های ربه‌ده شده ایرانی، اظهار داشت: «مردم ایران با نگرانی شدید نسبت به سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی،

قضیه ربودن آنها را تعقیب می نمایند و انتظار دارند تا دولت جدید لبنان با اراده جدی تر سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی را در دستور کار خویش قرار دهد.»

خبرگزاری مهر

نامه سرگشاده حرکت مردمی برای پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی به سیدحسن نصرالله حرکت مردمی برای پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی در بند رژیم صهیونیستی در نامه‌ای سرگشاده از دبیر کل حزب الله لبنان خواست که سرنوشت این چهار ایرانی را با جدیت هرچه بیشتر در لبنان پی‌گیری کند.

خبرگزاری مهر

ایران باردیگر پرونده چهار دیپلمات اسیر را گشود

درحالی که همه مدارک و شواهد از حضور چهار دیپلمات ایرانی در زندان‌های رژیم صهیونیستی حکایت دارد، تهران با اعزام یک هیئت رسمی به لبنان باردیگر پرونده دیپلمات‌های ربوده شده خود در لبنان در سال ۱۹۸۲ را به جریان انداخت. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از روزنامه اردنی الدستور، منابع آگاه دریایتخت لبنان از به جریان افتادن پرونده چهاردیپلمات ایرانی ربوده شده پس از آزادی سمیرجعجع فرمانده سابق نیروهای فالانژیست لبنان خبردادند زیرا جعجع به ربودن این چهار دیپلمات درتابستان سال ۱۹۸۲ متهم است. به نوشته این روزنامه، برای مطرح ساختن مسائل اطلاع رسانی و سیاسی و ایجاد یک اهرم فشار برای ازبین بردن پنهان کاری حاکم بر وضعیت سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی، یک هیئت رسمی و مردمی ایران به لبنان رفت.

منابع آگاه خبر دادند: ایرانی‌ها براساس اسناد و مدارک موثقی که دراختیار دارند دیپلمات‌های این کشور دراسرائیل هستند و احتمالاً با ران آراد خلبان اسرائیلی و یا حداقل کسب اطلاعات درمورد سرنوشت مبادله می‌شوند. این منابع افزودند: ایرانی‌ها ازطریق سفارت خود در بیروت می‌توانند پس از بازگشت سمیرجعجع ازخارج با وی تماس برقرار سازند و اطلاعات در مورد دیپلمات‌های ربوده شده کسب کنند.

سمیرجعجع پیش از زندان درمنزل خود با خانواده چهاردیپلمات ایرانی دیدارکرد و به آنها اطلاع داده که در سال ۱۹۸۲ مسئول منطقه شمال بوده و چهار دیپلمات ایرانی را پس از دستگیری، به سازمان امنیت مرکز به ریاست ایلی حبیقه تحویل داده است.

با توجه به آن، این موضوع با جعجع به هنگام حضورش درزندان مطرح شد اما وی حاضر نشد دراین زمینه اطلاعات جدید را ارائه کند. این درحالی است که در اعتراض به اقدام دولت لبنان مبنی برعفو سمیرجعجع از سوی نمایندگان جدید پارلمان، صدها ایرانی در برابر سفارت لبنان در تهران

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۹۹

دست به تجمع زدند. در تهران ایرانی‌ها نامه سرگشاده‌ای را امضا کردند و از دولت شان خواستند در دادگاه جنایات بین‌المللی علیه جعجع اقامه دعوا کند.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۴/۵/۱۱ = ۲ اوت ۲۰۰۵

مسئولان شجاعانه، دلسوزانه و با قدرت آزادی دیپلمات‌ها را پی‌گیری کنند

غلامرضا رستگارمقدم، برادر تقی رستگارمقدم یکی از چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی به نمایندگی از خانواده این دیپلمات در میدان ولی‌عصر حاضر شد و ضمن امضای طومار شکایت مردمی برای رهایی چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی از کسانی که پا در عرصه عمل گذاشته و نسبت به جمع‌آوری امضا برای پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی اقدام کرده‌اند، تشکر کرد.

خبرگزاری مهر

طیف متنوع و گسترده نظرات مردمی در حمایت از دیپلمات جلب توجه می‌کند

با گذشت یک هفته از شروع جمع‌آوری امضاها، مردمی به منظور حمایت و آزادسازی دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی، طیف متنوع و گسترده‌نظراتی که توسط مردم، ضمیمه امضاها شده است جلب توجه می‌کند. به واسطه طیف وسیع و گسترده نظرات مردمی و وجود انبوه نوشته‌های زیبا و خواندنی در این طومار، به نظر می‌رسد جمع‌آوری، کتابت و انتشار این نظرات در یک کتاب باعث ایجاد یک سند تاریخی و ملی خواهد شد.

خبرگزاری فارس

۱۳۸۴/۵/۱۲ = ۳ اوت ۲۰۰۵

اعلام حمایت تشکل‌های مختلف از حرکت مردمی پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی

گروه‌ها و تشکل‌های متعدد فرهنگی، هنری و صنفی با حضور در میدان ولی‌عصر (عج) ضمن امضای طومار مستقر در این میدان، حمایت خود را از حرکت مردمی برای روشن شدن سرنوشت چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی اعلام کردند. از جمله گروه‌هایی که اعضای آنها طی روزهای گذشته با حضور در ضلع شمال غربی میدان ولی‌عصر در جهادسیاسی علیه رژیم صهیونیستی شرکت کردند می‌توان به موسسه خیریه حضرت زینب (س)، انجمن هنرمندان، خانه سینما، انجمن عکاسان جنگ و انقلاب، جمعیت هادیان‌آفتاب، بنیاد فارابی، جمعیت حمایت از ملت فلسطین، موسسه فرهنگی عاشورا، انجمن نابینایان و تعدادی از هنرمندان، صنعتگران و مستندسازان اشاره کرد.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۴/۵/۱۴ = ۵ اوت ۲۰۰۵

۳۰۰ □ کمین جولای ۸۲

اندیشه انسان دوستی ۴ دیپلمات ایرانی توجه مرا به خود جلب می کند

هادی نیکزاد ۲۵ ساله از کشور افغانستان ضمن امضای طومار حمایت از دیپلمات‌های ربوده شده ایران در لبنان اظهار داشت: «اندیشه انسان دوستی دیپلمات‌های ایرانی توجه مرا به خود جلب می کند و من به عنوان یک انسان خود را موظف می دانم برای حمایت و نجات این ۴ نفر آنچه را که می توانم انجام دهم. نمونه حرکتی را که این ۴ نفر انجام دادند را جایی ندیدم. این ۴ نفر به خاطر عزت اسلام و کمک به مسلمانان کمر همت بسته بودند. این که به خاطر کمک به یک مسلمان از یک کشور دیگر جان خود را نادیده بگیرد مساله پرارزشی و عجیبی است.»

هادی که از اهل سنت است، ضمن امضای طومار حمایت از دیپلمات‌ها خاطرنشان کرد: «شیعه و سنی بودن من اهمیت ندارد. این ۴ نفر برای کمک به نوع انسان و مسلمانان به لبنان و سوریه رفته بودند و من هم به عنوان یک انسان و یک مسلمان وظیفه شخصی خود دانستم که کوچک ترین کار یعنی امضای طومار حمایت از این ۴ نفر را انجام دهم. این که من از چه کشور و یا چه دین و مذهبی باشم مهم نیست، مهم این است که در جهادی که مسلمان علیه دولت اسرائیل انجام می دهند شرکت خواهم کرد.»

خبرگزاری فارس

جانباز ۵۰ درصد کرجی پیام آور آزادی گروگان‌های ایرانی می شود

عباس طاهری از آزادگان سرافراز و جانباز ۵۰ درصد جنگ تحمیلی برای رساندن پیام آزادی و مظلومیت چهارگروگان ایرانی در اسارت رژیم صهیونیستی ۳۰۰۰ کیلومتر به دور ۲۷ استان کشور را را خواهد پیمود.

خبرگزاری مهر

المنار می خواهد رنج خانواده های چهار دیپلمات ایرانی را به تصویر بکشد

«محمد شمس» نماینده تلویزیون المنار گفت: «المنار مدام در حال پوشش اخبار پی گیری سرنوشت این چهار دیپلمات مخصوصا در حرکت‌های اخیر است و علاوه بر آن که تا کنون برنامه‌هایی در این زمینه ساخته، اما هم اکنون نیز در پی ساخت برنامه‌ها و به تصویر کشیدن رنج خانواده‌های این چهار نفر در طول این ۲۳ سال هستیم.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۴/۵/۱۷ = ۸ اوت ۲۰۰۵

مظلومیت کاظم اخوان از این حیث است که حتی همکاران وی او را فراموش کرده اند

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۰۱

به مناسبت روز خبرنگار خانواده کاظم اخوان عکاس ربوده‌شده طی بیانیه‌ای خطاب به همکاران خبری کاظم اخوان خواستار پی‌گیری جدی‌تر رسانه‌های داخلی در مورد سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی شدند. در بخشی از بیانیه ضمن گرامی‌داشت شهادت خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی محمود صارمی و دیپلمات‌های ایران در مزارشریف خاطر نشان شده است: « بدون هرگونه سیاه‌نمایی باید از جامعه خبری و هنری کشور سؤال کرد در طول ۲۳ سال گذشته چقدر تلاش شده است که کاظم اخوان را به عنوان یک خبرنگار در داخل و خارج از کشور بشناسیم. چرا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و انجمن‌های صنفی روزنامه‌نگاری و خبرنگاری نتوانسته‌اند توجه جهانیان و خصوصاً روزنامه‌نگاران را نسبت به سرنوشت یک خبرنگار جلب کنند؟ آیا تمام توان و امکانات خبرنگاران برای همکار خبرنگارشان به کار گرفته شده است؟»

خبرگزاری فارس

ضمیمہ ہا

ضمیمه ۱

۱۳۶۶

اظهارات حجت‌الاسلام محتشمی پور

حجت‌الاسلام محتشمی پور سفیر سابق ایران در سوریه، در گفت‌وگو با سالنامه «کیهان سال» ضمن تشریح چگونگی اعزام نیروهای ایرانی به سوریه و لبنان، درباره اسارت چهار دیپلمات ایرانی گفته است: «بعد از گذشت سه الی چهار ماه از حضور نیروهای ما در لبنان، از تهران دستور آمد که چون حاج‌همت به‌عنوان فرمانده نیروهای سپاه در سوریه و لبنان تعیین و منصوب شده، حاج‌احمد متوسلیان به تهران بازگشته و عازم جنوب شود. بعد از آن، یک روز حاج‌احمد به سفارت آمد و گفت: «من می‌خواهم به تهران برگردم، ولی باید برای سپاه، یک گزارشی از بیروت تهیه کنم، به‌همین دلیل می‌خواهم به آنجا رفته، از نزدیک نیروهای اسرائیلی و آرایش نظامی آنها را ببینم.»

در این سفر، کاردار سفارت‌مان آقای موسوی و خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی و یکی دو نفر دیگر، همراه وی بودند. من با این سفر مخالفت کردم. ولی متأسفانه گوش نکردند و باماشین پلاک‌سیاسی و دیپلماتیک حرکت کردند و چون راه از طریق بقاع و جاده بین‌المللی دمشق به بیروت قطع بود و نیروهای اسرائیلی تا نزدیکی «زحله» آمده بودند، هیچ‌گونه تحرکی بین دمشق و بیروت از این راه وجود نداشت. تنها راه باز، از طریق بیروت شرقی و منطقه فالانژیست‌ها و مسیحی‌ها بود که می‌بایست از شمال لبنان رفته و از کنار منطقه ساحلی به بیروت شرقی، و از بیروت شرقی به بیروت غربی و سفارت بروند. این برادران حرکت کردند و از طریق «حمص» وارد خاک لبنان شدند و به طرف طرابلس رفتند و از آنجا وارد بیروت شرقی شده، به مرز بیروت شرقی و غربی که

۳۰۶ □ کمین جولای ۸۲

منطقه‌ای است به نام برباره، رسیدند. در آنجا به یک پاسگاه فالانژیست‌ها که محل تفتیش بود، برخورد کردند. آنها ماشین را متوقف کرده و حادثه در آنجا اتفاق افتاد. بعد از یک روز، از سفارت بیروت خبر دادند که برادران به بیروت نرسیده‌اند. با توجه به این که می باید این فاصله را حداکثر طی ۲۴ ساعت و حداقل ۱۰ ساعت طی می کردند، با گذشت ۴۸ ساعت و نرسیدن آنها به بیروت، مشخص شد که حادثه‌ای رخ داده است. طبیعی بود که این حادثه در منطقه فالانژیست‌ها به وقوع پیوسته باشد.

بعد از ۴ روز، ماشین سفارت در یکی از محله‌های طرابلس که منطقه تحت نفوذ حزب بعث عراق به رهبری دکتر «عبدالمجید رافعی» بود، دیده شد. وقتی برادران سراغ ماشین رفتند، مشاهده کردند لکه‌های خون روی صندلی‌های ماشین وجود دارد. به این ترتیب ما متوجه شدیم که برادران ما ربوده شده‌اند. حالا به وسیله چه کسانی، مشخص نیست. مسئول وزارت خارجه لبنان، که برای منتقل کردن کاردار ما به بیروت، یک نیروی امنیتی با یک ماشین مربوط به سفارت به بعلبک فرستاده بود، می گفت در حجاز مرکز تفتیش فالانژیست‌ها، ماشین را متوقف کرده‌اند و برادرانی را که در ماشین بوده‌اند، دستگیر نموده‌اند. به این وسیله ما فهمیدیم که ربایندگان فالانژیست‌های لبنان به رهبری بشیر جمیل بوده‌اند و از آن تاریخ تا به حال، علیرغم تمام تلاشی که برای آزادی برادران کردیم، نتیجه‌ای حاصل نشد. این برادران دست نیروهای فالانژ و احتمالاً اسرائیلی هستند و الان کسی نمی داند که آنها در کجا هستند و سرنوشت‌شان چیست.»

سالنامه کیهان سال

ضمیمه ۲

۱۳۷۲/۴/۱۴

سرنوشت گروگان‌های ایرانی را روشن کنید

چهاردهم تیرماه سالروز یازدهمین سال اسارت چهارگروگان ایرانی در لبنان است. ۴۰۱۸ روز پیش، این چهار نفر در راه ورود به بیروت، توسط نیروهای فالانژ به گروگان گرفته شدند. حکایت این چهارتن، حکایت مظلومیت است؛ آنها نه تنها در جهان، که در کشور خود نیز غریب هستند. این چهارتن یازده سال است که مورد بی‌مهری واقع شده‌اند و خانواده‌های آنان، هیچ گونه اطلاعی از سرنوشت‌شان ندارند. یازده سال است که ما برای دریافت خبری از آنان انتظار کشیده‌ایم. آنان به قدری مظلوم واقع

شده‌اند که نمی‌توانیم شرح مظلومیت‌شان را وصف کنیم. دردناک‌تر این‌که، هیچ‌کس برای مظلومیت‌آنان فریادی برنیاورده‌است، گویی همه چشم‌های خود را بسته‌اند و آنچه بیشتر ما را رنج می‌دهد، خون‌سردی شدید مسئولان است نسبت به سرنوشت غم‌انگیزآنان.

ما اولین قربانیان گروگان‌گیری در لبنان بودیم، و همچنان آخرین آن باقی‌مانده‌ایم. تمامی گروگان‌های غربی با ملیت‌های مختلف، آزاد شدند و به آغوش خانواده‌های خود بازگشتند، ولی ما همچنان از عزیزان خویش بی‌خبریم. ما با انتظاری روبه‌رو هستیم که پایان آن مشخص نیست. یک‌دهه صبر و سکوت را پشت‌سر گذاشتیم و یازده سال دوران وحشتناک اسارت آنان سپری شد. چه دشوار است زندگی در انتظار! که می‌داند که انتظار با آدمی چه می‌کند؟

آیا کسی هست که رنج و وحشت دلهره‌آمیز ما را درک کند؟ ما روزگار سختی را گذرانیدیم، اما در طول این سالیان، هیچ‌چیز را شایسته‌تر از سکوت نیافتیم و با صبوری و بردباری رنج‌مان را تحمل کردیم، اما دیگر سکوت در این ماجرای اسف‌انگیز نه راه‌صواب است و نه راه‌گشای مشکلات. قضیه گروگان‌های ایرانی در لبنان، جزو موارد استخوان‌سوزی است که نباید مشمول سکوت شود. در این سالیان، ما نگهبانان سکوتی‌سنگین بودیم که بر دوش‌مان سنگینی می‌کرد و خستگی و کوفتگی آن اینک آزارمان می‌دهد. پس از یازده سال، وزارت امور خارجه باید سکوتی را که نسبت به سرنوشت این چهارتن روا شده، بشکند. ما سال‌ها انتظار کشیدیم و چشم‌به‌راه بودیم و آزادی آنها یک‌رویای پرشکوه بود که هرگز به حقیقت نپیوست. آیا برادران مسئول، پاسخ قانع‌کننده‌ای در قبال سکوت خود دارند؟

۱۳۱ ماه است که آنان دربند هستند و چون دستگاه‌های مسئول پس از یازده سال هنوز نتوانسته‌اند برای صورت مسئله پاسخ بیابند، ترجیح داده‌اند که دیگر اصلاً مسئله مطرح نشود، زیرا با پایان یافتن آزادی گروگان‌های غربی، یک مسئله نیست که در مورد آن بحث و گفت‌وگوی جدیدی آغاز شود و گذشته تا حال و آینده آنان دیگر مورد بحث نیست و به فراموشی سپرده‌است. برخلاف آنچه که گفته شده، با آزاد شدن گروگان‌های غربی، به‌طور رسمی این پرونده بسته نشده است. تکیه بر روی آزادی یک‌طرفه گروگان‌های غربی، بی‌اعتنایی به حقوق انسانی تمامی گروگان‌ها بود. از سوی غرب، تلاش‌های خستگی‌ناپذیری برای گروگان‌های غربی که گویا خون‌شان به رنگ چشمان‌شان آبی رنگ است، صورت گرفت. غرب با به‌کار انداختن ماشین دیپلماسی و تبلیغاتی خود، به نحوی دنیاپسندانه، مظلومیت گروگان‌های خود را برای افکار عمومی جهان توجیه کرد. به‌طوری که آمریکا

گروگان‌های جاسوس خود را میهن پرستان مبارز راه‌صلح در سرزمین‌های دوردست توصیف می‌کرد. اما دستگاه دیپلماسی و تبلیغاتی ما، چه نقشی را در مقابل تهاجم روانی آنها ایفا کرد؟ مانیز باید مظلومیت گروگان‌های خود را در سطح جهان مطرح می‌کردیم. ما نظاره‌گر و قانع بودیم، نظاره‌گری که توانایی تحلیل شرایط آینده را نداشت. این ماجرا طیفی از ضعف‌ها را در به‌کارگیری حقوق گروگان‌های مان فراروی ما قرار می‌دهد. آزادی گروگان‌های غربی، یک فرصت تاریخی و استثنایی بود که آن را از دست دادیم. آزادی بی‌قید و شرط و یک‌طرفه آنان یک اشتباه تراژیک بود. ما حادثه را تحمل کردیم و خود را با آن تطبیق دادیم، اما لحظاتی را که اقدامی مناسب می‌توانست جریان آزادی یک‌جانبه گروگان‌های غربی را تغییر دهد، از دست دادیم. فرصت‌های طلایی و پربهایی را از دست دادیم و این ما بودیم که باید بهای آن را می‌پرداختیم. ما، در بازی سکوت کردیم که با تضییع حقوق گروگان‌های مان امتیازهایی واگذار شد. در کم‌ترین زمان ممکن، واقعیت چهره خود را نشان داد. در شرایطی که فکرمی‌کردیم اگر آنها آزاد شوند، از حجم تبلیغات‌شان در مورد تروریسم علیه ما کاسته خواهد شد و یا اموال بلوکه شده ما در بانک‌های آمریکا آزاد خواهد شد، چنین نشد و با آگاهی به سوابق متعدد پیمان‌شکنی آنان، باز هم قول و قرارهای‌شان را قبول کردیم. آن روزها که بازار وعده داغ بود، وعده‌هایی به ما داده شد که هرگز جامه عمل نپوشید. برخی از مسئولان در روند آزادی گروگان‌های غربی، از آزادی همه گروگان‌ها سخن می‌گفتند، اما حقایق بعدی نشان داد که آنها هرگز به‌طور جدی وارد میدان نشدند و به همین جهت حقوق آنان به بازی گرفته شد. هم‌اکنون که بسیاری از فرصت‌ها از دست رفته، باید تلاش مجدانه برای جبران فرصت‌های از دست رفته صورت گیرد. هنوز هم برای ایفای تعهدات اخلاقی دیر نیست. چگونه است که صهیونیست‌ها، حتی برای به دست آوردن استخوان‌های پوسیده سربازان خود، زمین و زمان را به هم می‌دوزند و ما مسلمانان مؤمن در برابر سرنوشت جوانان مؤمن خود بی‌تفاوت نشستیم؟ مگر نه این است که در مکتب ارزشمند ما، زنده و مرده مؤمن عزیز و ارجمند است؟!

حال سوالی اساسی تر مطرح می‌شود: زمانی که وزارت امور خارجه پی‌گیر قضیه نیست، چه کسی باید به این قضیه رسیدگی کند؟ چرا مجلس شورای اسلامی با توجه به وظایف نظارتی خود، به‌طور مستمر از طریق کمیسیون سیاست خارجی، این مسئله را مورد رسیدگی قرار نمی‌دهد؟

ما قربانیان اصلی گروگان‌گیری در لبنان، از تمامی مسئولان برای مشخص شدن سرنوشت آنان استمداد می‌کنیم. این چهارتن هرگز به وطن بازنگشتند و دوران وحشتناک اسارت آنان به کسب

آزادی منجر نشد و این تراژدی همچنان باقی است. رنج‌های دیرین ما چه وقت به پایان خواهد رسید؟ رجعت آنان به وطن، بزرگ‌ترین آرزوی دل این خانواده‌هاست. خانواده‌های اخوان‌علاف، رستگارمقدم، متوسلیان و موسوی

اطلاعات

ضمیمه ۳

۱۳۷۲/۴/۱۶

به مناسبت سالروز اسارت ۴ گروگان ایرانی به دست فالانزهای لبنان

آیامی‌دانید بیش از ۱۱ سال از ماجرای به‌گروگان‌گرفته شدن چهارتن از اتباع‌کشورمان در لبنان می‌گذرد؟ آیامی‌دانید متجاوزان ۴۰۱۸ روز است که خانواده‌های آنان هیچ‌اطلاعی از سرنوشت‌مبهم آنان ندارند؟ آیامی‌دانید خانواده‌های آنان در این سالیان دراز، چه رنجی را تحمل کرده‌اند؟ آری، سال‌هاست که خزان دلم بهار نشده، اما هیچ‌گاه اهل شکوه و شکایت نبوده‌ام. تازه به غم نرسیده‌ام که امروز بخوام شکوه‌کنم. نه قرار آرام از کف داده‌ام و نه این‌که دیگر سیاه‌جامه‌تر از خود کس نمی‌بینم. سعی کردم بازهم چون گذشته خاموش بنشینم، اما در این فرصت کم باقی‌مانده از زندگانی‌ام، نهفتن و نگفتن را مصلحت ندانستم. پس برآن شدم که به زبان پدری پیر، با صراحتی نه برخاسته از غرض، آن چه را بایست بگویم. امید است به حریم‌حرم کسی تعدی نشود، چراکه هدف از چنین‌کاری فقط روشن‌گری افکارعمومی است. انگیزه دیگری که مرا واداشت تا خطوطی را به‌عنوان تذکر به‌صفحه آورم، این بود که مبادا این شیوه وزارت‌امورخارج در برخورد با قضیه‌گروگان‌ها که در نهایت نیز به ارتکاب خطاهایی انجامید، جایگزین شود و درآینده خطر بس‌جدی که همانا عدم‌التزام به رعایت تعهدات‌اخلاقی است، دامن‌گیر سیاست‌خارجی شود و خدشه‌ای برآن واردکنند. البته سخن گفتن در این مجال بسیار فراتر از این محدوده تنگ است و نکاتی که به آن اشاره خواهد شد، تنها به‌عنوان نمونه‌هایی از خطاهایی است که نه در یک مقطع‌خاص، بلکه به‌صورت جریانی‌مستمر، در ماجرای‌گروگان‌ها ادامه‌یافت. این‌حقیر نیز با عینک‌بدبینی و نگرشی‌مات، به اقدامات انجام‌شده درمورد گروگان‌ها نگاه نمی‌کنم، بلکه اقدامات انجام‌شده گذشته را کافی نمی‌دانم و معتقدم که مسئولان گام‌های مؤثرتری در این زمینه می‌توانستند

بردارند و در این زمینه با چالش‌هایی روبه‌رو بودیم که عمداً یا سهواً، از آنها در جهت آزادی گروگان‌های مان استفاده نکردیم.

فرزندم کاظم، در پی آزادسازی خرمشهر و پس از عملیات الی بیت المقدس، برای به تصویر کشیدن جنایات وحشیانه صهیونیست‌ها عازم لبنان شد تا شاید به‌عنوان خبرنگار عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی که از تابستان سال ۱۳۶۰ در ستاد جنگ‌های نامنظم همکاری خود را با آن شروع کرده بود، بتواند نقشی هرچند کوچک در افشای چهره جنایت‌پیشگان تاریخ برعهده بگیرد، اما این میسر نشد و در راه ورود به بیروت، توسط فالانژهای لبنان به اسارت درآمد. او به همراه سید محسن موسوی کاردار سفارت ایران در لبنان، حاج احمد متوسلیان و تقی رستگار مقدم از کارکنان سفارت ایران در لبنان، در چهاردهم تیرماه یک هزار و سیصد و شصت و یک، در مسیر طرابلس به بیروت در منطقه برباره، توسط نیروهای مارونی فالانژ و پیش چشم پلیس لبنان، ربوده شد و از آن سال تاکنون هیچ‌خبر رسمی از آنان به‌دست نیامده است. علیرغم این‌که این چهارتن از اولین قربانیان گروگان‌گیری خارجی‌ها در لبنان بودند، همچنان سرنوشت آنان در برهوتی از ابهام غریبانه و مهجور، سرگردان است. جناح‌های مختلف فالانژ ادعا می‌کنند گروگان‌های ایرانی کشته شده‌اند و هر یک مسئولیت کشتن آنان را برگردن دیگری می‌اندازد. حزب و عد جناح انشعابی فالانژ به سرکردگی ایلی حبیقه، علاوه بر ردا اتهام دست داشتن در قتل چهار گروگان ایرانی، اعلام کرده: چهار ایرانی در پست بازرسی برباره وابسته به نیروهای سمیر جعجع فرمانده دسته نظامیان فالانژ موسوم به نیروهای لبنانی که در آن زمان در کوهستان‌های منطقه متمرکز بودند، بازداشت شده سپس به دستور جعجع به پادگان راشا در کوهستان‌های شهرستان بترون، بخش مسیحی نشین شمال که دسته‌های حزب کتائب در آن مستقر بودند، منتقل شده‌اند و پس از آن جعجع به جورج خوری ملقب به فرانکو، دستور داده آنان را اعدام کند. از طرفی جعجع نیز اعلام کرد چهار گروگان ایرانی به دستور ایلی حبیقه کشته شده‌اند. از طرفی گفته می‌شود این چهارتن به دنبال خروج میشل عون از لبنان، از راه دریا به اسرائیل برده شده‌اند. ایلی حبیقه وزیر امور اجتماعی و معلولین لبنان و سمیر جعجع فرمانده شبه‌نظامیان فالانژ موسوم به نیروهای لبنانی که از دشمنان سرسخت یکدیگر به‌شمار می‌آیند، تاکنون هیچ‌مدرکی دال بر کشته شدن آنان ارائه نکرده‌اند. با توجه به مشخص نبودن سرنوشت گروگان‌های ایرانی در لبنان، و گزارش‌های برخی از دستگاه‌های خبری مبنی بر کشته شدن احتمالی آنان ۱۷۰ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، در جلسه روز ۲۸ اسفند ۱۳۶۸، در بیانیه‌ای اعلام کردند: سرنوشت گروگان‌های غربی در لبنان بستگی به‌خواست

مردم مسلمان لبنان مبنی بر خاتمه توطئه‌های آمریکا در این کشور و نیز روشن شدن وضعیت گروگان‌های لبنانی و فلسطینی در زندان‌های غرب دارد و تبلیغات رسانه‌های استکباری برای جدا کردن سرنوشت گروگان‌های غربی از مسائل لبنان، به شدت محکوم است.

در این بیانیه از مسئولان وزارت امور خارجه خواسته شده بود که در پاسخ به تبلیغات اخیر و پخش شایعه مذاکره پنهانی بر سر گروگان‌های غربی، صراحتاً اعلام موضع و تأیید کند که ایران برخلاف این تبلیغات، در ماجرای گروگان‌های غربی دخالتی نداشته است. همچنین از وزارت امور خارجه خواسته شده که سرنوشت گروگان‌های ایرانی در لبنان را قاطعانه پی‌گیری کند و برای نجات آنان اقدامی جدی به عمل آورد. متأسفانه مسئله گروگان‌های ایرانی در لبنان، در صحنه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و انعکاس آن در رسانه‌های عمومی کشور، تاکنون بسیار کم‌رنگ بوده است. در این مسامحه‌کاری و بی‌تفاوتی، تنها وزارت امور خارجه را نمی‌توان مقصر قلمداد کرد، بلکه رسانه‌های جمعی نیز در به وجود آمدن چنین شرایطی دخیل بوده‌اند و در واقع بی‌توجهی آنها باعث شده در یک دیپلماسی مخفی و روابط بده‌وبستان، سرنوشت این چهارتن تحت الشعاع حوادث و موضوعات سیاسی قرار گیرد. چه دلیلی دارد که وزارت امور خارجه در موقعیت‌هایی که واقعاً فرصت دست‌یابی به آزادی گروگان‌های ایرانی وجود داشته، در صدد بهره‌برداری از موقعیت‌ها بر نیامده است؟ همچنین انعکاس اخبار در مطبوعات و رسانه‌های جمعی، به گونه‌ای بوده که به نظر نمی‌رسد حتی در یک مورد هم وزارت امور خارجه را به دلیل عمل نکردن به تعهداتش نسبت به گروگان‌های ایرانی مقصر قلمداد کرده باشند. مطبوعات ما باید به رسالت‌شان بر اساس آنچه در قانون مطبوعات آمده، عمل می‌کردند. یکی از رسالت‌های مطبوعات در نظام مقدس جمهوری اسلامی، روشن ساختن افکار عمومی است. نقد سیاست‌ها جزء حقوق مطبوعات است و اشتباهات باید نقد شوند. وظیفه مطبوعات، سرپوش گذاشتن و مخفی داشتن و واژگون جلوه دادن و حقیقت را محو کردن نیست، بلکه مطبوعات آینه تمام‌نمای جامعه‌اند و هرگاه به رسالت خود عمل کنند، کارها در تمام سطوح به صورت صحیح و درست انجام می‌گیرد. متأسفانه پس از آزادی گروگان‌های غربی، مطبوعات ما کوچک‌ترین اشاره‌ای به این مسئله نداشتند که به چه دلیلی سرنوشت گروگان‌های ایرانی هنوز روشن نشده است؟

آیا مطبوعات ما می‌توانند با سربلندی و روسفیدی ادعا کنند که به رسالت‌شان در این مورد عمل کرده‌اند؟ همین روزنامه‌هایی که در مناقب فلان خط و جناح، تاکنون هزاران صفحه مطلب

نوشته‌اند، با واکنش بسیارضعیفی که نسبت به قضیه‌گروگان‌ها از خود نشان دادند، درواقع به تعهدات‌شان عمل نکردند. چرا مسامحه‌کاری‌ها نقدنشوند؟ باپرده‌پوشی که نمی‌توان صورت‌مسئله را تغییر داد یا آن را پاک‌کرد. تاریخ به ما می‌آموزد که می‌توان حقایق را برای مدتی مسکوت گذاشت، اما از بین‌بردن حقیقت امکان ندارد و با طفره‌رفتن از قبول واقعیت‌ها، دردی دوانمی‌شود. درشرایطی که ما از فرصت‌مناسبی برای تبلیغات درزمینه‌گروگان‌ها برخورداربودیم، نتوانستیم استفاده‌کنیم. یعنی اصلی که باید درتبلیغات‌خارجی موردنظر قرارگیرد، ارائه به‌موقع اخبارجهان در زمینه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی برای مقابله با دروغ‌پراکنی‌های‌خبری رسانه‌های‌گروهی دنیاست. غرب از سوژه‌گروگان‌ها با برنامه‌های حساب‌شده تبلیغاتی، حداکثر بهره‌برداری را به‌عمل‌آورد و بارها ما را به‌عنوان حامی‌گروگان‌گیرها و تروریست، در دنیا معرفی‌کرد، درحالی‌که ما از اولین قربانیان تروریست و گروگان‌گیری‌خارجی‌ها درلبنان بودیم. گروگان‌های ما در ۵ جولای ۱۹۸۲ روبرو شده‌اند، در حالی‌که قدیمی‌ترین گروگان‌غربی «تری اندرسون»، در ۱۶ مارس ۱۹۸۵ روبرو شده بود.

غرب تنها برای ۷ گروگان‌خود که از سال ۱۹۸۵ روبرو شده بودند، در مذمت گروگان‌گیری، بیش از هفتصد هزار سطر مقاله، و متجاوز از هفت‌هزار برنامه ارائه‌کرد. بسیار عجیب بود که پس از آزادی گروگان‌های‌غربی، در رسانه‌های‌گروهی ما این سخن‌غربی‌ها که پرونده‌گروگان‌ها بسته‌شد، بدون هیچ‌اشاره‌ای به سرنوشت گروگان‌های‌ایرانی، مطرح‌شد. چنانچه مایلید پی به مظلومیت بیش‌ازحد گروگان‌های‌ایرانی ببرید، کافی‌است مقایسه‌ای بین اقدامات و تبلیغات انجام‌شده ما و غرب انجام دهید و متوجه شوید که گروگان‌های ما از ابتدا مظلوم واقع شده‌اند و همین مظلومیت بیش‌ازحد آنان است که ما را سخت‌متأثر ساخته‌است. آیا پرونده‌قطور و دردناک گروگان‌ها، برای مانیز بسته‌شد؟ هرگز چنین نیست، بلکه هر روز برگی به این دفترقطور و غم‌انگیز اضافه شده و خدا می‌داند که این پرونده چه‌زمانی بسته خواهد‌شد.

مسئولان وزارت‌امورخارجیه باید شهامت پذیرش این واقعیت‌تلخ را داشته‌باشند که از بعدتبلیغی در سطح‌جهان، درمورد گروگان‌های‌ایرانی بسیارضعیف عمل کرده‌اند. همچنین در دیپلماسی، آنها بارها در کنفرانس‌های‌خبری و درجمع خبرنگاران‌داخلی و‌خارجی، زمانی که سخن از گروگان‌های‌غربی به‌میان می‌آمد، هیچ اشاره‌ای به گروگان‌های‌ایرانی نمی‌شد. چنانچه تردیدی وجود دارد، می‌توانید به آرشیوروزنامه مراجعه‌کنید. شاید گفته شود الفاظ و واژه‌ها چه تأثیری می‌توانند داشته‌باشند؟ در زبان دیپلماسی، هر واژه و یا هرگونه اختلاف‌جزیی، در به‌کاربردن الفاظ و حذف یک واژه اگر

بادقت مورد بررسی قرارگیرد، معنی و مفهوم خاص خود را می‌دهد. کلمات و عبارات معین در فرآیند دیپلماسی مفهوم دارند. کاربرد، عدم کاربرد و اجتناب از آنها می‌تواند تأثیر مهمی بر انتظارات و متعاقباً رفتارها در آینده، داشته باشد. وقتی که یک مسئول در پاسخ به سوالی، هیچ اطلاعات یا معلوماتی راجع به آن نمی‌دهد، درحقیقت نشان‌گر آن است که دولت متبوع آن مسئول، نمی‌خواهد راجع به آن مسئله موضعی داشته باشد و کاربرد الفاظ نشان‌گر اهمیت پیام است. مهم‌ترین اقدام وزارت امور خارجه در این سالیان، فراهم کردن مقدمات سفر خانواده گروگان‌ها به چند کشور اروپایی بود که در سال ۱۳۶۹ به دعوت خانواده برایان کینان-گروگان آزاد شده ایرلندی- صورت گرفت. اقدام بسیار محدود و بی‌سروصدایی که از موقع شناسی خوبی برخوردار نبود و باعث شد که سرنوشت گروگان‌های ایرانی در کنار سایرین، به طوری مطرح نشود، در صورتی که انعکاس به موقع، فعالانه و انجام تبلیغات مناسب، می‌توانست بر شرایط تأثیرگذار باشد و بحران گروگان‌ها را از حاشیه به متن بیاورد. باید شرایط یکسانی برای آزاد شدن تمام گروگان‌ها فراهم می‌شد و این ما بودیم که باید سرنوشت تمامی گروگان‌ها را به هم گره می‌زدیم. حق این بود قبل از هر اقدامی برای کمک به آزادی گروگان‌های غربی، ابتدا درصدد برمی‌آمدیم گروگان‌های خود را برهانیم. اگر از ابتدای کار با گروگان‌های ایرانی نیز مانند بقیه گروگان‌ها رفتار می‌کردیم، غربی‌ها هرگز نمی‌توانستند سرنوشت گروگان‌ها را به طور یک طرفه مطرح کنند، و چنانچه ما نیز برای دستیابی به گروگان‌های خود پافشاری می‌کردیم، قطعاً غربی‌ها پی‌می‌بردند که برای رسیدن به آزادی گروگان‌هایشان، همه طرف‌ها باید تشریک مساعی داشته باشند و درکوشش برای یافتن راه‌حل، نه تنها منافع خود که حق دیگران را نیز در نظر می‌گرفتند. متأسفانه ما سرسختانه مقاومت نکردیم و تن به قبول خواست‌های آنان دادیم.

بارها از سوی مسئولان مطرح شد که کمک ایران به آزادی گروگان‌های غربی صرفاً به دلیل مسائل بشردوستانه صورت گرفته است. چگونه این بشردوستی شامل حال اتباع و دیپلمات‌های ایرانی نشد؟ دو ماده ابتدایی بیانیه جهانی حقوق بشر موكداً خاطر نشان می‌سازد که همه افراد بشر بدون هیچ تبعیضی، آزاد و با شئون و حقوق مساوی متولد می‌شوند و دارای شرایط مساوی در برخورداری از آزادی‌های بنیادی و حقوق بشری است، پس گروگان‌های ما نیز باید از حقوق یکسانی با سایر گروگان‌ها برخوردار می‌بودند. در ملاقاتی که همراه با خانواده گروگان‌ها در تاریخ ۱۳۶۹/۹/۶ با وزیر امور خارجه داشتیم، ایشان تأکید کردند: ایران به کوشش خود برای آزادی گروگان‌های ایران ادامه

خواهد داد و از این قضیه چشم‌پوشی نخواهد کرد. اما پس از آزادی گروگان‌های غربی، دلایل و شواهد مشهود، خلاف این ادعا را ثابت کرد و سرنوشت آنان به فراموشی سپرده شد. مهم‌ترین عاملی که می‌توانست در آزادی گروگان‌های ایرانی موثر باشد، آن بود که وزارت امور خارجه آزادی آنها را پیش‌شرطی برای رهایی گروگان‌های غربی قرار می‌داد و ایران باید باتضمین آزادی تمامی گروگان‌ها، به میانجی‌گری می‌پرداخت. اسرائیل، غرب، سازمان ملل قول‌هایی داده بودند که پس از آزادی گروگان‌های غربی همه آنها را به فراموشی سپردند و معلوم‌نشده که چرا گروگان‌های غربی، بدون هیچ پیش‌شرطی به‌طور یک‌طرفه آزاد شدند. آیا سود و زیان این تصمیم به‌دقت سنجیده شده بود؟ آیا ما مطمئن شده بودیم که راه‌های دیگر نمی‌تواند ما را به گروگان‌های مان برساند؟ ما فقط به وعده و وعیدهای کم‌اهمیت دبیرکل سازمان ملل دل‌خوش کردیم. آقای خرازی نماینده دائمی ایران در سازمان ملل، در آغاز روند آزادسازی گروگان‌های غربی و مشارکت سازمان ملل، طی مصاحبه‌ای با خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۷۰/۶/۲)، در تشریح چگونگی روند آزادسازی گروگان‌ها این چنین اظهار داشت: تلاش دکوئیار همچنان ادامه دارد و برنامه جامعی را برای پی‌گیری مسئله تدوین کرده و تعیین سرنوشت چهار گروگان ایرانی در لبنان نیز در آن گنجانده شده است. دبیرکل ابراز امیدواری کرد تا پایان سال جاری میلادی ۱۹۹۱ (۱۳۷۰) وضعیت گروگان‌های ایرانی مشخص شود. آقای دکوئیار اطمینان داده است که با جدیت به تلاش‌های خود در این زمینه ادامه خواهد داد.

از همان ابتدا مشخص بود که مجامع بین‌المللی و غربی‌ها، عملاً هیچ‌گونه حقی برای گروگان‌های ما قائل نیستند. حتی آمریکایی‌ها برای بازپس‌گیری اجساد گروگان‌های جاسوس خود مانند ویلیام باکلی رئیس دفتر سیا در لبنان، بیش از آزادی گروگان‌های ایرانی، فلسطینی و لبنانی اهمیت قائل بودند. بایستی باور کرد سازمان‌های بین‌المللی برای مظلومین عالم، بویژه اگر مسلمان باشند، کاری نمی‌کنند و همیشه مسلمانان قربانی توطئه‌ها و جنایاتند. تا ما خود چیزی را با قدرت نخواهیم، کسی آن را به ما نمی‌دهد. امروز دیگر این نظریه قطعی است که اگر دولتی در تأمین منافع ملی‌اش به فکر کسب، گسترش و حفظ قدرت نباشد و این اصل بنیادین را رعایت نکند، در واقع عجز و ناتوانی خود را به‌معرض نمایش گذاشته و از دیگران دعوت به‌عمل آورده که در امور داخلی‌اش دخالت کنند. این قدرت است که طرف‌مقابل را ناچار می‌کند با ما روبه‌رو نشود و ما را باور کند. در همه‌جا، این دیپلماسی نیست که حرف‌اول را می‌زند، بلکه قدرت در بسیاری موارد پشتوانه دیپلماسی است.

عملکرد وزارت امور خارجه در جریان آزادسازی گروگان‌های غربی، بسیار قابل تأمل است. پس از این قضیه، مشخص شد که ایران کاملاً متضرر شده است، به طوری که آقای خرازی، پس از آزادی گروگان‌های غربی در بهمن ماه ۱۳۷۰ در مصاحبه با ماهنامه «میدل ایست» اظهار داشت: «با وجودی که ما در مسائل بشردوستانه مانند آزادی گروگان‌ها کمک کردیم، معهذا در واشنگتن هیچ چیز تغییر نکرده است.» به راستی پس از آزادی گروگان‌های غربی، باید چه چیزی در آمریکا تغییر پیدا می‌کرد؟ توقعات ما در قبال آزادی گروگان‌ها چه بود؟ گروگان‌هایی با ملیت‌های انگلیسی، فرانسوی، آمریکایی، ایرلندی، ایتالیایی و آلمانی که در لبنان به گروگان گرفته شده بودند، همگی آزاد شدند، اما سرنوشت گروگان‌های ما همچنان نامشخص است و این حلقه مفقوده که مدت‌های مدید هرگز مورد توجه قرار نگرفته بود، همچنان برای ما مفقود شده باقی مانده است. ما حاصل آزادی بی‌قید و شرط گروگان‌های غربی برای ما و مبارزین لبنانی و فلسطینی، چه بود؟ امروز دیگر شکی نیست که مضار آن به مراتب از منافعش بیشتر بوده. اولین پیامد آزادی آنان، جری‌تر شدن اسرائیل و به شهادت رساندن «سید عباس موسوی» بود. شیخ عبدالکریم عبید همچنان دربند است، سرنوشت گروگان‌های ایرانی نیز مشخص نشده و برادران «حمادی» در زندان آلمان به سر می‌برند. از بعد سیاسی نیز، آزادی گروگان‌ها هیچ نفعی برای ما و مبارزین لبنانی نداشت و ما همچنان در معرض اتهام حامی تروریسم بودن قرار داریم و آمریکا کماکان بر ادعای واهی خود پافشاری می‌کند.

نمایندگان مجلس، در سال ۱۳۷۰ بیانیه‌ای خطاب به وزیر امور خارجه در مورد نكوهش آزادی بی‌قید و شرط گروگان‌های غربی امضاء کردند که نباید در امور مسلمانان لبنان دخالت کرد و بایستی جلوی هر تحرک یا فشار سیاسی که آزادی بی‌قید و شرط گروگان‌ها را - بدون این که مردم، حرکت‌های اسلامی، حزب الله و مقاومت اسلامی لبنان به خواسته‌هایشان برسند - به دنبال داشته باشد، گرفته شود. آیا صدور بیانیه سال‌های ۶۸ و ۷۰ نمایندگان مجلس، صرفاً در راستای حرکت‌های سیاسی صورت گرفته بود؟ آیا واقعاً مسئولان وزارت امور خارجه، مبارزین لبنانی را به انجام اقداماتی برخلاف اهداف خود سوق داده بودند؟ مگر نه این که گروگان‌گیری توسط مسلمانان مظلوم لبنان، بر اساس یک ضرورت و عاملی بجا در دفاع از حقوق‌شان صورت گرفته بود؟

انفجار مقرتفنگداران آمریکایی و فرانسوی در بیروت، و به گروگان گرفته شدن چند غربی در لبنان، بهای بسیار اندکی بود که آمریکا و متحدانش برای مشارکت در جنایات اسرائیل باید می پرداختند. هنوز خاطره جنایات صبرا و شتیلا در اذهان باقی است.

متأسفانه وزارت امور خارجه به جای پاسخ صریح و روشن در مورد قضیه گروگان های ایرانی، رویه سکوت و پرده پوشی را در پیش گرفته است. سکوت توجیه ناپذیر وزارت امور خارجه چه دلیلی دارد؟ آیا به دلیل مصالح سیاسی است؟ چه بسا که از سکوت در این باره چنین استنباط شود که وزارت امور خارجه به تقصیر خود اذعان دارد. ما تا چه زمانی برای شکستن این سکوت باید صبر کنیم و چه وقت دوران انتظارمان به سر خواهد آمد؟ این حق مسلم خانواده گروگان ها و مردم است که پس از ۱۱ سال، در جریان اقدامات انجام شده قرار گیرند. من از تمامی مسئولان می خواهم که این سکوت ۱۱ ساله را بشکنند و ما را از بی خبری و نگرانی نجات دهند. ملت ایران، هیچ گاه از قربانی شدن فرزندان خود در راه اسلام هراسی نداشته اند و خدای واحد می داند که من نیز از اسارت و شهادت فرزندم باکی ندارم، اما مسئله ای که واقعاً ما را رنج می دهد، نحوه برخورد مسئولان با قضیه گروگان هاست. با آغاز روند آزادسازی گروگان ها در لبنان، ما همه فکرمی کردیم آن روزی را که این همه منتظرش بودیم، با شادمانی از راه خواهد رسید. امیدها در دل خود پرورانده بودیم، اما ثمره تلخ آن را چشیدیم. با حسرت و تأسف فراوان باید گفت که امروز حکایت غم ما همچنان باقی است.

رضا اخوان علاف - مشهد

هفته نامه کیهان هوایی

ضمیمه ۴

۱۳۷۴/۴/۱۸

از کاظم اخوان تا کریستین امان پورا!

«زینهار تا کلام را به خاطر نان نفروشی و روح را به خدمت جسم در نیاوری. به هر قیمتی، گرچه به گرانی گنج قارون، زرخیز انسان مشو. اگر می فروشی، همان به که بازوی خود را، اما قلم را، هرگز!»

سید جلال آل احمد

چهارده سال و چندروزی بیش، از آن روز تلخ از یادرفته سپری شده است. چهاردهم تیرماه سال ۱۳۶۱ خورشیدی را می‌گویم. بیهوده به تقویم‌ها و سربرگ‌هایتان مراجعه نکنید! درذیل برگ چهاردهم تیرماه هیچ تقویمی، اشارتی به این مناسبت نرفته است. چهاردهم تیر ۶۱ همان روزی است که ملت مظلوم ایران در پی توطئه صلیب‌صهیونی در لبنان، به فضل مکرالهی موفق شد تا سندرسوایی و بی‌آبرویی قطعی دشمنان قسم‌خورده انقلاب اسلامی‌مان را به چنگ آورد.

صاحب این قلم، نه بازیگری سیاسی است و نه بزعم بعضی خلاق، آدمی بازی‌خورده! که بخواهد بنویسد و بپرسد چرا ما از برگ‌برنده «چهارده تیر» خود در قمارخانه دیپلماسی جهانی آن‌گونه که باید سودنچسته‌ایم و... امثال این جور طلب‌نوشداروهای بی‌حاصل! دعوی اصلی، چیزی فراتر از این قیل و قال‌های مضحک ژورنالیستی است.

شاید بهتر باشد پیش از ورود به مبحث اصلی، دست‌کم برای تنویر اذهان مخاطبین مطلب‌هم که شده، گوشه‌چشمی داشته‌باشیم به مجموعه رخ‌دادهایی که زمینه‌ساز واقعه چهاردهم تیر ۱۳۶۱ شدند.

بیش از یک‌ماه از تهاجم ارتش تاین‌دندان مسلح اسرائیل به خاک لبنان مظلوم سپری شده است. بیروت، پایتخت جنگ‌زده لبنان، مستاصل از هفت‌سال جنگ‌خشونت‌بار داخلی، به ناگاه برگرداگرد خود حلقه‌ای پولادین از لشکرهای تانک و مکانیزه ارتش اشغالگر صهیونیستی رامشاهده می‌کند. قتل‌عام مردم بی‌دفاع توسط «قناص» (تک‌تیرانداز)های فالانژ مسلح به تفنگ‌های دوربین‌دار، که بر پشت و پهلو و پیشانی هر جنبه‌ای در معابر و پس‌کوچه‌های محصور شهر، داغ‌مرگ می‌نشانند، امری عادی تلقی می‌شود. هفته‌هاست که سربازان واحد مهندسی ارتش اسرائیل، تصفیه‌خانه‌ها و شاه‌لوله‌های آب را (که آب‌شرب مردم بیروت را تأمین می‌کردند) بادینامیت منفجر کرده‌اند. هیچ کاروان‌امدادرسانی و حمل‌آذوقه‌ای حق ورود به بیروت را ندارد. فرودگاه شهر در محاصره نظامیان اسرائیل است و باند فرود آن به روی تمامی هواپیماها مسدود شده. سردمداران آدمکشان مارونی، بشیر و برادرش امین جمیل، عاملان کشتار آوارگان فلسطینی در اردوگاه «تل‌زعترا» سال ۱۹۷۵- باردیگر سرگرم صیقل‌دادن سرنیزه‌ها و تبرزین‌های ساخت آمریکا و اسرائیل خویشند تا بازم گلوگاه‌های لطیف کودکان گرسنه‌شيعه و شکم‌های مادران باردار فلسطینی را با دم‌تیز و سرد شمشیر عدالت‌کورا! حامیان دلسوز حقوق بشر آشنا کنند. «ابوایاد» فلسطینی در اجلاس اضطراری کنفرانس سران عرب، که تمامی هم‌وغم‌شان حمایت هرچه بیشتر از سردار قادسیه! و حفاظت دروازه شرقی جهان عرب در برابر

«خطر ایران خمینی!» است، بی حاصل ضجه می زند که: «ای کاش به جای ما، هیئتی از مادران و خواهران هتک عصمت شده فلسطینی در بیروت را به این اجلاس می فرستادند تا شاید با مشاهده وضعیت فجیع آنان، غیرت مرده عربیت، در سران جهان عرب زنده می شد.»

آرزویی بی حاصل و عبث. به پوچی اتحاد حول محور پان عربیسم! قوای حافظ صلح مقوایی سازمان ملل هم از ترس جان، در پشت سنگرهای بتون آرمه خویش زیر پرچم پر زرق و برق «یوان» کپ کرده اند و خیلی هنر کنند، برای انبوه ستون های زرهی ارتش اسرائیل که مثل فلشی از فولاد، تخت گاز روبه بیروت پیش می روند، کف می زنند و با دوانگشت، به آنها علامت «ویکتوری» (پیروزی) حواله می دهند. چریک های فلسطینی در لابلای سنگرهای نیمه ویران و دمام در حال سقوط خویش، پوچ بودن دعاوی پرطمطراق امت واحد عربی و همه ایسم ها را نظاره می کنند. مخیمات، مملو از آوارگان، چه شیعه مظلوم لبنانی و چه پناهنده فلسطینی، در زیر چتری از آتش بی وقفه بمب های خوشه ای، ناپالم و فسفری ساخت آمریکای جت ها و توپخانه اسرائیل، غسل آتش می کنند. از «نهرالبارد» و «بداوی» گرفته تا «عین الحلوه» و «صبرا» و «شتیلا».

صف تانک های مدرن «مرکاوا»ی اسرائیل در هر هجوم خود به محلات بی دفاع بیروت، نخست مساجد را با خاک یکسان می کنند. سرهای بریده نمازگزاران پیر و جوان، در زیر پای چکمه پوشان نورچشمی جهان آزاد، چون گوی هایی خونین، به گردش درآمده اند. زمین و آسمان بیروت را هاله ای از آتش و خون در خود گرفته. شورای امنیت، با هرگونه اقدام بازدارنده نظامی علیه تجاوز اسرائیل مخالفت می کند. قطعنامه های مجمع عمومی ملل متحد هم، گفتن ندارد. بایک و توی عموسام صهیون پرور، بایگانی می شوند. شعبده باز اعزامی کاخ سفید، آقای «فیلیپ حبیب»، (که صرف شنیدن نامش تداعی کننده مثل کوسه ریش پهن است) هر شب بساط تردستی عوام فریبانه خود را در قاهره و دمشق و ریاض و تل آویو برپا می کند و همزمان تمامی دوربین ها، میکروفون ها و قلم های رسانه های عصر ارتباطات، در یک اقدام هماهنگ تبلیغاتی، متفقاً زوم شده اند بر روی پخش زنده، مستقیم و لحظه به لحظه بازی های سرنوشت ساز جام جهانی فوتبال ۸۲ اسپانیا، رفتار زشت و غیرانسانی! دروازه بان تیم آلمان نسبت به فلان گلزن فرانسوی در میدان مسابقه! در حاشیه هم محض خالی نبودن عریضه، نیمنگاهی به مضحکه جنگ در جزایر مالیوناس و تراژدی! در شرف انقراض قرار گرفتن نسل خرس پاندای چینی و ازدهای کمودور این سوسمار خوشگل! استرالیایی و... قس علیهذا از این دست اباطیل!

بلی، در گرماگرم چنین اوضاعی است که اتومبیلی راه بیروت بلازده را در پیش گرفته است. سرنشینان آن ۴ عضو هیئت دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایرانند. مردانی اهل درد که رسالت خود را باسفر به سوریه خاتمه یافته ندانسته و برای بررسی راه‌های امداد رسانی به مردم مظلوم و بی دفاع لبنان، رو به راه نهاده‌اند. نخستین این چهارتن، «سیده محسن موسوی» کاردار جمهوری اسلامی در لبنان است. در این شرایط آشوبناک و بحرانی، محسن وظایف سرپرستی سفارت ایران در بیروت را نیز برعهده دارد. رادمردی که تجسم عینی اتحاد دیانت و سیاست در یک کالبد است و سفیر شایسته حضرت روح الله (ره). دومین از این جمع... چه بگویم؟!... تجسم ناب ذوالفقار حیدر کرار (ع)، که کم‌تر از یک‌ماه قبل از این سفر، علمدار نبردی افتخار آفرین در کربلای خوزستان بوده است و با کفایتی کم‌نظیر، کاروانیان قافله «الی بیت المقدس» را با توسل به نام مقدس «علی بن ابی طالب (ع)» به خرمشهر سوم خرداد ۶۱ رهنمون شده است. آری سردار کبیر «حاج احمد متوسلیان»، بچه باصفای محله مولوی تهران. سوم این چهارتن، «تقی رستگار مقدم» است. جوانی مؤمن و پرشور که در این سفر، هدایت خودروی حامل هیئت دیپلماتیک ایران را برعهده دارد. و بالاخره

مسافر چهارم این سفر بی بازگشت!

رسیدیم به اهل دعوا. برای این آخری حسابی جداگانه باز کرده‌ام. نه از این بابت که خدای ناخواسته میان این همسفران فرقی قائل بوده‌ام. حاشا و کلا! چرا که هر چهارتن اینان یک روح عاشورایی در چهار کالبد خاکی بوده‌اند. اما چه کنم که این چهارمین، به واسطه یک حلقه حرفه‌ای مرا و همگنان مرا با خود پیوند زده است. کدام حلقه؟! کلام را می‌گویم و قلم را. بگذریم از اینکه عمده تصاویر زیبا و ماندگار حماسه فتح خرمشهر هم که در دسترس داریم، حاصل زحمات این یل گمنام بوده است.

«کاظم اخوان» خبرنگار و عکاس رشید سنگر تبلیغات. ایران اسلامی، اسوه تمامی آن زمره اهل قلم و اصحاب و ارباب جرایدی است که در خاکریزهای رسانه‌های نظام مظلومان در برابر تهاجم ارتش‌های قلم به مزدان عرب صاحب ماهواره، مردانه قد علم کرده‌اند و فارغ از خود باختگی‌ها و خود کم‌بینی‌ها، و به دور از نالیدن به خاطر کمبود عده و عده، شبانه‌روز در تمامی سنگرهای دفاع از کیان شرافت بشری، از آبادان و بستان و دشت عباس و هویزه و سوسنگرد و کوچه‌های خرمشهر، تا بیروت مظلوم، قرص و محکم حضور یافته‌اند، ژورنالیزم منحن و گنده دماغ مغرب زمین، حتی از یک لحظه مواجهه خود با امثال کاظم اخوان - این مصداق اتم آئینه‌گی حقیقت - دچار رعشه مرگ می‌شود.

ژورنالیزم دناث شعار وحلقه به گوش صاحبان دلارها، خیلی که هنر کند، زبده شاگردان مکتبش می شود آن خبرنگار دائم السفر C.N.N ، «کریستین امان پور»! علیامخدره ای، که علی الظاهر خود را ایرانی الاصل می داند. گمان نکنید ژورنالیزم سفسطه چی باخطر میانه ای ندارد! برعکس، خطر به عنوان یک «سوژه» برایش خیلی هم جالب است. البته به شرطی که در آن، گوشه دامن خودش را نگیرد. این هم که غصه ندارد. فقط کافی است در هر معرکه ای P.O.V یا همان «نقطه دید» را درست و عاقلانه انتخاب کند که می کند! برای همین است که ادای بازی باخطر را خوب فوت آب است. دری به تخته می خورد، چاقوکش دیوانه بغداد افسار پاره می کند و هوس تملک استان نوزدهم به کله عاری از مغزش خطور می کند. حالا است که وقت شلتاق ژورنالیزم عصر ارتباطات فرامی رسد. بلافاصله در بین شبکه های خبر سازی و ذهنیت سازی چند ملیتی بلادغرب، جنگی مغلوبه درمی گیرد و برنده این دعوا، البته با خرج چندمشت دلار بیشتر می شود شبکه مبلغ چیپس و چوب شورا! یا همان C.N.N معروف! این طورهاست که شعر و شعارهایی از قبیل آزادی تبادل اخبار و اطلاعات و بزرگراه دوطرفه خبررسانی، بایک بخشنامه پرطمطراق کاخ سفید دود هوا می شوند. و در شرایط سانسور مطلق وقایع جنگ نفت در خلیج فارس و شخم زدن سرتاسر سرزمین بلازده عراق توسط تراکتورهای «ب ۵۲» ژنرال «شوارتزکف»، همه چشم ها در سرتاسر سیاره زمین به صفحه گیرنده ها دوخته شده که با تب و تابی همسنگ هیجان تماشا می مسابقات جام جهانی فوتبال، مراحل مقدماتی و یک چهارم نهایی و... الخ این مسابقه و قیحانه را به تماشا نشسته اند. پخش انحصاری رقابت ها! هم که در اختیار C.N.N است. هراز چند ساعت یک بار، خانم کریستین امان پور را می بینی که دوش به دوش سربازان مست ولای عقل ارتش آمریکا، سوار بر خودروی زرهی و مسلح به آخرین تسلیحات زرادخانه ینگه دنیا، تخت گاز سرگرم «شکار بوقلمون» (نامی که شوارتزکف به کشتار سربازان بدبخت عراقی داده بود!) هستند و همزمان خبرنگار محترمه C.N.N ضمن خوش و بش دوستانه! با سربازان سیاه مست عموسام، از آنها احساسشان را درباره شرکت در این نبرد شکوهمند جویامی شود. اما این تمام حکایت نبوده و نیست. اگر انقلاب اسلامی ما توانسته خبرنگارانی اهل درد و شریک غم مظلومان عالم، همچون کاظم اخوان را تربیت کند و روانه مناطقی بحرانی همچون بیروت سال ۶۱ نماید، ژورنالیزم گنده دماغ و متکی به تکنولوژی ارتباطات ماهواره ای و سیستم های نیم قاره ای هم... ای، بدش نمی آید ادای این طور خطر کردن ها را در بیارود. این است که می بینی به محض سرازیر شدن تفنگداران دریایی آمریکا

ضمیمه ها □ ۳۲۱

به سواحل سومالی، جهت اجرای ماموریتی بشردوستانه از قماش اردنگی زدن و به گلوله بستن صغیر و کبیر اهالی «موگادیشو»، ناغافل سروکله خبرنگار همه فن حریف C.N.N بانو کریستین امان پور هم درسومالی پیدامی شود. این بار هم همچون مورد قبلی -جنگ نفت- خبرنگار محترمه از پشت «کامانکار» ارتش آمریکا، گزارش های زنده C.N.N از اقدامات نوع دوستانه نظامیان قلدر و کله خر آمریکایی به میلیون ها گیرنده تلویزیونی چهار گوشه ربع مسکون مخابره می کند! البته آن گونه که استاد ازل می خواهد! فتامل!

اگر انقلاب اسلامی توانسته است در عرصه رسانه ها با تربیت جوان مردانی همچون «محمد حسین نواب»، این رهرو صدیق راه کاظم اخوان، تعریف تازه ای از انقلاب در رسانه ها ارائه دهد، ژورنالیسم کذاب متفرعن غربی هم بیکارنشسته. بالاخره افه وادای تعهد را که می شود در آورد؟! این است که باز هم به صورتی کاملاً تصادفی!!، سروکله سوگلی ارتش تحمیقات متکی به تکنولوژی عصر ما هواره غرب در مسلخ بوسنی پیدامی شود. بلی، درست حدس زدید! این بار هم پای خبرنگار همه فن حریف C.N.N کریستین امان پور در کار است. صاحب این قلم، به شکرانه هم نفسی باسربازان رشید سنگر تبلیغات انقلاب که برای ساختن مجموعه مستند و جذاب «خنجر و شقایق» راهی بوسنی شدند، حالیه کارنامه مشعشع این علیا منخدره در بوسنی را درست و حسابی پیش رودارد.

خبرنگار کارکشته C.N.N در طی ماموریتش در ساریوو، به یک کرشمه چندین شاهکار «خبری» هم می کرد. از ردزنی و تعقیب و شناسایی تیم های خبری و فیلم برداران کشورهای اسلامی -خصوصاً اکیپ های ایرانی و مسیر تردد و اهداف سفرشان گرفته، تا سرک کشیدن به مواضع مدافعان مهربان حقوق بشر (توپچی های صرب!) در گزارش های تصویری ارسالی از بوسنی، لابد به کرات دیده اید که چگونه دوربین گزارشگر محترم، تصاویر محیر العقولی از زیر آتش گرفتن بیمارستان ها، پناهگاه ها و محلات مسکونی ساریوو و دیگر شهرهای بوسنی را استادانه شکار کرده است! اما لطفاً لحظه ای هم که شده، درنگ را جایز بدانید، تا نیمنگاهی هم به آن روی این سکه ببندازیم. یعنی همان جا که با بده وستان های شبکه C.N.N و جوجه صرب ها، در ازای چند پاکت سیگار فرنگی و چند بسته اسکناس سبز و دلار، دوربین خانم کریستین امان پور کنار توپ مروارید نشان جلادهای صرب کاشته می شود و انتخاب هدف را هم واگذار می کنند به خبرنگار برجسته C.N.N بلی، این جور می هاست که طی سه سال جنگ در بوسنی، این همه تصاویر شسته رفته از ویران شدن خانه و سرپناه و مساجد و بیمارستان ها و پناهگاه های مردم رنج کشیده بوسنی هرزگوین روی صفحه گیرنده های مختلف الاینچ

۳۲۲ □ کمین جولای ۸۲

ما ساکنان سیاره سرگردان درظلمات وضع موجود! نقش می‌بندند. درقاموس رسانه‌های عصرارتباطات، بهای ویرانی یک سرپناه مسلمین، مساوی است با یک پاکت سیگار آمریکایی!

و اما ختم کلام. امسال چهاردهمین سالروز اسارت خبرنگار رشید کاظم اخوان و سه همسفر مظلومش در آن سفر بی‌بازگشت فرارسید و سپری شد. تا آنجا که به برکت عصر آزادی ارتباطات و انفجار اطلاعات، جست‌وجوی گریخته مطلع شده‌ایم، تروریست‌های مزدور حکومت اسرائیل این ۴ تن را پس از ماه‌ها شکنجه سیستماتیک جسمی و روحی، به آدمکشان ارتش اسرائیل تحویل دادند و تنها خادمی‌داند طی این سیزده سال اسارت، بر چهار دیپلمات مظلوم ما در سیاه‌چال‌های مخوف رژیم صهیونیستی چه‌ها که روا نداشته‌اند. نمونه شهید نواب دربوسنی و پیکر شکنجه‌دیده‌اش هنوز از خاطرم نرفته. بگذرم از این‌که تمامی محافل قلمی از قماش «پن کلاب» و مطبوعات سینه‌چاک حقوق بشر غربی و محافلی همچون کمیته دفاع از حقوق بشر و امثالهم، بالاتفاق در مورد سرنوشت این خبرنگار ربوده‌شده ایرانی و سه همراه دیپلمات وی، خفقان مرگ گرفته‌اند و... چه بگویم؟

هرچه هست، این حقیر قلم را صرفاً به نیت یادکردی از این چهار جوانمرد از یادرفته به‌گرددش درنیاورده‌است. درد و دریغی که مشوق این قلم‌فرسایی شد، زیارت خبرنگار همه‌فن‌حریف! C.N.N بانو کریستین امان‌پور وطن‌فروش در تهران بود. مخصوصاً هنگامی که دیدم با وقاحتی همسنگ مدعیان بی‌آبروی نظم‌نویین جهانی، چپ و راست مسئول قوه مجریه کشورم را سوال پیچ می‌کرد که، چرا حقوق بشر فلان؟ چرا حمایت ایران از تروریزم و... از این قماش وقاحت‌های ژورنالیستی!

الحق هم چه به‌جا گفته‌اند وقاحت زیاد حناق می‌آورد!

حسین بهزاد

کیهان

ضمیمه ۵

۱۳۷۵/۴/۱۴

چقدر در حمایت از حقوق اتباع ایرانی موفق بوده‌ایم؟

چهاردهم تیرماه، یادآور پانزدهمین سال حادثه گروگان‌گیری ۴ تن از اتباع کشورمان توسط نیروهای تحت امر اسرائیل در لبنان است. به موجب ماده ۲۵ کنوانسیون وین، شخص ماموردیپلماتیک مصون

است و نمی‌توان او را توقیف و یا مورد بازداشت قرار داد. این چهارتن بدون این‌که جرمی مرتکب شده باشند، توسط شبه‌نظامیان مارونی موسوم به فالانژ که وابسته به اسرائیل بودند، به اسارت درآمدند و اولین قربانیان گروگان‌گیری و بازنده‌ترین آنان در لبنان به شمار می‌آیند و ۵۴۷۶ روز است که در اسارت به سر می‌برند. مقامات مختلف فالانژ در مورد سرنوشت اتباع ایرانی اظهارات ضدونقیضی داشته‌اند. منابع وابسته به رژیم صهیونیستی اصرار دارند که اتباع ایرانی در مقر فرماندهی جمع‌جعج به قتل رسیده‌اند. سمیر جمع‌جعج خود را در ماجرای ربودن دیپلمات‌های ایرانی غیرمسئول می‌داند و می‌گوید دیپلمات‌های ایرانی در زمان ایلی حبیقه رئیس‌وقت سرویس‌های اطلاعاتی نیروهای لبنانی که در حال حاضر در دولت لبنان پست وزارت را داراست، ربوده شدند. از سوی دیگر گفته می‌شود ۴ گروگان ایرانی زنده‌اند و اسیر دست اسرائیل هستند. منابع نزدیک به دولت لبنان فاش کردند که چهار گروگان ایرانی تحویل مقامات رژیم صهیونیستی در فلسطین اشغالی شده‌اند. سمیر جمع‌جعج قبل از ترک مقر فرماندهی خود در مرحله کرنیتینا در مرکز بازرگانی بیروت، دیپلمات‌های ایرانی را از راه دریا به فلسطین اشغالی انتقال داد. سفیر جمهوری اسلامی ایران در بیروت معتقد است چهار ایرانی ربوده شده هنوز زنده‌اند. آقای علیزاده در دیدار با فارس بوئز وزیر امور خارجه لبنان، گفت: «ما گمان می‌کنیم آنها هنوز زنده‌اند.»

پس از بازداشت سمیر جمع‌جعج رهبر نیروهای فالانژ و برخی اعضای بلند پایه نیروهای لبنانی توسط دولت لبنان در دو سال گذشته، انتظار می‌رفت اطلاعات موثقی از گروگان‌های ایرانی به دست آید. با این‌که بیش از یک سال ونیم از جریان محاکمه سمیر جمع‌جعج می‌گذرد، ولی تاکنون خبری از مطرح شدن یا نشدن قضیه گروگان‌های ایرانی چه در جریان بازجویی‌ها و چه در جریان محاکمه وی، نه از طرف مقامات لبنانی و نه وزارت امور خارجه کشورمان منتشر نشده است و سرنوشت آنان همچنان در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. وزارت امور خارجه می‌توانست با افزایش تماس با مقامات اجرایی وقضائی لبنان و پی‌گیری جدی و مستمر بازجویی و طرح پرونده گروگان‌های ایرانی، در جریان محاکمه به‌عنوان یکی از اتهامات اصلی، همان‌طور که در ارتباط با سایر اتهامات سمیر جمع‌جعج و فواد مالک و برخی از مسئولان نیروهای لبنانی اطلاعات جدید به دست آمد، اسناد و مدارک روشنی نیز از وضعیت گروگان‌های ایرانی به دست آورد، که متأسفانه کار جدی در این زمینه که موجد نتیجه باشد، صورت نگرفت. در شرایطی که گروهی از وکلای فرانسوی برای دفاع از جمع‌جعج وارد لبنان می‌شوند و از تعداد بیش از ۳۱۰ خبرنگار که قرار است در جلسه دادگاه شرکت کنند، می‌توان به اهمیت این

دادگاه پی‌برد. اما مسئولین وزارت خارجه را جهت شرکت در جلسات دادگاه و پی‌گیری قضائی به‌لبنان اعزام نمی‌کنند! حال با این سوال اساسی مواجهیم که چرا مسئولین سیاست خارجی و دولت، علیرغم وظیفه‌شان، خود را آن‌گونه که باید، ملزم به حمایت از شهروندان‌شان نمی‌بینند و از درک واقعیت‌های مربوط به حمایت از اتباع ایرانی عاجز هستند؟ این ضعف را می‌توان به‌طور بارز در قضیه پانزده‌ساله گروگان‌های ایرانی مشاهده نمود، چراکه رویدادهای مربوط به آنان، طیفی از ضعف‌ها را در به‌کارگیری مهارت‌های دیپلماتیک به‌منظور دفاع از حقوق شهروندان ایرانی، فراروی ما قرار می‌دهد. البته بدون شک شکست سکوت‌دیرینه وزارت امور خارجه در مطرح نمودن مجدد پرونده قطور گروگان‌های ایرانی را پس از سال‌ها می‌توان به‌عنوان تلاش مثبت تلقی نمود، اما همین پی‌گیری‌های دیر هنگام و نیم‌بند هم‌استمرار نداشته و هنوز جایگاه مهمی در دیپلماسی تهران نیافته است و پاسخ‌روشنی در برابر ملت ایران و خانواده‌های صبور و مظلوم و گروگان‌ها ندارند.

سالروز به‌اسارت درآمدن این عزیزان، به‌عنوان سمبل تراژیک دفاع و حمایت از اتباع ایرانی، فرصت مناسبی است تا یکی از نقاط ضعف سیاست خارجی را به‌مسئولین سیاست خارجی گوشزد کند و در آینده یک دیپلماسی فعال جایگزین آن شود و از خسرانی که از این ناحیه چه‌مادی و معنوی و عاطفی متوجه اتباع ایرانی است، جلوگیری کند.

مسئله گروگان‌های ایرانی، سال‌ها مورد توجه قرار نمی‌گیرد و در صحنه خبری، سیاست خارجی و دیپلماسی تبلیغاتی وزارت امور خارجه از جایگاهی مناسب برخوردار نمی‌شود و در دیپلماسی تبلیغاتی که شامل وسایل ارتباط جمعی، سخنرانی، مصاحبه‌های مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی و صدور بیانیه‌هاست، به‌قضیه گروگان‌های ایرانی اشاره نمی‌شود و در زمانی که افکار عمومی جهان درگیر گروگان‌گیری چند غربی در لبنان است و خبرنگاران غربی نیز دائماً درباره آخرین موضع و وضعیت گروگان‌های‌شان در لبنان از مسئولین ما سوال می‌کنند، در پاسخ‌های به‌اصطلاح دیپلماتیک به این سوال‌ها، اشاره مختصری به ۴ ایرانی می‌شود که نشان‌گر این حقیقت است که آنها برای ما مهم نیستند و نمی‌خواهیم نسبت به آنها موضعی داشته باشیم. در گرماگرم مذاکرات مربوط به گروگان‌های غربی در لبنان که از حساسیت و پیچیدگی زیادی برخوردار است و هر یک از طرفین سعی دارند بیشترین امتیاز را از طرف مقابل بگیرند، ما فراموش می‌کنیم که آزادی گروگان‌ها باید خیابان دوطرفه باشد و همه از آن عبور کنند، اما آزادی خیابان یک‌طرفه‌ای می‌شود که فقط گروگان‌های غربی از آن عبور می‌کنند و ما نیز حکم جاده صاف‌کن این خیابان را داریم و با

چشم‌پوشی از سرنوشت ۴ تبعه کشورمان، ناجی نهایی غربیان درلبنان می‌شویم. به‌راستی چرا چنین است؟

آیا اگر یکی از کشورهای غربی چنین موضعی را که ما انتخاب کردیم، انتخاب می‌کرد و از اتباع گروگان‌خود چشم‌پوشی می‌کرد، یک رسوایی سیاسی و خجالت‌ملی برای دولتمردان آن محسوب نمی‌شد؟ اما در کشور ما آب از آب تکان نمی‌خورد و هیچ‌گونه عوارض تالم‌آوری برای هیچ‌یک از دست‌اندرکاران وزارت خارجه ندارد. حتی در مطبوعات داخلی نیز هیچ‌گاه از نظر خبری و تفسیری در دهه‌اول اسارت‌آنان جایگاه مناسبی نمی‌باید. اما هر روز روند آزادی گروگان‌های غربی منعکس می‌شود و به گروگان‌های غربی اهمیت بیشتری می‌دهند تا به اتباع خود. گویا برخی القائنات غربی‌ها در ما اثر کرده است و باورمان شده که این آنها هستند که می‌توانند تا آخرین مرزهای حقوقی از حقوق بشر استفاده کنند. آنها ما را مردمی درجه دوم و سوم می‌دانند که تنها بنابر لطف آنها یعنی درجه اولی‌ها به قول خودشان، می‌توانیم از حقوق بشر استفاده کنیم و ما نیز بسیاری از مسائل را ناخودآگاه از دیدگاه آنها و با توجه به علائق آنها و تحت‌تاثیر تبلیغات‌شان مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. اسارت چند غربی درلبنان، تراژدی و مصیبت بزرگی است و فریاد تظلم آنان به آسمان بلند می‌شود و به‌سرعت پوشش خبری تبلیغی و عاطفی حساب شده دقیق جهانی می‌یابد. کشورهای غربی حتی برای دفاع از یک شهروند خود که در خارج دچار مشکل شده، با پیشرفته‌ترین شیوه‌های دیپلماتیک از او حمایت می‌کنند. امروزه یکی از اهداف سیاست خارجی کشورها، حفظ پرستیژ و افزایش آن در صحنه بین‌المللی است. پرستیژ، احترامی است که یک کشور و شهروندانش در خارج از قلمرو خود، از آن برخوردارند و بالابردن و حفظ پرستیژ در طبقه هدف‌های میان مدت سیاست خارجی قرار دارد. دولت‌ها همواره تلاش می‌کنند وجهه و اعتبار خود را در کشورهای مختلف بالابرید و حمایت سیاسی و دفاع از شأن و مرتبه اتباع خود را وظیفه تعطیل‌ناپذیر دستگاه سیاست خارجی می‌دانند و برای همین است که می‌بینیم اگر برای یک شهروند قدرت‌های بزرگ در کشور دیگر مشکل پیش‌آید، با تمام توان و با استفاده از بهترین دیپلماسی تا حصول نتیجه، قضیه را پی‌گیری می‌کنند و از اولویت خاصی در دیپلماسی آنان برخوردار می‌شود. در همین راستاست که آلمان برای آزادی تبعه خود که در ایران برای عراق در زمان جنگ جاسوسی می‌کرده، یک هیئت بلندپایه به همراه رئیس پارلمان را به ایران می‌فرستد.

«هلموت کهل» صدراعظم آلمان، سرنوشت دوگروگان خود در لبنان را تا آزادی آنان دنبال می‌کند و با فشار بر جامعه اروپا، آن را وامی‌دارد در «ماستریخت» هلند، درائتای نشست رهبران اتحادیه اروپایی، با انتشار بیانیه‌ای، از دولت‌ها و اشخاص صاحب نفوذ بخواهد تا نهایت تلاش خود را برای آزادی دوتبعه خود که در سال ۱۳۶۸ ربوده شدند، انجام دهند.

با این‌که در هر ۴ دقیقه یک آمریکایی به ضرب گلوله در آمریکا کشته می‌شود، اما یک تبعه آمریکا در خارج از آن کشور حکم یک‌ملت را دارد و آمریکا برای رهایی چندگروگان خود در لبنان، دست به هر اقدامی می‌زند تا حتی جنازه پوسیده جاسوسان خود را تحویل بگیرد. کلینتون برای پنج ضربه شلاق خوردن یک شهروندش در سنگاپور، رسماً از دولت این کشور تقاضای متوقف شدن حکم رامی‌کند.

فرانسه برای آزادی گروگان‌های خود در لبنان مذاکرات متعددی با طرف‌های مقابل تربیت می‌دهد و هیئت‌های بسیاری به سوریه، لبنان و ایران می‌فرستد و آزادی آنان حتی بر انتخابات فرانسه تاثیرگذار است و همین امر یکی از دلایل انتخاب مجدد میتران می‌شود. اسقف اعظم کلیسای کاتربری انگلستان، درخواست تلاش برای یافتن تری ویت فرستاده ویژه کلیسای کاتربری و عامل و جاسوس سیا را می‌کند. کابینه اسرائیل برای به گروگان گرفته شدن دو سربازش، جلسه اضطراری تشکیل می‌دهد و برای به دست آوردن سرنخی از خلبان خود که در سال ۱۳۶۶ هنگام بمباران لبنان، برفراز جنوب این کشور سقوط کرده، به هر چیزی متوسل می‌شود و در یک اقدام تبلیغی هر ساله روز تولدش جشن گرفته می‌شود.

غرب برای ۷ گروگان خود در لبنان، در بعد اخلاقی گروگان‌گیری هزاران مطلب می‌نویسد و هزاران برنامه رادیو و تلویزیونی ارائه می‌کند و برای آزادی آنان، در روز تولدشان، توسط دانش‌آموزان سراسر اروپا، سیل کارت پستال‌ها و درخواست آزادی، پس از درج در مطبوعات جهانی، به سمت لبنان سرازیر می‌شود. مع‌الاسف ما تا رسیدن به این نقطه از حساسیت و ضرورت حمایت از اتباع خود، فاصله زیادی داریم و این مهم در سیاست خارجی ما از توجهی برخوردار و شایسته بی‌نصیب بوده است و ضعف رفتاری در دفاع و حفاظت از اتباع کشورمان، بارها و بارها به نمایش درآمده است. چتر حمایتی نظام جمهوری اسلامی باید در سراسر جهان از کیان و حیثیت آحاد افراد ایرانی با حرارت دفاع نماید و در برابر هرگونه تعدی به هم‌میهنان، عکس‌العمل مناسب و به موقع نشان دهند و این گامی است جهت حفظ تکریم شخصیت ایرانی در میان سایر کشورها. امید است نمایندگان مجلس و

ضمیمه ها □ ۳۲۷

مطبوعات، بهای لازم را به مسئله انسانی و سیاسی ۴ گروهان ایرانی در بند رژیم صهیونیستی بدهند. گرچه خانواده‌های گروهان‌ها در بیانیه سال ۷۲ خود که در روزنامه‌ها منتشر شده بود، از نمایندگان کمیسیون سیاست خارجی خواسته بودند با توجه به بعدنظارتی مجلس، مسئله مورد رسیدگی قرارگیرد، که متأسفانه نه سوالی، نه تذکری و نه تقاضایی، چه در تذکراتی که نمایندگان در نطق پیش از دستور می‌دهند، و چه در تذکرات نمایندگان به مسئولان اجرایی کشور که توسط ریاست مجلس قرائت می‌شود، نه سوالی و نه تذکری در خصوص گروهان‌های ایرانی مشاهده نمی‌شود. با توجه به فلسفه وجودی کمیسیون های سیاست خارجی در مجلس قانون گذاری، ان شاء الله مجلس پنجم نظارت و نقش فعال تری نسبت به سیاست خارجی خواهد داشت. در پایان امیدواریم وزارت امور خارجه از تمام توان دیپلماتیک خود برای پایان دادن به این تراژدی ۱۵ ساله استفاده کند و با تحرک دیپلماتیک، از طریق تماس های بین المللی و تقدیم شکایت به شورای امنیت سازمان ملل و جمعیت حقوق بشر و با استفاده از اهرم های فشار علیه رژیم صهیونیستی به خاطر نگرانی های دیپلمات های ربهوده شده ایرانی در اسرائیل، شاهد استخلاص ۴ گروهان های ایرانی از بند رژیم اشغالگر قدس باشیم، و خانواده های منتظر و رنج دیده آنان نیز پس از ۱۵ سال، از نگرانی خارج شوند و این امید در شهروندان ایرانی ایجاد شود که وزارت امور خارجه کشورمان، با جدیت از حقوق حقه آنان دفاع خواهد کرد و مسئولیت های بیشتری در حمایت از اتباع خود به عهده خواهد گرفت. به امید آن روز.

جمهوری اسلامی

ضمیمه ۶

۱۳۷۵/۵/۲

آن چهارگروگان غریب

پانزده سال پیش در چنین ایامی، بیروت، مظلومانه و در زیر گام های صهیونیسم، شاهد واقعه ای بس تلخ بود. آن روز کارگزاران صهیونیسم، در پی توسعه رژیم صهیونیستی، بدن ظریف کودکان لبنانی را، زیر شنی های تانک له ساختند، پدران را تیرباران کردند و مادران را آواره کوه و بیابان. آن روز (خرداد سال ۶۱) زمانی بود که خبر فتح خرمشهر، ماهواره، گیرنده ها و فرستنده های خبری استکبار را شوکه کرده و از کار انداخته بود؛ سعی داشتند سکوت کنند، همان گونه که یک ماه تمام در طی عملیات

الی بیت المقدس خفقان گرفته بودند تا نکند پخش اخبار شکست مفتضحانه بعثیان، به نفع سپاه اسلام تمام شود و مردم منطقه را آگاه سازد. دشمن، آن روز باخفت از خرمشهر گریخت ولی یارانش در پی چاره‌ای، تا شکست عظیم‌شان را التیام بخشند.

قدس، اولین قبله مسلمانان، بهترین نقطه فشار بود. مردم مسلمان لبنان که از پیروزی جمهوری اسلامی در فتح خرمشهر شادمان بودند، قربانی این توطئه شدند. صهیونیسم جهانی همه نیروهایش را به سوی لبنان گسیل کرد. وجب به وجب خاک لبنان، از جنوب تا بیروت، از اقلیم التفاح تا ضاحیه بیروت، از جبل عامل تا قلب بیروت، از خون مظلومان سرخ شد. دشمن صهیونیستی با این تهاجم قصد آن داشت تا هم خبر پیروزی رزمندگان اسلام و شکست وسیع بعث عراق را تحت الشعاع قرار دهد، هم به اهداف نظامی خویش دست یابد. برای راه‌یابی چگونگی مقابله با این توطئه استکبار جهانی، گروهی از ایران عازم لبنان شدند. در اثنای این سفر بود که هیئت چهار نفره دیپلماتیک ایران در روز چهاردهم تیرماه سال ۶۱ عازم بیروت شدند تا با تهیه گزارش کاملی از اوضاع این شهر اشغال شده، عازم ایران شوند. متأسفانه در آن روز، مزدوران فالانژ اسرائیل مسیر آنان را سد کرده و با وجود مصونیت سیاسی دیپلمات‌های ایرانی، آنان را به اسارت درآوردند. اسارتی که تاکنون باگذشت ۱۵ سال از آن فاجعه، هیچ خبری از آنان نشده است. در حال حاضر، مسئول مستقیم دستگیری آنان، یکی از افراد دولت لبنان می‌باشد و جنایتکاری که خود آنان را به اسارت درآورده، به جرم جنایات وسیع، در زندان دولت لبنان به سر می‌برد ولی هیچ خبری از چهارگروگان ایرانی نشده است.

در حالی که پنج هزار و یکصد روز از فقدان چهارگروگان ایرانی می‌گذرد و یکی از آنان کاظم اخوان خیر نگار و عکاس بوده است، متأسفانه در روزهای اخیر شاهد چاپ مطلبی با عنوان: «بیانیه ۳۷۰ روزنامه نگار ایرانی در اعتراض به ترور و سانسور خبر قتل گزارشگر منتقد آمریکایی» بودیم؛ جای بسی تعجب دارد و باید سوال کرد در طی این ۱۵ سال، چه طور شد که هیچ‌کدام از مطبوعاتی‌های کشور به فکر چهارگروگان ایرانی و بخصوص خبرنگار عکاس کاظم اخوان نبودند و نیستند، و حتی در سالگرد ربودن آنان، از درج مطلبی ولو کوتاه سر باز می‌زنند، ولی برای قتل یک خبرنگار آمریکایی، این‌گونه صفحه اول مطبوعات - با نگرش‌ها و خطوط مختلف - پرمی شود از تیرهایی که همه یک نوع و یک دست هستند. این را به حساب چه باید گذاشت، بماند برای همان مطبوعات چچی‌ها که این‌گونه برای قتل یک خبرنگار آمریکایی (هر چقدر هم که از دید این آقایان، او آزاداندیش و مبارز باشد) ناله و وامصیبتا سر می‌دهند.

ضمیمه ها □ ۳۲۹

۱۵ سال از دوری کاظم اخوان از وطن گذشته و چه بسا هیچ خبری از او و یارانش نیاید؛ بگذار ارباب جراید برای خودشان خوش باشند، همان گونه که کسی سوال نکرد حاج احمد متوسلیان کی بود؟ چه کاره بود؛ چه طور اسیر شد؟ چه خبری از او در دست است؟ و اصلاً چرا رفت لبنان؟ بگذاریم و بگذریم که ستاره‌ها بدجوری برشانه شب چشمک می‌زنند. بگذاریم حاج احمد در غربت خویش، با درد ورنج بسازد و سرشانه‌هایش در زیر بار مسئولیت دفاع از اسلام و انقلاب، دچار تزلزل نگردد که شانه‌های مهربان حاج احمد آماده بود تا هر وظیفه‌ای را هر چند سنگین بردوش کشد، بلکه قدمی برای اسلام و انقلاب برداشته باشد. سرشانه‌های حاج احمد هیچ توقع دیگری نداشته و ندارند جز بوسه‌های پرمهر مادر.

حمید داودآبادی

هفته‌نامه فرهنگ‌آفرینش

ضمیمه ۷

۱۳۷۵/۵/۲

پنج هزار و یکصدمین روز

در آستانه فرارسیدن پنج هزار و یکصدمین روز ربوده شدن چهارتن از اعضای هیئت دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران توسط تروریست‌های مزدور رژیم صهیونیستی در لبنان، طی شب‌های ۱۳، ۱۴، ۱۵ تیرماه، مراسم بزرگداشتی از سوی جمعی از بسیجیان جنوب تهران، و با همکاری فرماندهی لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) و با حضور خانواده‌های چهارگروگان ایرانی، در مسجد امام حسن مجتبی (ع) شهرک دولت آباد برگزار شد. در این مراسم پرشور و روحانی، که جمع کثیری از اهالی جنوب تهران، خانواده‌های معظم شاهد، جانبازان و آزادگان سرافراز حضور داشتند، از مقام شامخ چهار آزاده بزرگوار سید محسن موسوی، حاج احمد متوسلیان، تقی رستگار مقدم، و کاظم اخوان تجلیل به عمل آمد. در نخستین شب این مراسم، پس از تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید، شاعر و نویسنده بسیجی «محمد حسین جعفریان» بخش‌هایی از مثنوی بلند شرمساری را که در رثای حاج احمد متوسلیان و یارانش سروده است، قرائت کرد. سپس «حاج حسین الله کرم» هم‌رزم دیرینه حاج احمد متوسلیان در جبهه غرب، در بخشی از سخنان خود با اشاره به تلاش وسیع بوق‌های تبلیغاتی استکبار

در جهت تروریست جلوه دادن جمهوری اسلامی ایران، گفت: «واقعه ربوده شدن این چهار برادر عزیز ما به دست نوکران صهیونیسم در لبنان، بهترین سندرسوایی عوامل استکبار و دستگاه‌های تبلیغاتی شیطان بزرگ را در اختیار امت خداجوی ما قرار داد. تروریست آن کسانی هستند که حتی شعارهای عوام‌فریبانه خود را هم وقتی پای دشمنی با انقلاب اسلامی در میان باشد، زیر پا می‌گذارند. در کجای عالم می‌توان اعضای یک هیئت‌دیپلماتیک خارجی را که دارای مصونیت سیاسی هستند و سرپرستی آنان را کاردار سفارتخانه یک کشور برعهده دارد، روز روشن با کمال وقاحت و به‌زور اسلحه دزدید؟! آیا این عین تروریسم نیست؟ این واقعه ثابت کرد که طرح مسائلی از قبیل متهم کردن ایران به نقض حقوق بشر یا تروریسم، برای کارگزاران مجامع غربی بهانه‌ای بیش نیست.»

در دومین شب مراسم، یکی از بسیجیان به نقل گوشه‌هایی از زندگی درخشان چهارگروگان ایرانی پرداخت. سپس سیدراند موسوی فرزند کاردار ربوده شده سفارت جمهوری اسلامی در بیروت، طی سخنان کوتاهی به گوشه‌هایی از زندگی سراسر خدمت و مبارزه پدرش اشاره کرد و گفت: «من یک سال و نیمه بودم که پدرم را در لبنان دزدیدند و الان که ۱۵ سال از اسارت پدرم می‌گذرد، خدا را شکر می‌کنم که این واقعه تلخ هنوز هم در بین افکار عمومی ملت ما زنده مانده. پدرم در زندگی خود رنج بسیاری کشید. قبل از انقلاب، ساواک رژیم طاغوت، دوبار او را دستگیر کرد. بعد از آزادی از زندان دوم، مخفیانه روانه آمریکا شد و آنجا جزو فعال‌ترین نیروهای انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی بود. با ورود حضرت امام به پاریس، همراه چند تن از دوستان، به حضرت امام ملحق شد و همراه با ایشان به ایران بازگشت. در سال‌های اول انقلاب، به وزارت خارجه پیوست و آخرین مسئولیت او، سمت کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت بود.»

در خاتمه، سرهنگ «عطا» به نمایندگی از طرف فرماندهی لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص)، ضمن تقدیم لوح یادبود و هدایا به خانواده‌های محترم چهارگروگان ایرانی، از ایشان تقدیر به عمل آورد. همچنین یکی از نمایندگان ایثارگران جنوب تهران نیز به خانواده‌های این عزیزان لوح تقدیر تقدیم کرد. در سومین شب مراسم، حجت‌الاسلام موسوی، پدر کاردار ربوده شده کشورمان، گفت: «ما فقط به‌خاطر مظلومیت این چهارتن در اینجا حضور نیافتیم، آنچه بیشتر برای ما خانواده‌های گروگان‌ها اهمیت دارد، این مظلومیتی است که مسئولان صدیق نظام جمهوری اسلامی در این سال‌ها متحمل آن شده‌اند. ما اینجا آمده‌ایم بگوییم تا آخرین نفس از حقانیت نظام مقدس جمهوری اسلامی و ارزش‌های آن دفاع می‌کنیم.»

آنگاه شاعر معتمد «محمد رضا آقاسی»، فضای مجلس را با قرائت بخش‌هایی از مثنوی ولایت‌نامه، معطر کرد. در پایان مراسم، یکی از برادران جانباز، از رشادت‌های حاج‌احمد متوسلیان در مقابله با توطئه‌های عوامل استکبار در کردستان، خاطراتی به سمع حضار رساند.

هفته‌نامه فرهنگ‌آفرینش

ضمیمه ۸

مرداد ۱۳۷۵

چند خطی به یاد چهارگروگان مظلوم ایرانی

فراموشی؟ ... هرگز

چهاردهم تیرماه، مصادف با پنج‌هزارویکصدمین روز حادثه‌ای است که اگر برای تعدادی از اتباع مدینت متفرن مغرب‌زمین به‌وقوع پیوسته بود، یقیناً تا به‌امروز بیش از پنج‌هزارویکصد قطعه‌نامه در محکومیت مسببین چنین واقعه‌ای صادر کرده و به‌امضای پنج‌هزارویکصد سازمان‌مترقی! مدافع حقوق بشر و مخالف تروریسم بین‌الملل رسانده بودند. آری، چهاردهم تیرماه، سالروز ربوده‌شدن چهارتن از اتباع جمهوری اسلامی ایران توسط تروریست‌های تحت‌امر رژیم صهیونیستی در لبنان است. گناه این چهارتن، آن همه عظیم بوده است که قطعاً سزاوار کم‌ترین بذل توجهی از سوی محافل غربی مخالف تروریسم و مدافع منشور حقوق بشر نبوده‌اند، اولاً از حیث نژادی و قومی، جرم این چهارتن کاملاً محرز است. آنان نه منسوب به نژاد صددرصد سفید و پاستوریزه «آنگلوساکسون» بوده‌اند، و نه دست‌کم چون برخی غرب‌زدگان متولد ممالک جهان‌سوم، افتخار! دارا بودن تابعیت مضاعف جوامع متمدن غربی را داشته‌اند. درثانی، آنان مرتکب جرم بزرگ‌تری هم شده بودند که در واقع امر، ناهنجارترین نوع جنایت عقیدتی! است. این چهارتن، نه تنها نسبتی با قوم برگزیده گوساله‌پرستان بنی‌صهیون نداشتند، بلکه در زمره معتقدین به افراطی‌ترین اندیشه‌های بنیادگرایانه و مخلّ روند سازش‌خاورمیانه، یعنی مکتب تشیع امام خیرشکن علی(ع) بوده‌اند. به‌علاوه، هر چهارتن، تبعه کشوری هستند که غرب دموکراتیک و مردم‌سالار، سال‌هاست آرزوی خشکاندن ریشه حیات مردم آن را داشته‌است! چه گناهی از تابعیت جمهوری اسلامی ایران بالاتر؟ حال اگر کسی بگوید، این چهارتن عضو هیئتی دیپلماتیک بوده‌اند، معلوم می‌شود که معنای دیپلماسی رانمی‌فهمد.

دیپلماسی، یعنی کشتار صد درصد دموکراتیک صدها زن و کودک بنیادگرا، توسط خلبانان خردگرای هلی کوپترهای توپدار «آپچی» ارتش اسرائیل در اردوگاه «قانا». شاید برخی مطلق‌گرایان احساساتی بگویند این چهارتن برای مأموریتی امدادی و نوع‌دوستانه راهی بیروت شده بودند. معنای مأموریت امدادی و بشردوستانه در لبنان را باید از جناب آرییل شارون قصاب آوارگان لبنانی و فلسطینی اردوگاه‌های صبرا و شتیلا پرسید.

ادعا کرده‌اند این چهارتن را برغم داشتن مصونیت سیاسی ربوده‌اند! اصلاً چه کسی به آنان حق مصونیت اعطا کرده بود؟ در ساحت تشخیص مصونیت سیاسی، تنها مرجع ذیصلاح و معتبر جهانی «خرس‌کوی» اطفال ریش‌دار بنی‌صهیون در کاخ سفید ببخشید!- مقام محترم ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا است.

می‌گویند یکی از این چهارتن، کاردار سفارت کشور ایران در بیروت بوده است! چه مدرک جرمی از این بهتر! هنگامی که به فرموده وزیر خارجه خوش‌قیافه! عموسام، آقای «وارن کریستوفر»، ملت ایران تروریست است، سلمنا که کاردار سفارت چنین ملتی هم یک‌پا تروریست خطرناک است! مدعی شده‌اند که آن‌دیگری خبرنگار و عکاس جراید ایران بوده. بر اساس تصاویر دریافتی از ماهواره‌های «پنتاگون»، فرد مزبور در داخل دوربین عکاسی و قلم خود کارش چندین تَن مواد منفجره جاسازی کرده بود!

هکذا می‌گویند، سومین نفر ایشان، مسئولیت رانندگی اتومبیل سفارت ایران را برعهده داشته است. «به‌گفته یک منبع ناشناس!» اولاً وسیله نقلیه مزبور. نه یک اتومبیل معمولی، بلکه یک دستگاه تانک فوق‌مدرن مجهز به سکوی پرتاب موشک‌های قاره‌پیما! بوده است. ضمن آن‌که «به اعتقاد برخی صاحب‌نظران»، مشارالیه به علت عدم رعایت سرعت مجاز در جاده‌های لبنان، توسط پلیس راهنمایی اسرائیل بازداشت شده است!

و اما آن نفر چهارم، که گفته‌اند پیش از اعزام به این مأموریت دیپلماتیک، به اتفاق لشکریان آیت‌الله خمینی، در جبهه خرم‌شهر، به جنگ اشغالگران عراقی رفته بود. به گفته یکی از آجودان‌های «ژنرال شوارتزکف»، یگان دژبان ارتش اسرائیل، فرد چهارم را به جرم پیشدستی کردن در شکستن شاخ قوای «چاقوکش دیوانه بغداد» بازداشت کرده است.

بدین ترتیب، پرواضح است که این قضیه چهار ایرانی ربوده‌شده در لبنان، صد درصد مشکوک و از نظر «تحلیل‌گران آگاه»! بی‌پایه و اساس است! قصد نگارنده از نوشتن آنچه تا بدین جا خواندید، نه تحریر

ضمیمه ها □ ۳۳۳

مطلبی طنزگونه بوده است، نه مناسبتی که به بهانه آن دست به قلم بردیم، باطن‌نویسی و شوخ‌طبعی نسبتی دارد. چهاردهم تیرماه امسال، مصادف بود با پانزدهمین سالگرد ربوده شدن چهارعضو هیئت دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران در مسیر بیروت، توسط عمال تروریست رژیم صهیونیستی. خانواده‌های این چهارگروگان مظلوم ایرانی، پانزده سال است که چشم به راه آزادی عزیزان خویشند. از این میان، پدر و مادر کاظم اخوان خبرنگار و عکاس ربوده شده، آرزوی دیدار فرزندشان را با خود به سینه سردخاک بردند. فرزند خردسال آقای سید محسن موسوی، اینک نوجوانی برومند است که معصومانه پانزدهمین سال فقدان سایه پرمهر پدر را بر سرش تجربه می‌کند. خانواده تقی رستگارمقدم نیز، سال‌هاست به سان شمع در فراق فرزند اسیرشان، بی صدا و صبور، می‌سوزند و آب می‌شوند. و بالاخره... در خانه‌ای کوچک و قدیمی، در محله مولوی تهران، مادر سالخورده و رنج‌کشیده علمدار رشید فتح‌خرمشهر، حاج‌احمد متوسلیان، دردمندانه چشم‌به‌راه دریافت خبری از یوسف‌گم‌گشته خویش است. چهاردهم تیرماه، یک واقعه مشمول مرورایم شده نیست. عملیات تروریستی ربودن چهارعضو هیئت دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران توسط عمال رژیم صهیونیستی، برهان قاطعی بر مظلومیت ملت مقاوم ایران و سند رسوایی دشمنان انقلاب اسلامی، خصوصا محافل به اصطلاح مدافع حقوق بشر و مخالف تروریسم و بوق‌های تبلیغاتی امپراطوری جهانی شیطان بزرگ است. آیا مظلومیت مطلق چهارگروگان ایرانی، از یاد رفتنی و قابل فراموشی است؟... هرگز چنین مباد!

ماهنامه صبح

ضمیمه ۹

مهر ۱۳۷۵

مصاحبه با خانم مریم مجتهدزاده همسر کاردار ربوده شده سفارت ایران در لبنان

- لطفا درباره حادثه ربوده شدن هیئت دیپلماتیک ایرانی در لبنان توضیحاتی بفرمایید:
- در آن زمان یعنی تیرماه ۶۱ ارتش جنایتکار رژیم اشغالگر قدس، با یک برنامه گسترده از پیش طراحی شده، با استفاده از حمایت‌های بی دریغ تبلیغاتی، سیاسی و نظامی آمریکا و همپیمانانش، به مردم مظلوم و بی دفاع کشور لبنان حمله برد؛ با توجه به این‌که متأسفانه لبنان قبل از این حمله سبعانه، شاهد هفت سال جنگ داخلی و عدم انسجام میان نیروها و قوای مدافع خویش بود،

اشغالگران متجاوز با خیالی آسوده شروع به قتل عام، اسارت، شکنجه و آواره ساختن مردم نمودند و آسمان و زمین لبنان را درهاله ای از آتش و خون فرو بردند. در آن شرایط غمبار، جمهوری اسلامی ایران با توجه به رسالت و مسئولیت اسلامی خود، هیئتی دیپلماتیک را به مقصد بیروت، پایتخت جنگ زده لبنان روانه ساخت تا با بررسی اوضاع بحرانی کشور لبنان، اقدام به تهیه گزارشی کامل از سریع ترین و بهترین راه های عملی امداد رسانی و کمک به مردم بی پناه، آواره و غرقه به خون لبنان نمایند. در روز چهاردهم تیرماه سید محسن به همراه سه عضو دیگر هیئت دیپلماتیک ایران، با خودروی سفارت و در حالی که گارد لبنانی سفارتخانه ها آنان را همراهی می کرد، عازم شهر بیروت می شوند که در حین ورود به شهر - برغم مصونیت دیپلماتیک - توسط فالانژها، خودرو متوقف و چهار سرنشین آن ربوده شده و پس از شکنجه و بازجویی، تحویل نظامیان رژیم اشغالگر قدس می شوند.

- لطفاً سه عضو دیگر هیئت دیپلماتیک را که همراه کاردار سفارت ایران در لبنان ربوده شدند، معرفی بفرمایید؟

- به همراه آقای موسوی، برادران کاظم اخوان، تقی رستگار مقدم و حاج احمد متوسلیان در آن سفر حضور داشتند. کاظم اخوان به عنوان یک خبرنگار شجاع، متعهد و انقلابی خبرگزاری جمهوری اسلامی، برای به تصویر کشاندن و انعکاس مظلومیت مردم بی دفاع لبنان و واقعیات و حقایق تلخ و تأسف بار ناشی از تجاوز ددمنشانه ارتش اشغالگر، روانه این سفر شده بود. تقی رستگار مقدم هم که به عنوان مشاور فنی هیئت اعزامی به سفر پرخطر لبنان اعزام شده بود، هدایت خودروی سفارت را برعهده داشت. حاج احمد متوسلیان هم به عنوان وابسته نظامی هیئت محسوب می شد و ایشان از فرماندهان زبده دفاع مقدس، فاتح خرمشهر و آشنا به توطئه های نظامی و جغرافیایی دشمنان اسلام بود که تجربیات ارزنده خود را در مناطق عملیاتی غرب و جنوب جهت بررسی و پیدا کردن امن ترین و سریع ترین راه کارهای رساندن کمک های دارویی و غذایی اهدایی جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته بود تا کمک های امدادی به دست دشمن متجاوز نیفتد و مردم بی پناه و آواره ای که به ضروریات تداوم حیات خود احتیاج داشتند، از همان مختصر امکانات اهدایی مردم و مسئولان کشور اسلامی مان بهره مند شوند.

- با توجه به این که سردمداران مجامع و سازمان های بین المللی به اصطلاح حامی حقوق بشر، هراز چندگاهی با ادعاهای بی پایه و اساس، نظام ما را به نقض حقوق بشر و یا حمایت از تروریسم متهم می کنند، پیام شما به این مجامع و همچنین به انسان های آزاده جهان چیست؟

– خوشبختانه دیگر برای همه انسان‌های آزاده جهان مثل روز روشن است که این سازمان‌ها و مجامع عملاً بازیچه و اهرم دست قدرت‌های استکباری و سلطه‌جوی جهانی هستند. مثلاً در اواخر دوره دبیرکلی «خاویر پرز دکوئیار»، وی شروع به انجام فعالیت‌هایی در جهت رفع بحران گروگان‌گیری در لبنان نمود که در مورد گروگان‌های غربی تلاش و پی‌گیری شبانه‌روزی صورت گرفته و مجموع موضع‌گیری‌های مجامع بین‌المللی وی، منجر به آزادی گروگان‌های غربی شد. اما درست در همان زمان با توجه به این‌که اولین گروگان‌های بحران فوق، چهاردیپلمات ایرانی بودند، به دلیل عدم جدیت و وجود تبعیض و دوگانگی و اهمال در برخورد و پی‌گیری سازمان‌ملل، متأسفانه تاکنون چهارگروگان ایرانی، قربانیان آن بحران باقی‌مانده‌اند و البته با وجود سوابق واضح این سازمان‌ها، این مسئله امر دورازذهنی به‌شمار نمی‌آید! همه آزادگان جهان دریافته‌اند که برخوردها و عملکردهای این مجامع در جهت منافع امپریالیستی قدرت‌های جهانی می‌باشد و در این راه وقتی حقوق‌بدیهی بشر در مورد گروگان‌های ایرانی بیش از ۱۴ سال نقض می‌شود، واکنش موثری از خود نشان نمی‌دهند، اما در مواردی که نظام‌های آزاده و متکی بر عدالت، برخلاف نظرات استکباری قدرت‌های شیطان‌جهان قدم‌برمی‌دارند، آماج تهمت‌ها و افتراات این مجامع قرار می‌گیرند.

– با توجه به این‌که چهارگروگان آزاده ایرانی، اولین قربانیان مسئله موسوم به بحران گروگان‌گیری در لبنان بوده و درکمال ناباوری هنوز آخرین ایشان باقی مانده‌اند، نظر شما در مورد عملکرد دستگاه‌های مسئول، همانند وزارت خارجه چیست؟

– اولاً بنده از طرف خودم و سایر خانواده‌های صبور و انقلابی گروگان‌ها، باید از همه افرادی که به نحوی پی‌گیر و جویای احوال و سرنوشت گروگان‌های ایرانی هستند، چه از میان مردم و چه در بین مسئولین و در راس همه از شخص مقام‌عظمای ولایت (حفظه‌الله‌تعالی) که انصافاً هم در دوران ریاست‌جمهوری و هم در دوران رهبری، توجه و عنایت ویژه‌ای نسبت به این قضیه داشته‌اند، تشکر و قدردانی کنم. اکنون هم چشم‌امید ما بعد از توکل به خداوند متعال، به عنایات ایشان در این زمینه می‌باشد. ثانیاً جدا از مسئولینی که به دلایل مختلف نسبت به انجام وظایف خود در پی‌گیری سرنوشت و آزاد سازی گروگان‌ها -خواستہ یا ناخواستہ- کوتاهی می‌کنند، گله دارم. بیش از ۱۴۹ ماه تمام از روده شدن این چهار آزاده سرافراز در بند می‌گذرد و ما حتی از سرنوشت‌شان بی‌اطلاعم. دعای همیشگی خانواده‌های این چهار عزیز این است که اگر به فیض عظیم شهادت نائل آمدند، خداوند ایشان را با امام حسین (ع) محشور کند و اگر هنوز زنده‌اند، خداوند ان‌شالله آنان را به سلامت

به میهن‌اسلامی و به‌آغوش امت شهیدپرور ایران‌اسلامی بازگرداند. اما دستگاه‌های مسئول چه توجیه و توضیحی برای سکوت و سستی خود دارند؟ در آن‌زمان رهبرفالاثرها ایلی حبیقه یکی از وزرای کنونی کابینه‌رفیق حریری، و فرمانده ربایندگان‌گروگان‌ها سمیرجعجع که اکنون به‌دلیل ارتکاب به‌جنایات‌متعدّد به حبس‌اید محکوم‌شده است، مستقیماً درجریان ربودن چهارگروگان ما بوده‌اند. با توجه به این‌که هردونفر فوق، اکنون دراختیار دولت‌لبنان می‌باشند و دولت‌لبنان هم به‌اندازه کافی برای اعمال‌حاکمیت خود توان‌دارد، از وزارت‌خارجّه جدّاً انتظارمی‌رود که با پی‌گیری‌جدی و کامل کردن زحمات‌گذشته، برای روشن‌شدن سرنوشت گروگان‌ها تلاش‌کند. هیچ‌کدام از ما خانواده‌های چهارگروگان عزتمندایرانی، تا قبل از آزادی اسرای جنگ‌تحمیلی، به‌پاس همدردی با خانواده‌های آزادگان، مسئله ربوده شدگان‌مان را پی‌گیری نکردیم و ازسال ۱۳۷۰ بود که از طریق ملاقات با دکترولایتی، وزیرامورخارجّه و نیز سفر به‌سوئیس، ایرلند، سوریه و لبنان و مذاکره با نمایندگان سازمان‌ملل و کمیسیون حقوق‌بشر و کمیته بین‌المللی‌دفاع از زندانیان، تلاش‌های‌مان را درجهت پی‌گیری و طرح این‌قضیه آغازنمودیم. درآن‌زمان، دولت‌ایران مسئله‌گروگان‌های‌غربی درلبنان را که هنوز آزاد نشده بودند، مجدانه پی‌گیری‌می‌کرد. نظر به این‌که مسئولین جمهوری‌اسلامی‌ایران، با استفاده از محبوبیت و نفوذ معنوی‌خود در نزد گروگان‌گیران‌لبنانی، بارها و بارها به آزادی گروگان‌های‌غربی کمک کرده‌اند، به‌روشنی می‌توانند خواستار فشارمؤکد سایردولت‌ها به رژیم‌صهیونیستی و عمال‌فالاثر جهت روشن‌شدن سرنوشت و آزادی گروگان‌ها شوند و نقطه‌شروع این‌فعالیت هم‌می‌تواند از خودهمین دوفرمانده حیّ و حاضر فالانثر ازطریق دولت‌لبنان باشد و ما موکداً خواستار پی‌گیری مسئولین ذبصلاح کشورمان ازطریق افزایش‌تماس با مقامات‌قضائی و اجرایی‌لبنان و طرح قضیه گروگان‌های‌ایرانی می‌باشیم.

- با توجه به‌حساسیت و تأکیدات مقام‌معظم‌رهبری نسبت به معرفی‌اسوه‌ها و الگوها و پیش‌کسوتان جهاد و شهادت، عملکرد دستگاه‌های‌تبلیغاتی کشورمان در معرفی این چهار الگوی‌ایثار و فداکاری را چگونه ارزیابی می‌نمایند؟

- در سفری که چندسال قبل به چند کشوراروپایی به‌همراه خانواده سه‌گروگان دیگر داشتیم، یکی از گروگان‌های‌ایرلندی را که حدود دوسال و نیم درلبنان به گروگان گرفته شده و سپس با تلاش سازمان‌یافته مسئولین‌ایرلندی - اروپایی وقت آزاد گشته‌بود، ملاقات کردیم. او به ما تمام روزنامه‌های‌ایرلندی را که از روز ربوده‌شدن وی تا روزها بعد از آزادی و بازگشتش هر روز به

نحوی چندسطر و حتی چندصفحه به‌وی اختصاص داده‌بودند، نشان داد. یعنی همه روزنامه‌های کشورش هرروز به‌شکلی با زنده‌نگه‌داشتن قضیه رپوده‌شدن وی، از او تجلیل به‌عمل می‌آوردند. اوهمچنین ازانعکاس مراسم‌مفصل بزرگداشت یادش که به بهانه‌های مختلف و از جمله‌سالگرد تولد، رپوده‌شدن، شادی و ماتم خانواده و... توسط رسانه‌های مختلف‌جمع‌ی از نشریات و جراید گرفته تا رادیو و تلویزیون، به تفصیل سخن می‌گفت. اما آیا صداوسیما ما در این چندساله حتی درسالگرد رپوده‌شدن گروگان‌ها، اقلأ چنددقیقه به بزرگداشت یاد و نام و یا تکریم جایگاه‌شان پرداخته‌است؟ حال آن‌که بیش از ۱۳۲ هزارساعت از رپوده‌شدن آن‌های گذرد. در قبال این ۱۳۲ هزارساعت، حتی دریغ از چنددقیقه برنامه اعلام‌سالگرد؛ حالا معرفی‌سوابق، زحمات، ابعاد شخصیتی... و بماند! البته بازهم ازتلاش‌های خالصانه‌ای که ازسوی برخی نشریات بویژه در ایام‌سالگرد صورت‌گرفته تقدیر و تشکرکردن بی‌انصافی است، اما جدأ آیا این مقدارمختصر ومحدود کافی‌است؟ با توجه به‌این مطلب که این‌قضیه روشن‌ترین وبهترین سندرسوایی دشمنان‌نظام دررابطه با ادعاهای کذب و مسخره‌شان در دفاع‌از آزادی و حقوق‌بشر می‌باشد که خداوند در اختیارمان قرار داده‌است. من وقتی می‌بینم جوانان و نوجوانان کشور ما را تحت شدیدترین بمباران‌های مسموم وآلوده صوتی وتصویری ماهواره‌ها و شبکه‌های ویدیویی و... ضدّ ارزشی‌ترین و کم‌محتواترین مطالب را موردتوجه و ارزشدهی قرار می‌دهند، اما حتی‌نمی‌دانند که چهارعضو هیئت‌دیپلماتیک ایرانی درغرب مدّعی دمکراسی و آزادی، بیش از ۱۴ سال‌است که مفقودال‌اثرند، آیا باز هم می‌توان به عملکرد مسئولین‌تبلیغی - فرهنگی کشور نمره بالای اختصاص داد؟!

- درمورد نحوه‌آشنایی خودتان با آزاده سرافراز سیدمحسن موسوی وخصوصیات ویژه‌رفتاری ایشان چه دربعد خانوادگی و چه دربعد کاری، لطفاً توضیحاتی بفرمایید:

- در دوران قبل ازانقلاب، با توجه به‌این که هر دو دانشجوی رشته برق‌دانشگاه بودیم، مواضع مشترک ضدّ رژیم طاغوت موجب‌آشنایی ما دوتا با هم و نهایتاً ازدواج ما شد. ایشان نسبت به انجام واجبات و ترک‌محرمات بسیار مقیدبودند. من خیلی راجع به خصایل ویژه امیرالمومنین واعمال و رفتار ایشان خوانده وشنیده بودم که از طرفی مظهرجلال و قهرخداوند در برخورد با منافقین و کفار و مبارزات ضدطاغوت، و از طرف دیگرمظهر جمال و رحمت‌خداوند در دفاع وحمايت از محرومین ومظلومین وایتام بودند. اما حقیقتاً بعداز آشنایی با سیدمحسن ایشان را یکی ازشاگردان مکتب

امیرالمومنین و مصداق عینی شیعه و پیرو همه‌جانبه امیرالمومنین و اهل‌بیت دیدم. یعنی در یک کلام خود بنده هرچه دارم واقعاً مدیون وجود ایشان می‌دانم چراکه ایشان حقیقتاً چشمم را به حقایقی بازکرد و به مسیری راهنمایی کرد که معنای راستین بندگی خدا و زندگی تحت ظل ولایت حق را درک کردم. من به‌عنوان تقدیر و تشکری ناقابل، حاصل پایان‌نامه فوق‌لیسانسم را به ایشان تقدیم کردم، هر چند که این حتی بیان ذره‌ای از احساس دین و تشکر از دریای زحمات و الطاف‌عظیم وجودی ایشان هم نیست. حتی موضع صبر و بردباری هم که بعد از روبرو شدن ایشان داشتم، مدیون آگاهی و معرفتی می‌دانم که به لطف خدا باز هم ایشان در من ایجاد کرد. یعنی به قدری ایشان این معنای از دست‌دادن و دوری‌مادی را با توجه دادن به قرآن و سیره اهل‌بیت و علی‌الخصوص صدیقه طاهره حضرت زهرا(س) و دختر بزرگوارشان زینب کبری(س)، برای من ملموس و روشن کردند، که حقیقتاً خدا را شکر می‌کنم که توفیق تمسک به اهل‌بیت و تداوم راه ایشان را به این بنده حقیر عطا فرمود و خدا را شکر می‌کنم که باز هم توفیق حضور در صحنه و حمایت از اهداف عالیّه اسلام را نصیبم کرد. در صحنه عبادی هم سید محسن حقیقتاً انسان مؤمن و مقیدی بودند. اهل نماز شب، دائم‌الوضو، اهل روزه‌های مستحبی و به برکت همین بندگی خداوند، آنچنان روح عظیم و عزیزی در ایشان شکل گرفته بود که احساس می‌کنم واقعاً کلمات و عبارات، قدرت بیان آن حقیقت‌متعالی و زیبا را ندارند و من نمی‌توانم ایشان را با آن درجه تقوا و بزرگواری توصیف کنم. در بعد مبارزاتی هم، چه در زمینه فرهنگی و چه در زمینه نظامی علیه رژیم طاغوت، کاملاً مقید به تبعیت مطلق از ولی‌فقیه بودند و بارها برای تشخیص درستی کارهایی که می‌بایستی انجام می‌شد، به نحوی نظر حضرت امام را جویا شده و پس از اطمینان از انطباق کار با موازین اسلام و تحت امر ولایت فقیه، آن را انجام می‌دادند. در زمان پیروزی انقلاب و بعد از آن هم ایشان غالب وقت خود را صرف روشن‌گری جوانان و نوجوانان آن زمان و از طرف دیگر کسب مهارت‌مختلف مورد نیاز جامعه اسلامی می‌نمودند. با توجه به کارایی ایشان، بلافاصله به‌عنوان کاردار سفارت ایران در لبنان جذب وزارت خارجه شدند. قبل از شروع تجاوز رژیم تروریستی اشغال‌گر قدس به لبنان، برای دیدن من و پسرمان رائد که در آن زمان یک سال و نیم سن داشت، به یک مرخصی آمده بودند که با توجه به حمله گسترده و وحشیانه ارتش متجاوز صهیونیستی، مرخصی خودشان را نیمه‌کاره رها کرده و برای انجام امور سفارت به لبنان بازگشتند. ساعتی قبل از اسارت هم با بنده تماس گرفتند و شرایط حاد

مظلومین لبنانی و علی‌الخصوص کودکان و زنان مظلوم آن دیار را تشریح کردند که بعد از آن تماس، به سمت سفارت دربیروت حرکت می‌کنند و رپوده می‌شوند.

- ما هم امیدواریم که چهارآزاده سرافراز ایرانی هرچه سریع‌تر با سلامت کامل به کشورمان باز گردند.

در پایان باتشکر از شما جهت شرکت در این مصاحبه، اگر صحبت دیگری دارید، بفرمایید؟

- امسال برای نخستین بار در ایام پانزدهمین سالگرد ربوده‌شدن گروگان‌های مان، جمعی از بسیجیان جنوب تهران مراسمی را جهت بزرگداشت نام و خاطره چهارگروگان ایرانی برگزار کردند که ظاهراً گزارش مراسم در نشریات مان از جمله همین ماهنامه صبح، منتشر شد. از طرف خودم و خانواده‌های گروگان‌ها، از همه خواهران و برادران بسیجی برگزارکننده این مراسم تشکر نموده و آرزوی موفقیت آنها و همه بسیجیان جهان اسلام را داریم و از شما هم متشکریم.

ماهنامه صبح

ضمیمه ۱۰

۱۳۷۵/۹/۱۵

قربانیان تغافل رسانه‌های ما

گروگان‌های از یادرفته ایرانی و تکالیف از یادرفته ما

حیدر کرار علی(ع)، ضمن سخنانی خطاب به اهل کوفه، عبارتی دارد قریب به این مضمون که: با هیچ قومی در خانه ایشان پیکار نشد، مگر آن‌که دچار ذلت و خسران شدند!

لابد می‌پرسید نقل قول فوق چه ربطی با اصل مطلب دارد؟ چه بگوییم؟! اگر به واقع بحث تهاجم فرهنگی و هشدارهای مکرر و مؤکد خلف صالح خمینی(ره) را باور کرده‌ایم و مثل بعضی از دوستان ساده اندیش در کرات آسمانی و یا صرفاً در آرم و عنوان فرنگی نصب شده بر پشت شلوارهای جین به دنبال مصادیق و مظاهر تهاجم فرهنگی نیستیم، ما اصحاب قلم و ارباب رسانه‌های این مملکت، باید اذعان کنیم که در قبال یورش‌های بی‌وقفه ده‌ها ارتش رسانه‌ای غرب صهیونیستی کمی تقاسمی، مرخصیم! طوطی صفتی در عرصه اطلاع‌رسانی به افکار عمومی مردم ایران تاکی؟ آنچه از توهمات شبه‌خبری را که اساتیدازل بوق‌های تبلیغاتی صهیونیسم‌بین‌الملل روانه تلکس‌های اطلاع‌رسانی مامی‌کنند، تاکی باید شکل‌دهنده غالب تیتراهای جراید، عناوین خبری رسانه‌ها

و حتی فحوای کلام مسئولین مملکت باشند؟ پرسه زدن در خاکریزهای کاغذی و الکترونیکی انفعال، آن هم این همه بی برنامه و باری به هر جهت گذرا و موضع گیری های «این نیز بگذرد»ی را، تا کی باید تجربه کنیم؟

هیچ به تیتراهای صفحات اول اکثریت قریب به اتفاق جراید و رئوس خلاصه خبرهای صداوسیما در هفته های اخیر توجه کرده اید؟ ده ها بار خبر دادگاه میکونوس و اظهارات سخیف دادستان آلمانی و شهود تروریست و تحت تعقیب حاضر در این خیمه شب بازی صهاینه در برلین را به قول ما مطبوعاتی ها «تیتراول رفته ایم»، امداریغ از پانکی قدرتمند، مستدل و متکی به مستندات غیرقابل انکار در برابر این همه جارو جنجال ارتش های جمعی ستاد جنگ روانی شیطان بزرگ و اذنا ب و ایادی چند ملیتی آن.

بی تعاریف برویم سر اصل مطلب!

پانزده سال و اندی است ۴ تبعه جمهوری اسلامی ایران را گروگان گرفته اند و آنان در چنگال رژیم تروریست و نامشروع حاکم بر فلسطین اشغالی اسیرند. در برابر چنین ظلم عظیمی، همه خصوصاً ما ارباب قلم و مطبوعات چی ها، زبان در کام کشیده ایم و در عرض هر ۲۴ ساعت یک بار بی هیچ تأملی، تیترا پشت تیترا، برای فلان صهیونیست جنایتکار جنگی که حین بمباران منازل مسکونی، مدارس، مساجد و بیمارستان های مردم بی دفاع جنوب لبنان طیاره اش ساقط شد، خرج کرده و می کنیم. همین سال گذشته، وقتی آن تروریست مزدور سرویس امنیتی موساد، هواپیمای مسافری ما را از کیش دزدید و به اسرائیل برد، ما مطبوعاتی ها و همکاران ما در واحد خبر رادیو تلویزیون و خبرگزاری، چه کردیم؟ چه کسی به این مردم گفت که به محض فرود هواپیمای ربوده شده ایرانی در آن فرودگاه نظامی، تروریست های رژیم تل آویو، زنی را که پلاکاردی با عبارت «ران را آزاد کنید» به سه زبان عبری، عربی و انگلیسی به دست داشت، پای پلکان هواپیما آوردند و پادوهای C.N.N و B.B.C و سایر عمده اکره مطبوعاتی رسانه های غرب با دوربین ها و میکروفون ها و قلم های مسموم شان، تا نوانستند روی آن صهیونیست پلاکارده دست مانور دادند؟ چه کسی باید به مردم ما می گفت وقتی مسافرین هواپیمای ربوده شده ما را وارد سالن آن فرودگاه کردند، از بین ایشان پسرکی خردسال را جدا کرده، پیراهنش را به زور در آوردند و تی شرتی را که روی آن همان عبارت کذایی «ران آزاد را...والخ» نوشته شده بود، به تن او پوشاندند و از آن طفل که خود قربانی تروریست های هواپیمارای تل آویو بود، چپ و راست فیلم و عکس گرفتند و به سراسر جهان

مخبره کردند؟ چه کسی باید درباره واقعه چهاردهم تیر ۱۳۶۱ به مردم ما توضیح می‌داد؟ چه کسی و کدام رسانه‌ای باید به مردم ما می‌گفت پدر و مادر کاظم‌اخوان عکاس و خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی، که توسط همین صهیونیست‌ها در سال ۱۹۸۲ در شمال بیروت ربوده شد، در فراموشی مطلق ما اتباع رسانه‌های گروهی ایران اسلامی، در گذار سال‌ها چشم‌انتظاری، دق مرگ شدند و آرزوی دیدار فرزندشان را با خود به سینه سردخاک بردند؟ آیا شعارهایی از قبیل اخلاق مطبوعاتی، تعهد روزنامه‌نگاری و حفظ حرمت ژورنالیسم عصر انقلاب و امثال ذلک، فقط و فقط بایستی خرج تأمین خواست‌های جناحی، صنفی و سندیکایی ما اصحاب قلم و ارباب رسانه‌های جمعی ام‌القرای جهان اسلام در همایش‌ها و نمایش‌ها و کنفرانس‌های تکراری بشوند؟

هیئات! کاش دست کم به قدر ژورنالیست‌های غربی نسبت به یک همکار ربوده شده خود، حمیت به خرج می‌دادیم. چرا خبرگزاری ما، درباره سرنوشت رشیدترین خبرنگار وابسته به خود، سال‌هاست سکوت پیشه کرده‌است؟ این همه کارشناس مسائل بین‌المللی و تحلیل‌گران سیاسی خبره جراید و صداوسیما و هكذا مراکز مطالعات سیاسی جمعی وزارت خارجه که از ریشه‌های بحران زئیر گرفته تا آداب غذا خوردن گریه پرزیدنت کلینتون! ده‌ها تفسیر و تحلیل متنوع و داغ به افکار عمومی ارائه می‌دهند را هم از قلم نیندازیم. خانم‌ها، آقایان! شما را به خدا بیایید به مردم بگویید کاردار اول سفارت جمهوری اسلامی ایران در لبنان، اکنون کجاست؟ بیایید و مطابق موازین سیاست بین‌الملل و عرف دیپلماتیک، تحلیل ارائه دهید که اگر سید محسن موسوی وابسته درجه پنجم فلان سفارتخانه غربی در یک کشور جهان‌سومی بود، غربی‌ها سکوتی پانزده ساله در قبال گروگان گرفته شدن وی را رومی دانستند؟ آیا وزانت کارشناسی سیاسی و رعایت عرف دیپلماتیک، آن‌همه ارزشمند است که حتی دزدیدن مقام ارشد سفارت ایران توسط عوامل تروریست رژیم تل‌آویو نیز قادر نیست بر دامان کبریایی آن گردی بنشانند؟ چطور؟ ماهواره خود را مکلف می‌دانیم پیرامون توقعات و اتهامات موهن رسانه‌های صهیونیستی غربی درباره فلان جنایتکار جنگی صهیونی که اصلاً معلوم نیست در آسمان جنوب لبنان چه غلطی می‌کرده، هر روز و هر هفته، با موضعی انفعالی پای میز محاکمه کنفرانس‌های شبه‌خبری و مصاحبه‌ها و میزگردهای مغرضانه رسانه‌های مزدور غرب برویم، لکن اگر پای روشن شدن وضعیت وابسته نظامی هیئت دیپلماتیک جمهوری اسلامی و مشاور فنی وی، آقایان احمد متوسلیان و تقی رستگار مقدم به میان بیاید، خم به ابروی مبارکمان که نمی‌آوریم، هیچ، اصلاً خودمان را به آن راه هم می‌زنیم. شتر دیدی ندیدی! مثلی است معروف که می‌گوید برای درهم کوبیدن

بنیان یک حقیقت، لازم نیست خوب به آن حمله شود، کافی است تا از آن بد دفاع کنیم! در طی سالها فحاشی و لجن پراکنی نسبت به انقلاب و مقدسات ملت ایران از سوی حکام تروریست غرب و رسانه‌های صهیونیستی آن که همواره به ملت و نظام ما لقب تروریست داده‌اند، ماسریازان سنگر تبلیغات انقلاب اسلامی، به واقع چه کرده‌ایم؟ دست به نقد، در ماجرای پانزده ساله ربوده شدن ۴ تن از رشیدترین فرزندان این آب و خاک، عملکرد رسانه‌های ما و مسئولین ذریبط را مقایسه کنید با عملکرد بوق‌های تبلیغاتی نظام جهانی سلطه صهیونیستی غرب درباره ران آراد، تا ببینید که کجای کاریم! حکام تل‌آویو، هر سال برای صهیونیست‌مذکور جشن تولد، جشن سالگرد فارغ‌التحصیلی، جشن سالروز ورود به ارتش صهیونیستی، جشن اولین پرواز موفقیت‌آمیز، جشن کوفت و زهرمار می‌گیرند. ده‌ها صفحه از مطبوعات اسرائیلی غربی در هریک از این مناسب‌های ادواری، در رثای آدمکش مفقود شده اسرائیلی سیاه می‌شوند. رسانه‌های گلوبال و شبکه‌های ریز و درشت ماهواره‌ای - اعم از رادیویی و تلویزیونی - چون ترجیع‌بندی تکراری و مسلسل، افکار عمومی مردم پنج‌قاره را با ورد ران آراد، ران آراد خودشان، بمباران می‌کنند و در عوض عملکرد ما درباره ۴ گروگان ایرانی در بند تروریست‌های آدم‌ربای حاکم بر تل‌آویو ... دیگر چه بنویسم؟ برای که؟ گوش‌ها انگاری کردند.

آهای! مادر چشم‌به‌راه حاج‌احمد متوسلیان! سه‌سال است دارم نام فرزند دلاورت را فریادمی‌زنم. دیگر حنجره قلم‌نای ناله کردن را هم ندارد.

مادرجان! با توام که افزون بر پانزده سال است در آن خانه کوچک کاه‌گلی کوچه‌علوی خیابان مولوی تهران، مظلومانه ساکنی و به‌یمن غلفت رسانه‌های ما، حتی نزدیک‌ترین همسایگان هم نمی‌دانند که فرزند صف‌شکن تو، پرچمدار فتح خرمشهر است و اسیر از یادرفته‌ای در چنگال عفریت صهیونیزم ضد بشر. مادرجان! دعا کن که مشیت‌بالغه حضرت حق، بر به‌خود آمدن اصحاب رسانه‌های جمعی ما مقدر گردد.

آی برادر گوشه‌نشین کاظم اخوان، به‌خدا بی‌چه مسلمان‌های اهل قلم، کاظم را از یاد نبرده‌اند. کاظم آبروی قلم به‌دستان نسل انقلاب ماست. بی‌آبرو زیستن، چگونه ممکن است؟ پدر و مادر سالخورده تقی رستگارمقدم، والله هنوز هم زیادند لب‌هایی که به‌نیت رهایی عاجل تقی و سه‌همزن‌جیر رشیداو، هر صبح و شام، عاجزانه به درگاه حق تعالی زمزمه می‌کنند که: اللهم فک کل اسیر!

ضمیمه ها □ ۳۴۳

وبالاخره با شمایم خانواده صبور و دل سوخته موسوی! راندجان، باتوام که هنوز چشم به راه بازگشت پدر قهرمانت هستی. والله هر آنچه در باب مظلومیت مضاعف کاردار ر بوده شده نظام مقدس جمهوری اسلامی و یاران او توسط سگ های آدم دزد رژیم تل آویو، که در وسع ما بود، گفتیم و نوشتیم؛ اما... چه کنیم که یک دست، بیش از این صدا ندارد. شما دعا کنید تا طلسم تغافل بشکند، تا دوستان غافل ما در رسانه ها و نیز مسئولین ذریبط، به خود آیند و جبران مافات کنند. هنوز هم دیر نشده... دیگر چه برای گفتن باقی مانده است؟

السلام علیک یا موسی بن جعفر (ع)

کیهان

ضمیمه ۱۱

۱۳۷۵/۱۰/۹

سرنوشت رون آراد چقدر مهم است؟

رون آراد یک جوان کمک خلبان اسرائیلی است که ده سال قبل، هلی کوپتر حامل وی در جنوب لبنان سرنگون شد و خود وی به اسارت سازمان امل اسلامی لبنان درآمد. پس از دستگیری رون آراد توسط جنبش امل اسلامی، وی به محل امنی منتقل گردید. آقایان موسوی کاردار سابق ایران در بیروت، رستگار مقدم و متوسلیان به اتفاق آقای کاظم اخوان خبرنگار عکاس خبرگزاری ایرنا نیز از سال ۱۳۶۱ در اسارت نیروهای مزدور اسرائیل به سر می برند. در طول ۱۰ سال گذشته، اسرائیل برای نجات جان این شهروند خود، دست به فعالیت بسیار وسیعی زده است. آمریکا و متحدان اروپایی خود را به ایراد فشار بر جمهوری اسلامی ایران و ادار کرد تا موجبات آزادی رون آراد را فراهم بیاورد و علی رغم تاکیدات مکرر ایران از عدم هرگونه اطلاع از وضعیت این کمک خلبان اسیر اسرائیلی، دولت اسرائیل کماکان ایران را متهم به آگاهی از وضعیت رون آراد می کند. تا قبل از بروز واقعه میکونوس، تماس های بین براند اشمیت باور وزیر امنیتی آلمان و حزب الله لبنان، برای اطلاع از وضعیت رون آراد در جریان بود و پیش بینی می شد رون آراد با تعدادی از رهبران حزب الله که در زندان های اسرائیل اسیر هستند، مبادله شود. اما پس از بروز تشنج در روابط ایران و آلمان، این مذاکرات متوقف ماند و مسافرت وزیر امور امنیتی آلمان به منطقه لغو گردید. معلوم نیست که چرا دولت آلمان و دولت های غربی، تا

به این درجه برای یافتن رون آراد و بازگرداندن وی به اسرائیل تلاش می‌کنند. آقای اشمیت باور به جای آن‌که به ملاقات حزب‌الله برود و درخصوص آزادی رون آراد مذاکره کند، بایستی سراغ مسئولین دولت اسرائیل رفته و برای آزادی چهارتبعه ایرانی که آنها نیز ده سال است در اسارت به سر می‌برند، تلاش نماید. اما هیچ کس به فکر اتباع گروگان گرفته شده ایران در لبنان نیست. متأسفانه در حالی که دولت اسرائیل از همه امکانات برای آزادی تبعه به اسارت گرفته شده خود استفاده می‌کند و چند هفته قبل نیز به مناسبت دهمین سال مفقود شدن رون آراد فعالیت سیاسی- تبلیغی وسیعی را در جهان انجام داد، و مادر کمک‌خلبان مفقود شده را به اروپا آمریکا و سازمان ملل فرستاد، ما در داخل کشورمان نیز اتباع خود را از یاد برده ایم و کار زیادی برای آگاهی از سرنوشت این عزیزان انجام نمی‌دهیم.

مجموعه اخبار موجود نشان می‌دهد دیپلمات‌های ایرانی و خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی در اسارت اسرائیل هستند. اگر اخبار مربوط به مذاکرات اشمیت باور با حزب‌الله لبنان جهت آزادی رون آراد حقیقت دارد، بسیار به جاست تا در این مذاکرات، سرنوشت چهارتبعه ایرانی نیز به بحث گذاشته شود و رون آراد تا قبل از آزادی اتباع ایرانی، از زندان آزاد نگردد.

هفته‌نامه امید جوان

ضمیمه ۱۲

۱۳۷۶/۱/۱۶

گروگان‌های ایرانی و یک سرنخ جدید!

گزارش‌های واصله از اردن، حکایت از آن دارند که چهارگروگان ایرانی ربوده شده در لبنان، هم‌اینک در زندان‌های مخفی سرویس اطلاعاتی ارتش اسرائیل نگه‌داری می‌شوند. منبع این خبر، احمد حبیب‌الله است که ریاست جمعیت دفاع از زندانیان دربند اسرائیل را برعهده دارد. مشارالیه که از تحلیل‌گران معتبر مسائل خاورمیانه و امور فلسطین اشغالی به‌شمار می‌رود، طی مصاحبه‌ای با خبرنگار صدای جمهوری اسلامی در پایتخت اردن، از «اعتقاد اکید» خود به اسارت چهارگروگان ایرانی در یکی از دو زندان مخفی «شین‌بث» سرویس اطلاعاتی ارتش صهیانه- سخن به میان آورد و افزود که حکام رژیم تروریستی تل‌آویو، به نحو اعجاب‌آوری از بازدید مقامات مجامع بین‌المللی حقوق بشر

ونمایندگان صلیب سرخ جهانی از زندان‌های مخفی مزبور به نام‌های عتلیت و صرفند، جلوگیری می‌کنند.

نفس اعلام این مطالب، آن‌هم از سوی یک شخصیت مطلع جهان عرب که در تلاش‌های بشردوستانه مربوط به زندانیان دربند سیاه‌چال‌های رژیم صهیونیستی فعالیتی ممتد دارد، و ضمناً از اشخاص خبیر در امور اسرائیل محسوب می‌شود، واجد چند ویژگی مثبت است:

الف - سرانجام پس از قریب شانزده سال که از واقعه ربه‌شدن اعضای هیئت دیپلماتیک سیاسی- نظامی ایران در لبنان سپری شده است، خانواده‌های رنج‌کشیده و صبور این عزیزان به یک سرخ‌مهم و امیدبخش دسترسی یافته‌اند. اصولاً تا پیش از این، سرنوشت ۴ ایرانی ربه‌شده، همواره درهاله‌ای از ابهام قرار داشت و در داخل و خارج گزارش‌های ضدونقیضی پیرامون وضعیت آنان منتشر شده بود. صرف نظر از برخورد سرد و بی‌رغبت محافل به اصطلاح مدافع حقوق بشر-اعم از کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، صلیب سرخ جهانی و ده‌ها مجمع ریز و درشت مشابه آنها-و نیز رسانه‌های غربی، با قضیه جنجال برانگیز و رسوایی آفرین ربودن چهار عضو هیئت دیپلماتیک ایران که به جهت برخورداری از مصونیت سیاسی، تعرض به آنان در حقیقت تعرض به موازین محترم و متعارف سیاست بین‌الملل تلقی می‌شد، همان مختصر اخباری هم که بعضاً از کانال همین مجامع و رسانه‌ها درباره گروگان‌های ایرانی انتشار می‌یافت، بعضاً موجبات سردرگمی بیشتر افکار عمومی و خصوصاً نگرانی خانواده‌های این چهارتن را فراهم می‌آورد. یک‌بار می‌گفتند: شبه‌نظامیان فالانژ، منکر دخالت خود در ربودن چهار تبعه ایرانی شده‌اند. پس از دستگیری فرمانده نظامی ارشد فالانژها-سمیر جعجع- در لبنان اعلام شد: فالانژها بلافاصله پس از متوقف ساختن خودروی سفارت ایران در یک پست ایست و بازرسی خود در جاده طرابلس - بیروت و دستگیری این چهارتن، آنان را به قتل رسانده‌اند.

براند اشمیت باور، سرپرست سرویس‌های اطلاعاتی آلمان نیز، از جمله اشخاصی بود که طی مصاحبه‌ای در تابستان سال گذشته، این ادعا را تکرار کرد. لکن در پی چندین جلسه محاکمه جنجالی جعجع در بیروت، کاشف به عمل آمد که سرکرده نظامی فالانژها، طی ضد و نقیض‌گویی‌های خود، مطالبی دایر بر تحویل چهار گروگان ایرانی به اسرائیلی‌ها در سال ۱۹۸۷ و انتقال گروگان‌ها به خاک فلسطین اشغالی، ابراز داشته است. از سوی دیگر، سخن‌گوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز با رد ادعای اشمیت باور، در یک موضع‌گیری رسمی، اعلام نمود که

چهارگروگان ایرانی زنده‌اند و وزارت خارجه ایران دلایل قانع‌کننده و اطلاعات موثقی دال برای موضوع دارد.

ب - افشای این مطلب که در حال حاضر چهار ایرانی ربوده شده در زندان‌های مخفی رژیم تل‌آویو نگهداری می‌شوند، فی‌نفسه نقطه عزیمت مناسبی برای آغاز یک ماراتن دیپلماتیک سیاسی سودمند و مؤثر، جهت مجموعه دستگاه‌های متولی امر روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران - اعم از وزارت خارجه و کمیسیون امور خارجی مجلس شورای اسلامی - تلاش در راه رهایی ۴ گروگان ایرانی را فراهم آورده است. مجمع عمومی سازمان ملل، کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، جنبش عدم تعهد، سازمان کنفرانس اسلامی و... از جمله میادین مناسب برای شروع یک دورجدید از تحرکات مفید سیاست خارجی ما، در راه حل این موضوع می‌توانند به‌شمار آیند. ضمن آن‌که اعزام برنامه‌ریزی شده خانواده‌های گروگان‌ها به‌چنین مجامعی، وهم‌زمان صرف مساعی جهت انعکاس حضور این قربانیان تروریزم صهیونیستی در مجامع بین‌المللی از طریق فراخوان مطبوعاتی و برپایی کنفرانس‌های خبری - امکان یک‌رشته مانور قدرتمند و هدفمند تبلیغی - سیاسی برای دفاع جانانه از حیثیت مظلوم نظام جمهوری اسلامی و رسوایی هرچه بیشتر دشمنان تروریست انقلاب اسلامی و بوق‌های تبلیغاتی جیره‌خوار صهیونیزم بین‌الملل را فراهم می‌آورد. فراموش نکرده‌ایم که روز روشن اتباع ما را به گروگان می‌گیرند و با وقاحت به ما تروریست لقب می‌دهند!

ج - بذل‌همت و تلاشی‌نه پراکنده و مقطعی - که هماهنگ و ریشه‌ای، برای آغاز یک «جهاد رسانه‌ای» از سوی اهل قلم، ارباب‌جراید و اصحاب وسایل ارتباط جمعی کشور اعم از مطبوعات کثیرالانتشار، شبکه‌های متعدد رادیو تلویزیونی سازمان صدا و سیما و خبرگزاری جمهوری اسلامی جهت انعکاس ابعاد گسترده و تکان‌دهنده واقعه‌ای که متأسفانه قریب به شانزده سال است عزیزان ما، در رسانه‌های گروهی اقبال‌چندانی به آن معطوف نداشته‌اند. برپایی کنفرانس‌های خبری و میزگردهای رادیو تلویزیونی، مصاحبه با مقامات ذیربط، گفت‌وگو با خانواده‌های گروگان‌ها، نظرخواهی از افشار مختلف مردم، تهیه ویژه‌برنامه‌ها، گزارش‌های متنوع و پخش متناوب آنها در اوقات مناسب و پرمخاطب رسانه‌های دیداری و شنیداری، تولید خبر و درج مقالات با زاویه دید متنوع جهانی، منطقه‌ای، داخلی در سرویس‌های مختلف مطبوعاتی پیرامون واقعه‌مزبور از آغاز تا به امروز و... امثالهم می‌توانند بخشی از یک جهاد رسانه‌ای دیر هنگام، لکن هنوز مفید و مؤثر دستگاه‌های اطلاع‌رسانی و رسانه‌های گروهی کشور را شامل شوند. صاحب

این قلم، خاصه در نگارش فراز اخیر، سعی کرده است حسب القول دوستان مصلحت‌بین و سرد و گرم چشیده مطبوعاتی، صرفاً به انتقاد و نق‌زدن بسنده نکرده، به فراخور وسیعی تدبیر قلیل‌خویش، تعدادی پیشنهاد سازنده و لو دست و پا شکسته و خام هم ارائه دهد. ضمن این‌که بنا را بر این گذارد که نرم‌براند و تندتازد که چرا فی‌المثل رسانه‌های گرمی ما، حتی در حد یک‌صدم درصد از پوشش گسترده خبری-تحلیلی که طی چندماه اخیر برای انعکاس ماجرای گروگان‌گیری در محل اقامت سفیر ژاپن توسط شورشیان چپ‌گرای «توپاک‌آمارو» و تلاش برای آشنایی افکار عمومی جامعه با وجوه مختلف این ماجرای نامربوط به آرمان‌های اعتقادی ملت ما فراهم آوردند، تلاشی جهت باخبر کردن انبوه مخاطبین ایرانی خویش از سرنوشت تلخ و دردناک خبرنگار عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی آقای کاظم اخوان (که دست‌کم به واسطه ملیت، مذهب، آرمان و حرفه خویش، نسبت به چریک‌های کمونیست‌پرویی، قرابت بیشتری با اصحاب رسانه‌های کشورهای دشمن دارد) را مصروف نداشته‌اند. بگذریم از آن‌که ذمه ما اهل قلم، خاصه در ساحت مطبوعات این ملک هم چندان بری نبوده و نیست. ما حتی از نگارش مقالات، اعلام شکایت دسته‌جمعی به مجامع بین‌المللی و... در اعتراض نسبت به ارتکاب چنین جنایت فاحشی از سوی تروریست‌های اسرائیلی در حق یک همکار همدین و هموطن خود، دریغ ورزیده‌ایم و... عجب!

بعدالتحریر: هرچند، صاحب این قلم رفته‌رفته دارد باورش می‌شود که نگارش هر سنخ مطلبی درباره آن چهار جوان مرد مؤمن خفته در کهف فراموشی ما، به‌عینه در حکم فریاد زدن در قعر چاهی عمیق است، و شاید که اقدامی بی‌فایده، اما... چه کنیم که آن مقتدای پیر ما گفت: «یأس از جنود ابلیس است.»... و ما را مکلف به ادای وظیفه دانست نه داشتن دغدغه کم و کیف نتیجه‌پس باتوکل به حضرت مقلب‌القلوب، حقیر در این سال‌نو عاجزانه وجدان‌فردی و جمعی همه‌مخاطبین این مقال را با کلماتی برآمده از صمیم‌دل، بین خود و خدای‌شان به‌داوری فراخوانده، عرض می‌کنم: «عزیزان! گروگان‌های مظلوم ایرانی را از یاد نبریم... هنوز هم دیر نشده است.»

حسین بهزاد

کیهان

ضمیمه ۱۳

۱۳۷۶/۳/۲۰

پرستوهای برباره

۱- تصویر بسته تابلوی «کتاب فروشی کیومرث» در قاب دوربین قرار دارد. تصویر که بازمی‌شود، نمای کلی یک مغازه کتاب و لوازم‌التحریر فروشی دیده می‌شود. دوفنر که شبحی از آنان دیده می‌شود، داخل مغازه مشغول کاری هستند. ماشین پژوی ۵۰۴ سفیدرنگی جلوی مغازه می‌ایستد. قسمت جلوی ماشین یک‌سوم پایین تصویر را پرمی‌کند. اتاق ماشین پیدانیست. چند مرد که ظاهرشان و چهره‌های‌شان نشان از ساواکی بودن دارد، با عجله وارد مغازه می‌شوند.

۲- دوجوان که از گردن به پایین‌شان دیده می‌شود، کنار دستگاه فتوکپی ای ایستاده و مشغول کپی گرفتن هستند. یکی از آنها که پیراهن سفید به تن دارد، حاج‌احمد تعدادی کاغذ سفید لوله‌شده در دست دارد. ساواکی‌ها باشتاب وارد مغازه می‌شوند. تصویر کمر به پایین جوان‌ها و ساواکی‌ها که درگیر شده‌اند، دیده می‌شود. پاهای درگیر و دار فرار هستند. درحین درگیری، بعضی از کتاب‌ها بر روی زمین می‌افتند. کتاب «جنگ و صلح» روی زمین می‌افتد که پای ساواکی آن را له می‌کند. پاهای دوجوان همچنان نشان از مقاومت دارد. دست‌های مامورین دیده می‌شود که ضربات سنگین و وحشیانه خود را بر شکم جوان‌ها وارد می‌کنند. سرانجام دوجوان را باصورت به قفسه‌های کتاب می‌کوبند و مجبورشان می‌کنند تا دست‌های‌شان را بالا گرفته و روی قفسه بگذارند. دست‌های حاج‌احمد روی کتاب‌های قفسه قرار می‌گیرد و دسته‌ای از آنها را به داخل فشار می‌دهد. کتاب‌های مختلف با مضامین گوناگون به چشم می‌خورد. دست یکی از مامورین حاج‌احمد را بازرسی بدنی می‌کند. حاجی که تصویر او و ساواکی از پشت سر دیده می‌شود، با اکراه و مقاومت، می‌گذارد بازرسی‌اش کنند. دست که جلوی پیراهن حاجی می‌رود، ناگهان مکث می‌کند. دست مامور با عجله می‌خواهد چیزی را از زیر پیراهن او بیرون بکشد که نمی‌تواند. به زور لباس را پاره می‌کند. کتابی از زیر لباس حاجی درمی‌آورد و جلوی خود می‌گیرد. روی جلد کتاب نوشته شده: «توضیح المسائل حضرت آیت الله العظمی خمینی».

ضربه‌ای با آرنج به کمر حاجی می‌خورد و به دنبال آن، دستبندی از پشت می‌آید که دست‌های او را ببندد. نمای پاهای ساواکی و حاجی دیده می‌شود. شلوار ساواکی اتوکرده و کفش مشکی بپا دارد. حاجی شلواری ساده با اثرات گچ و خاک به پا دارد که حکایت از لباس یک کارگر دارد. پاهای جوان برمی‌گردند و در تقلا می‌گریز هستند که درگیری تکرار می‌شود. لحظه‌ای بعد از درگیری، دست‌های

حاجی که با دستبند بسته شده، جلوی او پایین می آیند. همه پاها به طرف درخروجی می روند. ساواکی ها دوجوان را هل می دهند. دستگاه فتوکپی همچنان در حال کارکردن است و اعلامیه هایی را با تصویر بزرگ حضرت امام خمینی چاپ کرده روی زمین می ریزد. دستی جلومی رود و درفتوکپی را بازمی کند. عکس امام را که روی شیشه است برمی دارد. نور تصویر را می پوشاند. درفتوکپی را می بندد. دستگاه هنوز در حال کارکردن است و کاغذهای سفید بیرون می ریزد.

۳- داخل اتاق بازجویی ساواک، حاجی با لباس پاره شده وسط نشسته است. میزی جلویش قرار دارد. چراغی بالای سرش آویزان است. لکه های خون روی پیراهن سفید پاره شده حاجی دیده می شود. همه نماها از پشت سر حاجی است. روی میز، اعلامیه هایی با تصاویر امام قرار دارد. دست هایش به پشت صندلی دستبند زده شده. ضربات سیلی از شخصی که در تاریکی است بر صورت جوان فرود می آید. با فرود آمدن ضربات سیلی، لامپ نیز تکان می خورد. ضربات بیشتری شود ولی حاجی دیگر در برابر سیلی ها عکس العمل نشان نمی دهد و سرش این طرف و آن طرف نمی شود. استوار و محکم روی صندلی نشسته است. دست های بسته اش دیده می شود که درهم فشرده می شوند. اعلامیه ها با عکس امام، روی زمین پخش می شود.

۴- نمای کلی از قلعه فلک الافلاک دیده می شود. ماشین پژو وارد قلعه می شود. داخل راهروهای تاریک و پیچ در پیچ، پاهایی دیده می شود که پاهای حاجی را به جلو هل می دهند. چشمان حاجی بسته شده و بدنش مدام به دیوارهای خورد. یک پای حاجی برهنه است و برپای دیگر یک کتانی سفید دارد. داخل اتاقی، درجه داری پشت میز نشسته. عکسی از شاه با لباس نظامی در حالی که سوار اسب است، دیده می شود. وسایل جیبی حاجی روی میز ریخته شده و داخل کیسه ای قرار می گیرد. وسایل او مقداری سیم برق، یک سیم چین، یک فاز متر و یک حلقه چسب برق است. کمربندش هم به زور از کمرش بازمی شود و داخل کیسه قرار می گیرد. فرمی روی میز قرار می گیرد. خودکاری جلوی حاج احمد گذاشته می شود. دست های حاجی که از جلو با دستبند بسته شده اند، بالای آیند و روی فرم می آیند. دودستی خودکار را برمی دارد. دست های او را مامورین ساواک می گیرند تا اقدامی نکنند. مشخصات خود را داخل فرم می نویسد: «احمد، متوسلیان فرزند غلامحسین، شغل کارگر سیم کشی برق...»

حاجی از پشت سر دیده می‌شود که به طرف در هلهش می‌دهند. داخل اتاق دیگر، فرم روی میز قرار می‌گیرد. دونور فلاش، تصویر را روشن می‌کند. لحظه‌ای بعد، دستی فرم را برمی‌دارد و عکس فوری را روی آن منگنه می‌کند.

۵ - راهروهای تاریک به چشم می‌خورند. پاسبانی در حال قدم‌زدن است. در حال راه رفتن با باتوم خود ضرباتی به سلول‌ها می‌زند. دست پاسبان جلوی سلولی بالامی‌رود و دریاچه کوچک را بازمی‌کند. با چراغ قوه به داخل سلول نگاه می‌کند. حاجی در حالی که تنها پتوی سلول را روی خود انداخته، در حال نماز خواندن است. دریاچه بسته می‌شود.

۶ - دست و پاهای حاجی دیده می‌شود که بازنجیر به تختی بسته شده. صورتش دیده نمی‌شود. شلاق چرمی‌ای بالا و پایین می‌رود. پاها خونی می‌شود. دست‌ها در تقلا و فشار هستند. از لای زنجیرهای بسته شده به میچ دست‌ها خون جاری می‌شود.

۷- صحنه‌هایی مستند، تند و گذرا از تظاهرات مردم در خیابان‌ها در حالی که همان عکس‌های امام که حاجی نوعی از آن را کپی می‌گرفت، در دست‌شان است، دیده می‌شود. نمایی از قلعه فلک‌الافلاک دیده می‌شود که عده‌ای اطراف آن در جنب و جوش هستند.

۸- جلوی در قلعه، عده‌ای منتظر هستند. عده‌ای زندانی آزادمی‌شوند. داخل اتاق افسر نگهبان، فرم حاجی که عکس‌هایش روی آن است، روی میز قرار دارد. کیسه حاوی وسایلش را می‌دهند. از کمر بندش خبری نیست. دست‌های زخم و کبود شده حاجی، کیسه وسایل را برمی‌دارد. افسر نگهبان مهر محکمی روی فرم می‌کوبد. عکس قاب شده شاه از روی دیوار برداشته و روی میز قرار دارد.

۹- صحنه‌هایی مستند از ورود حضرت امام به وطن دیده می‌شود. صحنه‌هایی از درگیری‌های خیابانی روز ۲۲ بهمن به چشم می‌خورد. به دنبال آن، تیتراول روزنامه‌ها که حکایت از درگیری در تهران و شهرستان‌ها دارد، دیده می‌شود. دیوار پادگانی با ضربات سخت ماشین شکسته می‌شود. دره‌های شکنند. جوان‌ها به طرف اسلحه‌خانه هجوم می‌برند. دستی میان اسلحه‌ها می‌رود و با مکث، یک قبضه ژ - ۳ را در مشت می‌گیرد. جای کبودی روی میچ، نشان می‌دهد که حاج‌احمد است. روزنامه‌ها خبر پیروزی ۲۲ بهمن را چاپ کرده‌اند که در تصویر قرار می‌گیرد. روزنامه در دست مردم است.

۱۰- حاجی از پشت سر دیده می‌شود که در حال پوشیدن لباس فرم سپاه است. دوربین می‌چرخد و روی آرم سپاه اومی‌رود.

۱۱- روزنامه‌ای روی میز قرار می‌گیرد که تیتراژ آن حکایت از آشوب و بلوا در بخشی از استان‌های کشور از جمله کردستان دارد. آخرین و مهم‌ترین تیتراژ مربوط به پاوه است. روزنامه‌ها یکی بعد از دیگری روی میز قرار می‌گیرند.

۱۲- رکاب مینی‌بوس آبی‌رنگ دیده می‌شود که پاهایی به سرعت سوار آن می‌شوند.

۱۳- مینی‌بوس از میدان آزادی می‌گذرد و از تهران خارج می‌شود. ماشین در جاده‌های کوهستانی غرب کشور مسیر خود را ادامه می‌دهد. تابلوهای شهرهای سنندج، کامیاران، بوکان، پاوه، بانه و مریوان، یکی پس از دیگری به چشم می‌خورد. در فاصله هراتابلو، صدای گلوله به گوش می‌رسد و تصاویری از درگیری‌های داخل شهری کردستان و سنگ‌ریندی نیروهای ضدانقلاب در شهرها دیده می‌شود. آخرین تصاویر حکایت از پیروزی رزمندگان اسلام در شهرها دارد.

۱۴- صحنه‌هایی از انفجار و درگیری در شهرها دیده می‌شود. هلی‌کوپتری در تردد است. نماهایی از تابلوی سپاه مریوان و پادگان، همچنین نماهایی از داخل شهر مریوان و مکان‌هایی که حاجی آنجاها بوده، و تصاویری از رفت و آمد مردم با لباس کردی و شادی آنان دیده می‌شود. بچه‌های کوچک، شادمانه در کوچه‌ها می‌دوند و بازی می‌کنند. چهره‌ها حکایت از رضایت مردم دارد.

۱۵- وانت تویوتایی در جاده‌خاکی و کوهستانی در حال گذر است. تعدادی نیرو عقب آن سوار شده‌اند. یکی از نیروها که موهای مجعد و محاسن پری دارد، روی لبه رکاب ماشین ایستاده و در حالی که اسلحه‌اش را در دست دارد، دست‌دیگر را به پنجره ماشین گرفته است. ناگهان گلوله به پیشانی او می‌خورد و از ماشین به پایین پرت می‌شود و با صورت خونین می‌افتد روی زمین.

۱۶- حاج احمد داخل اتاق نشسته است. پیکر شهیدی خونین روی زمین افتاده است. حاجی کنار آن زانو زده، کف دستش روی صورتش است، خیلی متین و آرام در حال اشک‌ریختن است. اعلامیه‌های شهادت یاران حاجی، یکی بعد از دیگری تاب می‌خورد و از بالا می‌افتد روی پیکر شهید. روی اعلامیه‌ها عکس سردارانی چون محمد توسلی و قربانی مطلق دیده می‌شود.

۱۷- نقشه‌ای از منطقه غرب کشور روی میز قرار دارد. دستی که جای غل و زنجیر روی آن دیده می‌شود، با ماژیک قرمز، فلاشی به سمت بعضی مناطق همچون، دزلی، قوچ سلطان و... می‌کشد و در نهایت دایره‌ای سرخ به دور هر کدام از روستاها و محورهای مورد نظر می‌کشد.

۱۸- حاجی در حالی که لباس کردی به تن دارد، روی تپه‌ای ایستاده است. تصویر او از پشت سر دیده می‌شود که در حال هدایت نیروهای رزمنده است. دوربین در یک دستش و بی‌سیم در

دست‌دیگرش است. نیروها در دوردست دیده‌می‌شوند که درحال هجوم به مقری بر روی تپه‌مقابل هستند.

۱۹- هواپیماهای عراقی، وحشیانه، یکی بعد از دیگری شهرهای ایران را بمباران می‌کنند. نقشه‌ایران به‌چشم می‌خورد که بخش‌های اشغال‌شده بر روی آن مشخص می‌شود. تانک‌های عراقی درحال هجوم هستند. همه تصاویر حکایت از تهاجم همه‌جانبه عراق و آوارگی مردم دارد.

۲۰- تصاویری از عملیات نیروهای سپاهی در کوه‌های برفی دیده‌می‌شود. روزنامه‌ها خبر از پیروزی عملیات محمد رسول‌الله(ص) دارند که تیتراژها دیده‌می‌شود.

۲۱- درخلوت‌شب، بر روی سجاده‌ای کوچک بر تپه‌ای مشرف بر شهر، حاجی دیده‌می‌شود که درحال خواندن نماز است. درقنوت جای غل و زنجیر به‌خوبی بر می‌چد دست او نمایان می‌شود.

۲۲- جمعیت‌انبوه به‌دور خانه‌خدا درحال طواف هستند. عکس حاج‌احمد و حاج‌همت درکنار خانه‌خدا دیده می‌شود. عکس‌های دیگر حاج‌احمد درمکه به‌چشم می‌خورد.

۲۳- حاجی درحال خداحافظی با مردم کردستان است. عده‌زیادی از اهالی بومی می‌وان گریه می‌کنند. حاجی آنها را در بغل می‌گیرد و می‌بوسد. عکس‌های مستندی از خداحافظی به‌چشم می‌خورد. مینی بوس آبی‌رنگ درجاده به‌راه می‌افتد. زنان و مردان درحال گریه دست تکان می‌دهند. بچه‌ها به‌دنبال مینی‌بوس می‌دوند. از میان پنجره‌ها، دست‌هایی بیرون می‌آید و به‌علامت خداحافظی تکان می‌خورد. دست حاجی با جای غل و زنجیر میان دست‌ها دیده‌می‌شود.

۲۴- آفتاب درحال طلوع کردن است. پادگان دوکوهه در نورآفتاب خودنمایی می‌کند. داخل اتاقی، دستی با ماژیک، احکام فرماندهی گردان‌ها را بر روی مقوای نیم‌متری می‌نویسد. پایین احکام می‌نویسد: «مسئول تیپ ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) احمد متوسلیان» و امضای کند. مقواها یکی بعد از دیگری به‌دیوار چسبانده می‌شوند. عده‌ای با لباس بسیج و سپاه، درحال تماشای احکام اعلام شده هستند.

۲۵- نقشه عملیات فتح‌المبین دیده‌می‌شود. دشت سرسبزی به‌چشم می‌خورد. نیروها درحال تحرک و تردد هستند. تصاویر مستندی از عملیات فتح‌المبین دیده‌می‌شود. دستی با دوربین منطقه را می‌پاید که جای غل و زنجیر در می‌چ آن به‌چشم می‌خورد. تیتراژ روزنامه حکایت از پیروزی این عملیات دارد. تصاویری مستند از حاجی دیده‌می‌شود.

۲۶- تصاویر مستندی از جاده خرمشهر و عملیات الی بیت المقدس دیده می شود. جلسات توجیهی فرماندهان توسط حاجی به چشم می خورد. عکس حاجی در حال نماز در مسجد خرمشهر دیده می شود. صحنه هایی از آزادی خرمشهر در تصویر جای می گیرند. انفجاری صورت می گیرد و تصویر را محومی کند. همه جا را دود می گیرد.

۲۷- تانک ها در حال هجوم به شهرهای لبنان هستند. بر روی تانک ها، پرچم اسرائیل دیده می شود.

۲۸- تصاویر مستندی از حاج احمد در حال ورود به حرم مطهر حضرت زینب (س) دیده می شود.

۲۹- حاجی و سه نفر دیگر در حال خدا حافظی با دیگران هستند. آخرین عکس های حاجی در کنار حاج همت دیده می شود.

۳۰- چهار نفر که لباس شخصی برتن دارند، سوار بر ماشین بنز سفید رنگی که پلاک سیاسی دارد، حرکت می کنند. سه چیپ که سرنشینان آن افراد مسلح پلیس لبنان هستند، بنز را اسکورت می کنند. ماشین در جاده ای کوهستانی مسیر را ادامه می دهد.

۳۱- تابلویی به چشم می خورد که مسیر بیروت را نشان می دهد. ماشین به آن طرف می رود.

۳۲- تابلوی منطقه بر باره به چشم می خورد. به دنبال آن، وسط جاده که کنار دریا است، تابلوی «قف، حاجز» دیده می شود. کمی جلوتر، بالایسنگری که وسط جاده است و تعدادی نیروهای مسلح اطراف آن پراکنده اند، تابلوی بزرگ «الکتاب اللبانیه» دیده می شود. جاده با زنجیر بسته شده است. اطراف جاده را سیم خاردار کشیده اند. با نزدیک شدن ماشین، نگهبانان به تقلا می افتند. فرمانده دژبانی می خندد و جلومی آید.

۳۳- جلوی ماشین رامی گیرند و شروع می کنند به سرک کشی داخل آن. راننده حکم و کارت دیپلماتیک را نشان می دهد. فرمانده دژبانی بادیدن کارت می خندد و به طرف سنگرمی رود. بی سیم در دست اوست و در حال صحبت کردن است. هر از چندگاه نگاهی به کارت هر چهار نفر سرنشین می اندازد. روی کارت ها عکس هر کدام از چهار نفر دیده می شود. کاظم اخوان، تقی رستگار، حاج احمد متوسلیان، سید محسن موسوی. فرمانده، نگاه زیر کانه ای به ماشین می اندازد.

۳۴- داخل ماشین، نفری که بغل راننده نشسته است، نگاهی به ساعتش می اندازد. عصبانی پایین می آید. حکم در دستش است و به فرمانده نشان می دهد. فرمانده به زور او را هل می دهد که سوار ماشین کند. سه نفر دیگر می خواهند پیاده شوند که فالانژها دور ماشین رامی گیرند. افراد پیاده می شوند ولی فالانژها مقاومت می کنند.

۳۵- تصاویری از دریا در حال تلاطم به چشم می خورد. شهر بیروت در دوردست در سینه کوه و کنار دریا دیده می شود. فرمانده به طرف بی سیم می رود. پس از تماس، با عصبانیت به طرف ماشین می آید. رو به سرنشینان، کارت های دیپلماتیک آنها را به زمین می کوبد و با پا لگدمی کند. نیروهای اسکورت از ماشین خارج می شوند. فرمانده به نیروهایش می فهماند که به طرف آنها نشانه بزنند و با اشاره دست به آنها می فهماند که برگردند. ماشین ها دنده عقب می آیند و دور می زنند. باردیگر تابلوی بر باره دیده می شود در حالی که اسکورت ها در حال برگشت هستند، و در انتهای تصویر، حاجی دیده می شود.

۳۶- تصاویری از امواج دریا دیده می شود. چهارپرنده از تابلوی بر باره به پرواز در می آیند.

۳۷- تصویر روزنامه ها مبنی بر اسارت چهارگروگان ایرانی در لبنان دیده می شود.

حمید داودآبادی - محمدعلی صمدی

جمهوری اسلامی

ضمیمه ۱۴

۱۳۷۶/۳/۲۹

گفت و گو با اعضای خانواده یکی از اسرای ایرانی در بند رژیم صهیونیستی

کاظم اخوان سال ۱۳۳۸ در خانواده ای مذهبی در شهر مقدس مشهد متولد شد. پدر او حاج رضا اخوان، از دربانان بارگاه ملکوتی حضرت رضا (ع) بود که سال گذشته به رحمت ایزدی پیوست. او همچون پیرکنعان، سال ها در انتظار دیدار یوسف گم گشته خود چشم به راه بود و پس از ۱۴ سال رنج و فراق، عاقبت روی در نقاب خاک کشید و حسرت دیدار فرزند جوان را همچنان بردل داشت. کاظم اخوان تحصیلات متوسطه را در زادگاه خود به پایان رساند و با آغاز حرکت انقلاب اسلامی، به صف انقلاب پیوست و در کلیه راهپیمایی ها و جلسات ضد رژیم ستم شاهی حضور فعال داشت. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی همچنان شور و نشاط انقلابی خود را حفظ کرده و در سنگرهای مختلف به خدمت پرداخت. با شروع جنگ تحمیلی، به عنوان خبرنگار عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی به جبهه های جنگ تحمیلی شتافت و با دوربین و ذهن خلاقه اش، به ثبت وقایع جنگ پرداخت. او لحظات ایثار و دلاوری های رزمندگان اسلام را به ثبت می رساند و خاطرات بی شماری را در قالب عکس و فیلم، برای آیندگان به یادگار گذاشت. ایمان، اعتقاد،

شجاعت، جسارت و احساس نیاز در ثبت وقایع جنگ تحمیلی، از او مردی پولادین ساخته بود که حاصل کار ارزنده اش به دست آوردن مقام اول یک نمایشگاه عکس با شرکت ۷۵ عکاس حرفه‌ای و آماتور گردید.

کاظم اخوان با توجه به دیدگاه‌های عقیدتی خود، از آنجا که عرصه نبرد حق و باطل را فقط در درون مرزهای ایران نمی‌دید، به دنبال یورش وحشیانه جنایتکاران صهیونیست به لبنان، با علم به خطرات موجود در راه، به عنوان خبرنگار عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی، عازم بیروت شد تا در این جبهه نیز به ثبت جنایات و فجایع آمریکا و اسرائیل و غاصبان قدس بپردازد و بتواند در افشای جنایت پیشه‌گان تاریخ، نقش داشته باشد. اما در راه ورود به بیروت، در چهاردهم تیرماه ۱۳۶۱ به همراه سه عضو دیگر هیئت ایرانی اعزامی به لبنان، توسط فالانژهای وابسته به اسرائیل اسیر شده و تا روزهای اخیر هیچ‌گونه خبری از او نبود، تا این که اخیراً اعلام گردید وی به اتفاق همراهان خود، در یکی از زندان‌های اسرائیل به سر می‌برد. آنچه در پی می‌آید، گفت‌وگوی کوتاهی با سه تن از اعضای خانواده آقای کاظم اخوان است که از نظر تان می‌گذرد:

آقای حسن اخوان برادر کاظم اخوان، در رابطه با چگونگی اطلاع از اسارت کاظم و پی‌گیری‌های انجام شده برای آزادی وی، می‌گوید: «ما از طریق رسانه‌های گروهی اطلاع یافتیم که کاظم به همراه سه نفر از دیپلمات‌های ایرانی، در نزدیکی بیروت به اسارت رفته‌اند و برای اطلاع از وضعیت او، سه بار به لبنان و یک بار به ژنو سفر کردیم، اما خبر موثقی از وضعیت آنان به دست نیاوردیم. همچنین از طریق مهندس چمران، پسر امام موسی صدر، و وزارت امور خارجه، مسئله اسارت آنان پی‌گیری شد که نتیجه‌ای حاصل نشده است، ولی برای ما مثل روز روشن است که آنها در اسارت اسرائیلی‌ها هستند. پدرم ۱۴ سال برای دیدن فرزندش چشم به راه بود و روزهای آخر عمر می‌گفت تنها دو آرزو دارم، یکی این که یک بار دیگر کاظم را ببینم، و دیگر آن که به کربلا بروم، اما این آرزوی او برآورده نشد و ۲۵ آذر ۷۴ در آرزوی دیدار فرزند، به رحمت ایزدی پیوست.»

از آقای سلطان احمدی خواهرزاده کاظم اخوان، پرسیدیم: «آیا سازمان‌های بین‌المللی، در جهت آزادی اسرا فعالیت داشته‌اند؟» وی در پاسخ می‌گوید: «آنان برخورد دوگانه‌ای با جهان‌سومی‌ها دارند. سازمان ملل و دبیرکل این سازمان، قول داده بودند که سرنوشت اسرای ایرانی را روشن کنند ولی هیچ اقدام مثبتی در این جهت نکرده‌اند. سازمان‌های بین‌المللی، مردم جهان سوم بخصوص کشورهای اسلامی را، مردمی درجه ۲ و ۳ به حساب می‌آورند و حقوق بشر را دست‌آویزی برای

برتری جویی غرب تلقی می‌کنند و این درحالی است که ماده ۱ و ۲ اعلامیه حقوق بشر، تمامی انسان‌ها را دارای حقوق مساوی عنوان کرده است. هنگامی که یک نفر از شهروندان کشورهای غربی به گروگان گرفته می‌شود، تمامی رسانه‌های گروهی و سازمان‌های بین‌المللی فریادشان بلند می‌شود، گویا این که تمامی دنیا به گروگان رفته است و از تمامی امکانات خود برای آزادی گروگان استفاده می‌کنند، اما وقتی مسئله اسارت و به گروگان گرفته شدن چهار دیپلمات ایرانی به میان می‌آید، مهر سکوت بر لب می‌زنند. آقای حسین اخوان، برادر دیگر کاظم اخوان، می‌گوید: «ما از اول معتقد بودیم گروگان‌ها زنده هستند و نامه‌ای که به دست خانواده آقای موسوی یکی از گروگان‌ها رسیده، گویای زنده بودن آنان است و حالا هم که همه رادیوها و رسانه‌های خارجی از زنده بودن اسرا خبر داده‌اند، از مقامات مسئول می‌خواهیم به صورت جدی پی‌گیر آزادی اسرا باشند و از تمامی امکانات خود برای آزادی آنان استفاده کنند. ما معتقدیم که نیازی به مذاکره مستقیم با رژیم صهیونیستی نیست، اما حال که برهنگان روشن شده اسرائیل و عواملش در این آدم‌ربایی رسوا نقش داشته‌اند و نگهداری اسرا در زندان‌های رژیم صهیونیستی خلاف عرف بین‌المللی و قانونی می‌باشد، این خود سندی معتبر بر ترور و آدم‌ربایی بین‌المللی رژیم صهیونیستی است. بر اساس آخرین خبری که در روزنامه‌الدیار چاپ لندن منتشر شده، ایلی حبیقه اعلام کرده حداقل تا سال ۱۹۹۰ اسیران ایرانی زنده و در لبنان بوده‌اند، ولی قبلاً به طور غیررسمی گفته بود که اسرا در اسرائیل هستند. دفاع از اتباع ایرانی در خارج از کشور، به منزله دفاع از کلیه مردم ایران است و ما انتظار داریم مسئله گروگان‌ها به صورت جدی پی‌گیری شود و از آنجا که در آستانه برگزاری کنفرانس سران کشورهای اسلامی هستیم، از مسئولین وزارت خارجه می‌خواهیم مسئله اسرای ایرانی در دستور کار کنفرانس قرار گرفته و از کشورهای اسلامی بخواهند تا با فشار بر رژیم صهیونیستی، گروگان‌ها آزاد شوند.»

جمهوری اسلامی

ضمیمه ۱۵

۱۳۷۶/۴/۲۱

جام می و خون دل

جام می و خون دل هر یک به کسی دادند

در دایره قسمت اوضاع چنین باشد

چهاردهم تیرماه امسال هم آمد و بی‌سر و صدا گذشت و دستگاه‌های اطلاع‌رسانی ما نیز درست به‌سان سالیان قبل، بی‌سر و صدا از کنار واقعه‌ای جاری و ساری که قدمت آن به پانزده سال پیش برمی‌گردد، گذشتند. البته همین‌جا گفته‌باشم قلیلی از ارباب مطبوعات، اهل قلم و هنرمندان هم بودند که سفت و سوز پای‌کار آمدند و به هیچ‌وجه سرسری از کنار واقعه چهارده‌تیر نگذشتند؛ که اجر اینجوانمردان با خدای باب‌الحوائج حضرت موسی‌بن‌جعفر(ع) و سعی ایشان مشکورباد. لکن باز هم حقیر حرف‌ها برای گفتن- ببخشید! نوشتن- دارم.

۵۴۸۱ شبانه‌روز از واقعه ربوده‌شدن خبرنگار شیردل ایرانی، هنرمند عکاس کاظم اخوان و سه همسفر مظلوم او سپری شده‌است. از این مدت مدید، قریب به پنج‌سال متمادی کاظم و همراهانش در اسارت نیروهای فالانژ به‌سربردند- از ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۷ و براساس گزارش‌های موثقی که از منابع مطلع منطقه‌ای و بین‌المللی واصل شده‌است، این چهارتبعه رشید ایران‌اسلامی، ده‌سال آزرگار است که در سیاه‌چال‌های زندان‌سری ارتش صهیونیست‌ها- موسوم به بازداشتگاه‌عتلیت- مخفیانه نگه‌داری می‌شوند. لابد حال خواهید گفت این را که ما هم می‌دانیم، چرا این قدر حاشیه‌روی؟! با توجه به مطالب مندرج از صاحب این‌قلم در کیهان طی سه چهارسال اخیر، حقیر که کمی تا قسمتی دچار بیماری خوش‌خیالی! گشته بود، بنا را براین گذاشت که خلاف‌عادت سالیان ماضی، دست‌کم یک امسال را به‌بهانه واقعه چهارده‌تیر، دست به قلم نبرد و میدان قلم‌فرسایی در این باب متروک و مهجورمانده را به همکاران آتی خود واگذارد. خاصه به آن دسته از جراید توسعه‌یافته! و روزنامه‌نویسان خردگرا و خشونت‌ستیزی که از زاویه دید و نوع‌نگارش امسال حقیر در تحریر مطالب مربوط به مسائل حیثیتی انقلاب و نظام، چندان خوش‌شان نمی‌آید. علت دیگر این‌قصور عمدی برمی‌گردد به آن مثل معروف که می‌گوید: «همه پلنگ‌هایی که از یک‌چشمه آب می‌نوشند، باهم برادرند.» هم از این‌رو دچار توهم شده‌بودم که موضع‌گیری مطبوعاتی و نگارش هر سنخ مطلبی در باب مظلومیت این چهارهموطن ربوده‌شده ما- بویژه کاظم اخوان که به‌واسطه حرفه و جایگاه اجتماعی‌اش جزو پیش‌کسوتان اردوی فرهنگی انقلاب ماست- فقط کار یک یا چندتن معدود قلمزن یک دو جریده‌نیست. از اخوت ایمانی اهل قلم این آب و خاک با اخوان هم که بگذریم، بالاخره پای مسئله صنفی اهل قلم و ارباب مطبوعات در میان است. دیگر این که بحمدالله، صدها نشریه رنگی و سیاه و سفید اعم از یومیه، هفتگی، ماهانه، گاهنامه و... بامجوز، یارانه، کاغذدولتی و دست‌کم

حمایت‌های ادواری ارکان فرهنگی نظام در این مملکت دارند چاپ‌می‌خورند. خلاصه کنم، با خودگفتم: فلانی، مگر موضوع اسارت این چهارتن جوانمرد در بند را، فقط به اسم تو و کیهان سندزده‌اند و محضری کرده‌اند؟! گوش شیطان بزرگ کر، دیگرانی هستند و قلم‌هایی و ستون‌های حکیمانه ثابت و ادواری- اعم از سرمقاله، نکته و... یا به قول بعضی حضرات ته‌مقاله! و... پس بیا وامسال قلمت را بزن گاراژ و ببین همکاران مطبوعاتی، چه‌طورها شیرین خواهند کاشت! اما و صد اما... خود غلط بود آنچه می‌پنداشتیم.

در مراسم تجمع اعتراضی اهل قلم، نویسندگان مطبوعات و هنرمندان عکاس در مقابل دفتر سازمان ملل، بجز بر وبچه‌های کیهان و تنی چند از بسیجی‌های فرهنگی مانند «رضا برجی»، «نادر طالب‌زاده» و... حضار برای کل ارباب مطبوعات، اعضای تحریریه و اهل قلم آن سیصد و خورده‌ای جراید مذکور در فوق، یک‌جا غیبت! زدند. ای کاش غربت اخوان و یارانش به همین حد ختم می‌شد. با وجود اعلام خبر برگزاری سه‌شب مراسم سالگرد اسارت این عزیزان و تجلیل از خانواده‌های صبور و مقاوم ایشان، و درج دقیق زمان و مکان برگزاری این مراسم که به همت جمعی از بسیجیان، فرزندان شهدا و هنرمندان مرکز فرهنگی میثاق در شهری برگزار شد، باز هم احدی از آن حضرات سیصد و خورده‌ای پای کار نیامد! البته این قضیه یک استثناء داشت و آن هم بر وبچه‌های باغیرت و دل‌سوز شبکه ۵ سیما بودند که مردانه آمدند و از مراسم مزبور تصویربرداری کردند.

خب حالا دیگر به گمانم ملتفت شده‌باشید که چرا در مطلع این وجیزه، نوشتم سخت کلافه و دلتنگم؟! اگر کاظم اخوان به فرض محال، خبرنگار شبکه گلوبال و معلوم الحال سی.ان.ان و بی.بی.سی و یا مجلات تایم و نیوزویک بود، و یا حتی ابواب جمعی یکی از بوق‌های تبلیغاتی اپوزیسیون ضد انقلاب داخلی، غربی‌های ژورنالیست و صاحبان انجمن قلم و امثالهم این‌طور خون‌سردانه از کنار فاجعه ۱۵ ساله اسارت او، جاخالی می‌دانند؟! آیا انعکاس تصاویر و سرگذشت کاظم اخوان و سه‌همزننجیر مظلوم او، حتی به اندازه آن دوسوژه جنجالی و بالابرنده تیراژ جراید در زمستان ماضی- شاهرخ و سمیه رامی‌گویم- قابلیت درج در سیصد و خورده‌ای جراید این غفلت‌کده رانداشتند؟

حسین بهزاد

کیهان

ضمیمه ۱۶

مرداد ۱۳۷۶

برگزاری مراسم تجلیل از مقام رفیع خانواده‌های چهارگروگان‌مظلوم ایرانی

به‌منظور گرامی‌داشت شانزدهمین سال دربند بودن سیدمحسن موسوی، حاج‌احمد متوسلیان، تقی رستگارمقدم و کاظم اخوان، و تجلیل از مقام رفیع خانواده‌های صبور و انقلابی ایشان، از طرف جمعی از رزمندگان و ایثارگران جنوب تهران، مراسمی در مسجد امام حسن مجتبی (ع) شهرک دولت‌آباد، برگزار شد. در این مراسم که به مدت سه شب پس از اقامه نماز عشا و باشرکت جمع‌کثیری از خانواده‌های شهدا، جانبازان، آزادگان و اقشار مختلف امت حزب‌الله انجام گرفت، خانواده‌های چهارگروگان مظلوم نیز حضور داشتند.

در نخستین شب برگزاری این مراسم، حجت‌الاسلام موسوی پدر کاردار سفارت کشورمان در لبنان، ضمن تشکر از مقام‌عظمای ولایت و آحاد مردم که همواره نسبت به تجلیل و تکریم ایثار و حماسه همه آزادگان و از جمله چهار یوسف‌گم‌گشته ملت ایران اهتمام می‌ورزند، به بیان خاطراتی از سیدمحسن پرداخت و گفت: «شاید خصلت‌های بسیار ارزشمند و بزرگ‌منشانه‌ای در وجود سیدمحسن متبلور و عینی بود، اما یک ویژگی در میان تمام این ویژگیها در اوج بود که می‌توان تنها با گفتن آن به یاد سیدمحسن افتاد و آن، تعبدش نسبت به ولایت فقیه بود. همه اعضای خانواده‌ها، هنوز بعد از پانزده سال، آوای توصیه‌های جدی سیدمحسن را در ذهن خود احساس می‌کنیم که فرمان‌بری مطلق از ولی فقیه را رمز روسفیدی در مقابل ائمه اطهار (ع) معرفی می‌کرد.»

حجت‌الاسلام موسوی، در ادامه با برشمردن نمونه‌هایی از شیوه‌زندگی فرزندش و ساده‌زیستی او گفت: «یادم هست که غالباً لباس نو نمی‌پوشید و جداً اهل انفاق بود که تمام هم و غم خود را برای رفع محرومیت مستضعفین به کار می‌گرفت. بر خودش در مورد خواب و خوراک و پوشاک، اتفاقاً سخت می‌گرفت و خودش را وقف تحقق اهداف انقلاب کرده بود.»

«یوسف‌علی میرشکاک» شاعر و نویسنده، به‌عنوان دیگر سخنران مراسم، با مروری بر ایثارها و فداکاری‌های این چهار عزیز خصوصاً کاظم اخوان خبرنگار و هنرمند گران‌مایه، گفت: «کاظم اخوان در خانواده‌ای رشد می‌کند که بیشتر از پنج قرن، نسل‌اند نسل، افتخار خدمت‌گذاری بارگاه آسمانی حضرت ثامن‌الحجج امام رضا (ع) را داشته. کاظم در دوران نوجوانی خود، افتخار خدمت در حرم حضرت علی بن موسی (ع) را داشت. مرحوم حاج‌رضا اخوان پدر عظیم‌الشأن کاظم، بیشتر از

پنجاه سال از عمر خود، افتخار کفش بانی زوار حرم امام هشتم (ع) را داشت و این چنین است که کاظم، تمام هنر خود را در خدمت به فرهنگ ائمه به کار می‌گیرد و وقتی که مسلمانان مظلوم و بی‌پناه در لبنان، با تجاوز ددمنشانه اسرائیل مواجه می‌شوند، غیرتمندانه برای انعکاس وحشی‌گری و جنایات متجاوزین از یک سو، و ندای امداد ستم‌دیدگان از سوی دیگر، در راه خدا و برای یاری ولی‌خدا، هجرت می‌کند و اکنون می‌بینیم که با گذشت پانزده سال تمام، در تحمل سیاه‌چال‌های مخوف دشمنان خدا، به امام موسی کاظم (ع) اقتدا دارد. وی سخنانش را با قرائت بخش‌هایی از سروده خود با عنوان «رقص مرگ» به پایان برد.

در شب دوم مراسم، بعد از اقامه نماز، «حاج حسین رستگار مقدم» پدر مشاور فنی سفارت کشورمان در لبنان، به بیان خاطراتی از زندگی فرزندش پرداخت و گفت: «تقی از لحاظ تربیتی به شدت تحت تاثیر برادر بزرگ‌ترش محسن قرار داشت. درباره محسن هم باید بگویم که جوانی شب‌زنده‌دار و اهل نماز شب، دائم الوضو و واقعاً با اخلاق حسنه بود. محسن که سال‌های آخر دکترای دندانپزشکی را در انگلستان می‌خواند، با اوج‌گیری مبارزات انقلاب و با توجه به فرمایشات امام خمینی، به ایران برگشت و به مبارزه مشغول شد. با یک عزم عجیبی، صبح‌ها را مکانیکی می‌کرد و در باقی اوقات هم جلسه‌ای بیدارکننده تشکیل می‌داد. جزوات و اعلامیه‌های امام را تکثیر و توزیع می‌کرد. تا این‌که در یکی از تظاهرات‌های ضدشاهی در قم، که گاردی‌ها یک نوجوان را نشانه گرفته بودند، خودش را بین گاردی‌ها و آن نوجوان حائل کرد و تیر شلیک‌شده گاردی‌ها به سرش اصابت کرد و شهید شد. تقی هم عین محسن باتقوا بود و کارهای محسن را الگو قرار می‌داد. شجاعت و نترسی عجیبی هم داشت که زبان زد بود. با شروع جنگ، به کردستان رفت و چون درس‌های فنی خوانده بود و ابتکار فنی بالایی داشت، تمام تجربه‌های خودش را در خدمت جنگ با صدامی‌ها قرارداد و مهارت‌ها و استعدادش مورد توجه حاج احمد قرار گرفت که همین باعث شد با حاج احمد به جنوب برود و بعد هم که به لبنان رفتند... قبل از صحبت‌های فروردین ماه امسال احمد حبیب‌الله، مسئول رسیدگی به وضع حقوق بشر در زندان‌های اسرائیل، یک تلفن عجیبی از خارج کشور به خانه ما زده شد که یک نفر که با لهجه غلیظ عربی صحبت می‌کرد، گفت: «تقی رستگار زنده و در اسرائیل زندانی. ما آزاد شدیم از اسرائیل و تلفن را تقی داد...» باقی صحبت‌هایش را هم نفهمیدیم. در هر حال فکر کنم که تلفن زنده، تقی را در زندان اسرائیل دیده‌بوده که تلفن ما را گرفته و زنگ زده.»

در ادامه مراسم، تقدیرنامه‌هایی از طرف آقای «علی‌اکبر اشعری» معاون امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به نمایندگی از جانب همه همسنگران کاظم اخوان در عرصه جهاد تبلیغاتی، جهت تجلیل از رشادت‌ها و مظلومیت خانواده‌های چهارگروگان ایرانی در بند، به خانواده ایشان اهدا گردید.

در شب پایانی مراسم، شاعر بسیجی محمدرضا آقاسی، با اشاره به حماسه پانزده سال صبر و استقامت خانواده‌های چهارگروگان مظلوم ایرانی، ضمن عطرآگین ساختن فضای مجلس، با بیان بخش‌هایی از مثنوی «شیعه‌نامه»، ابیاتی در رثای حاج احمد متوسلیان قرائت نمود:

ای با نفس امام خو کرده
 زان رایحه کسب آبرو کرده
 سرمست زباده کلام او
 توفیق شهادت آرزو کرده
 یک قوم تو را شهید می‌خوانند
 یک قوم تو را اسیر می‌دانند
 اما چه کنم که ناجوانمردان
 تصویر تو را زخویش می‌رانند
 ای بلبل در چمن نگنجیده
 ای یوسف در وطن نگنجیده
 ای نور دو چشم پیرکنعانی
 زندانی در وطن نگنجیده
 ای کاکل غرق خون برآشفته
 در زمزمه جنون برآشفته
 وی تیغ تبسم تو پولادین
 در بوته آزمون برآشفته
 تو کیستی آن که نور نوشیده
 پیراهنی از حضور پوشیده
 تندیس غیرت و جوانمردی

۳۶۲ □ کمین جولای ۸۲

برظلمت شام غم خروشیده
من کیستم؟ آن که در وطن مانده
در بند حجاب خویشتن مانده
چشمی به در امید خشکیده
در حسرت بوی پیرهن مانده
ای زمزم کوثری مرا دریاب
وی پنجه حیدری مرا دریاب
دستانم هر تپش عطش دارد
وی لطف برادری مرا دریاب
دریاب که بی تو سخت در ماندم
در مصر غم تو در بدر ماندم
از پیرهننت حوالتی بفرست
بی برگ عبور پشت در ماندم
ای جبهه به خاک جبهه‌ها سوده
در معرکه‌ها دمی نیاسوده
وی اسوه استقامت و ایثار
در مصر شکنجه‌ها نفرسوده
ای گم شده حصار پیچیده
وی ماه به شام تار پیچیده
دستان کدام فتنه رویت را
در پرده‌ای از غبار پیچیده

در ادامه «حسین الله کرم» هم‌رزم حاج احمد متوسلیان در جبهه‌های غرب، به سخنرانی پرداخت.

ماهنامه صبح

ضمیمه ۱۷

نیمه دوم تیر ۱۳۷۷

۵۸۴۰ روزگذشت، آقای خانمی! آیا به فکر گروگان‌ها هستید؟!

۱۶ سال تمام از اسارت چهار دلیرمرد ایرانی حاج احمد متوسلیان، سیدمحسن موسوی، کاظم اخوان و تقی رستگار می‌گذرد.

۱۹۲ ماه از آن هنگام که چهار ایرانی، در اوج مظلومیت خویش، و فقط به جرم انجام وظیفه و باوجود مصونیت دیپلماتیک، توسط مزدوران فالانژیست حزب کتائب لبنان به سرگردگی سیمر جعجع به اسارت درآمدند، می‌گذرد.

آقای محترم رئیس جمهوری محترم! اکنون که ۵۸۴۰ روز از گمنامی آن چهارآزاده می‌گذرد، شما برای آنها چه اقدامی کرده‌اید؟

حاج احمد را که می‌شناسید؟ همان را که حتی خیلی از دوستان، از اوفقط تصویری به یاد دارند و بس! کاظم اخوان را به یاد می‌آورید؟ او را که همکاران صدیقش! در خبرگزاری جمهوری اسلامی، هر ساله ۱۲ ماه را بدون یاد او سپری می‌کنند!

تقی رستگار را که به یاد می‌آورید؟ همو که شانزده سال تمام هیچ روزنامه انگلیسی‌زبان، نامی از او به میان نیاورد تا مبادا مشتریان‌شان کم‌شود!

سیدمحسن موسوی را حتماً باید بشناسید! همو راکه وزارت خارجه مبارک ام‌القرای جهان اسلام، تهران کبیر، همه ساله در سالگرد ربوده شدنش، بی‌سر و صدا از کنار آن می‌گذرد، بدون اینکه اسمی از آن به میان بیاورد. شاید دلیلش این بود که معلوم نیست آنها چپ بودند یا راست! و شاید اگر موضع‌شان مشخص بود که با کدام طرف هستند، کسی سراخی از آنها می‌گرفت!

«جان مک‌کارتی» را می‌شناسید؟ «تری اندرسون» و «تری ویت» را هم همین‌طور! همانانی را که هر ساله، هنوز پس از گذشت سال‌ها از رهایی‌شان، در مطبوعات غرب به مناسبت سالگرد اسارت یا آزادی‌شان، عکس و مطلب چاپ می‌شود.

جداً وزارت خارجه ما، با چه وجدانی با آنها از در بی‌تفاوتی وارد شد و برای موسوی آن‌گونه که باید، پی‌گیری نکرد؟

مطبوعاتی‌های ما، خبرنگاران، بخصوص عکاسان، این همکاران کاظم اخوان را چه بی‌خوابی‌ای گرفته که زبان به کام گرفته‌اند. چطور است وقتی یک دزد مختلس دستگیر می‌شود، حضرات مخململباف‌ها، لب

به اعتراض می‌کشایند و اعلام می‌کنند که تا آزادی او، خود هیچ‌گونه فیلمی نخواهند ساخت. شاید از این مطمئن بودند که در سیاسی‌بازی، حداکثر تا یک‌ماه بعد، رفیق شفیق‌شان آزاد خواهد شد و آنها با جیب‌های پر پول‌تر، فیلم‌های مزخرف خود را خواهند ساخت. یکی بیاید و از این حضرات بپرسد. از این جماعت خبرنگار، عکاس و... از آنهایی که برای یک روزنامه‌نگار هتاک، هوچی‌گر، تفرقه‌افکن، هزار و یک‌بار به اسم یک نفر امضا جمع کردند تا قانون را در کمال وقاحت زیر پای‌گذارند و از تنبیه متجاوز به حریم فرهنگی مملکت، جلوگیری کنند.

آی جماعت خبرنگار که دوربین‌ها هنوز به گردنتان آویزان است، چندبار برای اعتراض به نامعلومی سرنوشت کاظم اخوان تظاهرات راه‌انداخته‌اید و جلوی سفارت سوئیس (حافظ منافع آمریکادر ایران) تحصن کرده‌اید؟ چندبار طومار جمع کرده و برای رئیس جمهوری لبنان فرستاده‌اید تا از ایلی حبیقه فرمانده کل نیروهای فالانژ در سال ۶۲-۶۱ بپرسد که چه بلایی سر چهارگروگان ایرانی آورده‌اند؟

عجب جماعت ناسپاسی هستیم ما. آقایان خبرنگار، از نبود امنیت‌شغلی ننالید. وقتی خودتان برای همکار خود، یک‌بار هم اقدامی جمعی نکرده‌اید، دیگر چه توقعی است. جداً چه عیبی دارد اگر همه خبرنگاران و عکاسان مطبوعات، خبرگزاری، کیهان، اطلاعات، جمهوری اسلامی، سلام، رسالت، شلمچه، جامعه، مبین، آبان، قدس و... با هر خط و ربط سیاسی که دارند، همصدا و هم‌زمان شوند و یک‌روز تیتروهای اصلی خود را به پی‌گیری مسئله چهارگروگان ایرانی در لبنان اختصاص بدهند؟

آقای خاتمی، رئیس جمهوری! حالا که روابط ما با کشورهای منطقه حسنه شده است و خیلی چیزهایش می‌آید، چطور کسی نیست تا از چند و چون سرنوشت این چهار نفر سوال کند؟

آقای رئیس جمهوری! هیچ شده است برای نجات جان آنان و برای این که خانواده‌های آنان را که ۱۶ سال است چشم‌انتظارند، از نگرانی برهانید، ستاد بحران تشکیل دهید؟ چه کسی به فکر افتاده است تا گروهی را جمع کند که بیایند و خدمات ارزشمند متوسلیان در آزادسازی خرمشهر را به مردم نشان دهند؟ چه کسی این در ذهنش می‌گذرد که یک ساعت از ساعت‌ها «سریال دادگاه کرباسچی» را به اعتراض برای معلوم شدن سرنوشت چهار ایرانی اختصاص بدهد؟

آقای رئیس جمهوری! مصرانه از شما می‌خواهیم برای پایان دادن به همه جریانات درباره این چهار آزاده، ستادی در دفترتان تشکیل دهید که قاطعانه پی‌گیر شوند و جوابی قانع‌کننده به ملت ایران بدهند.

آقای رئیس جمهوری! هیچ کس از شما نمی خواهد کاری خلاف قانون انجام بدهید. چطور است که وزارت خارجه جمهوری اسلامی در برابر اخلاق زشت پلیس آمریکا نسبت به ورزشکاران و فرهیختگان فرهنگی، عکس العمل تند نشان می دهد و قاطعانه اعلامیه صادر می کند، ولی برای چهار شهروند ایرانی که سال ها است در اسارت به سر می برند، هیچ اقدامی نکرده است؟

آقای خاتمی! این را شما که حالا رئیس جمهوری هستید، پاسخ بگویید و اعلام کنید که، از یکی دو سال گذشته تا حال که بعضی از محافل خارجی اعلام کردند و اسرائیل نیز اعتراف کرد که چند نفر ایرانی در زندان های اسرائیل به سر می برند، برای نجات آنها، در دولت جمهوری اسلامی چه اقدامی صورت گرفته است؟

آقای رئیس جمهوری! چه می شود اگر به مسئولین وزارت خارجه ابلاغ کنید تا همان گونه که در رهایی گروگان های غربی در لبنان پادریانی و تقلا کردند و حتی دست آخر، همچنان آمریکای جهان خوار ایران را متهم اصلی دانست، فقط برای ملت مسلمان ایران واقعاً پی گیر قضیه شوند و به هر چه که رسیدند، آن را برای مردم اعلام کنند.

آقای رئیس جمهوری! حتماً خبر دارید چند ایرانی در لبنان ربوده شده اند؟ شما که بهتر باید بدانید همان روز و در همان مکان که حاج احمد و همراهانش به اسارت فالانژها درآمدند، فرد دیگری به نام «شیخ توسلی» نیز به اسارت آنان درآمد که از او اصلاً هیچ گونه خبری نیامد! حتماً باید بدانید که حدود یک هفته پیش از اسارت چهار ایرانی، اوائل تیرماه همان سال، یک جوان مسلمان ایرانی دیگر، مستقیماً به دست نیروهای اسرائیلی در لبنان، اسیر شد که از او اصلاً هیچ اسم و رسم و آماری در میان نیست. برای این که بیشتر و بهتر موضوع گروگان های ایرانی در خارج از کشور مورد توجه قرار بگیرد، نظر شما را به گزارش مجله «الوحدت الاسلامیه» چاپ لبنان جلب می کنیم که در آن اشاره شده است که در سال ۱۹۷۹، دو ایرانی در اسارت نیروهای اسرائیلی به سر می بردند و جالب این که در ایران هیچ نشریه و یا رسانه ای به آنان کوچک ترین اشاره ای نکرد.

آقای خاتمی! تلاش و پی گیری های وزارت خارجه در مسئله آزادی «حسن دستگیری» که به جرمی واهی در تایلند تا پای اعدام پیش رفت و به همت و زحمت همکاران شما نجات پیدا کرد و به وطن بازگشت، جای تقدیر و تشکر دارد. تشکیل ستاد پی گیری و گرفتن وکیل برای مسئله گروگان های ایرانی در لبنان، چه قدر هزینه در بر خواهد داشت؟ هر چه قدر می شود بگوئید حتماً دوستان آنان تقبل خواهند کرد.

آقای رئیس جمهوری! شما که آرزومندید ایران اسلامی و آزاد داشته باشیم، شما که می‌خواهید عزت و سربلندی ایرانیان را در جهان حفظ کنید، شما که از ظلم و ستم به هراسانی آزرده می‌شوید، حال که عازم آمریکا هستید و در مجمع عمومی سازمان ملل افاضه سخن خواهید فرمود، چند کلمه از سخنان خویش را به مسئله گروگان‌های ایرانی در لبنان اختصاص خواهید داد؟ آیا آنان که خانواده‌هایشان همچنان چشم‌انتظار بازگشت هستند، می‌توانند به سخنان و پی‌گیری‌های شما امیدوار باشند؟
حمید داوآبادی

هفته‌نامه شلمچه

ضمیمه ۱۸

۱۳۷۷/۱۲/۱۶

کاظم اخوان را به دنیا بشناسانیم

دویست‌ماه از اسارت دیپلمات‌های ایرانی و عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی توسط رژیم صهیونیستی، گذشت. این دویست‌ماه در حالی می‌گذرد که مدعیان حقوق بشر، هیچ‌گاه کم‌ترین احساسی را - حتی به ظاهر و خنثی‌برای روشن شدن وضعیت این اسیران بروز نداده‌اند. در آبان‌ماه گذشته، که در قالب یک هیئت مطبوعاتی و به دعوت انجمن سردبیران روزنامه‌های «نیوینگلند» به آمریکا سفر کرده بودیم، در یکی از جلسات، نماینده‌ای از کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران - که مقر اصلی آن در نیویورک و بنیان‌گذارانش آمریکایی هستند - گزارشی از حمایت این کمیته از روزنامه‌نگاران ایرانی طی سال‌های اخیر ارائه می‌کرد. او ضمن آن‌که شناخت نسبتاً خوبی از مطبوعات ایران داشت، سعی می‌کرد به ما بیاوراند که برای آنها، نوع تفکر روزنامه‌نگاران چندان اهمیتی ندارد، بلکه آنان برای نیل به مقصود، از هر روزنامه‌نگاری که احساس کنند در هر جای دنیا تحت فشار قرار گرفته، حمایت خواهند کرد و برای اثبات این مدعا، نام برخی از افراد را شاهد مثال می‌آورد که از جمله آنها مدیر مسئول ماهنامه صبح و سردبیر سابق روزنامه ایران نیوز بودند؛ من از او پرسیدم که آیا نام کاظم اخوان را شنیده‌است؟ و آیا می‌داند که او هفده سال است که به دست نظامیان اسرائیلی اسیر شده، لیکن هیچ‌کس از سرنوشت او هیچ اطلاعی ندارد؟ پاسخ داد: آری.

وتایید کرد که او و کمیته متبوعش نیز از وضع اخوان هیچ اطلاعی ندارند. از او پرسیدم که کمیته شما برای او چه کرده است؟ و او پاسخ گفت که برنامه‌هایی در ذهن دارند و...

اگر چه لحن سوالات، انتقادی و پاسخ‌ها حالتی واکنشی داشتند، لیکن از او خواستم حداقل همان‌روالی را که برای حمایت از سایر روزنامه‌نگاران دارند، برای این اسیر ایرانی هم اجرا کنند و در برابر، پاسخ‌های سردمداران اسرائیلی را نیز برای اطلاع جهانیان منتشر کنند. همچنین به او خاطر نشان کردم که دولت کشورش - آمریکا - اگر بخواهد، می‌تواند از نفوذ خود در اسرائیل برای کمک به روشن شدن وضع این اسیر بهره‌گیرد. از او خواستم که این راه را نیز بیازمایند و نتیجه این اقدامات را انعکاس دهند که بی‌تردید بسیار عبرت‌آموز خواهد بود. وی اگرچه خود را متعهد به پی‌گیری قضیه و انمود می‌کرد، لیکن به خوبی می‌دانست که کاظم اخوان از جمله نمونه‌هایی است که پی‌گیری قضیه او برای آن کمیته، ضمن دشواری، نه تنها هیچ ثمره‌ای نخواهد داشت، بلکه چه بسا مشکلاتی را هم بار آورد! من واکنش او را در قبال این سوالات درک و پیش‌بینی می‌کردم، در عین حال قصدم این بود که او و دیگر حضار بدانند که نحوه عملکرد این گونه کمیته‌ها چگونه است و صد البته امید بستن به هر آنچه غیر از خود، کاری عبث و بیهوده است. در عین حال تصور می‌کنم که موضوع کاظم اخوان، در شرایط حاضر که نهضت حمایت از خبرنگاران و عنوان سمبل دفاع از آزادی بیان در بسیاری از نقاط جهان فراگیر شده، بهترین فرصتی است که با پی‌گیری جدی آن، هم وضعیت ۴ اسیر ایرانی در بند رژیم صهیونیستی و هم ماهیت این رژیم و حامیان آن در افکار عمومی جهان بیشتر آشکار شود. در همین راستا، پیشنهاد می‌کنیم که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، با ارائه برنامه‌های متنوع بین‌المللی، توجه جهانیان خصوصاً روزنامه‌نگاران را نسبت به این موضوع جلب کنند و فراخوانی بدهند که هر کس (حقیقی یا حقوقی، ایرانی یا خارجی) که خود را در قبال این مسئله متعهد می‌داند، با هر وسیله و امکان و توانی که در اختیار دارد، سهم خود را در این راه ایفا کند. روزنامه‌نگاران، طراحان، مترجمین، نقاشان، نوازندگان، سخنوران، ادیبان، فیلمسازان، مجسمه‌سازان و... پتانسل عظیمی دارند که می‌توانند در صورت ایجاد انگیزه، توان‌والای خود را برای روشن شدن وضعیت ۴ اسیر ایرانی و خصوصاً کاظم اخوان - همکار خبرنگار - به کار گیرند که امید است این همت، با بذل توجه دست‌اندرکاران امر، ایجاد و تقویت شود. ان‌شاء الله

کریم ارغنده‌پور

سلام

۳۶۸ □ کمین جولای ۸۲

ضمیمه ۱۹

خرداد ۱۳۷۸

حاج احمد متوسلیان شهید شده!

مصاحبه اختصاصی با حجت الاسلام اختری سفیر سابق ایران در دمشق متأسفانه مسئولان سیاست خارجی کشور، هیچ‌گاه درباره وضعیت گروگان‌ها و زندانیان ایرانی در خارج از کشور-چهلبنان و چه دیگر کشورهای جهان-آن‌گونه که باید و انتظار می‌رود، شفاف عمل نکرده‌اند و همواره با تکرار بعضی شعارها و صدور بیانیه‌هایی با مضمون محکوم کردن و منتظر جواب قطعی بودن! کار را ختم به‌خیر کرده‌اند. از جمله موارد مهم در این زمینه، چهارگروگان-ویا بیشتر از اینها- ایرانی در لبنان است که طی حمله رژیم صهیونیستی به لبنان و تسلط مزدوران فالانژ بر بیروت، در سال ۱۳۶۱ مفقود شده‌اند. آنچه که امروزه در بوق‌های تبلیغاتی اعلام می‌شود، فقط اسم چهار ایرانی مطرح است و بس، در حالی که وزارت خارجه جمهوری اسلامی طی اطلاعیه‌ای رسماً اعلام کرد که تعداد ایرانی‌های به گروگان گرفته شده در شمال بیروت در روزهای میانی تیرماه سال ۱۳۶۱ هفت نفر می‌باشد که متأسفانه تاکنون هیچ‌گونه اسم و رسمی از سه نفر دیگر اعلام نشده است. متأسفانه بعضی اظهارات ضدونقیض، باعث ناراحتی شدید روحیه خانواده‌های این گروگان‌ها می‌شود. مثلاً هر از چندگاه خبری مبنی بر زنده بودن آنان، در سطح عموم منتشر می‌شود، ولی در محافل خصوصی تر خبر شهادت آنان داده می‌شود. همه اینها در حالی است که رادیو اسرائیل عنوان کرده است که اگر ایران خبری از ران آراد بدهد، آنان نیز از گروگان‌های ایرانی خبر خواهند داد. و همه نشان از مطلع بودن صهیونیست‌ها از وضعیت گروگان‌های ایرانی است. حال این که چرا وزارت خارجه جمهوری اسلامی، حاضر نیست پرونده همه گروگان‌های ایرانی در لبنان را به سازمان ملل ببرد و درخواست جواب قطعی کند، سوالی است که تاکنون بی‌پاسخ مانده است. واقعاً کسی نیست تا از رژیم صهیونیستی بپرسد اسامی ایرانی‌هایی که در زندان عتلیت به سر می‌برند، چیست؟ یا اینکه گفته شده است و حضرات پنهان می‌سازند؟! چون باید به تقلا و تلاش برای آزادی آنان بیفتند؟! کیست که نقش مهم و کلیدی ایران در آزادسازی گروگان‌های غربی در جریان جنگ‌های داخلی لبنان را نداند؟ پس چرا آن‌گونه که باید، از این عمل مثبت خود بهره‌نبردیم و به یک تشکر خشک و خالی- که بعضی جاها همراه با تهمت و افترا بود- بسنده کردیم؟

حجت‌الاسلام والمسلمین اختری، سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در سوریه، که از قدیمی‌ترین سفرای کشورهای خارجی در این کشور بوده و به‌همین خاطر به‌ایشان لقب «شیخ‌السفرا» داده‌اند، در مصاحبه‌ای که زمستان سال ۱۳۷۵ در محل سفارت ایران در دمشق انجام دادند، درباره وضعیت گروگان‌های ایرانی در لبنان، سخنانی اظهار داشته‌اند که جای بسی تأمل دارد. ضمن تشکر بسیار از ایشان، و عرض معذرت به پیشگاه خانواده‌های صبور و معظم این بزرگواران، متن سخنان آقای اختری را کلمه به کلمه و بدون هرگونه دخل و تصرفی، منتشر می‌کنیم. امیدواریم مسئولان وزارت خارجه، حداقل نسبت به این صحبت‌ها پاسخ قانع‌کننده خویش را ارائه دهند. لازم به ذکر است که سفیر ایران در دمشق، همواره یکی از بانفوذترین شخصیت‌های ایرانی در لبنان و سوریه بوده‌است و به‌همین لحاظ نمی‌شود به صحبت‌های ایشان به چشم اظهارنظری ساده و گذرا نگاه کرد. ما نیز امیدواریم که همه عزیزانی که در لبنان مفقود شده‌اند، سالم به آغوش خانواده‌های معظم‌شان بازگردند، و در اینجا از خانواده سه ایرانی دیگر نیز می‌خواهیم که ضمن تماس با ما، مشخصات و تصویر عزیزان‌شان را در اختیارمان بگذارند.

اللهم فك كل اسير

فکه: جناب آقای اختری، آیا در رابطه با چهار ایرانی که به گروگان گرفته شده‌اند، به نتیجه قطعی‌ای رسیده‌اید؟ با توجه به این که ظاهراً یکی از مسئولان نظامی، چندی پیش (زمستان ۷۵) در جلسه‌ای صحبتی کرده و گفته بود که طی سه چهار ماه آینده، خبر قطعی درباره این چهار نفر اعلام خواهد شد که اسیر هستند یا به شهادت رسیده‌اند.

اختری: من بر حسب اطلاعاتی که من دارم و چیزهایی که از سوری‌ها [مسئولان کشور سوریه] و دیگران شنیدم، معتقدم که آنها حیات ندارند؛ برای این که بالاخره اگر اینها حیات داشتند، هر کسی که آنها را [در اختیار] دارد، اینها یا در قدرت یا در ضعف، می‌خواهد از آنها استفاده بکند و همه این مراحل که در لبنان گذشته الان. آنها را که [گروگان‌های ایرانی را در اختیار] داشتند، فالانژها بودند، آنها را که می‌گویند که اینها در ضمن به دست اسرائیلی‌ها [تحويل شده‌اند] اسرائیلی‌ها بالاخره اهل معامله [هستند] می‌خواهند معامله کنند. اگر کسی داشته، تاحالا آورده بود. بعد هم با حمله [دولت لبنان] به مناطق فالانژها و گرفتن سمیر جعجع و به هم خوردن اوضاع، باز هم اگر چیزی بود، آنها هم آشکار می‌شد. ما بر حسب همان اطلاعاتی که از بعضی از مناطق غربی - کشورهای غربی - از همین گروه سمیر جعجع اینها آوردند، البته اینها جایی را هم آوردند که اعلام کردند که گفتن اینجا محل دفن اینها

۳۷۰ □ کمین جولای ۸۲

[گروگان ها] است. البته یک‌قبری، چیزی نیست. آنها می‌گویند که اینها گروه‌زیادی بودند [ظاهراً تعداد زیادی از اهالی‌بومی بیروت نیز آنجا بوده‌اند که همگی توسط جنایتکاران فالانژ به شهادت رسیده‌اند] اینها را زدند، یعنی افراد مختلفی بودند، اینها را کشتند. اینها را ریختند توی یک گودالی [ودفن کردند].

فکه: این محل در خود بیروت است؟

اختری: آری. در خود [بیروت]، نمی‌دانم یا بالای بیروت یا نمی‌دانم کجا.

فکه: منطقه بر باره دیگر؟

اختری: من یادم نیست الان کجاست، ولی آن نقشه‌اش را آورده بودند برای ما.

فکه: آیا اقدامی شده که مثلاً محل مورد نظر را خاک برداری کنند که ببینند چگونه است، یا چیزی هست؟

اختری: نه. اون اقدامی چیزی صورت نگرفته.

فکه: طرحش را هم ندارید یا ایران به فکر چنین کاری نیست؟

اختری: نه، فایده‌ای ندارد. اونا توی منطقه، معلوم نیست چیزی ازش دریاد.

دمشق - اسفند ۱۳۷۵

حمید داودآبادی

ماهنامه فکه

ضمیمه ۲۰

۱۳۷۸/۳/۲۲

توجه توجه! حاج احمد شهید شده

بیشتر از چند کلمه درباره مسافر بی‌بازگشت حاج احمد متوسلیان

اواخر خرداد و اوایل تیر که می‌رسد، خودم به خودم گیر می‌دهم که بجنب! باید چیزی بنویسی. پسر! تو هر چه داری از حاج احمد است. باید ادای دین کنی. باید هر سال برایش بنویسی. داد و هوار راه بیندازی، حاج احمد حقیقی را نشان این مردم بدهی. اما خدا و کیلی دیگه خسته شدم. گرد و خاک کنیم که چی؟ کی گوش می‌کند؟ این مردم؟ همه این مردم، حاج احمد را تا نیست دوست دارند.

حاضریم شرط ببندیم اگر حاج احمد با همان اخلاق و روحیات سابقش برگردد، حتی رفقای نزدیکش هم دوروبر او نپلکنند. حاج احمد مرد میدان ولایت خمینی بود، نه شهروندِ گوگوری مگوری جامعه مدنی. این حرفها سیاسی نیست، لطفاً عینک سیاهی را که این روزها همه از پشت آن به دنیا نگاه می کنند، بردارید. حرف جامعه مدنی مال این دوسال نیست. خیلی ساده اند کسانی که این طور فکر کنند. فرق این دوسال با سالهای قبلش، این است که جامعه مدنی و آزادی و قانون مداری و... شده چماق یک عده آدم عقده ای و جیغ جیغو. داد من و حرف من، مال دهه هفتاد است نه دوم خرداد. چنددفعه این مردم و این بسیجی ها که ادعای می کنند عاشق حاج احمد هستند، ریختند توی خیابانها و تظاهرات کرده اند؟ چنددفعه جلوی مجلس متحصن شده اند؟ اصلاً تا به حال یک حرکت مردمی خشک و خالی برای تعیین تکلیف این چهار تا بنده خدا انجام شده؟ (حرکت مردمی که می گویم منظورم تظاهرات صد، صد و پنجاه نفری نیست.) قضیه این است که عشق و حال با اسم و رسم حاج احمد مال ماست، و سوختن به درد اسارتشان، مال خانواده های بیچاره شان. حقیقت این است که کسی توی این مملکت منتظر بازگشت حاجی نیست، حاجی اسیر باشد، برای ما دوست داشتنی تر است. همین است دیگر. خودمان را که نباید گول بزنیم. این همه سال، دلمان را خوش کرده ایم به یک مشت شعار و تعریف و تمجید و دعا برای برگشتن آنها، ولی یک دفعه ننشستیم فکر کنیم که آخر پس چرا کسی کاری نمی کند؟ یا اگر کاری انجام می شود، چرا ما خیال خانواده های بلا تکلیف این عزیزان را راحت نمی کنیم؟ چه قدر باید اسیر بازی های سیاسی و دیپلماتیک باشیم؟ چه قدر بنویسیم حاج احمد چنین و چنان بود و چنین و چنان کرد، اما به غیرت کسی بر نخورد که پس چرا برای یک همچین آدمی، این دولت عریض و طویل، تره هم خرد نمی کند؟ من کاری به این بیانیهای یکی در میان وزارت امور خارجه، کمیسیون سیاست خارجی و... ندارم، من دنبال واقعیت هستم نه بازی با کلمات و محکوم کردن و درخواست کردن از مجامع بین المللی. خدا گردن این مجامع بین المللی را بشکند که هر چه می کشیم از دست همین نامرده است. حاضریم قسم بخوریم همین مجامع بین المللی در سربه نیست کردن شیر بیت المقدس نقش داشته اند. بابا حداقل بیاید به همه بگوید اینها شهید شده اند، تمام شد و رفت. هر چند وقت یکبار شلوغ بازی راه می افتد که احتمال می رود فلانی و فلانی زنده باشند و فلان پدر سوخته فرنگی گفته که من یک خبرهایی از آنها دارم. هر سال، در سالگرد اسارتشان، یک کم ما به هم می بافیم و یک کم هم دیگران، و چند تا هم یادواره سرد و خنک برگزار می شود و تمام. بنام به این غیرت... نه خیر عزیزان من، نقل این حرف هانیست. داستان از

این قرار است که فعلاً دیپلمات‌های گم‌شده، بیشتر به درد سیاست خارجی ما می‌خورند تا سرداران زنده و حاضر در میدان. حداقل یک چندصباحی می‌شود به اسم آنها داد و بی‌داد راه انداخت. اما، ما که سیاستمدار نیستیم. اگر شما نمی‌خواهید تکلیف‌تان را مشخص کنید، من همچین قصدی ندارم، پس‌بگذار حرف آخر را بزنم و خلاص: حاج‌احمد متوسلیان و سه نفر همراهش، کاظم اخوان، محسن موسوی و تقی رستگارمقدم، مدت‌هاست که به شهادت رسیده‌اند. در این مدت، تنها احتمال زنده بودن سیدمحسن موسوی داده می‌شود. این مسئله را رسانه‌های خارجی طی این سال‌ها جسته و گریخته اعلام کرده‌اند. حتی برخی از نهادهای غربی مدعی شده‌اند که جای دفن اجساد آنها را می‌دانند. به صدها دلیل عقلی، جریان شهادت‌گروگان‌ها صحت دارد. هرکس باورش نمی‌شود، به خودش مربوط است. شلوغ‌پلوغ نکنید! من از محضر مادر حاجی عذرخواهی می‌کنم، اما به بقیه آدم‌هایی که دنبال سرگرمی می‌گردند یا چیزی که بتوانند منتظرش باشند، توصیه می‌کنم در انتظار امام‌زمان (عج) باشند. حاجی اگر هم برگردد، یکی از آن ۳۱۳ نفر خواهد بود، حالا هرچه دلتان می‌خواهد بگویید.

بابامگه چه عیبی دارد این عزیزان هم مفتخر به عنوان «شهید» بشوند؟ این لغت کلیشه‌ای «جاویدان‌اثر» را بریزید دور. من که ریختم. خداوند روح شهدای عزیزمان را قرین رحمت خود گرداند، علی‌الخصوص سردار مخلص و بی‌نشان، شهید حاج‌احمد متوسلیان را.

محمدعلی صمدی

هفته‌نامه جبهه

ضمیمه ۲۱

۱۳۷۸/۴/۱۵

پدرم هنوز زنده است و در اسارت صهیونیست‌ها به سر می‌برد

گفت‌وگو با رائد فرزند آقای سیدمحسن موسوی

- آقای موسوی چند سال دارید و آیا پدرتان را به خاطر می‌آورید؟

- زمانی که پدرم ربوده شد، من دوساله بودم و اینک ۱۸ سال دارم. تصویر مبهمی از چهره پدرم در خاطر هست، اما گرمای محبت پدرانه‌اش را همیشه احساس کرده و می‌کنم.

- آیا شخصاً در جریان پی گیری سرنوشت پدرتان و دیگر همراهانش بوده‌اید؟
- بله از زمانی که خودم را شناختم، این مسئله را پی گیری می کنم. همه اشخاص و ارگان‌هایی هم که روی این مسئله کار کرده‌اند، به من محبت زیادی داشته و دارند، و با وجود آن که سن زیادی ندارم، اما پیوسته سوال‌های مرا پاسخ داده و مرا در جریان امور و پی گیری قضیه قرار داده‌اند.
- آیا ممکن است این ارگان‌ها را نام ببرید؟
- بله، وزارت امور خارجه و نهادهای انقلابی و اشخاص بسیاری که پدرم را می شناخته‌اند و در این راه به طور فردی تلاش کرده‌اند. همچنین بسیاری از گروه‌ها و شخصیت‌های انقلابی در لبنان، که من از همه آنها متشکر و سپاسگزارم.
- آخرین خبرها در مورد سرنوشت این گروگان‌ها چیست؟
- آخرین خبرهای منتشر شده مربوط به سخنان آقای احمد حبیب‌الله، رئیس کمیته دفاع از زندانیان در شهر ناصره در فلسطین اشغالی است، که چندین بار اظهار داشتند دیپلمات‌های ایرانی زنده و در اسرائیل محبوس هستند. البته سخنان آقای حبیب‌الله، ظرف یکی دو سال اخیر بارها توسط خبرگزاری‌های بین‌المللی مخابره و در روزنامه‌های مختلف چاپ شده‌است.
- اسرائیل چه سودی از بازداشت آنها می برد و برای چه آنها را نگاه داشته‌است؟
- بدیهی است که اسرائیل دشمن شماره یک اسلام و مسلمین است. خود صهیونیست‌ها نیز انقلاب اسلامی ایران را بزرگ‌ترین دشمن و خطر برای خود می دانند و این را بارها ابراز کرده‌اند. از این جهت آنها اگر بتوانند، از ضربه زدن به انقلاب ابایی ندارند. اما ظاهراً آنها با این گمان که ران آراد دست ایرانی‌هاست، احتمالاً قصد دارند این گروگان‌ها را مبادله کنند. این در حالی است که مسئولان جمهوری اسلامی ایران بارها اعلام کرده‌اند که خلبان آنها در ایران نیست و اصولاً این مسئله ارتباطی با جمهوری اسلامی ایران ندارد.
- کسانی می گویند که دیپلمات‌های ایرانی در لبنان کشته شده‌اند، در این باره چه اطلاعاتی وجود دارد؟
- بله، عده‌ای این را می گویند و منشاء آن، حرف‌های سمیر جعجع و ایلی حبیقه فرماندهان نیروهای فالانژیست است که هریک، دیگری را متهم به ربودن و کشتن دیپلمات‌های ایرانی می کند. اما این اظهارات ضد و نقیض است. زمانی گفته‌اند که آنها بلافاصله پس از بازداشت، تیرباران شده‌اند، بعضی دیگر از اظهارات آنها حاکی است که دیپلمات‌های ایرانی تا سال ۱۳۶۵ زنده بوده و بعداً کشته شده‌اند. اخیراً هم یکی از همدستان نزدیک ایلی حبیقه معروف به کبرا، کتابی در اروپا

منتشر کرده و گفته است که ایرانی‌ها تا سال ۱۳۶۵ در بازداشت بوده و پس از آن همراه با صدها جوان مسلمان شیعه لبنانی قتل عام شده و در محوطه مرکز نظامی فالانژها دفن شده‌اند. می‌بینیم که مسائل ضدونقیض است. سوال این است که اگر آنها تا سال ۱۳۶۵ یعنی ۴ سال پس از ربوده شدن، زنده بوده‌اند، چه دلیلی دارد که پس از آن به قتل برسند؟ مضافاً به این که آنها دیپلمات خارجی بوده و قاعدتاً حساب آنها با حساب صدها جوان مسلمان لبنانی که در بازداشت فالانژها به سر برده‌اند متفاوت است. به هر حال، اطلاعات جمع آوری شده نشان می‌دهد که در آن سال، به دلیل بروز جنگ‌های داخلی بین جناح مسیحی لبنان، دیپلمات‌های ایرانی از طریق بندر جونیه به اسرائیل منتقل شده‌اند.

- اکنون از مسئولان چه انتظاری دارید؟

- انتظار ما به عنوان خانواده گروگان‌های ایرانی، این است که با جدیت بیشتر این مسئله دنبال شود زیرا مسئله چند نفر مطرح نیست، بلکه اعتبار و حیثیت جمهوری اسلامی ایران است که باید حفظ شود. باید نشان داده شود که دولت جمهوری اسلامی نسبت به سرنوشت اتباع خود بخصوص دیپلمات‌ها، حساس است. صهیونیست‌ها برای دریافت اجساد سه سرباز متجاوز خود که در جنوب لبنان کشته شده‌اند، زمین و زمان را به هم می‌دوزند و هردری را می‌زنند، چرا ما نسبت به سرنوشت دیپلمات‌های مان اعم از این که زنده باشند یا شهید شده باشند، حساس نباشیم؟ بالاخره باید سرنوشت آنها روشن شود و حتی اگر شهید شده باشند، باید برای دریافت پیکرهای پاک آنان اقدام شود. البته در این مورد ریاست محترم جمهوری جناب آقای خاتمی و وزیر محترم امور خارجه جناب آقای دکتر خرازی، قول پی‌گیری داده‌اند و این کار را نیز انجام می‌دهند.

- شما خودتان چه احساسی دارید؟

- من شخصاً دلم روشن است که آنها زنده هستند. سال‌هاست که در انتظار دیدن پدرم هستم. به هر حال ما تسلیم رضای حق هستیم.

جمهوری اسلامی

ضمیمه ۲۲

۱۳۷۸/۴/۱۹

حاج احمد پیش امام است

- لطفاً خودتان را معرفی کنید:
- ولمان کن بابا، قرارش از این بازی‌ها دربیآوری فرشاد.
- یعنی چه؟ مثلاً داری مصاحبه می‌کنی، اسمت را نمی‌خواهی بگویی؟
- نخیر، اسمم را تو می‌دانی بس است.
- این طوری که نمی‌شود، خواننده باید بداند این حرف‌ها را چه کسی می‌زند.
- من این حرف‌ها را برای تو می‌زنم، با خواننده، مانده‌ها کاری ندارم.
- عجب آدمی هستی. اسم این مصاحبه است نه گپ‌دوستانه.
- ترجیح می‌دهم گپ‌دوستانه باشد.
- هرچه هم باشد، قرار است چاپ بشود. بالاخره تو مسئولیت این حرف‌هایی را که می‌زنی باید برعهده‌گیری.
- نخیر، من مسئولیتی برعهده نمی‌گیرم.
- ما را گرفتی، این همه باهم صحبت کردیم و خواهش تمنا کردم، بازهم همان حرف‌ها را می‌زنی؟
- این همه صحبت کردی تا راضی‌ام کنی این حرف‌ها را چاپ کنی، خب مشکلی ندارد، چاپ کن. اما قرار نیست که به‌خاطر یک گپ‌دوستانه برای خودم دردسر درست کنم.
- چه دردسری؟ این جوری که نمی‌شود.
- می‌شود یا نمی‌شود، من نمی‌دانم، تو پیرس من هم جواب می‌دهم.
- دروغ که نمی‌خواهی بگویی، برای حرف‌هایت دلیل داری، پس چرا مسئولیت‌شان را قبول نمی‌کنی؟
- بی‌خیال این حرف‌ها. پیرس تا تصمیم عوض نشده.
- بخواهی یا نخواهی، اگر این حرف‌ها چاپ شود، مسئولیتش گردن خودتوست.
- بی‌خود، مسئولیتش گردن‌توست که چاپشان می‌کنی. طبق قانون جدید مطبوعات، بنده نه سرپیازم، نه ته‌پیاز. زیاد هم اصرار کنی می‌زنم زیرهمه‌چیز.
- خیلی خب، فقط این کارهایت یادت باشد. به‌هرحال صحبت راجع به حاج‌احمد است. از حاج‌احمد بگو.
- بنده نوکر حاج‌احمد هم هستم. حاج‌احمد مقتدرترین فرمانده سپاه پاسداران از زمان تأسیس تا حالاست. حاج‌احمد اسوه مردانگی علوی است. حاج‌احمد عشق‌است. حاج‌احمد سیم‌رغ

شاهنامه خمینی است. حاج احمد فرزندخلف مکتب خمینی است، هزارتای دیگه از این ابراز احساسات

دارم، بگم یابسه؟

- از خود حاجی بگو، از شخصیتش، از زندگیش.

- آفاجون، قرارنشد از زندگی حاج احمد بگویم. آن را که خودت از من بهتر بلدی، قرارمان این بود که راجع به اسارتش و مسائل مربوط به آن صحبت کنیم، زندگی حاجی در یکی، دو ساعت حرف نمی گنجد.

- خیلی خوب، می رویم سراغ اسارت حاجی، شما از اسارت حاجی برای مان بگو.

- بله، خدمت شما عرض کنم که حاج احمد متوسلیان، سید محسن موسوی، تقی رستگار مقدم و کاظم اخوان در روز چهاردهم تیرماه سال ۶۱ وقتی که می خواستند خود را به شهر بیروت و سفارت جمهوری اسلامی برسانند، در یکی از دژبانی های حزب مارونی کتائب، دستگیر شدند. از آن وقت تا حالا هیچ خبر مبری از آنها نیست. به معنی واقعی کلمه «هیچ خبر».

- همین؟

- همین.

- خوب به نظر تو این بچه ها الان کجا هستند؟

- پیش امام خمینی.

- یعنی تومی گویی حاج احمد و سه نفر همراهش، دیگه شهید شدن؟

- مگه شک داری؟ تو که خودت هم به این نتیجه رسیدی.

- من هنوز ته دلم امیدوارم.

- این به خاطر عشقی است که به حاجی داری، والا در این هیچ شک و تردیدی نیست که حاج احمد شهید شده، بی پرو برگرد.

- آخه دلیلت چیه؟

- من را فیلم کردی؟ یک ساعت برایت چی می گفتم؟

- بابا مثلاً الان من دارم حرف های تو را ضبط می کنم، آن موقع که ضبط نمی کردم. شما لطف کن و یک بار دیگر بگو.

- ببین، نکته این جاست که ما برای شهادت این چهار تا شیر مرد، ده ها دلیل متقن و قابل توجه داریم. اصلاً هنوز یقیناً نمی دانیم اینها دست کی هستند. هیچ کس به این مسئله نمی پردازد که طی این

هفده سال هیچ نامردی رسماً مسئولیت گرفتن این چهار نفر را قبول نکرده. امثال سمیر جعجع و ایلی حبیقه هم آن قدر آدم‌های مکار و غیرقابل پیش‌بینی‌ای هستند که حرف‌های‌شان یک پول‌سیاه هم نمی‌ارزد.

– این دو تا که گفتی کی هستند؟

– این دو تا از فرماندهان نیروهای فالانژیست حزب‌کتاب هستند. در روز چهاردهم تیرماه، نیروهای مستقر در دژبانیه بر باره از افراد سمیر جعجع بودند. خود سمیر جعجع هم تحت امر ایلی حبیقه بوده. سمیر جعجع می‌گوید نیروهای من این بچه‌ها را گرفته‌اند و به فرمان ایلی حبیقه همان‌جا اعدام‌شان کردند. ایلی حبیقه هم گفته که جعجع حرف مفت می‌زند، من از اینها اصلاً خبر ندارم. جعجع هم یک بار می‌گوید بله، یک بار می‌گوید نه، و خلاصه این وسط معلوم نیست که چه اتفاقی افتاده. این فالانژیست‌ها که آدم نیستند تا آدم بنخواهد باهاشان حرف بزنند. یک بار هم گفتند که اینها را از بندرجونیه تحویل اسرائیل دادیم.

– یعنی الان معلوم نیست چه کسی مسئول این آدم‌ربایی است؟

– کلاس‌بالا صحبت نکن. قضیه آدم‌ربایی یا گروگان‌گیری نیست. «آدم‌ربا» یا «گروگان‌گیر» از عمل خودش هدفی دارد و برای رسیدن به آن هدف است که می‌رباید یا گروگان می‌گیرد، بعد هم می‌آید و شرایط و خواسته‌های خودش را در قبال آزادی گروگان‌ها اعلام می‌کند. این چه جور گروگان‌گرفتنی است؟ نه کسی شرطی و درخواستی برای آزادی آنها اعلام کرده.

– پس این همه که اسرائیل ران آراد را بهانه می‌کند برای چیست؟ من خودم در روزنامه‌ای خواندم که اسرائیل شرط آزادی گروگان‌ها را باخبر شدن از وضعیت ران آراد اعلام کرده.

– آن خبر را من هم خواندم. این طور که می‌گویی نبود. اسرائیل اعلام کرده بود که هرگونه خبری از وضعیت دیپلمات‌های ایرانی، موکول به اطلاع از سرنوشت ران آراد است. این با حرفی که تو زدی خیلی فرق می‌کند. اولاً که ران آراد به ما چه ربطی دارد؟ ثانیاً این ران آراد بهانه است. ثالثاً ما از سرنوشت عزیزانمان که همان شهادت است، مطلعیم. رابعاً آنها هم از سرنوشت خلبان‌شان که همان هلاکت است، باخبرند. این خلبان از هواپیما سقوط کرده و کشته شده، خود این صهیونیست‌ها هم خبر دارند. منتها به عنوان اهرم فشاری علیه ما، دائماً این را علم می‌کنند که اصلاً اگر هم زنده باشد، اسیر جنگی است و حکایتش با دزدیدن چهار نفر با پوشش غیر نظامی که مصونیت دیپلماتیک هم دارند، خیلی فرق می‌کند. این خلبان در لبنان سقوط کرده، به ما چه؟ از طرفی، اسرائیل مصطفی دیرانی

و شیخ عبدالکریم عبید را به‌عنوان ربایندگان و مطلعین از ران اراد، از داخل خانه‌های‌شان دزدیده‌است، اگر مصطفی دیرانی او را دزدیده، پس دیگر ایران چه‌کاره‌است؟ اگر شیخ عبید از او خبردارد که او هم در زندان خود آنهاست، این وسط ایران چه‌کاره‌است؟ این یک‌بازی است، شما مطمئن باش اسرائیل هم بیش از آنچه مامی دانیم، نمی‌داند. خیالت راحت باشد که حاج‌احمد متوسلیان حتماً شهید شده. هر کدام‌شان هم که زنده باشند، حاج‌احمد زنده نیست. خود حاج‌احمد گفته که باخدای خودم عهد کرده‌ام که به‌دست اسرائیلی‌ها و در نبرد با آنها کشته بشوم.

- پس جریان ایرانی‌های محبوس در زندان عتلیت چیه؟

- به این موضوع هم می‌رسیم. اول قرار شد دلایلم را مبنی بر شهادت اسرا بگویم. جواب این سوال را هم در ادامه صحبت‌ها خواهم داد. طی این سال‌ها فرصت‌های زیادی برای مطرح کردن مسئله دیپلمات‌ها به وجود آمد. طرف حساب ما طبق شواهد موجود حزب کتائب نوکراسرائیل است و اسرائیل هم نوکر آمریکا (ویا ارباب آمریکا) هم حرفی نیست. پس به‌نظر من طرف حساب اصلی ما آمریکاست. بارها منافع آمریکا در لبنان با خطرات جدی مواجه شده و حتی ضربات سختی خورده‌است. چندین نفر از اتباع آمریکا در لبنان به‌گروگان گرفته شدند که برخی از آنها مانند «ویلیام باکلی» که رئیس ایستگاه سیا در خاورمیانه بود، برای آمریکا آدم‌های بسیار مهم و باارزشی بودند. «دیوید دوج»، «جرمی لیفنن»، «ریفر بنجامین»، «پیتر کلیبورن»، «لوتر جنکو»، «تری اندرسون»، «توماس ساترلند»، «آلن استین»، «جسی ترنر»، «رابرت پولهیل»، «ویلیام هیگینز»، «الک کولیت»، «جان کوفمان»، «جان نورماندان»، «روژه اوک»، «چارلز گلاوس» و... بعد از اسارت دیپلمات‌های ما در جریان تنش‌های جاری در لبنان روبرو شدند که دولت آمریکا غالب این گروگان‌گیری‌ها را منتسب به اسلام‌گرایان و بخصوص شیعیان و گروهی موسوم به «جهاد اسلامی» می‌داند. افرادی مثل «تری ویت» و «جان مک‌کارتی» هم که انگلیسی بودند و به‌گروگان گرفته شدند. آیا تو قبول می‌کنی که در هیچ‌کدام از این موارد به فرض این که آمریکا و اسرائیل به بچه‌های ما دسترسی داشتند، پای آنها را وسط نکشند؟ آمریکا و انگلیس و فرانسه خودشان را جرداند تا اتباع‌شان آزاد شوند. به‌دامن هرکشوری، بخصوص ایران، برای وساطت در این قضایا چنگ زدند، اما حتی یک‌بار پای دیپلمات‌های ما وسط نیامد، چون به آنها دسترسی نداشتند. به‌نظر من اگر عزیزان ما زنده بودند، آمریکا و اسرائیل لحظه‌ای از استفاده از آنها برای تسریع در امر آزادسازی افرادی چون دوج یا باکلی، درنگ نمی‌کردند. حزب کتائب باغرب روابط تنگاتنگی دارد. آن موقع ایران هم در لبنان نفوذ زیادی داشت

و آمریکامی توانست از طریق پیش کشیدن قضیه دیپلمات‌های ایرانی و واسطه قرارداد ایران، حداکثر تلاش خود را در جهت آزادی گروگان‌های خود بکند، البته ایران در آزادی بسیاری از این گروگان‌ها نقش مهمی داشت.

– از این گروگان‌ها کسی هم کشته شده؟

– بگذار این را بگویم که لبنان سرزمین گروگان‌گیری است. صدها نفر در لبنان، در سال‌های مختلف گروگان گرفته شده‌اند که از ده‌ها نفر از آنها دیگر خبری نشده. این کار در لبنان، بخصوص در سال‌های جنگ داخلی، از ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰ یک امر عادی بود. تعداد زیادی خبرنگار، دیپلمات و غیر نظامی در این جریان‌ها دزدیده، آزاد و حتی کشته شدند، ویلیام باکلی (که بعد از ۱۸ ماه ناپدید شدن جنازه‌اش که معلوم بود به تازگی با گلوله کشته شده، پیدا شد و این برای آمریکا ضربه سختی بود. آمریکا برای آزادی باکلی دست و پای زیادی زد و آخر هم غیر از جنازه، چیزی گیرش نیامد و مسئولیت این گروگان‌گیری و قتل را همان گروه جهاد اسلامی بر عهده گرفت.) «میشل سورا» و «ویلیام هیگینز» هم هستند. البته باز هم می‌گویم که پدیده گروگان‌گیری قربانیان بسیاری را در لبنان گرفته. حالا می‌گذاری بقیه حرفم را بزنم یا نه؟

– ادامه بدهید لطفاً.

– خلاصه به نظر من این مهم‌ترین دلیل برای شهادت حاج احمد و همقطاران اوست که ۱۷ سال است همه سعی می‌کنند یک‌جوری قضیه را ماست مالی کرده و از ذهن‌ها پاک کنند. اصل ماجرا این است که کسی مسئولیت کشتن آنها را بر عهده نمی‌گیرد. صورت مسئله‌ای وجود ندارد، ما نمی‌دانیم رسماً طرف معامله ماکيست؟ خودت بگو، اگر اینها گروگان هستند، پس چرا اسرائیل این همه سال از آنها استفاده نکرده. اصلاً نگه داشتن اینها برای اسرائیل چه نفعی دارد. اگر نفعی دارد پس چرا صریحاً نمی‌گویند که چه می‌خواهد. حتی در مورد ران آزاد هم اسرائیل به صورت تلویحی صحبت می‌کند و صریحاً نمی‌گویند که موضعش چیست و یا این که مثلاً شما زنده یا مرده ران آزاد را بدهید، تا من هم زنده یا مرده دیپلمات‌های شما را بدهیم. دلیل دیگر من برای شهادت این عزیزان همین اظهارات ضد و نقیض ایلی حبیقه فرمانده واحد نظامی فالانژیست‌ها و رفیقش سمیر جعجع است. از نوع صحبت کردن اینها به راحتی می‌شود فهمید که سربچه‌های ما را زیر آب کرده‌اند و حالا دارند با خالی‌بندی و انداختن مسئولیت به گردن هم، از زیر کاری که کرده‌اند شانه خالی می‌کنند. ضمناً چندین بار به کشتن اینها اعتراف کرده‌اند، هر چند قبلاً هم گفتیم که اینها آدم نیستند، اما دلیل دیگر، این

اواخر کبرا یکی از هم‌پیاله‌های حزب کتائب، کتابی را منتشر کرده و در آن مدعی شده که اسرای ایرانی همراه تعدادی از مسلمانان شیعه لبنانی قتل‌عام شده و در محوطه مرکز نظامی فالانژها دفن شده‌اند. دلیلی برای این که فرض کنیم این مردک نامرد دروغ می‌گوید، نداریم. آقا توی اروپاست و مثل جعجع یا حبیقه که فکر مقام و یا افزایش جرم‌شان هستند، از چیزی ترس و واهمه‌ای ندارد و دلیلی و نفعی از دروغ گفتن نمی‌برد.

- اگر ۴ سال بعد از اسارت زنده بوده‌اند، چه دلیلی داشته که بعد از آن اعدام شوند؟
 - بابا راجع به فالانژها این طوری فکر نکن. اینها تابع هیچ ضابطه و قانونی نیستند. این بی‌شرف‌ها غیر قابل پیش‌بینی‌ترین و گستاخ‌ترین آدم‌ها هستند. این سوال که چرا تا آن موقع آنها را نکشته‌اند و چرا بعد از آن آنها را کشته‌اند، در مورد فالانژها معنی ندارد. به همان دلیلی آنها را کشته‌اند که چهار سال بدون این که کوچک‌ترین خبری از آنها بدهند زنده نگه‌شان داشته‌اند. اینها یک مشت آدم‌درنده هستند که برای ارضای حس درنده‌خویی‌شان، حاضرند پدر و مادر و یا فرزندان خود را قطعه‌قطعه کنند.

- آخر آنها دیپلمات بودند حساب‌شان با بقیه جوان‌های در بازداشت فرق می‌کرد.
 - برای فالانژها اصلاً این حرف‌ها مطرح نیست. اسیر گرفتن حاج‌احمد چه نفعی برای آنها داشت که مثلاً زنده ماندنش داشته‌باشد؟ هر چند به نظر اوهم یا خالی می‌بندد یا ایرانی‌هایی که منظور نظر اوست، کسان دیگری هستند، چون من یقین دارم سمیر جعجع راست می‌گوید و دیپلمات‌ها را همان روزهای اول اعدام کرده‌اند، این از حرف‌های آقای محتشمی هم در مورد پیداشدن ماشین‌های حامل آنها در طرابلس، پیداست. دلیل دیگرم خبری است که در مطبوعات هم به چاپ رسید ولی کسی به آن توجهی نکرد. آقای براند اشمیت‌باور، رئیس اداره اطلاعات آلمان که واسطه تبادل اسرا و اجساد حزب‌الله با اسرائیل بود، در یکی از آخرین تبادله‌ها وقتی از اودرباره تبادل اسرای ایرانی پرسیدند، گفت: «ما حاضریم نقشه دقیق محل دفن آنها را به ایران تحویل دهیم.» این خبر کم‌اهمیتی نیست و به نظر من اعتبار بسیاری دارد. این که آن را جدی گرفته‌اند یانه، دیگر به من مربوط نیست. یکبار هم وقتی در مراسمی در ستاد لشکر ۲۷ شرکت داشتیم، برادر رحیم صفوی، فرمانده کل سپاه، قبل از شروع سخنرانی گفتند: «برای شادی روح شهدای این لشکر، بخصوص شهید حاج‌احمد متوسلیان فاتحه‌ای ختم کنید.» خب، مسلم است که حاج‌رحیم از سرنوشت آنها بیشتر اطلاع دارد. ضمناً خود من از محسن رفیق‌دوست که در آن ایام، مسئول لجستیک سپاه و مدت‌ها هم وزیر سپاه بود،

شنیدم که گفت: «این عزیزان شهید شده‌اند.» آقای رفیق دوست مدت‌ها به صورت مستقیم قضیه‌گروگان‌ها را پی‌گیری می‌کرد و به نظر من از مطلع‌ترین افراد در این زمینه است. همین مصاحبه آقای اختری را که سال‌ها سفیر ایران در سوریه بود، مگر در فکته نخواندی؟ او صریحاً گفته حاج احمد شهید شده. سید حسن نصرالله هم در جواب کسی که از او سوال کرده بود که خبری از این‌ها دارید، گفت که «هیچ». آقای محتشمی هم در همان سال‌ها مصاحبه‌ای کرد و گفت که ماشین حامل بچه‌ها را فردای روز اسارت‌شان، در حالی پیدا کرده‌اند که در آن آثار خون و گلوله وجود داشته. دیگر چه حرفی برای گفتن می‌ماند؟

- ولی این او‌اخر احمد حبیب‌الله اعلام کرده که دیپلمات‌های ایرانی زنده‌اند و...
- مگه این احمد حبیب‌الله کیه؟ رئیس کمیته دفاع از زندانیان در شهر ناصره، این همه سال کجا بوده؟ معلوم نیست آدم و عامل کیه. تازه این آقا نگفته دیپلمات‌ها زنده‌اند، گفته چند نفر ایرانی در زندان عتلیت محبوس هستند. ظاهراً سه نفر. مگه به تونگفتم که فقط این چهار نفر ایرانی اسیر دست اسرائیلی‌ها نیستند. وزارت خارجه در یکی از بیانیه‌های خودش که آن اوائل داده بود، اعلام کرده که سه نفر دیگر هم در آن روز به اسارت گرفته شده‌اند. یک نفر دیگر هم که خودم خبر دارم که اسیر دست اسرائیل است. پس این دلیلی مطمئن برای زنده بودن بخصوص حاج احمد نیست. بگذار بگویم که این وسط فقط احتمال زنده بودن یک نفر بسیار قوی است، آن هم سید محسن موسوی است. هر چند بنده به این مطلب هم کاملاً یقین ندارم، ولی علائمی که مهم‌ترین آنها رسیدن پیغامی به خط خود آن عزیز به دست همسرش می‌باشد را نمی‌توان انکار کرد. فقط همین، بقیه‌اش همه حرف است و فرضیه. مستدل نیست. اگر مثلاً موسوی یا رستگار مقدم توانسته‌اند خبری از خود برسانند، چرا تا به حال هیچ‌اثر و نشانه‌ای از حاج احمد و اخوان نشده؟

- حسابی ناامیدمان کردی...

- آن‌طور که پیدا است، حضرات وقتی مطمئن شدند که آنها زنده نیستند دیگر بی‌خیال قضیه شده‌اند.

- کجا بی‌خیال شده‌اند؟ چرا بی‌انصافی می‌کنی؟

- ببخشید، بی‌خیال نشده‌اند، دارند خودشان را برای گروگان‌ها هلاک می‌کنند طفلکی‌ها! من نمی‌فهمم تو چرا این قدر خل بازی در می‌آوری فرشاد؟ آن موقع که وقتش بود، فریاد کسی به جایی نرسید. آه دل سوخته مادران اینها به جایی نرسید، حالا که همه در حال پایه‌ریزی جامعه مدنی هستند و کسی

به کسی نیست، کی به فکر این چهار نفر است. نکند می‌خواهی بگویی بنیاد عاشورا یا دوّم خردادی‌ها؟ تازه افرادی مثل حاج‌احمد متوسلیان اصلاً برای شهروندی جامعه مدنی مناسب هم نیستند.

- تورو خدا سیاسی‌اش نکن.

- راست گفتی، ببخشید.

- حرف دیگه‌ای نداری؟

- چرا؟ اول این که خیالت راحت باشد که حاج‌احمد متوسلیان حتماً شهید شده، هر کدامشان هم زنده باشند، حاج‌احمد زنده نیست. خود حاج‌احمد گفته که باخدای خودم عهد کرده‌ام که به دست اسرائیلی‌ها و درنبرد با آنها کشته بشوم. من حرف حاجی را بگذارم و به حرف وقصه‌های این و آن گوش کنم؟ اصلاً تو باورت می‌شود که بشود حاج‌احمد را ۱۷ سال توی چهار دیواری حبس کرد؟ حاجی دیگر بر نمی‌گردد. این وعده را خودش داده و ردخور هم ندارد، مگر در رکاب امام‌زمان (عج) ان‌شالله. دوم این که هیچ کس در این مملکت منتظر این چهار نفر نیست مگر خانواده‌های این عزیزان. همه حاج‌احمد اسیر را دوست دارند و سرنوشت اسرار آمیز او را بیشتر می‌پسندند. این همه می‌گوییم که حاج‌احمد فلان بوده، چه‌ها کرده و چه فتوحاتی کرده و فلان و بهمان، اما طی این سال‌ها صد نفر آدم پیدانشدند که بریزند تو خیابان‌ها و شعار بدهند و آزادی اینها را بخواهند یا حداقل جنازه‌هایشان را. یادت باشد که حاج‌احمد اگر بیاید، کار خیلی‌ها زار است. خیلی از اینها که سنگ او را به سینه می‌زنند، وقتی او در میان ما بود، خون به دلش می‌کردند. خیلی از اینها «چک» خورده حاجی‌اند. حاجی اگر بیاید و جانی داشته باشد و بگذارند که حرفی بزنند، دندان‌های زیادی را خواهد شکست. برای همین است که می‌گوییم حاج‌احمد شهروند جامعه مدنی نیست. این روزنامه‌ای که حاجی را با عنوان احمد متوسلیان، کارمند سفارت معرفی می‌کند، از قبل غیبت امثال حاج‌احمد است که ترک تازی می‌کند و حاج‌احمد اگر بود که دیگر «نشاط»ی برای اینها باقی نمی‌ماند. این کارمند سفارت آدم خطرناکی است آقای شمس‌الواعظین! من او را به خوبی می‌شناسم. او شهروند ایرانی نبوده، سردار مسلمان علوی بوده و هست. حاجی سردار بسیج جهانی مسلمین است. شهروندی «ایران» ارزانی خودت باشد.

- سیاسی‌اش نکن.

- تو هم فرشاد، دیگه داری کفر مرا بالا می‌آوری! ضمناً فکر می‌کنی اگر حاج‌احمد زنده برگردد چه می‌شود؟ فرمانده سپاه فلان و بهمان، فرمانده لشکر فلان و بهمان. یا مثلاً فرمانده کل سپاه. مگر

نمی بینی چه معامله ای دارند با این بچه ها می کنند؟ دلت می آید حاج احمد برگردد و این کارها را با او هم بکنند؟ یک پدر سوخته ای او را با «پل پوت» و صدام مقایسه کند، یا نانجیبی به او بگوید که شهادت طلبی تو منطق کور است و آخر هم در غربت و مظلومیت منزوی شود؟ حیف نیست...

- مثل این که دیگه حرفی برای گفتن نداری؟

- حرفی که به درد تو بخورد ندارم.

- ولی من هنوز یک سوال دارم. حاج احمد چرا به بیروت رفت؟

- اگر از من می شنوی که می گویم دلش را خود حاجی می داند و بس. هر چه امروز می گویند و می نویسند، چرت است. آن روزها بیروت در محاصره بود و داخل شهر هم کاملاً امن. هیچکی به هیچکی نبود. رفتن حاجی هم به شهر هیچ نتیجه ای نداشته، این حرفها که برای کمک رفته، یا برای رسیدگی به امور فلان و بهمان، همه بی اساس است. این بیشتر به روحیه خود حاجی برمی گردد. اصرار و پافشاری او برای رفتن به همراه سید محسن به داخل شهر، از آن کارهاست که دلش را فقط خود حاجی می داند و بس. بیشتر از این چیزی نمی گویم.

- مسئولیت این حرفها با توست، بخواهی یا نخواهی.

- اول این که یادت باشد قول داده ای اگر اینها را چاپاندی، بدون هیچ گونه مقدمه، اشاره یا شرح و تفصیل باشد. دوم این که ؛ من که حرفی نزدم، کدام حرفها؟ تکذیب می کنم آقا جان...

هفته نامه جبهه

ضمیمه ۲۳

۱۳۷۸/۱۲/۱۱

ماندنت به رنگ سبز، رفتنت به رنگ خون

اولین یادواره دانشجوی جاوید الاثر احمد متوسلیان دانشجوی دانشکده برق دانشگاه علم و صنعت ایران، با حضور قشر کثیری از دانشجویان، همزمان و خانواده این بزرگوار، روز دوشنبه در محل این دانشگاه برگزار شد. این مراسم نورانی و معنوی، با سرودن قطعاتی در وصف رشادتها و ایثارگری های عزیزان دلاور هشت سال دفاع مقدس آغاز گردید. در این مراسم، ابتدا آقای «سید جواد اظهري» ریاست دانشگاه علم و صنعت ایران، به ایراد سخن پرداخت و پیرامون حضور دانشجویان این نهاد

علمی- فرهنگی در عرصه هشت سال دفاع مقدس و نخبه شدن چهره‌های ماندگار سخن گفت. در ادامه، بیانیه ستادکنگره بزرگداشت شهدا، اسرا و مفقودین دانشجوی دانشگاه علم و صنعت ایران به دوزبان انگلیسی و فارسی، توسط دونفر از دانشجویان خطاب به دبیرکل یونسکو آقای «کویی شیروماتسورا» خوانده شد که در قسمتی از آن آورده شده است: «ما دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایران، در هجدهمین سال رویداد اسفبار و غم‌انگیز ربوده شدن آقای احمد متوسلیان، دانشجوی رشته برق این دانشگاه، انتظار خود را از جناب عالی در جهت تلاش برای آزادسازی وی و همراهانش ابراز می‌داریم.» آن‌گاه این بیانیه جهت سیر مراحل اجرایی، به دکتر «علی‌اکبر جلالی» عضو منتخب یونسکو در ایران، سپرده شد.

سخنران بعدی این مراسم، خانم دکتر متوسلیان، خواهر جاوید الاثر حاج احمد متوسلیان، به شرح بیوگرافی و اقدامات به عمل آمده در جهت مشخص شدن وضعیت این چهار بزرگوار پرداخت. سپس مهندس سعید قاسمی از هم‌زمان حاج احمد، به شرح خاطراتی از دوران حضور متوسلیان در جبهه‌های غرب و جنوب پرداخت و از حاج احمد متوسلیان به عنوان پاسدار رشید دو جبهه جنگ یاد کرد. در پایان، قطعنامه کنگره شهدهای دانشگاه علم و صنعت ایران، در پنج‌بند خوانده شد و حاضران با تکبیرهای خود، به تایید این قطعنامه پرداختند که بند پایانی این قطعنامه به این شرح است: «ما دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایران، به تمام مردم آزاده جهان اعلام می‌نماییم که تا تعیین تکلیف و روشن شدن وضعیت آقای احمد متوسلیان و همراهانش و آزادی آنان از چنگال رژیم صهیونیستی، سکوت اختیار نکرده، اقدامات و پی‌گیری‌های خود را در ابعاد جهانی ادامه خواهیم داد.»

همچنین در اولین یادواره دانشجوی جاوید الاثر، پرده برداری از بنای حاج احمد متوسلیان در محوطه باز دانشگاه توسط پدر این فرمانده بزرگوار، آقای «غلامحسین متوسلیان»، انجام پذیرفت و حاضران با شعارهای خود، به اقدامات غیرانسانی رژیم صهیونیستی معترض و خواهان اقدامات اساسی از سوی مسئولان کشور و سازمان‌های بین‌المللی شدند.

جوان

ضمیمه ۲۴

تیر ۱۳۷۹

حاجزیرباره

دمشق - حرم حضرت زینب(س) - خرداد ۱۳۶۱

سید محسن موسوی که به استقبال نیروهای ایرانی آمده، با نیروهای بسیجی دست می‌دهد و روی آنان رامی‌بوسد. صحن حرم مملو است از مردمی که به استقبال رزمندگان ایرانی آمده‌اند، موسوی و حاج احمد، داخل حرم، کناری ایستاده‌اند و صحبت می‌کنند. موسوی از آخرین وضعیت تهاجم نیروهای اسرائیل به لبنان می‌گوید. اخوان، آن سوتر مشغول عکاسی است و تقی، سر بر ضریح گذاشته و می‌گرید.

جنوب بیروت - خرداد ۱۳۶۱ - ژوئن ۱۹۸۲ م

گلوله‌های آتشزای تانک، سینه بلند ساختمان‌ها را می‌درد. در کوچه و خیابان، تک و توک جنبنده‌ای به چشم می‌خورد. جسدی در کنار جوی آب افتاده است. سگ‌ها، به دنبال آن از هم سبقت می‌گیرند. کماندوهای اسرائیلی، زودتر به جنازه می‌رسند. در یک چشم‌برهم‌زدن، لباس‌های جنازه که پیرمردی سالخورده است و سر در بدن ندارد، پاره پاره می‌شود. هر آنچه دارد به یغما می‌رود. سرباز اسرائیلی، تسبیح را که از جیب او درمی‌آورد، تعجب می‌کند. تسبیح را با خنده دور می‌چسباند و اندازد، وحشیانه قهقهه می‌زند و اسلحه «ام ۱۶» خود را به طرف جنازه نشانه می‌رود. ناگهان از آن سوتر، صدای گریه بچه‌ای به گوش می‌رسد. سرباز اسرائیلی به آن طرف نگاه می‌کند. از کنار جنازه زنی جوان، دختر کوچکی که شیشه خاک‌گرفته شیر در دست دارد، برمی‌خیزد و به طرف سرباز می‌آید. کماندوی صهیونیست می‌خندد و با حرکاتی بچه‌گانه به دخترک اشاره می‌کند که به طرفش بیاید. بچه که گریه‌کنان پناه می‌جوید، خنده سرباز را که می‌بیند به طرفش می‌آید. در یک چشم‌برهم‌زدن، گلوله سرخ، شیشه شیر را در صورت دختر بچه متلاشی می‌کند و دود خون‌رنگی از کله بچه برمی‌خیزد. صدای گریه اش ساکت می‌شود. خون و شیر درهم می‌آمیزند و بر روی خاک نقش می‌بندند. قهقهه کماندوی صهیونیست، در کوچه‌های بیروت می‌پیچد.

دره بقاع، بعلبک - تیر ۱۳۶۱

حاج احمد همراه با سید محسن موسوی سرپرست سفارت ایران در بیروت، تقی رستگار و کاظم اخوان عکاس خبرنگار جمهوری اسلامی، از دیگران جدا حافظی می‌کنند و سوار ماشین بنز سفارت ایران

که نمره دیپلماتیک دارد، می‌شوند. دوجیب نظامی متعلق به الدرک (ژاندرمری) لبنان که افراد مسلح داخل آن نشسته‌اند، در عقب و جلو آنان را اسکورت و حفاظت می‌کنند. خبر می‌رسد که جاده بعلبک به بیروت توسط اسرائیل مسدود شده‌است. ماشین سفارت به همراه اسکورت‌ها، به طرف «اشتوره» و از آنجا به سوریه می‌روند و از آن طرف به شهر «حمص» در شمال سوریه رفته و از آنجا وارد خاک لبنان می‌شوند. ماشین‌ها از جاده طرابلس به طرف بیروت حرکت می‌کنند.

جنوب ایران - خرمشهر - خرداد ۱۳۶۱

شهر در آتش و خون است. حاج احمد متوسلین در حالی که تکیه‌اش را به عصای مچی داده، لنگ‌لنگان، به طرف شهر می‌رود. از هر طرف صدای گلوله می‌آید و خمپاره. فریاد «الله اکبر» برمی‌خیزد. تقی رستگار خندان و نفس‌زنان، به طرف حاجی می‌آید. حاج احمد که او را می‌بیند تعجب می‌کند. صورت تقی خاک‌گرفته و برق‌چشمانش از آن میان پیدا است. به حاجی که می‌رسد، سعی می‌کند خودش را کنترل کند که نمی‌تواند. ردی از اشک بر گونه‌های غبار گرفته‌اش راه می‌گشاید. تقی که می‌خندد، رو به حاجی می‌گوید:

- حاجی، حاجی خرمشهر آزاد شد... آزاد شد...

جنوب لبنان - شهر صیدا - خرداد ۱۳۶۱ - ژوئن ۱۹۸۲ م

مردم، سرگشته و حیران، هر آنچه دم‌دست‌شان می‌آید برمی‌دارند. کودکان، افتان و گریان، به دنبال پدر و مادر می‌دوند. «اف ۱۶» های ساخت آمریکا، که ستاره «داود» اسرائیل بر آنها نقش بسته، در آسمان دود گرفته مانور می‌دهند. آن سوتر، آنجا که روزی اردوگاه آوارگان فلسطینی بوده، انفجاری عظیم رخ می‌دهد و آتش و دود از آن برمی‌خیزد. جیغ و فریاد دخترکان وحشت‌زده، که پای برهنه و با لباس‌های نیم‌سوخته، از اردوگاه به بیرون می‌دوند، در کوچه‌های شهر می‌پیچد.

تهران - فرودگاه مهرآباد - خرداد ۱۳۶۱

عکس امام آویزان بر سینه رزمندگان می‌خندد. چشم‌ها را برقی زیبا گرفته‌است. بر روی پیشانی بندهای سبز نوشته شده «یا قدس اننا قادمون» (ای قدس ما خواهیم آمد) کاظم اخوان که دوربینی به گردن وی آویزان است و ساکی بردوش دارد، حاج احمد را که می‌بیند به طرفش می‌شتابد. او را در آغوش می‌گیرد و می‌بوسد. حاجی دستش را می‌فشارد و می‌گوید:

- خدا خیرت بده، شنیدم توی خرمشهر خوب عکس گرفتی...

تقی رستگار وسط حرف‌شان می‌آید. با کاظم و حاجی دست می‌دهد. رو به حاجی می‌گوید:

- حاجی، بچه‌ها سوار هواپیما شدن، اگر خدا بخواد دو سه ساعت دیگه توی دمشق هستیم.

حاشیه جنوبی بیروت - خرداد ۱۳۶۱ ژوئن ۱۹۸۲ م

تانک‌های اسرائیلی، به طرف شهر هجوم می‌آورند. فولکس سفیدرنگی کنار جاده، زیر شنی تانکی له می‌شود. زن جوان، که فرزند کوچکش را برده تا به او آب بدهد، وحشت زده به طرف ماشین که حالا ورق پاره‌ای ولوشده بر روی شانه‌خاکی جاده‌است، پیش می‌رود. خون از جایی که زمانی در ماشین بوده جاری‌است. زن بر سر زنان، بر روی خاک‌های سرخ می‌افتد. بچه کوچک به طرف ماشین می‌رود، گریه می‌کند و بهانه می‌گیرد.

- بابا... بابا...

وتانک همچنان به طرف بیروت در حرکت است.

بیروت - کاخ ریاست جمهوری بعدا - تیر ۱۳۶۱ - جولای ۱۹۸۲ م

بشیر جمیل رهبر حزب کتائب، با آریل شارون وزیر دفاع رژیم صهیونیستی، در کاخ ریاست جمهوری لبنان «بعدا» بر سر یک میز نشسته‌اند. گیلان‌ها از شراب سرخ پرمی‌شوند. همه خندانند. قهقهه‌ای مثل همان که در کوچه‌های بیروت به گوش می‌رسید، فضای سالن را پر کرده‌است. همه سرمست می‌شوند. تلویزیون تصاویری از جنازه‌های زن و بچه‌ها را نشان می‌دهد. جمیل و شارون، با دیدن صحنه‌های بمباران هوایی شهرهای لبنان، دست‌های‌شان را درهم می‌فشارند و می‌خندند. جمیل رو به شارون می‌گوید:

- جداً تبریک می‌گم، این بهترین راهی بود که از شر مسلمان‌ها و فلسطینی‌ها راحت بشیم. مطمئن باشید این خدمت شما را فراموش نخواهیم کرد...

جاده طرابلس، بیروت - پست بازرسی بر باره ۱۴ تیر ۱۳۶۱

دو چیپ ژاندرمری و بنز سفارت ایران، در مقابل تابلویی که آرم درخت کاج (ارز) روی آن است و زیرش نوشته شده «الکتائب اللبنانیه»، متوقف شده‌اند. مردان مسلح، با قیاقه‌های خشن و نگاه‌های تند، در حالی که از گرما پیراهن خود را درآورده و نوارهای فشنگ و تجهیزات را بر خود آویزان کرده‌اند، اطراف ماشین می‌چرخند. تقی رستگار که پشت فرمان نشسته، چشم در چشم یکی از آنان که آدامس می‌جود، می‌دوزد. مرد فالانژ دست بر قبضه ام ۱۶ خود می‌فشارد و آن را به تقی نشان می‌دهد. اخوان در حالی که دوربین عکاسی را زیر پاهایش پنهان کرده است، رو به حاج احمد می‌گوید:

- کاشکی می‌شد یک عکس از شون می‌گرفتم. درست مثل جنایتکاران جنگی آمریکا توی ویتنام شدن.

حاج احمد می خندد و می گوید:

- تو فکر عکس گرفتن از این وحشی هاهستی، من فکر اینم که الان رفقای همین ها توی بیروت، چی برسر مردم میارن.

موسوی نگاهش به فرمانده پست بازرسی است که با بی سیم صحبت می کند و نگاه تندی به آنها می اندازد. برمی گردد رو به حاج احمد و می گوید:

- فکر کنم اوضاع خراب باشه. این جور که پیداست و یک ساعت نگه مان داشته اند، قصد ندارند ولمون کنن...

اخوان به او می گوید:

- خب آقا سید، کارت سفارت رو نشونشون بده و بگو که ما مصونیت سیاسی داریم. همه جای دنیا حتی وسط جنگل های آفریقا هم مصونیت سیاسی سرشون میشه...

موسوی نگاه معنی داری به او می کند و می گوید:

- اونجا جنگل های آفریقا و اینجاییروته و اینها هم سگ های وحشی فالانژیست که برای خوش آمد اسرائیل این همه جنایت در حق هموطنان خودشون رواداشتند. مصونیت سیاسی چه می فهمند چیه، وقتی با مردم خودشون اون طوری وحشیانه برخورد کنن، با ما چی می کنند، الله اعلم.

بیروت - منطقه شیعه نشین ضاحیه - تیر ۱۳۶۱ - جولای ۱۹۸۲ م

انفجاری عظیم، تکه های بدن اجساد را به اطراف پرت می کند. صدای جیغ و داد به گوش می رسد. هوا پیمای های اسرائیلی که مأموریت بمباران را به اتمام رسانده اند، در آسمان اوج می گیرند. در دوردست، در بیروت غربی، اجسامی کوچک، در آسمان چرخ می خورند. به زمین که می افتند، همه جا را آتش و انفجار فرامی گیرد و زمین می لرزد.

شارون، بشیر جمیل را در آغوش می گیرد و در حالی که سوار بر هلی کوپتر نظامی اسرائیلی می شود، از پشت شیشه، دو انگشت خود را به علامت پیروزی به او نشان می دهد و پس از آن، هر دو دستش را به عنوان اتحاد، بالای سر خود درهم می فشارد و می خندد. بشیر جمیل سوار بر بنزمشکی خود، همراه با گارد حفاظت که بر روی ماشین های شان پرچم کتائب به چشم می خورد، در کنار دریای مدیترانه، از دروازه ای بزرگ که کماندوهای تفنگدار اطراف آن را گرفته اند، وارد می شود. پرچم آمریکا بر فراز ساختمان سفارت در بخش غربی بیروت دست خوش باد، شادمانه می رقصد.

جاده طرابلس به طرف شمال - ۱۴ تیر ۱۳۶۱

دوجیب نظامی گروه حفاظت ژاندارمری لبنان در حال برگشت هستند. در دوردست، بنز سفارت ایران دیده می شود. درهای ماشین باز است ولی کسی در آن به چشم نمی خورد. آن سوتر، چند نیروی فالانژ، زن جوانی را که همراه بابچه اش می خواهد از بیروت خارج شود، بازور به داخل مقر خود می کشانند. زن جیغ می زند و از دیگر نیروهای فالانژ که اطرافش ایستاده اند استمداد می طلبد. آنها برایش دست تکان می دهند و به فریادهای او می خندند. لگدی بر بازوی زن می خورد و کودک نقش بر زمین می شود. صدای جیغی در شمال بیروت منطقه تحت سلطه فالانژیست ها، می پیچد.

کارت دیپلماتیک سفارت ایران که عکس موسوی روی آن نقش بسته، بر روی زمین افتاده است. فالانژی آن را برمی داد، در جیب خود می گذارد و سیگارش را دود می کند. لاستیک های ماشین پنجره و بدنه اش از گلوله سوراخ شده است. هیچ چیز از وسایل و خودسرنشینان به چشم نمی خورد. مزدور فالانژ، با قهقهه ای کریه، رگباری روی ماشین می بندد.

حمید داودآبادی

ماهنامه فکه

ضمیمه ۲۵

۱۳۷۹/۴/۱۴

یادی از چهار دیپلمات اسیر ایرانی

۲۹ سال پیش از تجاوز نظامی رژیم غاصب اسرائیل به لبنان و محاصره بیروت توسط سربازان اسرائیلی، در ۱۵ فروردین ماه سال ۱۳۳۲ یعنی ۱۳۷ روز پیش از کودتای ننگین ۲۸ مرداد، در خانه حاج غلامحسین قناد، مردی از اهالی یزد که مدتی بود در تهران سکونت داشت، پسری متولد شد که در همین روز به نام احمد در گوش هایش اذان خواندند. خود احمد سال ها بعد، در مصاحبه ای برای معرفی خود می گوید: «دروس ابتدایی را در مدرسه اسلامی مصطفوی و دوره دبیرستان را در مدرسه اخباریون گذراندم و بعد از آن هم به سربازی رفتم، در خدمت سربازی درجه دار وظیفه بودم...» احمد ده ساله بود که واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ حادث شد و او با لطافت کودکانه، شاهد کشتاری بود که رژیم پهلوی در تهران به راه انداخت و ۱۹ ساله بود که به خدمت سربازی رفت و با درجه گروهبان دومی و رسته سازمانی فرمانده تانک، ایام خدمت سربازی خود را در شهر مرزی سرپل ذهاب

گذراند. پس از پایان خدمت سربازی، احمد به عنوان کارگرفنی برق عازم شهرستان خرم‌آباد شده و ظاهراً به کار مشغول می‌شود. پنج‌ماه بعد نامه‌ای از شهربانی استان لرستان به ساواک این استان نوشته شد که حاوی گزارشی اجمالی از وضعیت احمد متوسلیان بود:

از: شهربانی استان لرستان (اطلاعات)

به: ریاست سازمان اطلاعات و امنیت لرستان

در مورد احمد متوسلیان فرزند غلامحسین

ساعت -۲۰/ روز ۵۷/۶/۱۵ اطلاع رسید که شخصی در خیابان پهلوی، چهارراه بانک، مغازه فتوکپی کیومرث مشغول تکثیر اعلامیه مضره می‌باشد که بلافاصله به وسیله مأمورین مربوط دستگیر گردید، علیهذا ضمن ارسال ۹ برگ پرونده متشکله، نامبرده بالا اعزام و معرفی می‌گردد، ضمناً تعداد ۹۴ برگ اعلامیه و دو عدد کتاب مضره و تعداد ۵۶ عدد نوار قابل بررسی از منزل وی کشف و ارسال می‌گردد.

رئیس شهربانی استان لرستان سرهنگ فضائل احمدی

احمد پس از تحمل ۳ ماه شکنجه و زندان در قلعه فلک‌الافلاک - که آثار آن را تا آخر عمر بر جسم خود به همراه داشت - و چند جلسه محاکمه، با اوج‌گیری انقلاب اسلامی، اوایل زمستان ۵۷ به همراه عده‌ای دیگر از زندانیان سیاسی آزاد شد و به مردم انقلابی تهران پیوست و در روزهای ۱۲ تا ۲۲ بهمن در تمامی صحنه‌ها به شکل مسلحانه به انقلاب اسلامی پیوست و پس از تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به عضویت این نهاد انقلابی درآمد. خودوی در این باره می‌گوید: «با به نتیجه رسیدن انقلاب و پاگرفتن سپاه، در دوره سوم وارد سپاه شدم. آموزشی را در سعدآباد گذراندم. اولین مأموریتی که به ما دادند تقریباً یک‌ماه بعد بود که وارد کردستان شدیم و در جریانات بانه، سقر، بوکان، مهاباد، پاره مریوان و جوانرود و روانسر بودیم، آخرین مرحله‌ای که طی شد مریوان بود.»

فقط چندروز پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود که گروهک‌های کمونیستی دموکرات و کومه‌له، در کردستان آواز خودمختاری و تجزیه طلبی سردادند و پاسداران انقلاب برای حفاظت از انقلاب نوپا و تمامیت ارضی سرزمین خود، عازم مناطق کردنشین کشور شدند. احمد نیز به عنوان یکی از اعضای گردان دو پادگان ولی عصر، راهی کردستان شد. حضور سه ساله او در کردستان، آکنده از خاطرات و نکات شنیدنی است. طی این ایام او فرماندهی سپاه بانه، فرماندهی عملیات سپاه پاره و فرماندهی سپاه مریوان را برعهده داشت. او طی مصاحبه‌ای که در آخرین روزهای حضورش در مریوان انجام داده،

می گوید: «احمد متوسلیان هستم. دانشجوی سال دوم دانشگاه علم و صنعت و مسئول سپاه مریوان و در حدود دو سال و هشت ماه است که در منطقه کردستان و یک سال و نیم از این مدت را در مریوان می باشم. پیش از بسیج حضرت امام - در تاریخ ۵۸/۵/۲۸ - در مهاباد مستقر بودیم.

نقش احمد در پاک سازی مناطق وسیعی از کردستان از لوٹ وجود ضد انقلاب و آزاد سازی و برقراری امنیت در شهرستان استراتژیک مریوان، غیر قابل انکار و بنا بر شهادت سردار «محمد بروجردی» فرمانده وقت سپاه غرب کشور، منحصر به فرد است. در همین ایام بود که بنی صدر از فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری برکنار شد و سپاه و فرماندهی مردمی فرصتی یافتند تا فارغ از کار شکنی ها و اخلال بنی صدر در امور جنگ، به مقابله با متجاوزین یعنی که بیش از یک سال و نیم در خاک میهن اسلامی اردو زده بودند، پردازند. با رسیدن آوازه فتوحات و پیروزی های پی در پی نیروهای کل سپاه که در پی تشکیل یگان های رزمی کارآمد برای حضور در جبهه های جنوب بود، پیشنهاد تشکیل یک تیپ مستقل متشکل از پاسداران و بسیجیان تحت فرمان سپاه مریوان را به او داد. این تیپ که به میمنت همزمانی تشکیلش با مبعث حضرت رسول اکرم، تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) نام گذاری شد، اولین عملیات خود را در غرب کشور با عنوان «محمد رسول الله (ص)» و با رمز مقدس «لا اله الا الله محمد رسول الله (ص)» به انجام رساند و طی آن، مقر فرماندهی تیپ ۱۱۶ عراق منهدم شد و شهرهای «بیاره» و «طویله» در معرض سقوط قرار گرفت. پس از انجام عملیات، احمد به همراه کادر اصلی تیپ تازه تأسیس خود، عازم جنوب کشور شد و پس از تحویل گرفتن پادگان موسوم به دوکوهه در شهر اندیمشک، سازمان دهی تیپ محمد رسول الله (ص) را در این پادگان آغاز کرد. این پادگان در تمام سال های جنگ آمادگاه اصلی لشکر محمد رسول الله بود و در اواسط دهه ۶۰ به نام پادگان سردار حاج احمد متوسلیان نام گذاری شد.

حاج احمد در دومین عملیات یگان رزمی خود، با طراحی یک عملیات نفوذ در خاک عراق و به غنیمت گرفتن ۱۶۵ قبضه توپ ۱۸۲، ۱۳۰ و ۱۵۲ میلی متری از ارتش یعنی، آن هم درست در شب شروع عملیات، یک بار دیگر نام خود و تیپ محمد رسول الله را پر آوازه کرد. قابل ذکر است که به دلیل موفقیت طرح او در این عملیات، در تمام طول نبرد، ارتش عراق کاملاً از آتش توپخانه محروم بود و همین قبضه های به دست آمده در این عملیات بود که آتش توپخانه سپاه را در عملیات الی بیت المقدس تأمین کرد و در حقیقت نطفه تشکیل یگان توپخانه نیروی زمینی سپاه در این عملیات و باتوپ های به غنیمت گرفته شده توسط گردان حبیب بن مظاهر از تیپ ۲۷ محمد رسول الله بسته شد.

آخرین عملیات احمد در طول دفاع مقدس، «الی بیت المقدس» بود. این عملیات که برای آزادسازی خرمشهر طراحی شده بود، به جهت همزمان شدن با کشتار فلسطینیان توسط رژیم صهیونیستی در مسجد الاقصی و به جهت اعلام حمایت و پشتیبانی از آن مردم مظلوم، چنین نامی را به خود گرفت. او در این عملیات فرماندهی تیپ محمد رسول الله را برعهده گرفت و به جرأت می توان گفت اگر عملکرد یگان تحت امر او در مرحله اول عملیات الی بیت المقدس، بخصوص مقاومت جانانه گردان سلمان به فرماندهی شهید «حسین قجه‌ای» در برابر پاتک تیپ ۱۰ از رهی عراق نبود، نه تنها عملیات با شکستی سخت مواجه می شد، بلکه دشمن فرصت آن را می یافت که به دلیل شرایط خاص حاکم بر صحنه نبرد، تا دروازه های اهواز پیشروی کند. از همین روست که از حاج احمد متوسلیان به عنوان فاتح راستین خرمشهر یاد می شود.

درست ۱۲ روز پس از فراغت احمد از آزادسازی خرمشهر، تهاجم وحشیانه ارتش اسرائیل به جنوب لبنان آغاز شد. کماندوهای اسرائیلی در عرض یک هفته خود را به بیروت رسانده و این شهر را به محاصره خود درآوردند. جمهوری اسلامی ایران که اشغال لبنان را پاسخی به عملیات الی بیت المقدس و آزادی خرمشهر می دید که طی آن تمامی معادلات منطقه ای درهم ریخته بود، تصمیم به پشتیبانی از دولت لبنان در این نبرد نابرابر گرفت و با تأیید حضرت امام (ره)، در دومین روز حمله اسرائیل، که آن را عملیات «صلح برای الجلیل» نام گذاری کرده بودند، هیئت عالی رتبه نظامی ایران وارد سوریه شد که احمد متوسلیان به عنوان یکی از مجرب ترین فرماندهان و کارشناسان نظامی در آن هیئت حضور داشت. با هماهنگی های انجام شده، احمد به تهران بازگشت و طی چند روز، با فراخوان همزمان خود در پادگان امام حسین (ع)، حرکت به سوی لبنان را اعلام کرد و در ابتدای امر، به همراه پانصد نفر از داوطلبین لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)، عازم سوریه شد و آنان را تحت عنوان قوای محمد رسول الله، در پادگان «زبدانی» واقع در نزدیکی مرز لبنان مستقر کرد. باتصمیم جمهوری اسلامی مبنی بر ورود به خاک عراق، قسمت اعظم قوای ایرانی مستقر در سوریه که به دلیل برخی مسائل جاری میان مسئولان سوری، هنوز موفق به رویارویی مستقیم با رژیم اشغالگر قدس نشده بودند، باید به ایران بازمی گشتند تا در عملیات بزرگ آتی که «رمضان» نام داشت شرکت کنند. با اخذ این تصمیم، مقرر شد که حاج محمد ابراهیم همت فرماندهی گروه باقی مانده در سوریه را برعهده بگیرد و حاج احمد به همراه دیگر اعضای لشکر تحت امر خود به ایران و جبهه های جنوب عزیمت کند. این امر همزمان با ورود ارتش اسرائیل به بیروت و کشتار مسلمانان بی دفاع آن با همراهی

حزب فلالانژیست کتائب بود. احمد که قصد داشت پیش از بازگشت، برای مشاهده خطوط اسرائیل در بیروت و تهیه گزارشی از وضع موجود آن، سفری به این شهر داشته باشد، تصمیم خود را با سفیر ایران در سوریه حجت الاسلام محتشمی پور در میان می گذارد و علیرغم مخالفت او با این عمل، با اصرار فراوان آماده حرکت به سمت بیروت می شود. این درست در زمانی بود که توپ های اسرائیلی کاخ «الیاس سرکیس» رئیس جمهوری لبنان را هدف قرار داده بودند و سفارت کشورهای دیگر از جمله ایران هم، با آتشبار توپخانه اسرائیل صدمات بسیاری دیده و بیروت میان نیروهای فلالانژیست کتائب و اسرائیلی، تقسیم شده بود. سید محسن موسوی کاردار سفارت ایران در لبنان، زمانی که از تصمیم احمد برای عزیمت به بیروت مطلع می شود، با او همراه می شود تا خود را به سفارت ایران برساند و فکری برای کنترل آن در میانه خون و آتش بیروت بنماید. کاظم اخوان، خبرنگار و عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی، که مدتی در اوایل جنگ، فرماندهی عملیات ستاد جنگ های نامنظم دکتر چمران را نیز داشت و برای تهیه خبر و عکس چند روزی بود که وارد سوریه شده بود، نیز با اصرار برای ورود به بیروت، به این جمع پیوست و با اضافه شدن پاسدار تقی رستگار مقدم به عنوان راننده، که از اعضای موتوری لشکر محمد رسول الله و مورد اطمینان احمد متوسلیان بود، این گروه چهار نفره آماده حرکت به سمت بیروت گردید. قرار شد این هیئت دیپلماتیک با اسکورت پلیس لبنان -الدرك- خود را به بیروت غربی و سفارت ایران برسانند. به دلیل مسدود بودن راه اصلی بعلبک به بیروت، هیئت باید از جاده طرابلس و از سمت شمال لبنان و منطقه جونیه وارد شهر می شد. این مناطق در اشغال فلالانژیست های مارونی حزب کتائب بود. علیرغم همه مشکلات، هیئت چهار نفره ایرانی، ظهر روز چهاردهم تیرماه سال ۶۱ پس از تعویض لباس در خانه حجت الاسلام سید عباس موسوی واقع در بعلبک، سفر بی بازگشت خود را آغاز می کنند. با گذشت ۲۴ ساعت از حرکت آنان، از سفارت ایران در بیروت خبر می رسد که هنوز هیئت به سفارت نرسیده است و سرانجام پلیس لبنانی همراه هیئت، بازگشت و خیرداد که در پیست بازرسی فلالانژیست ها واقع در منطقه برباره، هیئت را متوقف نموده و بازداشت کرده اند. سه روز بعد سفارت جمهوری اسلامی در بیروت با صدور بیانیه ای اعلام کرد که مشاور اول سفارت ایران در بیروت و سه تن از کارمندان سفارت، توسط نیروهای حزب کتائب ربوده شده اند. فردای آن روز، اتومبیل پلاک سیاسی حامل هیئت ایرانی، در یکی از محله های طرابلس که تحت نفوذ حزب بعث عراق به رهبری «عبدالمجید رافعی» بود، پیدا و لکه های خون روی صندلی های ماشین دیده می شد و پس از آن تا به امروز، کوچک ترین خبر موثقی که

حاوی اطلاعاتی از سرنوشت این افراد باشد، به دست نیامده است. خبر این آدم‌ربایی، طی روزهای ۱۶، ۱۷ و ۱۹ تیرماه از طریق جراید کثیرالانتشار به صورتی مبهم منتشر شد. در تاریخ ۲۷ تیرماه همان سال، دکتر ولایتی طی نامه‌ای به شفیق وزان نخست‌وزیر لبنان، تأکید کرد که دولت لبنان در زمینه ربوده شدن دیپلمات‌های ایرانی مسئولیت دارد و باید اقدامات جدی را برای آزاد کردن آنها به عمل آورد. همچنین افرادی چون نبیه بری و هاشم حسن رهبران جنبش امل، نیز اعلام کردند که برای آزادی گروگان‌های ایرانی تلاش خواهند کرد و آخرین خبری که در سال ۶۱ پیرامون دیپلمات‌های ایرانی به چاپ رسید، انتشار اطلاعیه مشترک نمایندگان مطبوعات و آژانس‌های خبری خارجی در تهران با عنوان «عکاس ایرانی را آزاد کنید» بود. این اطلاعیه که ۱۴ آژانس خبری از کشورهای کانادا، ژاپن، آمریکا، فرانسه، ایتالیا، انگلستان و لیبی آن را امضا کرده بودند، خواستار آزادی خبرنگار و عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی کاظم اخوان شده بود.

۵ سال بعد، حجت‌الاسلام محتشمی‌پور سفیر سابق ایران در سوریه، طی مصاحبه‌ای مفصل با کیهان‌سال، برای اولین بار رسماً نام احمد متوسلیان را به عنوان یکی از گروگان‌ها فاش کرد و تمامی قضایای ورود نیروهای ایرانی به سوریه و حرکت هیئت دیپلماتیک به بیروت را به تفصیل شرح داد. اخبار گوناگون اما غیرموثقی در طول یک دهه پس از این آدم‌ربایی مبنی بر زنده بودن ایرانیان ربوده شده منتشر شد که هیچ‌کدام به تأیید نرسید. اخباری نیز حاکی از تحویل آنان به رژیم اشغالگر قدس شنیده شد، اما اسرائیل تا سال ۹۹ که رسماً اعلام کرد ایرانیان ربوده شده در زندان‌های این رژیم نیستند - تلویحاً اطلاع از سرنوشت آنان را موقوف به کسب خبری درباره ران آردمی نمود. در ۲۸ ژوئن سال ۹۶ براند اشمیت‌باور رئیس اداره اطلاعات آلمان، در مصاحبه‌ای با رادیو فرانسه مدعی شد که نقشه‌هایی از محل دفن گروگان‌های ایرانی دارد و می‌تواند آنها را در اختیار دولت ایران قرار دهد. همچنین در ۱۳ بهمن ماه سال ۷۶ منابع امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطینی اعلام کردند که دیپلمات‌های ایرانی در سال ۹۲ پس از گذراندن سه سال حبس در زندان صرفند، به زندان نفحه منتقل شده‌اند. در همین سال احمد حبیب‌الله که خود را رئیس انجمن دفاع از زندانیان خارجی در فلسطین اشغالی معرفی می‌نمود، در مصاحبه‌ای گفت: «من از جانب اسرائیلی‌ها تأکید می‌کنم که دیپلمات‌های ایرانی ربوده شده در سال ۸۲ زنده هستند.» وی همچنین اعلام کرد که این افراد احتمالاً در زندان عتلیت به سر می‌برند. در همین ایام خبر رسید که یکی از فرماندهان نیروهای فالانژیست لبنان که در اروپا اقامت دارد، خاطرات خود را منتشر ساخته و مدعی شده است که دیپلمات‌های ایرانی به همراه جمعی از چریک‌های فلسطینی

ضمیمه ها □ ۳۹۵

به دست نیروهای تحت امر او، در لبنان اعدام شده‌اند. با این حال، ایلی حبیقه فرمانده شبه نظامیان حزب کتائب و سمیر جعجع فرمانده نظامیان فالانژیست مستقر در شمال بیروت، که دیپلمات‌ها توسط نیروهای تحت امر او ربوده شده بودند، این موضوع را تکذیب کرده و مدعی شده‌اند که آنان را در سال ۸۲ تحویل اسرائیل داده‌اند.

در سال ۷۸ حجت‌الاسلام اختری سفیر سابق ایران در سوریه، طی مصاحبه‌ای با ماهنامه فکه اعلام کرد که گروگان‌های ایرانی یقیناً به شهادت رسیده‌اند. همچنین برخی از فرماندهان سابق سپاه مانند سردار محسن رضایی و محسن رفیق دوست، در گفت‌وگو با نگارنده، بر شهادت آنان تأکید داشتند. خانواده این چهار عزیز هم طی سال‌های ۶۹، ۷۳ و ۷۹ با سفر به لبنان و دیدار با مسئولان لبنانی، خواستار پی‌گیری وضعیت فرزندان خود شدند که تاکنون نتیجه‌ای به دست نیاوردند. وزارت امور خارجه کشورمان هم طی این ۱۸ سال، تنها به صدور بیانیه در سالگرد اسارت دیپلمات‌های ایرانی اکتفا کرده است. امسال وارد نوزدهمین سالگرد اسارت سید محسن موسوی، احمد متوسلیان، تقی رستگار مقدم و کاظم اخوان می‌شویم. هر چند قرائن نشان‌دهنده شهادت این عزیزان است، اما شوق دیدار دوباره فرمانده سرافراز تیپ محمد رسول‌الله (ص) یعنی حاج احمد متوسلیان، اجازه نمی‌دهد که دلایل آشکار و قطعی این امر را باور کرد. به امید روزی که دوباره بوی طراوت حضور حاج احمد آن فاتح بزرگ خرمشهر و یاران همراش به مشام همه آزادگان برسد.

بهار

ضمیمه ۲۶

۱۳۷۹/۵/۱۸

کاظم اخوان، خبرنگار دربند

گفت‌وگو با خانواده کاظم اخوان، خبرنگار ایرانی دربند صهیونیست‌ها

- لطفاً بیوگرافی کوتاهی از زندگی کاظم اخوان برای خوانندگان ما بیان کنید:

- کاظم در سال ۱۳۳۸ در مشهد متولد شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان رساند. از ابتدا به عنوان خبرنگار و عکاس جنگ عازم جبهه شد و در ستاد جنگ‌های نامنظم در کنار شهید چمران، لحظات ایثار رزمندگان را به تصویر کشید. کاظم در ۷۰ عملیات حساس

وخطرناک جنگ حضورداشت، به همین دلیل توانست صحنه‌های بدیعی از گرماگرم نبردحق علیه باطل را ثبت کند.

- چندبار و چه خبرهایی از سرنوشت ایشان به دست شما رسیده است؟

- در مورد وضعیت ایشان و همراهان‌شان خبرهای ضدونقیضی به دست ما رسیده است. در آن زمان خود منابع لبنانی، سمیر جعجع فرمانده نیروهای فالانژ مدعی شده بود که این چهارنفر به دستور ایلی حبیقه کشته شده‌اند، از طرفی ایلی حبیقه هم ادعای سمیر جعجع را تکذیب و اعلام کرد که این چهارتن توسط سمیر جعجع تحویل اسرائیلی‌ها شده‌اند. البته در دیدارهایی که در چند مرحله، خانواده‌های اسرا با سمیر جعجع داشته‌اند، ضمن این که وی دچار تناقض‌گویی شده، هیچ‌گونه مدرکی تاکنون دال بر کشته شدن آنها ارائه نشده است.

- آخرین خبری که از کاظم به دست شما رسیده چه بوده است؟

- در سال ۱۳۷۷ احمد حبیب‌الله، که گذرنامه اسرائیلی دارد و به سرزمین‌های اشغالی رفت و آمد می‌کند، اعلام کرده که اطلاعات موثقی دارد مبنی بر این که این چهار ایرانی ربوده شده در زندان‌های مخفی اسرائیل نگه‌داری می‌شوند.

- به نظر شما آیا علت شخصی برای اسارت اینها وجود دارد؟

- علت شخصی در مورد اسارت اینها وجود ندارد، به علاوه بر طبق ماده ۲۵ کنوانسیون وین، دیپلمات‌ها و همچنین خبرنگاران مصونیت دارند و نباید بدون این که مرتکب جرمی شده باشند، دستگیر شوند. اسرائیل می‌دانسته سرانجام باید روزی از جنوب لبنان عقب‌نشینی کند، لذا این ۴ تن را از فالانژها تحویل گرفته تا در تبادل اسرا، به عنوان برگ برنده استفاده کند و سرنوشت آنان را به سرنوشت ران آراد، گره‌بزند.

- چه پی‌گیری‌هایی از سوی مسئولان ایرانی در رابطه با آزادی‌های آنها انجام شده است؟

- من لازم می‌دانم از طرف خانواده کاظم اخوان، از پی‌گیری‌هایی که در این سه چهار سال اخیر از سوی مسئولین صورت گرفته، تشکر کنم. خصوصاً از شخص رئیس‌جمهوری که اهتمام لازم را نسبت به این قضیه داشته‌اند و در زمینه حمایت از حقوق شهروندان در خارج از کشور، تغییراتی مثبت در وزارت امور خارجه به وجود آمده است، اما هنوز تحول اساسی در این مقوله صورت نگرفته است. امیدواریم که در پرتو یک عزم ملی، شاهد رهایی این عزیزان باشیم. البته ما اقدامات انجام شده را کافی نمی‌دانیم اما نمی‌گوییم که کاری هم نشده است، ولی مؤثر نبوده‌اند.

- شما چه تقاضایی از مسئولان دارید؟

- هرچند که پدر و مادركاظم اخوان، در طی این هیجده سال چشم‌انتظاری فرزندشان، دارفانی را وداع گفتند، اما ما به‌عنوان نزدیک‌ترین افراد به‌کاظم، ضمن‌گلابه از بی‌توجهی مسئولان خبرگزاری جمهوری اسلامی نسبت به‌سرنوشت خبرنگار خود، از مسئولان ذیربط از جمله وزارت امور خارجه، مجلس شورای اسلامی، بخصوص کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی که یکی از نماینده‌های شهر مشهد در آن عضویت دارد، با توجه به پیروزی مقاومت لبنان، از مردم و مسئولان لبنانی، می‌خواهیم حداقل دین خود را نسبت به این عزیزان که در بدترین شرایط که حتی سفارتخانه‌ها محل خود را تخلیه می‌کردند، جهت کمک و حمایت از مردم لبنان عازم آنجا شدند، ادا کنند.

- به نظر شما راهی برای کسب اطلاع از وضعیت اسرای ایرانی وجود دارد؟

- بله باتوجه به این که این‌تن بر اساس اخبار موثق در اسرائیل نگه‌داری می‌شوند، مسئولان ایرانی ولبنانی می‌توانند در قالب یک کمیته مشترک ایرانی-لبنانی این موضوع را پی‌گیری کنند. از طرف دیگر، دولت لبنان باتوجه به این که سمیر جعجع هم‌اکنون در زندان به‌سر می‌برد و ایلی حبیقه یکی از وزرای کابینه دولت لبنان است، رسماً اعلام کند که این چهارتن در لبنان بوده و تحویل اسرائیل شده‌اند.
- و سخن آخر؟

- کاظم اخوان، در جوانی بدون این که همسری اختیار کرده باشد، به لبنان رفت و دیگر بازنگشت. ۱۸ سال از آن روز می‌گذرد و امروز به‌یمن گرامی‌داشت روز خبرنگار، برای اولین بار از سوی روزنامه خراسان به‌سراغ خانواده او آمده‌اند و این را به فال‌نیک می‌گیریم، و امیدواریم دولت به‌یکی از وظایف دستگاه سیاست خارجی خود (که همانا حمایت و دفاع از حقوق شهروندان ایرانی در خارج از کشور است که متأسفانه هنوز از توجهی درخور و شایسته بی‌نصیب مانده) توجه لازم را داشته باشد.

خراسان

۳۹۸ □ کمین جولای ۸۲

ضمیمه ۲۷

شهریور ۱۳۷۹

کاظم اخوان خبرنگار نبود!!

فکه برای اولین بار افشامی کند: کاظم اخوان خبرنگار نبود، محمدحسین نواب هم که دربوسنی شهید شد خبرنگار نبود، مهدی فلاح پور هم که در لبنان بر اثر بمباران هواپیماهای اسرائیلی تکه تکه شد، خبرنگار نبود!!

خبرنگاری که باید از او تجلیل شود، آن کسی است که به انواع جرم‌ها به زندان افتاده باشد. خبرنگار قابل تقدیر، آن است که هر لحظه رنگ عوض می‌کند. خبرنگار آن است که از روی دست خارجی‌ها دیکته می‌نویسد. خبرنگار آن است که از بیگانگان دست خوش دریافت می‌دارد. خبرنگار آن است که در برابر استعمارگران، تا زانو خم می‌شود. خبرنگار آن است که...

القصد، روز هفدهم مردادماه، به مناسبت سالروز شهادت مظلومانه خبرنگار شهید محمود صارمی، از سوی همه جناح‌ها، مراسم مختلفی برگزار شد که جالب‌ترین آن آنجا بود که از خانواده‌های خبرنگارانی که به جرایم مختلف و بخصوص اقدام علیه امنیت کشور و انقلاب اسلامی به زندان افتاده‌اند، تجلیل شد!!

والبته که عجیب نیست در این گونه مجالس، اسمی از کاظم اخوان، فلاح پور و نواب برده نشود. باین حساب، خبرنگار معصوم است. هر کار که کرد، حرمت خبرنگاری‌اش محفوظ است. جاسوس هم که باشد، چون خبرنگار است، برای حضرات قابل احترام و ستایش است. خائن به کشور که جای خود را دارد. حال می‌خواهد در برلین، ارزش‌های انقلاب و بیست و دو سال رشادت و حماسه را به تمسخر بگیرد، یا این که در مطبوعات مرموز داخلی، به زدن تیشه به ریشه‌های اسلام و انقلاب پردازد. با این تعریفی که این روز از خبرنگار ارائه شد، باید با صدای بلند اعلام کرد:

نه اخوان خبرنگار بود، نه نواب، نه فلاح پور، نه حتی صارمی. خبرنگار فقط آن است که رادیو آمریکا و بی.بی.سی از او به نیکی یاد کنند و سنگش را به سینه بزنند!

ماهنامه فکه

ضمیمه ۲۸

تیر ۱۳۸۰

ناگفته‌ها درباره حاج احمد متوسلیان در گفت‌وگوی اختصاصی با حاج محسن رفیقدوست

- لطفاً از اولین برخورد و آشنایی‌تان با حاج احمد متوسلیان بگویید:

رفیقدوست: من اولین بار، زمانی با حاج احمد آشناشدم که فرمانده سپاه مریوان بود. آن روز ما برای بازدید از منطقه رفته بودیم. در سپاه مریوان سراغش را گرفتیم. دم در سپاه، من دیدم یک آقای ایستاده، پرسیدم که او اینجا چه می‌کند؟ گفتند: «او رئیس یکی از ادارات شهر مریوان است، صبح به صبح می‌آید اینجا، حاج احمد یک سیلی به او می‌زند و او می‌رود سرکارش.» در همین حین دیدم که حاج احمد آمد و یک چک به آن مرد زد، او هم رفت سرکارش. از حاجی پرسیدم که قضیه چی بود؟ حاج احمد گفت: «این بانیره‌های ضدانقلاب همکاری داشته و حالا تا چندروز باید این جریمه را بکشند تا اصلاح شود.»

- درباره رفتن او به لبنان بگویید:

رفیقدوست: هنگامی که اسرائیل به لبنان حمله کرد، قرار شد تعدادی از نیروهای سپاه را به آنجا ببریم. من آن زمان مسئول تدارکات و پشتیبانی سپاه بودم که به همراه عده‌ای به سوریه رفتیم. در دمشق، یک پادگان تهیه شد که آنرا تعمیر کردیم و اطلاع دادیم و اولین هواپیمایی که ۵۰۰ نفر نیرو سوارش بودند، آمد. من رفتم به فرودگاه برای استقبال از آنها، و وقتی از پله‌های هواپیما بالا رفتم، دیدم حاج احمد دارد برای بچه بسیجی‌ها سخنرانی می‌کند. او می‌گفت: «ما آمده‌ایم تا اینجا پای کوه صهیون، جواب صهیونیست‌ها را بدهیم...»

یک سخنرانی‌گرایی کرد و بعد بچه‌ها پیاده شدند. حاجی نیروها را سازمان‌دهی کرد و من یکی دوبار در طی آن مدت، برگشتم ایران. یک روز توی سفارت ایران در دمشق بودیم. آن زمان آقای محتشمی‌پور، سفیر ایران در سوریه بود، که دیدم حاج احمد آمد تو. تقی رستگار هم با او بود. او اطلاعاتی از مناطق درگیر در لبنان می‌خواست. آنجا من خیلی به حاجی اصرار کردم و گفتم که نرو، ولی او گفت: «نه. من می‌خواهم بروم آنجا را بازدید کنم و ببینم که اوضاع و احوال چگونه است... من به دل‌م برات شده که باید بروم.»

من از سفارت رفتم به پادگان زبدانی که محل استقرار نیروها بود. وقتی برگشتیم سفارت، گفتند که حاج احمد رفت. رفت که رفت. دیگر از او خبری نداشتیم که معلوم شد همراه آن سه نفر اسیر شده‌اند و تا امروز از سرنوشتشان خبری نیست.

- چه زمانی خبر اسارت حاج احمد را شنیدید؟

رفیقدوست: وقتی حاج احمد رفت و دیگر خبری از او نشد، فردایش خبردار شدیم به مکانی که قرار بوده در لبنان برود، نرسیده‌است. بابچه‌هایی که توی لبنان داشتیم، در جاهای مختلف مثل بقاء، بعلبک و در منطقه شیاح در بیروت، همه جا تماس گرفتیم ولی خبر مشخصی نشد. اول حدس زدیم که شاید برایشان اتفاقی افتاده باشد. فردا خبر آمد که یک گروه ایرانی به کمین فالانژها افتاده و دستگیر شده‌اند.

- پس از این که خبر اسارت حاج احمد آمد، چه عکس‌العملی صورت گرفت؟

رفیقدوست: خب خیلی فعالیت شد، ولی آن موقع توی لبنان جنگی بود بین اسرائیل و فالانژها از یک طرف، مسلمان‌ها به پشتیبانی ایران و سوریه از طرف دیگر. مثل بچه‌هایی بودند که توی جبهه اسیر می‌شدند. خیلی نمی‌شد کاری کرد. بعدها که مقداری اوضاع ساکت شد، خیلی مذاکرات صورت گرفت، خیلی پی‌گیری‌ها شد، ولی چون هیچ‌کس خبر قطعی نمی‌داد که چه بلایی سر اینها آمده‌است، تا الان هم که یک خبر دست اول نبود. مثلاً آخرین خبری که دو سال پیش داشتیم، سمیر جعجع می‌انداخت گردن ایلی حبیقه، او هم می‌انداخت گردن یکی دیگر. ولی بعضی از نیروهای فالانژ که گیر بچه‌های ما افتاده بودند، این‌طور مطرح می‌کردند که خیلی قابل اعتماد نیست. یکی از این فالانژها می‌گفت: «وقتی اینها گیر ما افتادند، یکی از آنها مقاومت کرد و درگیر شد که همانجا کشتیمش.» ولی بعدها بچه‌هایی که از زندان‌های اسرائیل آزاد می‌شدند، می‌گفتند: «چهار ایرانی آنجا باهم بودند که نمی‌گذاشتند کسی آنها را ببیند.» حاج احمد کسی نبود که اسیر شود.

- قضیه خلبان اسرائیلی ران آراد چیست که اسرائیل گاهی مدعی می‌شود اگر ایران خبری از آراد بدهد، آنها از گروگان‌های ایرانی خبر می‌دهند؟

رفیقدوست: بی‌خود می‌گوید. اخباری که ما داریم، قطعاً ران آراد در همان‌جا کشته و در همان لبنان دفن شده‌است. آن راهم ما تحقیق کردیم. اصلاً مصطفی دیرانی و شیخ عبدالکریم عبید را هم به همین بهانه دزدیدند و بردند. دیرانی خبر داشته و همه چیز را بهشان گفته‌است. آنها می‌خواهند از آراد به عنوان یک اهرم فشار استفاده کنند. اینها ادعا می‌کنند که ران آراد ایران است، در حالی که من خودم

ضمیمه ها □ ۴۰۱

توی بیروت و دمشق پرسیدم. تنها کسی هم که بیشترین خبر راداشت، همین مصطفی دیرانی است که الان توی دست اسرائیلی‌ها اسیراست. این‌که می‌گویند اگر از آراد خبری داده‌شود، آنها از گروگان‌های ایرانی خبر می‌دهند، یک ادعای بی‌خود است. چون ران آراد در همان لبنان کشته‌شده، اینها فوقش می‌گویند که گروگان‌های ایرانی هم کشته‌شده‌اند و در فلان‌جا دفن هستند. بیش از این‌که به ما خبر نمی‌دهند، آن‌هم اگر بخواهند بگویند.

- کسی خبر قطعی از شهادت چهار گروگان ایرانی داده‌است؟

رفیقدوست: دوسه‌بار خبرهایی داده‌اند. مثلاً همین سمیر جعجع، ولی چون اینها آدم‌های مطمئن و قابل اعتمادی نیستند، نباید به حرف‌شان اعتنا کرد. آنها برای این‌که خودشان را راحت بکنند، می‌گویند که آنها کشته‌شده‌اند. فعلاً هم ایلی حبیقه و سمیر جعجع این قضیه را به‌گردن همدیگر می‌اندازند. بعدهم که همان اوایل تحقیقات میدانی شده بود، می‌گفتند یکی از گروگان‌های ایرانی تیرخورده و وقتی گیر می‌افتاده مجروح شده، حالش هم وخیم بوده که به شهادت رسیده‌است. اگر فرضاً اینها را کشته باشند، بعدها بوده نه همان‌جا که به‌دام افتادند. حداکثر یکی‌شان کشته‌شده که معلوم نیست کدام بوده. همه‌اش حدس و گمان است. کسی هم نمی‌تواند محکم بگوید که حالا احتمالاً کشته‌شده‌اند.

- ظاهراً خانواده سید محسن موسوی اسنادی دارند که زنده بودن آنها را نشان می‌دهد. آنها چیست؟

رفیقدوست: من برادر موسوی را که توی وزارت خارجه پی‌گیر ماجرا بود، دیدم و به او گفتم که اگر چیزی داری بده ما هم ببینیم، او گفت که هنوز کسی مدرک قطعی نداده و همه‌اش همین حرف‌هایی است که از قول بعضی‌ها شنیده می‌شود. به نظر من سرنوشت حاج احمد اینها مثل شهید «محمد جواد تندگویان» شده. تندگویان اسیر شده بود و چند سال دست‌عراق بود، ولی آخر سر جنازه‌اش را به ایران دادند. همه او را در اسارت دیده بودند و حتی با او صحبت کرده بودند.

ماهنامه فکه

ضمیمه ۲۹

تیر ۱۳۸۰

صریح و بی‌پرده هر آنچه درباره گروگان‌ها گفته نشده در گفت‌وگوی اختصاصی با سیدراند موسوی

- ضمن تشکر از شما که دعوت ما را پذیرفتید و در این گفت‌وگو شرکت کردید، به‌عنوان اولین سوال برای ما از اقدام‌هایی که پس از به اسارت درآمدن پدر شما و همراهانش انجام شده‌بگوید:

- چندماه پس از اسارت این عزیزان، خانواده‌های گروگان‌ها ملاقاتی با رئیس‌جمهوری که آن‌زمان حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای بود، داشتند که ایشان همان‌موقع دستورمستقیم را برای پی‌گیری این‌قضیه، به وزارت خارجه دادند که حتی تاکیدشدیدی هم‌داشتند. از همان‌زمان وزارت خارجه، درایران و لبنان در همه جوانب سیاسی-دیپلماتیک پی‌گیری‌های زیادی کردند که دست‌شان دردنکندنمی‌شود حق‌را زیرپا گذاشت- آن‌اوائل خیلی پی‌گیری‌ها شد و نتایج‌زیادی هم به‌دست‌آمد. حتی مرحله‌ای به‌تبادل هم رسیدند که برحسب‌اتفاق درمحلّی که قرارمبادله گروگان‌ها را گذاشته‌بودند، در آن‌ساعت درگیری پیش‌آمد و مبادله به‌هم‌خورد. این ماجرا مال چندسال پس‌از اسارت‌شان است. براساس مدارکی که داریم، دقیقاً مشخص‌شده که آنها را اول کجا بردند، در کدام زندان بودند و حتی در فلان زندان شکنجه زیادی شدند. بعدها که جنگ در لبنان تمام‌شد، همه‌اینها شدند مردم‌عادی و اطلاعات را دادند که کجا بودند. حتی در زمانی که در یکی از زندان‌ها بوده‌اند، زندانبان‌ها حاضر شده‌بودند مبلغی پول بگیرند و آنان را آزاد کنند، که قرار بود در زمان انتقال گروگان‌ها به زندانی دیگر، این‌کار انجام‌شود که ظاهراً هم طرح‌آنان لومی‌رود و هم در منطقه موردنظر درگیری رخ‌می‌دهد. ظاهراً سال ۱۹۸۷ میلادی (۱۳۶۶) اینها به‌اسرائیل منتقل‌شده‌اند که از آن به‌بعد دیگر راه‌اطلاعاتی در دسترس نبود که از آنها خبری کسب‌شود، که از آن به‌بعد پی‌گیری ما هم شل‌شد و می‌شود گفت قطع‌شد. تا سال ۱۳۶۹ پی‌گیری‌ها به هر روشی ادامه پیدا کرد از آن به‌بعد دیگر پی‌گیری‌ها ادامه پیدا کرد. ما خودمان به‌عنوان خانواده‌ها، تا سال ۶۹ که اسرای ایرانی از چنگال عراق آزاد شدند، چیزی نمی‌گفتیم، چون وجدان‌مان اجازه‌نمی‌داد تا زمانی که اسرای ما در عراق هستند، ما خیلی روی‌قضیه این چهار نفر پافشاری کنیم و از حکومت طلبی داشته‌باشیم. ولی سال ۱۳۷۰ که دیگر اسرا آزاد شده‌بودند، همه خانواده‌های گروگان‌ها، با هم سفر مفصلی داشتند به لبنان، سوئیس، سازمان ملل و چند کشور دیگر که گروگان‌های غربی آنها در لبنان آزاد شده‌بود. متأسفانه الان آن‌چنان که انتظار می‌رود، وزارت خارجه و ارگان‌های دیگر پی‌گیری نمی‌کنند.

- آيا شما باشخصی به‌نام احمد حبيب‌الله که گفته‌می‌شود رئيس جمعيت دوستداران زندانيان فلسطينی است و مدعی شده که دیپلمات‌های ایرانی در زندان‌های اسرائیل زنده هستند، دیدار یا گفت‌وگویی داشته‌اید؟

- مقر تشکیلات آنها در شهر ناصره فلسطین اشغالی است و ما هیچ گفت و گویی با او نداشته ایم، ولی خبرگزاری جمهوری اسلامی، هنگامی که احمد حبیب الله در اردن بوده، با او مصاحبه ای داشته، که او هم حرف های گفته شده خود را تایید کرده است. من می خواهم این را بگویم که خود احمد حبیب الله مقرشان در ناصره است، جایی که متعلق به فلسطینیانی است که از قبل از سال ۱۹۴۷ میلادی (۱۳۲۶) آنجا بوده اند، یعنی اعراب اسرائیلی به حساب می آیند. حالا کسی که عرب اسرائیلی محسوب می شود و رئیس یک تشکیلات است، بیاید حرفی بزند، یعنی اسرائیل دارد این حرف را می زند. حالا او آمده گفته من اسم ایرانی ها را در لیست اسرائیلی ها دیده ام، ولی متأسفانه دولت ما هیچ پی گیری نکرده است.

- ظاهراً احمد حبیب الله اسامی ایرانی ها را نگفته؟

- بله فقط گفته یک سری ایرانی آنجا هستند.

- آیا شما تا به حال پی گیری کرده اید که از وزارت خارجه بپرسید اسامی ایرانی هایی که گفته می شود در اسرائیل هستند، چیست و چه خبری از آنهاست، یا این که آن فلسطینی که در لندن مدعی شده هنگامی که در اسارت اسرائیل بوده، گروگان های ایرانی را دیده است، کیست؟

- ما هم خیلی دلمان می خواهد اینها برای مان روشن شود، ولی ما که نمی توانیم برویم لندن که آن فلسطینی را ببینیم یا برویم اسرائیل احمد حبیب الله را ببینیم. ما هر سال به وزارت خارجه گوش زده می کنیم برای پی گیری، آنها هم می گویند چشم، ما پی گیری می کنیم و... بعد یادشان می رود. ظاهراً باید مسئله چهار دیپلمات برای جمهوری اسلامی مسئله مهمی باشد.

- شما فکر نمی کنید مسئله خاص دیگری در میان باشد؟ مثلاً اوائل فروردین امسال، آقای خرازی در سفری که به لبنان داشت، با کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل که در آنجا بود گفت و گو کرد و حتی وقتی او درباره اسرای اسرائیلی در دست حزب الله تاکید کرد، آقای خرازی هم مسئله گروگان های ایرانی را پیش کشید و یا سید حسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان، یکی از شروط برای آزادی اسرای اسرائیلی را، آزادی همه گروگان ها از جمله چهار دیپلمات ایرانی اعلام کرد، ولی این اخبار کوچک ترین انعکاسی در رسانه های خبری جمهوری اسلامی نداشت، فکر می کنید چه علتی داشته باشد؟

- دلیلش می‌تواند این باشد که حال ندارند و یا سود و ضرر خاصی برای‌شان ندارد. متأسفانه الان هر چیزی باید یک سودی برای فرد داشته باشد تا رویش کار کند. یا سود حزبی داشته باشد، یا نامی، که مثلاً این که بگویند در زمان فلانی رابطه ایران با انگلیس خوب شد.

- خب شما فکر نمی‌کنید اگر الان دولت آقای خاتمی این قضیه را پی‌گیری کند و به نتیجه- هر نتیجه‌ای که می‌خواهد باشد- برساند، به نفع ایشان تمام می‌شود و برای دولت ایشان یک امتیاز مثبت محسوب می‌شود که مشکلی بیست‌ساله را توانسته حل کند و به سرانجام برساند؟

- فکر نکنم آزادی چهار نفر چندان مهم باشد.

- چرا، آزادی چهار دیپلمات ایرانی پس از بیست‌سال، توسط هر کس که انجام شود، برای او یک امتیاز مهم و مثبت تلقی می‌شود آن هم در سطح عموم مردم که مثلاً فلانی توانست قضیه گروگان‌هایی را که بیست‌سال بلا تکلیف بود، با درایت و سیاست و پی‌گیری‌های قاطع حل کند.

- من از اول با همه کسانی که پی‌گیری این مسئله بوده‌اند، ارتباط داشته‌ام. در بین خانواده‌های گروگان‌ها هم بیشترین رابطه را من با این افراد داشته‌ام، ولی این چیزی که من می‌بینم این است که اینها دل به کار نمی‌دهند یعنی جزو اولویت کاری‌شان نیست.

- فکر نمی‌کنید دیدگاه آنان روی شهادت گروگان‌ها باشد؟

- چرا ممکن است برای خالی کردن شانه خود از زیر بار مسئولیت، این نظر را داشته باشند. ببینید، تنها دلیلی که برای شهادت اینهاست، این است که مجلس شورای اسلامی یک‌نامه به دولت آمریکا داده است که وضعیت گروگان‌های ایران را مشخص کنید، که آنها هم جواب داده‌اند که: «ما قضیه را پی‌گیری کرده‌ایم، ولی اطلاعات ضد و نقیضی به دست آمده، یکی می‌گوید زنده هستند، یکی می‌گوید کشته شده‌اند، استنباط ما از این اطلاعات این است که اینها کشته شده‌اند ولی باز هم این معلوم نیست. ما هم خیلی متأسفیم و ابراز هم‌دردی با خانواده‌های آنان می‌کنیم و در پایان هم توجه جمهوری اسلامی ایران را به ناپدید شدن سرهنگ هیگینز در لبنان جلب می‌کنیم.»

این‌نامه را من دارم. دلیلی هم که برای کشته شدن می‌آورند، یک عکس هوایی ماهواره‌ای است از یک گورستان دست‌جمعی در بیروت که عکس خیلی هم مبهم است و می‌گویند که جنازه اینها اینجاست. البته عکس را ما ندیده‌ایم فقط شنیده‌ایم. اینهایی که می‌گویند گروگان‌ها کشته شده‌اند، همه می‌گویند همان اوائل کشته شده‌اند، در صورتی که بنا بر اظهار آقای محتشمی- سفیر وقت ایران در سوریه- چند سال بعد از اسارت، نیروهایی از فالانژها گفته بودند که ما حاضریم با اخذ

چند میلیون دلار، فقط سید محسن موسوی را آزاد کنیم و بقیه را آزاد نمی‌کنیم. که آقای محتشمی گفته بود یا همه گروگان‌ها را باهم آزادمی‌کنید یا هیچی. بعضی‌ها می‌گویند که فالانژها نیت‌شان این نبود که اینها را مفصل بگیرند و نگه‌دارند، فقط خواسته‌اند حال‌شان را بگیرند و ول‌کنند، ولی بعد که متوجه شدند حاج‌احمد پیش‌آنهاست، کار بیخ پیدا کرده است. که بعد درگیری می‌شود و یکی از آنها کشته می‌شود که می‌گویند حاج‌احمد بوده و از آن به بعد کار خیلی بیخ پیدامی‌کند. چون اگر چهارتای‌شان بودند، می‌توانستند آزادشان کنند ولی وقتی یکی از آنها کشته شده، باعث شد که کار تا اینجا ادامه پیدا کند. یک لبنانی هم هست که سوار بر ماشین «هوندا»، ظاهراً پشت سر ماشین گروگان‌ها بوده که در پست بازرسی بر باره شاهد ماجرا بوده، او یک گزارش از شرح و دستگیری آنها نوشته است. اسم او رانمی‌دانم ولی می‌شود پیدا کرد. او گفته که موسوی را از بنز سیاسی سفارت پیاده کرده و به یک ماشین «رنجور» دیگر برده‌اند و بعد یک نفر پشت فرمان ماشین آنها نشسته و راه افتاده‌اند. ماشین‌ها باهم حرکت می‌کنند که در منطقه‌ای ازهم جدا می‌شوند، یکی می‌رود به کوهستان و دیگری به جای دیگر که ماشین اسکورت لبنانی تا آنجا با آنها بوده. از آنجا بی‌سیم می‌زند به فرماندهی‌شان که می‌گویند شما برگردید. این که آنها چی شدند، همان فردای حادثه ماشین‌شان کنار مقر حزب بعث عراق در شهر طرابلس لبنان پیدا شد که بعد بی‌سیم می‌زند و ایران از رئیس‌جمهوری لبنان خبر می‌گیرد، که او می‌گوید ما خبر داریم که آنها زنده هستند و تافردا برمی‌گردند. بعد اینها منتظر می‌مانند که برگردند، تماس می‌گیرند که چرا برنگشتند، می‌گویند احتمالاً راه شلوغ بوده رفتند بعلبک که از آن طرف بیایند. یک هفته گذشت و نیامدند. آخرش بعد از کلی تعلل گفتند بیخشید. شاید این وقت تلف کردن برای این بوده که آنها را به جای خاصی منتقل کنند. ما در تهران دیداری با خاویر پرزد کوئیار دبیرکل سابق سازمان ملل داشتیم و قرار شد که ایشان برود آنجا و ماجرا را پی‌گیری کند. حتی آقای کمال خرازی آن زمان که نماینده ایران در سازمان ملل بود، خیلی زیاد مسئله را پی‌گیری کرد. ظاهراً برنامه سازمان ملل طوری بود که وعده‌های دکوئیار در آخرین روزهای ریاستش بود. چون او که عوض شد، پی‌گیری قضایا هم مسکوت ماند.

- اینها که می‌گویند گروگان‌ها شهید شده‌اند، چه دلایلی برای این حرف خود دارند؟

- دلیل‌شان یک عکس‌هوایی از محل دفن چند جنازه است. خودایلی حبیقه وقتی که با او صحبت کردیم، می‌گفت آن زمان برای ما، ایران مثل «سریلانکا» بود، یعنی این که گروگان‌هایش را بکشیم، برای ما مهم نبود، ولی من هیچ دستوری مبنی بر کشتن آنها نداده‌ام. یک قولی هم مثلاً می‌گویند

در ماشین اینها چند صد هزار دلار پول بوده. البته این یک قول ضعیفی است ولی همین‌ها چیزی است که ممکن است جنبه دیگری به ماجرا بدهد. هیچ دلیل مشخص برای شهادت اینها به مانداده‌اند. مثلاً بگویند این جنازه‌شان است و آزمایش کرده‌ایم و تایید شد، خوب ما هم می‌پذیریم اگر این‌طوری باشد. تازه، همین که می‌بینیم اینها ۲۰ سال شکنجه نشده‌اند و همان‌اول شهید شده‌اند که بهتر است، ولی احساس من این است اینها که می‌گویند شهید شده‌اند، می‌خواهند از زیر بار مسئولیت شانه‌خالی کنند و خودشان را راحت کنند. حتی کبرا هم که با شبکه تلویزیونی الجزیره مصاحبه می‌کرد، خبرنگار از او پرسید که گروگان‌های ایرانی چی شدند، او گفت کشته شدند، خبرنگار گفت: تو خودت دیدی که کشته شدند؟ او گفت: نه! منتها کشته شده‌اند. ولی من ندیده‌ام. می‌گویند کشته شدند. یک گزارش هم پلیس لبنان تهیه کرده که می‌گویند ما اینها را کشتیم بردیم انداختیم توی محلول آهک که نابود شوند. بعد از توی آهک در آوردیم بردیم انداختیم توی بیابان. این خودش سوال پیش می‌آورد که کی بوده که توی همه مراحل بوده و حالا تعریف کرده. آن موقع که آنها این قدر برای‌شان اهمیت نداشتند که بخواهند جنازه‌های‌شان را بیندازند توی آهک تا از بین برود. سمیر جعجع گفت ما همان‌اول آنها را کشتیم. این خودش کسی است که آنها را دستگیر کرده. یکی دیگر هم بود که اسمش راجو عبدو است. او الان کانادا است. او اطلاعات زیادی دارد، توی جلسه‌ای که ما در لبنان داشتیم، همین راجو عبدو بود و ما با او صحبت کردیم. البته آن موقع اوج قدرت فالانژها بود. شاید به همین خاطر خیلی چیزها رانمی‌گفتند. حالا دیگر قدرتی ندارند. الان همین راجو عبدو در لبنان تحت تعقیب است که فرار کرده رفته کانادا. در صحبت‌هایی که با آنها بود، هر کدام قصه متفاوتی تعریف می‌کردند. سمیر جعجع گفت ما آنها را کشتیم. گفتیم جنازه‌شان کجاست؟ گفت همان‌جا کف زندان دفن‌شان کردیم. گفتیم خوب برویم جای آنها را ببینیم. گفت نه، چون بعدش پشیمان شدیم، گفتیم شاید جنازه‌های‌شان اینجا پیدا شود، آنها را در آوردیم بردیم انداختیم توی «چاه طرابلس» که می‌گویند چاهی است در شهر طرابلس که اجساد زیادی آنجا افتاده. گفتیم خوب برویم چاه طرابلس را ببینیم، گفت بعد باز پشیمان شدیم، آنها را از چاه در آوردیم انداختیم توی بیابان که مثل این‌که حیوانات وحشی آنها را خوردند. در طی مراحل انتقال گروگان‌ها، آدم‌های مختلفی بوده‌اند که حالا یا پول گرفته‌اند یا به لحاظ‌های دیگر، اطلاعات رامی‌دادند که آنها در کدام زندان هستند. نام زندان‌هایی که آنها منتقل شده‌اند حالا هست. مثلاً اول در زیر زمین حزب کتائب بوده‌اند، بعد برده‌اند به زندان آدونیس. حتی آن موقعی که رفتیم پهلوی سمیر جعجع، یک مشخصاتی برای ما می‌دادند شاید می‌خواستند بفهمانند که آنها زنده هستند.

حتی سمیر جمع می‌خواست خیلی دوستانه با ما برخورد کند. حتی زنشر را هم در ملاقاتی که خانواده گروگان‌ها با او داشتند، آورده بود که مثلاً خیلی ما را تحویل بگیرد. حتی وقتی دیر کرده بود، تماس گرفت و کلی عذرخواهی کرد که الان می‌آیم. مشخصاتی که از پدرم می‌داد، می‌گفت لاغری بود و چهره‌اش سبزه بود. در حالی که پدرم لاغر نبود، سبزه هم نبود. احتمالاً آخرین صحنه‌ها از چهره پدرم را تعریف می‌کرده یا مثلاً خصوصیات اخلاقی‌اش را می‌گفت که خیلی آدم باشخصیتی بود و... خوب حالا شما که ادعای کنید همان اول او را کشته‌اید، خصوصیات اخلاقی او را از کجا می‌دانی؟ یامثالاً می‌گفت یک دعای قشنگی می‌خواند. چون پدرم مداومت بر خواندن دعای توسل داشت. ظاهراً در زندان آدونیس خیلی مفصل آنها را شکنجه کرده‌اند که زندانبان‌ها دعای توسل خواندن پدرم را در آنجا نقل کرده‌اند. بعد از آنجا، آنها رابرده‌اند به یک زندان در جبل. سرانجام هم به جاهایی منتقل شده‌اند که دیگر خبری از آنها نیست. پهلوی ایلی حبیقه هم رفته بودیم. سال گذشته. اسم یک زندان هم اوگفت که مدعی شد گروگان‌ها آنجا بودند. یک زندانی در روستای «طرج» آنجا زندان مخفی جمع کرده، ظاهراً رفته‌اند گشته‌اند، خانه‌ای که مثل زندان بوده پیدا کرده‌اند. ایلی حبیقه گفت بروید بگردید شاید روی دیوارها دست نوشته یا چیزی پیدا کنید.

- شما خودتان رفتید که این ماجرا را پی‌گیری کنید؟

- ما یک مدت خیلی پی‌گیری کردیم که دوستان لبنانی بروند آنجا رابینند، ظاهراً آنها هم ترسیده‌اند. چون آن منطقه مسیحی‌نشین است و بچه‌مسلمان‌ها نمی‌توانستند آنجا بروند. ظاهراً بعدها که بچه‌ها رفته‌اند، زندان را پیدا کرده‌اند ولی به ما گفتند که هیچ نوشته‌ای روی دیوارها نبوده. من دقیقاً در کم و کیفش نبودم. یک کلیدگنده این قضیه دست‌سوریه است، کلید حل اصلی. ایلی حبیقه آدم سوریه‌ای‌هاست. همین که تا الان کشته نشده، به خاطر حمایت سوریه‌ها بوده. سمیر جمع هم در زندان وزارت دفاع لبنان است که اجازه‌اش دست‌سوریه است. خوب اگر این دوتا را باهم روبه‌رو کنند، خیلی مسائل معلوم می‌شود. چون این دوتا، ماجرا را گردن هم‌دیگر می‌اندازند. اگر سوریه بخواند، می‌تواند قضیه را روشن کند.

- آیا در محاکمه سمیر جمع که به جرم جنایات خاص در لبنان انجام شد، قضیه گروگان‌های ایرانی هم به عنوان اتهام مطرح شد؟

- ما آن زمان با آقای ولایتی هم دیدار کردیم. ما را معرفی کرد به آقای «محمد هاشمی» که معاون‌شان بود. قرار شد وکیل انتخاب کنیم. حتی آن موقع روزنامه‌کیهان مقاله‌های تندی هم می‌نوشت.

مثلاً نوشته بودند نمی خواهید وکیل انتخاب کنید، می گفتید خانواده گروگان ها وسایل زندگی شان را می فروختند وکیل می گرفتند. حتی وکیل انتخاب شد ولی باز کار به جایی نرسید.

- فکرمی کنم شما را از پی گیری قضیه خسته کرده باشند؟

- ببینید، یک چنین کاری باید یک نظام داشته باشد. مثلاً یک بخش در وزارت خارجه تشکیل شود که فقط کارش پی گیری این قضیه باشد. کارش این باشد. حقوق کارمندی اش را برای همین کار بگیرد و مدام پی گیر باشد. تاکی باید خانواده ها پی گیر باشند؟ مگر این مشکل دولت جمهوری اسلامی نیست؟! - از این که در این گفت و گو شرکت کردید خیلی متشکریم و امیدواریم هرچه زودتر خبری قطعی درباره پدر شما و همزمان و همراهانش برسد.

- من هم از شما متشکرم.

ماهنامه فکه

ضمیمه ۳۰

تیر ۱۳۸۰

چه کسی از گروگان ها خبر دارد؟

اخیراً کتابی با عنوان «پس از بحران» که مجموعه ای است از خاطرات و روزنوشته های حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی از سال ۱۳۶۱، منتشر شده است. اولین چیزی که مهم جلوه می کرد، خاطرات ایشان از گروگان گیری حاج احمد متوسلیان و همراهانش در لبنان بود. متأسفانه هنگامی که روزهای تیرماه این کتاب را زیرو رو کردیم، به تنها چیزی که برنخوردیم، اخباری از اسارت گروگان های ایرانی بود. جالب تر این که در بخشی از همین کتاب، ترور یک مسئول فلسطینی به عنوان خبری بسیار مهم تلقی شده است ولی...

چندی پیش کتاب «به سوی صلح» مجموعه خاطرات «خاویر پرزد کوئیار» دبیرکل اسبق سازمان ملل متحد، منتشر شد که بخشی از آن مربوط به گروگان های خارجی در لبنان بود. آن بخشی که دکوئیار دیدار خود با هاشمی رفسنجانی و پی گیری مسئله گروگان ها را نوشته است، بسیار خواندنی است: «پاسخ رفسنجانی کمکی نکرد. او گفت که مدت هاست که ایران هیچ تماسی با آنها که گروگان ها را در اختیار دارند، نداشته است. آنها حزب الله نیستند. نشانی مشخص ندارند که بتوان آنها را پیدا کرد.

در چند روز اخیر، آنها به تهران اطلاع داده بودند که تا زمانی که شیخ عبید آزاد نشده است، آنها آماده گفت و گو بر سر این موضوع نیستند. رفسنجانی بر این نکته پای می فشرد که آمریکایی ها دارای های ایران را بدون اساس قانونی توقیف کرده اند، اما انتظار دارند ایران در موضوعی که هیچ علاقه ای به آن ندارد، مداخله کند. او گفت: «ما همچنین نگرانی های داخلی خود را داریم. از نظر ما، برای کمک به ایالات متحده نشانه هایی لازم است که آنها دست از فتنه های بی دلیل خود علیه ما برداشته اند.» رئیس جمهوری اضافه کرده بود که از ایران هم گروهان هایی در لبنان هستند. او گفته بود که بوش می تواند به مارونی ها (یک گروه مسیحی که با شیعیان در ستیز بودند) فشار وارد کند. خلاصی گروهان های ایرانی می تواند به عنوان یک انگیزه تلقی شود. رفسنجانی به سردی با این جمله به گفت و گو پایان داد که تنها با انتقال این پیام از سوی «پیکو» به دلیل احترامی که برای دبیرکل قائل است موافقت کرده است. ایران انتظار دارد دبیرکل گام های محکم تری برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت بردارد که شرایط پایان جنگ عراق و ایران را فراهم آورد. پاسخ رفسنجانی بی درنگ به وسیله ژنرال «اسکو کرافت» به بوش منتقل شد. کمی پس از آن، خواستار آن شدم که به عنوان پاسخی به رهبری ایران، ۱۹ ایرانی که در لبنان نگه داری می شدند، به کمیته بین المللی صلیب سرخ تحویل شوند. من همچنین در کنفرانس جنبش عدم تعهد در بلغراد در چهارم سپتامبر، موضوع را به ولایتی وزیر خارجه ایران اطلاع دادم. ولایتی هیچ گونه هیجانی به خاطر این خبرها بروز نداد. ولایتی از علائق سیاسی و چهار دیپلمات ایرانی دیگر که در بیروت ربوده شده بودند سخن گفت.

در کنار پیامی که من به رئیس جمهوری رفسنجانی انتقال دادم و آزادی ۱۹ ایرانی زندانی در لبنان به مثابه یک علامت تا آنجا که می دانم، در دوره بوش، هیچ پیشنهادی برای ترمیم اوضاع در جهت کسب آزادی گروهان ها صورت نگرفت. اسرائیلی ها تحقیقاتی را به خاطر چهار دیپلمات ایرانی که وزیر خارجه ولایتی پیش از این نگرانی خود را درباره آنها بیان کرده بود، انجام دادند. بر اساس اطلاعات آنها، دیپلمات ها بلافاصله پس از ربوده شدن در سال ۱۹۸۲ کشته شده بودند. سرویس اطلاعاتی اسرائیل تصاویر گزارش هایی را که باید به ایران داده می شد تا آنچه را اسرائیلی ها اعتقاد داشتند بر سر دیپلمات ها آمده است، بشکافند، فراهم آوردند.

در ژنو اطلاعاتی درباره چهار دیپلمات ایرانی که اسرائیلی ها آن را فراهم کرده بودند دادم. من [به هاشمی رفسنجانی] گفتم که اسرائیل مبادله ای برای مردم خود را خواهان است. موضوع های گروهان های غربی و سربازان مفقود شده اسرائیلی به آن دشواری نبودند. پس از آن مستقیماً خواستار

آن شدم که ایران در صورتی که می‌تواند، زمینه‌آزادی گروگان‌های باقی‌مانده غربی را فراهم کند. پاسخ رفسنجانی چیزی مبهم بود که به نظر می‌آمد با آنچه پیش از این می‌گفت، در تناقض بود. او گفت: «پس از آزادی گروگان‌های بیشتر، دیگران آزادمی‌شوند.» این پس از دریافت اطلاعات کامل از سوی اسرائیلی‌ها درباره اجساد بود. پس از همه‌اینها، اگر آمریکا خواهان گسترش روابط با ایران است، باید دارایی‌های توقیف‌شده ایران را آزاد کند. درخواست آخر رفسنجانی به گونه‌ای بود که من گروگان‌های ایرانی را درگفت‌وگو بر سر موضوع فراموش نکردم. روشن بود که او خبرنگار است که من اطلاعاتی را که اسرائیل درباره کشته‌شدگان آنها در اختیارم قرار داده است، به ایران آورده ام و در طول اقامت در تهران، ملاقاتی با خانواده‌های آنها ترتیب داده‌ام تا موضوع را به آنها اطلاع بدهم و همدردی خود را ابراز دارم.

ماهنامه فکه

ضمیمه ۳۱

۱۳۸۰/۴/۱۱

بیست‌سال است که چشم انتظاریم

شامگاه یکشنبه سوم تیرماه، کوچه‌پس‌کوچه‌های یکی از محله‌های قدیمی خیابان آذر (طالقانی) شهرقم را درمی‌نوردیم و در آستانه بیستمین سال اسارت چهار دیپلمات ایرانی به دست نیروهای صهیونیستی، به دیدار خانواده محمدتقی رستگارمقدم-یکی از چهار گروگان اسیر ایرانی- نائل می‌آیم. پدر، قامتی خمیده دارد و قلبی بیمار، چراکه سال‌های سال چشم‌به‌راه پسرش نشسته. تصاویر زیبای تقی و محسن-که در روزهای انقلاب به شهادت رسیده‌است- زینت‌بخش آن خانه قدیمی است و برادر کوچک‌تر تقی- محمدرضا- اشاره می‌کند که پدر آن قدر که در اسارت تقی آسیب دیده، در شهادت محسن صدمه نخورده است.

می‌نشینیم به گفت‌وگو. قصدمان دیدار با والده گرامی تقی و محسن هم‌هست، اما آن بزرگوار قادر به گفت‌وگو با ما نیست، هر چه نباشد بیست‌سال چشم‌انتظار تقی اسیرش نشسته و بیست‌وسه سال در فراق محسن شهیدش.

- بیخشید که مزاحم شدیم. وظیفه بود خدمت برسیم.

- خیلی خوش آمدید، لطف کردید که یاد مابودید.
- حاج آقا، خودتان را معرفی بفرمایید.
- به نام خدا، بنده حسین رستگارمقدم هستم، پدر محمدتقی و محسن رستگارمقدم.
- چندسال سن دارید؟
- متولد ۱۲۹۰هستم.
- چه شغلی دارید؟
- صافکاری اتاق ماشین.
- چی شد که محمدتقی سر از لبنان درآورد؟
- باید از مسئولین سراغ گرفت، چون روزی آمد و گفت من دارم به سوریه می روم واز سوریه به لبنان.
- چندسال پیش؟
- الان توی بیست سال هستیم. چون اول شصت ویک رفت.
- وقتی که می خواست برود، با شما خداحافظی کرد؟
- به من گفت بابا، من دارم می روم، اگر آمدم که خوب، هرکارکه باید بکنم انجام می دهم و اگر نیامدم، این کارها را انجام بده، لباس هایم را تحویل حاج احمد بده. این لباس ها را تا پارسال داشتم، بعد بردم تحویل دادم.
- کجا تحویل دادید؟
- به سپاه.
- کی متوجه شدید که محمدتقی اسیر شده است؟
- همان اوایل. روزی به سپاه رفتم، پرسیدم خبر از تقی ندارید؟ گفتند: نه! ولی حاج احمد را گروگان گرفته اند. گفتم تقی هم با اوست. هرکجا احمد پابگذارد، تقی با اوست.
- از کجا می دانستید این دو باهم رابطه ای دارند؟
- رابطه این دو به خاطر این بود که هر دو، دو سال ونیم در کردستان بودند. بعد هم به جنوب آمدند. سال شصت هم تقی مجروح شده بود. به طوری که خیال کرده بودند شهید شده و او را تاسردخانه برده بودند!
- چه وقت متوجه شدید که ایشان را گروگان گرفته اند؟

۴۱۲ □ کمین جولای ۸۲

- تقریبا ۵-۶ ماه بعد، که رفتم پیش حاج آقا ایرانی- فرمانده سپاه آن وقت- از تقی پرسیدم که گفت نمی دانم کجاست، ولی معاون ایشان گفت: من می گویم. حاج احمد او مداینجا وگفت: تقی را بده ببرم، ما گفتیم: ما خودمان کارش داریم ولی هر که را بخواهی، به تو می دهیم. حاج احمد هم گفته بود: من اگر نفر بخواهم تهران زیاداست، من این را کاردارم. که مجبور شدیم او را به حاج احمد بدهیم... بعد هم که حاج احمد را گروگان گرفتند، متوجه شدیم تقی هم با او بوده است.

- بعد از این که خبر به شمارسید، مسئولین چه کردند؟

- مسئولین آمدند، بعد ما به چهارپنج کشور اروپایی رفتیم. به آلمان، سوئد، ایرلند، سوریه و لبنان رفتیم و بامسئولان بلند پایه صحبت کردیم که آنها هم گفتند ما اقدام می کنیم، ولی هیچ خبری نشد. یکی از بچه های ایرلند که گروگان بوده و آزاد شده بود، با او صحبت کردیم وگفت: من شنیده بودم که چهارگروگان ایرانی در زندان هستند.

- حالا چه خبری از تقی دارید؟

- دو ماه پیش بچه ها توی خیابان جلوی من را گرفتند وگفتند، یک نفر از زندان اسرائیل آزاد شده و گفته اینها توی زندان یادگار نوشته اند، گفتم: این که به درد من نمی خورد، باید فکری کنند.

- چه خاطره ای از تقی دارید؟

- خاطره خیلی دارم. او خیلی کار می کرد. زرنگ بود.

- وقتی به اسارت رفت چند سال داشت؟

- او ۱۲ سال درس خوانده بود. امتحانات سال چهارم دبیرستان درسندج شرکت کرد. اینجا هم که بود، پیش من کار می کرد. بعد از ظهر هم درس می خواند و هیچ سال مردود نشد. باین که کار می کرد.

- از خصوصیات تقی برای ما بگویید.

- بچه نترسی بود. حاج احمد، قدمی بدون او نمی رفت.

- از مسئولین چه انتظاری دارید؟

- انتظار داریم مسئولین به ما خبر بدهند که اینها هستند یا نیستند، ما را از چشم انتظاری دریاورند. این درست نیست که به فکر ما نیستند که ما چه جور داریم می سوزیم. فکری به حال ما نکنند. دکوئیاری که آمد، گفت من اقدام می کنم. اقدام هم کرد اما زود عوض شد. آقای رفسنجانی ما را خواست، گفت اقدام می کنم، ولی کاری نکردند... گفتم حاج آقا: بچه من هفده سال است رفته و هیچ اطلاعی از او ندارم. انگار بچه های مسئولینند، با آنها هر چه می کنید باما هم بکنید...

- یعنی شما چشم به راه هستید؟

- بله. شما بچه‌ات اگر به مدرسه برود و دیر بیاید، چشم به راه نیستی؟ فرقی نمی‌کند، گاهی کسی یک پول ناقابلی را گم می‌کند، هر وقت از آنجا عبور می‌کند، آنجا را نگاه می‌کند. ما نباید فکر بچه‌مان باشیم؟ اگر بدانیم او راکشته‌اند، یک حسابی دارد، اگر زنده هم باشد یک حساب دیگر.

- شهادت محسن برای شما سخت‌تر بود یا اسارت تقی؟

- اسارت ایشان. من توی خونه نشسته بودم، آمدند گفتند، محسن دستش زخمی شده بردیم بیمارستان، بعد بهشون گفتم راستش را بگین. خدا بیا مرزد حاج آقا حسن را، گفت: حاجی برویم بیمارستان. گفتم: راستش را بگو. گفت: محسن شهید شده و بردیم مسجد جامع. شب هم بردند منزل خواهرش شستند و غسل دادند و بعد در قبرستان بقیع به خاک سپردند، حالا چند وقت یک بار می‌رویم، می‌نشینیم با او حرف می‌زنیم و بعد برمی‌گردیم. ولی این، مشکل است. برای هر کس باشد، مشکل است. اگر بچه شما از مدرسه دیر برگردد چه کار می‌کنی؟ بیست سال است که ما امروز و فردا می‌کنیم.

- چه مطلبی دارید برای ما بگویید؟

- یک بار در کردستان مجروح شده بود و دیدم با تجهیزات آمده، رنگ و رونداشت. گفتم: چی شده؟ گفت: از کوه افتادم! بعد متوجه شدیم مجروح شده؛ چند روز بعد برگشت و دوباره به کردستان رفت. گفتم: بابا کجا می‌خواهی بروی؟ گفت: احتیاج دارند. وقتی می‌خواست برود، گفتم: تو بدنت زخمی است، بخیه در بدن داری. گفت: می‌روم آنجا بخیه‌ها را می‌کشم.

- حاج آقا، ممنونیم که علیرغم کسالت جسمانی، وقتتان را در اختیار ما قرار دادید.

- سلامت باشید، خیلی ممنون که تشریف آوردید.

کیهان

ضمیمه ۳۲

۱۳۸۰/۴/۱۳

۱۹ سال انتظار کافی است

خواهران کاظم اخوان علاف، می‌گویند: « ۱۹ سال انتظار برای دیدار با برادر کافی است و چشم به راهی، بیش از این در توان ما نیست.»

«فاطمه اخوان» خواهر بزرگ این عکاس ربوده شده، در گفت و گو با خبرنگاری جمهوری اسلامی، خواستار پی گیری مسئولان برای اطلاع از سرنوشت این افراد شد. وی گفت: «۱۹ سال است که در بیم و امید زندگی می کنیم. پدرمان با آرزوی دیدار فرزند کوچکش، روی درنقاب خاک کشید و پس از او، اینک ما با صدای زنگ تلفن و در منزل و دیدن پیک و پستچی، مشتاقانه و هراسان منتظر خبری از کاظم هستیم.»

وی از مسئولان کشور و جامعه بین الملل خواستار پی گیری جدی برای دریافت اطلاعات از گروهی که به گفته وی طولانی ترین گروگان گیری تاریخ رمی گذرانند، شد. فاطمه اخوان گفت: «علاوه بر مسئولیت ملی، اخلاق حرفه ای نیز ایجاب می کند که فعالانه تر نسبت به سرنوشت یک خبرنگار برخورد کنند.»

«راضیه اخوان» نیز گفت: «خانواده های این گروه، حق دارند از سرنوشت عزیزان شان مطلع شوند و سازمان های مدعی دفاع از حقوق بشر، در تمام طول ۱۹ سال، کم ترین فشاری به اسرائیل نیاورده اند. مجامع مذکور می گویند از هر روزنامه نگار و یا خبرنگاری که تحت فشار یا بازداشت باشد حمایت می کنند، در حالی که تاکنون برای کاظم و همراهانش اقدام موثری انجام نداده اند. این محافل، در دفاع از قربانیان، گزینشی عمل می کنند و از برخی دفاع می کنند و از نظر این مجامع، فقط اتباع غربی هستند که می توانند با آخرین مرزهای حقوقی از حقوق بشر استفاده کنند.»

دو خواهر این خبرنگار عکاس می گویند: «اگر امکاناتش را داشتیم، خود برای یافتن برادرمان و یا حتی اطلاع موثق از سرنوشتش، اقدام می کردیم.» آنها که خود بیمار هستند، با یادآوری شرایط زندان های صهیونیستی، باحالتی پریشان گفتند: «صدای مظلومیت خانواده های این گروه را چه کسی درک می کند تا اقدامی موثر انجام دهد؟»

این دو خواهر، با یادآوری خاطراتی از برادر رزمنده خودشان گفتند: «کاظم از اوان جوانی در راهپیمایی های انقلاب فعالانه شرکت می کرد. شب ها بر پشت بام منزل صدای الله اکبرش همسایگان را به همدلی دعوت می کرد.» آنان با یادآوری منزل پدری که در نزدیک ترین کوچه های منتهی به حرم مطهر حضرت رضا (ع) قرار داشت، می گویند: «تشریف به حرم مطهر همچون ادای فریضه، از بچگی با او همراه بود.»

فاطمه اخوان می گوید: «هروقت به حرم مطهر مشرف می شوم، کاظم جلوی چشمم است که از غم غربتش با امام راز و نیاز می کند.» وی می افزاید: «کاظم بسیار مهربان، مصمم، دوستدار امام و انقلاب

بود. او که هم‌رمز شهید دکتر چمران بود، حفظ انقلاب را بر امور شخصی ترجیح می‌داد و برای تشکیل خانواده، فرصت‌های بعدی را بهانه می‌کرد.»

خبرگزاری جمهوری اسلامی

ضمیمه ۳۳

۱۳۸۰/۴/۱۴

نامه سرگشاده خانواده‌های دیپلمات‌های ایرانی به رئیس جمهوری

خانواده دیپلمات‌های ربوده‌شده در لبنان، با انتشار نامه سرگشاده‌ای خطاب به رئیس جمهوری، خواستار تلاش جدی مسئولان ذیربط برای روشن نمودن وضعیت عزیزان خود شدند. در این نامه، با تبریک انتخاب مجدد حجت‌الاسلام خاتمی به مقام ریاست جمهوری، آمده است: «باور بفرمایید حسرت فراق عزیزان، غم دوری و جدایی و به انتظار نشستن روشن شدن سرنوشت، بسیار تلخ و دشوارتر از سوگواری است. بیست سال است که ما خانواده‌ها، در حسرت انتظار فرزندانمان، همسرانمان و پدرانمان می‌سوزیم و می‌گدازیم. هرپیکری که خبری می‌رساند، ما را به یک‌باره مرده و زنده می‌کند. در این سال‌های حزن‌آلود، صدها بار اخبار متناقض شوم و یا شادکننده، زندگی ما را همچنان در بحران نگاه داشته است. می‌دانیم که شما نیز با این درد آشنا هستید. می‌دانیم که شما و خانواده محترمتان هم سال‌هاست در انتظار خبری از سلامت امام موسی صدر آن شخصیت برجسته ایرانی که برای خدمت به شیعیان لبنان مهاجرت کرد و دیگر بازنگشت، به سر می‌برید. دریغ که او را لبنانیان بهتر شناختند و همه ساله روزی را برای بزرگداشت خاطره او تعطیل ملی اعلام می‌کنند و امام مغیث می‌خوانند.

آقای رئیس جمهوری! ما از مسئولان ذیربط برای به فراموشی سپردن تلاش برای رهایی این عزیزان، گلایه مندیم. شاید اگر توجه مسئولان بلند پایه کشور نبود، برخی دست‌اندرکاران ترجیح می‌دادند برای خلاصی از پاسخ‌گویی و رفع مسئولیت یا طلب مغفرت الهی، وبا ارسال دسته‌های گل به پاس همدردی، این پرونده ملی را مختومه اعلام کنند، اما حضرت عالی نیک‌آگاهید که هیچ‌اثری دال بر شهادت این عزیزان در لبنان به دست نیامده است، بلکه بالعکس، بسیاری اخبار حاکی است این عزیزان مدت‌ها در اسارت و در زندان بوده و پس از فروپاشی و شکست گروه فالانژ، با کشتی به اسرائیل فرستاده شده و به عبارت بهتر، فروخته شده‌اند، و همین چند سال پیش بود که یک مقام مسئول فلسطینی

درامور حقوق بشر (احمد حبیب‌الله)، اعلام کرد آنان زنده و در زندان رژیم اشغالگر قدس‌اند. امید به زنده بودن این عزیزان از یک سو، و ناامیدی از احساس مسئولیت دست‌اندرکاران پی‌گیری این امور از سوی دیگر، ما را وادار می‌کند که در سالگرد این واقعه، دست‌طلب‌یاری به سوی حضرت عالی بگشاییم و از آن شخصیت محبوب و مردمی بخواهیم، با دستور قاطعی این پرونده مفتوح و ملی را باردیگر فعال‌کنند. همچنین، زبان به شکوه بگشاییم و درد دل بگوییم که در این سال‌های رنج و انتظار، دریغ از تسلی‌خاطری و دست‌مجبئی که هیچ، هرچه بود گریزاز مسئولیت‌پذیری بود. گویا که این چهار شهروند ایرانی، در روزگاری که عافیت‌طلبان، پایگاه‌ها را رها کرده و گریخته‌بودند، از این‌که جان عزیز خویش را بر کف نهاده و برای پاسداری از کیان جمهوری اسلامی و برای حفظ اقتدار و عزت انقلاب اسلامی، به میان آتش و گلوله و معرکه خطر رفتند و برای مأموریت عازم سفر شده‌اند، راه صواب نپیموده‌اند. در هر حال، ما خانواده‌های دیپلمات‌های ایرانی، ضمن تشکر و قدردانی از توجه حضرت عالی که همواره شامل حال این دردمندان بوده‌است، امید فراوانی به عنایت آن مقام محترم برای تعیین سرنوشت و آزادی این عزیزان بسته‌ایم.

در پایان، مراتب تشکر و امتنان خویش را از جناب آقای سید حسن نصرالله دبیر کل محترم حزب الله لبنان، که کوشیدند در مذاکرات تبادل اسرای لبنانی و اسرائیلی، مسئله آزادی دیپلمات‌های ایرانی را نیز در دستور کار قرار دهند، اعلام می‌داریم. همچنین از آقای «نلسون ماندلا» که دل‌سوزانه تلاش کردند در چارچوب فعالیت‌های انسان‌دوستانه، راهی برای خلاصی این عزیزان بیابند، قدردانی و مراتب سپاس خویش را اعلام می‌نماییم.»

کیهان

ضمیمه ۳۴

۱۳۸۱/۲/۵

برای آزادی دیپلمات‌های ایرانی در چنگال اسرائیل، کاری کنید!

مریم مجتهدزاده، که همسر آقای موسوی کاردار ایران در لبنان و یکی از اسرای ایرانی در چنگال اسرائیل غاصب است، فقط یک حرف دارد و مرتب بر آن تاکید می‌ورزد: «مگذارید موضوع اسارت دیپلمات‌های ایرانی به دست فراموشی سپرده‌شود»، «کاری باید کرد»، «وزارت خارجه این موضوع را

سرلوحه تمام مذاکرات خود با سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی قرار دهد.» «کاری کنید که تکلیف آنها مشخص شود!»

- همسر شما آقای موسوی، یکی از اسرای ایرانی در اسرائیل است، در مورد نحوه اسارت ایشان توضیح دهید؟

- همسرم کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت بود. زمانی که در لبنان جنگ می‌شود و همه دیپلمات‌های کشورهای دیگر، بیروت را ترک کردند، او و سایر همکارانش برای کمک‌رسانی به مردم لبنان و بررسی راه کارهای اجرایی امداد به آنها، عازم بیروت شدند. همراه ایشان حاج آقا احمد متوسلیان، یک خبرنگار و یکی دیگر از همکاران‌شان بودند. وقتی این‌ها می‌خواستند وارد بیروت بشوند، توسط نیروهای فالانژ دستگیر می‌شوند. اطلاعاتی داریم که نشان می‌دهد در چه سال‌هایی در کدام زندان‌ها آنها را نگه داشتند. بعد از چهار سال توسط نیروهای فالانژ، به رهبری سمیر جعجع، به اسرائیل فروخته شدند. حتی اسم کسی که این‌ها را به اسرائیل فروخته، طبق اسناد و مدارکی موجود است. البته اخبار ضدونقیضی در این مورد پخش شده، عده‌ای گفتند به شهادت رسیده‌اند. ولی اخبار دقیق نبوده و در ادعاهایی که در این زمینه شده، تناقضی وجود داشته و معلوم است که اسرائیلی‌ها در پخش این اخبار نقش داشته و نمی‌خواستند صراحتاً اعلام کنند که این‌ها زنده‌اند. تا این‌که چند سال پیش، احمد حبیب‌الله که نماینده سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی است، مطرح کرد که این‌ها زنده‌اند و در زندان عتلیت در خود اسرائیل نگه‌داری می‌شوند و حتی اسامی این‌ها را هم مطرح کرد. ما فکر می‌کردیم چنین خبر مهمی که از سوی یک فرد مهم مطرح شده، حداقل از سوی مجامع بین‌المللی و سازمان‌های حقوق بشر عکس‌المعمل و پی‌گیری‌هایی می‌شود. کما این‌که اگر در مورد خودشان قرار بود خبر این‌چنینی مطرح شود، زمین و زمان را به هم می‌دوختند تا ببینند سند این خبر کجاست. آیا این افراد در چنین زندانی حضور دارند یا نه. ولی متأسفانه هیچ عکس‌العملی نسبت به این خبر نشان داده نشده و در پرده‌ای از ابهام مانده است و هیچ حساسیتی را برانگیخته نکرد.

- آیا از ایران هم کسی این خبر را پی‌گیری نکرد؟

- بعداً نماینده خبرگزاری رفت پیش احمد حبیب‌الله در اردن و با او ملاقات کرد و اصل این خبر را پرسید. چون اول در روزنامه الوطن العربی به چاپ رسید، بعد از طریق خبرگزاری فرانسه نقل شد. او تأیید کرد که این خبر اصل و درست است. بعد از آن ما منتظریم که ببینیم خدا چه می‌خواهد.

- چند سال از زمان اسارت آقای موسوی می‌گذرد؟

- دقیقاً ۲۰ سال، یعنی وارد بیست و یکمین سال شده. اینها ۱۴ تیرماه ۱۳۶۱ به اسارت نیروهای فلانژ درآمدند و چهار سال بعد یعنی سال ۱۹۸۶ میلادی، اینها به سرزمین‌های اشغالی منتقل شدند.

- وزارت خارجه در این زمینه چه اقداماتی کرده است؟

- اوایل که آقای خرازی در سازمان ملل بود، اقداماتی را انجام داد و همان زمانی که اینها به اسارت درآمدند، مقام معظم رهبری رئیس جمهوری وقت بودند، یک سری دستوراتی را ایشان مبنی بر پی‌گیری قضیه دادند. البته پی‌گیری هم شد ولی یک‌جایی به بن‌بست رسید. مثلاً انتقال آنها از یک زندان به زندان دیگر و یک سری تحرکاتی در جامعه سیاسی لبنان انجام گرفت. همه اینها تحرکاتی بود که از طرف دولت و کسانی که به اینها علاقه داشتند انجام گرفت ولی بعد از آن، گویا الان ناامید شده‌اند یا به چه صورتی شده، نمی‌دانم. فقط در سالگردشان یک سری تحرکاتی در قالب بیانیه و اینها صورت می‌گیرد. منتظریم ببینیم چه می‌شود.

- وزارت خارجه آیا این موضوع را مسکوت گذاشته؟

- والله پی‌گیری می‌شود تا حدی. ما وقتی می‌رویم و می‌گوییم. قضیه را در حد بیانیه و یا ملاقات‌هایی که آقای خرازی داشته، همیشه قضیه اینها را مطرح کرده و این نبوده که نخواهد مطرح کند. ولی ببینید، به نظر من دیگر دفاع از اینها، دفاع از یک ملت است. اینها نمایندگان سیاسی نظام بودند. به عنوان افرادی عادی نرفتند. حتی اگر به عنوان افرادی عادی هم بروند، شما نگاه کنید در دنیا از حق شهروندی دفاع می‌شود. اینها از طرف نظام رفتند و این مطلب که پی‌گیری‌های بیشتری دنبال قضیه باشد، دفاع از حیثیت ملت و نظام است. ما هر وقت ملاقات داشته باشیم و بگوییم پی‌گیری کنید، همان مقطع پی‌گیری می‌شود ولی ادامه پیدا نمی‌کند. مثلاً محل ماموریت اینها لبنان بوده، دیگر باید آنجا یکی از اهم وظایف سفیر ایران در هر ملاقات این باشد که مطرح کند سرنوشت اینها به کجا رسیده. نگذارند به فراموشی سپرده بشود. چطور اسرائیل وقتی خلبانش به نام ران آراد را در زمان جنگ، در حالی که او یک نیروی حربی است، وقتی در حال بمباران مناطق مسکونی لبنان هواپیمایش ساقط می‌شود، یک روز این قضیه را به فراموشی نمی‌سپارند و هر سفیری که به ایران وارد می‌شود، قضیه او را مطرح می‌کند. چون فکرمی‌کنند دست حزب الله لبنان و یا نیروهایی است که ایران می‌تواند از نفوذ خود برای آزادسازی او استفاده کند. ولی مامی‌بینیم قضیه دیپلمات‌های ایرانی جزو اهم مسائل نیست که به عنوان سرلوحه مذاکرات مطرح بشود.

- این طوری که من شنیدم، این اسرای عزیز افراد با ایمان و اعتقادی بودند.

- اینها هدف و آرمان داشتند و دنبال هدفشان رفتند و در این بحثی نیست. هدف آنها، اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران بوده و هیچ کدام از آنها هم کسی نبودند که بدون ایده رفته باشند. واقعاً با عشق و ایمان در این راه قدم برداشتند. ولی این دلیل نمی شود که فکر کنیم چون اینها با عشق رفتند، مسئولیت ما در مقابل آنها قابل سلب شدن است. پی گیری کار اینها از واجبات است. همان طور که در قرآن هست، هر کسی نفسی را زنده کند یک ملت را زنده کرده است. زنده کردن اینها و هدفشان، زنده کردن یک ملت است. به نظر من نباید ساده از کنار این مسئله گذشت که دنیا به خودش اجازه بدهد و تعرضی را به جان و مال ایرانی انجام بدهد. شمانگاه کنید، صهیونیست ها برای اجساد سه تن از افراد خودشان حاضرند تعدادی از زندانی های فلسطینی را آزاد کنند. اینها برای افرادشان ارزش قائل نیستند و در کشور خودشان به راحتی آنها را می کشند، ولی خارج از کشور، می خواهند از این طریق برای خودشان اعتبار قائل باشند. ما هم باید بدانیم هر چه قدر برای اسرایمان سرمایه گذاری کنیم، در واقع برای اعتبار و حیثیت یک ملت کار کردیم.

- درخواست شما به طور صریح، از دست اندرکاران وزارت امور خارجه در این ارتباط چیست؟
- همان طور که عرض کردم، آقای خرازی نسبت به این قضیه حساسیت داشت و پی گیری کرده و می خواهیم که کل سیستم وزارت خارجه نسبت به این قضیه حساسیت داشته باشند. ما می خواهیم در لبنان و ایران در ملاقات هایی که می تواند به نحوی تاثیر گذار باشد، درخواست آزادی اینها مطرح شود و موضوع اینها زنده بماند.

- به عنوان کسی که سالهاست خودتان و خانواده تان مورد ظلم مستقیم اسرائیلی ها قرار گرفتید، این روزها که اسرائیل این فجایع را در فلسطین به وجود می آورد، چه حسی دارید و فکر می کنید با وجود عملیات استشهادی و آنچه که در منطقه در جریان است، وضعیت چگونه خواهد شد؟

- قطعاً با عملیات استشهادی، اسرائیل خسته می شود و مطمئناً هر حرکت حق طلبانه ای منجر به نتیجه ای مثبت خواهد شد. من امیدوارم که این وقایع به نابودی اسرائیل منجر شود و این که فلسطینی ها حق و حقوق شان را بگیرند و وضعیت اسرای ما هم مشخص بشود. به نظر من یک تصفیه خونین در جریان است و من نمی دانم که دنیای ما نسبت به این گونه قضایا بی تفاوت بماند؟ من گمان نمی کنم.
- از آخرین دیدارتان با آقای موسوی برای ما بگویید؟

- ایشان روحیه خاصی داشت. همان طور که می دانید، در زمان طاغوت هم زندانی سیاسی بود و از ۱۱ سالگی مبارزات سیاسی خودش را داشته. از ۱۵ سالگی به زندان ساواک افتاد و شکنجه های سختی به

او وارد کردند. پاهایش را شلاق زده بودند و سینه‌اش را باسیگار سوزانده بودند. ولی ایشان روحیه‌والایی داشت و همیشه می‌گفت: ما به جدمان موسی بن جعفر (ع) اقتدای کنیم. می‌گفت: این بدن برای زندان ساخته شده. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ایشان آزاد شد و یک روز که همه چیز آرام بود، به ایشان گفتم: «الحمد لله که مشکلات همه تمام شد.» با یک حالتی به من گفتم: «من به قلبم آمده که این جسم برای اسارت است.»

قبل از رفتن شان در آخرین صحبتی که باهم داشتیم، از لبنان به من زنگ زد و گفت: «من دارم از بعلبک می‌روم و احتمال دارد که هراتفاقی بیفتد، چون اسرائیل بیروت را محاصره کرده ولی ما مجبوریم که برویم، نظر شما چیست؟» به او گفتم: «از من می‌پرسی؟» گفتم: «نظر شما برای من مهم است، چون ممکن است عواقبی داشته باشد.» گفتم: «اگر مرضی حق در این رفتن است برو، سوال ندارد.» گفتم: «قطعاً رضای خدا در این رفتن است.»

گفتم: «برو و نگران مانباش، ما هم خدایی داریم.» گفتم: «پس من با خیال راحت می‌روم.» می‌خواهم بگم اینها با اعتقاد رفتند.

- آقای موسوی قبل از این که کاردار بشوند، چه شغلی داشتند؟

- ایشان دانشجوی مهندسی برق دانشگاه تهران بود. بعد که به انقلاب فرهنگی برخورد کرد و دانشگاه‌ها تعطیل شد، آن زمان بحث صدور انقلاب مطرح بود و حضرت امام (ره) خیلی بر آن تاکید داشتند. خصوصاً در لبنان که شیعیانی هستند که عاشق ایران و انقلابند. امام فرمودند: بروید آنجا و به آنها کمک کنید. ایشان هم جذب وزارت خارجه شدند. ماموریت شان راهم آنجا قرار دادند. او در جنوب لبنان سخنرانی‌های زیادی در مورد اسلام و انقلاب ایران داشت.

- فرزند شما زمانی که آقای موسوی اسیر شد، چند ساله بود؟

- یک پسر یک سال و نیمه.

- به عنوان آخرین سوال، می‌خواهم بپرسم که چه قدر امیدوارید که دوباره آقای موسوی را ببینید؟

- من صد درصد امیدوارم و در این موضوع شکی ندارم، چون همان طور که عرض کردم، بیشتر خبرها دال بر زنده بودن آنهاست، و به هر حال تازمانی که اجساد مطهر اینها برنگردد، ما وظیفه داریم که بدانیم اینها زنده‌اند و می‌توانند برگردند، تا از هیچ تلاش و کوششی برای آزادی آنها فروگذار نکنیم. البته ما راضی به رضای خداییم. اعتقادی که من با تمام وجودم دارم، این است که تا خدا نخواهد، برگی از درخت نمی‌افتد، ولی این مانع از این نمی‌شود که من از مقام معظم رهبری نخواهم که ایشان با

دم مسیحایی شان، به کالبد مرده این جریان بدمند. امیدوارم که این موضوع زنده بشود و باید بدانیم که هیچ تلاشی بی نتیجه نیست. بالاخره این موضوع باید به یک نتیجه قطعی برسد، یا باید خودشان برگردند یا اجساد مطهرشان، و این برعهده وزارت امور خارجه است که ما را به یکی از این دو نتیجه برساند.

رسالت

ضمیمه ۳۵

۱۳۸۱/۳/۸

وقایع نگار سوم خرداد، در سالروز فتح خرمشهر هم گمنام ماند!

در تاریخ کشور، آزادی خرمشهر جایگاه خاصی دارد و به راستی نماد مقاومت و پیروزی است. این پیروزی نتیجه ایثار و از خودگذشتگی دلیر مردانی بود که ارزش های دوران دفاع مقدس در آنها تجلی یافته است، لذا شناخت اسوه های پیکار مقدس در تمامی رشته های فرهنگی-هنری و حماسه سازان این نبرد سرنوشت ساز، جهت آشنایی نسل جوان ضروری به نظر می رسد. امروز که یاد و خاطره فتح خرمشهر گرامی داشته می شود، بی مناسبت نیست که یاد هم از کاظم اخوان خبرنگار عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی و حاج احمد متوسلیان که پس از شرکت در عملیات الی بیت المقدس، بیست سال پیش در لبنان همراه سید محسن موسوی کردار سفارت ایران در بیروت و تقی رستگار مقدم به اسارت نیروهای مزدور رژیم صهیونیستی درآمدند، به میان آورده شود. کسانی که این چهار شخصیت را می شناسند، به ارزش های شخصی آنان واقف هستند و نقشی که هر یک در عرصه های مختلف برعهده داشته اند براهل نظر پوشیده نیست. فرارسیدن سالروز فتح خرمشهر، فرصت مناسبی است تا باید این عزیزان به یکی از نقاط ضعف سیاست خارجی نیز اشاره داشته باشیم.

اخوان، با آغاز جنگ تحمیلی آرام و قرار نداشت، لذا سریع خود را به اهواز رساند و به ستاد جنگ های نامنظم پیوست. با حضور در این گروه، در کنار شهید بزرگوار دکتر چمران در بیش از ۷۰ عملیات و نبرد خطرناک با دوربین عکاسی و فیلمبرداری در گرما گرم نبرد حضور یافت. او یک رزمنده بسیجی هنرمند است که هنر عکاسی در وی، با جنگ متولد شد و با تشویق و تحسین شهید چمران و عشق و ایمان به ثبت لحظات ناب ایثار، رشد کرد و تبلور یافت و تبدیل به یکی از پدیده های عکاسی جنگی شد. دفاع مقدس، مجموعه ای از تفکر، اندیشه، عمل، استعدادها و مسئولیت هاست که هر کس

بنابر این نقش، بعدی از آن را پذیرا شده است و برخی در این پهنه گسترده، مسئولیتی مضاعف دارند. یک عکس و ثبت آن در اذهان، گویاتراز صدها کلام و چندین مجلد است. اخوان آن چنان در عمق زوایای حرکتی جنگ حضور داشت که برای ثبت حادثه‌ای که کم‌تر از یک لحظه و شاید تنها برای یک‌بار در طول تاریخ اتفاق می‌افتد، از هنرش بهره‌جسته است. بدیهی است حضور در عرصه‌های نبرد، نیاز به جسارت، تیزهوشی، مهارت و علاقه دارد. وی در طول یک سال و نیم زندگی مداوم در جبهه‌ها، موفق شد صحنه‌هایی بدیع و استثنایی را به تصویر بکشد تا به بیننده‌ای در سال‌های بعد ارائه دهد، تا نسل آینده ببینند و بدانند آنچه را که سال‌ها پیش اتفاق افتاده. و این رسالتی است بزرگ که یک خبرنگار باید بدان همت گمارد. او مسئولیت خود را خوب می‌شناسد. ثبت تصویر ایثارها و فداکاری‌های شیران عرصه پیکار در برابر دشمن‌زبون، زنده نگه داشتن حماسه‌هاست و می‌تواند به زندگی ملت در آینده، طراوت ببخشد. در عین حال که در صف حسینیان حضور دارد، وظیفه زینب‌گونه خود را به نحو احسن انجام می‌دهد. باید خون‌سرخ رزمندگان را برای همیشه در تاریخ ثبت کند تا نشانه‌ای باشد از ایمان آنان که اسماعیل وار گردن به حکم‌الله نهاده و زخم تیغ را به جان خرید و سرخی خون اوست که باید روح‌ها را به آتش بکشد و یادگاری ابدی در تاریخ باشد. آری، جنگی را که کاظم عکاسی کرد، با همه جنگ‌ها متفاوت بود. به راستی چه قدر در حفظ ارزش‌های دفاع مقدس تلاش کرده‌ایم و موفق بوده‌ایم؟ بانگاهی به عکس‌های اخوان، می‌توان دریافت سری پرشور او را در تهیه عکس‌ها یاری کرده. با ایمان و علاقه، به مهارت و تخصص رسیده و با جاودانه نمودن وقایع خاص جنگ، مضامین، حماسه، جوشش خون رزمندگان، ایثارها، مرگ و اسارت دشمن، ویرانی، آوارگی، بحران‌ها و... در آثارش متجلی شده‌اند. عکس‌ها بیان‌گر عشقی سرشار است. نگاه او تنها نگاه یک عکاس نیست و به عنوان یک رزمنده از منظری متعالی مشاهده‌گر وقایع بود. و همین نگاه به عکس‌های او خیره‌کنندگی خاصی بخشیده است. خاطره جانبازی و ایثارگری‌ها و شهامت‌های خودوی نیز همواره زبان‌زد هم‌زمانش بود. دوستانش او را رزمنده عکاس می‌نامیدند. یکی از ویژگی‌های عکاسی جنگ در مقایسه با فیلم مستند و سینمایی جنگی، ثابت بودن آن می‌باشد که برخلاف فیلم، در حرکت نیست. به همین دلیل واقعیت‌ها و لحظات مختلف نبرد را بهتر به ما منتقل می‌کند. در نمایشگاه بزرگ عکس به مناسبت سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی که در «موزه هنرهای معاصر» برگزار شد و در آن ۷۵ عکاس حرفه‌ای و آماتور شرکت داشتند، بنا به آرای بازدیدکنندگان، به خاطر صمیمیت و ویژگی‌های خاص و تاثیرگذار در ثبت صحنه‌های بدیع

واستثنایی، اخوان مقام اول را کسب کرد. همچنین تعدادی از کارهایش در ویژه‌نامه منتشر شده توسط ستاد تبلیغات جنگ در ۲۲ بهمن ۱۳۶۱ که حاصل کار عکاسان حرفه‌ای جنگ بود، چاپ شد و در این میان یکی از عکس‌های استثنایی گرفته شده توسط او، به عنوان طرح روی جلد آن انتخاب شد. اما این که چرا در طول بیست سال گذشته، حداقل بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، از کارهای ارزنده این خبرنگار دربند استفاده نکرده است، بازیافت این پاسخ، علاقه‌مندان آثار و ارزش‌های دوران دفاع مقدس را مکدر می‌کند. اخوان پس از ثبت لحظات تاریخی و حساس فتح خرمشهر در تیرماه ۱۳۶۱، بعد از حمله گسترده زمینی، دریایی، هوایی رژیم صهیونیستی، به همراه یک هیئت دیپلماتیک، داوطلبانه عازم لبنان شد. علیرغم این که برخی از دوستانش با توجه به محاصره بیروت و شرایط خاص یک کشور اشغال شده، به او توصیه کردند از چنین سفر خطرناکی صرف نظر کند، او تاب نیاورد و راهی لبنان شد، با علم به این که می‌دانست ممکن است این سفر، مرگ و اسارت را در پی داشته باشد.

حضور مداوم در جبهه‌های نبرد از یک سو، و تحت تعلیمات فکری شهید چمران قرار گرفتن از سوی دیگر، عارفی سلحشور از وی ساخته بود که از خطرات در راه نهراسد. این بار می‌خواست با دوربینش، اشغالگران صهیونیست را نشانه برود و با به تصویر کشیدن مقاومت مردم فلسطین و لبنان، چهره جنایت‌پیشگان اسرائیل نژادپرست را، بیش از پیش برای جهانیان رسوا سازد، اما قبل از ورود به بیروت، در پست بازرسی نیروهای فالانژیست وابسته به صهیونیست‌ها، ربوده شد و از آن تاریخ تاکنون اخبار ضدونقیضی در ارتباط با سرنوشت او و همراهانش مبنی بر شهادت و یا اسارت در چنگال اسرائیل، در داخل و خارج از کشور منتشر شده است. پی‌گیری‌های به عمل آمده از سوی خانواده‌های آنان نیز منجر به روشن شدن سرنوشت عزیزان‌شان نشده است. تیرماه سال گذشته، در نامه‌ای سرگشاده خطاب به رئیس جمهوری، از بی‌توجهی مسئولین انتقاد کردند و خواستار پی‌گیری موضوع به عنوان یک پرونده ملی به طور جدی شدند. آقای خاتمی در ابتدای کارشان بر دفاع از حقوق اتباع ایرانی تاکید داشتند و حتی در مراسم تحلیف اولین دوره ریاست جمهوری خود در خانه ملت، اظهار داشتند: «برای دولت، حراست از حقوق اتباع ایرانی در سراسر گیتی اهمیت ویژه‌ای خواهد داشت.» البته این نکته مهمی در سیاست خارجی کشور بود که مورد تغافل دولت‌های قبلی قرار گرفته بود. متأسفانه باید متذکر شد، دستگاه سیاست خارجی علیرغم توجه رئیس جمهوری، تارسیدن به این نقطه و درک اهمیت و ضرورت آن، فاصله زیادی دارد. علاوه بر این، مفهوم دفاع از حقوق شهروندان در نزد رسانه‌های جمعی و مجلس شورای اسلامی نیز از توجهی درخور و شایسته، بی‌نصیب بوده است. این در حالی است که

امروزه حمایت سیاسی و دفاع از حقوق شهروندان یک کشور در کشورهای دیگر، از وظایف اصلی دستگاه سیاست خارجی دولت‌هاست. نماد تراژیک و غم‌انگیز دفاع از حقوق اتباع ایرانی در خارج از کشور، پی‌گیری سرنوشت ۴ گروگان ایرانی در طول بیست سال گذشته است و وزارت امور خارجه نتوانسته و یا نخواسته پاسخ مسئله را بیابد.

برادر کاظم اخوان، به مناسبت روز خبرنگار، در نامه‌ای خطاب به رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی نوشت: «آنچه در کشور ما نسبت به سرنوشت این چهار تن روایت می‌شود، اگر در یک کشور غربی اتفاق می‌افتاد، برای دولتمردان آن یک خجالت و فاجعه ملی محسوب می‌شد، اما در کشور ما آب از آب تکان نمی‌خورد و حتی عملکرد ۱۹ ساله آنان در قبال این قضیه، یعنی طولانی‌ترین گروگان‌گیری عصر حاضر، در معرض ارزیابی و تحلیل قرار نمی‌گیرد و هیچ عکس‌العملی وجود ندارد.» و از نمایندگان مجلس درخواست نموده پس از ۱۹ سال، وزارت امور خارجه را مکلف به پاسخ‌گویی کند.

همچنین وی در بهمن ۸۱ در نامه‌ای خطاب به دبیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی، ضمن انتقاد از بی‌اعتنایی برخی مراجع داخلی به سرنوشت چهار دیپلمات ربوده شده پس از ۱۹ سال، انتقاد کرد که: «به درخواست خانواده‌ها مبنی بر تشکیل کمیته حقیقت‌یاب، توجهی نشده و پس از گذشت بیش از شش ماه از تاریخ مکاتبه با رئیس جمهوری محترم و رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، این تلاش هیچ‌گونه پاسخ و نتیجه‌ای در پی نداشته است.» جالب است بدانید متن فوق، توسط خبرگزاری جمهوری اسلامی سانسور شده و فقط در یک روزنامه چاپ شد.

مفهوم دولت پاسخ‌گو چیست؟ چه نگرانی از مخبره چنین خبری وجود داشت؟ مفهوم دفاع از حقوق شهروندان ایرانی در رسانه‌های جمعی ما چه جایگاهی دارد؟ سایر کشورها رفتار ما را در برابر دفاع از سه دیپلمات و خبرنگار کشورمان چگونه ارزیابی می‌کنند؟ واقعا رسانه‌های گروهی ما در طول بیست سال گذشته، تا چه حد سرنوشت خبرنگار عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی و همراهان او را دنبال کرده‌اند؟ کسانی که خود را موظف به پی‌گیری سرنوشت خبرنگاران می‌دانند، چنان نسبت به سرنوشت این خبرنگار شجاع و حماسه‌نگار جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، بی‌تفاوت هستند؟ خبرنگاران خبرگزاری، در طول بیست سال گذشته، حتی یک بیانیه در حمایت از همکار در بند خود صادر نکرده‌اند. علاوه بر این که پی‌گیری موضوع یک مسئولیت ملی بود، حداقل اخلاق حرفه‌ای

ایجاب می‌کرد فعالانه‌تر پی‌گیر مسئله باشند. انصافا مطبوعات، خبرگزاری و صداوسیما، در طول این سالیان، برای مصاحبه و اطلاع از سرنوشت اخوان و همراهانش، به مسئولان و خانواده‌های آنان مراجعه داشته‌اند؟

پس از کشته شدن ایلی حبیقه یکی از عوامل اصلی این گروگان‌گیری در لبنان، هفته‌نامه دوکوهه در شماره بهمن‌ماه خود نوشت: «اخبار موثق از منابع پراکنده، حکایت از آن داشت که چهارگروگان ایرانی احتمالا به جز سیدمحسن موسوی، همان‌روز یا چندروز بعد، به دستور ایلی حبیقه اعدام شدند.» پیش از این نیز سفیر سابق ایران در سوریه حجت‌الاسلام اختر، طی مصاحبه با ماهنامه فکه در سال ۷۸ اعلام کرد: «من بر حسب اطلاعاتی که دارم و چیزهایی که از مسئولان کشور سوریه و دیگران شنیده‌ام، معتقدم که آنها حیات ندارند.»

گرچه موارد مطروحه فوق، بدون استناد به مدارک لازم بوده در عین حال نمی‌توان ساده از کنار آنها گذشت و البته هیچ‌گاه از تایید رسمی برخوردار نشده‌است. از طرفی مسئولان وزارت خارجه نیز این دست مطالب را تکذیب نکرده‌اند. آنچه مسلم است، دست یافتن به حقیقت غیرممکن نیست. فرزند سیدمحسن موسوی در اردیبهشت ماه سال جاری در گفت‌وگو با روزنامه قدس، اعلام کرد: «بر اساس توافق صورت گرفته بین ایران و سوریه برای روشن شدن موضوع، قرار بوده دوطرف نماینده‌ای معرفی کنند، اما از آن زمان تاکنون، علیرغم مشخص شدن نماینده سوری‌ها، ایران نماینده‌ای را معرفی نکرده‌است.»

اگرچه ایلی حبیقه مسئول بخش اطلاعاتی فالانژیست‌ها، در بهمن سال گذشته به هلاکت رسید، اما سمیر جعجع فرمانده سابق آنها، که اینک به دلیل جنایت بی‌شمار، در زندان به سر می‌برد، به طور قطع از سرنوشت این چهار شهروند ایرانی اطلاع دارد. شایان ذکر است در هنگام محاکمه وی در لبنان، قرار بود یک وکیل از کشورمان برای پی‌گیری و طرح موضوع در جلسات دادگاه شرکت نماید، متأسفانه در اینجانبین قصور شد. این حق مسلم خانواده‌های آنان است که به عنوان شهروندان ایرانی، از سرنوشت عزیزان خود آگاه شوند. چنانچه عده‌ای بخواهند موضوع را تعمداً در هاله‌ای از ابهام و تاریکی نگاه دارند، این عمل غیرانسانی است. به راستی چه کسی باید صدای مظلومیت این خانواده‌ها را بشنود، درحالی‌که با اخبار متناقض، روح و روان آنها در برزخ بی‌پاسخی رها شده است. نباید آنچه بر سر آنها آمده، مسئله‌ای مربوط به دیگری قلمداد شود. امیدواریم در بیستمین سالگرد به گروگان گرفته شدن

۴۲۶ □ کمین جولای ۸۲

این عزیزان، وزارت امور خارجه به این بن بست فرساینده خاتمه دهد. در پایان به صبر و پایداری خانواده‌های آنان درود می‌فرستیم.
شاهرخ سلطان احمدی

کیهان

ضمیمه ۳۶

تیر ۱۳۸۱

از کاظم اخوان چه خبر؟!

- جناب آقای حسین اخوان، به عنوان بردار کاظم، لطف بفرمایید و برای ما از اقدامات اولیه‌ای که پس از اسارت کاظم و همراهانش انجام شد بگویید:

اخوان: اقدامات اولیه که آنچنان نبود، ولی یک ماه پس از این که کاظم و همراهانش به اسارت درآمدند، نمایندگان رسانه‌های خبری خارجی که در ایران مستقر بودند، با انتشار بیانیه‌ای مشترک با عنوان «عکاس ایرانی را آزاد کنید» از کلیه سازمان‌ها و سندیکاها، مطبوعات و بین‌المللی که به منظور حفاظت از جان خبرنگاران در برابر خطرات و ارباب ایجاد شده‌اند، خواستند تا اقدامات عاجل و فوری را برای آزادی او از اسارت شبه نظامیان مسیحی لبنان به عمل آورند.

- وزارت امور خارجه ایران و سایر مسئولین کشور، چگونه این مسئله مهم را پی‌گیری کردند؟
اخوان: همان موقع مسئولین وزارت خارجه پی‌گیر شدند ولی خب به نتیجه‌ای که باید، نرسیدند. در اینجا باید متذکر شوم که ما قصد نداریم به اقدامات انجام شده به صورت سیاه و سفید نگاه کنیم؛ به همین لحاظ به همه تلاش‌های انجام شده ارج می‌نهیم، اما اگر نسبت به عملکرد مسئولین ذیربط و حتی رسانه‌های جمعی انتقاد جدی داریم، آنرا به جا و منطقی می‌دانیم و معتقدیم اقداماتی که تاکنون انجام شده، پراکنده و مقطعی بوده و نه ریشه‌ای و برنامه‌ریزی شده. هر کس هم که مدعی است درست عمل شده، حاضریم با او به مناظره بنشینیم که از دو حال خارج نیست: یا نتوانسته‌اند و یا نخواستند که مسئله را به موقع و به جا حل کنند که امروز می‌بینیم در بیستمین سالگرد مفقودی چهار شهروند ایرانی، از سرنوشت آنان خبر موثقی در دست نیست. به دلایلی، تا سال ۱۳۶۵ قضیه اسارت چهار ایرانی مسکوت مانده بود تا این که به دنبال اظهارات آقای هاشمی رفسنجانی در یک

کنفرانس مطبوعاتی در پاسخ به سوال خبرنگاران انگلیسی درباره وضعیت و سرنوشت تری ویت فرستاده ویژه کلیسای کانتربری انگلیس به لبنان- که بعداً معلوم شد از سوی سازمان جاسوسی آمریکا سیا، مأموریت ویژه‌ای داشته- که درخواست اسقف اعظم آن کلیسا را از ایران برای پی‌گیری مسئله تری ویت و این‌که وی در تماس با مجامع مسیحی لبنان تلاش خواهد کرد تا وضعیت چهارگروگان ایرانی نیز روشن شود، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی در پاسخی مورخه ۱۳۶۵/۱۲/۱۸ به وی اطمینان داد که از دوستان خودمان در لبنان و سوریه خواسته‌ایم جداً برای پیدا کردن اثری از تری ویت اقدام کنند و جناب عالی نیز هرچه زودتر نتیجه تلاش خودتان را درباره یافتن چهار ایرانی ربوده شده و برگرداندن آنان به آغوش خانواده‌هایشان اعلام نمایید.

- آیا این مکاتبات و نامه‌نگاری‌ها نتیجه‌ای هم به دنبال داشت؟

اخوان: نخیر. البته برای غربی‌ها چرا! چون تری ویت و تمامی گروگان‌های غربی، با وساطت سازمان ملل متحد و تلاش و همکاری جمهوری اسلامی ایران آزاد شدند، ولی سرنوشت گروگان‌های ایرانی همچنان نامشخص ماند و متأسفانه پس از بازتاب آزادی گروگان‌های غربی در رسانه‌های گروهی و خبری جهان مبنی بر بسته شدن پرونده گروگان‌ها در لبنان، این موضوع در رسانه‌های خبری داخل کشور نیز به همین شکل و بدون اشاره به مشخص نشدن سرنوشت چهار ایرانی منعکس شد. حال این سوال به جاماند که: آیا مسئولین دستگاه دیپلماسی ایران نمی‌توانستند در هنگام آزادی گروگان‌های غربی، خواهان اعمال نفوذ آنها بر فالانژها و حتی رژیم صهیونیستی برای روشن نمودن تکلیف گروگان‌های ایرانی شوند و یا تضمین کاری برای پی‌گیری این مسئله بگیرند؟

- پس از رهایی گروگان‌های غربی، در حالی که شما اولین قربانیان بحران گروگان‌گیری اتباع خارجی در لبنان بودید، چه اقداماتی انجام دادید؟

اخوان: غربی‌ها در روند آزادسازی گروگان‌ها، به صورت یک طرفه، تمامی آنها را آزاد کرده، به کشور و خانواده‌هایشان بازگرداندند. جالب اینجاست که حتی بعد از آزادی، غرامت هم گرفتند؛ اما سرنوشت شهروندان ایرانی همچنان در بوته فراموشی فرورفت. پس از گذشت دو سال و عدم پی‌گیری وزارت امور خارجه، که به نظرمی رسید پرونده گروگان‌های ایرانی جزو پرونده‌های بسته آنان درآمده است، و این چهار شهروند ایرانی در دیپلماسی خارجی و رسانه‌ای، نه تنها جایگاهی ندارد، بلکه به صورت یک خاطره فراموش شده درآمده‌اند، که باید آن را دیپلماسی تغافل نامید، عدم آزادی گروگان‌های ایرانی، همواره یک برگ منفی در سیاست خارجی کشور برجاماند. مرحوم پدرم رضا

اخوان، که سال‌ها یعقوب‌وار چشم‌به‌راه زیست، وقتی شرایط را چنین دید، در اردیبهشت‌سال ۱۳۷۲ طی یک رنج‌نامه مطول باعنوان «از رویا تا واقعیت‌تلخ» که در روزنامه‌جمهوری‌اسلامی منتشرشد، ضمن نقد عملکرد مسئولین، به تشریح ابعاد مختلف قضیه پرداخت. ما در طول یک‌سال و نیم حضور مداوم کاظم در عرصه‌های دفاع مقدس، همواره آمادگی دریافت خبرسارت و یا شهادت او را داشتیم.

چهاردهم تیرماه سال ۱۳۷۲ در سالگرد اسارت آنها، با هماهنگی‌های به‌عمل‌آمده با دیگر خانواده‌ها، طی یک بیانیه اعتراض‌آمیز که صادرشد، نسبت به بی‌توجهی مسئولین امر انتقاد کردیم و از مجلس شورای اسلامی و کمیسیون سیاست خارجی درخواست کردیم که به‌موضوع رسیدگی نمایند. در سال‌های ۷۳ و ۷۴ همین بیانیه در برخی از مطبوعات در سالگرد فقدان آنان، مجدداً منتشرشد که خانواده سید محسن موسوی با مرحوم پدرم تماس گرفتند و گفتند: «وزیر خارجه ناراحت شده، دیگر این کار رانکنید که به‌ضرر ریچه‌هاست!» من در سال ۱۳۷۵ همان بیانیه را برای تعدادی از نمایندگان و اعضای کمیسیون سیاست خارجی در مجلس چهارم ارسال کردم که در اسفند همان‌سال، موضوع در کمیسیون با حضور مسئولین وزارت خارجه بررسی شد، ولی آنان به‌جای پاسخ به‌مسئله، به یک‌باره صورت مسئله را پاک کردند. درست یک‌ماه بعد، رئیس انجمن حمایت از زندانیان در بند رژیم صهیونیستی، اعلام کرد که چهار ایرانی در زندان‌های مخفی اسرائیل به‌سر می‌برند. البته وی اسامی آنها را مشخص نکرده بود.

- به‌نظرمی‌رسد خانواده‌ها در دهه اول اسارت آنان، و پس از سال ۱۳۷۲، نسبت به پی‌گیری قضیه منفعلانه برخورد کرده و هماهنگی لازم را در دنبال کردن امرفوق ندارند و شاید بتوان گفت عزم‌شان آن‌چنان که تصور می‌رود، جزم نیست؛ مثل پی‌گیری برخی خانواده‌های زندانیان اخیر که به جرائم مختلف از جمله خیانت و... بازداشت شده‌اند و خانواده‌های‌شان شدید پی‌گیر مسئله‌شان شدند تا به نتیجه مطلوب نظر خودشان برسند.

اخوان: ببینید، اگرچه این دو موضوع به‌لحاظ ماهیتی بایکدیگر کاملاً متفاوت هستند، اما من ادعان می‌کنم که خانواده‌های گروگان‌ها نیز در پی‌گیری‌های‌شان قصور داشته و یا باهم هماهنگ نبوده‌اند. مشکل دیگر این است که سه نفر از آنان مجرد بوده و دارای همسر و فرزند نبوده‌اند. خب این در انگیزه پی‌گیری تأثیر دارد. ما در مشهد ساکن هستیم، خانواده تقی رستگار در قم زندگی می‌کنند، خانواده حاج احمد متوسلیان هم که پدر و مادرش ساکن تهران هستند ولی به دلیل کهولت سن

توان پی‌گیری ندارند، خانواده سیدمحسن موسوی هم که در تهران هستند، بنا بر دلایلی که عنوان می‌کنند چون موسوی کارمند وزارت خارجه بوده و... لذا محذوراتی در طرح و پی‌گیری قضیه دارند؛ لذا بدیهی است که پی‌گیری مستمر و برنامه‌ریزی شده خانواده‌ها، می‌توانست تأثیر بیشتری داشته باشد. جادارد تا مسئله‌ای را برایتان شرح دهم و آن این‌که: یکی از عواملی که حتی باعث شد مسئله گروگان‌های آمریکایی منجر به ماجرای «ایران‌گیت» شود، اقدامات خانواده‌های آنان بود. یکی از کارکنان سازمان جاسوسی آمریکا در کتابش با عنوان «زندگی من در سیاه» وقتی به مسئله ایران‌گیت می‌رسد، می‌نویسد: «مشکل گروگان‌های لبنان، این فاجعه بغرنج که بر بسیاری از فعالیت‌های دولت آمریکا سایه افکنده بود، قطعاً تأثیر عمیقی بر کاخ سفید داشت. نگرانی‌های اخلاقی و انسانی، فکر ریگان را به خود مشغول کرده بود و او دائماً همکاران خود را ترغیب می‌کرد که راهی برای حل این معضل پیدا کنند. خانواده‌های گروگان‌ها دائماً با مطبوعات مصاحبه می‌کردند و بر سیاست و سایر سازمان‌های دولتی فشار وارد می‌کردند که کاری انجام دهند.»

خب البته شرایط ما چون در یک کشور جهان سوم هستیم، فرق می‌کند. یعنی جایی که با خیلی از مسائل ساده‌انگارانه و سطحی برخورد می‌شود و این برمی‌گردد به تلقی و حساسیت دفاع از حقوق اتباع ایرانی در خارج از کشور نزد دولت، دستگاه سیاست خارجی، رسانه‌های جمعی و مجلس شورای اسلامی. ما از تیرماه سال ۱۳۸۰ بنا را بر این گذاشتیم که به‌طور مستمر و به‌طور مختلف، از راه‌هایی که امکان پی‌گیری وجود داشته باشد، مسئله را به‌طور جدی دنبال کنیم تا ان‌شاءالله در بیستمین سالگرد آن عزیزان بتوانیم به پاسخی روشن برسیم. علاوه بر این معتقدیم حتی باید سرنوشت سایر ناپدیدشدگان که ۳ نفر دیگر نیز هستند، و برای اولین بار در سال ۱۳۷۲ سفارت ایران در بیروت اعلام کرد که در همان سال ۱۳۶۱ سه شهروند ایرانی دیگر در لبنان ناپدید شده‌اند، روشن شود.

- لطفاً برای ما بفرمایید که طی یک سال گذشته چه اقداماتی انجام داده‌اید؟

اخوان: علاوه بر نامه سرگشاده‌ای که از سوی خانواده‌ها در سالگرد اسارت آنان به رئیس‌جمهوری ارسال شد، ۱۳۸۰/۴/۱۸ خانواده‌ها دیداری با رئیس مجلس شورای اسلامی جناب آقای کروبی داشتند که ایشان بر «ضرورت تشکیل کمیته‌ای در مجلس به منظور پی‌گیری موضوع» تأکید داشتند و اظهار امیدواری کردند که: «با تلاش نمایندگان مجلس، گام‌های اساسی در این زمینه برداشته شود.» همچنین به مناسب روز خبرنگار، به سراغ خبرنگاری جمهوری اسلامی ایران - و خبرگزاری دانشجویان ایران - رفتیم و مصاحبه‌هایی انجام شد و به ریاست کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی نامه‌ای با

عنوان «انتظار خانواده‌های گروگان‌های ایرانی ربوده شده در لبنان از مجلس ششم» با توجه به اقدامات ادوار گذشته مجلس شورای اسلامی، نوشته و مجدداً درخواست تشکیل کمیته حقیقت‌یاب را برای روشن شدن موضوع نمودیم، که رونوشت نامه نیز برای کلیه اعضای کمیسیون و هیئت رئیسه و ریاست کمیسیون اصل ۹۰ مجلس ارسال شد. پس از گذشت ۶ ماه از مکاتبه با رئیس جمهوری، و همین‌طور رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس که پاسخی دریافت نکردیم، با دبیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی مکاتبه کردیم و درخواست پی‌گیری موضوع را دادیم که رونوشت این نامه نیز پیرو مکاتبات قبلی، برای همه مسئولین ذکر شده ارسال شد. امسال نیز به مناسبت آغاز سال نو، مجدداً نامه‌ای برای رئیس جمهوری نوشتیم. با توجه به کشته شدن ایلی حبیقه و مطالب مطرح شده در مطبوعات مبنی بر «کشته شدن قاتل گروگان‌های ایرانی»، و پیش از این نیز اخبار غیررسمی در خصوص شهادت این عزیزان که در داخل و خارج از کشور منتشر شده بود، و حتی در یک ماهنامه با تیتردرشت و به صورت علنی شهادت آنان اعلام شده بود، که این دست مطالب هیچ‌گاه از سوی وزارت امور خارجه تکذیب نشده و شواهد و قرائن مختلف نیز نشان‌گر آن است که موضوع چهارگروگان ایرانی به‌طور جدی در دستور کار مسئولین امر قرار ندارد، لذا بیش از این نباید روح و روان خانواده‌ها آماج چنین اخباری قرار گیرد و حقیقت هر چه که هست، به ما اعلام شود و چنانچه عده‌ای تعمداً بخواهند موضوع را در حاله‌ای از ابهام و تاریکی نگه دارند، این عمل غیرانسانی است و برای چندمین بار درخواست ملاقات حضوری خانواده‌ها با ایشان عنوان شد. رونوشت این نامه نیز پیرو مکاتبات قبلی، برای هیئت رئیسه مجلس، رئیس و تک‌تک اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، رئیس کمیسیون اصل ۹۰ و دبیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی ارسال شد؛ علاوه بر اینها، تلاش می‌کنیم تا از طریق نمایندگان مجلس، موضوع در قالب سوال از وزیر امور خارجه، در جلسه مجلس شورای اسلامی طرح شود.

- آیا پی‌گیری‌های شما در طول یک سال اخیر، نتیجه‌ای هم در پی داشته است؟

اخوان: متأسفانه جناب آقای خاتمی و دفترایشان، پاسخ هیچ‌کدام از نامه‌های ما را نداده‌اند و در خصوص درخواست‌های مکرر برای ملاقات نیز جواب مثبتی دریافت نکردیم. نمی‌دانم شاید در برابر بیست سال زندگی خانواده‌ها در بیم و امید، دیدار با رئیس جمهوری انتظار زیادی است! من فکرمی‌کنم پس از دوده صبر و پایداری، زمان آن فرارسیده باشد که مسئولین پاسخ‌روشنی به ما بدهند. آن چیزی که برای ما مهم می‌باشد، حقیقت است. در دیدار با رئیس مجلس نیز ایشان بر تشکیل

کمیته پی گیری در مجلس تأکید داشتند، عملاً اقدامی صورت نگرفت و هیچ خبری از تشکیل چنین کمیته ای نشد! رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی نیز علیرغم سه مرحله مکاتبه، هیچ پاسخی به ما ندادند و اطلاعی نداریم که آیا اقدامی شده یا نه. از میان دیگر اعضای کمیسیون که رونوشت نامه برای آنها ارسال شده است، فقط آقای «اعلمی» نامه اول ما را و درخواست کمیته حقیقت یاب را برای وزیر امور خارجه ارسال داشته اند که همین جا لازم می دانم از ایشان تشکر کنم که حداقل به نامه ما توجه کردند. همچنین کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، پس از وصل نامه ما، در تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۲۶ با معاون کنسولی و امور مجلس وزارت امور خارجه مکاتبه نموده که از پاسخ مربوطه اطلاعی دریافت نکرده ایم. کمیسیون حقوق بشر اسلامی نیز در پاسخ به نامه ما اعلام داشته که بخش بین الملل کمیسیون، طی سال های اخیر مکرراً موضوع را به مراجع طرف تماس در صحنه بین المللی منعکس نموده ولی نتیجه موثری در بر نداشته است و پس از وصل نامه شما، مجدداً ارسال نامه هایی در این زمینه خطاب به سازمان های مختلف طرف ارتباط، در دستور کار می باشد. همچنین مکاتبه ای با بخش مربوطه وزارت امور خارجه انجام پذیرفت تا به عنوان نماینده حکومت جمهوری اسلامی و مسئول حمایت از اتباع کشور خود، پی گیری های موثری را عینیت بخشد. خانم دکتر «الهه کولایی» نماینده تهران در مجلس، نیز طی یادداشتی به تاریخ ۱۳۸۱/۲/۱۸ در پاسخ به آخرین نامه ما نوشتند: «متأسفانه وضعیت دردناک برادر شما و دیگر عزیزان در بند و مفقود شده، ناشی از مشکلات موجود در سیاست خارجی ماست که امیدوارم با بهبود آن، این مشکل هم حل شود.»

- با توجه به منش و شخصیت آقای خاتمی، به نظر شما چرا ایشان پاسخ نامه های خانواده ها را نداده و یا درخواست ملاقات با آنان را نپذیرفته اند؟

اخوان: من احتمال می دهم که معذورات اخلاقی باشد. من این سخن ایشان را در مراسم تحلیف دومین دوره ریاست جمهوری شان به یاد می آورم که گفتند: «خواهم کوشید در نسبت میان اخلاق و سیاست، اخلاق را مقهور سیاست نکنم.» یک دلیل دیگر هم، می تواند بحث شهادت این عزیزان باشد؛ لذا انگیزه لازم وجود ندارد، چون تاکنون اخبار ضد و نقیضی در این ارتباط در داخل و خارج کشور منتشر شده است، اما وقتی آنها را کنار هم می گذارید، به یک نتیجه مشخص نمی رسید؛ مثلاً ابتدا سمیر جعجع ادعای کرد که چهارگروگان ایرانی به دستور فرمانده بخش امنیتی این نیروها - ایلی حبیقه - کشته شده اند، ولی حبیقه مدعی بود که آنان توسط سمیر جعجع به قتل رسیده اند؛ در حالی که پس از انحلال و اضمحلال نیروهای فالانژ و اعلام عفو عمومی در لبنان، ایلی حبیقه تشکیل حزب داد و

به نمایندگی پارلمان و حتی وزارت در دولت لبنان رسید. در آنجا بود که وی اعلام کرد این چهارتن سال ۱۳۶۶ توسط سمیر جعجع از طریق دریا، به اسرائیل منتقل شده‌اند و براین قضیه حتی تاچندی قبل از کشته شدنش در حادثه انفجار در سال ۱۳۸۰ در لبنان، تأکید داشت. اما فردی به نام رویبر حاتم معروف به کبرا، که طی بیست سال گذشته محافظ شخصی ایلی حبیقه بوده است و هم‌اکنون در فرانسه اقامت دارد، علاوه بر انتشار کتاب خاطرات خود با عنوان «از اسرائیل به دمشق»، در مصاحبه با هفته‌نامه الوطن العربی چاپ پاریس، و روزنامه الشرق الاوسط چاپ لندن و شبکه تلویزیونی الجزیره، تأکید کرد که چهار ایرانی ربوده شده در سال ۱۹۸۲ به دستور شخص ایلی حبیقه به قتل رسیده‌اند. از طرف دیگر نیز اسرائیل روشن شدن سرنوشت این چهارتن را منوط به مشخص شدن وضعیت ران آراد دانسته است. متأسفانه تا بهمن سال گذشته که ایلی حبیقه زنده بود، دولت ایران آن‌گونه که انتظار می‌رفت، بر دولت لبنان فشار نیاورد و سرانجام یکی از عوامل اصلی و مهم اسارت چهار ایرانی، کشته شد. البته بدیهی بود که حبیقه به عنوان یک نماینده و یا وزیر دولت لبنان، تحت شرایط عادی به هیچ وجه این اتهام را نپذیرد؛ اما در هنگامه محاکمه سمیر جعجع، این امکان وجود داشت که به دادگاه احضار شود. آنچه مسلم است، وی با موقعیت و سمتی که داشت، به عنوان مسئول بخش امنیتی و اطلاعاتی حزب فلالانژ، قطعاً از سرنوشت آنان آگاه بوده است. به هر حال از شخص مرده نمی‌توان اطلاعاتی کسب کرد، اما هنوز سرنخ‌هایی وجود دارد. دست یافتن به حقیقت غیر ممکن نیست، البته اگر مسئولین بخواهند. اولاً این که جعجع یکی از عوامل اصلی گروگان‌گیری که چند سال پیش به دلیل جنایات بی‌شمار در لبنان، دستگیر و محاکمه و سرانجام به حبس ابد محکوم شده است، هم‌اکنون دوران محکومیت خود را طی می‌کند و هیچ بعید نیست عفو بخورد و آزاد شود. متأسفانه در زمان رسیدگی به پرونده وی، از سوی وزارت امور خارجه مسئله بودن چهار ایرانی به عنوان یکی از اتهامات او به طور جدی دنبال نشد. جعجع و حبیقه در زمان اسارت گروگان‌های ایرانی به صورت مشترک عمل می‌کردند و نقش کلیدی داشته‌اند؛ بنابراین وی در جریان آنچه بر آنان گذشته، قرار دارد و دولت ایران باید برای روشن شدن حقیقت، از طریق دولت لبنان و حتی نفوذ دولت سوریه، تلاش کند. ثانیاً کسانی که گفته می‌شود در جریان کشته شدن و یا انتقال آنان به اسرائیل نقش داشته‌اند، و یا اطلاعاتی در این زمینه دارند، قابل دسترسی در داخل و خارج لبنان می‌باشند. فقط کسی باید به آنها مراجعه کند؛ خصوصاً با کشته شدن حبیقه، هم دولت ایران محذورات گذشته را ندارد، و هم فرماندهان نیروهای اسبق فلالانژ، بدون دغدغه می‌توانند حقایق را آشکار کنند. فقط نیازه پی‌گیری دارد و این که دولت لبنان نیز در قبال تعهدات متعارف خود

به عنوان یک دولت، پاسخ‌گو باشد. مشکل اصلی از آنجا ناشی می‌شود که یک عزم ملی برای پی‌گیری موضوع وجود ندارد و از طرفی هم کسی نیز در برابر خانواده‌ها و افکار عمومی پاسخ‌گونیست. - به نظر شما چرا موضوع به عنوان یک مسئله ملی و انسانی مطرح نشده است؟

اخوان: یکی از اشتغالات ذهنی من در طول این سال‌ها، یافتن پاسخی برای این سوال بود که چرا ما برعکس غربی‌ها، در دفاع از حقوق شهروندانمان در خارج از کشور، جدی نیستیم؟! چرا حقوق آنان به راحتی پایمال می‌شود؟ خب دولت و وزارت خارجه، مجلس شورای اسلامی و رسانه‌های خبری، باید حساسیت لازم را داشته باشند که ندارند. غربی‌ها همواره سعی می‌کنند جهت بالابردن احترام بین‌المللی خود، وجهه و احترام اتباع کشورشان را در نقاط مختلف دنیا بالابردند و شدیداً در پی حفظ آن و در صورت امکان بالابردن مرتبه و شان اتباع خود هستند؛ چراکه این امر از نظر روانی در طرف مقابل موثر است، به شکلی که متوجه باشد هرگونه تعرض نسبت به حقوق اتباع غربی، هزینه سنگینی دارد. برای همین است که وقتی یک شهروند غربی در کشور دیگری مشکل پیدامی‌کند، برای حل آن، پیشرفته‌ترین شیوه‌های دیپلماسی را به کار می‌گیرند؛ در حالی که ما در خصوص ارائه مظلومیت و احقاق حقوق خود در حد زنده نگه داشتن آن در شکل جهانی، فاقد هرگونه سیاست برنامه‌ریزی شده هستیم؛ اگرچه آقای خاتمی به اهمیت موضوع دفاع از حقوق شهروندان توجه داشته‌اند. - آیا طی این بیست سال، در وزارت امور خارجه کمیته‌ای و یا ستادی و حتی اشخاص خاصی برای پی‌گیری موضوع، وجود داشته و یا فرد مشخصی تاکنون از سوی این وزارتخانه باشما در ارتباط مداوم بوده است؟

اخوان: نخیر. پاسخ این سوال پرغصه است. هیچ‌یک از مواردی را که سوال کردید وجود نداشته و ندارد. فرزند آقای موسوی نیز سال گذشته در گفت‌وگو با مجله شما، این موضوع را تایید کردند؛ در صورتی که وزارت امور خارجه ما حتی نسبت به کشورهای توسعه‌یافته، یکی از عریض و طویل‌ترین وزارت خارجه‌های دنیاست و گفته می‌شود ۷۰۰۰ پرسنل دارد، که دوسه برابر بسیاری از دیگر کشورهاست. متأسفانه باید گفت این دستگاه بوروکراتیک، فاقد تحرک و برنامه در این زمینه است و از همه مهم‌تر این‌که، خود را پاسخ‌گو نمی‌داند. اگر دولت پاسخ‌گوست، باید بپذیریم که از وزارت امور خارجه نیز انتقاد بشود.

- عملکرد رسانه‌های جمعی شامل شبکه‌های متعدد رادیو و تلویزیونی سازمان صدا و سیما، خبرگزاری جمهوری اسلامی و مطبوعات را در دفاع از کاظم اخوان به عنوان یک خبرنگار و همکار، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اخوان: در اینجا وظیفه خود می‌دانم از پی‌گیری‌ها و طرح‌جدی مسئله چهارگروگان ایرانی توسط مجله فکه، در شرایطی که دیگران توجهی ندارند، تشکر و قدردانی کنم. همچنین از روزنامه سلام که در گذشته، اصولی قضیه را دنبال می‌کرد، و روزنامه کیهان که در حال حاضر مسئله را دنبال می‌کند، و چون سایر نشریات و روزنامه‌ها ملاحظه‌کاری نمی‌کند، تشکر کنم. ببینید، قبل از این که بخواهم پاسخ شما را بدهم، باید به یک خصلت بد که همان مرده‌پرستی است اشاره کنم، که نتوانسته‌ایم آن را اصلاح کنیم؛ لذا است که می‌بینیم نسبت به سرنوشت کاظم اخوان و همراهانش، در رسانه‌های ما اقبال چندانی معطوف نشده است. چنان‌که پیش از این نیز اشاره کردم، یکی از مشکلات ما این است که مفهوم دفاع از حقوق شهروندان در رسانه‌های گروهی ما درست تبیین نشده است و با منافع و ضرر و زیان مادی و معنوی‌ای که ممکن است متوجه ما شود، آشنایی ندارند. وقتی که «هلموت هوفر» شهروند آلمانی، در ایران محکوم شد، علاوه بر دولتمردان، تمامی رسانه‌های گروهی و خبری آن کشور عکس‌العمل نشان دادند. در یکی از برنامه‌های «گزارش هفتگی» که پس از آزادی گروگان‌های غربی در لبنان، از صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران پخش شد، اعلام گردید: «غربی‌ها برای ۷ گروگان خود که از سال ۱۳۶۴ به بعد در لبنان به گروگان گرفته شده‌اند، در بعد اخلاقی و گروگان‌گیری ۷۰۰/۰۰۰ سطر مطلب نوشته و ۷۰۰۰ برنامه تلویزیونی تهیه کرده‌اند.» غرب، دست به یک پوشش خبری - تبلیغی حساب شده زد، اما در کشور ما، در دهه اول اسارت کاظم و همراهانش، موضوع چهارگروگان ایرانی، از نظر خبری و تفسیری جایگاه بسیار ضعیف و حاشیه‌ای می‌یابد و بعد از آن، در حالی که روند آزادسازی گروگان‌های غربی منعکس می‌شود، سرنوشت گروگان‌های خودمان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و به فراموشی سپرده می‌شود. جالب است بدانید که صدا و سیما ما، در طول بیست سال گذشته، فقط ۳ برنامه در مورد آنان تهیه کرده است. البته صدا و سیما در گذشته بیشتر خط وزارت امور خارجه، یعنی سکوت را دنبال می‌کرد؛ فقط در چند سال اخیر قدری فعال شده که آن هم در یک مقطعی دلیل داشت. خبرگزاری جمهوری اسلامی نیز نسبت به سرنوشت کاظم که خبرنگار و فرستاده خود آنان بوده، کارنامه درخشانی ندارد و حتی سردبیران و خبرنگاران آن، نه تنها یک بیانیه در حمایت از همکار خود صادر نکرده‌اند، بلکه اخبار مربوط به او را سانسور هم کردند. به عنوان مثال

نامه‌ای که برای دبیر کمیسیون حقوق بشر نوشتیم، فقط گفته بودیم که علیرغم گذشت شش ماه که به رئیس‌جمهوری و رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نامه نوشته‌ایم پاسخی نگرفته‌ایم، توسط آنها سانسور شد. در طول بیست سال گذشته، یک مصاحبه بامسئولین وزارت امور خارجه در این خصوص نداشته‌اند. پس از ۱۸ سال که از اسارت کاظم می‌گذشت، برای اولین بار شخصی از خبرگزاری، از خانواده اخوان خبر گرفت. در دیدار با رئیس دفتر آقای «فریدون وردی‌نژاد» مسئول سابق خبرگزاری، و مسئول روابط عمومی سازمان، گفتم: فکر نمی‌کنید پس از ۱۸ سال دیر آمده باشید؟ حالا که تشریف آوردید، قدمتان روی چشم، خوش آمدید. خبرگزاری که اعلام می‌کند هر ماه ۲۴ میلیون کاربر در جهان از پایگاه اینترنتی ایرنا استفاده می‌کنند، شما بیایدکاری که چند سال پیش اسرائیل برای ران آراد کرد، بکنید و یک سایت اینترنتی ویا حتی یک صفحه سایت خودتان را به کاظم اخوان اختصاص دهید که هر کس از آن چهار نفر خبری ویا اطلاعاتی دارد، بفرستد. گفتند که پیشنهاد خوبی است؛ اما همچنان اقدامی نشده است. در یک جلسه دیگر بایکی از مسئولین خبرگزاری گفتیم: شما که در ۳۲ کشور مهم جهان نمایندگی رسمی دارید، فرماندهان فالانژ اینک هر کدام به یک کشور رفته و پناهنده شده‌اند، این هم نام کشورها و اسامی آنان، یک نفر به آنها مراجعه کند می‌تواند از آنها اطلاعات بگیرد، امامتاسفانه در اینجا نیز تاکنون کاری انجام نشده است. خبرگزاری که مدعی است با ۷۰ خبرگزاری جهان به تبادل اخبار و اطلاعات می‌پردازد، برای کاظم اخوان چه کرده است؟ شما از خبرگزاری سوال کنید، در دوده اخیر، چند بار از محافل خبری جهان و نهادهایی که برای صیانت از حرفه روزنامه‌نگاری و خبرنگاری فعالیت می‌کنند، خواسته‌اند تا برای روشن شدن سرنوشت کاظم اقدام کنند؟ ما در روز خبرنگار گفتیم: از خبرنگاران و رسانه‌ها انتظار داریم همکار در بندشان را فراموش نکنند و برای روشن شدن سرنوشت او و همراهانش، دستگاه‌های ذیربط داخلی از جمله وزارت امور خارجه را به تحرک بیشتری وادارند. برادرم کاظم، آیتی از مظلومیت خبرنگاران و نماد غمبار دفاع خبرنگاران است. ما از مطبوعات انتظار معجزه نداشتیم، ولی آنها می‌توانستند در مقاطع مختلف، موضوع را به مسئولین یادآوری کنند. نامه‌هایی که در نوزدهمین سالگرد اسارت آنان به رئیس‌جمهوری نوشته شد، فقط در دوروزنامه جمهوری اسلامی و کیهان منتشر شد. در روز خبرنگار، با این که من عکس کاظم را برای روزنامه‌ها ارسال کردم، فقط یک روزنامه از عکس استفاده کرده و به یاد او مطلبی نوشته بود. اما برای روزنامه‌هایی که مدعی دفاع از خبرنگاران و حقوق آنها هستند، انتشار عکس بزرگ زوج هنری پشه هالیوود که پس از جدایی می‌خواهند در یک فیلم مشترک بازی کنند، آن هم درست در

روز خبرنگار، مهم‌تراز سرنوشت یک خبرنگار مظلوم ایرانی است! خب دنیای عجیبی است. اگر نشریات بیست‌سال گذشته را بررسی کنید، به‌ازای هر سال یک سرمقاله و یا یادداشت که نشان‌گر اهمیت موضوع برای روزنامه‌است، نمی‌یابید که درمورد چهارگروگان ایرانی باشد. دفاع از خبرنگار در بعضی جاهاگم و در بعضی جاها پیدا می‌شود. نباید در دفاع از خبرنگاران گزینشی عمل شود. نامه‌ای که برای رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در روز خبرنگار نوشتیم، فقط چندخط آن در یک روزنامه منتشر شد. نامه‌ای راهم که برای دبیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی فرستادیم که توسط خبرگزاری سانسور شد، تنها در یک روزنامه منتشر شد. مگر کاظم اخوان خبرنگار نبود؟! امیدواریم تمامی مدافعین حقوق بشر در دنیا، و انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای خبرنگاران و روزنامه‌نگاران در داخل و خارج کشور، و کلیه کسانی که خود را ملزم به پی‌گیری سرنوشت خبرنگاران به‌عنوان وظیفه‌ای انسانی و صنفی می‌دانند، مساعی خود را به‌کارگیرند تا شاهد روشن شدن سرنوشت کاظم و همراهانش باشیم. این بزرگ‌ترین گام جهت تکریم خبرنگاران و اقدامی در راستای حفاظت از امنیت و حقوق خبرنگاران است.

ماهنامه فکه

ضمیمه ۳۷

تیر ۱۳۸۱

خبرنگار کیست؟!

اصلاً از همان روز چهاردهم تیرماه سال ۱۳۶۱ که کاظم اخوان به‌همراه حاج‌احمد متوسلیان و سیدمحسن موسوی و تقی رستگار به اسارت درآمدند، همه‌آنانی که به‌نوعی بامقوله خبرنگاری ارتباط داشتند، نسبت به او و همراهانش بی‌معرفانه رفتار کردند و از این مسئله هم بی‌تفاوت گذشتند. ماشاالله امروز، کم انجمن و گروه صنفی نداریم: «انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان»، «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران»، «خانه عکاسان» و... ولی طی این بیست‌سال، کدامیک از اینان با ارسال نامه‌های مختلف به مجامع بین‌المللی، قاطعانه خواستاری پی‌گیری مسئله اسارت کاظم اخوان شدند؟ به‌راستی چرا خبرگزاری جمهوری اسلامی، که کاظم فرستاده آن به لبنان بود، به هیچ‌وجه موضعی قاطعانه در این باره نگرفته است؟

ضمیمه ها □ ۴۳۷

اردیبهشت ماه امسال، نهمین جشنواره مطبوعات در تهران برگزار شد محلی که صدها و چه بسا هزاران روزنامه نگار حضور مستقیم داشتند. در طی ده روز برگزاری جشنواره، از بلندگوی سالن ها، فقط یاد وخاطره شهید محمود صارمی که در افغانستان به شهادت رسید، گرامی داشته می شد، ولی با وجود انتقاد برخی دوستان، به هیچ وجه یاد وخاطره کاظم اخوان گرامی داشته نشد. گروهی نیز به اسم دفاع از آزادی مطبوعات و روزنامه نگاران، دکان ودستکی به راه انداخته، غرفه ای را اشغال کرده وتصاویر برخی را که چه بسا شاید فقط یکی دو مقاله در مطبوعات نوشته باشند، ولی بر اساس تخلفات وجرائم به زندان افتاده اند، بردیوارهای سالن نصب کردند، ولی هیچ اسمی از کاظم اخوان که ۲۰ سال است از او خبری نیست، به میان نیامده بود. الحمدلله که اینجا عناد اینان باعث شد تا عکس کاظم کنار تصاویر مجرمان و وازدگان وبریدگان سیاسی، قرار نگیرد. اینها راست می گویند. کاظم اخوان خبرنگار نبود. چون به جای خیانت به ملت و وطن فروشی و در یوزگی در مقابل بیگانگان در آمریکا و برلین، غیرتمندانه وشرافتمندانه رفت تا از ظلمی که از جانب رژیم اشغالگر صهیونیستی بوجه قول اینان، دولت قانونی اسرائیل!- بر ملت مظلوم فلسطین ولبنان می رود، پرده بردارد. مگر وظیفه یک خبرنگار غیرتمند غیر از این است؟ کاظم اخوان که برای تهیه گزارش از مسابقات فوتبال جام جهانی به بیروت نمی رفت!!!

حمید داوآبادی

ماهنامه فکه

ضمیمه ۳۸

تیر ۱۳۸۱

چه کسانی از مرگ ایلی حبیقه سودمی برند؟!

۱ - جمهوری اسلامی ایران همواره نسبت به ایلی حبیقه از رهبران فالانژلبنان، که مدتی در حکومت این کشور دارای مسئولیت نمایندگی مجلس و پست وزارت بود، و در ربودن چهار دیپلمات ایرانی در جولای ۱۹۸۲ در شمال بیروت نقش فرماندهی داشته واز پذیرفتن آن سر بازمی زد، به دیده تنفر می نگریست وخبر کشته شدن او، برای خیلی از ایرانی ها بخصوص بستگان گروگان های مفقود الاثر

-علیرغم این که جای خوشحالی دارد، نقاط ابهام پرونده گروگان‌ها را بیش از پیش در تاریکی فرومی‌برد و جای تاسف نه‌برای ایلی حبیقه، که برای گروگان‌ها- دارد.

۲ - فلسطینی‌های ساکن اردوگاه‌های آوارگان صبرا وشتیلا در بیروت، که خاطره تلخ کشتار بیش از ۲۰۰۰ زن و کودک و پیرمرد در ۱۵ سپتامبر ۱۹۸۲ را در ذهن دارند، همواره نسبت به ایلی حبیقه که در آن کشتار فجع، نقش دستیار و مجری را برای ژنرال آرییل شارون بازی می‌کرد، و خود مستقیماً در قتل و تکه‌تکه کردن اجساد بسیاری شرکت داشت، ابراز تنفر کرده و همواره در پی انتقام‌جویی از او بوده‌اند. بدون شک، خبر مرگ وی، برای آوارگان صبرا وشتیلا خوشحالی زیادی هرچند پس از بیست سال- در پی خواهد داشت.

۳ - حزب الله لبنان که از دیرباز با نیروهای مسیحی فالانژیست در نبرد و تضاد بوده، و در جنگ‌های داخلی میان این دو گروه، ایلی حبیقه نقش مهم رهبری نظامی فالانژها را ایفا کرده و خود در صحنه‌هایی چون کشتار اسرای حزب الله در مقابل دفتر حزب کتائب در کنار کلیسای مارونی روستای «کحاله» در نزدیکی بیروت حضور داشته‌است، بغضی دیرینه نسبت به حبیقه داشته و از مرگ او، کم‌شادمان نخواهد شد.

۴ - طرفداران سمیر جعجع از فرماندهان فالانژ در طول جنگ‌های داخلی، که در حال حاضر به جرم قتل و بمب‌گذاری، در زندان به سر می‌برد، از این که ایلی حبیقه به عنوان آمر و فرمانده او، از زیر بار مسئولیت‌ها شانه خالی کرده و همه تقصیرها را به گردن جعجع انداخته‌است، کم از او بغض نداشته و ندارند و بدون شک از مرگ او بسیار خوشحال خواهند شد.

همه این احزاب و گروه‌ها، از مرگ حبیقه راضی به نظر می‌رسند و چه بسا اقشار دیگر همچون دولت سوریه و دیگر احزاب سیاسی نظامی لبنان بخصوص مسلمانان اهل سنت نیز، از این خبر خوشحال شوند، ولی آن که بیش از همه از مرگ بزرگ‌ترین دستیار آرییل شارون در قتل عام صبرا وشتیلا خوشحال خواهد شد، کسی نیست جز دولت اسرائیل و در راس آن شخص آرییل شارون! بسیار واضح است که سردمداران صهیونیسم و غرب، به هیچ وجه اجازه نخواهند داد تا آرییل شارون به جرم قصابی و کشتار فلسطینیان در جریان تهاجم به بیروت در سال ۱۹۸۲ محاکمه شود. با این حساب، این خطر وجود داشت و بسیار جدی می‌نمود که گروه‌های فلسطینی و لبنانی موفق شوند ایلی حبیقه را به عنوان دستیار شارون، به عنوان جنایتکار جنگی به پای میز محاکمه بکشانند، بخصوص این که وی چندی قبل از مرگش گفته بود که به زودی اسرار مهمی از ماجرای کشتار صبرا وشتیلا را فاش خواهد کرد.

ضمیمه ها □ ۴۳۹

آنچه مسلم است، اسرائیل بیش از هر گروه دیگر از ترور ایلی حبیقه سودمی برد، آن هم در حالی که اگر دیگر گروه‌ها قصد ترور وی را داشتند، خیلی پیش از اینها اقدام به این کار می‌کردند، نه دربره‌ای که لبنان بیش از هر زمان دیگری به آرامش و تفاهم احزاب نیاز دارد. چه بسا شاهد باشیم که احزاب مسیحی، از جنایتکار جنگی‌ای که خون بسیاری از فلسطینی‌ها و حتی لبنانی‌ها را بر زمین ریخت، به‌عنوان قهرمان تجلیل کنند و اسرائیل و بخصوص آرییل شارون- با خیالی آسوده، ایلی حبیقه را «قهرمان فراموش‌ناشدنی» بنامد. ولی آنچه مهم به نظر می‌رسد، جنایتکار و شاهدی مهم از پرونده شارون حذف شد، که ترور او می‌تواند آتش جنگ‌های دیرینه داخلی را در لبنان شعله‌ور سازد، که اینجا درایت و فروتنی همه احزاب بخصوص حزب‌الله رامی‌طلبد، که مرگ و سیاهی باردیگر بر آسمان لبنان سایه‌نیندازد.

حمید داودآبادی

ماهنامه فکه

ضمیمه ۳۹

۱۳۸۱/۴/۱

استمداد خانواده کاظم اخوان از رئیس جمهوری

رئیس جمهوری محترم و محبوب جناب آقای خاتمی

عقربه‌زمانه، باردیگر بر تیرماه خواهد نشست و چون نیشتری، قلبمان رامی‌شکافد. این بیستمین سال انتظار است که خزان دلمان بهار نشده و در غم هجران برادرمان کاظم اخوان و همراهانش، همچنان می‌سوزیم و می‌سازیم.

بیست سال است که در تیرماه هر سال، در سالگرد ربوده شدن و اسارت وی، به یاد آن واقعه تلخ، در فراق او قطره اشکی از گوشه چشمانمان سرازیر می‌شود، قرآن را می‌گشاییم و این آیه را می‌خوانیم: «سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار (سوره رعد آیه ۲۴)» دست به دعا بر می‌داریم و دعای هر صبح و شام را تکرار می‌کنیم: «اللهم فک کل اسیر» سپس برای تسلی دلمان دیوان حافظ را باز می‌کنیم:

یوسف گم‌گشته باز آید به کنعان غم‌مخور

کلبه احزان شود روزی گلستان غم‌مخور

آری، زندگی درانتظار و بیم و امید، فرسودگی می‌آفریند و سخت و طاقت‌سوز است. در بیست‌مین سالگرد اسارت این عزیزان، باردیگر با آنان پیمان‌وفا می‌بندیم و امانت عشق را از آنان به ودیعه می‌گیریم.

بارالها، اگر اندوهناک شوم، ذخیره‌ام تویی، و اگر از همه‌جا محروم شوم، امیدم تویی، و اگر غم به‌من هجوم آورد، استغاثه‌ام به توست (صحیفه سجادیه).

جناب آقای خاتمی! دو دهه است که در بیم و امید زندگی می‌کنیم، پدرمان نیز تا پایان عمر، در انتظار زندگی کرد. آری! سنگ‌صبورمان پس از سال‌ها چشم‌انتظار یافتن خبری از سرنوشت فرزندش، دل‌نگران نقاب‌در روی خاک کشید! اینک نمی‌دانیم از اندوه یعقوب بگوئیم یا حدیث یوسف. در بیست سال گذشته، خانواده‌های ۴ گروگان ایرانی همواره شاهد اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها و اظهارات ضدونقیض در داخل و خارج از کشور بوده‌اند. هر از چندگاهی خبری مبنی بر زنده بودن این عزیزان منتشر می‌شود و در محافل خصوصی‌تر و توسط برخی مسئولان، خبر شهادت آنان اعلام می‌گردد. همین مسئله را بغرنج‌تر کرده و باعث ناراحتی روحی خانواده‌ها می‌شود. چه کسی باید جواب‌گوی خون‌دل این خانواده‌ها باشد؟

در چندماه گذشته، در برخی از مطبوعات نیز بحث شهادت این عزیزان با تیتردرشت و به‌صورت علنی مطرح شده بود، مبنی بر این‌که قاتل شهید احمد متوسلیان به‌هلاکت رسید. پس از کشته شدن ایلی حبیقه فرمانده سابق بخش امنیتی نیروهای لبنانی، هفته‌نامه دوکوهه، در شماره بهمن ۱۳۸۰ خود اعلام نمود: « اخبار موثق از منابع پراکنده، حکایت از آن داشت که ۴ گروگان ایرانی احتمالاً به‌جز سید محسن موسوی، همان‌روز یا چندروز بعد، به‌دستور ایلی حبیقه اعدام شدند.» همچنین آقای اختری سفیر سابق ایران در سوریه نیز، در مصاحبه با ماهنامه فکه شماره خرداد ۱۳۷۸، در ارتباط با ۴ گروگان ایرانی اظهار داشته‌اند: «من برحسب اطلاعاتی که دارم و چیزهایی که از سوری‌ها، مسئولان کشور سوریه و دیگران شنیده‌ام، معتقدم که آنها در قید حیات نیستند.»

از طرفی، وزارت امور خارجه هیچ‌گاه موارد مطروحه را تکذیب نکرده است و نسبت به آن بی‌تفاوت بوده. جناب عالی که به دردهای انسانی و آلام بشری عمیقاً توجه دارید، اذعان می‌فرمایید که این حق مسلم خانواده‌های آنان است که به‌عنوان شهروندان ایرانی، بدانند عزیزان‌شان زنده هستند و یا به‌شهادت رسیده‌اند. هیچ چیز سخت‌تر از این نیست که هر چند وقت یک‌بار، به‌شما بگویند عزیزتان به‌شهادت رسیده، اما نتوانید حتی برای او سوگواری کنید.

در هیچ جای دنیا، باشهروندانی که عزیزان آنها در کشور دیگری به گروگان گرفته شده‌اند، چنین برخورد نمی‌شود. یقیناً بی‌بردن به واقعیت غیرممکن نیست. سال گذشته، ما پیشنهاد تشکیل کمیته حقیقت‌یاب را به وزارت خارجه ارائه کردیم که به آن توجهی نشد، چراکه به نظر می‌رسد حقیقت برای آنان روشن است. البته عده‌ای قصد دارند تعمداً، سرنوشت آنان را همچنان در حاله‌ای از ابهام و تاریکی نگه دارند که به هر دلیل، این عمل غیرانسانی و غیراخلاقی است و همین شیوه برخورد است که دل و جان و روح و روان ما را آماج خود قرار می‌دهد.

صدای مظلومیت این خانواده‌ها را چه کسی باید بشنود؟ چرا ما بی‌پاسخ و سرگردان در برزخ رها شده‌ایم؟ شواهد و قرائن مختلف نشان‌گر آن است که موضوع ۴ گروگان ایرانی پس از دودهه، به عنوان یک مسئله ملی و انسانی، به طور جدی در دستور کار مسئولان وزارت امور خارجه قرار ندارد و آنچه بر سر ما آمده را، مسئله‌ای مربوط به دیگری تلقی می‌کنند. آنچه برای ما مهم است، حقیقت است تا از این بن‌بست فرساینده نجات یابیم. آیا این توقع، انتظار بی‌جایی است؟ ما دردمان را نزد چه کسی باید ببریم؟ ما شهادت این عزیزان را، تازمانی که به طور عینی اجسادشان را مشاهده نکنیم و یک تست از آنها نگیریم، نمی‌پذیریم.

یدبیشای محبت و مرحمت خویش از گریبان بزرگواری برآورید، و چشم و دل خانواده‌های منتظران را نورافشان کنید. خواهشمندیم به وزارت امور خارجه دستور دهید، حقیقت را به ما اعلام کنند، و امیدواریم پس از درخواست‌های مکرر در پنج سال گذشته، ملاقات با جناب عالی عقده از دل خونین رنج‌دیدگان بگشاید، و در مقابل این بیست سال صبر و انتظار ما، چند دقیقه از وقتتان را در اختیار ما بگذارید.

انتخاب

ضمیمه ۴۰

۱۳۸۱/۴/۱۲

چشمانی بسته در مقابل چشمانی باز

ریاست محترم انجمن صنفی روزنامه‌نگاران

باسلام! برادرمان کاظم اخوان خبرنگار عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی، بیست سال پیش در ۱۴ تیر سال ۱۳۶۱ به دنبال یورش وحشیانه نظامی اسرائیل به خاک لبنان، به طور داوطلبانه برای عکاسی

از مقاومت مردم فلسطین و لبنان، به آن کشور رفت و دربدو ورود به بیروت، توسط مزدوران اسرائیلی فالانژیست‌ها ربوده شد. علیرغم آگاهی نیروهای فوق از موقعیت شغلی وی، بعد از گذشت دودهه، هنوز سرنوشت این خبرنگار کشورمان و سه همراه مظلوم وی، همچنان درهاله‌ای از ابهام قرار دارد. مسئولان ذیربط نیز تاکنون پاسخ روشنی به خانواده‌ها و افکار عمومی ارائه نکرده‌اند. سرنوشت کاظم اخوان نه تنها به عنوان یک خبرنگار، بلکه در میان همه کسانی که در تاریخ معاصر نام‌گروگان داشته‌اند، چهره‌ای غریب دارد. حکایت این چهار شهروند کشورمان، کم‌نظیر است. نه در دنیا، بلکه در کشور خود نیز غریب هستند. علیرغم درخواست سال گذشته ما، در روز خبرنگار مبنی بر این که خبرنگاران و رسانه‌های داخلی همکار در بندشان را فراموش نکنند و دستگاه‌های ذیربط داخلی از جمله وزارت امور خارجه را به تحرک بیشتری وادارند، چراکه کاظم اخوان آیتی از مظلومیت خبرنگاران و نماد غمبار دفاع از خبرنگاران است، در دور جدید پی‌گیری تصویری کردیم همکاران وی خصوصاً در مطبوعات، یاری‌مان خواهند کرد.

ما زیاران چشم‌یاری داشتیم

خود غلط بود آنچه می‌پنداشتیم

آری، در برهمن پاشنه‌تغافل بیست‌سال گذشته می‌چرخد. امروز به یقین رسیده‌ایم که در این مسیر، هیچ‌کمی نخواهیم داشت و تنها خواهیم بود. وقتی که مطبوعات که به لحاظ حرفه‌ای و اخلاقی باید یار و مددکار و مدافع و حامی باشند، بی‌تفاوت هستند، از دیگران چه انتظاری باید داشت. ما هرچه قدر که تنها باشیم، با امید به پروردگار که ناامید نشویم، سرنوشت کاظم را دنبال می‌کنیم. این اشاره دردناک شاید دل‌هایی را بلرزاند و ذهن‌هایی را بیدار کند. این تغافل و سکوت در پی‌گیری سرنوشت یک خبرنگار ایرانی توسط مطبوعات، سوال‌ها و ابهامات زیادی را به ذهن متبادری سازد. به یاد داریم یک‌دهه قبل، وقتی چند غربی در لبنان گروگان گرفته شدند، رسانه‌های گروهی غرب خصوصاً مطبوعات، بایک سیاست تبلیغی و پوشش خبری گسترده، باتکیه بر بار عاطفی و انسانی قضیه، سرنوشت شهروندان‌شان را تا آزادی پی‌گیری کردند و باهمراهی خانواده‌ها، بردولتمردان و سازمان‌های مربوطه فشار وارد می‌کردند تا برای آزادی آنان اقدام جدی کنند. به‌رحال کلیه گروگان‌های غربی در لبنان ده‌سال پیش آزاد شدند و به‌آغوش خانواده و کشورشان بازگشتند و حتی تا جنازه‌های کشته‌شدگان خود را نیز تحویل نگرفتند، از پای‌نشستند. در صورتی که ما اولین قربانیان گروگان‌گیری در لبنان بودیم. اما در کشور ما مسئله چهارگروگان‌ایرانی، در صحنه اکثر قریب به اتفاق مطبوعات به لحاظ

خبری و تفسیری در بیست سال گذشته، بسیار کم رنگ بوده و تلاش زیادی صورت نگرفته است و از توجهی درخور و شایسته بی نصیب بوده است و درمقاطع اخبار مربوط به کاظم به عنوان یک خبرنگار، هیچ انعکاسی در مطبوعات نداشته است و یا به صورت حاشیه ای منعکس شده . البته یکی دو روزنامه و یک ماهنامه به موضوع اهمیت داده اند که سعی شان مشکور باد. اهمیت یک موضوع برای مطبوعات، بستگی به جایی دارد که در صفحه اول و یا سایر صفحات به آن اختصاص می یابد و یا در قالب سرمقاله، تفسیر و تحلیل و گزارش به آن پرداخته می شود. هیچ شاهدهی گویاتر از واکنش سرد مطبوعات در قبال این مسئله نیست و ما هر روز این نشانه ها را روشن تر بازمی یابیم. بسیاری از مطبوعات که داعیه دفاع از خبرنگاران را دارند، با سکوت و تسامح از واقعه ای که ۷۳۰۰ روز از آن گذشته، به شکلی برخوردار می کنند که گویی خبرنگاری که بیست سال پیش در لبنان ربوده شده، یک خاطره فراموش شده است که به گذشته تعلق دارد و به تاریخ پیوسته است و برای صاحبان منافع سیاسی طرح و پی گیری سرنوشت او سود و زبانی ندارد. گرچه وجدان حساس تاریخ هرگز او را به فراموشی نخواهد سپرد.

مگر فلسفه وجودی تشکل هایی مانند انجمن صنفی روزنامه نگاران احقاق حقوق حقه روزنامه نگاران و خبرنگاران نیست؟ انجمن از ابتدای تاسیس، برای روشن شدن سرنوشت کاظم چه کرده است؟ شعارهایی از قبیل اخلاق مطبوعاتی، تعهد روزنامه نگاری و دفاع و حمایت از خبرنگار، در نزد مطبوعات ما. چه جایگاهی دارد؟ اگر حرفه و جایگاه اجتماعی خبرنگاران اهمیت دارد، چرا مطبوعات حتی در روز خبرنگار به سرنوشت این خبرنگار توجه ندارند. در بیست سال گذشته کدام روزنامه نگار و یا خبرنگار به سراغ مسئولین ذیربط رفته و از آنان سوال کرده چرا اسارت این چهار شهروند بیست سال طول کشیده و سرنوشت آنان به چه دلیلی نباید روشن شود؟ این تعافل ناشی از چیست؟ آیا با خدماتی که این چهار شهروند برای کشور داشته اند، شایسته چنین غفلتی هستند؟ آقایان موسوی، متوسلیان و دستگار مقدم از بهترین فرزندان ایران بودند. آیا این سکوت و بی توجهی قلب هرایرانی آزرده نمی سازد؟ همان طور که در مورد برخی از شهروندان و روزنامه نگاران شاهد حساسیت ها و اعلام نظرهای فراوان توسط مطبوعات هستیم، این برخورد دوگانه را چگونه باید توجیه کنیم؟ آیا این انتظار که چنین روی کردی در مواجهه با دیگر خبرنگاران و شهروندان نیز صورت گیرد، انتظار بی جایی از مطبوعات است؟ در عین داشتن تفکرات خاص سیاسی، وجدان انسانی و اخلاقی ایجاب می کند فعال تر برخورد شود گرچه پایان دادن به این تراژدی وظیفه دولت و مسئولان

۴۴۴ □ کمین جولای ۸۲

وزارت خارجه است و دولت باید پاسخگو باشد که نیست، مطبوعات نیز بهای لازم را به این مسئله انسانی و ملی بدهند و خط تماس عاطفی با درد و اندوه و زخم کهنه خانواده‌ها را حفظ کنند و فقط منحصر به سالگرد اسارت نباشد، و آن را به یک غصه ملی تبدیل کنند تا توان دیپلماتیک در سطح مناسبی به کار گرفته شود. عملکرد مجامع بین‌المللی و سازمان‌های مدافع حقوق بشر و مدعیان دفاع از خبرنگاران دردناک، به راستی مفتضح و شرم‌آور است و نشان می‌دهد آنها در دفاع از انسان‌ها و خبرنگاران، گزینشی عمل می‌کنند.

آیا تعافل ما نسبت به سرنوشت شهروندانمان در برابر غربی‌ها و اسرائیل که از جاسوسان و جنایتکاران خود با شدت و جدیت حمایت می‌کنند، ما را مشمول این سخن امام علی (ع) قرار نمی‌دهد: «آنان بر باطل خود فراهمند و شما در حق خود پراکنده و پیریش.»

پدرما، پس از سال‌ها انتظار سخت و طولانی برای بازگشت یوسف گم‌گشته خود، چشم‌انتظار به سرای باقی‌شتافت. غرض از این درد دل که به درازا کشید، این بود که یک‌بار دیگر سرنوشت کاظم به‌عنوان یک خبرنگار و سه‌همراه او، مورد توجه جدی مطبوعات قرار گیرد و امیدواریم که شوق روزنامه‌نگاران کشور برای پی‌گیری سرنوشت همکار در بندشان را برانگیزد و برای پی‌گیری فعال‌تر، ترغیب شوند.

روزی که مطبوعات ما صرفاً در پی اهداف سیاسی خود باشند و بپندارند از قید قواعد دیرینه اخلاقی و انسانی آزادند، و تعهدی نسبت به کرامت انسان و حقوق او ندارند، به راستی باید به سوگ حقیقت نشست.

سیاست‌روز

ضمیمه ۴۱

۱۳۸۱/۴/۱۳

دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی را از چنگال رژیم صهیونیستی نجات دهید

خانواده چهار دیپلمات ایرانی، اطلاعاتی را دال بر زندانی بودن این دیپلمات‌ها در زندان‌های رژیم صهیونیستی ارائه کردند که این مطالب توسط سیدرائد موسوی بدین شرح تنظیم شده است: «آقای سید محسن موسوی، کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت و همراهانش احمد

متوسلیان، کاظم اخوان خبرنگار عکاس و تقی رستگار مقدم، بعد از ظهر روز ۵ جولای ۱۹۸۲، (۱۴ تیر ۱۳۶۱) در حالی که بایک اتومبیل مرسدس با پلاک رسمی «کد دیپلماتیک» در جاده ساحلی طرابلس بیروت به سوی پایتخت در حرکت بودند و توسط یک اتومبیل نیروهای امنیتی داخلی لبنان ویژه امنیت سفارتخانه‌های خارجی، اسکورت می‌شدند، در پست بازرسی بر باره در منطقه مدفون، توسط شبه‌نظامیان مسیحی موسوم به نیروهای فالانژیست (قوات اللبنانیه) متوقف و ربوده شدند. بر اساس اطلاعاتی که بعداً از منابع گوناگون از جمله ارتش لبنان، از احزاب و شخصیت‌های مسیحی لبنان به دست آمد، افراد پست بازرسی بر باره، چهار ایرانی ربوده شده را به مرکز خود در شرق جاده برده و از آنجا برای کسب تکلیف، با ستاد مرکز شورای جنگ در منطقه کرنیتینا در بیروت تماس می‌گیرند و به آنها دستور داده می‌شود که ایرانیان را به کرنیتینا اعزام کنند. همان شب بشیر جمیل، فرمانده نیروهای فالانژ، شخصاً از ایرانیان بازجویی می‌کند و در پاسخ تماس‌هایی که از سوی دفتر ریاست جمهوری و وزارت امور خارجه لبنان برای آزادی ایرانی‌ها با وی گرفته می‌شود، تاکید می‌کند که ایرانی‌ها آزاد شده‌اند و به دلیل بسته بودن راه‌های ورودی پایتخت، آنها از همان جاده ساحلی به سوی طرابلس بازگشته‌اند. دو روز بعد اتومبیل آنها که در کوچه‌ای نزدیک مرکز حزب بعث وابسته به عراق در شهر طرابلس پارک شده بود، پیدا شد. تحقیقات نشان داد که اتومبیل بعداً به منظور ردگم کردن، به طرابلس برده شده و در نزدیک دفتر حزب بعث پارک شده تا چنین وانمود شود که ایرانی‌ها در بازگشت به طرابلس، توسط حزب بعث وابسته به عراق که با ایران در حال جنگ بود، ربوده شده‌اند. با این حال تحقیقات و تماس‌هایی که از راه‌های مختلف بامسئولان حزب بعث در لبنان به عمل آمد، نشان داد که آنها اطلاعی از سرنوشت ایرانیان ندارند.

در تاریخ ۶ جولای ۱۹۸۲ رادیوی «صدای لبنان» در بیروت، خبر داد که فالانژیست‌ها چهار دیپلمات ربوده شده، ایرانی را در ساختمان شورای جنگ در کرنیتینا نگهداری می‌کنند و سرگرم بازجویی از آنها هستند. در تماس بامسئولان این رادیو، معلوم شد که آنها این خبر را از منابع موثقی در شرق بیروت گرفته‌اند. ضمناً نیروهای فالانژ این خبر را تکذیب نکردند. در ۷ جولای ۸۲ رادیو اسرائیل خبر داد فالانژیست‌ها که چهار دیپلمات سفارت ایران در بیروت را بازداشت کرده‌اند، رئیس هیئت را آزاد و سه نفر دیگر را به نقطه نامعلومی انتقال داده‌اند. گزارش‌هایی که بعداً از منابع داخل نیروهای فالانژ به دست آمد، حاکی از آن بود که چهار ایرانی به مدت ۲۰ روز در زیرزمین ستاد مرکزی کرنیتینا نگهداری و مورد بازجویی قرار گرفته‌اند و سپس به زندان «آدونیس» منتقل شده‌اند. در فوریه ۱۹۸۳ یک

گزارش از زندان آدونیس گفت که گروگان‌های ایرانی سخت شکنجه شده ولی زنده هستند و یکی از آنها پیوسته دعایی می‌خواند و طی آن به پیامبر اسلام و امامان شیعه متوسل می‌شود. که احتمالاً منظورشان دعای توسل بوده که آقای سید محسن موسوی مداومت هر روز نسبت به خواندن آن دعا داشته‌اند.

اوایل اوت ۱۹۸۳ سه نفر از مسئولان بلند پایه نیروهای فالانژ، ضمن تماس غیرمستقیم با برخی از مسئولان حزب الله لبنان، اظهار آمادگی کردند که حاضرند آقای محسن موسوی را در قبال دریافت مبلغی پول، در منطقه بی طرف به حزب الله تحویل دهند. تماس این افراد برای به دست آوردن مدرک لازم مبنی بر زنده بودن گروگان‌ها و تفاهم پیرامون نحوه تحویل آنها و مبلغ پرداختی، تا چند ماه ادامه یافت. در این حال، نیروهای فالانژ در مارس ۱۹۸۴ ایرانیان را از زندان آدونیس به زندان گوستا در منطقه عجلتون منتقل کردند. ضمناً، آنها سه ماه یک بار نگهبان زندان ایرانیان را تعویض می‌کردند.

در ۱۰ ژوئیه ۱۹۸۴، گروهی که می‌خواست آقای محسن موسوی را در مقابل پول آزاد کند، موفق شد نامه‌ای از وی را به یکی از مسئولان حزب الله تحویل دهد. این نامه به خط موسوی روی یک قطعه پارچه سفید کنده شده از آستر شانه‌کت با خود کارآبی نوشته شده بود. مقایسه خط‌نامه با نوشته‌های آقای محسن موسوی، حاکی از آن بود که نامه به طور یقین توسط ایشان نوشته شده است. ضمناً این نامه حاوی رموز و سمبل‌هایی نیز بود که مصلب فوق را تأیید می‌کرد.

نوامبر ۱۹۸۴ قرار شد آقای موسوی حین انتقال از زندان به بیمارستان، ربه‌ده و در منطقه موزه، حدفاصل بین دویخس شرق و غرب بیروت، به افراد حزب الله تحویل داده شود. بخشی از این طرح عملی گردید ولی متأسفانه به دلیل شکسته شدن آتش بس و گلوله باران شدید منطقه موزه، رسیدن افراد مأمور طرح به منطقه موزه، غیرممکن شد و فرماندهان نیروهای فالانژ درجه حفاظت از ایرانی‌ها را به شدت بالا بردند و کمی بعد، آنها را از زندان عجلتون در منطقه متن، به نقطه دورافتاده‌ای به نام دیر قطاره در کوهستان‌های شرق منطقه جبیل که بسیار مستحکم بود، منتقل کردند.

سال ۱۹۸۶، یک افسر مسیحی ارتش لبنان به استناد «ایلی‌ابی طالع» رئیس رکن چهارم نیروهای فالانژ، مسئول هماهنگی بین اطلاعات خارجی و اقدامات امنیتی، اطلاع داد که گروگان‌های ایرانی از قطاره، با قایق از طریق دریا به کرتینا در بیروت منتقل شده‌اند و در زندان مخصوص اطلاعات خارجی در

زیرزمین شورای جنگ، مورد بازجویی مجدد قرار گرفته‌اند. براساس این گزارش، گروگان‌های ایرانی پس از مدتی از کرنیتینا به زندان «اوپرلی» در نزدیکی جونیه منتقل شدند. همان‌منبع در دسامبر ۱۹۸۸ اطلاع‌داد که گروگان‌ها را طی تدابیر شدید حفاظتی از اوپرلی به جونیه برده و از آنجا آنها را با یک قایق به یک کشتی اسرائیلی که در دریا انتظار می‌کشید، انتقال داده‌اند. ظاهراً این نقل و انتقال‌ها با بروز اختلاف و درگیری بین ژنرال میشل عون فرمانده سابق ارتش لبنان، و سمیر جعجع فرمانده نیروهای فالانژ، و بمباران بخش شرقی بیروت و احتمال سقوط برخی از مناطق، ارتباط داشته‌است. سه نفر از مجموع یازده نفر افرادی که در تأمین حفاظت این نقل و انتقال شرکت داشتند، شناسایی و به‌طور غیرمستقیم مورد سوال قرار گرفتند. هر سه نفر انتقال افراد خارجی از اوپرلی به بندر جونیه و از آنجا به کشتی اسرائیلی را تایید کردند. تنها یکی از آنها گفت که وی می‌دانسته افراد منتقل شده دیپلمات‌های ایرانی بوده‌اند.

یک شهروند ایرانی به نام «فریدون نظری» که به اتفاق همسر و فرزندش در ماه مه ۱۹۸۸ توسط نیروهای فالانژ در بخش شرقی بیروت بازداشت و پس از ۱۶ ماه، با دخالت سازمان صلیب سرخ بین‌المللی آزاد شد، می‌گوید که در زندان آدونیس، تعدادی از مسئولان نیروهای فالانژ به وی تاکید کرده‌اند که چهار دیپلمات ایرانی زنده هستند و مدتی در همین زندان نگاه‌داری می‌شده‌اند. در سپتامبر ۱۹۸۹، «پیر یزیک» نماینده سابق نیروهای فالانژ در اورشلیم، که اینک در پاریس به سر می‌برد، طی تماسی که از طریق یکی از دوستان نزدیکش با وی به عمل آمد، تاکید کرد که گروگان‌های ایرانی زنده هستند و وی می‌تواند مدارک لازم برای اثبات این موضوع را تهیه و ترتیب آزادی آنها را در مقابل مبلغ بسیار بالایی بدهد. نامبرده پس از چند سفر به لبنان و سوریه و بررسی جوانب امر، اطلاع‌داد که گروگان‌های ایرانی به اسرائیل منتقل شده‌اند و امکان تهیه مدارک مورد نظر وجود ندارد.

در ۳۰ آوریل ۱۹۹۰ تلویزیون وابسته به ژنرال میشل عون در بیروت، خبر داد که سه نفر از چهار نفر دیپلمات ایرانی، همچنان زنده هستند و در منطقه «لقوق» نگاه‌داری می‌شوند. در تحقیقاتی که پیرامون پخش این خبر صورت گرفت، معلوم شد که این خبر به دستور شخص عون در چارچوب جنگ تبلیغاتی بین وی و سمیر جعجع پخش شده‌است. براساس این تحقیقات، منابع عون، اطلاعات رکن دوم ارتش و عوامل طرفدار وی در نیروهای فالانژ بوده‌اند.

در سپتامبر ۱۹۹۰، «منصور رحمه» از بازرگانان معروف مسیحی در بخش بیروت، که روابط بسیار نزدیکی با سمیر جعجع دارد، در ملاقاتی در هتل سامرلند بیروت، تاکید کرد که دیپلمات‌های ایرانی زنده‌اند و مدتی است که به اسرائیل منتقل شده‌اند. وی افزود: حتی وقتی که آنها در لبنان بودند، تصمیم پیرامون سرنوشت آنها در دست موساد بود.

در نوامبر ۱۹۹۰ یک شخصیت بسیار معتبر و آگاه مسیحی در لبنان، به یکی از شخصیت‌های سیاسی مسلمان این کشور تاکید کرد که سمیر جعجع گروهان‌های ایرانی را به اسرائیل فروخته است. وی پیرامون این که اسرائیل می‌خواهد آنها را با یک خلبان اسرائیلی که در لبنان ناپدید شده و گفته می‌شود که توسط سپاه پاسداران ایران اسیر شده است، مبادله کند.

هیچ‌یک از منابعی که ادعا کرده‌اند گروهان‌های ایرانی به قتل رسیده‌اند، نتوانسته‌اند برای اثبات این ادعا دلیلی ارائه دهند. علاوه بر این، منابع مذکور تاریخ‌های متضادی را برای کشته شدن دیپلمات‌های ایرانی ذکر کرده‌اند که مهم‌ترین آنها بدین شرح است:

چهار ایرانی عصر همان روز بازداشت (۵ جولای ۱۹۸۲) در کرتینا اعدام شده‌اند.

چهار دیپلمات ایرانی ۲۰ روز پس از ربوده شدن در اواخر جولای یا اوائل اوت ۸۲ به قتل رسیده‌اند. آنها در سال ۱۹۸۳ کشته شده‌اند.

چهار ایرانی در ۱۹۸۴ در زندان به قتل رسیده‌اند.

گروهان‌های ایرانی در ژانویه ۱۹۸۶ در جریان حرکت نظامی سمیر جعجع علیه ایلی حبیقه در اثر بمباران منطقه کرتینا کشته شده‌اند.

کلیه مراجعی که پیرامون سرنوشت چهار ایرانی تحقیقاتی کرده‌اند - از جمله آمریکایی‌ها - متوجه این تضاد شده و اعتراف کرده‌اند که پاسخی برای این تضاد ندارند. در حالی که از نظر اصول منطقی، وقتی یک خبر به چند شکل متضاد بیان می‌شود، اصل خبر با همه شکل‌های بیانی‌اش، مردود شناخته می‌شود. در همین راستا، سمیر جعجع در ملاقاتی در تاریخ ۲۰ نوامبر ۱۹۹۰ ادعا کرد که هر چهار ایرانی در روز بازداشت و در ستاد فرماندهی نیروهای فالانژ در کرتینا، به دستور تلفنی ایلی حبیقه اعدام شده و اجسادشان در خرابه‌های واقع در پشت ستاد فرماندهی انداخته شده و با بلدوزر روی آنها خاک ریخته‌اند. با همه افرادی که توسط سمیر جعجع به عنوان شهود یا عاملان این حادثه معرفی شدند، مصاحبه‌های دقیقی به عمل آمد و معلوم شد که آنها خطوط اصلی یک سناریو را حفظ کرده و تکرار می‌کنند. اما در توضیح جزئیات حادثه، دچار گیجی و تناقض‌گویی می‌شوند

و اطلاعات ضدونقیض می دهند و لذا ثابت شد که شهادت این افراد به منظور صحنه سازی گم کردن حقیقت بوده است.

در ماه ژوئن ۱۹۹۷، رئیس کمیته دفاع از حقوق زندانیان خارجی در اسرائیل، احمد حبیب الله، اعلام کرد: من از جانب اسرائیلی ها تاکید می کنم چهار نفر ایرانی که در سال ۱۹۸۲ در لبنان ربوده شده اند زنده هستند. وی افزود یک زندانی در زندان نظامی عتلیت، اسامی چهار گروگان ایرانی را در فهرست زندانیان مشاهده کرده است. احمد حبیب الله همچنین اضافه کرد: هدف اسرائیل از مخفی نگاه داشتن اطلاعات مربوط به چهار دیپلمات، بهره برداری از آنان بویژه پیرامون سرنوشت رون آراد است. علاوه بر این، ظرف دو سال گذشته، احمد حبیب الله، چندین بار در مصاحبه های مطبوعاتی اظهار داشته که گروگان های ایرانی زنده و در زندان های اسرائیل هستند. سخنان احمد حبیب الله توسط خبرگزاری های بین المللی مخابره و در روزنامه های مختلف در سطح جهان درج شده است. برخی از سازمان های بین المللی غیردولتی، بر اساس همین اظهارات، مکاتباتی را با اسرائیل آغاز کرده و طی نامه هایی به دفتر نخست وزیر رژیم صهیونیستی، از سرنوشت گروگان ها، بویژه آقای کاظم اخوان - خبرنگار - استفسار کرده اند، اما پاسخی دریافت ننموده اند. ضمناً خبرنگار برنامه های برون مرزی صدا و سیما در اردن نیز شخصاً با احمد حبیب الله گفت و گو کرده و نام برده وجود گروگان های ایرانی در اسرائیل را مورد تاکید قرار داده است.

در ۳۰ مارس ۲۰۰۰، طی دیداری که اعضای خانواده گروگان های ایرانی با ایلی حبیقه مسئول به عمل آوردند، وی اظهار داشت که هیچ اطلاعی از کشته شدن گروگان ها ندارد و شخص سمیر جعجع در جریان انتقال احتمالی آنها به اسرائیل دخالت داشته و همچنین وی به مکان نگه داری زندان - آنها و زمان انتقال آنها به اسرائیل اشاره نمود. لازم به ذکر است در اکثر ادعاهای مربوط به کشته شدن گروگان ها، شخص ایلی حبیقه به عنوان آمر و عامل ذکر شده و ایلی حبیقه بارها این اتهام را رد نموده است.

به هر تقدیر انتظار می رود دولت جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ راه کاری بین المللی، مسئله دیپلمات های ربوده شده را مورد پی گیری جدی قرار دهد تا این روند منجر به آزادی این عزیزان شود.

جمهوری اسلامی

ضمیمه ۴۲

۱۳۸۱/۴/۱۵

سرنوشت چهارگروگان ایرانی، در هاله‌ای از ابهام

سفیر ایران در لبنان می‌گوید: «در دهه ۸۰ میلادی که موج آدم‌ربایی لبنان را فراگرفته بود، دستگاه‌های تبلیغاتی غرب، جنجال فراوانی در باره ربوده شدن چند تبعه غرب در لبنان به راه انداختند، اما هیچ‌گاه به ربوده شدن چهار دیپلمات و شهروندان ایران اشاره‌ای نکردند.»

به گفته محمدعلی سبحانی، این بی‌توجهی ناشی از سیاست یک‌جانبه و تبعیض‌آمیزی است که غرب نسبت به جهان عرب و اسلام و به‌طور کلی جهان سوم اعمال می‌کند. سبحانی به مناسبت بیستمین سالگرد ناپدید شدن چهار هموطن، در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا گفت: «برای روشن شدن سرنوشت این افراد، از همه استمداد کرده‌ایم و این در حالی است که فرضیه شهادت آنها ثابت نیست و گزارش‌ها و اطلاعات نیز حاکی است که آنها در مراکز مختلف نیروهای لبنانی مانند کرنیتنا، آدونس، قلقوق و طرطیح زندانی بوده و در جریان زدوخوردهای داخلی میان نیروهای لبنانی، از طریق بندرجونیه به اسرائیل منتقل شده‌اند.»

به گفته سفیر، وزارت امور خارجه ایران با خاویر پرزدکوئینار دبیرکل پیشین سازمان ملل، این موضوع را در میان گذاشته و سازمان ملل نیز بارها نماینده‌ای را به اسرائیل فرستاده است، اما مسئولان رژیم صهیونیستی حضور ایرانی‌ها را انکار کرده و حاضر نشده‌اند اطلاعات درستی در اختیار نماینده سازمان ملل قرار دهند.

سبحانی اضافه کرد: «از آنجایی که این آدم‌ربایی در زمان اشغال لبنان و محاصره بیروت توسط ارتش صهیونیستی رخ داده است، با توجه به همکاری و هماهنگی نیروهای لبنانی و ارتش صهیونیستی، می‌توان گفت که مسئولیت رژیم صهیونیستی در این آدم‌ربایی محرز است. برای نمونه، بسیاری از شهروندان لبنانی ربوده شده توسط همین نظامیان که جزو ناپدیدشدگان محسوب می‌شدند، در اسرائیل دیده شده و یابعد در عملیات مبادله با اسرائیل آزاد شدند.»

سفیر ایران در بیروت معتقد است که این تحولات فرضیه انتقال ایرانی‌های ربوده شده را به اسرائیل که اطلاعات و گزارش‌های بسیاری هم آن را تایید می‌کند، بسیار قوی است و امیدوار است که معامع بین‌المللی در این مورد اقدام نمایند تا مقدمات آزادی این عزیزان فراهم آید. سبحانی تاکید کرد که

ضمیمه ها □ ۴۵۱

وزارت امور خارجه و سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت، همچنان این مسئله را در دستور کار خود دارند.

خبرگزاری جمهوری اسلامی - بیروت

ضمیمه ۴۳

۱۳۸۲/۳/۲۱

غمنامه‌ای برای ۴ گروگان فراموش شده ایرانی در لبنان

آقای رئیس جمهوری! اینک از سفر دوره‌ای خود بازگشته‌اید و ما همچنان امیدوار و منتظر تا شاید ارمغان سفر شما برای ما، خبر معطر و شادی بخشی از عزیزان ربوده شده ما، در سرزمین لبنان یعنی سید محسن موسوی، حاج احمد متوسلیان، کاظم اخوان و محمد تقی رستگار مقدم پس از بیست و یک سال باشد.

رئیس جمهوری محترم! وقتی شما در سرزمین لبنان آن چنان گرم و صمیمی مورد استقبال قرار گرفتید و فریادهای شادی بخش هزاران لبنانی به گوش رسید، ما به یاد سال ۶۱ و بیروت جنگ زده و وحشت زده بودیم و به یاد دلیر مردانی که برای مردانگی و کمک به مظلومان، هیچ حدومرزی نمی شناختند. بی شک بخشی از فریادهای شادی بخش استقبال کنندگان آن روز از شما، به دلیل فریادرسی مردان ما در سال ۶۱ بود.

آقای رئیس جمهوری، در ورزشگاه بیروت فرمودید: «لبنان سرزمین عشق و عدالت و آگاهی است و اینجا، زمین آسمانی می شود. عشق عیسوی (ع) حکمت محمدی (ص) و عدالت علوی درهم می آمیزد تا زنان و مردان لبنانی الگوی انسان مظلوم ولی سرافراز جهان ما باشند.»

آری، دلیر مردان ما هم بیست و یک سال پیش، با آگاهی و عشق به سرزمین لبنان، به سفر بی بازگشت خود رفتند و هرگز به خانه بازنگشتند. نمی دانیم دیگر چه قدر عشق و کدامین حکمت و چه مقدار عدالت را باید در هم بیامیزیم تا از آن مردان مظلوم و سرافراز جهان و سرزمین ما خبری باز آید.

آقای خاتمی، فرمودید: «لبنان زنده و پایدار است زیرا لبنانی بیدار و ماندگار است.» آیا مردان ما نیز زنده اند؟ ما به پایداری آنان ایمان راسخ داریم. آیا شهروندان لبنانی می دانند در این بیداری و ماندگاری

آنان، سهمی هم از آن میرمحسن موسوی، حاج احمد متوسلیان، کاظم اخوان و محمدتقی رستگارمقدم است؟

رئیس جمهوری گرامی، شما فرمودید: «من وقتی به گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها می‌اندیشم، مصداق بارز آن را در لبنان می‌یافتم و می‌یابم، و وقتی آزادی و مدارا را مایه حیات هرملتی می‌دانستم و می‌دانم، تجلی آشکار آن را در لبنان می‌دیدم و می‌بینم.» نمی‌دانیم چرا موضوع روشن شدن سرنوشت این عزیزان در بیست و یک سال گذشته، در افق لبنان با گفت‌وگو حل نشده و نمی‌شود.

شما فرمودید: «ما در کنار دولت و ملت لبنان بوده‌ایم و خواهیم بود.» امیدوار بودیم این در کنار هم بودن مسئولین ما و لبنان باعث شود که دولتمردان این سرزمین، به احترام بیست و یک سال رنج و عذابی که خانواده‌های این ۴ تن تحمل کرده‌اند، تصمیم بگیرند و اراده کنند تا دیگر ما این قدر چشم انتظار نمایم. اگر در گذشته دولت لبنان نمی‌توانست مخاطب این خواسته به حق ایران در مورد تعیین تکلیف ۴ شهروند ربوده شده ایرانی قرارگیرد، امروز به یمن مقاومت و پایداری مردمش، آن قدر حاکمیت دارد که به وظایف خود عمل کند و در قبال تعهدات متعارف خود به عنوان یک دولت پاسخگو باشد و طرف سخن و ندای مظلومانه خانواده‌های ۴ گروگان ایرانی باشد و حسن نیت لازم را از خود نشان دهد، به شرط این که طرف ایرانی نیز به چنین امری تاکید و اصرار داشته باشد و این مسئله را تا تعیین تکلیف نهایی آن دنبال کنند.

آقای خاتمی، فرمودید: «لبنان سرفراز، برغم همه رنج‌هایی که برده است، سرزمین نابردباری، خشونت و تروریسم نیست، مهد مدارا، صلح و آزادی است.»

اینک با برگرداندن زمان، به گذشته سفر می‌کنیم و بخشی از خاطرات تلخ گذشته را ورق می‌زنیم: آقای رئیس جمهوری!

مدارای بیست و یک ساله ما، چه دست‌آوردی داشته است؟ آیا دولتمردان ایرانی و لبنانی، ۷۶۰۰ روز بردباری ما را درک می‌کنند؟ بیست و یک سال است این آیه را می‌خوانیم: «سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار» بیست و یک سال است هر صبح و شام این دعا را می‌خوانیم: «اللهم فک کل اسیر».

فراموش نکرده‌ایم یک دهه قبل، کلیه گروگان‌های غربی با ملیت‌های مختلف، در لبنان آزاد شدند و به آغوش خانواده‌ها و کشورشان بازگشتند، در حالی که ما اولین قربانیان گروگان‌گیری در لبنان بودیم. سرنوشت آنان در میان همه کسانی که در تاریخ معاصر نام گروگان داشته‌اند، چهره‌ای غریب، شگفت‌انگیز و کم‌نظیر دارد. صبوری و نجابت‌ما، باعث شده هر روز برگی به این پرونده قطور

افزوده شود، بی آن که پایانی داشته باشد. یکی از عواملی که باعث شد دولتمردان غربی سرنوشت گروگان‌های غربی در لبنان را با جدیت دنبال کنند، فشار خانواده‌های آنان و رسانه‌های گروهی بود، اما، ما هیچ‌گاه مسئولین را تحت فشار قرار ندادیم.

شما بهتری دانید اگر مشابه آنچه در کشور ما نسبت به سرنوشت این ۴ شهروند کشورمان پیش آمد، در یک کشور غربی اتفاق می‌افتاد، چه تبعات منفی برای دولتمردان آن داشت. اما در کشور ما، در قبال اسارت بیست و یک ساله آنان، آب از آب تکان نمی‌خورد.

قبل از سفر شما به لبنان، پیرو مکاتبات قبلی، از شما درخواست کردیم در شرایط فعلی که جناب عالی به عنوان عالی‌ترین مقام کشور عازم لبنان هستید، سرنوشت گروگان‌های ایرانی را نیز فراموش نکنید و این موضوع نیز در دستور مذاکرات قرار بگیرد. آیا این انتظار که چنین روی کردی برابر عرف دیپلماتیک در مواجهه با ۴ شهروند ایرانی نیز صورت گیرد، انتظار بی‌جایی بود؟

وقتی موضوع سفر شما به لبنان در محافل خبری مطرح شد، امیدها در دل خود پرورانده بودیم، حتی تصویری که نیاز به یادآوری ما نیست، اما بعد که جریان سفر و سخنرانی‌ها و مذاکرات را پی‌گیری و دنبال کردیم، از این همه خوش‌باوری و ساده‌انگاری خود دچار بهت و حیرت شدیم. چرا که در تمام طول سفر دوره‌ای، چه در لبنان و چه در سوریه، در هیچ اظهار نظر رسمی و غیر رسمی، هیچ‌جا نامی از ۴ گروگان ایرانی توسط شما به میان نیامده است. حداقل طرح علنی پی‌گیری سرنوشت این عزیزان می‌توانست این امید را در همه شهروندان ایرانی ایجاد کند که دولت کشورشان با جدیت از امنیت و حقوق آنان دفاع می‌کند. آیا به لحاظ قانونی، اخلاقی، اجتماعی و انسانی نباید موضوع را مطرح و پی‌گیری می‌کردید؟ این تغافل و سکوت، سوال‌ها و ابهامات زیادی را در ذهن متبادرمی‌سازد. فرمودید: «در این هنگام حساس نمی‌توان از دردی که ما و شما در سینه داریم سخن نگفت و آن غیبت عالم روشن‌بین و مظهر بیداری و مقاومت امام موسی صدر، از صحنه و لحظه‌ای است که بیش از هر زمان به وجود تدبیر و تجربه او نیاز داشتیم. عزیز لبنان و ایران، امروز در لبنان نیست.»

همه‌ما آرزو داریم وضعیت ایشان نیز روشن شود. ای کاش در آن لحظه یادی هم از این ۴ نفر می‌کردید که در هر حال همه شهروندان از حقوق یکسان برخوردارند. در کنفرانس مطبوعاتی در جمع خبرنگاران فرمودید: «همیشه برای من، دیدار با اصحاب مطبوعات و رسانه‌های گروهی لذت بخش بوده است. من با شما خبرنگاران که مسئولیت مهمی در اطلاع‌رسانی دارید، دیدار می‌کنم و در کشوری سخن می‌گویم که کانون ارج نهادن به قلم و آزادی است.»

ای کاش پی گیری سرنوشت کاظم اخوان خبرنگار و عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی که در سال ۶۱ در میان خون و آتش به لبنان رفته بود تا مظلومیت مردم لبنان و فلسطین را به تصویر بکشد و به مسئولیت خود در اطلاع رسانی عمل کرده باشد، نیز برای شما لذت بخش می بود. پدر و مادر اخوان اینک در قید حیات نیستند و در فراموشی مطلق رسانه ها و مسئولین، پس از گذر سال ها چشم انتظاری، آرزوی دیدار و یاحتی یافتن خبری از سرنوشت فرزندشان را با خود به سینه سردخاک بردند.

حداقل استیغای حقوق شهروندی این است که دولت برای روشن شدن سرنوشت اتباع خود که در کشور دیگر به گروگان گرفته شده اند، تلاش جدی کند. حال سوال اساسی که مطرح می شود این است که، چرا تلاش لازم در این زمینه صورت نمی گیرد؟ آیا این سکوت و بی تفاوتی، قلب هرایرانی آزاده را آزده نمی سازد؟ چرا در طول بیست و یک سال گذشته، هیچ پاسخ مستدل و روشنی به خانواده های آنان ارائه نشده است؟ چه کسی مسئول است؟ ما دردمان را نزد چه کسی باید ببریم؟ در هیچ کجای دنیا، با شهروندانی که عزیزان آنان در کشور دیگری به گروگان گرفته شده اند، این چنین رفتار نمی شود. آیا تغافل ما نسبت به سرنوشت شهروندانمان، در برابر غرب و اسرائیل که از اتباع خود با شدت و جدیت حمایت می کنند، ما را مشمول این سخن امام علی (ع) قرار نمی دهد: «آنان بر باطل خود فراهمند و شما در حق خود پراکنده و پریشان.»

چرا ما از بهترین های خود بد دفاع می کنیم؟ مگر دفاع از حقوق اتباع ایرانی در خارج از کشور، از وظایف دولت نیست؟ این حق مسلم خانواده های آنان است که به عنوان شهروندان ایرانی، از سرنوشت عزیزان و بستگان خود پس از گذشت بیش از دودهه، آگاه شوند. حقوق اولیهای که نمی دانیم تحت تاثیر مصالح و یا اغراض سیاسی، مخدوش شده است. آیا سرنوشت آنان در تاریکی بازی های سیاسی گم شده است؟ آیا شهروند جمهوری اسلامی بودن این قدر مشکل است؟

آقای خاتمی، شش سال پیش، در اولین مراسم تحلیف خود فرمودید: «برای دولت، حراست از حقوق اتباع ایرانی در سراسر گیتی، اهمیت ویژه ای خواهد داشت.» و در جمع ایرانیان در سازمان ملل فرمودید: «ایرانی، در هر کجا باشد از حقوق یک شهروند برخوردار است و دولت جمهوری اسلامی هم موظف است که این حقوق را ادا کند.» اگر چنین است، پس چرا موضوع گروگان های ایرانی در لبنان در دستور مذاکرات با طرف های لبنانی و سوری قرار نگرفته و در هیچ جا نامی از آنان برده نشده؟ ما انتظار داشتیم با صداقت با ما رفتار شود و حقیقت به ما گفته شود، تا از این بن بست فرساینده نجات یابیم. به طور قطع و یقین، پی بردن به حقیقت غیر ممکن نیست.

شش سال است که خطاب به شما نامه می‌نویسیم، اما هیچ پاسخی از جانب دولت پاسخ‌گو دریافت نکرده‌ایم. در تمام طول این سال‌ها، از خدا خواسته‌ایم که ناامید نشویم، اگرچه تنها مانده‌ایم، اما پنجره‌ای که رو به سوی افق سبز توکل بازمی‌شود، هرگز بسته نمی‌شود.

کسانی که آقایان موسوی، متوسلیان، اخوان ورستگارمقدم را می‌شناسند، به ارزش‌های شخصی آنان واقف هستند و نقشی را که هریک در عرصه‌های مختلف برعهده داشته‌اند، بر اهل نظر پوشیده نیست. شاید تقدیر چنین بوده که بی‌مهری‌های این دوران، پیوند عمر آنان را در صحیفه‌روزگار جاودانه‌تر سازد.

ملت ایران ثابت کرده‌اند که هیچ‌گاه از تقدیم فرزندان خود در راه اسلام و کشور هراسی به خود راه نداده‌اند، اما مسئله‌ای که جان‌سوزتر از اندوه اصلی است و دل و جان و روح و روان ما را آماج خود قرار می‌دهد، نحوه رفتار مسئولان در قبال قضیه ۴ گروگان ایرانی در لبنان است. تمامی شواهد و قرائن، خصوصاً جریان سفر شما به لبنان و سوری، حکایت از آن دارد که این پرونده به‌عنوان یک مسئله ملی و انسانی در دستور کار مسئولین قرار ندارد و به پیشنهاد ما مبنی بر تشکیل کمیته حقیقت‌یاب نیز تاکنون توجهی نشده است. پس از دوده زندگی در بیم و امید، در برزخ بی‌پاسخی رها شده‌ایم. آیا سرنوشت این عزیزان یک‌خاطره فراموش شده است، که به گذشته تعلق دارند و به تاریخ پیوسته‌اند و برای صاحبان منافع سیاسی نیز طرح و پی‌گیری سرنوشت آنان سود و زبانی ندارد! اما وجدان حساس تاریخ هرگز آنان را به فراموشی نخواهد سپرد.

اینک در خاتمه جناب آقای خاتمی: «جانم بگیر و صحبت جانانه‌ام ببخش»

خانواده چهارگروگان ایرانی در لبنان

جمهوری اسلامی

ضمیمه ۴۴

۱۳۸۲/۴/۱۴

بیانیه خانواده ۴ گروگان ربوده شده ایرانی در لبنان

خون می‌چکد از دیده در این کنج صبوری

این صبر که من می‌کنم افشردن جان است

امروز ۱۴ تیر ۱۳۸۲ است و ساعت ۱۴. خبر تلویزیون مثل هر سال، تصویر عزیزان مان سید محسن موسوی کاردار سفارت ایران در بیروت، کاظم اخوان خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی، حاج احمد متوسلیان و تقی رستگار مقدم را پخش و اعلام می‌کند: این ۴ شهروند ایرانی ۲۱ سال پیش در ۱۴ تیرماه ۱۳۶۱ در مسیر طرابلس به بیروت در جاده بر باره توسط عناصر همدست اسرائیل ربوده شدند. و اخبار ساعت ۲۱ نیز آن را تکرار می‌کند و بعد ۳۶۵ روز دیگر موضوع تکرار می‌شود.

این ۲۱ سطر را به نشانه ۲۱ سال اسارت آنان به پیشگاه ملت تقدیم می‌کنیم تا قضاوت کنند و از مظلومیت مضاعف این ۴ تن آگاه شوند. اگر بخواهیم آنچه در این ۲۱ سال بر ما گذشته را شرح دهیم، باید قلب خود را باز کنیم و با اشک و خون بنویسیم. شاید این اشاره دردناک، دل‌هایی را بلرزاند و ذهن‌هایی را بیدار کند و به نقطه مقابل بی‌تفاوتی، یعنی همدردی برسیم.

آری بیست و یک سال می‌گذرد. کسی چه می‌داند چه قدر تلخ، چه قدر سخت و چه قدر منتظر بوده‌ایم. در این همه مدت، چه قدر چشم انتظار، چه قدر گوش به زنگ و حتی چه قدر امیدوار که خبری برسد و منتظر که بوی پیراهن یوسف شفای زخم‌ها و دردهای ۲۱ سال گذشته ما باشد. اما دریغ و افسوس... هر سال تیرماه که فرامی‌رسد، باز تیر جدایی و هجران و سردرگمی، قلب‌مان را نشانه می‌رود و می‌شکافد.

پس از سفر آقای خاتمی به لبنان و سوریه و عدم طرح موضوع ۴ گروگان ایرانی توسط ایشان، طی نامه‌ای در این خصوص به عنوان شهروند درجه ۲ به ایشان اعتراض کردیم که شما به لحاظ قانونی و اخلاقی و انسانی، وظیفه داشتید که سرنوشت آنان را پی‌گیری کنید، و رونوشت نامه نیز به روزنامه‌ها ارسال شد، اما فقط یک روزنامه متن نامه را منتشر کرد و بقیه حتی یک سطر از آن را چاپ نکردند. بارها از خود سوال کرده‌ایم که خاتمی دیگر چرا بی‌اعتنایی می‌کند و در قبال سرنوشت این ۴ تن سکوت کرده، مگر دفاع از حقوق اتباع ایرانی در خارج از کشور وظیفه دولت نیست؟

۶ سال است که به ایشان نامه می‌نویسیم و درخواست یک ملاقات بیست دقیقه‌ای در برابر ۱۸۲۹۶۰ ساعت صبر و انتظار خود را کردیم، خواستار تشکیل کمیته حقیقت‌یاب شدیم، اما هیچ‌کس به ما پاسخی نداد. این بی‌توجهی ریشه در کجا دارد؟ چرا هیچ‌کس توانایی مشخص کردن زمان پایان این درد ورنج را ندارد؟ بدیهی است در فضایی که فقط صدای سیاست در آن به گوش می‌رسد، ندای مظلومیت بسیاری در فضا گم می‌شود.

ضمیمه ها □ ۴۵۷

چرامسئولین وزارت امور خارجه به وظایف خود عمل نمی کنند؟ چرا، چون اعتماد واطمینان قطعی به این دارند که از هیچ کس صدایی بلند نمی شود و هیچ کس نمی تواند آنان را مؤاخذه کند.

پنج سال پیش، پس از مذاکره با مسئولین سوریه، قرار شد دوکشور نماینده ای برای پی گیری موضوع مشخص کنند، سوری ها بلافاصله نماینده خود را معرفی کردند، اما ایران نماینده ای معرفی نکرده است، چرا؟

بیش از یک سال است یکی از نمایندگان عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، درخصوص سرنوشت ۴ گروهان ایرانی از وزیر امور خارجه سوال کرده، اما وزیر تاکنون پاسخی نداده است. چرا؟

پس از ارجاع سوال به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، قرار بود کمیته ای به ریاست آقای آرمین تشکیل و موضوع را پی گیری کند، اما هیچ اقدامی صورت نگرفت. چرا؟

چرا هیچ کس حاضر به پاسخ گویی درخصوص سرنوشت ۴ گروهان ایرانی در لبنان نیست؟ آیا سرنوشت این عزیزان وما، در بازی های سیاسی گم شده است؟ چگونه از گرفتاری در این کلاف درهم پیچیده رها خواهیم شد؟

اینک مسئولین را با وجدان شان تنها می گذاریم تا منصفانه بر آنچه بر ما گذشته، بیندیشند. آیا می پسندند که با خانواده های آنها چنین برخورد مشابه ای صورت گیرد؟ خانواده های ۴ گروهان ایرانی در لبنان

رسالت

ضمیمه ۴۵

۱۳۸۲/۶/۱۲

ران آزاد کیست و کجاست؟

طی چند سال اخیر، رسانه های صهیونیستی، مشخص شدن سرنوشت چهار گروهان ایرانی را منوط به ارائه خبری از ران آزاد کرده اند. در این باره که ران آزاد کیست و کجاست، تاکنون مطلب جامعی منتشر نشده است.

روزیست و سوم مهرماه سال ۱۳۶۵، ساعت ۳ بعدازظهر، چندین فروند هواپیمای جنگی «اف ۷» که از پایگاه هوایی داخل خاک فلسطین اشغالی برخاسته بودند، برای بمباران مواضع نیروهای فلسطینی و لبنانی در منطقه اشرفیه در جنوب شرقی شهر صیدا و همین طور اردوگاه آوارگان فلسطینی «المیه ومیه»، به حریم هوایی لبنان تجاوز کردند. با شدت گرفتن بمباران خانه‌های کوچک و ضعیف آوارگان، ضد هوایی‌های متعلق به گروه‌های مبارز، به مقابله با این تهاجم هوایی که کشته و زخمی شدن زنان و کودکان را به همراه داشت، پرداختند. در آن میان، جوانی فلسطینی که یک قبضه موشک ضد هوایی از نوعی که به دنبال حرارت هواپیما می‌رود - بردوش خویش داشت، پس از نشانه روی و شلیک به موقع، موفق شد یکی از هواپیماهای فانتوم را هدف قرار دهد. پس از آن که هواپیما مورد اصابت موشک قرار گرفت، دو سرنشین آن سراسیمه و به سرعت دکمه «اجکت» پرتاب‌صندلی را فشار دادند که با انفجاری خفیف، از داخل هواپیما به بیرون پرتاب شدند. به دنبال سقوط هواپیما، خلبان و کمکش، به وسیله چتر نجات، در دو منطقه جداگانه در داخل خاک لبنان فرو آمدند. هلی‌کوپترهای جنگی رژیم صهیونیستی که مشغول گشت‌زنی در نزدیک آنجا بودند، پس از اخذ دستور، به سرعت به محل فرود یکی از خلبان‌ها شتافتند و توانستند او را قبل از این که به دست نیروهای مبارز بیفتد، سوار کرده و از مهلکه نجات دهند.

به محض سقوط هواپیما و انفجار آن، تلاش نیروهای شبه‌نظامی لبنانی و فلسطینی که از بمباران خانه و کاشانه خویش عصبانی بودند، برای ردگیری و دستگیری خلبانان آن آغاز شد.

ران آراد ۲۸ ساله، که در یک باغ فرود آمد، بر اثر شدت ضربه وارده، آرنج دست چپش شکست و دقایقی بعد نیروهای گروه «مقاومت مومنه» - منشعب از سازمان امل - به رهبری مصطفی دیرانی، که در یکی از روستاهای اطراف به نام «زغداریا» مستقر بودند، سر رسیدند و زودتر از فلسطینی‌ها، او را به اسارت خود در آوردند. بر حسب اتفاق، محلی که آراد در آنجا فرود آمده بود، خط تماس (خط مقدم نبرد) جنگ داخلی سازمان امل و سازمان‌های فلسطینی بود.

۳ ساعت بعد، آراد که از شکستگی دست رنج می‌برد، سوار بر اتومبیلی شخصی، در حالی که چند ماشین دیگر حامل نیروهای مسلح او را اسکورت می‌کردند، از صیدا به طرف بیروت حرکت داده شد. در طی مسیر، دژبانی‌ها و پست‌های بازرسی گروه‌های مختلف مسلح از جمله ارتش لبنان قرارداداشتند. ماشین حامل آراد، قبل از رسیدن به یکی از این پست‌ها، سعی کرد تا باروشن و خاموش کردن

چراغ‌های جلو، بفهماند که مجروح دارد و نمی‌تواند بایستد، ولی نیروهای ارتش، به سمت کاروان در حال عبور شلیک کردند اما به کسی آسیبی نرسید.

دقایقی بعد در «افران‌الرمیله» (نان‌فروشی رمیله) که همه خودروهای کاروا اسکورت به هم ملحق شدند، برای رعایت جوانب امنیتی، آراد در خودرویی دیگر قرار گرفت و به سمت بیروت حرکت داده شد. در بیروت، خلبان مجروح را مستقیماً به خانه شخصی مصطفی دیرانی مسئول وقت کمیته امنیت سازمان امل - بردند. ساعتی بعد که اضطراب و ترس آراد فروکش کرد، با پسر دو سال و نیمه دیرانی به بازی و سرگرمی مشغول شد. ساعت ۱۰ شب، به دلیل شدت جراحی، به یکی از درمانگاه‌ها برده شد که دکتر ارتوپد در محل کار خود حضور نداشت. پس ۱ دقایقی با پی‌گیری‌های زیاد، دکتر از منزل خود به بیمارستان آمد و دست‌چپ خلبان اسرائیلی را گچ گرفت و مداوا کرد.

سازمان امل، در اولین روزها مدعی شد که رزمندگانش موفق شده اند هوایم‌ای جنگی اسرائیلی را ساقط کنند و خلبان آن‌را به اسارت در آورند، ولی سازمان فلسطینی فتح (گروه ابونضال)، این ادعا را رد کرد و گفت: «ما هوایم‌ای اسرائیلی را باموشک زدیم ولی چون خلبان آن در نزدیکی خطوط نیروهای امل فرود آمد، آنها نتوانستند او را اسیر کنند.»

از همان روز به بعد، رژیم صهیونیستی - که برای حفظ روحیه نیروهای مسلح و بخصوص خلبانانش اهمیت بسیاری قائل است و همواره سعی دارد تا از هر عملی که باعث تضعیف روحیه جنگی و جنایتکار آنان شود، جلوگیری کند - پیدا کردن و کسب خبر از ران آراد را بهانه بسیاری از جنایاتش قرارداد.

در نیمه شب ۶ مرداد ماه سال ۱۳۶۸، هلی‌کوپتر متعلق به ارتش اسرائیل، در محوطه‌ای باز در مرکز شهر «جیشیت» در جنوب لبنان فرود آمد و در میان ترس و اضطراب مردم نیروهای کماندویی ویژه، به آپارتمانی که در آن نزدیکی قرار داشت، هجوم بردند. پس از شکستن در ورودی طبقه دوم ساختمان، در میان وحشت زن و فرزندان، اقدام به ربودن حجت‌الاسلام شیخ عبدالکریم عبید - امام جمعه جیشیت - نموده و پس از انتقال او به هلی‌کوپتر، با سرعت هر چه تمام‌تر، به داخل فلسطین اشغالی پرواز کردند. بهانه اسرائیل برای این آدم‌ربایی جنایتکارانه، این بود که مدعی شدند شیخ عبید دستور نقل و انتقال آراد را داده است.

چند سال بعد، در نیمه شب ۳ خرداد ۱۳۷۳، مصطفی دیرانی در حالی که در جمع خانواده خود خفته بود، با صدای هلی‌کوپترهایی که بر تپه‌ای نزدیک روستای «قصرنبا» در دره بقاع فرود آمده بودند، از خواب پرید، ولی تابخواهد اسلحه‌کمری را از زیر بالش خود بردارد، با عکس‌العمل کماندوهای «تیپ ویژه

گولانی» که وظیفه اصلی شان این گونه آدم ربایی ها بود۔ بر بالین خود روبه رو شد و در میان بهت و وحشت زن فرزندانش، به داخل هلی کوپتر برده و از آنجا به پایگاهی نظامی در فلسطین اشغالی منتقل شد. در آن میان، برادر وی از پنجره خانه شان که مقابل خانه مصطفی بود، با تفنگ شکاری اقدام به تیراندازی به سمت صهیونیست ها کرد که با پاسخ شدید آنان ر به رو شد، ولی به کسی آسیبی نرسید. پس از چند سال که از آدم ربایی های رژیم صهیونیستی می گذشت، سرانجام در خرداد ماه سال ۱۳۷۹ دادگاهی نظامی در حصار از نیروهای امنیتی، برای رسیدگی به پرونده عبید و دیرانی تشکیل شد. در این فاصله اخبار متناقضی از سرنوشت آزاد منتشر می شد. خرداد ماه سال ۱۳۷۳ (روزنامه «نداء الوطن» چاپ بیروت، بدون اشاره به زمان و مکانی خاص، نوشت: «ران آزاد به هنگام فرار از محل بازداشت خود، از سوی نگهبانانش هدف شلیک قرار گرفته و کشته شده است.» این روزنامه در ادامه نوشت: «آراد هنگامی که در اسارت عناصر منشعب از سازمان امل به رهبری مصطفی دیرانی بود، به قتل رسیده است.» شهریور سال ۱۳۷۵ رادیو رژیم صهیونیستی به نقل از روزنامه اسرائیلی یدیعوت آحارونوت، اعلام کرد: «هرگونه اطلاعات در مورد دیپلمات های ایرانی ربوده شده در لبنان، می تواند اطلاعات متقابلی در مورد ران آزاد به همراه داشته باشد.»

مجله «نیستان» چاپ تهران نیز، در شماره فروردین ماه سال ۱۳۷۶ خود، مدعی شد که ران آزاد در اسارت سوریه به سر می برد .

اسرائیل همواره تلاش دارد تا این گونه وانمود کند که آراد توسط حزب الله لبنان ربوده شده و در اختیار ایران است. ولی حزب الله نیز در مقابل، هرگونه ارتباط خود را با این قضیه رد کرده است و دلیل صحت این مطلب نیز این است که اگر خلبان اسرائیلی در دست حزب الله بود، این حزب به راحتی می توانست بر سر آن معامله کرده و بهای گزافی از اسرائیل طلب کند، کما این که در گذشته نیز شاهد بوده ایم در ازای تکه های بدن چند سرباز متجاوز اسرائیلی، حزب الله توانست صدها تن از اسرای خود را از چنگال این رژیم آزاد کند.

شیخ عبدالکریم عبید، از مسئولین حزب الله در جنوب لبنان که در اسارت به سر می برد، خرداد ماه سال ۱۳۷۹ در مصاحبه با روزنامه اسرائیلی «معاریو»، ضمن تاکید بر این که هیچ ارتباطی با اسارت خلبان اسرائیلی ندارد و بی جهت ربوده شده است، گفت: «آراد گروگان حزب الله نبوده و به همین دلیل امیدی برای آزادی او از طریق ربودن من وجود ندارد، بلکه برعکس، این امر ممکن است اوضاع را پیچیده تر کند.»

ضمیمه ها □ ۴۶۱

مصطفی دیرانی نیز روز پنجشنبه ۱۹ خردادماه ۱۳۷۹ در مصاحبه با همین روزنامه، گفت: «من نمی دانم آراد زنده است یا مرده و نمی دانم او در حال حاضر کجاست، ولی به نظر من تا وقتی مرگش ثابت نشود، زنده است.»

دیرانی درباره وضعیت آراد در اولین ساعات اسارت، گفت: «اولین بار که او را دیدم، پس از سقوط هواپیمایش بود، چند ساعت بعد او به خانه من در بیروت منتقل شد. من به او لباس و غذا دادم و او با پسر من که در آن موقع دوساله و نیم بود، بازی کرد.»

دیرانی همچنین تحویل خلبان اسرائیلی به عوامل ایران در بعلبک در مقابل ۳۰۰ هزار دلار را تکذیب کرد و درباره گم شدن آراد گفت: «ارتش اسرائیل به منطقه «میدون» در دره بقاع حمله کرد و ده هاتن کشته و زخمی از مردم عادی برجای گذاشت. نگهبانان آراد که از نیروهای امل بودند، برای جویاشدن از احوال نزدیکان شان، او را ترک کردند و پس از بازگشت متوجه شدند که آراد نیست و پیدایش نکردند.»

دیرانی مدعی شده که بعدا شنیده است یک گروه ایرانی از ترس این که اسرائیل عملیات تهاجمی برای نجات آراد انجام دهد، خلبان اسرائیلی را از مخفی گاه سازمان امل ربوده اند. وی برای ادعای خود هیچ دلیل و مدرک مستندی ارائه نداده است. البته این امر می تواند عکس العملی در برابر خبر کشته شدن ران آراد توسط نیروهای سازمان امل باشد و این که خود را از این اتهام مبرا کند. هر آنچه هست، نشان از آن دارد که رژیم صهیونیستی برای یافتن ران آراد، اهمیت قائل شده و حتی دست به آدم ربایی آشکار زده است، و همواره در برابر اذهان و افکار جهانی، جنایتکار جنگی خود را که تنها برای ریختن بمب بر سر مردم بی گناه، به لبنان تجاوز کرده بود و البته بار اولش نبود که خانه و کاشانه مردم لبنان را بمباران می کرد. مفقودی مظلوم جلوه می دهد و این گونه تبلیغ می کند که ایران وی را ربوده و نگه دار می کند. ولی تا به امروز سازمان های اطلاعاتی عریض و طویل اسرائیل موساد، و آمریکا، سیا، هیچ سند موثقی بر این ادعای خود ارائه نداده اند.

۲۴ مهرماه سال ۱۳۷۷، روزنامه «البیان» چاپ امارات، خبر داد که یک گروه اسرائیلی به سرپرستی «شین» برادر ران آراد، به دنبال جمع آوری یک میلیون امضا توسط پست الکترونیکی هستند تا به این وسیله از سید محمد خاتمی رئیس جمهوری اسلامی ایران، بخواهند که ایران برادرش را آزاد کند!

۴۶۲ □ کمین جولای ۸۲

چندی پیش نیز خبرگزاری‌ها از قول رابط آلمانی میان حزب‌الله لبنان و اسرائیل برای تبادل اسرای‌شان، نوشتند: «هم چهارگروگان ایرانی و هم ران آراد کشته شده‌اند و موضوع آنها از پرونده تبادل اسرا خارج شده است.»

این امر، با مخالفت خانواده‌های گروگان‌های ایرانی روبه‌رو شد، چراکه هیچ سند موثقی مبنی بر شهادت آنان ارائه نشده است.

حمید داودآبادی

خبرگزاری مهر

ضمیمه ۴۶

۱۳۸۲/۶/۳۱

ران آراد در تهران است؟!

مطبوعات وابسته به رژیم صهیونیستی، در طی هفته‌های اخیر که بحث بر سر تبادل اسرا در لبنان و اسرائیل بالا گرفته است، دست به جوسازی گسترده‌ای زده‌اند تا به این وسیله درانظار جهانیان، این‌گونه مطرح کنند که خلبان صهیونیست که سال ۱۳۶۵ هنگام بمباران جنوب لبنان، توسط فلسطینی‌ها هواپیمایش ساقط شد و خود به اسارت نیروهای لبنانی درآمد، در دست ایران می‌باشد. با توجه به بالاگرفتن جوتبلیغاتی رسانه‌های گروهی وابسته به اسرائیل مبنی بر حمله احتمالی این کشور به تاسیسات هسته‌ای ایران، این امر چندان دور از ذهن نمی‌باشد که آمریکا و اسرائیل، پس از سوایبی در حمله به عراق، به دنبال محمل مناسبی برای تجاوز به ایران باشند که مسئله اسارت ۱۸ ساله یک خلبان اسرائیلی می‌تواند بهترین نقش را ایفا کند.

سال‌ها پیش از این، در سال ۱۳۶۱ هنگامی که اسرائیل قصد تجاوز به خاک لبنان را داشت، به دنبال بهانه‌ای مناسب بود که با ترور «شلومو آرگوف» سفیر اسرائیل در لندن، توسط تروریستی از گروه ابونضال، این کار انجام شد و باعث شد تا به امروز بخش‌های بسیاری از خاک لبنان در اشغال صهیونیست‌ها باشد و ده‌ها هزار نفر کشته و مجروح برجای بماند.

در حالی که حزب‌الله لبنان خود را برایتحویل ۴ اسیر اسرائیلی در نزد خود، آماده می‌کند تا در قبال آن، اسرای لبنانی و فلسطینی را آزاد کنند، اسرائیل به دنبال بهانه‌ای است تا در این تبادل، تعداد کم‌تری از

اسرایی را که سال‌هاست در بدترین شرایط جسمی و روحی نگه داشته‌است، آزاد کند. از سوی دیگر، چندی پیش آریل شارون اظهار داشت که برای این تبادل می‌شود زندانی‌های ایرانی را که در کشورهای اروپا به سر می‌برند و ایران از آزادی آنها خشنود خواهد شد، به حساب آورد، که این امر اعتراف صریحی مبنی بر اعمال نفوذ صهیونیسم بردستگاه قضائی کشورهای مورد نظر می‌باشد. این اعتراف شارون، چند موضوع را برجسته می‌سازد:

اول این که اسرائیل نمی‌خواهد تمامی اسرای لبنانی و غیرلبنانی را آزاد کند که مهم‌ترین آنها شیخ عبدالکریم عبید و مصطفی دیرانی می‌باشند که به تلافی مفقود شدن ران آراد، طی عملیات آدم‌ربایی، شبانه از داخل خانه‌های شان ربوده شده‌اند.

دوم این که اسرائیل با این جوسازی می‌خواهد مسئله بسیار مهم ۴ گروگان ایرانی را که سال ۱۳۶۱ توسط نیروهای فالانژیست وابسته به اسرائیل در لبنان ربوده شده‌اند، و بنا بر تاکید حجت الاسلام والمسلمین سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان، بخشی مهم از پرونده تبادل اسرا را تشکیل می‌دهند، تحت الشعاع قرار داده و منتفی کند. این که سرنوشت ۴ شهروند ایرانی که ۲۱ سال است توسط مزدوران اسرائیل ربوده شده‌اند، معلوم شود، کم‌مسئله‌ای نیست. ولی اسرائیل با پیش کشیدن مسئله ران آراد، قصد دارد تا در حالی که خود به خوبی از مرگ وی آگاه است، ماجرای این بزرگ‌ترین گروگان‌گیری تاریخ (پس از امام موسی صدر) را به فراموشی بسپارد.

طی چند سال گذشته، اظهارات مختلفی پیرامون سرنوشت این چهار گروگان مطرح شد که مهم‌ترین آن سخنان احمد حبیب‌الله رئیس کمیته حمایت از زندانیان محبوس در اسرائیل است که مدعی شد ۳ نفر ایرانی به همراه راننده شان، در زندان «رفح» اسرائیل وجود دارند. اسرائیل نیز به طور غیرمستقیم وجود آنها را در زندان رفح پذیرفت، ولی تا به امروز هیچ‌گونه آمار و مشخصاتی از آنان ارائه نداده است.

بر اساس اسناد موجود، در روز ۱۴ تیرماه سال ۱۳۶۱، نه تنها احمد متوسلیان، کاظم اخوان، سیدمحسن موسوی و تقی رستگار مقدم، به اسارت فالانژیست‌ها درآمده‌اند، که سه نفر دیگر نیز در همان روز اسیر شده‌اند. با این حساب، حداقل ۷ ایرانی باید در اختیار رژیم صهیونیستی باشد که از اعلام وضعیت آنان خودداری می‌کند.

پافشاری اسرائیل بر سر مسئله ران آراد و ادعای این که او در زندانی در تهران به سر می‌برد، می‌تواند محملی برای منحرف ساختن اذهان عمومی و امتیازگیری بیشتر در تبادلهای آتی باشد، و این که

بادست‌پرتر و قدرتمندانه‌تر به پای میزتبادل بیایند. در این میان، ارنست اورلاو میانجی‌آلمانی که بین حزب‌الله و اسرائیل مشغول تبادل نظر است، اظهارات ضدونقیضی داشته‌است که مهم‌ترین آن اعلام کشته‌شدن گروگان‌های ایرانی و همین‌طور ران آراد، و خارج‌ساختن نام‌آنها از پرونده تبادل‌اخیر بود.

آنچه مسلم‌است، برای اسرائیل، نه‌سرنوشت آراد و سه سرباز صهیونیست مهم‌است، که آزادی سرهنگ برجسته حنان تینیاوم (مشاور امنیتی نخست‌وزیر اسبق رژیم صهیونیستی، که قصد نفوذ در حزب‌الله لبنان را داشت و طی عملیات اطلاعاتی و امنیتی بسیار پیچیده و مهم، پس از سفر از یکی از کشورهای اروپایی به بیروت، توسط کمیته امنیتی حزب‌الله بازداشت شد). بسیار حائز اهمیت می‌باشد. این که تاکنون وی چه گفته و چه اعترافات مهمی داشته‌است، چیزی است که رژیم صهیونیستی را تحت فشار شدید قرار داده‌است.

گذشته رژیم صهیونیستی به‌خوبی نشان می‌دهد که جنایتکاران صهیونیست، به‌هیچ‌وجه در گفتار و اعمال‌شان صداقت ندارند و اگر امروز از موضعی ضعیف‌تر از قبل، با حزب‌الله سخن می‌گویند و حاضرند تا صد هاتن از اسرا را آزاد کنند، فقط و فقط به‌دلیل ارزش امنیتی اسرای آن‌است، و چه بسا پس از آزادی آنان، مجدداً دست‌به‌خباثت و جنایت بزنند که دبیرکل حزب‌الله لبنان در اظهارات اخیر خود، این مسئله را گوشزد کرد و گفت که حزب‌الله هرگاه بخواهد، همان‌گونه که تاکنون اقدام کرده‌است، سربازان بیشتری از ارتش اسرائیل را اسیر خواهد کرد، که این مسئله هراسی در دل نیروهای نظامی اسرائیل به‌وجود آورده‌است. با وجود این‌مباحث، آنچه مهم‌است، سرعت عمل و بی‌گیری قدرتمندانه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در مورد سرنوشت ۴ گروگان‌مظلوم ایرانی‌است.

این که ران آراد چه شده و کجاست؟ مسئله‌ای است که به اسرائیل مربوط است و ما نباید بر سر این موضوع، زیاد سرگرم شویم.

حمید داودآبادی

خبرگزاری مهر

ضمیمه ۴۷

۱۳۸۳/۲/۱۷

سرنوشت چهاردیپلمات ایرانی و ۲۲ سال ابهام

در طی ۲۲ سال گذشته، در مطبوعات، اخبار ضدونقیضی درباره گروگان‌های ایرانی منتشر شده است که نگاهی به آنها، فهرستی از عاملین این جنایت بشری را به دست می‌دهد.

به راستی، جوانب گوناگون این مسئله، چنان‌که باید و شاید، بررسی و پی‌گیری شده است؟ این روزها، اخباری که از لبنان می‌رسد، حکایت از تبادل اسرای باقی‌مانده لبنانی در چنگال اسرائیل دارد. چندی پیش نیز که وزیر امور خارجه دکتر کمال خرازی، به همراه نمایندگانی از خانواده‌های گروگان‌ها سفری به لبنان داشت، مسئولین لبنانی و بخصوص کریم بقرادونی رئیس حزب کتائب، اعلام کردند که اطلاعات جدید و مهمی از گروگان‌های ایرانی دارند که از چند و چون آن خبری منتشر نشد و حتی خانواده‌ها نیز از آن اطلاعات ظاهر مهم، بی‌اطلاع ماندند.

نگاهی سطحی به اخبار منتشر شده در این زمینه، سوالات بسیاری را در ذهن ایجاد می‌کند و سرنوشت گروگان‌های ایرانی را بیش از پیش در ابهام فرومی‌برد. برای روشن شدن وضعیت آنان، باید مقام مسئولی پیدا شود تا به این سوالات پاسخی روشن بدهد:

۱- چرا هیچ‌کس از سفارت ایران در پاریس، سراغ «روبرت-روبرت-مارون حاتم» با نام مستعار «کبرا»، از سرکردگان فالانژیست‌ها که اکنون در فرانسه سکونت دارد، و مدعی است شاهد قتل چهار گروگان ایرانی بوده، نرفته است؟

۲- چرا کسی سراغ «عیسی ایوبی» از کارمندان روزنامه لبنانی الدیار که به هنگام بازداشت دیپلمات‌های ایرانی با آنان در زندان بوده، نرفته و از آخرین اخبار و اطلاعات مربوط به گروگان‌ها را نگرفته است؟

۳- چرا کسی پی‌گیر نمی‌شود که «ایلی-الیاس-حیقه» از فرماندهان فالانژیست‌ها، که دو سال پیش در لبنان کشته شد، چه نقشی در اسارت گروگان‌ها داشته است؟

۴- چرا هیچ‌کس سراغ «احمد حبیب‌الله-ابوهشام» دبیرکل کمیته حمایت از زندانیان محبوس در زندان‌های اسرائیل، که طی چند نوبت کنفرانس مطبوعاتی که با حضور خبرنگاران رسانه‌های منطقه‌ای و جهانی، ضمن اظهار نظری رسمی اعلام کرد: «سه نفر ایرانی در زندان عتلیت واقع در شمال تل‌آویو اسرائیل به سر می‌برند.» نرفت تا این‌که بنا بر برخی اطلاعات، وی در حادثه مشکوکی فوت کرد.

و چرا کسی سراغ پسر او که مدعی است پدرش درباره گروگان‌های ایرانی، اطلاعات مهمی داشته، نمی‌رود؟

۵- مگر در سال ۱۳۷۶ پس از ادعای احمد حبیب‌الله، اسرائیل قبول نکرد که سه نفر ایرانی به همراه راننده‌شان، در زندان عتلیت به سر می‌برند، پس چه شد؟ این سه نفر که بنابر اخبار منتشره، در چنگ صهیونیست‌ها به سر می‌برند، چه کسانی هستند؟ چرا اسامی‌شان اعلام نمی‌شود؟

۶- آن زندانی سابق فلسطینی که مهرماه ۱۳۷۶ مطبوعات خبر دادند که پس از آزادی از زندان عتلیت اسرائیل، ضمن تماس با دفتر سازمان عفو بین‌الملل در لندن، اعلام کرده که در زمان اسارتش، یک‌بار در سال ۱۳۷۴ گروگان‌های ایرانی را به چشم خود دیده، کجاست؟ چرا کسی با او مصاحبه نکرد؟

۷- سازمان حقوق بشر اسلامی چه اقدام قاطعی برای پی‌گیری وضعیت این گروگان‌ها انجام داده است؟
۸- چرا کسی سراغ «استیو ناقور» و «گابریل بستانی» معروف به «گابی»، از عاملین دستگیری دیپلمات‌های ایرانی، که در حال حاضر در استرالیا زندگی می‌کنند، نمی‌رود؟

۹- «جورج یونس» با نام مستعار «ابونا» و «جورج صباغ» ملقب به «ابوایمن» که رویبر حاتم مدعی است عاملین اصلی کشتار دیپلمات‌های ایرانی می‌باشند، کیستند و کجا هستند؟ در لبنان یا خارج از آن؟ چه کسی مسئول است که رد آنان را بگیرد پاسخی قانع‌کننده به خانواده گروگان‌ها بدهد؟!

۱۰- چرا کسی سراغ «جورج سوری» از اعضای فالانژها که خود روی دیپلمات‌های ایرانی را برای صحنه‌سازی پس از گروگان‌گیری، از محل حاجز بر باره به شهر بندری طرابلس در شمال لبنان منتقل کرد، نمی‌رود؟

۱۱- واقعاً چرا سرنوشت چهار گروگان ایرانی، که برای یاری رساندن به مسلمانان مظلوم لبنان عازم آن سامان شدند و خطرات را به جان خریدند، برای مجامع جهانی، از سرنوشت ران آراد خلبان جنایتکار اسرائیلی که هنگام بمباران مناطق غیر نظامی لبنان هواپیمایش ساقط شد، پیش پا افتاده‌تر است؟

۱۲- چرا مسئولین سیاست خارجی جمهوری اسلامی، بر ناپدید شدن چهار شهروند ایرانی - که بر طبق بعضی اظهارات و اطلاعات، تعدادشان بیشتر از این می‌باشد - حساسیتی را که باید، نشان نمی‌دهند؟

۱۳- منابع امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین که اسفند سال ۱۳۷۶ اعلام کردند دیپلمات‌های ایرانی هم‌اکنون در زندان نفحه واقع در ۹۵ کیلومتری مرز مصر با فلسطین به سر می‌برند و از سال ۷۲ پس از

گذراندن سه سال حبس در زندان صرفند به زندان نفعه منتقل شده‌اند، کیستند و کجایند؟ چه کسی باید سراغی از آنان بگیرد؟

۱۴- چراکسی با «نادر سکر» از اعضای فرماندهی فالانزیست‌ها هنگام اسارت گروگان‌های ایرانی، که در حال حاضر مسئول برنامه‌های سیاسی شبکه ماهواره‌ای «ال.بی.سی» لبنان است، مصاحبه نمی‌کند؟ مگر نه این‌که او مدعی است گروگان‌ها به سمیر جعجع تحویل شده‌اند؟ مگر نه این‌که نادر سکر پیش از این، جهت ملاقات با سفیر ایران در لبنان، اعلام آمادگی کرده است، پس چه شده؟

۱۵- آیا نباید کسی سراغ «ماریو سیموندس» لبنانی یونانی تبار، که به اتهام قاچاق مواد مخدر، در زندان یونان به سر می‌برد، و در زمان گروگان‌گیری، مامور پی‌گیری پرونده ۴ ایرانی بوده است، برود؟

۱۶- اظهارات «راجی عبدو» درگفت‌وگو با مطبوعات عرب‌زبان، که مدعی است اخبار دقیقی از کشته‌شدن گروگان‌ها دارد، تا چه حد قابل اعتناست، و آیا نباید کسی از ایران سراغ او، که در حال حاضر در خارج از لبنان به سر می‌برد، برود و منتظر نشینیم که رسانه‌های خارجی بر اهمیت موضوع گروگان‌های ایرانی تاکید کنند. نگاهی به اخبار و مقالات منتشر شده در طی ۲۲ سال گذشته موبد این مسئله است که اهتمام نشریات خارجی نسبت به پی‌گیری پرونده چهارگروگان ایرانی، بسیار بیشتر از توجه محافل و رسانه‌های گروهی بخصوص مطبوعات ایرانی بوده است.

حمید داودآبادی

خبرگزاری مهر

تصاویر

